

دیوان قاضی برهان الدین

م. کریمی

زنجان – 1393

مشخصات کتاب و ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

ایچینده کیلر:



قاضی احمد برهان‌الدین

قاضی برهان‌الدین، یکی از برجسته‌ترین نمایندگان تاریخ ادبیات آذربایجان است که در برپائی ادبیات کلاسیک نقش بسرائی داشته و در عین حال که شاعری بزرگ و دارای خلاقیت شعری شگرفی است، سلطانی توانمند و مقتدر، همچنین فقیهی عالم و مسلط بر علوم اسلامی بوده است و نقش بسیار ارزشمندی در حوزه‌ی ادبی، فقهی و تاریخی آذربایجان ایفا کرده است.

قاضی برهان‌الدین شاعر سه زبانه‌ی آذربایجان و یکی از نوابغ مشرق زمین است. با این حال، ادیبان ما بررسی اشعار و خدمات علمی – ادبی این اعجوبه‌ی دهر، بسیار سهل انگاری کرده‌اند؛ بویژه آنکه برخی او را نخستین شاعرِ کلاسیکِ آذربایجان می‌شمارند و فراموش می‌کنند که پیش از او شاعران بزرگی چون: شسخ عزّالدین حسن‌اوغلو، خواجه احمد فقیه، یوسف مدّاح، خواجه علی خوارزمی، خواجه دهّانی و دیگران وجود داشته‌اند. هر چند که آثار آنان بیشتر مثنوی بوده و برهان‌الدین غزلسراست، اما نام نبردن از آنان، غفلتی نابخشودنی است

قاضی احمد برهان‌الدین، بعد از نظامی گنجوی و پیش از عمادالدین نسیمی، بزرگترین دیوان غزلیات ترکی را آفریده و ضمن ارتقای زبان ادبی آذربایجان، نام خود را در تاریخ ادبیات ما جاودانه کرده است. او در ماه رمضان سال 722 ق مصادف با 1344م در شهر قیصریه به دنیا آمد. اجداد احمد، نسل اندر

نسل مسند قضاوت شهر قیصریه و ولایات همجوار را بر عهده داشته‌اند. در دیوانش نیز اشاره‌های فراوان بدین موضوع وجود دارد. ادیبان زبان ترکی، با آنکه محل زندگی و پرورش برهان‌الدین آناتولی بوده، اما به دلیل حاکم بودن روح زبان ترکی آذری بر دیوانش، او را جزو شاعران آذربایجانی می‌شمارند.[1] این سخن را مورّخ عرب ابن حجر هم به استناد استاد کؤپرولو بیان می‌کند. نام شاعر احمد، لقبش ابوالعباس و تخلصش برهان‌الدین است. خود نیز از قبیله‌ی سالور – یکی از طوائف اوغوز می‌باشد. خانواده‌ی برهان-الدین اهل علم و فضل بوده و از کمالات علمی برخوردار و دارای شهرت خوب و از مقامات مهم دولتی بویژه مسند قضاوت را به مدت چندین دهه در آن مناطق داشته‌اند. اجداد وی از آن جمله: جلال‌الدین حبیب، حسام‌الدین حسین، سراج‌الدین سلیمان و . . . در خدمت علاءالدین – بانی حکومت ارتنه اوغوللاری بوده و خدمات ارزشمندی را ارائه داده‌اند.

برهان‌الدین هنوز کودکی بیش نبود که مادرش را از دست داد و زیر نظر پدر تربیت کاملی را بدست آورد. پدر وی با نزدیک شدن سالهای بحرانی 736ه/ 1356م او را به شام می‌فرستد. احمد از این امکانات بهره گرفته و تحصیلات کاملی را از سر گذرانده است. او، همراه با آموزش علم، به هنرهای رزمی نیز مسلح می‌گردد. سپس به مصر رفته و ادامه‌ی تحصیل می‌دهد و علوم مختلفی همچون فقه، طب، نجوم، هیئت و غیره را فرا می‌گیرد. پدرش برای تکمیل علوم زمان از هیچ تلاشی فرو گذاری نکرده و عالمان برجسته‌ی زمان را برای تربیت وی به استخدام درمی‌آورد. او نزد بزرگانی چون قطب‌الدین رازی زبان، الهیات و ریاضیات و . . . را فرا می‌گیرد. او همچنین به مراکز علمی آن زمان: مصر، سوریه، شام و حلب سفر می‌کند. برهان‌الدین در سن 21 سالگی با داشتن تحصیلات کامل به شهر خود باز می‌گردد و بر مسند قضاوت قیصریه تکیه می‌زند. در این اثنا، محمد بیگ حاکم قیصریه بعد از ده سال حکومت می‌میرد و فرزندش به دلیل صغر سنی نمی‌تواند زمامِ امورِ حکومتی را در دست بگیرد و برهان‌الدین، اداره‌ی کشوری را به گردن می‌گیرد. در همان زمان شهرهای قونیه، سیواس و دیگر شهرها را نیز ضمیمه‌ی قلمرو حکومتی می‌کند. در نبردهای سختی مشارکت کرده و شهامت‌ها نشان می‌دهد و شهرت می‌یابد و در سال 736 به وزارت می‌رسد و در نهایت در سال 759 بر تخت سلطنت می‌نشیند.

برهان‌الدین با داشتن قلمروی بزرگ شامل قیصریه، سیواس، قونیه و شهرهای همجوار آن، برای برپائی عدالت تلاش می‌کند و 17 سال تمام با اقتدار کامل حکمرانی کرده و بخش بزرگی از عمرش را صرف آبادانی و امور سیاسی سرزمینهای آناتولی می‌کند. در عین حال با آغاز یورشهای امیرتیمور، سعی می‌کند حکومتهای کوچک آناتولی – عثمانی، قارامان و تورکمن – را به اتحاد در برابر امیرتیمور فرا خواند و در

[1] محمد فواد کؤپرولو، قاضی احمد برهان الدین، استانبول، 1928.

این راه از هوش و فراست بالای خود بهره می‌گیرد. بطوری که سلطان مراد دوم، حاکم قیزیل اوردو – سلطان توختامیش را نزد او می‌فرستد. این امر نشان می‌دهد که سلطان بزرگی چون او، به رای و تدبیر و لیاقت برهان‌الدین باور داشته است. او تمام همّت خود را در برابر امیرتیمور به کار برده و او را به دور شدن از سرزمینهای خویش وادار می‌کند.

سلطان احمد برهان‌الدین، بعد از آن با امرای قارامان، آماسیا، ارزنجان و تورکمن نبرد کرده و آنان را مغلوب و سرزمینهایشان را ضمیمه‌ی خاک خود می‌کند. تاریخ نشان می‌دهد که برهان‌الدین در سال 746 بر امیر آماسیا غالب گشته و قلعه‌ی تورهال را تسخیر کرده است. به فتح ارزنجان دست یافته و فتوحات مختلفی را انجام داده است و در نهایت در زمان سلطان احمد قاراقویونلو در مصاف با قارایولون عثمان بیگ در جنگ سال 776 / 1398م در میدان جنگ کشته شده است.

قبر قاضی برهان‌الدین امروز در سیواس موجود است. او را پسری و دختری بود که فرزندش محمد چلبی بر جای پدر نشست و او نیز در جنگ کشته شد و دخترش حبیبه سلجوق خاتون در سال 850 وفات کرد و امروزه قبرش در سیواس موجود است.

سلطان احمد، نصف عمرش را در جنگ‌ها سپری کرده و برای برپائی عدالت تلاش کرده و با دشمنان کشورش جنگیده است. مورخان او را لقب ابوالفتح داده‌اند. مورّخ عزیز ابن اردشیر در تمام سفرهای او همراه وی بوده و حوادث دوران او را در کتابی مستقل ثبت و ضبط کرده است که این کتاب با نام "رزم و بزم" امروزه موجود است. در این کتاب، عقل و فراست برهان‌الدین به قلم کشیده شده و نشان می‌دهد که برهان‌الدین توانسته است برای آبادانی قلمروی خود مدارس، مساجد، پل‌ها، قلعه‌ها و عمارات مختلف برپا سازد و با رأی و تدبیر خویش در امنیت و آسایش مردمش مثمر ثمر باشد.

حکومت برهان‌الدین توسط فرزندش علم‌الدین علی چلبی ادامه می‌یابد. او علیه قاتل پدر اقدام کرده و با بایزید قارایولوق نیز نبرد می‌کند و او را شکست می‌دهد. اما این جنگ و نبردها ادامه یافته و نهایتا علی چلبی نیز کشته شده و خلفای عثمانی، تمام حکومتهای ملوک‌الطوایفی را برچیده و امپراتوری عثمانی را بنا می‌نهند. فراموش نمی‌کنیم که کتابهای تاریخی فراوانی از کارهای برهان‌الدین نوشته‌اند و ارزش زندگی و خلاقیت ادبی وی را فراموش نکرده‌اند. در تذکره‌ها و کتب تاریخی دوران، همواره از او یاد کرده‌اند، از جمله مورّخِ سده‌ی 16میلادی "تاش کؤپرولو" در کتاب "شقایق النعمانیه"، "خواجه سعدالدین" مورخ قرن 17 در کتاب "تجریدالتواریخ" و "کاتب چلبی" در کتاب "کشف الظنون" اطلاعات ارزشمندی را در باره‌ی قاضی برهان‌الدین و آثار ادبی وی ارائه کرده‌اند.

تذکره‌های قرن 16 و 17 از آرامش نسبی بوجود آمده در حکومت برهان‌الدین و مشغولیت ادبی برهان-الدین سخنها نوشته و آثار ادبی و غزلهای او را ستوده‌اند. اما در 150 سال گذشته، دیوان برهان‌الدین نظر

بسیاری از مستشرقین را به خود جلب کرده و آنان در ترجمه‌ی نمونه اشعار وی به رقابت برخاسته‌اند. این تلاشها در اواخر قرن 19 شدت بیشتری یافته و نوشتن چندین مقاله، ترجمه حال و بررسی غزلهای او شیوع یافته است. در سال 1895 شرقشناس بزرگ روس پ. مئلورنسکی در روزنامه‌ای، غزلهای برگزیده‌ای از دیوان برهان‌الدین را به روسی ترجمه کرده و در مقالات زیبایی که منتشر ساخته، خوانندگان روسی را با نام و اثر شاعر آشنا ساخته است. او بیش از 20 رباعی، 20 تویوغ و 4 غزل برهان‌الدین را به زبان روسی ترجمه کرده است.

پروفسور گیب دانشمند انگلیسی هم در سال 1900 در اثر "عثمانلی ادبیاتی تاریخی" برای اولین بار خوانندگان انگلیسی زبان را با آثار و زندگانی برهان‌الدین آشنا ساخته است.

جناب شهاب‌الدین و فؤاد کؤپرولو نیز از جمله نخستین پژوهشگران ترک هستند که آثار و زندگی برهان‌الدین را مد نظر قرار داده و در کتاب "یئنی عثمانلی تاریخ ادبیاتی" به بررسی اشعار و غزلیات شاعر پرداخته‌اند. در همین زمان بود که نمونه‌هایی از غزلهای برهان‌الدین منتشر گردید.

ف. گودسل ادیب آمریکایی در سال 1922 در مقاله‌ای با عنوان "برهان‌الدین تویوغلاری"، برهان‌الدین را به عنوان استاد مسلم فرم شعری تویوغ معرفی کرده و اطلاعات گسترده‌ای را در باره‌ی تاریخ ادبیات آذربایجان ارائه می‌دهد. در همین سال، ادیب ترک، جناب شهاب‌الدین هم اشعار برهان‌الدین را مورد مدّاقه قرار داده و در مقاله‌ای زیبا به معرفی او نشسته است.

از این به بعد دیوان کبیر برهان‌الدین از دست ادیبان و عالمان به زمین نمی‌افتد. در همین سال – 1922، دیگر عالم آمریکایی پرفسور ل. لئدویان گزیده‌ای از دیوان برهان‌الدین شامل: غزلیات، تویوغ ها و رباعیات را ترجمه کرده و منتشر می‌سازد. او در مقدمه‌ی اثرش، اشعار برهان‌الدین را چون شمشیری بُرنده و گیرا معرفی می‌کند.

در سال 1922 پروفسور کؤپرولو در اثری دیگر، غزلیات برهان‌الدین را مورد بررسی قرار داده و مضامین دینی را بیرون کشیده و به مقایسه می‌نشیند و زندگی مادّی و معنوی او را ارزیابی می‌کند. کؤپرولو در اثری دیگر نیز به همین موضوع می‌پردازد و از هر فرصتی برای پرداختن به زندگی و آثار شاعر بهره می‌گیرد. حتی در نشر دیوان مولانا فضولی، از پرداختن به آثار برهان‌الدین غفلت نکرده و باز هم سخن از برهان‌الدین را پیش می‌کشد. او در مقدمه‌ی اثر ارزشمند خود با نام"تاریخین منشأیندن اونونجو هجریه قَدَر تورک ادبیاتی" در سال 1926 اطلاعاتی ارزشمند در باره‌ی برهان‌الدین داده و با علاقه‌ای وصف ناپذیر به زندگی و آثار این شاعر می‌پردازد.

وصفی قوجا ماهر تورک، ادیب دیگر ترک، قاضی برهان‌الدین را با عمادالدین نسیمی مقایسه کرده و از تاثیر خلاقیت برهان‌الدین در آفرینش آثار نسیمی سخن می‌راند. او این تاثیرگذاری را در دیوان امیرعلیشیر نوائی نیز پیگیری می‌کند.

احمد کاباکلی نیز در تاریخ ادبیات 5 جلدی خود قاضی برهان‌الدین را به عنوان دارنده‌ی شمشیر و قلم می‌ستاید و ارزش ادبی اشعار او را نشان می‌دهد. از این پس دیگر ادیبان ترک مانند علی نهاد ترلان، سلیمان نزهت، محرم ارگین، ح. مازی‌اوغلو، نهاد سامی بانارلی، ع. آلپ ارسلان و دیگران مقالاتی با دیدی عمیق به رشته‌ی تحریر می‌کشند. بالاخره در سال 1943 فتو فاکسیمیله‌ی دیوان قاضی برهان‌الدین چاپ می‌گردد. به دنبال آن آلپ ارسلان 100 غزل برگزیده به همراه تویوغهای وی با مقاله‌ای زیبا منتشر می‌کند. محرم ارگین در سال 1980 دیوان کبیر برهان‌الدین را نشر می‌دهد. در سال 1976 در باکو نیز علیار صفرلی غزلیات برگزیده‌ای از دیوان شاعر را منتشر می‌سازد. ا. کریمسکی از ادیبان روس، م. قلیزاده، م. استابلوا و دیگران با نگارش مقالات علمی در این زمینه، ارزش ادبی و موقعیت ممتاز برهان‌الدین را در عرصه‌ی زبان و ادب آذربایجان نشان می‌دهند. تا اینکه در سال 1988 علیار صفرلی دیوان کامل برهان‌الدین را منتشر می‌کند.

اما در ایران برای اوّلین بار در سال 1358 در کتاب "ادبیات باستان آذربایجان" مقاله‌ای در زندگی و خلاقیت برهان‌الدین توسط زاقم این سطور منتشر می‌گردد. سپس در سال 1375 برگزیده‌ای از دیوان قاضی (باز توسط راقم این سطور) در زنگان چاپ و منتشر می‌شود و مقالات چندی در نشریات مختلف و در شهرهای تهران، تبریز، و زنگان چاپ می‌گردد. اینک دیوان کامل قاضی برهان‌الدین تقدیم می‌شود.

موضوع اصلی دیوان قاضی برهان‌الدین، عشق و زیبائی است. صفرلی در باره‌ی لیریکای شاعر می‌نویسد: شاعری که نغمه‌گر عشق و زیبایی‌هاست در اشعار خود دوست داشتن، ملاحت و جاذبه‌ی عشق انسان سده‌های میانی را به قلم آورده و از آزادی معنوی دل برای بیان این زیبایی‌ها حمایت کرده است. او با تصویر شادیها، با نیک‌بینی خاصی، داشتن رابطه‌ی خوب با دنیا و زندگی را به تصویر کشیده، خوانندگانش را به کامجویی از زیبایی‌های مادی و معنوی زندگی فرا خوانده و این موضوع را اساس شعر خو قرار داده است. این هنرمند بزرگ، با آفریدن سیمایی دوست داشتنی و دلنواز از یار، مانند نقّاشی زبردست و ماهر، با ترسیم زیبایی ظاهری و با جان بخشیدن به سیمای انسانی، دیدن زیبایی‌ها را هدف می‌گیرد. بنا به نظر شاعر، شعری که نتواند این زیبایی‌ها را نشان دهد نمی‌توان شعرش نامید:

اول گؤز کی، یوزون گؤرمه‌یه، گؤز دئمه آنا،
شول یوز کی، توزون سیلمه‌یه، یوز دئمه آنا.
شول سؤز کی، ایچینده، صنما، وصفون یوخ،

سن بادِ صبا توت آنی، سؤز دئمه آنا.

مردانگی و شهامت نیز در شعر شاعر بسیار برجسته است. شاعری که عمرش در میادین نبرد سپری شده، در میدان عشق و عاشقی نیز جوانمردان را به مبارزه می‌خواند، او را برای نبرد در راه برقراری حق و عدالت فرا می‌خواند و آنکه در بستر بمیرد مُرداری بیش نمی‌شناسد:

اؤزونو الشیخ گؤرَن سردار بولور،
ناالحق دعوی قیلان بردار بولور.
ار اول‌دور حق یولونا باش اوینایا،
دؤشکده اؤلن ییگیت مُردار بولور.

شعر قاضی برهان‌الدین در بستری از ادبیات شفاهی و کتبی جان می‌گیرد. او، از آفرینش بزرگانی چون یوسف بالاساغونلو، یونس امره، احمد یسوی، خواجه علی، حسن‌اوغلو الهام می‌گیرد و بر آفرینش اخلاف خویش مانند عمادالدین نسیمی، شاه اسماعیل خطایی، محمد فضولی و دیگران تاثیر می‌نهد.

قاضی برهان‌الدین شاعر، فقیه و سلطانی است که علاوه بر داشتن سلطنت بر کشوری آباد و امن، اشعار و نوشته‌هایی ادبی – فقهی به سه زبان دارد. امروز علاوه بر دیوان ترکی 600 صفحه‌ای که شامل 1320 غزل و صدها تویوق و رباعی است، دیوان کاملی متشکل از 200 غزل فارسی نیز دارد. در کنار این دو دیوان، دو اثر فقهی به زبان عربی دارد که امروز هم در حوزه‌های علمیه‌ی اسلامی معتبر بوده و تدریس می‌گردد. نام اوّلی "ترجیح التوضیح" و دومی "اکسیرالعادات فی اسرار العبادات" است. با این وصف، با نابغه‌ای از شرق مواجه هستیم.

در تاریخ ادبیات آذربایجان موضوع مهم دیگری هم وجود دارد و آن اینکه، سلاطین بسیاری هستند که همواره قلم بدست گرفته و شعر سروده‌اند. شاید در هیچ زبان و ادبیات دیگری چنین تعدادی از شاعران سلطان‌پیشه یا سلاطین شاعرپیشه یافت نشود. کمتر دیده شده است که در میان ملل دیگر، شاهان یا سلاطینی باشند که شاعران را مورد تفقّد قرار دهند؛ اما در آذربایجان بجای تشکیل مجالس‌الشعرا – که بیشتر گرد می‌آوردند تا مدح خویش را از زبان آنان بشنوند، – سلاطین آذربایجان برعکس، قلم بدست گرفته و خود شعر سروده و دیوان شعر تشکیل داده‌اند؛ حتی سلاطینی داریم که ساز بدست گرفته و با خواندن اشعار حماسی، سربازان و قشون را علیه دشمن تحریک کرده و آماده‌ی نبرد و جنگ می‌کرده‌اند. چنین سلاطینی که دارای استعدادهای هنری و شعری وافر بوده‌اند در آذربایجان کم نبوده‌اند. از جمله‌ی این سلاطین می‌توان نام چندی را برد:

سلطان حسین بایقارا

میرزا حسین بایقارا قدرتمندترین سلطان تیموری است که 40 سال تمام با اقتدار سلطنت کرد و وزارت خود را بدست وزیری مدبّر و کاردان چون امیرعلیشیر نوائی سپرد. او نیز شاعر و عالمی بزرگ بود و در زمان این سلطان و وزیر اعظم، نه تنها کشور و امپراتوری بزرگ دارای استحکام و امنیت فراوان بود، بلکه کارهای آبادانی کشور و رفاه مردم نیز در حد اعلاء پیش می‌رفت. آثار باقیمانده از امکانات آبادانی این زمان، هنوز هم در جای جایِ کشور پهناور ایران موجود است. صدها نمونه از این آثار، امروزه همچنان پا برجا هستند. از این گذشته، علوم و فنون، هنرها و ادبیات گسترشی فراوان یافت و علم و ادب همه‌گیر گشت. در این زمان شاعران، عالمان، منجمان، دانشمندان، فیلسوفان، خطّاطان، نقّاشانِ بسیاری در دربار گرد آمدند و دهها و صدها اثر علمی، هنری و ادبی پدید آوردند. همه‌ی فرزندان امیر تیمور اهل علم و ادب بوده‌اند که آثارشان امروز در هر گوشه از امپراتوری بزرگ وی قابل مشاهده است. سلطان حسین بایقارا، خود استعداد بزرگ شعر و هنر را دارا بود و دیوان ترکی وی بارها در کشورهای مختلف جهان از جمله در کشور ما چاپ و منتشر شده است.[1] اشعار او مورد تقدیر و توصیف شاعر بزرگ فارسی‌گوی عبدالرحمن جامی بوده است. نباید فراموش کرد که امیرعلیشیر نوائی نیز با نگارش 37 اثر به سه زبان از جمله‌ی نوابغ دنیاست. او علاوه بر احیاء زبان و ادبیات ترکی، بنیانگزار ادبیات تطبیقی در مشرق زمین هم هست. بیشتر آثار او به ترکی است.

جهانشاه حقیقی

جهانشاه حقیقی، سلطان بزرگ قره قویونلو در قرن هشتم و نهم هجری است که بناهای باشکوهی از تمدن و مدنیت فرهنگی را در پایتخت خود تبریز بنا نهاده است، مجموعه‌ی مسجد کبود که فیروزه‌ی اسلام می‌نامیدند نمونه‌ی برجسته‌ای از تمدن ترکمانان بشمار می‌آید. در کنار سلطنت پر شکوه و مقتدر خویش، دیوان پر حجمی به دو زبان ترکی و فارسی نیز از خود به یادگار نهاده است که بارها در کشورهای همسایه و وطن خود شاعر منتشر شده است.[2]

سلطان یعقوب آغ قویونلو

سلطان یعقوب بنیانگزار سلسله‌ی آغ قویونلو، اهل شعر و ادب بوده و در کنار جنگها و مبارزات استقلال طلبانه‌اش دارای ذوق شاعری بوده، علاوه بر تشویق شاعران و هنرمندان، خود نیز دارای استعداد

---

[1] سلطان حسین بایقارا، دیوان ترکی، تصحیح و تدوین: م. کریمی، تبریز، انتشارات نباتی، 1392.

[2] جهانشاه حقیقی، دیوان ترکی و فارسی، تصحیح و تدوین: م. کریمی، زنجان، انتشارات نیکان کتاب، 1394.

شعری بوده و دیوانی بیادگار نهاده است. در دربار او، ملک‌الشعرا حبیبی بالیده است که یکی از برجسته-ترین شعرای قرن نهم هجری است.

شاه اسماعیل خطائی

شاه اسماعیل صفوی در سنین نوجوانی یا تدبیر و خرد خویش سلطنت و امپراتوری بزرگ ایران را بعد از قرنها احیا کرد و با اقتدار بر تخت سلطنت نشست. او را باید از نوابغ جهان در عرصه‌های مختلف دانست؛ زیرا علاوه بر قدرت شاهی، از هنر نقاشی، خطاطی، موسیقی و سرودن شعر نیز بهره‌ی وافری داشت و از استعداد وی همه‌ی مورخان و محققان در حیرت مانده‌اند. سه مثنوی و یک دیوان ترکی از او بیادگار مانده است. او با آثار خود، نقطه‌ی عطفی را در تاریخ ادبیات آذربایجان پدید آورده است[1].

ناصرالدین شاه قاجار

جالب است که ناصرالدین شاه در طول سلطنت 50 ساله‌اش در عرصه‌های ادبی و هنری نیز زبانزد خاص و عام بوده است. او خود نخستین رمانها را در ایران ترجمه کرده است. هنر عکاسی و سینما را او به کشور آورده است. در زمان او کشور ایران نه تنها عقب مانده نبوده است بلکه جزو پیشروترین کشورهای جهان شمرده می‌شده است. آنچه باعث گشته نام او را در این کتاب در سلک شاعران سلطان یا سلاطین شاعر بیاوریم اشعار زیبای اوست که با ذوق وافری سروده و نام خود را در سلک شاعران نیز ثبت کرده است.

سلاطین یاد شده، علاوه بر میدان جنگ و اداره‌ی امپراتوری سرزمینهای وسیع، به هنرهای دیگری چون خطاطی، نقاشی و موسیقی نیز مجهز بوده‌اند؛ یا در شطرنج و بازیهای ورزشی هم شهره‌ی عالم بوده‌اند. برهان‌الدین هم یکی از این شاهان برجسته‌ی تاریخ مشرق زمین است. ما در سیمای برهان‌الدین سه چهره‌ی متفاوت را می‌بینیم:

برهان‌الدین به عنوان سلطان

برهان‌الدین به عنوان شاعر

برهان‌الدین به عنوان فقیه و قاضی

---

[1] م. کریمی، شاه ختائی، تبریز، دده قورقود درگیسی طرفیندن، 1359.

برهان‌الدین به عنوان سلطان:

برهان‌الدین سرزمینهای وسیعی از آناتولی: قیصریه، سیواس، قونیه و . . . را تحت حاکمیت خود درآورده و 17 سال تمام سلطنت بی‌چون و چرایی را بسر آورده و دشمنان وطنش را سرکوب کرده است. او ابتدا در دربار ارتنه اوغوللاری کار می‌کرد. فرزند سلطان به دلیل خُردی سنّ نمی‌توانست کشور را اداره کند و او، به عنوانِ وکیلِ این سلطان در اداره‌ی کشور کار کرد و تجربیات لازم را کسب نمود. بعد از زوال این سلسله، خود حکومتی تاسیس کرد و در برابر قوی‌ترین جهانگشایان زمان، همچون امیرتیمور گورکانی ایستاد و استقلال وطنش را حفظ نمود و 17 سال تمام با اقتدار از استقلال وطنش دفاع کرد و در آبادانی کشور و رفاه مردم تلاش فراوان کرد. در نهایت هم در میدان جنگ و در دفاع از کیان سرزمین مادریش جان فدا کرد.

برهان‌الدین ضمن اینکه در جنگ‌های بسیاری شرکت کرد و سرزمینهای بسیاری را گرفت و کشورگشائی کرد، در عین حال برای اتحاد ممالک کوچک و دفاع از امپراتوران جهانگیر تلاش‌های فراوان نمود؛ سیاستهای مقتدرانه‌ای را نیز پیش برد. بالاخره در سال 776 قمری در جنگ با قارایولوق عثمان به شهادت رسید. اما مردم از او خاطرات شیرینی را داشته‌اند و تلاشهای او در برقراری عدالت و بوجود آوردن امنیت را فراموش نکرده و نام و آوازه‌ی او را جاودانه ساخته‌اند. در تواریخ از احترام مردم نسبت به این سلطان توانمند، روایتهای بسیاری وجود دارد.

او که سالها وطن خود را با تدبیر و عقل، به زیبائی و با حفظ امنیت و آرامش ملت اداره کرده و با برقراری عدالت و رفاه عمومی، رضایت خاطر مردم را فراهم آورده از طرف مردمش لقب ابوالفتح گرفته است. منابع تاریخی از محبوبیت وی در بین مردم داستانها روایت کرده‌اند. او که به کُنه اسلام وارد بوده سعی کرده است مدینه‌النبی را اساس سیاستهای خود قرار دهد و کشورش را بر اساس احکام اسلامی اداره کند. لذا می‌توان گفت که کشور او نمونه‌ای از کشورهای اسلامی دوران بوده و می‌تواند در بررسی چنین کشورهایی مورد کنکاش و تحقیق قرار گیرد.

برهان‌الدین به عنوان یک فقیه[1]

می‌دانیم پدر برهان‌الدین قاضی شهر قیصریه بوده و این مسند، جد اندر جد در خانواده‌ی او موزوثی بوده و منتقل گشته است. برهان‌الدین تحصیلات لازم را داشته است تا بر کرسی قضاوت بنشیند. او برای

[1]پروفسور گیب، دایره المعارف اسلامی، ج 11، ص 208.

این امر، در شهرهای معتبر اسلامی به تحصیل علم و احکام پرداخته و زمانی که بر مسند قضاوت می-نشیند مورد وثوق مردم بوده است. او در باب فقه، دو کتاب ارزشمندی را به رشته‌ی تحریر درآورده که امروز هم نمونه‌ی منحصر بفردی محسوب می‌شود و هنوز ارزش علمی – فقهی خود را حفظ کرده است. این دو کتاب عبارتند از: "ترجیح التوضیح" که در سال 799 قمری نوشته و دومین اثرش "اکسیر العادات فی اسرار العبادات" است.[1]

برهان الدین به عنوان شاعر

اما تمام تذکره‌نویسان قرون متمادی، برهان‌الدین را از برجسته‌ترین شاعران آذربایجان دانسته و از دیوان پر حجم و منظم او با افتخار سخن رانده‌اند و از هنر شعری او توصیفات فراوان نوشته‌اند. تذکره نویسان قرنهای نهم و دهم بدون استثنا، هنر شعری او را پسندیده و نمونه‌ی اشعارش را آورده‌اند. اما قابل ذکر است که امروز تنها یک نسخه از دیوان اشعار او موجود است و احتمال بسیار می‌رود که این دیوان تحت نظارت خود سلطان نوشته و مرتب شده است.

نگاهی به موقعیت ادبیات ترکی آذربایجان در زمان قاضی برهان‌الدین

1) ادبیات شفاهی

ادبیات شفاهی را باید پایه و اساس ادبیات کتبی دانست. این امر در مورد ادبیات آذربایجان نیز مصداق دارد. ادبیات مردمی در آذربایجان از هزاره‌های پیش رونق داشته و به گفته‌ی دهها محقق و ادیب پژوهشگرِ این عرصه، ادبیات شفاهی آذربایجان غنای بسیار بالایی را داراست. نباید فراموش کرد که پژوهشگران این عرصه از دهها داستان دینی و غیر دینی از سده‌های نخست اسلام در میان مردم آذربایجان سخن رانده‌اند؛ بطوری که ماکسیم گورگی محقق و ادیب روس، آشیق‌های آذربایجان را "هومرهای عصر" لقب داده است؛ زیرا دو سال در داغستان زندگی کرده و از نزدیک از زبان آشیق‌ها، داستان‌ها و اشعار و حماسه‌ها شنیده است.

داستانها و ضرب‌المثل‌های ترکی چنان جاندار و زیبا بوده‌اند که نظامی کبیر از این گنجینه‌ی زوال ناپذیر بهره‌ها گرفته و در خمسه‌ی خویش به زیبایی تمام استفاده کرده است. از داستان‌های باستانی این مرز و بوم در سده‌های اولیه‌ی اسلامی می‌توان علاوه بر داستانهای مشترک بین تمام اتراک جهان، از داستانهای

[1] پروفسور گیب، دایره المعارف اسلامی، ج 11، ص 208.

باتتال نامه، سالتوق بُغراخان و دده قورقود نام برد که در سده‌های بعدی به رشته‌ی تحریر درآمدند و امروزه از گنجینه‌های گرانبهای عالم ادب و هنر بشمار می‌آیند. همزمان با سلجوقیان، بسیاری از آثار شفاهی مردم مانند داستانهای آشیقها و ضرب‌المثل‌ها، وارد ادبیات کتبی آذربایجان و حتی فارسی گشت. از آن جمله در خمسه‌ی نظامی بیش از 700 ضرب‌المثل ترکی را نشان داده‌اند و آثاری از داستان‌های آشیق‌ها در خمسه‌ی او لباس شعر پوشیده است. مثنوی "سهیل و نوبهار" از "خواجه مسعود" در قرن هفتم و "ورقا و گلشا" از خواجه یوسف مداح در همان قرن نمونه‌های بارزی از این تاثیر ادبیات شفاهی بر ادبیات کتبی بشمار می‌آیند. لذا می‌بینیم که در زمان قاضی برهان‌الدین، ادبیات شفاهی چنان غنی و سرشار از شور و زندگی است که شاعران نمی‌توانند از زیبایی‌های آن چشم بپوشند. از برجسته‌ترین آثار داستانی این قرن باید از داستان احمد حرامی نام برد که به احتمال زیاد جزو داستانهای آشیقی است که در قرن هفتم مدوّن گشته، اما تا امروز هم سراینده‌ی آن ناشناخته مانده است و احتمال بسیار می‌رود که شاعر، آنرا از ادبیات آشیقی گرفته باشد.

در دیوان برهان‌الدین می‌توان صدها ضرب‌المثل را که دهان مردمان را شیرین می‌سازد خواند. اشاره‌های زیبای وی بر داستان‌ها و دیگر مواد ادبیات شفاهی، نشان از وابستگی شاعر به مردمش دارد. دیوان او سرشار از این پیوند میان زبان او و زبان مردم خویش است. بسیاری از اصطلاحات نیز در شعر او جان گرفته‌اند و در مجموع می‌توان گفت دیوان برهان‌الدین در عین حال که ملهم از ادبیات و فرهنگ مردمی است داده‌هایی نیز برای مردمش دارد و توانسته است در غناسازی زبان و فرهنگ مردم ایفای نقش کند.

2) ادبیات کتبی

ادبیات آذربایجان به سه زبان توسعه یافته است. بعد از اسلام، نخست ادبیات عربی در زبان و خلاقیت دهها شاعر و عالم آذربایجانی نضج گرفت و اکثر عالمان و نخبگان آذربایجان آثار علمی – ادبی خود را به زبان عربی نوشتند و گاه خلاقیت‌های ارزشمندی بوجود آورده و حتی در ادبیات عرب باعث نوآوری‌ها و توسعه‌ی ادبی گشتند. در این زمینه نمی‌توان از نقدهای خطیب تبریزی در نقد ادبی چشم پوشی کرد. همچنین عالمان بسیاری برای ترویج و آموزش زبان عربی در آذربایجان تلاش‌های گسترده‌ای بنا نهاده و خدماتی را ارائه کردند که امروز هم در متون آثار عربی از آنان به خوبی یاد می‌شود. از جمله‌ی این نخبگان جارالله زمخشری است که با کتاب کشّاف، راهی نوین در تفسیر قرآن و علوم دینی گشود و با کتاب مقدمه‌الادب، توانست با زیبایی بی‌نظیری زبان عربی را با آن فصاحت و بلاغت بی‌مانندش در بین فارسی زبانان و ترکی زبانان گسترش دهد. بسیاری از شاعران نیز آثار ادبی خویش را به عربی نوشتند همچون اسکافی زنجانی، مسعود نامدار، موسی شهوات و دیگران.

برخی اندیشمندان و فیلسوفان آذربایجان نیز اندیشه‌های فلسفی خود را در قالب زبان عربی ارائه نمودند و از آن میان بهمنیار قابل ذکر است. همچنین شهاب‌الدین سهروردی، اثیرالدین ابهری، و دهها عالم و اندیشمند فلسفی دیگر را می‌توان ذکر کرد.

ادبیات فارسی زبان نیز مدتی بعد، زبان ادبی آذربایجان شد و با قطران این ادبیات در آذربایجان نضج گرفت و به دنبال او، دهها و صدها شاعر آذربایجانی، ضمن حفظ زبان مادری خود، به آفرینش ادبیات فارسی هم همت گماشتند. بعد از قطران، ابوالعلا گنجوی، خاقانی شروانی، مهستی گنجوی، نظامی گنجوی، مجیرالدین بیلقانی، فلکی شروانی و دهها شاعر قرن ششم و هفتم طلایه‌داران ادبیات فارسی در این سرزمین شدند و صدها شاعر بدانان اقتدا کردند و سبک ادبی آذربایجان از آن زمان رنگ و بوی آذربایجان را تا امروز در ادبیات پارسی زنده نگه داشته است. به دنبال آنان، اوحدی مراغه‌ای، عصار تبریزی، و . . . آمدند. همگی این شاعران سبک ادبی و شعری آذربایجان را در ادبیات و شعر فارسی امضا کرده و مُهر این سرزمین را بر بخش بزرگی از خلاقیت ادبی پارسی زبان زده‌اند که امروز نیز قابل شناسائی و تشخیص هستند.

در این میان شاعرانی که به هر سه زبان در آذربایجان شعر سروده‌اند شاید بتوان گفت که در دنیا بی-نظیرند مانند: شهاب‌الدین سهروردی، نظامی گنجوی، عمادالدین نسیمی، مولانا فضولی، صائب تبریزی، حکیم هیدجی و در نهایت استاد بی‌بدیل شعر و ادب ایران و آذربایجان: استاد محمدحسین شهریار. جالب آنکه قاضی برهان‌الدین نیز یکی از این نوابع سه زبانه‌ی ادبیات آذربایجان است که آثاری به هر سه زبان خلق کرده است.

متاسفانه برخی از ادیبان در شناساندن قاضی برهان الدین، او را نخستین شاعر ترکی‌گوی ادبیات ترکی آذربایجان می‌شمارند؛ در حالی که پیش از او دهها شاعر ترکی‌گوی داشته‌ایم. این روند هنوز هم ادامه دارد تا انشاءالله رشته‌ی زبان و ادبیات ترکی در دانشگاههای ما تاسیس گردد و با شاعران قدیمی‌تری نیز آشنا شوند.

قبل از او، ادبیاتی غنی و عمیق وجود داشته است که اشاره بدان خالی از لطف نیست. همچنین باید اشاره کرد به اینکه ادبیات آذربایجان در دو شاخه‌ی اساسی وجود دارد: 1) ادبیات غنی شفاهی و آشیقی مانند آثار گلشهری، خواجه مسعود و اثرش: سهیل و نوبهار و . . . 2) ادبیات کلاسیک و شاعرانی چون نظامی گنجوی، شیخ عزالدین حسن‌اوغلو، خواجه دُهّانی، خواجه یوسف مدّاح، خواجه علی خوارزمی، مولانا جلال‌الدین محمد عتیقی زنگانی، بابا الیاس، سلطان ولد، مولوی، ضریر، شیاط حمزه، آشیق پاشا، و . . .

او زمینه‌ای چنان آفرید که عمادالدین نسیمی توانست ادبیات ترکی را جدای از تاثیر ادبیات فارسی بنا نهد و به دنبال او شیخی، شیخ اوغلو و صدها شاعر دیگر پا به عرصه نهادند.

پیش از برهان‌الدین شاعران توانمندی در تاریخ ادبیات آذربایجان ظهور کرده و با خلاقیت ادبی خویش در تعالی زبان و فرهنگ آذربایجان تلاش کرده‌اند. از شاعرانی که پیش از او در تاریخ ادبیات آذربایجان به ترکی شعر سروده‌اند نام دهها شاعر را می‌توان برد.

نظامی گنجوی که دیوان پُر حجمی به زبان ترکی سرود و راه را برای دیگر شاعران آذربایجانی گشود. دیوان ترکی وی از کتابخانه‌ی خدیویه‌ی قاهره در مصر پیدا شد و بارها منتشر گردید و نظر اندیشمندان را جلب کرد؛ در حالی که قبلا این دیوان را منسوب به نظامی قارامانی می‌دانستند و تحقیقات نشان داد که از نظر زبان و تاریخ، متعلق به نظامی گنجوی است. نظامی در آثار فارسی‌اش نیز به زبان ترکی احترام و ارزش فراوان قائل بوده و همواره از روح ترکانه‌اش سخن رانده و از فرهنگ مردمی آذربایجان هدایای ارزشمندی به ادب فارسی تقدیم کرده است.

خواجه احمد فقیه از دوستان پدر مولوی بود و از شاعران صوفی مسلک و اندیشه‌ورز آذربایجان است که چرخ نامه‌ی وی با وجود کوچکی حجم دارای ارزش معنوی و ادبی بی‌نظیری است. وی پیش از سال 599 می‌زیسته و احتمالا در زمان مرگ او، مولوی تازه به بلوغ آفرینش ادبی رسیده بود.

خواجه علی خوارزمی در قرن هفتم هجری در اوج آفرینش ادبی قرار داشت و اثر معروف یوسف و زلیخا را به سال 609 هجری قمری به پایان برد. او این اثر گرانقدر را در فرم شعری قوشما – متشکل از بندهای چهار مصرعی که در هر بند سه مصرع داخلی باهم همقافیه بوده و مصرع چهارم بندها باهم قافیه هستند.

شیخ عزالدین حسن‌اوغلو غزلسرای بزرگی که از خطه‌ی خراسان برخاست و در اوایل قرن هفتم زیباترین غزلیات ترکی را آفرید بطوری که دهها شاعر سده‌های بعدی بر اشعار او نظیره ساختند. سال تولد وی دقیقا معلوم نیست اما سال رحلت او را 658 قمری نوشته‌اند و احتمال بسیار می‌رود که عمری بیش از صد سال داشته است. پس باید در اواسط قرن ششم زاده شده باشد.

شهاب‌الدین سهروردی نیز از فلاسفه‌ی بزرگ آذربایجان آثار سه زبانه‌ای آفرید و در آثار خود به زبان مادریش نیز جایگاهی خاص داد و با سرودن برخی اشعار ترکی و ملمّعات دو و سه زبانه، ادبیات ترکی را جانی دوباره بخشید.

مولانا جلال‌الدین بلخی – مولوی در کنار دیوان شمس و مثنوی معنوی اشعاری به زبان ترکی نیز سروده و راه را برای مریدان مسلکی خویش گشود. وی در سال 604 قمری به دنیا آمد و عمری را در خلق آثاری سرشار از معنویت و اندیشه سپری کرد. اگر دیوان ترکی او گردآوری شود دیوان مستقلی را

تشکیل می‌دهد و فعلا بخشی از این دیوان چاپ شده است. اما فرزندش سلطان ولد، آثار مستقلی را به ترکی سروده و راه را هموار ساخته است. بطوری که بعد از او شاعران بسیاری قدم در راه پدرش نهادند و شعر ترکی را اساس خلق ادبیات و پیروی از مولوی ساختند. در این میان یونس امره از سرشناس‌ترین شاعران ترکی‌گویی است که قدم بر راه خواجه احمد یَسَوی – پیر ترکستان گذاشت و ادبیات صوفیه را در آذربایجان و آناتولی رونق بخشید.

شیاط حمزه نیز از شاعران صوفی مسلک قرن هفتم هجری است که علاوه بر به نظم کشیدن یوسف و زلیخا، اشعار ترکی فراوانی نیز دارد.

خواجه دهّانی از شاعران غزلسرای آذربایجان است که از خطه‌ی خراسان برخاسته و به آذربایجان آمده و بعد از عمری خلاقیت، باز دلش هوس خراسان کرده و با استعانت و اذن سلطان سلجوقی به خراسان برگشته است. اما غزلیات آبدار و زیبایش مورد اقتدای شاعران دیگر شده و تا امروز هم طراوت غزلهای زیبایش فراموش ناشدنی باقی مانده است.

بابا الیاس هم شاعر ترکی‌سرای و صوفی مسلکی از خطه‌ی خراسان است. از او رساله‌ای در تبیین طریقت بدست آمده است که با زبانی شیوا و ساده به زبان ترکی سروده است. او نیز از شاعران قرن هفتم هجری است.

خواجه احمد مسعود با آفرینش مثنوی سهیل و نوبهار، گامی استوار در ادبیات ترکی نهاده و بر غنای ادبیات آذربایجان افزوده است. علاوه بر سهیل و نوبهار اثر سترگ فرهنگ نامه نیز از آثار فراموش ناشدنی این شاعر عالی مقام است. او این اثر ارزشمند را در سال 751 قمری نوشته است که 5703 بیت است و اثر دیگر او فرهنگ نامه 4044 بیت می‌باشد. با احتساب دیوان اشعارش، بیش از 12000 بیت شعر از او در دست داریم.

شیخ صفی‌الدین اردبیلی از صوفیان بزرگ و خالق مکتب تصوف در آذربایجان بشمار می‌آید که مناقب ترکی و اشعار ترکی وی و اثر بسیار ارزشمند و گرانقدر قارا مجموعه از غبار سده‌ها پاک شده و امروزه در دست ماست. او در 650 قمری زاده شد و در 732 رخت از جهان بربست، اما در طول زندگیش چنان زیست و چنان آفرید که آثارش و مریدانش راه او را تا امروز زنده نگه داشته‌اند و هنوز هم طراوت و زیبایی کلامش دلها را زنده می‌کند.

اما از زنگان نیز شاعر بزرگی چون مولانا جلال‌الدین محمد عتیقی با سرودن قصاید و غزلیات عاشقانه نام خود را جاودانه ساخته و دیوان فارسی و ترکی او ورد زبانهاست. او در اوایل قرن هفتم در زنگان زاده شد و در سالهای بین 719 – 740 قمری در تبریز رخت از جهان بربست.

شاعران معاصر قاضی برهان‌الدین

تردیدی نیست زمانی که قاضی برهان‌الدین، بخشی از سرزمین‌های آناتولی را تحت حکومت خود گرفته بود شاعران چندی در همان سرزمین‌ها – آناتولی و آذربایجان مشغول خلاقیت ادبی به زبان ترکی بوده‌اند که به برخی از آنان اشاره می‌کنیم. این شاعران، معاصر برهان‌الدین بشمار می‌آیند:

یوسف مدّاح، شاعری خلاق و پُر کار و در عین حال صوفی مسلک و اندیشمند که آثار و مثنوی‌های چندی از خود به زبان ترکی به یادگار نهاده است. از جمله آثارش می‌توان: "داستان ابلیس"، "قیز و جهود"، "قاضی و اوغری"، "ورقا و گلشا" را نام برد. شاهکار این شاعر بزرگ همان مثنوی "ورقا و گلشا"ست که در 1700 بیت در سال 770 قمری سروده است. اما مثنوی‌های دیگر او دارای حجم کمتری هستند و هر کدام دارای مضامین متصوفانه می‌باشند. در عین حال دیوان اشعاری دارد که دارای غزلیات زیبایی است.

مصطفی ضریر نیز از شاعران خوش ذوق و مثنوی‌سرای آذربایجان است که در قرن هشتم هجری در آذربایجان و آناتولی به گشت و گذار مشغول بوده و با اشعارش، دل مردم را نرم و شاد، و پر از ذوق و صفا می‌کرده است[1].

قاسم انوار نیز از شاعران اندک‌گویِ گزیده‌گویی است که اشعارش به زبانهای ترکی و فارسی بوده و شعر را در اندیشه‌ورزی بکار گرفته است. او که دوستی و همفکری نزدیکی با عمادالدین نسیمی و فضل‌الله نعیمی تبریزی داشته است بارها مورد اتهام سلاطین تیموری قرار گرفت و رنج تبعید و زندان نیز کشید و با اشعارش قاطی حرکتهای زمانه شد.

از شاعران معاصر و ترکی گوی آذربایجان می‌توان از عبدالقادر مراغه‌ای – موسیقیدان بزرگ نیز یاد کرد که اشعار ترکی‌اش نیز در میان هنر موسیقی او جان دیگری یافته است.

عمادالدین نسیمی، همزمان با خلاقیت برهان‌الدین، در این سوی آذربایجان تمام همّ و غمّ خویش را صرف سرودن اشعار نهاده بود که فلسفه و اندیشه‌های نابی را در تمام سرزمین های آذربایجان از شمال تا قلب امپراتوری ایران، و از آناتولی تا شام و حلب را در بر می‌گرفت و حلاوت و زیبایی شعرش، ادب آذربایجان را در میان ملل فارسی‌زبان و عرب‌زبان نیز شهره‌ی خاص و عام کرده بود بطوری که حافظ شناسنامه‌ی اصیل ادب فارسی، با شنیدن اشعار وی، پارسایان را بشارت می‌دهد و می‌گوید:

ترکان پارسی‌گوی بخشندگان عمرند　　　ساقی بشارتی ده پیران پارسا را.

---

[1] قاضی مصطفی ضریر، یوسف و زلیخا، تصحیح: م. کریمی، تهران، 1388.

او شاعری سه زبانه است که تا امروز دهها و صدها شاعر، راه و طریق او را در پیش گرفته و از نظر اندیشه و هنر، او را استاد خویش دانسته‌اند. تردیدی نیست که او به خلاقیت برهان‌الدین نیز توجهی داشته است. اما این دو شاعر همعصر بوده و با فاصله‌ی اندکی از هم – چه فاصله زمانی و چه فاصله‌ی زمینی – به خلاقیت ادبی در زبان ترکی پرداخته‌اند.

ملک‌الشعرای حبیبی را نیز می‌توان از شاعران معاصر برهان‌الدین دانست که البته شاید اندکی بعد از او وارد دنیای شعر و هنر شده است.

خدمات او به ادبیات آذربایجان

برهان‌الدین شاعر برجسته‌ی آذربایجان، از بزرگان صاحب مسلک تاریخ ادبیات ماست. او بزرگترین شاعر قرن هشتم هجری است که علاوه بر نقش تاریخی‌اش در روند تاریخ ملت خویش، باآفرینش دیوان پرحجم خود به زبان ترکی آذری در سلک نخستین آفرینشگران ادبیات کلاسیک آذربایجان به ابدیت پیوسته است.[۱] وی به سال 745 هـ ش (یا 722هـ ش) در قیصریه به دنیا آمد.[۲] خانواده‌ی وی، پدر در پدر قاضی قیصریه بوده‌اند از جمله‌ی آنان می‌توان جلال‌الدین حبیب، حسام‌الدین حسین، سراج‌الدین سلمان (جدّ شاعر) و شمس‌الدین محمد (پدر شاعر) را نام برد. برهان‌الدین از کودکی پیش پدر به تحصیل پرداخت، حکمت و منطق را به زبانهای ترکی، عربی و فارسی آموخت و همراه پدرش بارها به سفر رفت، در شام و مصر ادامه‌ی تحصیل داد. خانواده‌ی پدری شاعر خانواده‌ای مشهور و پرآوازه بودند، خانواده‌ی مادری شاعر نیز جزو خانواده‌های علم‌پرور و معروف دوران خود بودند، مادرش دختر عبدالله چلبی فرزند جلال‌الدین محمد مصطفی از چهره‌های علمی دوران سلجوقیان بود. او در چنین خانواده‌ای پرورش یافت. طبیعیات، الهیات، هیئت و علوم رایج زمان را فرا گرفت و شهرهای مختلف خاورمیانه را نیز زیر پا گذاشت، زمانیکه در مکه بود و 19 سال بیشتر نداشت پدرش فوت کرد واو مجبور شد به حلب و سپس به قیصریه باز گردد. او با دختر امیر قیاس‌الدین ازدواج و در سال 756 هـ به وزارت علی فرزند محمد ارتنا برگزیده شد و همانگونه که گفتیم در سال 782 هـ در سیواس بر تخت سلطنت نشست. مدتی با دشمنانش جنگید و پس از پیروزی بر آنان لقب سلطان گرفت و مدت 17 سال با اقتدار

---

[1]) قاضی احمد برهان‌الدین، دیوان ترکی (سئچیلمیش غزللر)، م.کریمی، زنجان انتشارات زنگان، 1378.
– م.کریمی، ادبیات باستان آذربایجان، تبریز، 1358.

[2]) محمد دؤنمز، برگهایی از تاریخ ادبیات آذربایجان، امید زنجان،1374.

کامل حکومت کرد. قلمروی وی شامل سیواس، قیصریه، نیکده و آماسیا می‌شد. او در عرض 17 سال ضمن به وجود آوردن نظم و انضباط حکومتی، در جهت رفاه و آسایش ملت و پیشرفت همه جانبه‌ی کشورش تلاش کرده و در راه اتحاد حکومت‌های ترک موجود در خاورمیانه به تلاشی خستگی ناپذیر دست یازیده است. دردیوان پر حجم وی می‌توان حوادث دوران و مسایل سیاسی منطقه را به عینه دید، او از حکومت‌های کوچک برای ایستادگی در برابر هجوم‌های وحشیانه‌ی امیرتیمور بهره گرفته و بین آنان اتحاد به وجود آورده است. این مسایل را در دیوان او می‌توان مشاهده کرد:

ایکی عالمده حقه سیغینمیشوز توختامیش نه اولا، یا آخساق تیمور.

آری او توختامیش خان و امیرتیمور را هیچ می‌انگارد و در میدان مبارزه جسارت قابل تحسینی از خود بروز می‌دهد؛ چرا که برای حکومت‌های دوست، مبارک و برای دشمنان شوم است:

اولدو مسخر بیزه چو شام ایله روم دوشمانا دمیر بولدوق، دوستلارا موم.
نر کیشی‌لر یوروسن یوللارینا چون دوستا مبارکوز، دوشمانا شوم.

مقاومت وی در برابر هجوم‌های امیرتیمور، حکایت از جسارت مردانه‌ی وی و پایگاه مردمی‌اش در میان ملت خویش دارد. او زبان مادری را تقویت کرد و با خلق دیوان پر حجم خود، زبان ترکی آذری را در آناتولی قوام بخشید. امیرتیمور نتوانست حکومت مستقل وی را از بین ببرد ولی سرانجام در سال 799 هـ در جنگ «قرابل» نزدیک دیوریقی هنگام جنگ با قره‌یونس عثمان به قتل رسید. مقبره‌اش در سیواس است. بعد از مرگ وی، فرزندش به سلطنت رسید ولی کشمکش‌های دوران، حکومت او را متزلزل ساخت و مجبور شد به داماد خود ناصرالدین محمد ذوالقدر (از سلسله‌ی آل ذوالقدر) پناه ببرد و در سال 801 هـ تمامی قلمروی برهان‌الدین به دست عثمان سرسلسله‌ی عثمانیان افتاد.

مورخین و تذکره‌نویسان با احترام از قاضی برهان‌الدین یاد کرده‌اند مورخین ساختن چندین قلعه، پل، مسجد و مدرسه را بدو نسبت داده‌اند.[1]

هر چند قاضی احمد برهان‌الدین با برپایی حکومت و تلاش درجهت پیشرفت و رونق اقتصادی، عمرانی کشورش در تاریخ جایی برای خود باز کرده است؛ اما آنچه او را جاوادانه ساخته است آثار ادبی اوست که دیوان 600 صفحه‌ای او را شامل می‌شود. دیوان چاپ باکو به همت ائلیار صفرلی دارای 1319 غزل، 20 رباعی، 108 تویوغ و چند مفرد می‌باشد. این دیوان از روی نسخه‌ای چاپ شده است که خطاط دربار قاضی احمد برهان‌الدین، خلیل ابن احمد آن را نوشته است. در متن اشعار برهان‌الدین، جنگاوری، مردانگی، مبارزه و جوانمردی در ترنم است:

---

[1]) م.کریمی، ادبیات باستان آذربایجان، تبریز، 1358.

نئجه کی گؤیده گونش سیرانیدیر　　　بـو جـهان ارنـلرین مـیدانـی‌دیـر.
یئ، یئدیرگـیل و باغـیشـلاییـل　　　هر زمان بیر ایگیدین دورانی‌دیر.

شاعر عشق ومردانگی را در رنگی آمیخته به تصوف و با روحی شاداب در میان هیجانات پر شور خویش بیان می‌دارد. او جانبازی در راه میهن را با عشق زیبارویان پیوند می‌زند:

جانانه جان وئرمیه‌نین نه جانی وار　　　جـان وئـره‌نـین آدیله سـانی وار.
اول کیشی‌نین متاعی وارلـیق اولور　　　جوهری‌نین لعل ایله مرجانی وار

برهان‌الدین هر چند از شعرش چون اسلحه‌ای در برابر دشمنان بهره می‌گیرد و مردم را بـا سـلاح شـعر در مقابل یاغیان و اشغالگران به قیام دعوت می‌کند سخنش پر مغز، ماندنی و دلنشین است:

اراولدور حق یولونا باش اوینایا، باش اوینانا
اؤزونو الشیخ گؤره‌ن سردار اولور.
اناالحق دعوا قیلان بردار اولور
دؤشکده اؤلن ایـگید مـردار اولور.

در اشعار وی عشق و محبت به انسان‌ها، عشق ورزیدن به زیبایی‌هـای جهـان و بهره‌گیـری از امکانـات مادی جای ویژه‌ای دارد. عشق زیبارویان دل او را جلا می‌دهد، زجر و مشـقتی کـه در راه عشـق متحمـل می‌شود قلب او را صیقل می‌دهد:

دلبـریـن ایـشـی عتـاب و نـاز اولـور　　　چشم جادو غمـزه‌سی غمـاز اولور.
ای کؤنول صبر ائت، تحمل قیل اونا ،　　　یاره ایره‌شمک ایشی آز ـ آز اولور.

شاعر عاشقی جانباز و بی‌پرواست، سینه‌ای گسترده، قلبی فراخ و دلی پر روح دارد که از شرق تا غـرب را سیرانگاه یک نفس می‌داند:

حـقه شـکر قوچـلارین دورانی‌دیر　　　جـمله عالم بیر دمین حیرانی‌دیر.
گون باتاندان گون دوغانا یئره دئیین　　　عشق اری‌نین بیر نفس سیرانی‌دیر.

قدرت هنری وی در تویوغ ـ نوعی دوبیتی ترکی در حد ایجاز و اعجاز است. اگر چه در وزن و آهنـگ غزلیات شاعر ضعف‌هایی به چشم می‌خورد، اما این ضعف در میان مضامین اجتماعی ـ فلسفی مترقـی او کمرنگ می‌شود. او مردی بزرگ و هنرمندی پر قریحه است. وی توانست در اشعار آمیخته به قهرمانی‌هـا، صمیمیت واقعی و عشق آتشین را به هم در آمیزد. او که شش قرن پیش با دلی آکنده از شور و اشتیاق بـه دفاع از منافع مادی و معنوی سرزمین خویش برخاست و با صمیمیت تمـام، همـدوش بـا مـردم خـویش جنگید، شور و علاقه در دل مردم آفرید و سرانجام در این راه، جان خود را فدا کرد که احترام مردمی وی نیز از همین نکته سرچشمه می‌گیرد:

ارنلـر اوز یـولـونـدا ار تـک گـــره‌ک   میداندا ارکـک کیشی نر تک گره‌ک.
یاخشی یامان، قانی یومشاق اولسا خوش   سئویره‌م دییه‌ن کیشی ارکک گره‌ک.

یـار اول‌دور کـی یـار ایلـه همـدرد اولا،   یاریندان یوز قایتاران، سرد اولا.
یئمک ایچمک، یاخیشیلیق کؤنول گؤره‌ن   ار گـونونده گر دؤنه، نامـرد اولا.

عشق، محبت و زیبایی، موضوع اساسی اشعار قاضی برهان‌الدین است که با قهرمانی و بهـادری وی بـه هم آمیخته است و انسان‌دوستی شاعر در جای ـ جای دیـوانش متـرنم است.شـاعر بـا گفـتن «وار جـانیم ایگیدلره قوربان اولسون» جان خود را فـدای مردمـی می‌کنـد کـه در راه انسـان، عشـق و وطـن از خـود مردانگی و رشادت نشان می‌دهند. اشعار او در عین حال که غنایی است از روحی حماسی نیـز برخـوردار است.

برهان‌الدین در خلق آثار خویش به سبک وسیاق اسلاف خود وفادار بود و از هنر آنان بهره گرفته است. او صورت زیبارویان سرزمینش را به ماه و آفتـاب تشـبیه می‌کنـد. زلفشـان را ابـری می‌دانـد کـه اطـراف خورشید را گرفته‌اند؛ چشمان یار برای او منبری است و ابروانش محراب؛ و چه زیبا به استهزاء صوفیان و خشک مغزانی که دست از لذایذ زندگی شسته‌اند می‌پردازد و چه زیبا توصیف می‌کند عاشقی را که درراه عشق ومعشوقش شخصیت می‌یابد و میدانی می‌طلبد تا گذشت و مردانگی خود را بروز دهد:

همیشه عاشـیق کـؤنلو بریان بیـلور
هر نفس غریب گؤزو گریان بیلور.
صوفی‌لرین دیله‌گی محراب ـ نماز
ار کیـشی‌نین آرزوسـو میدان بـیلور.

برهان‌الدین با ادبیات ترکی، فارسی و عربی آشنایی کامل داشته و از مضامین شعری ادبیات مشرق زمین بهره گرفته است به طوری که اشاره‌های فراوان به داستان‌های عربی و افسـانه‌های ایرانـی از جملـه رسـتم واسنفدیار، ضحاک، کاوه آهنگر، لیلی و مجنـون و ... دارد. وی بـه شـعرای ایرانـی اشـاره‌ها دارد و علیـه شاعران مداح و مدیحه‌گوی بی‌شمار ایرانی موضع گرفته و شاعران زمان را به وصف زیبایی‌های انسان فرا می‌خواند:

اؤزگه‌لری مدح ائده‌نلر گؤره‌لی شاه یوزونو
بیر یئنی طومار ائدوب، یودولار اسکی دفتری.

او انسان‌ها را دربهار طبیعت به بهره‌گیری از زیبایی‌های طبیعت فرا می خواند:

یئر یاشیل،آغاج آغ اولدی، گول قیزیل   یار الین آل، باغبانه قول یازیل.

در اشعار عاشقانه‌ی شاعر تعبیرات و استعارات فراوانی در عشق و دلدادگی به کار رفته است. بی‌تردید او از بنیانگذاران ادبیات کلاسیک آذربایجان بوده و در کنار بزرگانی چون حسن اوغلو، ارزروملو ضریر و عمادالدین نسیمی قرار دارد که همه‌ی ملت‌های ترک همواره نامش را به نیکی می‌برند و هر لحظه از باغ دیوانش گلی می‌چینند.

نسخه‌ی دست نویس دیوان برهان الدین

نسخه‌ی خطی کامل قاضی برهان‌الدین در دست است. این نسخه در زمان حیات شاعر و شاید با نظارت کامل خود او نوشته شده است. کاتب و نویسنده‌ی نسخه کسی نیست جز منشی دربار سلطان احمد برهان‌الدین که دیوان را با زیبایی و نظم زیبایی در 606 صفحه به پایان برده است. تاریخ اتمام نگارش سال 796 درج شده است نزدیک به سالهای پایانی عمر شاعر است. تحریر دیوان توسط منشی دربار این امکان را به ما می‌دهد که بگوئیم خود سلطان برهان‌الدین بر نحوه‌ی نگارش نسخه نظارت داشته و حداقل از نگارش اثر مطلع بوده است. اما توجه داریم که غزلیات با ترتیب الفبایی نوشته نشده و همین امر نشان می‌دهد که غزلیات بر اساس تاریخ سرودن اشعار مرتب شده است. البته ما در اینجا به ترتیب الفبایی برگرداندیم.

این نسخه منحصر یفرد بوده و با زیبایی و نظم خاصی به رشته تحریر در آمده است. در حاشیه‌ی نسخه هم اصلاحاتی صورت گرفته که برخی ازادیبان، این اصلاحات را به خود برهان الدین نسبت می‌دهند.[1]

این نسخه تا سال 1890 در کشور عثمانی نگه داشته شده است تا اینکه در آن سال فردی به نام توماس از سفارت انگلیس این نسخه را از طریقی (؟!) به انگلستان برده و اینک در موزه‌ی لندن با شماره 4126 نگداری می‌شود.

تویوغ چیست؟

دیوان قاضی برهان‌الدین با وفاداری به سنت‌های کلاسیک نگارش یافته است. اشعار دیوان با استفاده از فرم‌های شعری و صنایع بدیعی شکل یافته است. همچنین با استفاده از هماهنگی اصوات، اوزان شعری بر اساس عروض و شعر هجایی تدوین گشته و از فرمهای تجنیس، گرایلی نیز استفاده شده است. شاعر که به درستی بر اوزان عروضی و فرمهای شعری عربی و فارسی تسلط کامل دارد زیبایی‌های بدیع اشعار

---

[1] فواد کؤپرولو، تورکیات مجموعه سی، ج 2.

آن را در شعر خود وارد می‌کند و همین است که دیوان برهان‌الدین گلستانی از اوزان مختلف و فرمهای شعری زیبا و منحصر بفرد است.

در این میان فرم شعری توبوغ به عنوان فرم ملی ترکان جلب توجه می‌کند. از زمانهای کهن، اوزان‌ها اشعاری به صورت چارپاره و دو بیتی می‌نوشته‌اند؛ نمونه‌های بسیاری از این نوع اشعار را می‌توان در کتاب دده قورقود مشاهده کرد. یا دیوان لغات التورک محمود کاشغری نمونه‌های برجسته‌ای از این نوع شعر که مربوط به سده‌های اولیه‌ی اسلامی است آورده است. صورت تکامل یافته‌ی آن را می‌توان در فرم تویوغ‌های برهان‌الدین مشاهده کرد. امیر علی‌شیر نوائی تویوغ را چنین توصیف می‌کند: "تویوغ ایکی بیتدن عبارت جیناسلی شعر بیچیمی‌دیر". تویوغ در کتابهای مختلف تعریف شده و اصولاً به شعری گفته می‌شود که با ایماء و اشاره و جناس‌بندی‌ها معنا شده است. ادیبان معاصر تویوغ را از کلمه‌ی دویماق و در رابطه با کلمه‌ی توی دانسته‌اند. توی و دویماق در ساخت کلمه‌ی تویوغ ایفای نقش کرده‌اند.

فرم تویوغ در زبان اوزانها استفاده شده و توسط قاضی برهان‌الدین در شعر کلاسیک آذربایجان رسمیت یافته است. بعد از برهان‌الدین دیگر شاعران آذربایجان از آن استقبال کرده و به کار برده‌اند. از جمله در دیوان بزرگترین شاعران آذربایجان عمادالدین نسیمی، شاه خطائی و دیگران جای گرفته است.

اما در دیوان برهان‌الدین اشعاری با استفاده از جناس‌بندی قافیه‌ها بسیار فراوان دیده می‌شود. از این لحاظ برخی از ادیبان تویوغ‌های دیوان برهان‌الدین را بطور مجزا و مستقل گردآوری کرده و در دفترهای مستقلی به بررسی پرداخته‌اند. اینک برای نمونه‌های گفته شده، از جناس بندی قوافی، تویوغهایی را از دیوان این شاعر بزرگ می‌آوریم:

یاخشی آنلادیم جهاندا وایه یوخ،
یاردان اؤزگه بو خماریم آیا یوخ.
ایکی عالمده امیر سروردور
آندان آیری دخی هئچ سرمایا یوخ.

❋❋❋

جان بو میدان ایچره آگاه اولا، گاه
عشق اری‌نین وارلیغی آه اولا، آه.
کیم بو یولدا توغرو گرو اورور ایسه
ارلیگین اوره‌یینده شاه اولا، شاه.

❋❋❋

بو دنیا بیر نفس اوچون اولموش یالاخ،

دیبی یاخیندیر آنین دگیل ایراق.
زلفونو تاغیتما جمع ائیله، بگیم،
یوخسا اولور بو جهان آلاخ، بولاخ.
✻✻✻
مجلسی کیم خوش توتار عنبر عنبر،
کؤنولو کیم آپاریر؟ دلبر، دلبر.
دنیا اهلی‌نین باشینی کیم چتر؟
ایشینی توغرو قیلان سرور، سرور.

در همین توبوغ آخری به قافیه‌های عنبر، دلبر و سرور نگاه کنید که تشکیل قافیه داده‌اند. چنین جناس-بندی مخصوص شعر ترکی است. وزن آن در بحر رمل و وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات می‌باشد. تویوغی دیگر:

گؤره‌لی ساچینی بیلمه‌دیم قرار،
یوزونه بولسون فدا گول، ای نگار!
تورونجاق قارشینیزا بن درله‌من،
ساناسین دؤکموش کؤلگه ابر بهار.

موضوعات توبوغها بسیار متنوع است. توصیف زیبایی‌های طبیعت، بهار، عشق، میدان نبرد و غیره در همین فرم شعری نوشته می‌شوند. در دیوان برهان‌الدین بیش از 50 موضوع در فرم تویوغ ترنم گشته است.

قاضی برهان‌الدین به زبان و ادبیات فارسی، عربی و ترکی آشنایی کامل داشته و تسلط وی بر این ادبیات از اشعار زیبای وی مشخص می‌گردد. او اشعار سعدی، انوری، خیام، سنائی و دیگران را مطالعه کرده و نامشان را در دیوان خود می‌برد. علاوه بر این اشاره به اسطوره‌های ایرانی، یونانی و استفاده‌ی صحیح در کاربرد آنها نشان از دایره‌ی وسیع اطلاعات وی دارد.

در مورد زبان و ادبیات عرب، با قاطعیت او را جزو ادیبانِ درجه یکِ ادبیات عرب شمرده‌اند؛ زیرا فقه، احکام و دیگر علوم اسلامی را به عربی تحصیل کرده و به درجه‌ی اجتهاد در قضاوت رسیده است که تسلط بر زبان و ادبیات عربی جزو ملزومات چنین تحصیلی بشمار می‌آید. او قرآن، احادیث و روایات اسلامی را بر اساس متون عربی تحصیل کرده و تدریس کتابهای برهان‌الدین در طول سده‌های متمادی در حوزه‌های علمیه، نشانِ تسلط وی بر ادبیات عرب است. تسلط وی بر ریزه‌کاریها و ظرایف زبان عربی را می‌توان در دیوان کبیر وی نیز مشاهده کرد.

همچنین می‌توان دریافت که او آثار بزرگ ادبیات ترکی مانند قوتادغو بیلیک، دیوان لغات‌التورک، عتبه الحقایق و غیره را بارها مطالعه کرده و از آنها استفاده کرده است. همچنین از کتابهای نوشته شده در دوران پیش از خود بهره‌ها گرفته است. کام‌گیری او از دیوان کبیر مولوی، یونس امره و سلطان ولد و دیگران نیز تردیدی برنمی‌انگیزد.

در زیبایی شعر او، توجه به هماهنگی اصوات در زبان ترکی نقشی حائز اهمیت دارد. زیبایی‌های اصوات در اشعار وی، نمونه‌های شگفت‌انگیزی را آفریده است. برای نمونه به اشعار زیر دقت فرمایید:

گل گل گؤره‌لیم، گل گؤره‌لیم، گل گؤره‌لیم، بیر
بیر نغمه گتیر اورتایا، بلبل گؤره‌ییم بیر.

و یا:

یارا، یارا، یارا کیم یار اولاسین،
نئجه ایشبو گوله بیر خار اولاسین.

و یا:

ایردی قارا دنیزه بو گؤز قانی
گؤرمه‌گه گونش یوزونو گؤز قانی؟

در این شعر، کلمه‌ی قانی در چند معنی به کار رفته است. چنین هنر بدیعی در دیوان برهان‌الدین فراوان است.

برهان‌الدین دنیای شاعری، سلطنت و قضاوت را درهم آمیخته و با توانمندی خاصی در هر سه مورد توانایی خود را به منصه‌ی ظهور رسانده است. او برای تحصیل این همه توانائی تحصیلات کاملی را از سر گذرانده، شهرهای بسیاری را گشته و در نزد عالمان زمان درس خوانده است. کار قضاوت را معمولا در سده‌های میانه به مجتهدین می‌سپرده‌اند و قاضی برهان‌الدین شرایط اجتهاد را داشته و بر حدیث، روایت، شرح و تفسیر قرآن، سنن و تمام موضوعات و احکام اسلامی تسلط داشته است. در عین حال او برای برپائی عدالت و مساوات، امنیت و آرامس مسلمانان توجه خاصی داشته است. در عین حال انسانی کامل با تمام آرزوها و آمال واقعی بوده است؛ لذا دیوان وی سراسر مملو از عشق و آرمانهای الهی و زمینی است.

احساسات مربوط به عشق و دوست داشتن، بیانگر عشق واقعی و عشق مجازی نیز هست. برای همین هم اشعارش طبیعی و جاندار و صمیمی است. او چنین می‌اندیشیده و چنین زندگی می‌کرده است. در نگاه او، عشق و مجبت است که دلها را سوزانده، به ترنم واداشته، به زندگی پیوند داده، انسان را بسوی خوبیها کشانده و از او موجودی والا ساخته است. این عشق و محبت است که در میان انسانها باعث

ارتقای روح زیبایی‌دوستی، عدالت و عشق به دنیای عُلوی می‌گردد. زیبایی انسان نیز در داشتن همین عشق و دوست داشتنهاست و انسان‌دوستی بخشی از این عشق بشمار است.

در اشعار لیریک شاعر، این محبت است که به انسان نیرو می‌بخشد، او را از آلایشها و پلیدیها برحذر می‌دارد، با محبت است که زیبایی‌ها جان می‌گیرد و عاشق و معشوق را به مقامی بالاتر و والاتر می‌کشاند و راه را برای پیوستن به حق می‌گشاید.

تردیدی نیست که خلق دیوان پر حجم برهان‌الدین امری تصادفی نیست بلکه همت و عشقی وافر این سلطان و فقیه را به آفرینش چنین دیوانی ترغیب کرده است. برای این خلاقیت، هم عشق الهی و هم عشق زمینی وجود داشته است. او انسانی است که زبان مادری، عدالت، حق و حقیقت را ملاک انسان بودن در نظر گرفته و در خلق دیوانش بکار گرفته است و با جدیت تمام به نگارش آن نظارت داشته است. رنگارنگی موضوعات، فرم‌ها و زیبایی‌های صوری و معنوی دیوان نشان از همت والای او دارد. این شاعر نغمه‌سرای عشق و دلدادگی، در همه‌ی زمینه‌ها قلم زده و سعی داشته است همه‌ی زیبایی‌ها را ترنم کند. انسان، بی‌تردید، در مرکز توجهات شاعر قرار دارد. او با هنر خویش تلاش دارد ارزش انسان را به نمایش بگذارد. شادی و نشاط، نیک‌اندیشی و نیک‌بینی، اشعار قاضی را بسوی انسان‌دوستی، دوست داشتن زندگی و ذوق گرفتن از زیبایی‌های جهان در اشعار او ترنم می‌شود:

بزه‌نمیشدیر یئنه گلشن بو گئجه،
ایا بلبل گؤزون روشن بو گئجه.
نئچون تورکی گؤزون گیزله‌دی اوخون،
نئچون کئیمیش یوزون روشن بو گئجه.
ای گؤز، گؤز اول نگارین صحبتینده،
ای یوز، آیاغینا دؤشن بو گئجه...

هر یک از این غزلها، بر روی انسان لبخند می‌زند، او را به نشاط می‌آورد و دلها را صیقل داده و صفا می‌بخشد و لبریز از لطف و زیبایی می‌کند. تردیدی هم نیست که ترنم این زیبایی‌ها روح حساس شاعر را با روح عدالت‌خواهی و امنیت‌بخشی بر مردم بر اساس سلطنت و حکمرانی نیکو میسر می‌گردد و او که این امکانات را دارد بخوبی از این موهبت‌ها بهره می‌گیرد. اگر او در میادین نبرد هم پیروز است به یمن نیک‌بینی‌ها و عشق به انسانهاست. نغمه‌های شادی‌بخش، ترانه‌های فرح‌افزا و ترنم قهرمانیها و مردانگیها نیز منبعث از روحیه‌ی دلاوری، هنر شاعری و دل عدالت‌خواه اوست و دیوان وی را به مرواریدی ارزشمند در تاریخ ادبیات آذربایجان مبدل کرده است و امروز ما از این گنجینه‌ی زیبایی‌ها بهره می‌گیریم:

عشقین ایاغینی ایچن آییلا، گؤرمه‌دیم،

یوزون گؤره‌لی اوره‌یی آییلا، گؤرمه‌دیم.
بای ایله، یوخسول ایله ایریشدیم بسی، ولی
حسنونله ائیله کی باییلا، گؤرمه‌دیم.
حسنه غنی جمالینی گؤردومو آرادا
بیر نعمتی کی، سعی ایله ساییلا، گؤرمه‌دیم.
یوزون شعاعیسی ایله ساچین قوخوسو کیبی
گوندوز – گئجه کی عالم یاییلا، گؤرمه‌دیم.

از دید این سلطان، دنیا محل و میدان دلاوران شیردل، مردان پلنگ‌صفت و جوانمردان بی‌باک و هنرمندی است که جان در طبق اخلاص می‌نهند و در راه فدایی انسانها ادعای سروری دارند:

اره‌نلر اؤز یولوندا ار تک گره‌ک،
میدانا ارکک کیمی، نر تک گره‌ک.
یاخشی – یامان، قاتی – یومشاق اولسا خوش،
سرورم دئیَن کیشی ارکک گره‌ک.

زیباترین ماهیت جوانمردان، صمیمیت و درستکاری و صداقت آنان است:

یار اول‌دور کی، یار ایله همدرد اولا،
یاریندان یوز قایتاران یار سرد اولا.
یئمک – ایچمک، یاخشیلیق گؤزه‌ل،
ار گونونده گر دؤنه، نامرد اولا.

قاضی که می‌گوید: "وار جانین ایگیدلره قوربان اولسون!" گویی جنگاورانش را به میدان نبرد می‌برد؛ او مردانی را توصیف و تعریف می‌کند که جان را در روز نبرد به مقابل جانان برده و در راه آرمانها و اهداف عالی، جان فدای جانان کردن را شرف‌افزا می‌دانند. او دلاوران را ستاره‌های آسمان زیبا شمرده و زیبایی زمین را در وجود آنان می‌شمارد:

نئجه کی گؤیده گونش سیرانی‌دیر،
بو جهان اره‌نلرین میدانی‌دیر.
یئ و یئدیرگیل، آل و باغیشلاییل،
هر زمان بیر ایگیدین دورانی‌دیر.

او دلاوران را به انسان دوستی، جوانمردی و دلاوری می‌خواند و باور بر این دارد که شأن و مقام انسان در فکر و اندیشه و حسیّات والای انسانی است:

اؤزونو الشیخ گؤره‌ن سردار اولور،
اناالحق دعوی قیلان بردار اولور.
ار اولدور حق یولونا باش اوینایا،
دؤشکده اؤلن ایگید مردار اولور!

علاوه بر اندیشه‌ی مبارزه با پلیدیها و زشتی‌ها، زیبایی‌ها نیز ضرباهنگ اشعار اوست:

بن سنی سئوه‌رم، سئویسه‌رم[1]،
بو سؤزو تورکجه قویوق دئیه‌لیم.
وصفینه گاه قصیده، گاه غزل،
گاه رباعی و گاه تویوق دئیه‌لیم.

زبان این شعر چون جاری بودن آبی زلال صاف و زیباست. شعر او زمزمه‌گر ترانه‌ها و نغمه‌های زلال دلهای پاک است و با ترتیب اوزان زیبا در شعرش، هماهنگی غریبی را خلق می‌کند:

گل، گل گؤره‌لیم، گول گؤره‌لیم، گول گؤره‌لیم بیز،
بیر نغمه گتیر اورتایا، بلبل، گؤره‌لیم بیز...

آوردن نمونه‌های زیبا از دیوان پر حجم او پایانی ندارد، مگر آنکه خواننده دل به دریا زده و از دریای اشعار او مرواریدهای درخشان را برگیرد.

دنیای شعری قاضی برهان الدین

شاعر بر ظرایف زبان مادری خویش تسلط داشته است و در تشکیل دیوانش یاری‌دهنده بوده است. او که بر نگارش و ترتیب دیوان خود نظلرت داشته، در انتخاب واژگان و اصلاح کلمات و اوزان نیز دقت به خرج داده است. لذا ظرایف بسیار درخور توجهی در دیوان او موجود است که البته برخی ضعف‌ها در املای بکار گرفته شده – که حاکی از طرز نگارش ترکی و عدم تطابق این زبان با الفبای عربی دارد – باعث بروز نقصانهایی در اوزان گشته است.

پرفسور نظامی خودیف در اثر بسیار ارزشمند خود "آذربایجان ادبی دیلی تاریخی" ضمن بررسی زبان برهان‌الدین اثبات کرده است که درصد واژگان عربی و فارسی در دیوان قاضی برهان‌الدین بسیار کمتر از 20 در صد بوده است. اما استاد برازنده‌ی ما در خدمت برهان‌الدین نسبت به صرف و نحو و نوآوری‌های

---

[1]سئوه‌رم و سئوه‌جه‌یم

بی‌بدیلش کمتر سخن گفته است. این گوشه از خدمات شاعر بزرگ ما نیاز به بررسی بیشتری دارد که تا امروز از دید ادیبان مخفی مانده است.

برهان‌الدین مانند زبانشناسی ماهر به زیبایی‌های زبان ترکی توجه کرده و از ترکیب‌های زیبا، اصطلاحات ماندگار و واژگان غنی زبان ترکی بهره گرفته است. از ترکیب‌های بکار رفته در دیوان، نمونه-های زیر برای اولین بار بکار رفته است: کؤنول آلیجی، جان آپاریجی، دیله‌دیگینجه و . . . و واژگانی چون: اینجی، بیلیش، ییلتر، اسیرگه و . . . را به زیبایی تمام بکار برده است. او در ترتیب و نظم صداهای ستبر و نازک که یکی از قواعد بی‌بدیل زبان ترکی است توجه تمام داشته است؛ به نمونه‌های زیر توجه کنید:

"سورماغیل" و "ائتمه‌گیل" –

با به کار بردن درستِ این ترکیب‌ها در فرم امری "غیل" و "گیل" به ظرایف زبان دقت داشته است که امروزه زبانشناسان دقیق بدین مساله می‌پردازند. همچنین است صرف افعال و حالات و زمانهای افعال که بسیار شگفت‌انگیز و حیرت‌آمیز است و در تمام دیوان این قوانین رعایت شده است. مانند:

آلام / آلیسارام / آلئییم

دقت در این سه فعل، نشان می‌دهد که در فرم نخست، حال زمان را نشان می‌دهد؛ دومی به زمان آینده اشاره دارد و سومی التزام را می‌رساند. شاید بهتر باشد در مقاله‌ای مستقل بدان بپردازیم.

قاضی برهان‌الدین شخصیت بزرگ تاریخی است. مورخان او را لقب ابوالفتح داده‌اند اما ارزش شاعری وی را بالاتر از سلطنت وی در اینجا مد نظر داریم. در دیوان او به اشعاری برمی‌خوریم که زیباترین نمونه‌های رئالیزم را ارائه داده است. این رئالیزم برتری او را نشان می‌دهد. همچنین وسعت دایره‌ی معلومات او را بیان می‌کند و خواننده را به حیرت می‌اندازد. او در شعر خود از بازی شطرنج و نقش مهره‌های آن، موسیقی و دستگاههای مختلف آن، ادبیات شفاهی و فولکلور و موضوعات دیگر چنان بهره می‌گیرد که گویی استاد مسلم این عرصه‌هاست. روانی و سیالیت شعرش نیز جای خود دارد و گاهی این سیالیت حیرت‌آور است:

ساقی، تولو سون ایاغی کی، روزه دگیلدیر،
بو عمر بجز مهلت ده روزه دگیلدیر.
سیرت سئوه‌رم، صورته یوخدور مئیه‌له‌نیم،
بزمی دیله‌ریز مقصودوموز کوزه دگیلدیر.
مرکب وار ایکن جهد ائد و معشوقونا ایرگیل،
هیچ کیمسه اجل تازیسینی اوزه دگیلدیر.

البت آتینا ایشبو جهانین اینن اویما،
کی میل ائده اول قارایا یا بوزا دگیلدیر.
بو فصلده کی، گول یولونا یاخیلا بلبل،
کیمین کؤنولو ساز ایله بیر سؤزه دگیلدیر.

قافیه‌های درونی شعر او نیز از جنبه‌های زیبای شعر اوست:

گؤزونه گووه‌نه‌نی گؤر، اؤزونه اؤزه‌نه‌نی گؤر،
سؤزونه سئوینه‌نه باخ، قدّینه قیوانانی گؤر.
نئجه جادو ایسه گؤزو، نئجه تاتلو ایسه توزو،
نئجه شیرین ایسه سؤزو، سن آنا اینانانی گؤر.
کؤنولوم چَلَب ائویدیر، یؤنو اول یولا قاویدیر،
ایکی دونیا بیر جویدیر، بو قانینا قانانی گؤر.
بنی جانیمین سپندی، ساچی عقلیمین کمندی،
جانینا سالیب بو بندی، اول اودونا یانانی گؤر.
بو نه ساچ معطّر اولموش، بو نه یوز منوّر اولموش،
نه یاناق گُلِ تَر اولموش، جانینی یا جانانی گؤر.

این عزل نیز بسیار شیوا و روان است:

بو نه حسن و نه خط و بو نه قدّ و نه بلادیر،
جمالین روضه‌می، یارب و یا فردوس اعلادیر؟
ساچین عنبردورور، لیکن آنا کافور خدمتکار،
لبین یاقوتدو، الاّ کی لؤلؤ آنا لالادیر.
قاشین پیوسته بیزیمله و قدّین راستدیر لیکن،
گؤزونه یاخشی باخینجاق قیاس اول‌دور کی آلادیر.
یوزو گول، گؤزودور نرگس، تنی برگ سمندن تر،
ولی کیرپیکلری جادو، یوره‌گی سنگ خارادیر.
خطی خضر، آغیزی مریم، سؤزو عیسی، لبی یحیی،
اؤزو یوسف، گؤزو موسی، زهی آدم، ز حوادیر.

در اشعار برهان‌الدین، مردانگی سخنِ نخست اوست:

ساتالیم جان و دلی، ایشبو دمی ساتمایالیم،

قاتالیم جانی جانا، اورتایا سؤز قاتمایالیم.

او، عاشقی صمیمی و واقعی است که با خون خود غسل می‌کند و در محراب ابروان یار به نماز می‌ایستد:

یوره‌ک قانیندا غسل ائیله‌مه‌یینجه

قاش محرابینا اولماز نیازیم.

شاعر، وقتی با یار همراه است چنین می داند که دنیا را به کف آورده است و ارزش جانش را در فدا کردن در راه یار می‌داند، وگرنه جانش بی‌ارج است:

شول بت اگر بیزیم اولا، سانکی اولور جهان بیزیم،

گر آنا اولمایا فدا، بس نه‌میز اولا جان بیزیم؟

ثابت قدمی و مردانگی نشانه‌ی جانبازی در راه عشق و دوست داشتن تلقی می‌شود. باید که دشمن پلیدی‌ها و نامردیها بود:

نامرد اولا اول کیشی کی قصد ائیله‌یه مرده!

شاعر، دین و ایمان را در انسان‌دوستی معنی می‌کند. او اگر جانی دارد باید در راه یاردوستی صرف کند:

جانانه‌یی گره‌ک سئوه کیم جانی وار ایسه،

عشقین یارین دین توتا، ایمانی وار ایسه!

او، در دستی قدح و دستی بر زلف یار داشته و رقص در چنین حالی را می‌پسندد:

اگر قولون سالیب رقصه گیره‌سین،

قالا حیران سنه بو چرخ دوّار.

نصیحت و پند نیز در دیوان او جایی دارد. فرق بین عدل و ظلم اساسی‌ترین فرق بشمار می‌آید و در اینجا فهم و شعور انسانی حکم می‌کند و باید که در هر زمانی فرق این دو را بازشناخت:

عدل ایله ویران دخی آباد اولور،

ظلم ایله دونیادا بیر شار اولمادی.

چنین اشعاری از او چون ضرب‌المثلی ورد زبانهاست:

شاه ایکی اولسا، اولور ائللر خراب؛

و بالاخره:

ساقی، تولو وئر کی، گئده بو زهد ایله سالوس،

کی چوخ یئییریز، ایچمه‌دیگیمیز گونلره افسوس!

البته در بررسی تاریخی تحولات زبان ترکی می‌دانیم که برخی حروف به یکدیگر تبدیل می‌شوند مثلاً "ت"، جای "د" نشسته و این از تحولات زبان ترکی است:

تولو = دولو

توزلو = دوزلو

تامو = دامو، جهنم

توتاق = دوداق

تولاشماق = دولاشماق

و . . .

سخن آخر که نتوانستم نسخه‌ی دست نویس را بدست آورم؛ کتاب چاپی باکو را اساس قرار دادم، ترتیب الفبایی غزلها را تا حد ممکن بجا آوردم. اگر زبان شعری برهان‌الدین ثقیل و با توجه به طرز نوشتاری ترکی با الفبای عربی، نقصان اوزان نیز مشاهده می‌شود و باز این نقصان به خود دیوان برمی‌گردد که به دلیل عدم دسترسی به نسخه‌ی خطی حداقل تغییرات را در این مورد به عمل آوردیم تا دیگر ادیبان دستی بدان ببرند و شاهد دیوانی صحیح و با اوزانی درست و قریب به اصل باشیم.

تورکی اؤن سؤز

سلطان احمد برهان‌الدین

قاضی برهان‌الدین، آذربایجان ادبیاتی‌نین گؤرکملی نماینده‌لریندن بیری‌دیر کی بؤیوک بیر سلطان اولاراق، بیر قاضی و فقیه، عینی حالدا بیر بؤیوک شاعر ده اولموش، هم تاریخده دەیرلی بیر رول اوینامیش

و هم ادبیات ساحه‌سینده ایلک غزللر دیوانینی یاراتماقلا گؤستردیگی خدمتلره گؤره قالارقی سیمالارین بیری اولموشدور.

قاضی برهان‌الدین اوچ دیللی بیر شاعردیر. اونون تورکو دیوانی 1320 غزلی و بیر سیرا رباعی و تویوغو اؤزونده احتوا ائدیر، فارسی دیوانی 200 غزلدن آرتیقدیر و عربجه ده ایکی اثری واردیر: بیری "ترجیح‌التوضیح" و ایکینجیسی "اکسیرالعادات فی‌اسرارالعبادات". بئله‌لیکده شرق دونیاسی‌نین بؤیوک نابغه‌لریندن بیری‌دیر.

برهان‌الدین ایلک شاعردیر کی تورک دیلینده ان بؤیوک غزللر دیوانینی یاراتمیشدیر. تاسفله بیر سیرا ادیبلر، قاضی برهان‌الدینی آذربایجان ادبیاتی‌نین ایلک شاعری تانیتدیرمادا ائله یازمیشلار کی سانکی اوندان اؤنجه آذربایجاندا شاعر اولمامیشدیر. بو، یانلیش بیر سؤزدور. دوزو بودور کی قاضی برهان‌الدین‌دن قاباق، اونلارجا بؤیوک شاعرلریمیز اولموش، او جمله‌دن حسن‌اوغلو، خواجه احمد فقیه، یوسف مدّاح، خواجه علی خوارزمی، خواجه دُهّانی و باشقالارینی سایماق اولار. آنجاق بو شاعرلرین ادبی یارادیجیلیقلاری مثنوی ژانریندا اولموش و غزللری تک باشینا بیر دیوان تشکیل ائده بیلمه‌میشدیر. بونو نظرده آلماق لازمدیر کی قاضی برهان‌الدین ایلک شاعردیر کی غزللر دیوانینی، او دا 600 صفحه‌دن آرتیق بیر اؤلچوده یاراتمیشدیر.

باشقا بیر موضوع، آذربایجان ادبیاتیندا سلطان و شاهلارین شاعر اولماسی‌دیر. هئچ بیر ملت ایچینده آذربایجان کیمی شاه و سلطان یوخدور کی سلطنت ایله برابر علم، ادب، شعر، اینجه صنعت عالمینه ده ماراقلی اولسون. دوغرودور چوخلو سلطانلار اولموشدور کی شاعرلری، عالملری و صنعتکارلاری تشویق ائتمیشلر، آمما اؤزلری یارادیجیلیق استعدادیندان بهره‌سیز اولموشلار. بیر حالداکی آذربایجاندا بئله سلطانلار چوخ اولموشدور. سلطان احمد برهان‌الدین، سلطان حسین بایقرا، جهانشاه حقیقی، سلطان یعقوب آغ قویونلو، شاه اسماعیل خطائی، حتی ناصرالدین شاه کیمی شاهلار شاعرلیک نبوغونا مالک اولماقلا برابر، خطاطلیق، رساملیق و باشقا صنعتلره ده ذوق گؤسته‌ریب ییه‌لنمیشلر. بو عامل گؤسته‌ریر کی بئله شاهلار و سلطانلار تکجه اؤلکه آلماغا، مملکت گئنیشلندیرمه‌گه چالیشمامیشلار، بلکه عینی حالدا اؤلکه‌نین آبادانلیغی، ملتین رفاهی و یاشاییشین گؤزه‌للیگی اوغروندا دا جان آتمیشلار. بئله سلطانلار تکجه آذربایجاندا گؤسنمیشلر.

آذربایجان کلاسیک ادبیاتی‌نین اساسلی تملینی عمادالدین نسیمی‌دن اؤنجه بیر نئچه شاعر قویموشدور. بونلاردان آد آپارماق ایسته‌ییرسک، شیخ عزالدین حسن اوغلو، خواجه علی خوارزمی، خواجه احمد فقیه، خواجه دهّانی، باباالیاس و قاضی برهان‌الدین‌دن آد آپارماق گره‌کیر. بو آرادا قاضی برهان‌الدین اوچون داها بؤیوک یئر وئرمه‌لی‌ییک. بونا گؤره کی او بؤیوک بیر دیوان توپلاماسی ایله و دیوان کبیر آدلاندیرماغا لایق

بیر اثر یارادیبدیر. بو 600 صحفه‌لیک دیوان، غزللر، رباعی‌لر و تویوغلارلا دولودور. بورادا تکجه بیر شاعرله یوخ، بلکه بیر عالی مقام فقیه و بؤیوک بیر سلطان ایله اوز اوزه دایانیریق. برهان‌الدین بیر جسارتلی سلطان کیمی تاریخده چیخیش ائدیب و اؤز خلقیندن و ملتیندن مدافعه ائدیب و عدالتی قورماق اوچون قلمدن علاوه، قیلینج دا الینه آلیب و اوچونجو بیر سیما اولاراق، بیر بؤیوک عالیم و فقیه کیمی ده تانینیر. اونون فقه ساحه‌سینده اولان دوشونجه‌سی، اسلام احکامی حقینده باخیشلاری و دینی گؤروشلری، برهان-الدینی تکجه آکادمیلرده یوخ، بلکه علمیه حوزه‌لرینده ده دوشونورلر، اوخویوب اؤیره‌نیرلر. بئله‌لیکله برهان‌الدین شخصیتینه اوچ زاویه‌دن باخمالی اولوروق:

1. سلطان احمد برهان‌الدین بیر سلطان کیمی
2. قاضی برهان‌الدین بیر فقیه کیمی
3. برهان‌الدین بیر شاعر کیمی

الف: **یاشاییشی**

قاضی برهان‌الدین، گنجه‌لی نظامی‌دن سونرا، عمادالدین نسیمی‌دن قاباق، دیلیمیزده ان بؤیوک شعر دیوانی یاراداراق، ادبی دیلیمیزی اؤز زیروه‌سینه چاتدیرمیش و تاریخده اؤز امضاسینی اؤز یارادیجیلیغی ایله ادبیاتیمیزا آتمیشدیر. او، تکجه دیلیمیزی یوخ، بلکه تاریخیمیزی ده قیزیل یازی ایله یازمیشدیر. او، بیر ملتین جسارتی، وارلیغی و عدالت سئوه‌رلیگینی تاریخده ثبت ائتدیرمیشدیر. احمد 722 قمری / 1344 م ایلینده رمضان آیی‌نین اوچونده قیصریه شهرینده آنادولودا آنادان اولموشدور. احمدین اولو باباسی خوارزمدن کؤچوب گلن عائیله‌لر ایچینده اولموشدور. دیواندا بونا چوخلو اشاره‌لر واردیر. آنجاق بیز اونو خوارزملی تانیماییریق، بلکه دیل باخیمیندان بیر چوخلو ادیبلر و آراشدیریجیلار کیمی، بیر آذربایجانلی بیلیریک. شاعیرین آتاسی سالور قبیله‌سیندن اولاراق، بیر آذربایجانلی تانینیر و آناسی دا عبداله چلبی‌نین قیزی اولاراق، سوی باخیمیندان، دیل جهتیندن، هابئله اثرلرینه حاکم روح اساسیندا بیر اصیل آذربایجانلی-دیر[1]. بو سؤزو عرب تاریخچی‌سی این حجر ده یازمیشدیر و کؤپرولو اونا استناد ائتمیشدیر. شاعرین آدی احمد، لقبی ابوالعباس و شعر تخلصو برهان‌الدین اولموشدور. اؤزو ده اوغوز طایفالاریندان آدلی — سانلی سالور قبیله‌سیندن اولموشدور. برهان‌الدینین عائیله‌سی، آتا – بابا زمانیندان علم اهلی اولموشلار، سیاستده مقام صاحبی، عینی حالدا قضاوت مسندینده اوتورموشلار. اونون بؤیوک بابالاری او جمله‌دن جلال‌الدین حبیب، حسام‌الدین حسین، سراج‌الدین سلیمان، ارتنه اوغوللاری‌نین قوروجوسو علاءالدین ارتنه‌نین

---

[1]– محمد فواد کؤپرولو، قاضی احمد برهان الدین، استانبول، 1928.

سارایینده یاشامیش و سیاسی خدمتلر گؤسترمیشدیلر. برهان‌الدین آتاسی شمس‌الدین محمد زمانه‌نین تانینمیش بیر فقیه و قاضیسی اولاراق، فقه و احکام بیلیمینده صاحب نظر و مقام صاحبی اولموشدور.

برهان‌الدین هله اوشاق ایکن آناسینی الدن وئریب، آتاسی‌نین تربیه‌سی آلتیندا مکمل تربیه آلمیشدیر. آتاسی اونا هم آنا اولموش و هم آتا. 736جی / 1356 ایلینده اؤلکه‌ده قارما – قاریشیقلیق اوز وئردیکده، برهان‌الدین آتاسیلا برابر شاما یولا دوشور. بئله‌لیکله برهان‌الدین کامل امکانات الده ائدیب، اولغون بیر تحصیل آلا بیلیر. علم‌لرله برابر هنرلرله ده سیلاحلانیر. اوخ آتما، قیلینج وورما، آت سورمه، شطرنج و باشقا هنرلرله بؤیوک مهارت تاپیر. 1358/736 ایلینده آتاسیلا برابر مصره گئدیب، تحصیلینی دوام ائتدیریر. فقه، طب، نجوم، هئیت و باشقا بیلیم‌لری ده تکمیلشدیریر. آتاسی، احمدین کامل درس آلماغی اوچون زمانه‌نین بؤیوک عالملرینی اوغلونون تربیه‌سینه مأمور ائدیر. بو زمان بؤیوک عالم قطب‌الدین رازی کیمی عالملر برهان‌الدینین تربیه‌سینده تام شکیلده چالیشیرلار و برهان‌الدین طبیعت، الهیات و ریاضیاتی دا اؤیره-نیر. او، تحصیل اوچون دونیانین علم و بیلیم مرکزلری اولان مصر، سوریه، شام، حلب و سایر شهرلره مسافرت ائدیر. برهان‌الدین 21 یاشیندا اولغون بیر تحصیل آلدیقدان سونرا اؤز شهری قیصریه‌یه دؤنور و آز بیر زماندا شهرین قضاوت مسندینه یوکسه‌لیر. بو زمان ارتنه اوغوللاریندان محمدبیگ اون ایل حکمدارلیقدان سونرا اؤلور و اوغلو علی بیگ کیچیک یاشلی اولدوغو اوچون، برهان‌الدین بوتون حکومت ایشلرینی الینه آلیر. بو ایللرده بؤیوک حادثه‌لر اوز وئریر. مغول یوروشو باشلاییر. قونیه، سیواس و باشقا شهرلری اشغال ائدیر. برهان‌الدین ساواشلارا گیریر و بؤیوک ایگیدلیک‌لری گؤسته‌ریر. بونا گؤره ده شهرت قازانیر و 736 جی ایلینده وزیرلیک مقامینا چاتیر. نهایت 1381/759 ایلینده بیر حکمدار کیمی تخته چیخیر.

برهان‌الدین دولتینی قورور و آنادولودا – قیصریه، سیواس، قونیه و چئوره‌سینده اولان شهرلری حکومتی آلتینا آلاراق، اونلاردا عدالت قورماق اوچون چالیشیر و 17 ایل حکمدارلیق ائدیر. بئله‌لیکله اونون عمرونون چوخ حصه‌سی سیاسی چالیشمالارلا کئچیر.

آنجاق امیر تیمورون یوروشلاری باشلاییر. قاضی برهان‌الدین اؤز یوردونو قوروماق اوچون باشقا حکمدارلارلا ال بیر اولماغا تدبیرلر قورور. اونلارلا ایلیشگی باغلیر. بیرلشمه‌یه یول گؤسته‌ریر. آنجاق خلق و وطنه آز ضربه‌لر دگمک اوچون بوتون لیاقت و ذکاسیندان بهره آلیر. او، عثمانلی، قارامان و تورکمن طایفالارینی بیرلشدیریر و حتا بیر نئچه بالاجا امیرلری بیرلشمه‌دیکلرینه گؤره مغلوبیته اوغرادیب، خلقلرینی بیرلشمه‌یه یاخینلاشدیریر. او، بو چالیشمالارا آتیلاراق، عثمانلی حکومتی، سلطان ایکینجی مراد، قیزیل اوردو حاکمی سلطان توختامیش خان ائلچیلرینی برهان‌الدین یانینا گؤنده‌ریرلر. بو حادثه، گؤسته‌ریر کی بئله بؤیوک سلطانلار دا اونون لیاقتینه اینانیرلار و تدبیرلرینی بگه‌نیرلر. نهایت برهان‌الدین 770 ایلینده

قسطموند صحراسیندا سلطان بایزید ایله برابر، توختامیش خان و برقوق خان ایله اوز اوزه دایانیب بیرله-شیرلر. اونلار بیلیکله امیرتیمورون هجومو قارشیندا تدبیرلرینی بیرلشدیریب – دایانیرلار و تیمورو اؤز یوردلاریندان اوزاقلاشدیرماغا مجبور ائدیرلر.

سلطان احمد برهان‌الدین سونرالار قارامان، آماسیا، ارزنجان و تورکمن امیرلریله دؤیوشور و اونلاری مغلوبیته اوغراییر. تاریخدن آلدیغیمیز معلومات گرسته‌ریر کی سلطان احمد 746 ایلینده آماسیا امیرینه غالب گلیب، تورهال قالاسینی آلمیشدیر. ارزنجان فتحینی دویوروق. برهان‌الدین دیوانیندا بوتون بو اولایلارا اشاره‌لر وار. هانسی شهرلره گئتمیش، هارالاردا یاشامیش، تحصیل آلمیش، ساواشمیش و فتح ائتمه‌لرینی دیواندان چیخارماق مومکوندور. آنجاق سلطان احمد قاراقویونلو سلطانلیغیندا بو حکومتین بیگلریندن ساییلان قارایولوق عثمان بیگ ایله ساواشدا 1398/776جی ایلینده ساواش میدانیندا اؤلور.

قاضی برهان‌الدین مزاری بو گون ده سیواس شهرینده قالیر. اونون بیر اوغلو و بیر قیزی واریمیش کی اوغلو محمد چلبی، آتاسی‌نین یئرینده اگله‌شمیش و اؤلدورولموشدور و قیزی حبیبه سلجوق خاتون 850 جی ایلده وفات ائتمیش و اونلار دا سیواسدا قویلانمیشلار.

سلطان احمد عمرونو ساواشلاردا کئچیریرکن اؤلکه‌ده امنیت، عدالت قورماق اوچون چالیشمیش و اؤلکه‌سینه خور باخانلارین گؤزونو چیخارمیشدیر. مورخلر اونا ابوالفتح لقبینی وئرمیشلر. اونون سارای تاریخچیسی اولان عزیز ابن اردشیر، سلطان برهان‌الدینین بوتون سفرلرینده و ساواشلاریندا یاخیندان حضور تاپمیش و اولایلاری ثبت ائتمیشدیر. «بزم و رزم» کتابی بو چالیشمالارین نتیجه‌سی اولان سلطان برهان‌الدین تاریخی‌دیر. بو کتاب، برهان‌الدینی عقیللی، بیلگین و عدالتلی بیر سلطان تانیتدیریر کی بو قدر ساواشلارلا برابر شهرلر و یوللار تیکدیرمیش و یوللارین امن – آمانلیغی اوغروندا بیر آن دایانمامیش و چوخلو قالالار، مدرسه‌لر، کؤرپولار و بینالار تیکدیرمیشدیر. مورخ، سلطان احمدی آیدین فکرلی، اوزاق گؤره‌ن بیر شخصیت کیمی قیمتلندیریر.

سلطان احمد قوردوغو سلطانلیق دوام ائدیر و اونون اوغلو علم‌الدین علی چلبی آتاسی‌نین یئرینده اوتورور. آتاسی‌نین قاتیلینه قارشی مبارزه‌یه چیخیر. آنجاق بایزید قارایولوق ایله ساواشیر و اونو آرادان قالدیریر و سونرالار علم‌الدین چلبی ایله ده ساواشارکن اونو دا مغلوب ائدیر و یوردونو عثمانلی تورپاقلارینا قاتیر. بئله‌لیکله برهان‌الدین حکومتی آرادان گئدیر. بو یوز ایللرده یازیلان تاریخی قایناقلار و تذکره‌لر سلطان برهان‌الدین‌دن هم بیر سلطان کیمی و هم بیر شاعر کیمی آد آپاریب، یوکسک سویه‌ده اونو آلقیشلاییرلار. او جمله‌دن 16جی عصرین مورخلریندن تاش کؤپرولو «شقایق النعمانیه» کتابیندا، 17جی عصرده خواجه سعدالدین «تجرید التواریخ» اثرینده و یئنه 17جی عصرین مورخی کاتب چلبی «کشف

الظنون» کتابیندا قاضی برهان‌الدین حقینده معلومات وئره‌رک، اونون شاعرلیک هنرینی ده یوکسک سویه‌ده قیمتلندیریرلر.

قاضی برهان‌الدین- بیر قاضی

برهان الدین شاعرلیک و سلطانلیقلا برابر بیر قاضی ایدی. او، قاضی اولماق اوچون تحصیل آلمیشدیر و عائیله‌سی ده آتا - بابالاریلا بیرلیکده، سارای قاضیسی اولموشدولار. برهان‌الدین ایلک اؤنجه قضاوت مسندینده اوتورموش و اسلام احکامینی یئرینه یئتیرمک اوچون چالیشمیشدیر.

قاضی برهان‌الدین بیر بؤیوک عالیم و فقیه اولاراق، تاریخ بویو تانینمیش و یازدیغی اثرلر هله بو گون ده اؤز اعتبارینی الدن وئرمه‌میشدیر. او، ایکی کتاب بو ساحه‌ده یازمیشدیر کی بیری ترجیح التوضیح (شعبان 799) و ایکینجیسی اکسیرالعادات فی‌اسرارالعبادات اولاراق، علمیه حوزه‌لرینده عالیملرین استناد ائتدیگی اثرلردن ساییلیر.[1]

قاضی برهان‌الدین- بیر شاعر

بوتون تذکره‌چی‌لر اونون 17 – 18 ایل حکمدار کیمی یاشاماغی و عمرو بوتون جنگ‌لرده و ساواشلاردا کئچدیگینه باخمایاراق، بیر ایچ آراملیغی اولدوغونو دا یازمیشلار و همین ایچ آراملیغی اساسیندا شاعیرلیک ائده‌رک، علمی کتابلار یازماغا دا وقت تاپا بیلمیشدیر. برهان‌الدین اوچ دیلده یازیب - یارادیبدیر. ایکی عربجه فقه و احکام باره‌سینده کتاب یازمیش، فارسیجا 200 غزلدن عبارت بیر دیوان یاراتمیش و 1329 غزل، 120 تویوغ و 20 رباعی‌دن عبارت ده تورکجه دیوانینی یاراتمیشدیر.

قاضر برهان‌الدین تاریخده ان بؤیوک و ده‌یرلی شاعرلردن تانینیر کی دیوانِ کبیری ایله اؤزونو تاریخده قالارقی شاعرلر آراسیندا تثبیت ائتمیشدیر. بوتون قایناقلار و تذکره‌لر برهان‌الدین یاشاییشی و یارادیجیلیغینا اساس دایاناراق اونون شعر هنرینی قیمتلندیرمیشلر. اونون شعرلرینه اشاره‌لر ائدیب و حؤرمتله یاد ائتمیشلر. اونا گؤره ده بو دیوان، تاریخین قارانلیقلاریندان کئچیب گونوموزون آیدینلیقلارینا چاتمیشدیر. اما کئچن 150 ایل عرضینده بو دیوان بوتون شرقشناسلارین ماراغینی قازانمیش و مستشرقلر اونو تانیماغا جان آتاراق، بو دیوانی اؤز دیللرینه چئویرمه‌ده چالیشمیشلار. 19جو یوزایلدن بو چالیشمالار شدت تاپیب، یوزلرجه مقاله، آراشدیرما و ترجمه‌ی حال یازمالار اورتایا گلمیشدیر. 1895جی ایلده روس شرقشناسی پ. مئلورنسکی بیر ژورنالدا، سیواسلی برهان‌الدین عنوانی آلتیندا شاعیرین دیوانیندان سئچیلمیش غزللری ده اؤز گؤزه‌ل مقاله‌سینه آرتیرمیش و روس اوخوجولارینی شاعرین حیاتی و شعرلریله تانیش ائتمیشدیر. او، بورادا 20 تویوغ، 20 رباعی و 4 غزلی روس دیلینه چئویریر و روس خلقینه هدیه ائدیر.

---

[1]- پروفسور گیب، دایره المعارف اسلامی، ج 11، ص 208.

انگلیس عالمی پروفسور گیب 1900جو ایلده «عثمانلی ادبیاتی تاریخی» اثرینده بیرینجی دؤنه اولاراق برهان‌الدین شاعرین حیاتی و اثرلرینی انگلیس اوخوجولارینا تانیش ائدیر. تورک ادبیاتیندا دا ایلک دفعه جناب شهاب‌الدین و فواد کؤپرولو، برهان‌الدین حقیندا ده‌یرلی آراشدیرمالار ایره‌لی سوروب و گؤزه‌ل نتیجه‌لر الده ائتمیشلر. اونلار بیرگه چالیشاراق، «یئنی عثمانلی تاریخ ادبیاتی» اثرینده برهان‌الدین شعرلرینی اینجه‌له‌ییب و «بشریت قوخولو» شعرلریندن سؤز آچیرلار. اونلار ایلک دفعه اولاراق، برهان‌الدین دیوانیندان سئچمه‌لر سئچه‌رک دیوانی چاپ ائدیرلر.

1922جی ایلده آمریکالی عالم ف. گودسل، «برهان‌الدین تویوغلاری» عنوانی ایله مقاله‌سینده برهان-الدینی بیر تویوغ اوستاسی کیمی تانیتدیریر و آذربایجان ادبیاتی حقینده بیر سیرا معلوماتلار وئریر. همین ایلده جناب شهاب‌الدین تورک عالیمی، برهان‌الدین اثرلرینی اینجه‌له‌ییب، شعرلرینی آراشدیریب و گؤزه‌ل بیر مقاله‌ده تانیتدیریر.

بوندان سونرا داها دیوان کبیر اثری عالملرین الیندن یئره دوشمور. 1922جی ایلده یئنه آمریکادا پروفسور ل. لئدویان برهان‌الدین دیوانیندان تویوغلار و رباعیلرله برابر بیر سیرا غزللرینی ده ترجمه و یایماغا چالیشیر. او، بو اثرینده برهان‌الدینی قلم و قیلینج صاحبی کیمی قیمتلندیریر و اونا نسبت چوخلو ماراق بسله‌ییر.

1922جی ایلده پروفسور کؤپرولو باشقا اثری اولان بیر مقاله ده برهان‌الدین غزللرینی آراشدیریر و اونون دینی مضمونلارینی دنیا قونولاریلا توتوشدوراراق، مادی و معنوی حیاتینی ده‌یرلندیریر. کؤپرولو بو زماندان سونرا باشقا اثرلرینده ده برهان‌الدین‌دن واز کئچمیر و هر یاندا فرصت تاپدیقدا برهان‌الدینی تانیتدیرماغا چالیشیر. او، دیوان فضولی اثرینی یایدیغی زمان، اثرین اؤن سؤزونده برهان‌الدین حقینده دیرلی و اوزون اوزادی معلومات وئریر و اؤز ایده‌لر و فکرلرینی بو بؤیوک شاعر حقینده وئرمه‌دن واز کئچمیر. او، 1926جی ایلده یازدیغی بؤیوک اثرده – «منشائیندن اونونجو هجریه قدر تورک ادبیاتی» کتابی‌نین گیریش بؤلومونده برهان‌الدین باره‌سینده درین معلومات وئریر و بؤیوک بیر ماراقلا اونون دیوانینا یاناشیر.

تورک عالمی وصفی قوجا ماهر تورک، قاضی برهان‌الدین ایله عمادالدین نسیمی‌نی توتوشدوراراق، نسیمی‌نین دیوانیندا برهان‌الدین ائتکیسینی گؤسترمه‌یه چالیشیر و نشان وئریر کی نسیمی‌نین یارادیجیلیغی برهان‌الدین یولونون آردیجیل باشاریسی‌دیر. او، نوایی دیوانیندا دا آختاریشلارینا دوام ائتدیریر و برهان-الدین هنری‌نین ایزلرینی گؤسته‌ریر.

احمد قاباقلی دا اؤز 5 جلدلیک تورک ادبیاتی تاریخینده برهان‌الدینی قلم و قیلینج آدامی کیمی ده-یرلندیریر و شعرده اونون یوکسک مقامینی گؤسته‌ریر. بوندان باشقا تورک عالم‌لری او جمله‌دن علی نهاد

ترلان، سلمان نزهت، محرم ارگین، ح. مازی اوغلو، نهاد سامی بانارلی، ع. آلپ ارسلان و باشقالاری برهان‌الدین اثرلرینی آراشدیریب، درین باخیشلی مقاله‌لر یازمیشلار. آنجاق اونون دیوان کبیری 1943جـو ایلـده فتوفاکسمیله صورتینده استانبولدا چاپ اولور. 1977 ایلینده آلپ ارسلان برهـان‌الـدینین 100 غزلـی ایلـه برابر تویوغلاری و رباعی‌لرینی چاپ ائدیب و گؤزه‌ل بیر آراشدیرما ایله یاییر. 1980 ایلینده محرم ارگـین طرفیندن دیوان کبیر، کامل صورتده چاپ اولور. علیار صفرلی 1976 ایلینده دیوانین سئچیلمیش غزللرینی باکیدا چاپ ائتدیریر. روس عالم‌لریندن ا. کریمسکی، م. قلیزاده، ا. استابلیوا و باشقالاری دا علمی مقاله‌لر بو ساحه‌ده یازیب، برهان‌الدین حقینده علمی قیدلری یازیبا آلیرلار. نهایـت 1988جـی ایلـده قاضـی برهـان الدینین تام دیوانی علیار صفرلی‌نین اؤن سؤزو ایله باکی دا چاپ اولوب یاییلیر. آنجاق ایراندا ایلـک دفعـه اولاراق برهان‌الدین دیوانینین سئچیلمیش غزللری زنگاندا بـو سـطرلرین یـازاری طرفینـدن چـاپ اولـوب یاییلیر و بیر نئچه مقاله ده مختلـف درگیلـرده تهـران، تبریـز و زنگانـدا – امیـد زنجـان، پیـک آذر، فجـر آذربایجان، ارک و . . . چاپ اولونور.

اورتا عصر تاریخچیلری، حیاتی چارپیشمالاردا کئچمیش برهان‌الدینه «ابوالفتح» (ظفر و غلبه صـاحیبی) آدینی وئرمیشلر. اونون اؤز تاریخچیسی، عزیز ابن اردشیر اونو عقیللی، بیلیکلـی و عـدالتلی بیـر حکمـدار کیمـی سـجیّه‌لنـدیریب. چوخلـو قالـا، کؤرپـو، مدرسـه بینالـاری تیکدیرمـه‌سـیندن دانیشـمیش، اوردویـا سویغونچولوق ائتمه‌یـه ایمکـان وئرمـه‌دیگینـی قئیـد ائـده‌رک، اونـو اوزاق گـؤرن بیـر شخصـیت کیمـی قییمتلندیریب. عزیز ابن اردشیر، قاضی برهان‌الدینین حیاتی‌نین «بزم و رزم»ده کئچـدیگینی یازیـب. اورتـا یوز ایللیکلرین قایناقلاریندا قاضی برهان‌الدین بیر شاعیر و حؤکمدار کیمی یوکسک قییمتلندیریلیر.

19جو عصردن باشلایاراق شاعیرین شعرلری بیر سیرا دیللره چئوریلمیش، حاقیندا مقالـه‌لـر یازیلیـب. مشهور انگلیس شرقشناسی ائ.گیبب 1900جو ایلده یازدیغی «عثمانلی ادبیـاتی تـاریخی» اثرینـده ایلـک دفعه اولاراق آوروپا اوخوجولارینی قاضی برهان‌الدین صـنعتی ایلـه تـانیش ائـدیب. قاضـی برهـان‌الـدین دیوانی‌نین فوتو فاکسیمیله‌سی 1943جـو ایلـده اسـتانبولدا نشـر ائـدیلیب. 1980جـی ایلـده م. ارگـین شاعیرین دیوانینی تام شکیلده چاپدان بوراخیب.آذربایجاندا پروفسو ائلیار صفرلی ایلک دفعـه 1976جـی ایلده شاعیرین دیوانیندان نومونه‌لر، 1988جی ایلده ایسه برهان‌الدین دیوانینی بوتؤولوکده نشر ائتدیریب.

قاضی برهان‌الدین شعری‌نین باشلیجا موضوعو سئوگی و گؤزللیکدیر. ع.صـفرلی شـاعرین لیریکاسـی باره‌ده یازیر: «عشق و گؤزللیک نغمه‌کاری اولان شاعیر اؤز شعرلرینده اورتا عصر انسانی‌نـین سـئوینجینی، ملاحت و جاذبه‌سینی ذوق ایلـه قلمـه آلمـیش، اونـون کؤنـول سربسـتلیگینه، معنـوی آزادلیغینـا طرفـدار چیخمیشدیر. شادلیق، نیک‌بینلیک، دونیا و حیاتا یوکسک بیر مناسبتین ایفاده‌سی، حیـاتین مـادی و معنـوی گؤزللیکلریندن کام آلماغا چاغیریش قاضی برهان‌الدین شعری‌نین اساسینی تشـکیل ائـدیر. سـئوگیلی‌نـین

ایشیقلی، کؤنول آچان صورتینی یارادان صنعتکار بیر رسّام کیمی اونون ظاهری گـؤرکمینی جانلانـدیریر و انسانی سیماسینا گؤره ده اونو گؤزل-گؤیچک گؤرمک ایستـه‌ییـردی». شـاعره گـؤره سـئوگیلینی وصـف ائتمه‌ین سؤز-شعر، عادی بیر کولکدیر، اونا شعر دئمک اولماز:

اول گؤزکی، یوزون گؤرمه‌یه، گؤز دئمه آنـا، شول یوز کی، توزون سیلمه‌یه، یوز دئمه آنا.

شول سؤز کی، ایچینده، صنما، وصفون یوخ، سن بـادِ صـبا تـوت آنـی، سـؤز دئمـه آنـا.

ایگیدلیک، بهادرلیق موتیولری شاعرین شعرلرینده چوخ قاباریقدیر. حیاتی دؤیوشـلرده کـئچن شـاعر ارلری، ایگیدلری دؤیوش میدانلارینا چاغیریر، حق-عدالت اوغروندا ووروشلارا سسله‌ییر، دؤشـکده اؤلـن ایگیدی مُردار سابیر:

اؤزونـــو آشـــاخ گـــؤرن ســـردار بولـــور، انـــاالحق دوی قیلـــان بـــردار بولـــور.

ار اولـــدور حـــاق یولونـــا بـــاش اوینایـــا، دؤشـــکده اؤلـــن ییگیـــت مُـــردار بولـــور.

قاضی برهان‌الدینین شعری آذربایجانین شفاهی و یازیلی ادبیاتینا سؤیکه‌نیـر. او، یوسـف بالاسـاغونلو، یونس امره، احمد یسوی، خواجه علی، حسن اوغلو یارادیجیلیغیندان الهام آلیبدیر. اونـون شـعری اونـدان سونرا گلن بیر سیرا شاعرلرین یارادیجیلیغینا تاثیر ائدیب. عمادالدین نسیمی، شاه اسماعیل خطایی، محمـد فضولی و بیر سـیرا باشـقا آذربایجـان شـاعرلری قاضـی برهـان‌الـدینین بـدیعی اصـول و واسـطه‌لرینـدن فایدالانیبلار.

برهان‌الدین دیوانی‌نین الیازماسی

قاضی برهان‌الدین‌ین کامل الیازما نسخه‌سی الده‌دیر. بو الیازما شاعرین اؤز حیاتی چاغیندا، بلکه ده اؤز نظارتی آلتیندا یازیلمیشدیر. بو نسخه‌نی سلطان احمد برهان‌الدین سارایی‌نین مخصوص کاتـب و خطّـاطی اولان خلیل ابن احمد 606 صحیفه‌ده یازیب و مرتب ائتمیشدیر. بـو الیازمـانین اوسـتونده یازیلـان تـاریخ 796 ایلینی گؤسته‌ریر. بئله‌لیکله شاعرین عمرونون سون ایللرینه ده یاخیندیر. بو الیازما سارایدا یازیلدیغی و سارای کاتبی الیله یازیلماسی بیزه بو امکـانی وئریـر کـی شـاعرین نظارتینـه ده ایناناق. هـر حالـدا بـو الیازمادان دا خبرسیز اولا بیلمزدی. آنجاق بو الیازمادا، شعرلر الفبا ترتیبی ایله یازیلمامیشدیر و بللی‌دیر کـی زمان سوره‌سینده یازیلاراق، الفبا ترتیبینه فرصت اولمامیش و سؤیله‌نیش اساسیندا یازیلمیشدیر.

بو منحصر بفرد الیازما، عالی سوییه‌ده یازیلاراق، سلطانین نظارتینی ده گؤسته‌ریر، اونون حاشـیه‌سـینده بیر سیرا اصلاحلار دا گؤرونور کی، بوتون ادیبلر بو اصلاحلاری برهان الدین طرفیندن بیلیرلر.[1]

---

[1]- فواد کؤپرولو، تورکیات مجموعه‌سی، ج 2.

بو الیازما نسخه، 1890جی ایله قدر عثمانلی اؤلکه‌سینده ساخلانیلیب، آنجاق او ایلده انگلیس سفیرلیگی طرفیندن توماس آدلی بیر کیمسه الیله انگلستانا آپاریلمیش و بو گون بریتانیا موزه‌سینده لندن‌ده 4126 نمره‌سی آلتیندا ساخلانیلیر.

محرم ارگین و علیار صفرلی ده دیوانین فاکسیمیله‌سی اساسیندا بو دیوانی حاضرلامیش و چاپ ائتدیرمیشلر و بیز، بورادا بو دیوانی الفبا اوزه‌رینه ترتیب ائده‌رک حاضرلاییریق.

تویوغ نه‌دیر؟

قاضی برهان‌الدین دیوانی اسکی تورک شعرینه وفالی قالاراق، کلاسیک شعریمیزه آرخالانیر. بو دیواندا استفاده اولونان شعر فورمالاری و صنعتلری اولغون بیر دورومدا فایدالانیر. تورک شعرینده اولان صنعتلر او جمله‌دن سس اویوشمالاری، قولاق وزنی، ها بئله شعر فورمالاری – اوزانلار بهره آلان گرایلی، تجنیس فورمالاری تمامیله برهان‌الدین دیوانیندا استفاده اولونور. عینی حالدا، عرب و فارس شعرینه یاخیندان تانیش اولان شاعر، اونلارین گؤزه‌للیکلرینی منیمسه‌مک ایسته‌ین شاعر، بونلارا لاقید قالا بیلمزدی. اونا گؤره بو بؤیوک دیواندا بیز بیر الوان گوللو گلستان ایله اوز – اوزه گلیریک.

تویوغ بیزیم ملی – بدیعی – پوئتیک عنعنه‌لریمیزدن باش قالدیریب برهان‌الدین دیوانیندا اولغونلاشان شعر فورماسی اولموشدور. بیزیم اوزانلار ان اسکی زمانلاردان بری دؤردلوک‌لر یازمیشلار؛ هله دده قورقود کتابیندان اؤنجه یازیبا آلینان و دیوان لغات‌التورک‌ده گلن شعرلرده بو دؤردلوکلرین اؤرنک‌لرینی گؤروروک. بونلارین تاریخی، اسلامدان چوخ اؤنجه ایللره، بلکه یوزایللره گئدیب چاتیر. بونلارین اولغونلاشمیش بیر صورتینی تویوغلاردا گؤروروک. امیرعلی‌شیر نوایی تویوغو گؤزه‌لجه‌سینه توصیف ائدیر. او، یازیر: «تویوغ ایکی بیتدن عبارت جیناسلی شعر بیچیمی‌دیر». تویوغ سؤزو باشقا کتابلاردا دا تعریف اولموش و بو نوع شعری ایما – اشاره و جیناسلی سؤز معناسیندا بیلمیشلر. بیر سیرا عالملر ده اونو رمل بحرینده (فاعلاتن فاعلاتن فاعلات) وزنینده بیلمیشلر. چاغداش ادیبلر ده تویوغ سؤزجویونو دویماق و توی سؤزلریله علاقه‌ده بیلمیشلر. توی و دویماق کلمه‌لریله تویوغ کلمه‌سی‌نین دوزلمه‌سینی افاده ائتمیشلر.

تویوغ فورماسی اوزانلار دیلینده یاشامیشسا دا، ادبیاتدا اونو رسمیلشدیره‌ن قاضی برهان‌الدین اولموشدور. برهان‌الدین‌دن سونرا بو شعر ژانری چوخلو شاعرلریمیز طرفیندن قارشیلانمیش و ایشه آپاریلمیشدیر. او جمله‌دن عمادالدین نسیمی، خطایی و باشقا بؤیوک شاعرلریمیزین دیوانلاریندا یئر آلمیشدیر.

برهان‌الدین‌ین دیوان کبیرینده جناسلی قافیه‌لرله قوشولان شعرلرین ساییسی داها چوخدور. بو جهتدن دیوان کبیری آراشدیریب، بئله بیتلری بیر باشقا یئره توپلادیقدا، بیر یئنی دیوان ایله اوزله‌شه‌جه‌ییک. بوندان اؤنجه سس اویوشمالارینا و سؤزجوکلری مختلف معنالارینا، هابئله دئدیگیمیز بو جناسلارا بیر نئچه اؤرنک وئریب کئچه‌لیم:

یاخشی آنلادیم جهاندا وایه یوخ، یاردان اؤزگه بو خماریم آیا یوخ.
ایکی عالمده امیر سروردور آندان آیری دخی هئچ سرمایا یوخ.

✻✻✻

جان بو میدان ایچره آگاه اولا، گاه عشق اری‌نین وارلیغی آه اولا، آه.
کیم بو یولدا توغرو گرو اورور ایسه ارلیگین اوره‌نینده شاه اولا، شاه.

✻✻✻

بو دنیا بیر نفس اوچون اولموش یالاخ، دیبی یاخیندیر آنین دگیل ایراخ.
زلفونو تاغیتما جمع ائیله، بگیم، یوخسا اولور بو جهان آلاخ، بولاخ.

✻✻✻

مجلسی کیم خوش توتار عنبر عنبر، کؤنولو کیم آپاریر؟ دلبر، دلبر.
دنیا اهلی‌نین باشینی کیم چتر؟ ایشینی توغرو قیلان سرور، سرور.

بورادا قافیه‌لره باخین: عنبر، دلبر و سرور بیر بیریله قافیه اولموشلار. بئله جناسلی شعر تکجه تورک شعرینه مخصوصدور. وزن ده همان رمل بحرینده و فاعلاتن فاعلاتن فاعلات وزنینده‌دیر. باشقا بیر تویوغ:

گؤره‌لی ساچینی بیلمه‌دیم قرار، یوزونه بولسون فدا گول، ای نگار!
تورونجاق قارشینیزا بن درله من، ساناسین دؤکموش کؤلگه ابر بهار.

تویوغلاردا اولان موضوعلار دا چوخ گئنیشدیر. دؤیوش میدانی، طبیعت، بهار، سئوگی و باشقا – باشقا موضوعلار بو فورمادا سسله‌نه بیلر. دیوان کبیرده 108 تویوغ واردیر کی 50دن آرتیق موضولارا توخونموشدور.

قاضی برهان‌الدین فارس، تورک و عرب ادبیاتینا چوخ دریندن و یاخیندان تانیش‌دیر. اونون فارس ادبیاتینا تانیشلیغی چوخلو شعرلریندن بیلینمکده‌دیر. سعدی، انوری، خیام، سنایی و باشقالاری اونون شعرلرینده سسله‌نیر و حتا آدلاری چکیلیر. اونلارین سؤز بیرلشمه‌لری و ترکیبلری بورادا سسله‌نیر و

گاهدان فارسی عبارتلر عینی حالدا گلیر. بونلاردان علاوه، فارس اسطوره‌لرینه اشاره‌لر ده بورادا بوللو – بوللو ایشه گئدیر.

عرب ادبیاتینا گلدیکده، شاعر بیر قاضی و بیر سلطان‌دیر. او، قاضی اولماق اوچون تحصیل آلمیشدیر و بونا گؤره فقه، احکام و باشقا دینی علملرله چوخ درین صورتده تانیش اولموشدور. بو علملری ده عرب دیلینده و عرب ادبیاتیندان آلا بیلردی. او، اسلام قضاوتینده بیر قاضی اولاراق، اجتهادا چاتمیش و بیر قاضی کیمی ده چالیشمیشدیر. بونا گؤره قرآن، حدیث و روایتلره تانیش اولوب و عرب ادبیاتی اونون اساس درس دیلی اولموشدور. قاضی برهان‌الدین بو گون ده علمیه و اسلامی حوزه‌لرده بیر فقیه و دین عالمی کیمی تانیناقدادیر. قاضی برهان‌الدین عرب دیلی‌نین اینجه‌لیکلرینه تانیش اولدوغونو دیوان کبیرین شعرلریندن اؤیره‌نیریک.

تورک ادبیاتینا گلدیکده ده، شوبهه یوخدور کی قاضی برهان‌الدین تورک ادبیاتی‌نین نهنگ اثرلری اولان قوتادغو بیلیک، دیوان لغات‌التورک و عتبه‌الحقایق کتابلارینی دؤنه – دؤنه اوخوموش و اونلاردان بهره‌لر آلمیشدیر. هابیله اؤزوندن اؤنجه یازیلان اثرلر و کتابلار، و شفاهی خلق ادبیاتی ایله ده یاشامیش و اؤیرنمیشدیر. یونس امره‌نین، سلطان ولدین و مولوی‌نین اثرلری ده دیل ازبری اولموشدور. بئله‌لیکله اولا بیلمزدی بونلاردان استفاده ائتمه‌سین. نئجه کی بونا اؤرنک گتیرمک دیواندان چتین دگیلدیر.

سس اویوشماسی و سس گؤزللیگینه حساس اولان شاعر، تویوغدان علاوه، غزللرینده ده سس گؤزللیگینه اؤنم بسله‌میش و گؤزه‌ل نمونه‌لر وئرمیشدیر. آشاغیداکی غزل بونا بیر اؤرنکدیر:

گل‌گل‌گؤره‌لیم، گل‌گؤره‌لیم، گل‌گؤره‌لیم، بیر بیر نغمه گتیر اورتایا، بلبل گؤره‌ییم بیر.

و یا:

یارا، یارا، یارا کیم یار اولاسین، نئجه ایشبو گوله بیر خار اولاسین.

و یا:

ایردی قارا دنیزه بو گؤز قانی گؤرمه گه گونش یوزونو گؤز قانی؟

بورادا قانی سؤزجوگو سس معناسیلا بیر سسله‌نیر، آنجاق نئچه معنادا ایشله‌نیر. بئله بئله بیتلر دیواندا چوخدور.

برهان الدین شاعیرلیک و سلطانلیق ایله برابر ، دینی قضاوت مسندینده ده اوتورموش و اسلام احکامینی یئرینه یئتیرمک اوچون چالیشمیشدیر. او، قضاوت مقامینی اله گتیرمک اوچون چوخلو علملر اوخوموش، شهرلری دولانمیش و عالیملر یانیندا فقه و احکام اوخوموشدور. او، بیر قاضی عائله‌سینده بؤیوموش؛ آتا – بابالاری قضاوت ایشینده اولموشلار. اورتا عصرلر قضاوت بوتون مسلمان اؤلکه‌لرینده بیر

روحانی مقاما، مجتهده و مسلمان قاضیه تاپشسریلیردی. او اسلامی علملری او جملـه‌دن حـدیث، روایـت، فقه، سنتلر، قرآن و بوتون اسلام موضوعلارینی دریندن بیلمه‌لی و اسلام دستورلارینا تانیش اولمالی‌دیـر. او، عدالتی توپلومدا یئرینه سالماق اوچون تکلیف بوینونا آلمیش و قاضی اولموشـدور. بـو قاضـی، شـاعر ده اولاراق، شعرلرینده اسلام احکامینی بوتون لیریک و اجتماعی شعرلرینده رعایت ائتمه‌لی‌دیر ده. اونون رئال بیر عشقه ماراغی وارسا، مذهب و دین چرچیوه‌سیندن ائشیکده اولمامیشـدیر. ائلـه اونـا گـؤره بـو لیریـک شعرلر صوفیانه دنیا گؤروشویله ده باخیلمالی‌دیـر. شـاعر دنیـانی بوتوولوکـده گـؤرور و سـئویر. مجـازی عشقدن حقیقی عشقه چاتماغی اینانیر و خالقا یناندیرماغا چالیشـیر. اونـا گـؤره ده دیـوانی باشـدان باشـا سئوگی و عشقدن دولودور.

اونون سئوگی دویغوسو و عشق آنلاییشی یاشانیلمیش حس‌لرین افاده‌سی‌دیـر. اونـا گـؤره ده بـو قـدر طبیعی و صمیمی‌دیر. او بئله یاشامیش و بئله ده دوشونموشـدور. اونـون باخیشـیندا کؤنـوللری یانـدیران، سسلندیره‌ن، حیاتا باغلایان، یاخشیلاشدیران و انسان وارلیغینا یوکسلده‌ن عشق و محبـت‌دیـر. بـو عشـق و سئوگی ایکی انسان آراسیندا اولان محبتدن باش قووزاییب، بوتون حیاتی چولقالاییر و نهایـت حقیقـی بیـر عشقه ده یوکسه‌له بیلیر. برهان‌الدین دیوانیندا اولان عشق، بو چرچیـوادا سسـله‌نیـر. نـه قـدر ده گؤزلـدیر. دوغرودان دا دیوان کبیرده اولان شعرلری بوتؤولوکلـه انسـان تعریفینـده سسـله‌نیـر، انسـان گـؤزه‌للیگینـی آچیقلاییر، انسان‌سئورلیک مکتبی‌دیر و انسانلیق‌دیر.

بو لیریک شعرلرده، چوخ ساده، صمیمی انسانا اوره‌ک وئریر؛ بو محبت یوکسلدیکجه معشـوق گـؤزه-للشدیکجه، عاشق ده یوکسه‌لیر. عاشق ده انسانلاشیر؛ اناالحق مقامینا چاتیر، تانری ایله بیرله‌شیر. عاشق یولو تانری یولونو گئتمکدیر و تانرییا چاتماق.

قاضی برهان‌الدین تورکجه دیوان یاراتماسی تصادفی دئییلدیر؛ او، آنـادیلینی سـئوه‌ن، اونـون غیرتینـی چکن و طالعینی دوشونن بیر سلطان و قاضی‌دیر. او، دوغما ادبیاتینا بوتون وارلیغی ایله گیریشـیر و تـورک دیلینی بیر ادبی دیل کیمی ایشله‌دیر. اونون شعرلری فورما و مضمونجا رنگارنگ‌دیـر. او، غـزل، ربـاعی، و تویوغ یازاراق، گؤزه‌ل و کامل صنعت اؤرنکلرینی وئرمیشدیر. عشق و گؤزه‌للیک نغمه‌کاری اولـان شـاعر، اؤز شعرلرینده اورتا عصر انسانی‌نین سئوینجینی، کدرینی، کؤنول دویغولارینی ذوق ایله قلمه آلیر. شادلیق، سئوینج و نیک‌بین‌لیک بویالاری ایله یوغرولموش قاضی شعرلری انسانی سئومه‌یه، حیاتین مین بیر گـؤزه-للیگیندن ذوق آلماغا سسله‌ییر:

بـــزه‌نمیشـــدیر یئنـــه گلشـــن بـــو گئجـــه، ایـــا بلبـــل گـــؤزون روشـــن بـــو گئجـــه.
نئچـون تـورکی گـؤزون گیزلـه‌دی اوخـون، نئچون کئیمـیش یـوزون روشـن بـو گئجـه.
ای گـــؤز، گـــؤز اول نگـــارین صـــحبتینده، ای یـــوز، آیاغینـــا دؤشـــن بـــو گئجـــه...

بو غزللرین هر بیری انسانین اوزونه گولومسه‌ییر، انسانا سئوینج و شادلیق بخش ائدیر، اوره‌یینی سئوگی دویغولاریلا قانادلاندیریر. شوبهه یوخدور کی قاضی‌نین شعرلرینده عکسینی تاپان نیک بینلیک، سئوینج و شادلیق اوقاتی اونون حکمدارلیغی، دؤیوش اوغورلوغو، هابئله صنعتکارین اؤز دونیا گؤروشویله باغلیدیر. شاعرین غم – کدردن اوزاق اولان شعرلری، اونون شن و شوخ ماهنیلاری، قهرمانلیق نغمه‌لری، عقل و حکمت اؤرنه‌یی ساییلان رباعی و تویوقلاری آذربایجان ادبیاتی‌نین قیمتلی صنعت اینجی‌لری‌دیر. بو شعرلر، دیل، اسلوب باخیمیندان دا گؤزل، ساده و آنلاشیقلی شعرلردیر. بورادا عکسینی تاپان حسّلر، دویغولار صمیمی و طبیعی‌دیر:

عشقین ایاغینی ایچن آیلا، گؤرمه‌دیم، یوزون گؤره‌لی اوره‌یی آیلا، گؤرمه‌دیم.
بای ایله، یوخسول ایله ایریشدیم بسی، ولی حسنونله ائیله کی باییلا، گؤرمه‌دیم.
حسنه غنی جمالینی گؤردومو آرادا بیر نعمتی کی، سعی ایله ساییلا، گؤرمه‌دیم.
یوزون شعاعیسی ایله ساچین قوخوسو کیبی گوندوز – گئجه کی عالم یاییلا، گؤرمه‌دیم.

سلطانین فکریجه، بو دونیا قوچ ایگیدلرین، قاپلان کیمی ارەنلرین اویلاغی‌دیر. اردملی، قورخماز، جسور ایگیدلر اؤز یولوندا نر کیمی چارپیشمالی، باشچیلیق، سرورلیک ادعاسیندا اولان قورخو بیلمه‌مه‌لی‌دیر:

ارەنلر اؤز یولوندا ار تک گره‌ک، میدانا ارکک کیمی، نر تک گره‌ک.
یاخشی– یامان، قاتی– یومشاق اولسا خوش، سرورم دئین کیشی ارکک گره‌ک.

ایگیدین ان گؤزەل کیفیتی، صمیمیت و دوزگونلوک‌دور:

یار اول‌دور کی، یار ایله همدرد اولا، یاریندان یوز قایتاران یار سرد اولا.
یئمک– ایچمک، یاخشیلیق گؤزەل، ار گونونده گر دؤنه، نامرد اولا.

«وار جانین ایگیدلره قوربان اولسون!» دئین قاضی، اؤز دؤیوشچولرین سانکی دؤیوشه آپاریر. ار گونونده باشیندان کئچن، آسلان و قاپلان کیمی میدانلاردا کوکره‌شن ارلری، ایگیدلری اؤیور، تعریفله‌ییر، شأنینه سؤز قوشور. شاعر و سلطان اولان قاضی برهان‌الدین، طبیعته مراجعه‌لر ائده‌رک، گؤیده گونشین سیرانی ایله یئرده ایگیدلرین میدانی اولدوغونو سؤیله‌ییر:

نئجه کی گؤیده گونش سیرانی‌دیر، بو جهان ارەنلرین میدانی‌دیر.
یئ و یئدیرگیل و باغیشلاییل هر زمان بیر ایگیدین دورانی‌دیر.

بئله شعرلر سؤیله‌ین شاعر، انسانلاری ایگیدلیگه، باغیشلاییجیلیغا، انسانلاری سئومه‌یه چاغیریر. او، بونا اینانیر کی انسانین شأنی اونون فکرینده و دوشونجه‌سینده‌دیر و بئله سؤیلور:

اؤزونو الشیخ گؤره‌ن سردار اولور، انا‌الحق دعوی قیلان بردار اولور.
ار اولدور حق یولونا باش اوینایا، دؤشکده اؤلن ایگید مردار اولور!

قاضی برهان‌الدینین دوشونجه‌سیندن علاوه، شعرلرینده اینجه‌لیکلر، ظریف دئییم طرزی، سؤز اویومو، سس آهنگی و بدیعی افاده‌لر طرزی ایله ده سئچیلیر:

بن سنی سئوه‌رم، سئویسه‌رم[1]، بو سؤزو تورکجه قویوق دئیه‌لیم.
وصفینه گاه قصیده، گاه غزل، گاه رباعی و گاه تویوق دئیه‌لیم.

بو شعرلرین دیلی بولاق سویو کیمی صاف و گؤزه‌لدیر. اسکی تورک نغمه‌لری و ماهنیلاری عنعنه-لریندن فایدالانان شاعر، شعرین سس – اون آهنگینی، بدیعی طراوتینی تامین ائده بیلمیشدیر:

گل، گل گؤره‌لیم، گول گؤره‌لیم، گول گؤره‌لیم بیز،
بیر نغمه گتیر اورتایا، بلبل، گؤره‌لیم بیز...

قاضی بئله – بئله شعرلرینده سؤز و مضموندان علاوه، سس و سؤزلرین تکراری ایله شعرین بدیعی منطقینی گوجلندیریر، معنایا و فکره یئنی بیر وسعت آشیلاییر. بونلاردان علاوه، قاضی‌نین شعرلرینده او قده‌ر آخیجیلیق، روانلیق و ساده‌لیکلر واردیر کی هر اوخوجونو اؤزونه چکیر؛ اونلاری تکجه بیر نئجه بیت، یا غزل ایله گؤسترمکله کفایتلنمک اولماز، بلکه بوتون دیوانی اوخودوقدان سونرا بونا چاتماق گؤزه-لدیر.

قاضی برهان‌الدینین شعر دونیاسی

شاعر آنادیلیمیزین بوتون اینجه‌لیکلرینه دریندن تانیش اولموش و اونون گلیشمه‌سینه یاردیمچی اولموشدور. دیوانی‌نین یازیلماسینا نظارت ائده‌ن شاعر، اونون دوزگون یازیلماسینا، سؤزجوکلرین دوز و دوغرو یازیلماسی، هابئله صرف و نحوینه دقت یئتیرمه‌لی‌دیر. گاهدان بیر یانلیش گؤردوکده اونو اصلاح دا ائتمیشدیر. بونا گؤره قاضی برهان‌الدین دیوانی، دیلیمیزین تدقیقینده و تاریخینده دقته لایق بیر اثردیر. اونون دیلی زنگین اولموش و اینجه‌لیکلرله دولودور. افسوسلار اولسون کی بو نکته‌یه دقت ائده‌ن آز اولموشدور. پرفسور نظامی خودیف ده‌یرلی «آذربایجان ادبی دیلی تاریخی» کتابیندا، برهان‌الدین دیلینی آراشدیرمادا تکجه فارسیجا و عربجه سؤزجوکلرین یوزه ایگیرمی فاییزدان آرتیق اولمادیغینی ثبوت

---

[1]– سئوه‌رم و سئوه‌جه‌یم.

ائتدیکدن باشقا بیر ایش گؤرمه‌میشدیر، اونون دیل ترکیبینده زمانلـار صـرفینده بؤیـوک خدمتلرینـه اشـاره ائتمه‌میشدیر. شاعرین بو اؤنملی خدمتی آراشدیریجیلاریمیزین گؤزوندن قاچمیشدیر.

برهان‌الدین بیر گؤرکملی دیلچی کیمی دیلیمیزین قایدا قانونلارینا دریندن تـانیش اولمـوش و اینجـه-لیکلرینه دقت یئتیرمیشدیر. اونون شعرلرینده گؤزل دئییم‌لر، ترکیب‌لر و سؤزجوکلر گلمیشدیر، او جمله‌دن: کؤنول آلیجی، جان آپاریجی، دیله‌دیگینجه و . . . اشاره ائتمک اولار. بیر سیرا سؤزجوکلر: اینجـی، بیلـیش، ییلتر، اسیرگر کیمی سؤزلری دوزگون ایشه آپارماقدا بؤیوک هنر گؤسترمیشدیر. هابئلـه سسـلی حرفلـرین اینجه – قالین اولدوقلارینا دقت ائتمیش و دوزگون ایشه آپارمیشـدیر؛ مثلـا آشـاغیدا کـی نمونـه‌یـه دقـت بویورون:

"سورماغیل" ، "ائتمه‌گیل" – هر ایکیسی امر حالیندا اولاراق، «غیل» قالین فعللردن سونرا و «گیـل» اینجـه فعللردن سونرا ایشه آپاریلمیشدیر و باشدان باشا دیواندا بو قانون رعایت اولونموشـدور. فعللـرین صـرفی داها گؤز قاماشدیریجی بیر حالدادیر. باخین:

آلام / آلیسارام / آلئییم

بو اوچونه دقت بویورسانیز، بیرینجی، حال زامانینی گؤسته‌ریر، ایکینجی‌سی گله‌جک زامانا اشاره‌دیر و اوچونجو ده اجبار حالینی گؤسترمه‌ده‌دیر. آنجاق بو نکته‌لـر برهـان‌الـدین دیوانینـدا چوخـدور. باشـقا بیـر مستقل مقاله ده اونا توخونماق لازمدیر.

قاضی برهان‌الدین بؤیوک بیر تاریخی شخصیت‌دیر، مورّخلر اونا ابوالفتح لقبی وئرمیشلر. آنجـاق شـعر عالمینده‌کی باجاریغی سیاست عالمیندن ده افضلدیر. گاهدان برهان‌الدین شعرلرینده ائلـه شـعرلره راسـت گلیریک کی رئالیزمین ان گؤزل اؤرنکلری سایماق اولار. بو رئالیزم اونون قاباقجیل بیـر شـاعر اولـدوغونو گؤسته‌ریر. هابئله اونون معلومات دایره‌سی‌نین گئنیشلیگی هـر اوخوجونـو حیرتـده قویـور. او، موسـیقی، شطرنج، خالق ادبیاتی – فولکلور، و باشقا ساحه‌لرده بیـر اوزمـان اولـدوغو گـؤزه چـارپیر. شـعرلری‌نـین آخیجی و روان اولدوغو دا گؤزدن قاچمیر. بو آخیجیلیق گاهدان حیرت ائدیجی بیر دوروما دوشور:

ساقی، تولو سون ایاغی کی، روزه دگیلـدیر،	بـو عمـر بجـز مهلـت ده روزه دگیلـدیر.
سیرت سئوه‌رم، صورته یوخدور مئیه‌لـه‌نیم،	بزمی دیله‌ریز مقصـودوموز کـوزه دگیلـدیر.
مرکب‌وار ایکن جهد ائد ومعشوقونا ایرگیل،	هیچ کیمسـه اجـل تازیسـینی اوزه دگیلـدیر.
البـت آتینـا ایشـبو جهـانین ایـنن اویمـا،	کی میل ائـده اول قارایـا یـا بـوزا دگیلـدیر.
بو فصـلده کـی، گـول یولونـا یاخیلـا بلبـل،	کیمین کؤنولو ساز ایله بیـر سـؤزه دگیلـدیر.

بیر سیرا شعرلرینده ایچ قافیه‌لر داها آرتیق اوخوجونو حیرته سالیر:

گؤزونه‌گووه‌نه‌نی گؤر، اؤزونه‌اؤزه‌نه‌نی گؤر، سؤزونه سئوینه‌نه باخ، قدّینه قیوانـانی گـؤر.
نئجه‌جادو ایسه گؤزو، نئجه تاتلو ایسه توزو، نئجه‌شیرین ایسه سؤزو، سن آنا اینانانی گؤر.
کؤنولوم‌چَلَب ائویدیر، یؤنو اول‌یولا قاویدیر، ایکی دونیا بیر جویدیر، بو قانینا قانانی گـؤر.
بنی‌جانیمین سپندی، ساچی‌عقلیمین کمندی، جانینا سالیب بوبندی، اول‌اودونا یانانی گؤر.
بونه‌ساچ‌معطّراولموش، بونه‌یوزمنوّراولموش، نه‌یاناق گُلِ تَر اولموش، جانینی‌یاجانانی‌گؤر.

بو غزلی ده گؤرون کی نه قدەر آخیجی‌دیر:

بو نه حسن و نه خط و بو نه قدّ و نه بلادیر، جمالین‌روضه‌می، یارب ویافردوس اعلادیر؟
ساچین‌عنبردورور، لیکن آنا کافور خدمتکار، لبـین یاقوتـدو، الـاّ کـی لؤلـؤ آنـا لالـادیر.
قاشین‌پیوسته بیزیمله و قدّین راستدیر لیکن، گؤزونه‌یاخشی‌باخینجاق‌قیاس‌اول‌دورکی‌آلـادیر.
یوزوگول،گؤزودورنرگس،تنی‌برگ‌سمندن‌تر، ولی‌کیرپیکلری‌جادو، یوره‌گی سنگ خارادیر.
خطی‌خضر،آغیزی‌مریم،سؤزوعیسی،لبی‌یحیی، اؤزویوسف،گؤزروموسی،زهی‌آدم،ز حوادیر.

برهان‌الدین شعرلرینده مردانه‌لیک ایلک سؤزو دئییر:

ساتالیم جان و دلی، ایشبو دمـی سـاتمایالیم، قاتالیم جانی جانا، اورتایـا سـؤز قاتمایـالیم.

او، دوغرو و دوزگون بیر عاشق‌دیر که اوره‌ک قانیندا غسل ائـدیب سـونرا قاشـلارین محرابینـدا نامـازا دورور:

یـوره‌ک قانینـدا غسـل ائیلـه‌مـه‌ییـنجـه قـاش محرابینـا اولمـاز نیـازیم.

شاعر، یارلا اولاندا دونیانی اله گتیرمیش اولور، جانی یارا قوربان وئردیکده جانی‌نین ده‌یـه‌رینـی اثبـات ائتمیش اولور، یوخسا جان نه اوچوندور؟ –

شول‌بت‌اگربیزیم‌اولا،سـانکی‌اولورجهان‌بیزیم، گر آنا اولمایا فدا، بس نه‌میز اولا جان بیزیم؟

ایگیدلیکده ثابت قدم اولوب مردلره مرد اولماق، نامردلره غنیم اولماق ایسته‌ییر و ایگیدلیکله دئییر:

نامرد اولا اول کیشی کی قصد ائیله‌یه مرده!

شاعر، دین و ایمانی انسان سئورلیکده گؤرور؛ انسانین جانی وار ایسه بیر جانانه‌یـی سـئومک اوچـون چالیشماسی گره‌کدیر:

جانانه‌یی گره‌ک سئوه کیم جـانی وار ایسـه، عشقین یارین دیـن توتـا، ایمـانی وار ایسـه!

او، بیر الینده قدح دولو اایاغ و بیر الی یارین بوینوندا رقصه دوروب، سماع ائدیر:

اگــر قولــون ســالیب رقصــه گیــره‌ســین، قالـــا حیـــران ســـنه بـــو چـــرخ دوّار.

شاعر، نصیحت و اؤیوده ده یئر ساخلاییر و گاهدان نصیحت وئریر و عدل ایلـه ظلـم آراسـیندا فرقلـر اونون اوچون دەیرلی‌دیر:

عـــدل ایلـــه ویـــران دخـــی آبـــاد اولـــور، ظلـــم ایلـــه دونیـــادا بیـــر شـــار اولمـــادی.

آتلار سؤزو کیمی بئله شعرلری دیللرده گزیر:

شـــاه ایکـــی اولســـا، اولـــور ائللـــر خـــراب؛

و نهایت:

ساقی،تولووئرکی، گئده بو زهد ایله سالوس، کی‌چوخ‌یئییریز،ایچمەدیگیمیزگونلرەافسوس!

بونو دا دئمه‌لییم کی برهان الدین دیلینده بیر سیرا حرفلر باشـقا جـور دئییلیـر، او جملـه‌دن «د» حرفـی «ت» یازیلیر، مثلا:

تولو= دولو

توزلو= دوزلو

تامو= دامو، جهنم

توتاق= دوداق

تولاشماق= دولاشماق

و...

سؤزون آخرینده بونو دئمه‌لی‌یم کی من الیازما نسخه‌نی اله گتیره بیلمه‌دیم، و باکیدا کیریل الفباسی ایله نشر اولان کتابی کؤچوردوم. آنجاق بیر سؤز وار، هئچ کیم برهان‌الدین دیوانینا یاخینلاشمامیشـدیر. همیشـه بو سورغو واریدی کی نییه بیر ادیب، یا آراشدیریجی بو دیوانی کؤچورمه‌ییب و نشره حاضرلامابیر. ایندی بونون جوابی بودور: برهان‌الدینین شعر دیلی چتیندیر، ایلکین غزل دیوانی اولدوقدا، برهان‌الدین دیلی ثقیل و آغیردیر؛ گاهدان دا وزن باخیمیندان آخساقدیر. او قدەر آخیجی و روان دئییلدیر. بیر ده نشر اولان دیوان چوخ دقتسیز نشر اولموش و یانلیشلار چوخدور. تلفـظ باخیمینـدان فارسـی و عربجـه سـؤزجوکلر اکثـرا یانلیش اوخونوب و یانلیش دا یازیلیبدیر. بو چتینلیکلـر، ادیبلریمیـزی قورخوتمـوش و اونـا ال وورمـادان قاچمیشلار. من بیرینجی دؤنه 1375 ایلینده قاضی برهان‌الـدین دیـوانی‌نـین سـئچیلمیش غزللرینـی نشـر ائتدیم و ایندی، دیوانی کامل صورتده تقدیم ائدیرم. آنجاق یانلیشلاری سـؤیله‌مـک سـیزه دوشـور و منـه

یاردیمچی اولاجاقسینیز. دیوان الیازمادا، الفبا اوزو ایله یوخ، بلکه ده سؤیلنتی تاریخی اساسیندا یـازیلمیش، بورادا الفبا تهجی اوزو ایله ترتیب ائتدیم. آما بیر سیرا یانلیشلارلا اوز –اوزه گله‌جکسینیز، نه‌دنی ده بـودور کی، تورک غزللرینده وزن و آهنـگ بصـری یـوخ، بلکـه قولـاق سـایاغی اولـاراق، قافیـه‌لـر همیشـه دوز اولمامیشدیر. اونا گؤره گاهدان قافیه‌لـر دوزگـون دوزولمـه‌مـیش و بـو گلـن چاپلـاردا، اوخوجولـارین و عالیملرین تنقیدلریله دوزه‌له بیلر. گؤزومو سیز عزیزلرین تنقیدلرینه تیکمیشـم. بیـر ده هـر غـزلین باشـیندا ایکی سایی یازیلمیش، بیرینجی سایی غزلین ترتیـب ایلـه ساییسـی و ایکینجی(دیرنـاق آراسـیندا) الیازمـا دیواندا اولان ترتیب ساییسینی گؤسته‌ریر. دیوانین اوخوماسی اوچون چوخ انتظاردا قویمورام. قاضی برهان الدین دیوانینی عشق عنوانلی غزل ایله باشلامیش و عشق ردیفلی غـزل ایلـه بیتیرمیشـدیر. بـورادا دا بونـو رعایت ائتدیک. پس ایندی بو سیز، بو دا قاضی برهان‌الدین دیوانی:

قایناقلار:

- قاضی برهان‌الدین دیوانی، باکی، 1988.

- محمد فواد کؤپرولو و شهاب‌الدین سلیمان، یئنی عثمانلی تاریخ ادبیاتی، ج 1، استانبول، 1914/ 1332.

- م. کریمی، دیوان قاضی برهان‌الدین، زنجان، انتشارات زنگان، 1375.

- علیار صفرلی ، خلیل یوقف اف؛ ادبیات، ج 9، باکی، 2003، صص 151 – 159.

- یوسف بیگ وزیرف، آذربایجان ادبیاتینا بیر نظر، استانبول، 1337 قمری.

- نظامی خودیف، آذربایجان ادبی دیلی تاریخی، باکی، 1998.

- عزیز ابن اردشیر استرآبادی، بزم و رزم، مقدمه محمد فواد کؤپرولو، استانبول، 1928.

- خلیل ادهم، دول اسلامیه، استانبول، 1928.

دیوان

1

سوخته کؤنوللره قیلدی یئنه جار عشق   ای نئجه عاشقلری قیلدی یئنه زار عشق!
قیلدی یاخالارومی جمله معسر[1] مگر   آنین اوچون ائیله‌دی جدول پرگار عشق.
گرچه که، مخمور ائده‌ر لبلری ایله جانی،   شُکر اونا کی گؤزلرون ائیله‌دی خَمّار عشق.
کفرونو گیسوسونون جانیمیز ایمان بیلور،   باغلایالی بئلومه بیر قارا زنّار عشق.
تولدو کؤنولده هوا، قویمادی خالی مکان،   لاجرم اولدو قامو بو در و دیوار عشق.
عاشق و معشوقه‌نین عشقله‌دور وارلیغی،   باخیجاق اول اورتادا یئنه گنهکار عشق.
خسته‌یه اولان شفا، عهدینه قیلان وفا،   مجلس ایچینده صفا، گُل بیتیره‌ن خار عشق.
بیز نئجه‌سی عشق ایله اولمایالوم بیر، چون   بیز یوخ ایکن وحدته ائیله‌دی اقرار عشق.
ورزشِ عشق ائیله‌سه بیزجیله‌یین کیشیلر،   نولا چو ورزش قیلور گنبد دوّار عشق.

حرف آ

1

ایاشیرین، نه خسروسین کی، شیرین جان سانا شیدا؟
جمالون چاشدی سلطانی اوزون ساچون شب یلدا.
شها، حسنون ایچینده سن چو بیر یالقوزک اولموشسون،
نولا عشقون ایچینده بن فرید اولور ایسم فردا.
بیزه وعده قیلوبدور تانلا اوچماق ایله حوریلر،
نولا امروز اولور ایسه بیزه اول وعده‌ی فردا؟
اگر مقصوده ایره‌رسم، زهی نعمت، زهی دولت،
اگر ایرمز اولور ایسم، هزاران حسرتا، دردا!
چو صادق عاشقونم پس سنون عشقینله بن بیلم
چو بن بیر مجنون اصلی‌یم من و لیلی بیله بیدا.
گره‌ک آنجا چاغیرام بن ائشیگینده سحرگه کی،
قولاغوما ندا گله کی، یا لبیک! یاعبدا!

---

[1]چتین، چتین لیک، چتین ائتمک

یوزونـــه بئلـــون آپـــاردی جـــان ایلـــه کؤنولـــو کلّـــی
کیمی ظـاهر، کیمـی بـاطن، کیمـی پنهـان، کیمـی پیـدا؟

2
دردون ایله جانوم جـانی یانـار کؤنـول اودا، اولدو نئده‌یـیم دردونـه جـانیم کؤنـول اودا.
یوزومدن آخیرسا، یاشومی توتما عجب سن، البته گلاب آخا [ر] ، دوشـر ایسـه گُـل اودا.
بن‌دوشموشم اول‌دنیزه‌کیم‌دوشمه‌دی کیمسه، دوشمه‌میش اولا بنجیله‌یین[1] هـئچ قـول اودا.
بیرجزویدورورجان‌کی،اودویلاکول‌اولوبـدور، بیر جزو نه‌دور، نولا اولور ایسـه کـول اودا؟
شکّرانه وئرم جان اول اودا کیم گیرور ایسه، اؤزگـــه‌لـــر اگـــر تارتینـــا جـــانینی اول اودا.

3
نگـارا لعـل لبـون بنـزه‌دور ایسـم قانـدا، خطا اولا کی، شَـکَر قانـدا اولـا، اول قانـدا؟
عجب طراوتـی واردور توتـاغونـون شـیرین کی، لعل اولـا شَـکر چـونکی باشـلانا قانـدا.
یوره‌گوم اودو کیبی گؤز یانینـدا قانـدا اولـا، و یـا گـؤزوم کیبـی گـؤزلر نَـره‌ده آقانـدا.
یاقاندا گؤز کیبی گؤز بنی غرق خون ائتمـز، ولـی کؤنـول یاخـار اودا وجـودو یاقانـدا.
گؤزوم اگر سو ایچینده یوزونو گؤرمز ایسـه، نه عیب کی اولامایا طاقـت گونشـه باخانـدا.

4
بیلیمـز بنـی کـی، دلبـر نـه ایلـه یاخـا اودا، نِی و دفدن مدد ایسـتر، نـی ایلـه یاخـا اودا.
می‌پرستم لبینی گـؤره‌لـی هـم کنـدی بیلیـر، تولو ایاغ بیری بیر کی، مِـی ایلـه یاخـا اودا.
تنی گؤزلری قیلور مّرده بـو اوزون گئجـه‌ده، کی خمارین یازیبان تا هِـی ایلـه یاخـا اودا.
مستِ میخانـه یـوزو قـانی بیـزه اول دولـت کی می و میخـور و میخانـه ایلـه یاخـا اودا.
بیز دلیویـوز، بیـزه اول کیشـی قیلـا بیلـه دوا کی، بـو دلـویـی[2] دوا خانـه ایلـه یاخـا اودا.

5
دل حبسده‌دور زلفو ایله شول خال آراسیندا، آل قـانی دؤکـر گـؤزلریم اول آل آراسـیندا.
سـؤزون شَـکر و گیسـولارین عنبـرِ تردیـر، جان قدری نه‌دور قیل ایله بو قال آراسـیندا؟

1– منیم کیمی.
2– دَلییوز و دلی‌یی

الیمه شـهین عشـقی گیریبـدیر بانـا یئتـر، آلدی دیله‌گـین هـر کیشـی آل آل آراسـیندا.
بن‌گؤزلری‌نون‌خسته‌سی‌یم،نه‌اولا تصریف؟- لعـلِ لبـی‌دور طـبّ ایلـه اَعلـال آراسـیندا.
گیسوسـی نگـارین آیـاغی تـوزو الـردی، بَگنـدی بیـزی دخـی بـو غربـال آراسـیندا.

6

یارلیق دخی دوشمه‌سه ایکـی یـار آراسـیندا زیرا کی، دوشـر اول دخـی اغیـار آراسـیندا.
دسـتار ایلـه سـر بیـر اولـا اول شـیر قاتینـدا کی، اولمایـا فرقـی سـر و دسـتار آراسـیندا.
بویونو گؤره‌ن راست بـودور، اولـدو محیّـر، چون گؤرمه‌دیگین گؤردو بو ادوار آراسیندا.
کؤنول کی دوشه گؤزون ایله زلفونه، یـارب، نئـده بـو قـامو جـادو و بیمـار آراسـیندا؟
بو دورده یوخ کیشی کی، قول اولمایـا سـانا بیر نقطه‌یم اوش بن دخـی پرگـار آراسـیندا.
یار بانا[1] بیر ایش ائتدی کی، اغیار آنی قیلماز بـو نیـل صـفت گنبـد دوّار آراسـیندا.
کؤنلوموگؤزون‌خسته‌دئیه رد نیشـه قیلـور؟- اول‌دور چو آنین فخـری کؤنـوللر آراسـیندا.

7

کیمین کی، اولـا محبـوبی لطیـف و خـوب و نارینجـا،
عجبلرمی‌سـین اوخشارسـا یوزونـون رنگـی نارینجـا.
خلیفـه، خـان و سـلطان و مَلِـک تتغـاول و قاضـی،
فـدا قیلیـر سـانا[2] اؤزون قاموسـو وارلـی وارینجـا.
گؤزون ایچگیجیـدیر آخـی گـره‌کمزمـی آنـا یـوره‌ک؟
کؤنولـو یـوره‌ک ائدینسـن آنـی اوش بؤیلـه یارینجـا.
آنی کی، سنده بـن گـؤردوم قاچـان قویوسـارام[3] آنـی
قاچـار دخـی اولـور ایسـن قووسـارام سـن آرینجـا.
گئده‌ر یوزدن نقـابینی کـی، حسـنون عالمـه دوشسـون،
نه لازمدور سـنون اوچـون بیـزی تاشـلایا بیـر نئچـه؟

نـه هیبتـدور کـی، قیلورلـار بنـیم جانیمـا گـؤزلرین،

---

[1] – منه.

[2] – سنه.

[3] – قوییسارام.

جانـا چـک آیریغـا آتغیـل بـو یـوره‌گیمـی یارینجـا.

8
گُـل بُلبلـه مُسَـلّم اولـا خـار اگـر چیخـا، دُنیـا منـوّر اولـا بیـزه یـار اگـر چیخـا.
زار و نـزاردور بئلـی‌نـون قیلینـا کؤنـول، سهل اولا یار یولونا کؤنـول زار اگـر چیخـا.
آب حیاتـدیر توتـاغی، گـؤزلرین ایلـه، طُرفـه دگیلمـی کؤنولـه بیمـار اگـر چیخـا.
بن سورارام کی، خاصیّتی نـه توتـاغی‌نـون؟ کی دیری قیلور اؤلویو، بیر یـار اگـر چیخـا.
قانـدا قـرار قیلـا بئلـه تنـده بـو کؤنـول، گیسـولاریندا جـادوی مکّـار اگـر چیخـا.

9
سـانا اویناماغـا جـانی تاپونـا لـایق آت اولسـا
قدونه قاشلارون کیبی بـو قـدّیم ایکـی قـات اولسـا.
شها، یلدا[1] گئجه‌سیندن سـنون زلفئینـین اوزونـدور،
نولـا قدرینجـه جانومـا وصـالوندان بـرات اولسـا.
نه زَهرَم وارکی، حسنونچون دئیه‌بیلم کی، زُهره‌دیر،
ولـی وصـلین قواعیـدی نولایـدی ثابتـات اولسـا.
چمنده سرو قدّینچون باشـی‌نـین اوسـتونه تـوردی،
روائیدی قاشین اوچون آنـا گـر ایکـی قـات اولسـا.
سنین بیرعشوه‌ن اوچون‌کی، قیلیرسین عاشقه هر دم
اولـور مغفـور اگـر سـندن هـزاران سـیّئات اولسـا.
روحوم‌خودغرق‌اشک‌اولدو کؤنول‌عشقینه‌وئردی‌آت،
نولا اوش بؤیله اوینونلـا کؤنولـوم شـاهمات اولسـا.

10
جان اولور ایسه باری جانانه‌ی عشق اولسـا، مست‌اولور ایسه کیشی مستانه‌ی عشق اولسا.

گؤزلریم آخیدیر دُرّ[1]، صرّاف گتـور اوردور، دُردانه اولور ایسـه، دردانـه‌ی عشـق اولسـا.

---

[1]– نسخه ده یئلدا یازیلمیشدیر.

هر بیر کیشی دُنیادا ارلیکدن ائدەر دعوا، هر دانه اولور ایسه مردانەی عشق اولسا.
هرچند کی هر شمعه پروانه دوشر اولور، یولداش بیزه بو یولدا پروانەی عشق اولسا.
قیلدی لبی اول یارین شربتلرینی حاضر، دیوانه اوچون لیکن دیوانەی عشق اولسا.

11

نگارا، بیر اوزون گئجه سنین ایله مجال اولسا،
کی، سئودای سرزلفون تاپوندا وصف‌حال اولسا.
آغیزینی بیان ائتسم آنا وهمیم سیغارمیسا
بئلینی[2] شرح ائیله‌سم آنا بنزەر خیال اولسا.
گنهکار اولمایا ایدی جهاندا آدمی هرگز،
اگر حوریده بونون تک دخی بیر زلف و خال اولسا.
نولایدی خوب اولانلار سنون تک توزلو[3] اولایدی،
و یا صاحب ملاحت دخی سن تک با جمال اولسا.
چو زُلفون سالدی آیاغا، شها، مسکین روادورور،
اگر گلشنده کی سُنبل یولونا پایمال اولسا.

12

لبلرون اوچون[4] دؤکمەگه قانی بیر ار اولسا، بئلینده سنون زلفون اوچون یوز کمر اولسا.
هر لحظه نەدور بیر دلی جان لعلِ لبونچون، بو عاشقِ دیوانەده آندان اثر اولسا.
زلفون کی، قیلیر نسخ قامو خطّی محقّق، اوخوماغا یارار ایدی، زیر و زَبَر اولسا.
لبلرون اوچون سؤزلری دئیه طبعیم شیرین‌تر اولایدی، آغیزیمدا شَکَر اولسا.
گونش گؤزونو هیچ گئدەرمزدی یوزوندن، گؤزونده آنین بیزجیله‌یین[5] بیر نظر اولسا.

13

عشقی اودو دلبرون بو باشا چیخارسا، اولا عجب اول اود ایله باشا چیخارسا.

---

[1]– نسخه‌ده «دور» یازیلمیش.

[2]– بئلونی.

[3]– دوزلو.

[4]– نسخه ده هر یئرده «ایچون» یازیلمیش ، من هریاندا اوچون یازدیم.

[5]– بیزیم کیمی.

تاشـا تاشـون گـؤزلری جگـر قـانی ایلـه، حُسـنِ جمـالی شـعاعی تاشـا چیخارسـا.
آنـی کـی، گیزلـه‌میشـم بـو تـار کؤنلومـده، یئـدی فلکـدن یوخـاری آشـا چیخارسـا.
تاپونـا جـان وئرمـه‌گـه بهانـه گـره‌کـدیر، قیلمـا آنـا طعنـه کـی شاباشـا چیخارسـا.
کؤنـولی سـال بنـده قـارا سـاچلارین ایلـه، دیک گؤزونـون اوخلارینـا قاشـا چیخارسـا.

14
ای وای، بنـــی درده دوام اولماییسارســـا، بین[1] وای بینـی بـو درده دوام اولماییسارسـا.
گیسون ایله یوزونو دیله‌رم گئجه - گوندوز، دیریله‌مه‌زم صـبح ایلـه شـام اولماییسارسـا.
عنبر ساچین ایلـه، صـنما، باغلامیشـام عهـد، اول دخـی اوزادو وارا خـام اولماییسارسـا.
نرگس‌لری بادامینـا نیـل ائتـدی بـو کؤنلـوم، آنـدا دخـی زلفـو کیبـی دام اولماییسارسـا.
گیسـولاری بندینـه دیلـه‌رم کـی، گلمیشـم، گر ایکی جهان حُکمومـه رام اولماییسارسـا.
زلفون تاغیـت بـاد هوایـا کـی، تولاشسـون، عالمـده اگـر دخـی نظـام اولماییسارسـا.

15
عشـقیندن آنـین جـانیمیزا چـاره اولورسـا، بـن ائیلـه‌یـه‌یـیم کنـدوزومو پـاره اولورسـا.
نهفتـه ائـده‌ر یـوزو قیلـور جـانی محیّـر، آه، بؤیلـه مخـالف اگـر ادواره اولورسـا.
اول زخمه کی اوردو[2] گؤزو جانیمیزا بیـزیم، دؤیمـه‌یـه گـر حیـدرِ کـرّاره اولورسـا.
باخدی گؤزو یـوره‌گیمـه عاشـقلری دئـدی، ایش بؤیله گـره‌ک، یـارا اگـر یـارا اولورسـا.
غمگـین اولـا بنفشـه، پریشـان اولـا سـنبل، زلفئینـی آنـین بؤیلـه سـیه‌کـاره اولورسـا.
دردینـه آنـین چـاره بولومـادی[3] کؤنولـوم، بیچـاره‌لیغینـدان اولـا، گـر چـاره اولورسـا.

16
عاشق کی، هجره اوغرادی درویش اولماسـا، معشوقه غمزه‌سـیله کؤنـول ریـش اولماسـا.
خوشدور چمنده‌یار ایله‌ذوق‌وسماع و عشق، لـیکن کمینـده عـذر بدانـدیش اولماسـا.
مستانه گؤزلری ایله گؤزوم بولایدی خـواب، شـوریده گیسوسـویلا تشـویش اولماسـا.
بـن یـارا ایریشـیجک اؤزومـو اونـودورام، از چـون و از چـرا دخـی تفتـیش اولماسـا.
اوخ کیبیِ راست، یای کیبیِ باغلانسا بندینـه، قربـانیِ اولسـا طالـب هـر کـیشِ اولماسـا.

---

[1] - مین.
[2] - ووردو.
[3] - بولمادی / بولومادی.

17
گـــؤزلریم یاشـــی ایریســـردیر باشـــا کـــیم آنـــین ایلـــه چیخیســـاردیر باشـــا.
یـــوره‌گـــیم بـــاش اولـــدو هجرانـــی ایلـــه، غمـــزه‌لـــری اوخ اوریســـاردیر باشـــا.
چرخـــه تیرینـــه آنـــین دؤیمـــز جَبَـــه جـــانی گیزلرســـم قاخیســـاردیر باشـــا.
نئجـــه بیـــر گیزلـــه‌یـــه جـــان عشـــقی اودون بیـــر گـــون اول اودو یاخیســـاردیر باشـــا.
زلفـــو کؤنـــول ائلینـــه ســـالدی آخـــین، بیـــر گـــون اول جـــری آخیســـاردیر باشـــا.

18
گؤزومـــون یاشـــی گـــره‌ک بیـــر گـــون تاشـــا، ســـیغمایا یازیلـــارا تاغـــا[1]، تاشـــا.
چشـــمه‌ی خـــون ایچـــدی دلـــده گـــؤزلرین، لـــاجرم پنـــدام اورا تاشـــدان تاشـــا.
کؤنـــول ایشـــی باشـــدان آشـــدی، نولـــدو گـــر گـــؤزلریمین یاشـــی هـــم باشـــدان آشـــا.
بیـــر یـــول اولـــدو یـــوره‌کـــدن گؤزومـــه، آرالیقـــدا قـــان یـــورور باشـــدان باشـــا.
بئلـــه ســـالمیش یـــوز بؤلـــوک زنگـــی چـــری بیـــر قـــاراقچی بیـــربیمیش هـــر بیـــر قاشـــا.

19
بـــاده وئـــر، وئرمـــه عمـــرو بـــاده، پاشـــا، ســـون ایـــاغینی صـــرف و ســـاده، پاشـــا.
رُخ رُخونـــا اورام دئیـــه بـــو گئجـــه آتـــدان اولموشـــام اوش پیـــاده، پاشـــا.
ســـؤزو قیلمایـــالیم تاویـــل کـــی، وار لطفونـــوزدن اومـــوم[2] زیـــاده، پاشـــا.
قبلـــه‌یـــه قارشـــی قاشـــلارین محـــراب جانیمـــا گـــؤزلرون ســـجّاده، پاشـــا.
ســـفریم زلفـــون ایچـــره اوزونـــدور، لبلرینـــدن بیـــزه زواده، پاشـــا.

20
ســـرو اولـــامی بویونـــوزا اوخشاشـــا، قاشـــین اولـــامی یـــوره‌گـــه اوخ شاشـــا؟
جمـــع ائـــده‌رم عشـــقینی کؤنولـــده بـــن، فرقتـــی ایلـــه بـــو جهـــان قاخشاشـــا.
اویـــور ایکـــن کیرپیگـــی قیـــردی بیـــزی، وای اگـــر اوخلـــاری اویـــاق شاشـــا.
اوخشاییشـــیم نئجـــه بئلینـــه دئـــدیم، کـــیم اولـــا کـــانین بئلینـــه اوخشاشـــا.
بیـــر اوخونـــا کـــیم اولـــا قیـــد اگلـــه‌یـــن، الّـــا گـــؤزو اوخونـــا ســـوَیاق شاشـــا.

---
[1]– داغا.
[2]– اومماق.

21[1]

سرو اولامی بویونوزا اوخشاشا؟ — قاشین اولامی یوره‌گه اوخ شاشا؟
جمع ائده‌یدیم عشقینی کؤنلومده بن، — فرقتینده لیک دنیا قاخشاشا.
اویور ایکن کیرپیگی قیردی بیزی، — وای اگر گؤزو اوخو اویاق شاشا.
اینچه‌گه‌یم بئلینه اوخشایام دئرم، — کیم اولا کی آنین بئلینه اوخشاشا؟
بیر اوخوندان کیمدورور قید ائیله‌ین — الّا گؤزلری اوخون سویاق شاشا.

22

گلدی خیالی اولامی کؤنلوم آپارماغا، — یا یوخودا سانیب بنی بندن اویارماغا.
بن عودا مُشک ساچی سرّینی دئمیش ایدیم، — شش تا نه تویدو کی، تولادی آنی بارماغا.
درّلر دؤکر گؤزوم لبین ایله دیشین اوچون — دیلر اولامی خیر ائدیبن سالا ایرماغا؟
جادولار اوخلاری سوجی[2] وئریبن اسریدیر، — کیم بولا گؤزلری کیبی توپ یاغی قیرماغا.
سورماغا قورخارام توتاغینی کی، قاندادیر، — زَهره قانی کی، جهد قیلام بیر ایسیرماغا.
گلین کی، روزه توتالیم، قیلالیم نماز، — کی دیله‌ین اولا یاری یاردان آییرماغا.
بنیم جانیم کیبی یولونا سهل اولا هزار — زنهار، قیلماغیل آنا[3] دگمز قاییرماغا.

23

آندا کی، هر بتِ شهانه اولا، — نولا حُکمی اگر جهانه اولا.
نئجه توتولمایام بن اول توزاغا، — کی ساچی دام و خالی دانه اولا؟
بن قیلاییم دوگانه قاشینا چون — دنیادا حسن ایله یگانه اولا.

بن میانیندان ایسته‌یم‌می کنار- — چو کناری آنین میانه اولا؟
بو جهان حسنونه اسیر اولدو، — زلفو تک اورتادا بهانه اولا.
آشکارا لبینی بن سورایم — آشکار اولماسا نهانه اولا.
بن دئیم چین خطا قیلیر زلفون، — جهد ائدم کی یاساق بو شانه اولا.

1- 20 و 21جی(دیواندا ترتیبلری 464 و 831جی غزللردی) غزللر بیر – بیرینه چوخ یاخیندیر.
2- سوجی = شرای، ایچگی.
3- آنا = اونا.

24

نئجـــه قاپونـــدا جانیمـــا بیـــداد داد اولـــا، کؤنولـــده گـــؤزلرین ایلـــه فریـــاد یـــاد اولـــا.

سروینه جانی سو کیبی شـؤیله روان ائـده‌ر، کیم آنـی گـؤره باغچانـا شمشـاد شـاد اولـا.

گره‌ک کی، قول اولان آنا شـاه اولـا آیروغـا، بـــو بنـــده‌زاده کیبـــی چـــو آزاد زاد اولـــا.

بن خاکی اود ایله سو ایچینـده تولاشمیشـام، زلفونـــو قومـــازام[1] زیـــرا و زیـــاد یـــاد اولـــا.

کؤنلومده لفّ و نشـر[2] قیلیـر زلفـو دلبـرین، گؤزو چو قیلدی صنعتِ ارصـاد صـاد اولـا.

25

هر کی، درمانی نگاری‌نین یولوندا درد اولـا، عشق‌ایچینده اول فریدویار یولوندا فرد اولـا.

بیر نظر مستانه گؤزونه هـزاران جـان دگیـر، مردمه مردانـه باخمایـان کیشـی نـامرد اولـا.

سـنبل خاکیـه دیلـر بنـزه‌ده زلفـون کؤنـول، قورخارام کی، دامنِ ناموسونا بیر گـرد اولـا.

زلفونه بنزه‌رسه گئجه عاشقی مسکین ائـده‌ر، صبح‌گر دم‌اور ماز ایسه، عارضیندن‌سرد اولا.

لبلرون دندانی تیز ائتمیشدورور یـوره‌گیمـه، تنگدل اولماغا یارامـاز اگـر در خـورد اولـا.

وصلینی‌بن،هجریمی‌اول‌جان‌ودلدن سئوه‌روز، جانیمی‌اودلارا یاخان‌ایشبوعکس و طرد اولـا.

حُسنِ‌رنگین عشقی‌چونکی‌دوتینا کؤنلووطن، نه بدیع اولا، یاشی گر قان و یوزو زرد اولـا.

26

بلبـل یئنـه چـاغیردی کـی فریـاد یـاد اولـا، قدّین یئنه سالیندی کـی شمشـاد شـاد اولـا.

گـؤزون اگرچـه ظلمونـو ایـروردی غایتـه، عمـــوم بـــودور لبـــون ایلـــه بیـــداد داد اولـــا.

سروین آیاغی باغلی و نئی، باغلی‌دور بئلـی، قـــدّین کیبـــی کـــیم اولـــا کـــی آزاد زاد اولـــا.

نوروزدور سنون ایله بیر عیش ائده‌م گـره‌ک، کـــی دنیـــا اهلـــی گـــؤره و اعیـــاد یـــاد اولـــا.

بـــاد صـــبا ســـاچون ایلـــه اوینایـــالی، شـــها، بیلدوک کی ایشـبو دهـر غـم‌آبـاد بـاد اولـا.

27

بیر گئجه سـنون ایلـه گـر بیـزه صـبح اولـا، نــه راحــت روحــانی، نــه اصــل فتــوح اولــا!

بیر لحظه سنون ایله چکـدیگیمی یازارسـام، یوز دفتر اولا آندان بـین جـزء شـروح اولـا.

چون آنا دوا یـاردان هـم دردی اولیسـاردیر، گره‌ک کی، بو باغریمـا مـرهم جـروح اولـا.

1– قویمازام.

2– ادبی صنعت لردن دیر. ارصاد دا یئنه ادبی صنعتلرین بیری دیر.

بــن اؤزومــو ســالارام دنیزینــه عشــقی‌نــین، یا غرقه چو فرعون و یا سلم چو نوح[1] اولــا.
بن توبه‌یی قیلدیم کی، آیروق داها قیلمایــام، وار امیــدیم اللــه‌هــا بــو توبــه نصــوح اولــا.

28
دلبر کی دلربــا اولــا و شــوخ و شــنگ اولــا، یوز دؤنده‌رورسه کیشی، آنا نام و ننگ اولا.
گئییک[2] گؤزونه‌نئجه‌سی صید اولمایا کؤنول، توتام‌کی، اول‌کؤنول‌کیشی‌سی‌چون‌پلنگ اولا.
زلفــون نهایتینــه قاچــان ایریشــه کؤنــول، خاصّه کی غمزه‌سی ایله آنــدا خــدنگ اولــا.
سنونله بیــر اولــان کؤنولــوم کؤنولــون ایلــه، بللیدورور بیر آرادا کی، شیشه و سنگ اولــا.
بنزیم ساریســی نالــه و گــؤزوم یاشــی ایلــه، بن بلبلم چو گُل یاناغون هم دو رنــگ اولــا.
بورجوم نه‌دور بو لعلِ لبینه کی، قــان ایچــر، توتام کی، غمزه‌لرون ایله صلح و جنگ اولا.
سربازلیق گره‌ک کی، قیلام زلفــون ایلــه بــن، سئودازده اولــوب آنــا گیسوســو دنــگ اولــا.
عشقین اودو یاشیم دنیــزی و دلبــریم بــالیق، همت بو اود و سونون ایچینــده نهنــگ اولــا.
گؤزو خطا و قاشی خُتَن، گیسوســی حَـبَش، هندو بیگی[3] یاناغی نئچون پس فرنگ اولــا؟

29
زیبا نگارا، جان و کؤنول تَرکــی ســهل اولــا، جانانه‌دن کیشی جــانی یــا جانــا جهــل اولــا.
زلفــو کیبــی کمنــدی ایلــه باشــیم اویناماق، گؤســته‌ره‌یــیم اجلــدن اگــر بانــا مَهــل[4] اولــا.
ایکــی جهــان ســعادتی دخــی نئجــه اولــور، محبوب، خوب و نازک و زیبــا و اهــل اولــا.
گر بیر جــوان دردی ایلــه پیــر اولــا نــه غــم، طفل دو روزه گؤردوگو ســاعتده کَهــل اولــا.
کرمانا زیــره یوکــون آپارمــاق اولــور[5]، ولــی، زیبا نگارا جان و کؤنــول ترکــی ســهل اولــا.

30
آپاردی جانی، گر کؤنول آپــارا، ســهل اولــا، بین‌جان و بین‌کؤنول داغی‌اول یاراسهل اولــا.

---

[1]– سلم حضرت نوحون اوغلودور. روایتلره گؤره، نوح پیغمبرین اوچ اوغلو واریدی. سلم و تور و ایرج. نوح یئر اوزونو بو اوچ اوغلونون آراسیندا بؤلور، سلم اوچون غرب تورپاقلار، تور اوچون شرق تورپاقلاری و ایرج یئر اوزونون اورتاسی چاتیر. سلم یوردو روم، تور یوردو توران و ایرج یوردو ایران آدلانیر.

[2]– آهو، جیران.

[3]– بیگی = گیبی، کیمی.

[4]– مهلت.

[5]– فارسیجا مثله اشاره دیر: زیره به کرمان بردن.

کؤنول کی عشقونه دوشه زلفونه تولاشیر، سنی سئوه‌ن بو ساغیشا آوارا سهل اولا.
غمزه‌لرون اولامی کی، آلماسدور، شها، اوغرادوغونی یاندورور و یارا سهل اولا.
یارین یاراسی زحمتی یارا ایرینجه‌دور، یارا کی، یار یارینا ایره یارا سهل اولا.
مقتول اولور ایسه، نولا مقبول یار اولان، منصور اگر چیخار ایسه بردارا، سهل اولا.

31

لبون مئییله بیر دم دماغ اگر تر اولا، گره‌ک کی سؤزلریمیزدن جهان معطّر اولا.
گؤزوم نمی نمه اکسوک قویماز ولی یارون، یاشیما گر نما نور ایسه داخی خوشتر اولا.
قویا بیلورسه باشی ایاغینا خلقِ جهان، گره‌ک کی زلفو کیبی جمله سربسر سر اولا.
هوا دماغوما اوردو، عجب دگول شیمدی، بو گؤز یولوندان اگر یاشلاروم مقطّر اولا.
خیالینا تاپارام بت‌پرست خود دگولم، نه‌ره‌یه باخاریسم صورتین مصوّر اولا.
مگر کی بو کؤنلوم آرزوی شکّر ائده‌ر، کی دائما آغزیمدا لبون مکرّر اولا.
نگارا لعل لبون عاشقی دورور بو کؤنول، کی ایسه جنّتون ایچینده حوض کوثر اولا.
صاباح تورو گلیب[1] یوزونه باخان گؤزلر، گره‌ک کی غم چریسی اوستونه مظفّر اولا.
نگارا! راست‌دئیه‌لیم چو سروین اولدو روان، قیامت اولدو گره‌ک قامو سروه سرور اولا.
دم اولمادی‌می دموندن کی، بیر دم اولا اونا، نئچه- نئچه قاپوندان تاشرا حلقه‌ی در اولا.
اودونا چونکی براهیم عشقیله دوشه دل، خیالی‌نون بوتونو یونماق ایله آذر اولا.
گونش‌ایله‌گئجه‌نین‌اجتماعی‌یوخ،یانه‌اوچون- بو قارا زلفو نگارون یوزونده درخور اولا.
بوراست قدّینی‌چنگی‌گؤرورسه‌دوتما عجب، اگر مخالف ائدیب سازینی محیّر اولا.

نگارا عودو ساچون قیلدی یئنیله قانون، کی آنین[2] خیالیله دل همیشه مجمر اولا.

32

گئجه- گوندوز بنیم ایشیم زار اولا، قورخارام فتنه گؤزون بیدار اولا.
سندن اؤزگه‌یه باخماز گؤزلریم، گؤرمه‌یه مگر سنی ناچار اولا.
نئجه قورتارا بئله کیشی کؤنول، چونکی معشوقی بتِ عیّار اولا.
زهر اوچون تریاکی قویماق اولا، لاجرم کی، گل قاتیندا خار اولا.

1- تورو گلیب = دوروب – گلیب.

2- کی اونون.

گـــاه محـــراب اولـــا قاشـــلارون بنـــه، گـــاه زلفـــون بئلومـــه زنّـــار اولـــا.
دعـــوی زهـــد و نمارینـــا ســـنون، تـــاش بـــاغیرین موجـــبِ انکـــار اولـــا.
عشـقه برهـان گؤسـته‌ریـر یـوزون اگـر، بیـر نفـس لطفـون بیزیملـه یـار اولـا.
قـانقی دینـده‌دور روا بـو حـال کـی، بـن خُمـار و لبلـرون خَمّـار اولـا؟
چـون خیـالون قیلـدی گؤزومـده مقـام، واجـب اولـدو کـی آنـا ادرار[1] اولـا.
کـیم کـی بیـزاری اولـا بازاریـدیر، کـیم کـی بـازار ایسـته‌یـه بـا زار اولـا.
شـول کؤنولـده کـی سـن اولاسـین، شـها، دیلـه‌مـه‌زم کـی دخـی دیّـار اولـا.

33

سنجیله‌یین‌عجب‌اگراوچماق[2]ایچینـده‌حوراولا، حور اگر اولور ایسه نئچه‌سی بی‌قصور اولـا.
گونش اگر ضیا ایلـه عـالمی خـرّم ائیلـه‌دی، ظلمتی‌زلفونون، شها، کؤنول‌ایچینده نور اولا.
سنی اگر سئوه‌ر ایسم عشقینه دخی عاشـقم، عشقیمی‌دخی سئوه‌رم‌تا کی، بانا حضور اولا.
قدّی‌قیامت ائیله‌دون جانیما یئتمه‌دی‌می اول، گیسونو یئله وئره‌سین‌تا مددی نو شعور اولا.
بنلری‌قیلدی مُشک‌تک خشک‌قانینی‌یوره‌گین تا کی،زبانه‌اوروجاق‌عشق اودو اول‌بخار اولا.
باد صبا گر ایـروره، زلفـو قوخوسـونو یئتـر، اؤلودیریلمه‌گه‌نئچون حاجت نفخِ صور اولا؟

34

چون یارون ایشی عاشق ایله غنج و ناز اولا، عاشـق تنینـده جـان بـه طریـق مجـاز اولـا.

بن راضییام کی، بیر نظـر ایلـه وئـرم جـانی، چـونکی مُـراد یـار ائشـیگینده آز- آز اولـا.
خفته‌گؤزونه جان‌گؤزون‌آچیب اوچورموشام، شاهینی خفته گؤر کی، نئجه چشـمباز اولـا.
بـن یـارون آیـاغینی باشـیما گؤتـوره‌یـیم، باشـین قویـان یـار آیاغینـا سـرفراز اولـا.
بـن راسـتی محیّـرم اول بیـر مُبَرقعـه، لطف ائـده‌ر ایسـه بیـزه نهفتـه حجـاز اولـا.

35

عاشـق کـی، اوینامایـا جـانینی خـام اولـا، وئرمـه‌سـه آی واریـن گونشـه، ناتمـام اولـا.
گه، زلفو تاغیدوب، گاهی ساچینی درمه‌سـه، اهل طریقتـه نئجـه‌سـی صـبح و شـام اولـا.
گر شاه اولا، نولا کؤنـول ائلینـده اول قولـام[1] سلطان ایکن بـو جـان هلـه آنـا قولـام اولـا.

---

[1]– ادرار = یاردیم.

[2]– بهشت.

سن اؤز اؤزونو سئو و نگارین اودونـا یـاخ،   تاش چون سینا و گؤر اودا یاخیلا، جام اولـا.
کیمده کی، وارلیغی قاریشا قلـب اولـا یقـین   صــاف اول‌دور کــی، عاشــقِ مالاکلــام اولــا.
اویدورموشـام نمـازیمی گؤزونـه، ای نگـار،   اویماماق اولامی، چو گؤزون تک امام اولـا؟
قانیم حرام ایکن چـو آنـا قیلمیشـام حلـال،   وصلی حلال ایکن نـه روادور، حـرام اولـا؟[2]

37

دّرمــــی‌دیــــر یــــاخو[د] شــــبنم اولــــا،   کــی گــؤز آنونلــا روز و شــب نــم اولــا.
ســــؤزومه ســــازِ نــــی گــــره‌ک، زیــــرا   هــــر نفَــــس بنــــیم ایلــــه همــــدم اولــــا.
مضــــــمار اولــــــالی دردی جانیمــــــدا،   عشــــقی اودو کؤنولــــده مُــــدغَم اولــــا.
گــــؤزو بیمــــاری‌یــــم، طبیــــب لبــــی   ســــوراییم اومــــارام کــــی، مــــرحم اولــــا.
نــــه پــــری‌ســــین کــــی، اودلارینــــا یانــــان   بیــــر زمــــان صــــدق ایلــــه بیــــر آدم اولــــا.
قاشــــون آیــــی توغــــالی یانــــدوق اودا،   وصــــلی نئچــــون بیــــزه محــــرّم اولــــا؟
نقطــــه‌دور لعلــــی یــــوزو دورونــــده   کــــی، فــــدا آنــــا ایکــــی عــــالم اولــــا.

38

شول جان کی، عشقینه صنما اول ندیم اولـا،   گره‌ک کی، دُردِ بـاده‌یـه سینداان مقـیم اولـا.
بین‌جان بوجان‌کیبی و دخی‌یاخشیراق دخی،   جانانــه‌یــه فـدا و بــو جــان آنـدا کـیم اولـا.

یــار ایلــه بــین عــذابا نعــیم مُقــیم اولــور،   هجریلــه بــین نعــیم عــذابِ جهــیم[3] اولـا.
عشق اهلی ترکِ دنیادا جان و جهـان اولـور،   بو دنیا اهلـی تَرکـی همـین زر و سـیم اولـا.
دنیـا چـو فانیـدور، نولـا گـر تـرک قیلالـار،   کیم ترک ائده‌رسه جان و جهانی، کریم اولـا.

39

قارغوبویوم‌واجیمیدیرقاشـون‌اوچون‌کمان‌اولا،   یازیق اولورمو غمزه‌دن‌جانیما گر آمان اولـا؟
یوره‌گیمی‌توتاقلارون‌هیچ یئره‌چکیشیر، شـها،   معذورتوت،لطف‌ائیله‌گیل‌گرآرادابیر قان اولـا.
توتدوم یارون اته‌گینی، الدن دخی قویمازام،   قویوسارام بن آنی، نئجه کی بیر امکـان اولـا.
دردیم‌لبوندندور،شها،مئ زده مئ نئ قویماغئ،   بن دردی قویماییسارام‌باشدکه[1]،بیر درمان اولا.

---

[1]– غلام.

[2]– دیواندا 651 ایله 768 غزللری تکرار اولدوغو اوچون، بورادا حذف اولدو. بو ساییلار بورادا 36 ایله وئریلیر.

[3]– جهنمین بئشینجی قاتی / نسخه ده جاهیم یازیلمیشدیر.

لعلینه‌گرچه‌قیلیرام‌بین جان فدا، هم قورخارام   تااولمایاکی، فی‌المثل‌چون زیره و کرمان اولا.

40
نئجه نئجه زلفون اوچون ایشبو جانیم مسکین اولا،
کؤنولوجوگوم غمگین اولوب قانلی گؤزون نمگین اولا.
گؤرمه‌یه‌لی آیینی گؤز قدّی هلال ائتدیم دوتا،
بو ایشی عادت ائیله‌دوم تا دنیادا آئین اولا.
بئلون گؤرونجه یوخ[2] ایدی قیلجا قراری کؤنلومون
اول یؤره‌یی گؤره‌لیدن باشلادی کی، سنگین اولا.
عشق اهلی بنی تاشلادی، بنزوم ساریلیغی اوچون
یاشیمی دؤندردیم قانا، کیم یاناغیم رنگین اولا.
پسته آغیزون شکرین تنگی دورور، تنگی دگیل
تنگی شکر چون شؤیله‌دور، پس شکرین تنگی نولا؟

41
بن‌عشق‌اری‌شونا دئرم‌کی، عشق‌آنا آئین اولا،   یار یولونا جان اویناماق آنا ایمان و دین اولا.
نئیله‌ییسرشول‌گؤزایله‌بوبیچاره‌مسکین‌کؤنول،–   کی هر نفس عاشقینه کمین ایشی کمین اولا.

هرلحظه‌ایثار ائده‌رم‌بن‌آنا جان و عقل و دین،   دخی‌بیلمه‌زم نه‌دیلر، عاشق واری همین اولا.
هر دم آنین هندو گؤزو دیلر خطا قیلا جانا،   بن‌دخی‌شونودیله‌رم کی،اول‌خطاسی‌چین‌اولا.
یارایله صحبت‌دیله‌رم، نئجه‌کی‌دنیا وار ایسه،   بیرخلوتده‌گؤگ آرادا بیرکیشیلیک زمین اولا.

42
درد یاریم چون اولیسار در دیار اولسا، نولا،   در دیار اولسام یالونوز دردِ یار اولسا، نولا.
دلبریم اولدو فریدود – دهر ایشبو دُنیادا،   حسنونون‌عشقی ایله دل فردِ یار اولسا، نولا؟
دلبرون‌چون‌یوزوآغدور،عشق‌پرورلیکده بس،   یاشلاریم‌گر سرخ‌ویوزوم زردیاراولسا، نولا؟
یار مردِ عشق اولوجاق ایشبو فانی دنیادا،   قوپسا بیرگؤزه‌ل‌دخی‌کی، مردِیار اولسا، نولا.
درد یاری نئجه بیر غربتده چکه بیر کؤنول،   در دیار اولور ایسه، هم درد یار اولسا، نولا.

1– باشد که / بورادا فارسیجادیر، یعنی اولسون کی... .
2– نسخه ده یوغ یازیلمیش.

43
زلفونـــو تولاشدیریســـار بوینومـــا سلســـله نولـــا؟
بـن بیـر قیلـام گـر قاریشـا دنیـادا قیـل – قیلـا، نولـا؟
رخونـــداغی فلفلـــه بـــن طـــرح ائیلـــه‌میشـــم آتیمـــی،
گر شه پیـاده اولوبـان طـرح ائـده فیـل – فیلـه، نولـا؟
عمـــرده بـــن بیـــر جـــانیمی قایریناامـــادیم اؤزگـــه‌دن،
سن یئنی گلدون بو یولـا سـهل اولـا دل – دلـه نولـا؟
دنیـا آنـی بیلـدی کـی، بـن لعـل لبونچـون یانـارام،
سن دخی گل یانـاغی اول بـو نقشـی بیـل بئلـه نولـا؟
گؤزوم یاشینی سیل– دئدیم، سیلمه‌دی، سالدی سلسله،
زلفئینـــی تولاشـــیغینی سالدیســـا سلســـله، نولـــا؟

44
گؤزو دیلر کی، دلـه حملـه‌ی تورکانـه قیلـا،
زلفو دیلر بیـزی بیـر قیـل ایلـه دیوانـه قیلـا.
هر قیلـا باغلامایینجـاق اؤزونـو، وارلیغیمیـز
زلفونون هر قیلی ایله دخـی شـاها نـه قیلـا؟
تنی بنزه‌تدی قیلا، قیلجا بئلون، ای بئلی قیل،
تا کی، نه قیلـا بیلیـر ایسـه، آنـی جانـا قیلـا.
غمزه‌سی بنده سالا دنیـایی گـر حملـه قیلـا،
مست کی، قیلمایا حمله، آییغـا یـا نـه قیلـا؟
زلفو مسکینی‌یم الّـا کـی، پریشـان کئچـه‌رم،
کی بو جادو نئجه[۱] بیر طعنه‌یـی ایمانـه قیلـا.

45
یـــا چلـــب[۲] دردیمیـــزه چـــاره قیلـــا،
یـــا کؤنـــول کؤنلـــه‌گینـــی[۳] پـــاره قیلـــا.
اودا ســـــالار اؤزونـــــو درِّ عـــــدن،
تـــا بنونچـــون یوزونـــو قـــاره قیلـــا.
آی یوزونـــدن گـــونش اوتانـــدیغیچون،
بولـــــودو اؤزونـــــه ســـــتاره قیلـــــا.
بئلونـــه ســـوندوم ایســـه عیـــب ائتمـــه،
غـــرق اولـــان جهـــدینی کنـــاره قیلـــا.
کمـــری بیـــر قیلـــی ایکـــی باغلـــار،
ســـؤزو بیـــر نقطـــه‌یـــی دو پـــاره قیلـــا.

46

1– نسخه ده اکثرا نئچه یازیلمیشدیر.

2– چلب = تانری، الله.

3– کؤینه‌گینی.

آرتوقراق‌اولدو عشق‌اودو، دیلرکی کف قیلا، اول اودا وارلیغینی قاموسون علف قیلا.
دردانه ایسته‌ین دنیزه غرق ائده اؤزون، خشک‌اولا اول‌کی، قورودا قصد صدف قیلا.
دلدار ایله خوش اول و زمانه‌یه قالماغیل، دوتما حسابا هر نه کی پیرِ خرف قیلا.
ای عقل، توتما دق دله جان وئرسه یار نه، زیرا شرف دورور نئجه کی اول صَرَف قیلا.
نشر ائتسه ساچینی، قطعی تشویشه دوشه‌رم، جمع اولا خاطریم یئنه قاچان کی لف قیلا.

47
نئجه‌بیرشول‌جادوگؤزون‌قصدجان و دل قیلا، نئجه‌بیرشول اینجه بئلون بو تنیمی قیل قیلا.
گؤزلریم گمیسی لنگر سالدی قان دنیزینه، غرق‌خون اولسون‌اگر عزمینی باسا حیل قیلا.
شول‌گونش‌یوزونه‌قارشی‌بن‌هلالی اولموشام، اولا بواسکیکلیگی کیم، حسنونوز کامل قیلا.
نئجه‌قیلا بیرکؤنول‌کی، هر قیلیچون زلفونون، کیرپیگی‌نین هر قیلیندان بیر دمی سائل قیلا.
اعتمادلی قامتیندن عدل اومار دلی کؤنول، کی مگر سروینی بیزدن یانایا مائل قیلا.

48
شها، شهلا گؤزون اوچون دئیومه‌زم بن آغ، قارا،
نه زلف اولا مگر اول گؤزه بیر آغ ایله گؤز قارا.
مگر عود ائتدی همسرلیک سنون زلفون ایله، شاها،
کی اؤزون گؤردو مجمرده اودا یانمیش یوزو قارا؟

قضا آخدی، قارادا یوخ، یار ایله بیرلیک ایسترلر،
شول‌آغلیق کی رضاسی یوخ، یارون آندا دؤنه قارا.
گؤزون شاهینی قیلیرسا کؤنول کبکی ایله بازی،
مجال اولمایا بو آودا، نگارا، هئچ شونقارا.
شاها، سور نه نفیر ائده‌ر کی، بو دایره‌ده نئی اوچون،
ایکیلیکدن اورا بیر دم آنین عشقینده نَقارا.

49
گؤردوم بو گئجه زلفونو قیل قیلا، نگارا، کی قانقیسیدور کی، بنی قیل قیلا، نگارا.
جانا اولاسین جانی و دلیمی دیله‌سین، جان آلماز ایسن، سهل اولا دیلدیله، نگارا.

مجنون ایدوغوم[1] لیلی ساچینا قامو بیلیر، چون‌روشن‌ایمیش، سن دخی بیل بئله، نگارا.
گون‌گون یوزون‌ایله‌نه‌کی‌چکدیم‌ایسه روشن، یوزدوم بو گئجه زلفونه یئل ایله، نگارا.
لعلون الیمه گیرسه سورایدیم کی، آنیجاق، شوری آغیزیمدا نیشه دیل دیله نگارا.

50

خیالین تا کی دربردور، نگارا، تاپوندا عشق بردردور، نگارا.
قوموشوز[2] وارلیغی اندر سر عشق، باشیمیز بوندا سربردیر، نگارا.
مسلّم قیلمیشیز کؤنولو سانا، یئنه زلفونده لشکردیر، نگارا.
هزاران کؤنولو ائیله‌دی مسکین، بو نه زلف معنبردیر، نگارا؟
سنین عشقینه نه چاره قیلالیم؟ ازلدن چون مخمّردیر، نگارا.
ساچین هندوسو تاراج ائتدی کؤنول، مگر عالم مشمّردیر[3]، نگارا؟
سّجاع[4] ائده‌لی آوازین فلکده، بوگون چرخ مدوّردیر، نگارا.
اگر هر قیل جانیما اولدو بیر بند، لبین دخی مکرردیر، نگارا.
گؤزونون هر اوخونا لبلریندن، بویور بوسه مقرردیر، نگارا.

51

چون‌مُشگ‌ساچون‌دوش‌به‌دوش‌ایردی، نگارا، آوازه‌ی واللیل به گوش ایردی، نگارا.
مخمور ایدی دل لعلِ لبی‌نین مئیی ایله، نیشی دخی بو جانا چو نوش ایردی، نگارا.
ابر آغلاماغا باشلادی، اولامی کی، گؤیه هجران گئجه‌لرینده خورّش ایدی، نگارا.
شول دم کی، تولو وئردی خیالی گؤگ مِی نقل ائیله‌مه‌گه پسته فروش ایردی، نگارا.
گر لعل ایله دّردینه نولا گؤزومو آغزیم عمّانِ معانیه چو جوش ایردی، نگارا.

52

بیربیبدی حسنونه دل گؤزو کی، وارا شکارا، بیلیمه‌دی اول شکاری کی، شکار اولا شکارا.
بدن‌آیریق‌اولور ایسه، چو وصال اولا حاصل، چوحیات معنویدور بو وجود پس چه کاره؟
گونشین اگرچه واردیر جولانی بی‌ادب، لیک تانا دکین اول حیادان دوتا یوزونه ستاره.

---

[1]– اولدوغوم.

[2]– قویموشوز.

[3]– مشمّر = (تشمیر) سرعته گیرمیش، حاضرلانمیش، قصد اولموش، یئیین اولماق.

[4]– سسی اوجالتماق و قافیه لی سسله مک.

بنی‌عیب ائده‌نه قارشی یوزونون نقابینی سال ... کی،جهان‌گؤزویله‌گؤره‌نئجه‌موم‌اولور حجاره.
چو سالینا اینجه بئلی قیلی یارا لطفو ایله ... چو سؤزه گلور آغیزی شکری قیلیر دو پاره.
گره‌ک اختیار ائده‌م بن کی، گئده بو اختیاریم ... بانا بخت یار اولورسا کی، ایرم بو اختیاره.
بو یمن یمینی ایله نمینی گؤزوم دؤکوبن ... دخی یوره‌گیم اودونو ایروریمه‌دی یساره[1].
چو هوا یئلی قاتیدیر بنی گونله‌گینه آلغیل ... کی،چوشمع‌بو کی، اوغرار اولا حاجتی فناره.

53
قاچان‌کی،دردیمی‌سورما، گره‌ک لبین ایسیره، ... عجب لطیفه‌دورور بو، ایرمه‌دیک بو سیره[2].
چو دلده ائیله‌دی یئرینی، گؤیه چیخدی آه، ... یاشیم‌چودوشدونظردن گره‌ک کی، یئره گیره.
چو فرصتین دمی ایره دمیم دمینه قویما، ... کی دهر ایشی بودورور کی، یارنلری آییرا.
تور[3]ایمدی،ساقی،ایاغ‌توت‌کی،تولوجام‌ایچه‌لیم، ... کی قاچان ایسه بیزه دخی گلیسر بو سیرا.
خدای بیردور و یار بیر، گره‌ک و عشقی بیر، ... کی ایکیلیک یازامازدیر ایکی جهاندا بیره.

54
گلمه‌یه بنیم کیبی دخی دردلی جهانا، ... کی قالمایا نه عقله و نه تنه، نه جانا.
چوخ کیشی بو دنیادا دئیه عشقه اسیرم، ... عاشق اول اولا، گؤسته‌ره عشقینه نشانا.

گؤزون سنون اول تیر ختایی‌یی[4] آتار کی، ... اول تیری آتانا دخی حاجت نه نشانا.
یوره‌ک قانینا لعل لبین شؤیله گیریبدیر، ... بین هندو گؤزون کیبی گره‌ک اول قانا قانا.
بن جانی فدا قیلمیشام اول هندو گؤزونه، ... یوخدور نگرانیم دخی اول بانا امانا.
بن جانی بهانه دیله‌رم یولونا آنین، ... یولونا روان ائده‌ر ایسم جانی بها نه؟
آغزیبلا بئلینی گؤره‌مه‌زم بو حقیقت، ... لیکن وئریرم جانی حقیقت بو گمانا.
هیچ یئره بنی سانما کی، عشقینه توتولدوم، ... گؤر زلفو بیگی دامی و خالی بیگی دانه.
اوسانا دئر ایسن بنی، اول ثانی‌یی سانما، ... اول‌ثانی‌یی‌سن سانما کی جان ساندان اوسانا.

1– یسار = سول.
2– سرّ دئمک دیر.
3– دور، آیاغا دور.
4– بو کلمه نین دوزو همان ختائی دیر و ختائی چؤلونون گؤزللرینه اشاره دیر؛ آنجاق بو گون خطائی ده قبول اولموش و بیز ده بوندان سونرا خطائی یازاجاغیق.

55
یاردان یارا گر یئر ایسم، هیچ قاییرما یارا – یارا،
یارا یارا صرف ایچ تولو عشق ایاغین، یارا – یارا.
بیر گون دیله‌رم کی، قاتام جانیمی یاریم جانینا،
خوش قاریلاووز یاتاووز، عشق اودونا قاتا قارا.
جان و کؤنولو باش اره گره‌کمز الّا یار اوچون،
بیز قاموسونو اوینادیق یار یولونا حق باشارا.
بیر دم چکم جور الیندن توپ – تولو دردی دوردینه،
بیر لحظه حیوان سویونو لعل لبیندن آش آرا.
یاخدی وکول ائتدی اودون، شاهیم، بنیم وارلیغیمی،
آنجا آخیدام گؤز یاشین کیم اولان یاش آرا.

56
طعنه‌لر اورور قانلی گؤزوم ابرِ بهارا، گلمه‌دی کؤنول زلفونو گؤره‌لی قرارا.
گؤزلری قاراسینا سبب زلفونو بیلدیم، سئودا گتیره‌ن باشینا پس گؤزو قرارا.
خفته‌گؤزوتک‌گؤرمه‌دی عالم گؤزو اوخجو، کی خفته دیلی جادو گؤزو ایله او یارا.
زلفونده قرار ائتدیگیدی کؤنلوم ازلده، میل ائتدی ایسه یئنه نولا دار و دیارا.
کشف ائتدی مگر باد صبا برقعینی کی، گیزلندی گونش یوزونه دوتوندو ستاره.
عشقین بئلی‌نین اینجه و اوزون چکیسه‌رم، صبر ایله گره‌ک کی، ایرورم آنی کنارا.
عقل و دل و جان اؤزلری آیاقلاری ایله، باری گؤزونه یوز گؤز ایله وارا شکارا.
دیتره‌ر یوره‌گیم، لبلری‌نین می‌زده‌سی‌یم، چاره یئنه خَمّار ائدیسردیر، بو خُمارا.
بنیز ساری یوره‌ک سالینیر وصل اله گیرمز، دیوانه کؤنول اولامی قلب اوردو عیاره.

57
گؤزلرون آتار جانیما قیل یارا، جان سنوندور، نه گره‌کسه قیل یارا.
دل دیلرسین، یوخ دئمه‌گه دیلیمی وار، یوخ دریغیم، دل دیلرسن دیل یارا.
سیل بو گؤزوم یاشینی سلسله‌دور، بن دلوردوم، سلسله‌دور، سیل یارا.
دل پیاده‌دور رُخون نقطه‌سینه، فلفلینه دؤیومه‌دی فیل، یارا.
قیلجا اکسوک بولمادی سندن کؤنول، چوخ تفحصّ ائیله‌دی قیل – قیل یارا.

58 کؤنولومده قیلیر کیرپیگی یارا،
نه یارا کی، یوره‌گی کلّی یارا.

قرارا گلمه‌یه زلفونه دوشن،
نه خود بیر لحظه عالمده قارارا.

لبوندن چاره اولامازسا کؤنوله،
اولور بیچاره آنا خود نه چارا؟

کؤنولده هجری شؤیله اوردو اودون،
کی گؤیده‌دور ستاره هر شرارا.

خماری‌یم لبی‌نین چاره‌م اول‌دور،
کی هم میدن اولور چاره خمارا.

بو اورتادا میانونچون اولور دل،
چلب بیلیر کیم ایریشه کنارا.

لبون قانی بیزه روح رواندور
چو ایردی جانیمیز بو انتظارا.

یوزون گونو تولونالی گؤزومدن،
شفق اوردو الینی احمرارا[1].

یوره‌ک قانیلا شؤیله سرخوش اولموش،
کی، باخیماز یمینیندن یسارا[2].

59 ای غمزه‌ن ایله هر دم ایشبو یوره‌کده یارا،
گیسو نئجه یاسانیب گؤسته‌ره بیزه قارا.

آغزیمدان اود ساچیلا چارپا یالین گؤزومدن،
نه توغیساردیر اوددان الّا مگر شراره.

زلفویله عقد عهدی باغلادی ایدی کؤنلوم
تورمادی اول سیه‌کار ائیله‌دیگی قراره.

گؤزلری جادولاردور، افسون بیلور توتاغی،
کؤنلوم اول اورتالیقدا بیچاره‌دور، نه چاره؟

عقلیم‌کی، پیر ایدی،اوش‌طفل‌اولدولعلون ایله
البتّه اممک ایستر هر طفل گاهواره[3].

جانی‌گؤزوم‌یولوندان ساچدیم سؤزونه آنین،
نه‌سی اولا فقیرین، شول درّ شاهواره؟

گؤزلرینی گؤره‌لی شیمدی گؤزوم یوره‌کدن،
بیشیره حبّ روّمان هر صبحدم خماره.

نئجه قاچارسا قاچسین، بن قووسارام آنی،
آنا دئگین کی، ایرم یا کندوزو خود آرا.

گر گؤزو فتنه ایسه، شکر آنا خفته‌دورور
بو دنیادا قیامت سروِ قدی قوپارا.

گؤزدن‌یاشیم‌چیخارسا، توتماعجب سن آنی،
دؤیمز تجلّیسینه تاغ[4] ایله سنگ خارا.

ساحر دگیل دئرایسن، گل ایمدی یوزونه باخ،
بیر بارماق ایله بدری گؤستردی ایکی یاره.

---

[1]– احمیرار = دری نین قیزارماسی.

[2]– ساغیندان سولا.

[3]– بئشیک.

[4]– داغ.

60
عجب نئچون بنی سندن فلک دیلـر آییـرا؟ روا دگیل آخی یاردان کی، یـاری یـار آییـرا.
چومجلیسین‌دورور اوچماغیمی‌تاپون حوری گمان آپارمـا کـی، بنـدن تـاپونی نـار آییـرا.
جهاندابودورورآدیم‌کی،قویمادیم‌آدی- سانی یا نئجه بنی تاپوندان بـو ننـگ و عـار آییـرا.
بو عشق دنیزینه گؤز یوموب اؤزونـو سـالان نه عجـب اولـا اؤزوچـون اگـر کنـار آییـرا.
اؤزونه سورمه قیلا آیاغون توزونـو، گـؤزوم، اگر صبا یئلی بیر لطـف ائـدیب غبـار آییـرا.

61
تاپونـــدان اؤزگـــه‌دن خـــاطر معـــرّا، کؤنـــول اؤزگـــه خیالینـــدان مبـــرّا.
وصـــال و هجـــرون ایلـــه دلـــی کؤنـــول فراقـــــون اولـــــدو در ســـــرّا و زرّا.
بانـــا صـــحرا فراقـــون ایلـــه زنـــدان بانـــا زنـــدان وصـــالون ایلـــه صـــحرا.
یـــوزو بانـــا عیـــان و آغـــزی ســـردیر، دئـــرم بـــن بـــو ســـؤزو ســـرّا و جَهـــرا[1].
زهـــی گـــونش یوزونـــدن شـــمس روشـــن، زهـــی زَهـــری لبونـــدن زُهـــره زَهـــرا.
هـــوان اودو ایلـــه گـــره‌ک ســـو اولـــا، گـــره‌ک خـــاک و گـــره‌کســـه ســـنگ خـــارا.
بیـــز آنـــین‌ووز و اول بیـــزیم، روادیـــر اگـــــر جـــــان قیلـــــا آنینلـــــا مـــــدارا.

62
ای شمع، بیزی تاپ دخی اودلارینـا یاخمـا، ای‌بدر، یوزون گؤسته‌روبن تئزجک اویاخما.
ای روح، نئجه نازک ایسن هر جسـده سـن، ساخلا اؤزونو، مایا اولوب هـر نفـس آخمـا.
عشقینی سنین عقله – کؤنوله دئمه‌دیـم بـن، هر لحظه آنـی غمـزه‌ن ایلـه عالمـه چاخمـا.
سنه باخالی باخمادی هیچ اؤزگه‌یـه گـؤزوم، سنی سئوه‌نین سن دخی هر سوچونا باخمـا.
بیز خود قلندریز، بو ساو و آوینـا گیردیـک، سنده بو هوس یوخ ایسه بو قاپی‌یی قاخمـا.

63
لطـف ائـدیبن بیـزی بـو گـون، صـنما، شـــول ائشـــیکدن بیـــزی ایـــراق ســـانما.
قـــان دئـــرم لبلرینـــه دل قانیمـــاز، کـــیم دئیـــو[2] بیلـــه کؤنولـــه قانمـــا.
دل و عقـــل ایلـــه جانـــا بیـــر بوســـه دیلـــه‌دیـــم لبلـــری دئـــدی: نـــه نمـــه؟
جـــان فـــدا قیلـــدی دل، دئـــدیم: نئچـــون؟ دئـــدی: ســـایرو مگـــر ایریشـــه امـــه.

---

[1]– جهرا = اوجادان و برکدن / سرّا = گیزلیجه

[2]– دئیه.

اولـا کـی، بیتیـره یئمیشـینی عشـق   چـون ایـروردی یاشـیم نمینـی نمـه.

64
عنـایتینی، الهـی، قولونـدان آییرمـا،   ایکـی جهانـدا دخـی بنـی هـیچ قاییرمـا.
ائده‌سین ائتـدین و ائـده‌سـینی ائدیسرسـین[1]   ائده‌جه‌گینی ائده‌رسین، سـوچی بیـزه ییرمـا.
آنا کی سـن دیلـه‌میشسـین ازلـده تسـلیمیز،   نئجه‌سـی دگشیریسرسـین قبـول دگیشـیرمه.
امیـد حضـرتینه قوتـارام اولـا مقبـول،   کی، دیرمه‌یینجه عـدو دفتـرین بنـیم دیرمـه.
سنین یولوندا آیاق باسـانین آیـاغی تـوزون،   کیم ائده بیله بانـا سـورمه گؤزونـه سـورمه؟
بو خاکی نه اودا کیم سالار ایسن، سـن بیـل،   یئله‌ساوور، سویا سال، عاصیلیق آدینی اورما!
نـه‌یـوز، نـه‌ده‌نـوز و دنیـادا نـه‌یـه گلـدیک،   جـانیمیز آنلامـادان اول جهانـا آشـورما.

65
گر گیریر ایسن نولا سن بـو گئجـه قوینومـا،   یـا نولـا قوشونورسـان تانـا دگـین اوینومـا؟
کؤنلومه گؤزلرین شول رسـم ایلـه آخارلـار،   کـی قاپلـان آنـوکلری آخـین ائـده قوینومـا.
گؤزلرین ائده‌ر جانا هر نه کـی ائـده‌ر ایسـه   الین – آیـاغین یـازیق ایـره‌ر ایسـه بوینومـا.
بن تورکم و سن تاتار یولو ایله سوروشـالیم   او جایی گـره‌ک بانـا باخـار ایسـن اوینومـا.

66
ایچیمده‌کی عشـقیم اودو نقـب ائتـدی یئنـه تاشـیما،
جیحون دخی اولدو خجل، باخدی بو قانلی یاشـیما.
دنیـا قـارادی گؤزومـه گـؤره‌لـی قـارا زلفونـو،
خسـته گـؤره‌لـی گؤزونـو سـئودا اولاشـدی باشـیما.
هر سؤز ایله شهد و شکر گؤزلری دؤکر، نـه دئیـیم؟
چـون غمـزه‌سـی‌نـین نـاوکی آغـویی قاتـار آشـیما.
بیر خلوت اله گیریجک اول شمع و بن پروانـه پـس
شمعی گؤتور قاپی‌یی توت، بین گز دئـدیم فرّاشـیما.
گئجه‌لرین عمـرو اوزون، همـدم اولورلـار عشـقیمه،
سویوق نفسلی صبحه باخ، کی باخمادی یولداشـیما.

---

[1]– ائدیسرسین = ائده‌جکسن / بو زمان بوگونکو گون ده‌ییشیلمیشدیر.

جان و تن و عقـل و کؤنـول ائشـیگینده آپارمیشـام،

اوردو جانیمـا گـؤزو اوخ، اوخ ز عـوض شاباشـیما.

باخدی گؤزوم گؤردو سنی، تولدو جگریم قان ایلـه،

اول قانی گؤزدن آخیدیر شـیمدی کؤنـول پاداشـیما.

67

دیــــریلین، آپــــارین بنــــی یاریمــــا، شــول لبــی شــهد و کیرپیگــی آریمــا.

ایکیمیــــز بیربیریــــز و یاریبــــام بــــن، ایریــــرون بــــو یــــاری‌یــــی اول یاریمــــا.

آزار اولــــدو کؤنــــول خیــــالی ایلــــه، گؤســــته‌ریــــن اول بُتــــی بــــو آزاریمــــا.

بــــن یوزونــــدن اوخودوغــــوم معنــــی، ووردو یــــوز طعنــــه ایشــــبو ازبریمــــه.

زلفونــــو یئلــــه وئرمــــه‌گیــــل، شــــها، دوشــــمه‌ســــین فتنــــه ایشــــبو لشــــکریمه.

کؤنــــول اولــــدو هــــوان ایلــــه جــــوهر، بیــــر خلــــا ایســــته‌رم بــــو جوهریمــــه.

گؤزومــــو حســــنون ایلــــه روشــــن قیــــل، کــــی ایــــرور ســــکّه آدینــــا زریمــــه.

68

جان جانا ایرمه‌دی ایسه، تن تنه ایـردی، شُـکر آنـا،

ایشبو بیزیم زمزمیمیز، تن تنـه ایـردی، شـکر آنـا!

آنجـا جگـر قـانینی بـن لبلـری ایلـه ایچمیشـم،

کی، سونیجاق آغیزیما، ال قانـا ایـردی، شـکر آنـا!

جـان لبینیـزه ایـره‌لـی تنگـدورور، مجـالی یـوخ،

عیشی گره‌ک فراخ اولا، جان جانا ایردی، شکر آنا!

گلـدی خیـالی کؤنلومـه، اؤزونـو بولـدو خانـه‌ده،

موشتولوق اولدوکؤنوله، قول‌خانا ایردی، شکر آنـا!

روشن ایدی بو کیم، یوزون سئوه‌ر ایدیم قدیمـدن،

شیمدی بیزیم بو دعویمیز بُرهانا ایردی، شـکر آنـا!

69

بیزیملـه حیلـه قیلیـر، نئـده‌لـیم جهـانِ فنـا، دیلر کی، قوشجا جانیم عشقی‌نین اودونا یانا.

گؤزو چو قیل قلم ایلـه یـازار یـوره‌گیمـده، قیزیل مرکّب ایلـه یـوزده یـازدیغی اوخونـا.

نئجه خطایی دئیه‌لیم بو تورکونـون گؤزونـه، کـی آتـار ایسـه یابانـا نشـانه‌یـه توخونـا.

نسیم وئردی یئله دوتقون ائیله‌دی کؤنولو، آپاردی گیسولاری‌نین قاراسینا – آغینا.
وصالی‌وعده‌سی ایردی و کئچدی ایره‌مه‌دیم، ایراغا سالدی فلک کؤنولومو یاخینا.
قانادی‌یوخ کؤنولومون کی، اوچا سئودیگینه، قانادی قانی نگارین گؤزو کی قانا – قانا.
یوزونده گؤردوگومو بن گؤرورسه هر بیدل، «فَیا کرامته مَن ضالّه یعبدوء الوثنا».
جفایا صبر ائده‌لیم اول وصالی گؤزه‌دیبن، فراقدان اولا کی، چرخ دخی هم اوسانا.
ساچیندا آزدی کؤنولوم و آزدیغی اوزانیر، کؤنول دیلر آنی کی، آزماق آزانا اوزانا.

70

آه، باخین عشقه و حالاتینا، دلی کؤنولون بو محالاتینا.
بن کی فراقیندا آنین یانمیشام، دویا بیلمی بو وصالاتینا؟
نقطه‌سی‌یم خط وئریر قوللوغونا، معترفم حسنونون آیاتینا.
یوزونه باخیب کؤنولون ساخلایان، منکر ایسه نولا کراماتینا؟
زلفونو چون قیلدی حکایت نسیم، اینانیر اولدوق بو روایاتینا.
حسنو آنین عشقیمین آتیدیر، آتینا قارشی کؤنولوم آتینا.
مصری ملاحتده سنینچون عزیز، یوسف کنعان نولا گر ساتینا.
رخ رخونا گر اورایدیم شاه ایله، آت بولا و گه توتایدیم ماتینا
یارین اگر میلینی آنلار ایسن، چیخ فلکین دخی یئددی قاتینا.

خسته کؤنوللر چو شفایی نئدر، ایره‌ر ایسه گؤزو اشاراتینا.
چونکی قیامتدورور اول قامتی، فتنه‌یه دوشدوم بو علاماتینا.
بن لبینه سوسادیسم، اول قانیما، یارب ایرور جمله‌ی حاجاتینا.

71

الهی،شول دلی کی، یاخدی عشقِ یار اودونا، گره‌ک کی، یاخمایاسین دخی انتظار اودونا.
فراق‌وجور اودودور کی، عذاب ائدر کؤنوله وگر نه کیم گره‌ک ایسه، یانار نگار اودونا؟
ایراق اولورسا فراق اودونا یانار کؤنولوم، وصال اولورسا، یئنه هم یانار کنار اودونا.
قرار قیلدی کؤنول کی، قرار ائیله‌مه‌دین، دونون– گونون یانا شول زلف بیقرار اودونا.
روامی‌دیر کی، میِ لعل وار ایکن لبی‌نین دخی بو عاشق مسکین یانا خُمار اودونا؟

72

کؤنلوم یئنه میل ائیله‌دی اودا یاناسینا، لعلیندن امید ائیله‌دی قانا قاناسینا.
کؤنلوم نولا میل ائتدی ایسه خالینا آنین، آدم دخی میل ائیله‌یه بوغدای داناسینا.
پالوده قیلیر کیرپیگیمی سوجی دؤکر گؤز، ضامن اولوماز کیمسه‌نه بارماق باناسینا.
بیر سانیبانین کؤنولو آنا فدا قیلدیم، وارمادی کؤنولوم دخی سان و ساناسینا.
یاش قیزیل و بنیز ساری، کؤنول قارا غمدن فکری کیمین ایره و بو یان و یاناسینا.

73
ای کمالین ایسته‌ین، نقصان دگیلمیدیر سانا کامین‌ودیلدیکلری[1] احسان دگیلمیدیر سانا؟
گلمه‌ین ایمانا حالینی سانا دئدیکلری ار ایسن انصافا گل، ایمان دگیلمیدیر سانا؟
روحی‌کی،علوی‌دوروربوراخماغیل‌بیرچاهاسن سنده‌مروت‌یوخمودورمهمان‌دگیلمیدیر سانا؟
خاکی‌وعرشی دوزه‌رسین دخی نازلانیرمیسان بؤیله بازار، ای دلی، ارزان دگیلمیدیر سانا؟
دک حریمِ کعبه‌ی اقباله ایرورگیل بنی وئردیگین‌وارلیق، شها، قربان‌دگیلمیدیر سانا؟

74
باخالی قارا گؤزوم شول ساقینا، باخماغا ساعدلرینه ساقینا.
راست بودور نامخالف سؤز دئدی، خیرلو آهنگ ائتمه‌دی عشّاقینا.
نه نَقل ائتدی یاناغیندان نسیم، گُل آنی درج ائیله‌دی اوراقینا.
نه کی آغزیندان گلیر دشنام و مدح، زهر ایسه قاتار جانیم تریاقینا.
گره‌ک اودوندان ایچه تشنه زلال، نه وئره‌لر عاشقین زرّاقینا.

75
قاتلانیماز بو کؤنولوم دلبری‌نین فراقینا، کؤنول اگر اولور ایسه، یئر و گؤیون ایراقینا.
ایکی‌حَرَم‌نه نسنه‌دیر، سهل‌اولا بوئیددی فلک گر بینیز[2] ایسه کؤنولوم همّتی‌نین بوراقینا[3].
باخ قراقینا گؤزونون نئچه قراقلادی بنی دئ گونشه کی، تیغینی قاتا گئجه قراقینا.
اولدو هلال بو تنیم قاشلاری‌نین قیرانینا، شیمدی نئچه دؤیه کؤنول گونشی احتراقینا.
ائشیگینی قیلام مقام، گؤزومو زمزم ائیله‌یم، تا کی حجازینا ایرم، سالام اؤزوم عراقینا.

76
ای‌نئچه‌دوشدو کؤنولوم شول یاناغی‌نین آلینا، ای نئچه دخی دوشیسر لعل لبی‌نین آلینا!

1– دیله دیکلری، آرزو ائتدیکلری.
2– بینمک = مینمک / سوار اولماق.
3– حضرت محمد(ص)ین آتی نین آدی بُراق دیر.

شهدلبینه‌قصد ائدین غمزه‌سی ایردی جانیما، دیکه‌نی[1] ایردی جانیما ایرمه‌دیم ایسه بالینا.
قالی‌شکروقیل بئلی، قدّی چو نیشکر دورور، نِی کیبی یاندیم اودونا ایره‌لی قیل و قالینا.
ایشبوخیاله‌قالمیشام کی‌بئلی تک خیال اولام، سئودا باشیمدا تک بو کی، ایرم وصالینا.
شول گؤزونو کمالینه ایروبن اویناديم کؤنول، آه‌ایره‌ر ایسه‌گؤزلریم شؤیله کی، وار جمالینا.
آی گؤزونون گونشینه ایریجه‌گز هلال اولور، بن ایریجک نولیسارام بدر آیی‌نین هلالینا.
اودونا یانارام آنین دخی یانیسارام دخی، اولا کی، ایره دولتیم تا ایریشه زلالینا.

77
بو نه سئودادور ساچیندان یئنه جانیم باشینا، عقل ایله کؤنول بیله‌دیر سانما جانیم باشینا.
یاش‌یوزومده‌گرنشان‌ائتدیسه‌نولاعشق‌اوچون، آندان آخان سیل اگر اوغرارسا تاغا تاشینا[2].
شؤیله‌مستغرق دورورقاشینا پیوسته کؤنول – کی‌مجالی‌یوخ کی باشی گیرجیر ایسه قاشینا.
یوزونه‌توغرو توروبان،شاها، گؤزوم باخیماز، اعتمادی یاشینا واردیر کی آنا یاشینا.
یوره‌گی ایچینده تاشیسا تاشیدیر یاسمین، جان و عقل و دل آنینچون بیزدن آنا تاشینا.
قوللوغونقش‌ائیله‌میشم دلده حسنون گؤره‌لی، نئجه کی عمروم واریسه صورتین نقاشینا.

78
ایردی بگیم عشق ایله جان جانینا، عرض ائده گره‌ک سؤزونو خانینا.
لعلی ایله قانا باتیبدیر یوره‌ک، قان اولامی ایرسه کؤنول قانینا؟
تانری بیر و عشق بیر و یار بیر، گله غلط ایکی‌دیر ایمانینا.
بیر نظر ائتسین ساچینا دلبرین، طعنه قیلانلار سؤزوم اورانینا.
جان اول اولا کی، دیلینی اوینایب، ایریمه‌یه قدّی‌نین امکانینا.

79
حَبّذا، بلبل لطیف نوا، کی یاخار کؤنلومو به باد هوا.
دردیمه چاره قاندا بولونورسه، چون یئنه درد اولدو آنا دوا.
مجرم اولدو جفاسینی چکسین، کیم کی معشوق بی‌وفایی سئوه.

---

[1] – دیکن = تیکان.

[2] – تاغ – تاش = داغ – داش.

سعی ائدەر کی طواف ائده ائشیگین، کؤنولوم تا اولا کی بولا صفا.
بن بئلینه دوشەلی اول دلبر، بنزەده باشلادی تنیمی قیلا.
قیل خود اولدو بئلیبله لاکن، بیلیمەزم کی گیسوسو نه قیلا.
بنده اولدو ساچینا جان مسکین، بنده اولماغا یارار اول آسیلا.
فلگین قوسی کی هلال دورور، گؤرور ایسه قاشین یایین یاسیلا.
شکر و لعلدن کئچر سؤز یوخ، آغیزین آچ کی، قامو سؤز کسیله.
تور ساللان تا قیامت اولا بو گون، تات اویی، تا کی، فتنەلر باسیلا.
بیندن اؤندون شکار قیلمادی هئچ، غمزەلری قاچان کی، چیخدی اووا.
حاصل ائتدی کؤنول صفایی چون، اولین حمله اؤزون اوردو صفا.

80
شکر آنا کی، یاپیشدی یارین عشقی یاخایا، شیمدی کی یاپیشدی، یئنه یایامی یاخایا؟
بن اورا و بیر سایا آنین غمزەلری چون زلفئینی چریلرینی[1] مشّاطه یاسایا.
بو دردە دوا اولیساردیر چو ازلده، اول دردی وئرەن دردی بیریبیدی دوایا.
زلفئینی هواسینا تولاشدی بو کؤنولوم، یوخسا نئجه اوچایدی کؤنول باد هوایا؟
گول قیلدی عرق، یوزو سویونو یئره دؤکدو، قیلالی نظر گول یوزون اوستونده حیایا.

81
اگر اوغرارسا گؤزوندن کؤنلوم، شها، یارایا، لبیندن سورارام کی آنا عجب دخی نه یارایا؟
تنیم‌شؤیله‌دوزولموشدوربئلینه‌کی،خیال‌اول‌دور، کی،شیمدن[2]سونرادخی‌قیل‌گرەک‌گیرمەیەآرایا.
گؤزومدن لعل ایله لؤلؤ آیاغینا دؤکەرم بن، گونش‌یوزونده بیلیرم‌کی، یوخدورمیلِ پیرایه.
سنین ایله اولموشام آرایا کیمسنه گیرمز، اینانمازسان خیالینی بیریبی کؤنله کی آرایا.
اگر اکسیله، گر آرتا، یوزو گونشه قارشی‌دیر، کیشی‌کی، گونشی سئوه، گرەک بنزەیه یارایا.

82
نگارا، حق‌بیلیرباخماز کؤنولوم گؤزو بدر آیا،
جانیم ائیلەمی اسروکدور[1] سنین ایله بودور آیا؟

---

[1]– چری = قوشون، لشکر.

[2]– شیمدن = بوندان/ شیمدن سونرا = بوندان سونرا.

گؤزوم اول گون گلستاندا نظر قیلمیش گوله بیر گز[2]،
تبرّا قیلمیشام آندان کی، نئیچون اویدو بدرآیا.
هوا زلفونو گئده‌ردی یوزوندن صبح وقتینده
همان دم اولدو روشن کی، اینام اولمایا قارایا.
بئلیندن ساچی‌نین قیلین نئجه سئچه ایدی عاقل؟
ولیکن ساچی‌نین فرقی، شکّر، دوشموشدو آرایا.
ساچینا گئجه دئیر ایسم، نگارا، گؤز قاراسیندان
یا نئجه یارایا گئجه‌دن اؤزگه یارایا.
کؤنولو قیلمیشام خالی، نگارا، سندن اؤزگه‌دن
خیالینی بیریبی‌گیل کی، آنی قیل – قیل آرایا.
اگر خارایا توخونسا، کئچر تیدَر گؤزون اوخو
بیلیمه‌زم، ای یارنلر کی، قاندادیر بو خارایا؟

83
جان ملکونه سنین گیبی[3] مخدوم اولمایا، باش اوینایان ائشیگینه محروم اولمایا.
تاش اولا، بن آنا نئجه دمیر دئیه بیلیم، کی عشقین اودونا سنین اول موم اولمایا.
ارواح مُلکِ شاهی تاپوندور[4] عجبدورور، کی آیاغین توزونا فدا روم اولمایا؟
عاشق کی یانا یولونا، حاشا کی، محو اولا، مادح[5] کی، مدح ائده سنی مذموم اولمایا.
هر کیم صاباح گؤزون آچیب باخا یوزونه، بن ضامن آنا کی، دخی مغموم اولمایا.
محروم اولمایا آیاغین توزونا ایره‌ن، سندن ایراق دوشن کیشی مرحوم اولمایا.

84
آل چنگینی چنگی الینه، باشلا نوایا، صحبتده کی، سن چالمایاسین چنگی نه وایا.
گیسولاری‌نین بین باشی وار ناز ایله اوینار، بن بیر باشیمی اوینادام اوش باد هوایا.

---

[1]– اسروک = سرمست.
[2]– گز = کز، دفعه، دؤنه.
[3]– گیبی = کیمی.
[4]– تاپون = اطاعتین / تاپینماق = اطاعت ائتمک.
[5]– مادح = مدّاح، مدح ائده‌ن.

یار دردی دوادیر جانیما اولماسین اکسیک، دگیشورمه‌زم اولونجا اول دردی دوایا.
بی‌برگ و نوا عشقین اوزون یولونا گیردیم، گلبرگ یوزون ایله ایرم اولامی نوایا؟
بن‌سروین اوچون‌راست بودور بی‌سرو پایام، بنزه‌میشم اول بدر جمالینلا نو آیا.

85 بو آشنا یولونا دل چو دوشدو آرایا، آنی بو گؤزلری‌نین ایرماغی قاچان آیا.
سو باشدان آشدی و آغزیمدا قانا ایردی الیم، سوموگه ایردی بیچاق از قفای همسایا.
نئجه‌سی غمزه‌سینه دؤیه کؤنول اول یارین، کی، فتنه یئتیرور اول گؤزو ایله دُنیایا.
بئلیندن آیری بیزیم عیشیمیز خیال ایله‌دیر، لبیندن آیری کئچن عمری ایله دل هئچ سایا.
کیمین نه طاقتی وار روما چو زلفئینی حبش چریلرینی ساغا – سولا یاسایا.
یایین قویدو، قلم آلدی الینه تیر فلک چو اوردو جادو گؤزون الینی اوخا- یایا.
قیامتین گونودور عشقِ دل کی، دوشدو آنا نه التفات ائده آیریق اوغولا- آتایا.

86 عاشق گره‌ک کی، هیچ سر و سامانا قالمایا بو یولدا باشینی سایا سامانا قالمایا.
یاری لبینه قانا، قانی دؤکولور ایسه، مقصودا جهدین ائیله‌یه و قانا قالمایا.
دنیا نه‌دیر کی، سؤیله‌یه‌لر آخرت دخی، جانینی ایسته‌ین هله بیر جانا قییمایا.
جانین وصالیدیر آخی دیرلیک دئدیکلری بو نکته‌یی بیلن لب حیوانا قالمایا.
جانان وصالی‌نین نامی بیر جانا کیمی اویا، یاشدان دنیز گره‌ک ائده عمّانا قالمایا.

87 شول‌دیل کی، ییخ دئدی، آنی معمور اولمایا، مست اولمایان گؤزون ایله مستور اولمایا.
کؤنلومده کی محبّتی دیله گتیرمه‌زم، کیم فاش ائده‌رسه، گوهر گنجور اولمایا.
چکر جهان جانینی، هر لحظه زلف ایله، عاقل کرشمه‌لرینه مغرور اولمایا.
یاخین زماندا قویمادی کیشیده اوس[1]، سِحر هلالی وار، دئیر ایسم دور اولمایا.
موصول دردینه اولو هئچ عاید ایسته‌مه، بونو توتان ضمیرده مهجور اولمایا.
رفع ائت حجابینی کی، بنم عَذب[1] غمزه‌نه، عشقینی جزم ائده‌ن کیشی مکسور اولمایا.

1– اوس = عقل.

تاغیت‌ساچینی‌کی،گوندوزوگؤزلر گؤرومه‌یه، گئده‌ر یوزوندن آنـی کـی، دیجـور اولمایـا.
مقتـول دیلـه‌رم آنـی، گرچـه جنیـد ایسـه، کی مُشگ ساچلارین ایلـه منصـور[2] اولمایـا.

88
یاردان‌یارا گریئرایسم، هیچ‌قاییرما یارا – یارا، یارا یارا صرف‌ایچ تولوعشق‌اپاغین،یارا- یارا.
بیرگون‌دیله‌رم کی، قاتارجانیمی یاریم‌جانینـا، خوش‌قاریللاووز یاتاووز، عشق‌اودوناقاتا قارا.
جان‌وکؤنول و باش‌اره گره‌کمزالّا یار اوچون، بیز قاموسونو اوینـادیق یولونـا حـق باشـارا.
بیردم‌چکم‌جورالیندن‌توپ–تولودردی دَردونو بیر لحظه حیوان سویونو لعل لبیندن آش آرا.
یاخدی‌وکول‌ائتدی‌اودون،شاهیم،بنیم‌وارلیغیمی، آنجا آخیدام گؤز یاشین کیم اولان یـاش آرا.

89
بو هوا غباری اوچـون دوشـه‌لـیم بیـز اودا- سـویا،
یـا لبـاس ائـده وصـالین، یـا وجـودو کـلّ سـویا.
بـــو نگـــار قامتینـــه بـــن ازل قیامتینـــدن
یوزو – گؤزو اؤیره‌دیجی کی، دوتار بـو هـای و هویـا.
یوره‌گیم سبوی خوندور، یوره‌گینی تاش ساناسـین،
هلـه بـو فـدادیر آنـا، گـر اورا تاشـی سـبویه.
گهی بنزیمی سـارادور، گهـی یاشـیمی قیـزاردور،
نئجـه بنـزه‌دیـر بنـی اول عجبـا گـلِ دورویـا[3]!؟
نئجـه مویـه قیلـا سـنبل، نئجـه نالـه ائـده بلبـل؟
نئجه‌چاک‌ائده‌تونون، گول‌دوشه جُستی[4]جست‌وجویا[5]؟

90
خطّنـی قوماغیـل کـی، یـاد اوخویـا، شـونا گؤسـتر کـی، بـین بیـر آد اوخویـا.
گؤزونـه گـؤز چـون قیلـا تعویـذ[1] لبـین اوچـون «وان یکـاد»[2] اوخویـا.

---

[1]– عذب = شیرین، گوارا، نغز.

[2]– منصور و جنید ایکی عارف و عینی حالدا کرامت اهلی ایدیلر.

[3]– ایکی اوزلویه.

[4]– جست = جلد، زیرک.

[5]– جست و جو = آختاریش.

عاشق اول‌دور بیشیره جان و دلین — تا سالا در کمین ایراد اوخویا.

مُشک خطّیندن اوخوروز علمی — اؤزگه‌لر کاغذ و مداد اوخویا.

اول الف بویلونون یوزونه باخان — نولا میم و سین و صاد اوخویا؟

حرف ا/ ـه

91

نگارا، جاندا عشقیندیر سرشته، — کؤنولومدور اودون ایله برشته.

بنی قییما چکر شول غمزه‌لرین، — کی، یعنی خوش‌دورور مخمورا رشته.

قصورون حورونون بن آندا گؤردوم، — کی یوز اوردو آیاغینا فرشته.

یاتوبان یوز اورورام شول حقه کیم، — سنین تک یوخ اوتوروشدا، توروشدا.

یوره‌گیم قانینی ایچر توتاغون، — بن اثبات ائیله‌یه‌یم بیر سوروشدا.

یوزونله آغیزون نه دئمک اولور، — ولی غمزه‌ن بلادور اول یاریشدا.

92

تا کی اولدو شول جمالین ساخته، — اولدو کؤنولوم ائوی پرداخته.

دوتالیم کی آتمایاسین دخی اوخ، — غمزه‌نین بین اوخو وار اندوخته.

دلده عشقین اودودور افروخته، — جاندا عشقین توغودور افراخته.

وصفینی دئیردیم چمنده حسنونون، — آنین اوچون دئدی، گوگو[3] فاخته[4].

نه کی جمع ائتمیش ایسه جان و کؤنول، — قاموسون گؤردوم یولوندا باخته[5].

جان فراقین اودو ایله سوخته، — عشقین آهنگینه کؤنول ساخته.

گیسولارین چریسی دل شرحینه، — بیلمه‌زم نئچون فراوان تاخته.

دلده لعلین عشقینی اندوخته، — تاشرا سنین غیرینی انداخته.

گیسوسو چریسینه کؤنولومو — بیریبیدوم کی، تورا نشناخته[6].

93

1– دوعا.

2– قرآن آیه لریندن دیر کی دوعا کیمی استفاده اولونار.

3– گو گو = دئنه، دئنه / سؤیله سؤیله — فاخته‌نین سسی بئله‌دیر.

4– یاکریم قوشو.

5– اودوزموش.

6– ترا نشناخته = سنی تانیمامیش.

اولالی قارا زلفئینین شکسته، گؤرورم گؤزلرینی دخی خسته.
صاباحین توغمادین گون سنی گؤردوم، سجود ائتدیم زهی فال خجسته[1].
گؤزون یوز غمزه اوخون اوردو جانا، شکایت قیلیجاق دئیر اویما مسته!
قارا زولفون کی، مسکین ائتدی مُشکی، قیلیر عنبر بهاسینی شکسته.
نه دسته گول دورور، شاها، یاناغین، کی، گول دسته‌لرینی قیلدی دسته.
مگر پالوده قیلیسار یاشیمی، خیالین اولدو گؤزومده نشسته.
هزاران نسنه گؤردوک زلفونه کی، بیرینی گؤرمه‌میشیز دخی رسته[2].
خدا سئودی جمالی دئر محمد اجازت اولمایامی بت پرسته؟
لبیندن بن اومارام کی، امرسم، ایریشم لذّت جان السته.

94
آغزین اولالیدان بری بیر شکری پسته اولدو شکری پسته‌لری نرخی شکسته.
قیلالی هوا زلفونو حسنونده پریشان، باشلادی کی، گلشنده قیلا سنبلی دسته.
گر قیلی اولام باد صبانین، هنوز آزدیر، کی اول گؤسته‌ره هر صبح بیزه فالِ خجسته.
بیر قیلجا جینیم وار ساچی قیلینا فدادیر، گر قیلجا آچا دلی کؤنوله، زهی بسته.
الجنسی علی الجنسی یمین اوولاماق اوچون گؤزوندخی‌خسته‌دیر و کؤنلوم دخی خسته.

پالوده قیلیر گؤزلریم آبِ عینابیدن اولالی خیالین گؤزوم ایچینده نشسته.
بن محکوله میلِ نظر قیلدیم آنینچون، کیم نیشه قلم چکدی بو یوزو قارا مسته.
لبلری فناسینا نئجه‌سی دؤیه وارلیق وارلیق نولا کی، سایلا اول نقطه‌ده هسته.
اول ماهی کی، ماهی دخی قول بیلیرم آنا دوشموش گیسوسی عقده‌سی آراسینا شسته.

95
گر گؤرمز ایسم یاریمی بیر لحظه نظرده، عینیمه بنیم گلمه‌یه کیمسَنه بشرده.
عمرومدور آنین زلفو یاناغی یؤره‌سینده یارب اوزون ائت عمرومو شول دورِ قمرده.
بن گؤرمه‌میشم هیچ آنین آغزی کیبی پیدا، یا بئلی کیبی نازک و بار ایله خطرده.
دیل نئجه کی قیل ایسه فدا اولا یوزونه جان نئجه کی آغیر ایسه، اصلینه کمرده.

1– مبارک.
2– آزاد اولموش / نجات تاپمیش.

جان زلفو وصالیندا بیری – بیرنه توخونور ... عاشق جانی آندا نئچه‌سی گله شُمرده.
هرگز کؤنولوم کیبی بلادا گؤره‌مه‌زم، ... قدری ایله اولمامیش آنا جور قَدَرده.
لیلی چو سنین کیبی جهان گؤرمه‌دی هرگز، ... مجنون دخی بنیم کیبی اولمایا ثمرده.
گول دوشدو یوزو سویون یئره کمیشدی، ... چون‌گؤردو سنین‌گول‌یوزونون لطفونو درده.
گؤزوندن آنین گونیله‌رم عکسیمی بنیم، ... نامرد اولا اول کیشی کی، قصد ائیله‌یه مرده.

96
لعلینه کؤنول طرّه‌ی زلف ایله گؤزلده، ... چاره نه‌دورور، چونکی دگیلدیر بو گؤز الده.
بیرخضرگؤروب چشمه‌ی حیوان یؤره‌سینده، ... دئدیم نه عجب آری‌نین آیاغی عسلده.
هر سرکه فروشون سؤزونو توتما حسابا، ... وار ایسته‌مه‌گیل خاصیه‌ی شکّری خلده.
عالم تولو حوری، قانی گؤز کی، گؤره آنی، ... محصور دگیل گؤرمه‌گیل اسبابِ سبلده[1].
دیردیرجی دئیرم آغزینا قاچان کی، سؤز اولا ... بئلینه‌نه سؤز، قیلجا چو سؤز یوخ بو محلده.

97
شها، گؤزون کیبی دیده ندیده، ... ندیده قاندا اولیسار چو دیده.
ایکی هندو دخی خود فتنه‌لردور، ... ولی اول بیریسیدور کس ندیده.
قلم اوزاتدی دیلی کی، بارماغیندور ... سؤزه گله‌یدی اولدو سر بُریده.
نئچه غنچه‌لر آغزیچون، نگارا، ... چمنده اولدو پیراهن دریده.

مگر گؤردو گؤزون وحدت نشانین، ... واحدالدهردور باخ بو فریده.

98
شول عاشقه یار نیشه تولو سونمایا باده[2]، ... کیم طرح ائدیب آتی رُخونا اولدو پیاده..
بانا فریدم نه طویل ائتدی جفاسین، ... قیلدی بانا جورونو هزاران و زیاده.
بانا ایاغی صرف وئر، ایا ساقی مه‌رو، ... باشد[3] که قیلا بو کؤنولوم لوحینی ساده.
وئرباده‌کی، دادین‌وئریروز عشرت و عیشین، ... وئرمه بو بیزیم عمروموزو هیچ یئره باده.

100
بهار و عشق و نگارین و تولو جام الده، ... بو جمله اولماییساردیر، بگیم، مدام الده.

1– سَبَل = سُنبُل، گؤز پرده سی.

2– اصلی نسخه ده ترتیب ایله 464جی و 814جو غزللردیرلر کی تکرار گلمیش و بورادا بیز بیرینی گتیردیک.

3– فارسیجادیر = اولسون!

شها، بنیم اولور ایسن یقین بودور کی، اولور … ائشیکده بنده فلکلر مَلَک قولام الده.
الیمده جام و همیشه دیلیمده‌دیر توتاغین، … حلالدور آغیزیمدا، ولی حرام الده.
بیزیمله صحبتی خاص ائت، نگارا، بیر لحظه … قاچان کی، سن دیلر ایسن دادین عام الده.
نئجه‌سی دؤیه کؤنول جادو گؤزو غمزه‌سینه … کی، سرخوش و آتیجی یای علی‌الدوام الده.

101
غمزه‌ن، صنما، اوردو یئنه یارا یوره‌کده، … نه ساخلامیشام گؤرسه ایدین یارا یوره‌کده.
بن ساخلامیشام حسنِ خیالینی نگارین، … ایناناماز ایسن تور بری گل، آرا یوره‌کده.
شاها،کؤنول‌ائلین‌دور، آخی‌بیر یؤره‌ن[1] و گل، … گؤر کی، نه قیلور زلفِ سیه‌کاره یوره‌کده.
شول‌جادوگؤزون سِحرایله‌آلدی‌جانیمی،لیک، … مسکین کؤنولو ائیله‌دی بیچاره یوره‌کده.
بن گول گؤرورم یوزونو گؤزومده و لیکن، … یئر دوزه‌رم اؤندن، صنما، خارا یوره‌کده.
آزاده‌سی‌یم، نولا هله بنده‌نیز اولدوم، … عشقی اودونون یئرینی گؤر قارا یوره‌کده.

102
اولمادی، بگیم، چاره دوا ایله بو درده، … اؤیله یازیلی ایدی قضا ایله قدرده.
چکدی‌گؤزو اوخون‌یوره‌گی قارشی آپاردیم، … کئچدی جانیما دورمادی اوخو بو سپرده.
یازدی کؤنولومده ساناسین هجر بیتیگین، … نقش ائیله‌دی آیریلیغی یعنی کی، حجرده.
اسریتدی[2] بنی لعل لبی مگر آنینچون، … کی، عشقی هواسی سکیر ائیله‌دی شکرده.
همواره بنیم سرّیمی فاش ائیله‌دی یاشیم، … اول معنی اوچون گلمه‌دی گؤز یاشی نظرده.

103
گلین، ایچه‌لیم بیر ایکی جامی تولو باده، … جهد ائیله‌یه‌لیم وئرمه‌یه‌لیم عمرو باده.
بیدادا کؤنول باغلادی جانیم گؤزوم ایله، … بین پاره قیلیرسان دخی اول وارمایا داده.
بن سنه جانیم وئرم و سن یادا کؤنولون، … آندان دخی گتیرمه‌ییسر هیچ بیزی یاده.
بن صرف سئوه‌رم سنی، سن ساده گؤزلسین، … گره‌ک کی، باریشا ایدی بو صرف ایله ساده.
زلفونده یول اوزوندور و بئلینده ایش اینجه، … لعلین نولا گر وئریر ایسه بیز[ی] زواله.
بئلینده اؤزون اوینادی جانیم ز محقّق، … زیرا کی، گؤزون آچدی بقا گؤردو فناده.

---

[1]– دولان، دور ائت.

[2]– اسریتدی = مست ائتدی.

بن عشقینه وارلیق وئریرم کیم وئرور آرتیق، اولمایا روا کیم وئره‌سیز حسنی مزاده.
حسنون‌کیبی بن‌عشق ایله‌گره‌ک کی، آد آلام، آزاده قاچان قانه اولیساردیر آز آده.
بن سؤزو تاویل ائدیمه‌زم شؤیله فریدم کی، قالمایا جز عشق وجودومدا زیاده.

104
اولورسا زهره بیزه مشتری بو گردشده[1]، روادورور کی، بیزوز عشق ایچینده ورزشده.
بنیم جانیمی و بنیم کیبی بگین جانینی قبول ائده‌ر، ولی دگمز قیلینا ارزشده.
برشته[2] اولدو وجودوم هواسی اودو ایله، اگر چه هیچ دورور، گره‌ک اولدو بیر ایشده.
لبینی دوشده[3] گؤرورسم اؤزومو اونودورام، عجب نئجه اولا حالیم گؤرور ایسم دیشده.
یوزومده سکّه‌ی آلتونا اورماییجا بن اورومادیم آدیمین سکّه‌سینی گوموشده.

105
بیر مدّت اگر بولماز ایسن یار ائشیگینده، جهد ائیله قرار ائتمه‌گه ناچار ائشیگینده.
اقرار گره‌ک کی، قیلاسین جرم و خطانا، زیرا کی، اولو جرم اولا انکار ائشیگینده.
گر یار ایسن آنا کیشی‌یی گؤرمه‌گیل اغیار، زیرا کی، شاهین اولمایا اغیار ائشیگینده.
سلطان قولو اول کی، اولا عالم سنه بغداد، یوره‌گه یؤره‌نیمه‌یه اغیار ائشیگینده.
گلشنده اگر بیر گولو سن قوخولار ایسن، الینه نولا باتار ایسه خار ائشیگینده.
زورایله زره سئودیگیمی چون تانی یوخدور، یوز ناله و بین آه ائده‌رم زار ائشیگینده.
جان خسته و لعلیندن اوما درده دواسین، اؤلدورمه، شها، سایرویو عطّار ائشیگینده.

106
نئجه چکه‌یم درد ایله بیداد ائشیگینده بیر گون وارایم چاغیراییم داد ائشیگینده.
بن نی کیبی گر یانار ایسم سهل اولا آنا، چون عود قیلیر ناله و فریاد ائشیگینده.
جان‌وئرمه‌گی دردآلماق‌و عشق اودونا یانماق گره‌ک کی قیلام عشق ایله بنیاد ائشیگینده.
بن بنده‌سی اولام و گره‌ک اولمایام آزاد، سهل اولا قازانیر ایسم آزاد ائشیگینده.
دلشاد اولارام شول گؤزو عیّار ایله دائم، کی‌آنین کیبی گؤز گؤرمه‌یه بغداد ائشیگینده.

107
جانانا وئره‌لر، صنما، لاش ائشیگینده، زهر آیاغی جانیما اولا آش ائشیگینده.

1– گردش = گزیشمه، دولانیش.

2– برشته = قوورولموش، بیشمیش.

3– یوخودا.

جان آندا تمام اولا، شها، عشقی یولوندا، کی‌آنی قیلا گؤزون اوخو منخاش ائشیگینده.
جادوگؤزونه هئی دئ کی، رحم ائده کؤنوله، کی تاش اوخونا دؤیومه‌یه تاش ائشیگینده.
باش ایله آیاق باشینی کیم ساچا بیلیسر، بونجا کی، آیاغیندا یاتیر باش ائشیگینده.
پروانه گره‌کدیر، شها، شول شمع یوزونچون، کی، یانماغا قویا بیزی فرّاش ائشیگینده.
زلفونده رسن یازی‌یی اول حدّه یئتیردیم، کی، قوپا بانا نعره‌ی شاباش ائشیگینده.

108
اولامی روا گؤزو قیلا یارا کؤنولده، کیم دئیه گؤزو قیلدیغینی یارا کؤنولده؟
گؤزله‌مه‌میشم جز کی، سنین عشقینی، شاها، گز باشدان – آیاغینا دگین آرا کؤنولده.
نقش‌ائتدی، شها،حسنونو عشقین کؤنولومده، شؤیله کی، گؤزون ائیله‌دی یارا بو کؤنولده.
جانا کی، بهارین ایدی عشقی‌نین اودونا، ایریشدی ساچین عنبر سارا بو کؤنولده.
بیچاره کؤنول یاخدی اؤزون لعل یولونا، هم آندان اولا چاره بو بیچاره کؤنولده.

109
ساچین گره‌لری[1] نه بولدو بیلمه‌زم بنده، کی بوینوما تولاشیب دیلر سالا بنده؟
خطاسی جمله‌سی چیندوربومُشگ گیسوسونون، چوسِحر ایله‌تورکی گؤزونون بنی قیلور بنده.
عجب دگیلمی بو لیلی صفاتلو لیلی ساچی، کی شمسی وجه وئرور آراسیندا تابنده؟
اوزون‌عمّرلری‌صرف ائتمیشم قیامت اوچون، کی اوردولار آدی جوینده کی، یابنده[2].
غبار اولورسا کؤنول قونومایا خطینه هیچ، و گرچه کوه اولا دؤیمه‌یه اول کمر بنده.

110
نئچه‌سی کیشی سنی گؤرمه‌گه قناعت ائده، سنی‌گؤره‌ن کیشی یاخودنئچه‌سی‌طاعت ائده.
بی‌پای اولماق اوچون سرو گلشنه گیریجک، آیاغینا دوشوبن ناردان شفاعت ائده.
بیاض و حمراسینا هر کی، اول نقی خطّون طریق بولور ایسه سرورِ جماعت ائده.
یوره‌گی‌پاره قیلوب قان آخیتدی اولامی کی، دیلر کی، گؤزلری کؤنولده بیر زراعت ائده.
ساچین کمندی بی‌تاب و قاشین کمانی بیزه، زهی سعادت آنا کی، سانا اطاعت ائده.

111
یئنیِ روحاایردی جانیم یئنه بوِ جهان ایچینده، نه عجب بهار گؤردوم، صنما، خزان ایچینده.

1– گره = دوگون.

2– جوینده یابنده است = آختاران تاپار.

جگرین، شـها، لبینـدن سـورارام شـکایتینی، نه رواددورور کی، توتاغین بـو قـان ایچینـده.
بئلینی خیال ائده‌رسم بنی زلفون ایله آسغیل، بانا سؤیله‌مز اولورسان، قالیرام گمان ایچینده.
یوزون ایله قارا زلفون بو جهاندا فتنه اولـدو، قدّینی قیامت ائتمیش بو آخر زمان ایچینـده.
اؤزونو آتیجی سانان اوخونا اسـیر اولمـوش، گؤزون‌اوخونادؤیومزگؤروجک‌کمان ایچینده.

112
نگـاری باغـدا گـؤردوم گـؤگ ایچینـده، نولـا گونشـی گـؤردوم گـؤگ ایچینـده.
نگـــاری ظـــاهر اگـــر گـــؤرمز ایســـم، گـــؤزوم قارشیســـینادیر اؤگ[1] ایچینـــده.
بینـــی بیـــر گـــز آنارســـان بانـــا یئتـــر، اگـر دیلـر ایسـن یـوز سـؤگ[2] ایچینـده.
خیـــالین ایچمـــه‌گـــه کؤنـــول ایچینـــده گـره‌کسـه سـؤگ و گـره‌ک اؤگ ایچینـده.
گـؤک آلتینـدا، یئـر اوسـتونده سـنین تـک گـؤزوم گؤرومـه‌دی گـول کـؤک ایچینـده.

113
گؤزومـو گـؤر بنـیم غرقـاب ایچینـده، کؤنولـون دوت الـین سـیلاب ایچینـده.
گـؤزوم چـون فتنـه اولـدو خفتـه بهـدیر[3]، نـه‌لـر قیلـور جانـا گـؤر خـواب ایچینـده.
گـــؤز ایلـــه، جگـــر ایلـــه دل نـــه قیلـــا، گهـــی آتشـــده، گـــاهی آب ایچینـــده.

بـــو صـــفّاده صـــفا قصـــدی خطـــادیر، چـو بـن یـول بولمامیشـام بـاب ایچینـده.
قولـون عشّـاق ایچینـده فـرد دوشـموش، نیتـه کـی، خـدمتین احبـاب ایچینـده.
واریـــم اوینایـــاییم یـــار وارلیغینـــا، بونـــو اؤیـــره‌نمیشـــم آداب ایچینـــده.
بـو گـؤز یاشـیندا اودلـار گؤسـته‌ره‌یـیم، چـو گـؤردوم گونشـی مهتـاب ایچینـده.
یوزومـــده بیتـــدی مصـــحف روادیـــر، گـــؤزوم دولابیـــدیر خونـــاب ایچینـــده.
لبینـــده کؤنولـــوم حـــالینی گـــؤر کـــی، عجایـــب تشـــنه‌دیـــر سـیراب ایچینـده.

114
نئده‌لیم‌چووصفی سیغماز بو عبارتین ایچینده یئنه بیز خراب اولالیم بو عمـارتین ایچینـده.
دل‌وعقل‌وجان ایله تن قاموسونو اوینامیشوز، گل‌آخی‌یازآسسیمیزی[1] بو خسارتین ایچینده.

---

[1]– اؤگ = خیال، مدح، عقل / اؤگود = نصیحت.

[2]– سؤگ = سؤیمک، پیسله مک.

[3]– یاخشی دیر.

بوگؤزوم‌دنیزینه‌باخ، دخی‌یوره‌گیم‌حالین گؤر — نه چکر فراقین ایله، بو حرارتین ایچینده؟
بونه فتنه‌دیرساچیندا کی‌وئرور تانیقلیق الحق، — کی، قیامت اولدو پنهان قدّ و قامتین ایچینده.
خبر اولدو دون کی، وصله ایره یولونا اؤلنلر — بو گئجه اویومامیشام، بو بشارتین ایچینده.
گؤزون‌ایله‌بن‌ساقیمام‌کی،گؤزون‌دخی‌ساقیمدیر، — نه سلامت آنلارام گؤر بو سقامتین[2] ایچینده.
دم ایله اؤلو دیریلدیر، آغیزین نیته کی عیسی — نئجه‌کیچیک‌ائده‌ر اؤزون بو کرامتین ایچینده!

115

نه جانسین سن، بگیم، بو جان ایچینده، — کی توحید اولدون اوش ایمان ایچینده.
نه درمانسین کی، دردین زهرِ قاتل — نه نوشین دردسین درمان ایچینده.
بو عقل جوهری دلتنگ دوشدو — چو گؤردو لؤلؤیی مرجان ایچینده.
ساچین چوگان، زنخدانین دورور گوی، — سن آپاردین توپو میدان ایچینده.
گؤزومون آیدینی، شها، یوزوندور، — کی نورِ عینسین انسان ایچینده.
نه سوروشماق دورور شول لبلرینده — اگر بولدوم شکر بن کان ایچینده.
ایکی قارداش اولامی لبلرین تک — کی، لب بر لب دورورلار قان ایچینده؟
سؤزوم گؤیه یئتر گر قدّینی بن — اؤگرسم نظم ایله اوزان ایچینده.
نه ظالم جادولار شول خونی گؤزلر — کی، گؤزلر جانی بو میزان ایچینده.
تاپوندان ممتنع اولماق نه واجب؟ — چو یوخ سینون کیبی امکان ایچینده.
یوزون ماهیتین ثابت ائده‌یدیک، — چو یوخ عینین کیبی اعیان ایچینده.

116

عشوه‌سی اول نگارین دلیمی قودو[3] بو تنده، — یا سؤیله‌مه‌گه دردین دیلمی قودو بو تنده.
عشقین اودونا یانماز حسنون شعاعی هرگز، — نقطه قویدومو جاندا، قیلمی قودو بو تنده؟
سایه‌نده بولدوغومو بن سایا بیلیمه‌زم، — گونش یوزون شعاعی ظلمی قودو بو تنده؟
اوددور هاواسی آنین، گؤز یاشی سئل اولدو، — اول‌یئل و سو، اول اود، گِلمی قودو بو تنده؟
سن یوز گؤز ایله دیله کی یار دلینی دیله، — نه دیلر ایسن قیلسین، دلمی قودو بو تنده؟

117

---

[1]– آسسی = سود، فایدا.

[2]– سقم = خسته لیک / سقامت = خسته لیکلر.

[3]– قویدو.

یئنه گؤردوم بو گون شمسی حمله، ایریشدیم دولته یئنه ال الده.
بیلیشدیم یئنه اول جانلار ایله کی، بیلیشمیشدیم اولانلارلا ازلده.
آنی کی، سن گؤزلده گؤردو گؤزوم، گؤز الدن گئتدی گؤرمه‌دی گؤزلده.
بنی حال قیلدی عشقی گیسوسونون، پریشان اولدو دل بو عقد و حالده.
یئدینجی گؤیده یئر توتدو آنینچون، کی، واردیر آیاغی توزو زُحَلده.

118
شکّر لبینی سون بیزه، ای یار، بو گئجه، گریوخ دئیر ایسم، اوش‌یوره‌گیم‌یار بو گئجه.
صحبت دیله‌رم سنین ایله کؤنلوم ایچینده، کیم تویمایا حالیمیزی دیّار بو گئجه.
بئلینده چو وارلیغی فنا ائیله‌یه کؤنول، دخی نه‌می اوغورلایا عیّار بو گئجه؟
گؤزون حَسَن و لعل لبین اولدو حسینی، گؤزلریم اولور جعفر طیّار بو گئجه.
ساقی، تولو وئر آیاغی، الیمه و گؤر کی بنده نه قوپار دُنیادا اسرار بو گئجه.

119
سنین‌یوزونو گؤروب‌اؤلمه‌ین، شها، بو گئجه، لطافتی ایله آنین بولام صفا بو گئجه.
اگرچه نقشی ایله جور قیلدی حسنو بیزه، خیالی قیلدی شبخون ایله وفا بو گئجه.
خیالی گلدیگی‌نین گرچه قدری یوخ اؤزونه، گلین‌گؤرون‌کی، نه‌عید ائیله‌دی بیزه بو گئجه.
بومّرده کی، دیله ایردی تور و گل اویخودان، گره‌ک کی، سینله‌ده‌کی[1] اؤلولر تورا بو گئجه.
بو جانیمیزی نسیمه دئنیز کی، ایلته خبر، دئیه آنین یازیسی بو ایدی یازا بو گئجه.

120
زهی زلف و زهی شامه بو گئجه، کی، طعن ائده‌ر یئنه شامه بو گئجه.
یاسامیش گیسوسو کافر چریسی، شبیخون قیلور اسلاما بو گئجه.
نه لیلی‌دیر، نگارا، گیسولاری، قارا گوندور بو ایّاما بو گئجه.
فلک زهره‌سی بو گون قاراواشدور[2]، قیلام لعلی مِی‌آشاما بو گئجه.
نه سیمادور، شها، بو صورتینده، کی لعلین عشقی‌دور کامه بو گئجه.

121
گره‌ک کی، کؤنول حالتی یازیلا بو گئجه، باشداغی خماریم دخی یازیلا بو گئجه.

1– سین = قبر.

2– قاراواش = کنیز.

یاز اولدو و بلبل اینیلر و گول آچیلور، دیل اینیله‌یه، آچیلا، یازیلا بو گئجه.
یازماز گؤزو کؤنولوموزو غمزه اوخویلا، وصلی نئجه‌سی اولا کی، یازیلا بو گئجه.
صبحون یوزونو شمع ایله کیمسه بولیمایا، گر گیسولاری گؤزیله یازیلا بو گئجه.
زلفونو اگر دوشورور ایسن یاناغیندا، قوشلوق گونشی قوللوغا یازیلا بو گئجه.

122
بنزه‌نمیشدور یئنه گلشن بو گئجه، ایا بلبل گؤزون روشن بو گئجه.
نئچون تورکی گؤزون گیزله‌دی اوخون؟ نئچون گئیمیش یوزون جوشن بو گئجه؟
ای گؤز، گؤز اول نگارین صحبتینده، ای یوز، آیاغینا دؤشن بو گئجه.
گئجه – گئجه دئمه‌گیل دون قیسادیر، صاباح ائتمیش کمین اوشن بو گئجه.
میانیندان کنارین دیلر ایسن، ساچی عشقین بیله قوشان بو گئجه.
دلیک آیینه سندن اولدو خودبین، آنین یولونا گل اوشان بو گئجه.
بو گون منبرده بلبل‌لر قیلیر شور، کی، بَزه‌نمیش دورور گلشن بو گئجه.
گئجه قاران و زلفون قارانو– عایبلانماز آنا دوشن بو گئجه.
اوشنمه‌ییب شَکَر توتاقلارینا، هزارلاردیر مگر اوشن بو گئجه.

123
کؤنولوم بیشیریر سئودا بو گئجه، کی اولا سنین ایله یلدا بو گئجه.
بو گئجه شول گئجه‌دیر کی، دیله‌رم کی، هرگز اولمایا فردا بو گئجه.
کئچر یئل کیبی اله گیرمه‌ییسر، دریغا ایشبو گون، دردا بو گئجه.
عجب دنیادا بیر دخی اولامی، بنیم تک حسنونه شیدا بو گئجه؟
گونون یوزو یوزون نوروندا لاشئی گئجه زلفونله ناپیدا بو گئجه.

124
دیلر بو کؤنولوم جانا بو گئجه، کی بیر عشق اودونو یانا بو گئجه.
سنینله صحبت ائده صبحه دکین، نه آرا، نه خو اوسانا بو گئجه.
بیزه امدیر لبین قویماز کی، قانام، دیلر کی، گیره بیر قانا بو گئجه.
کؤنول مسکین اسیریدور ساچی‌نین، آنین اوچون نه یاسانا بو گئجه؟
خیال ائده‌ر محالی دخی کؤنلوم، ایرم گره‌ک بو امکانا بو گئجه.
گؤزومدور ساخلامیشدیر و یوزوم زر کؤنول بیر جان بو مهمانا بو گئجه.

125
آی کیبی قـالیرام تانـا بـن بـاری بـو گئجـه، باشد که، بولام اولامی اول یاری بـو گئجـه؟
ناموسی قویموشام کی، مگر حاصل اولا نـام، آری اولاییم تا کی، بولـام عـاری بـو گئجـه.
گؤزو یاساغیدیر کی، اولا جاری بو گـؤزوم، جهد ائیله‌یه‌لیم کی، یؤریه جاری بـو گئجـه.
حسنونو منـادی قیلـور اول عشـقی جهانـدا، اول‌شاری[1] نئده‌رسین‌کی،دگیل‌شاری‌بوگئجه.
آغزی ایلـه بئلینـدن آنـین حاصـلیمیز یـوخ، جانین یوخونا اولـدو فـدا واری بـو گئجـه.

126
اودلار گمیشدی جـانیمیزا خـالی بـو گئجـه، دردی قویمادی کؤنولومو خـالی بـو گئجـه.
کشف اولا گؤزلولره بـو حـالیم بنـیم گـره‌ک احول[2] گره‌ک کی، آنلایا احـوالی بـو گئجـه.
یلدا دئدیکلری گئجه بیـر ییلـده بیـر اولـور بیر آیا ساتدیم ایسه نولـا سـالی[3] بـو گئجـه.
زلفئینـــی عشـــقینه ال اورون چنـــگ قیلینـــا دیندیرمـه‌نیـز سـؤزویله قـوّالی[4] بـو گئجـه.
تصریف ائـده‌رسـه نولـا هـوا زلفونـو آنـین الدن چو گـؤزو قومـادی اِعلـالی بـو گئجـه.

127
لطف ائیله و آچ ساعد ایله ساقی بـو گئجـه، آندان تولو سون بیزه ایاغ، ساقی، بـو گئجـه.
جارائیله‌دی کی، بیخوداولاووز بوگئجه عشق دیرشور اؤزونو ساخلا بو یاساغی بـو گئجـه.
عمرون کئچه‌نی کئچدی و باقیسـی بیلینمـز، خوش‌گؤر بونو و قیل آنی در باقی بو گئجه.
شـایِد کـی، لـب لعلـی خیـالینی نگـارین گؤسته‌ره بیزه، سـون مـیِ برّاقـی بـو گئجـه.
فرخنده کی، عشّاق ایشیدور یاری گؤزتمک، معشوق گره‌ک ایسته‌یـه عشـاقی بـو گئجـه.
بو رسم ایله پرّان ائده‌لیم عشـق ایلـه کؤنلـو کی ارواح توتا توپ – تولو آفاقی بو گئجـه.
قانی مِی ائـدیبن کؤنولـو یـوره‌ک ائـده‌لـیم، آنـدان قیلـالیم گـؤزلری ایـاغی بـو گئجـه.

128
آه اگر سنین ایله بن تانا چیخارام بـو گئجـه، نه‌کی،گوندوزون‌یاپارسام‌شیمدی‌یاخارام‌بوگئجه.
گؤزلرین بنی دیلر زلفون ایلـه بیلـیش ایسـم عیب اولمایا آندا، چونکی یوخارام بو گئجه.

---

[1]– شار = آبادی، شهر.

[2]– احول = اگری گؤره ن، کج فهم.

[3]– سال = ییل، ایل.

[4]– قوّال = ناغیلچی.

زلفون‌ایله بن‌عنبرم و خالین ایله چون عودام، مُشک‌ساچی‌نین یولونااوداقوخارام بو گئجه.
بن کی عشق اوغلانی‌یام، آیریلمـازام آنـدان، سورومادین شرّ وحُزن‌آنا چوخارام بو گئجه.

129
پُر مُشگ ائده‌لیم زلفون ایله شامی بو گئجـه، الـه آلـالیم لعـلِ مئـی‌آشـامی بـو گئجـه.
دلدن کئچه‌لیم، رام اولـاییم جورونـه یـارین، گـر بیلیـر ایسـم یـارِ دلـارامی بـو گئجـه.
اول‌دولت‌اله گیرمه‌دی کی، سرخوش‌اولام‌بن، یار پخته ایچیبن دوتـا یاخـامی بـو گئجـه.
زلفونـه یئریـدور کـی، صـبا قیلـا پریشـان، کفرایله دیلربی‌ریا[بورویه؟] اسلامی‌بو گئجه.
بو گئجه کی حق قیلدی بیزه وصلینی روزی، ای صبح، نولا قیلماسـان ابرامـی بـو گئجـه؟
صحبت‌خوش‌و خلوت بیزه و یار مصـاحب، ساقی،نه‌تورورسان؟، تولوئر جامی بو گئجه!
لعلـین اگـر الیمـه گیریرسـه سوریسـارام، کی نه اولیسار عشـق سـرانجامی بـو گئجـه.

130
باشـیمادور سـاچین سـئودا بـو گئجـه، جانـا عشـقین‌دورور غوغـا بـو گئجـه.
گـــؤره‌لـــی نیلـــی آلنینـــدا، نگـــارا، گـؤزوم جیحـون، کؤنـول دریـا بـو گئجـه.
قوموشـــدور باشـــینی ســـرو آیاغینـــدا، سـنینله کـیم کئچـر سـرپا بـو گئجـه؟
ســنین زلفونــده عنبــر اولــدو مســکین، لبینـــه لؤلـــؤدور لالـــا بـــو گئجـــه.

الــه گیرســه ایــدی زلفــون گؤریــدی، کـــی اوزون اولـــامی یلـــدا بـــو گئجـــه؟
نــه دیرلیـک، نــه اؤلـوم، اوچمـاغی نئـده‌ر، گـؤره‌ن یـاری الـین الـده بـو گئجـه؟
زمــان کئچــدی کــی، مجنونویــام آنــین، مـــن و لیلـــی ایلـــه بِیـــدا بـــو گئجـــه.
لبـــی آختیـــدی گـــؤزلریم قـــانینی، آنینلـــا سوروشـــام دعـــوا بـــو گئجـــه.
زهـــی پروانـــه کـــی، یاخیلـــدی اودا، قومـــادی عاشـــقه پـــروا بـــو گئجـــه.

131
ای بسا، سرّ کـی آغیزینـدان آچامـادیم دون گئجـه،
ای بسـا، درّ و گهـر کـی، سـاچامادیم دون گئجـه.
بن کی، قیلی قیلـدان آییرماقـدان قیـل یـارام دئـرم،
بئلینـی سـاچین قیلینـدان سـئچمه‌دیـم دون گئجـه.
یـول بئلینـه قیلـدان اینجـه‌دور قیلینجـدان ایتـی،

اول صـراطِ مسـتقیمی گئچـه‌مـه‌دیـم دون گئجـه.

وار ایـدی یـوز عقـده سـاچیندان کؤنولـده عمرلـر،

بونجـا جهـد ایلـه بیرینـی آچامـادیم دون گئجـه.

زلفونـــون ظلمتینـــه طالـــب ایریشـــدیم لعلینـــه،

لـیکن اول آبِ حیـاتی ایچـه‌مـه‌دیـم دون گئجـه.

یوزونون نورو شـعاعی اودونـا دوشـدوم بـو گـون،

زلفـو دامـی توزاغینـدان اوچامـادیم دون گئجـه.

بنده بیر تن قالدی بیجان بو گون اوش یاخدیم اودا،

چونکی آنی یاخماق اوچون کئچه‌مه‌دیم دون گئجه.

132

هر کیم کی، توتار ساعد سیمین ایلـه پنجـه، ســاعدلرینی بیراخــور الــی ایلــه رنجــه.

جورون ایله جانیما شـکنجه نـه قیلیرسـین؟ یئتمزمی کؤنول دوشدوگو زلفونله شکنجه؟

اول‌گنجه‌کی،بن ایردیم آنی کیم بیلیسـردیر؟، الّا، مگر اول کیشی کی، ایرمیش اولـا گنجـه.

سنجه کیم اولا خود اولور ایسه دخی بئلـین، کـیم گلمـه‌ییسـر عشـق ترازوسـونا سـنجه؟

نارینجه گؤروب آنی تنی قیل کیبی قیلـدیق، بنزیمیزی بنزه‌تمیشوز اوش رنگی تورونجـه.

بو غنچه دلالـه نئجـه‌سـی دئیـه بـو کؤنلـوم، گلشـنده چـو دئییمـه‌دی بیریسـینی غنچـه.

چینجه کله‌جی بو کی، دیلر جان کـی، لبینلـه بیر خلوت اولا کی، سورا حـالینی ایچینجـه.

133

نئچه- نئچه زلفون اوچون، صنما، قیل اولام اینجـه،

نیچه وعـده‌لـر قیلیـردون بانـا کؤنولومـو آلینجـا.

آیاغینـا دؤکـه‌رم بـن تـاری کیبـی یاشـلاریمی،

نظـر ائتمـه‌زم آنـا کـی، بنـی ردّ ائـده‌ر بیرینجـه.

بو نئجه‌سی غمزه‌لردیر کی، بـن آنـا اوخ دئیـه‌یـیم،

یوره‌گه بیریسـی دگسـه، ایـوه‌رم یئنـه اورونجـه.

نه عجب نارینجه شیوه کی، قاچان کی، آنی گؤردوم

بنیزیمه باخان آیدیر: یـوزو بنـزه‌مـیش تورونجـا.

جان آنین ساچی پیچینه چو گیرینجه اؤلـو ایـدی،

نولا گر تولاشـدی ایسـه اول آرادا بیـر گیرینجـه.

134

نـه چکـدیگیمی بـن بیلیـرم یـارا ایرینجـه،

کیـرپیگین ایلـه یـوره‌گیمـه یـارا ایرینجـه.

بیچـاره فـراقین اودو ایلـه یانیسـاردیر،

تـا وصـل زلالینـدان آنـا چـاره ایرینجـه.

مخمـورم و مسـتانه گـؤزون ایلـه یانـارام،

تـا لعـلِ لبینـدن یئنـه خمّـاره ایرینجـه.

زلفون ایله بردار اولور ایسـه نئـده کؤنلـوم؟

تاپون بیگی بیـر تحفـه‌جـه دلـدارا ایرینجـه.

گـؤزلری ایلـه خسـته‌یـم و لعلـی شـفادیر،

لطـف ائیلـه، شـها، شـربتی بیمـارا ایرینجـه.

135

گلدی یئنه اوش گلشنه صد ناز ایلـه غُنچـه،

بلبل نئجه صبر ائیله‌یه بـو نـاز ایلـه غَنچـه؟

بنزه‌دی گؤزومون یاشینا طُرفـه بـودور کـی،

بنزتـدی یانـاغیم قیـزیلین رنگـی تورونجـه.

ایچینجه سوجویو، صـنما، بیـزیم ایلـه فـاش

خلوتده‌یئگ[1]ایمیش قانیمی ایچسن ایچینجه.

بیلینجـه آغیزییلـا بئلـین تنگـدل اولـدوم،

آغیزینا رحـم ایرمـز و غایتـده بئلـی اینجـه.

دیلینجـه دلیمـی دلـه آل دئـدیم آنـا بـن

سؤزسؤیله‌میش‌اولدوم یئنه هم اؤزو دیلینجه.

قیلینجا نظر قیل کی، گؤز و جـانی سـاچیندا

آتار یـایینی قـاتی اوخـو ایتـی قیـل اینجـه.

ییرینجه‌جانی‌غمزه‌نه قوی کی، هدف اولسون

کیم دوزموشم آنی اوخو اوجونـدا ییرینجـه.

136

گؤزونده زهـی نـرگس و آغزینـدا ز غنچـه،

یـول بئلینـه ایرمـه‌گـه لـیکن قـاتی اینجـه.

کؤنلوم یوره‌گی می قـانیم و گـؤزلریم ایـاغ،

گؤزلرینـه ایچیرسـم ایـاغیمی ایچینـه.

ایردیم نئده‌یـیم دیرشـوریمه‌زم اؤزومـو بـن،

قالمادی دل و عقل ایلـه جـان آنـا ایرینجـه.

کـافوره قـارار عنبـری زلفـو یاناغینـدا،

قورخوم بودورور قوپا اول اورتـادا قارینجـا.

قاچان قاچار ایسن نئچه‌سی قویوسـارام بـن،

ارمه‌ییسـه‌رم، قوویسـارام تـا کـی، ایرینجـه.

137

قـارا کؤنـول گیسـولارینا دوشـر ایسـه،

کیرپیگینـه آرولـاری آنـا دوشـر ایسـه.

ممکـن اولـا کـی ایـره قدینـه الـیم گـر،

باشـیما سئوداسـی ایرمـاغی آشـار ایسـه.

طفلـدور عشـقی کؤنولومـون بئشـیگینده،

گؤره‌سین آنـی نـه‌دور، ایکـی یاشـار ایسـه.

1– یئگ = یئی، یاخشی راق.

اینجه‌دورور دل بئلی یولونا واریماز،   بن وورورام ساچی قیلینی قوشار ایسه.
ائیله کی جان وئرمیشم یولونا بئلی‌نین،   عجب اگر بو بئلی کیشی آشار ایسه.
آچیلا هفت اوچماغین قاپیسی بنه گر،   دوگمه‌سینی یاخانین الیم شیشر ایسه.
عنبری سئوداسینی کی خام سانیرام،   عشقی‌نین اودو ایله نولا بیشر ایسه.

138
جانیم گره‌ک قبول اولا جانی دگیل ایسه،   گؤزون آلا کؤنولومو خونی دگیل ایسه.
لعلین گؤره‌لی نیشه گؤزوم لعل آخیدیر،   توتاقلارین بو گون، شاها، کانی دگیل ایسه.
بیر شربت آغیزیندان اومارام یوتینام،   تارتیندیغین نه دنیاسی فانی دگیل ایسه.
جاری خیالی‌نین یئتیجک جاریدور گؤزوم،   عقله تحکّم ائده‌لی خانی دگیل ایسه.
جانیم ائده بیله‌می کی، عشقینه یاخیلا،   یانماق فراقین اودونا شانی دگیل ایسه.

139
سئوه‌رم آنی، فراقی عذاب اولا کِی ایسه،   وصالی دردی ایله جان کباب اولا کِی ایسه.
آنین اوچون سویولالیم جور تونوندان،   اول ایکیمیز آراسیندا حجاب اولا کی ایسه.
لبی طبیبینه جانین دواسینی سوراییم،   دوا بو دردیمیزه بیر جواب بولا کی ایسه.
صواب‌ائده‌ر کی، خطا اوخلارینی گؤزو آتار،   خطا اوخو جانیما صواب اولا کی ایسه.

گؤزوم همیشه یوره‌گیم قانینی آخیدیر،   خمار گؤزلری اوچون شراب اولا کی ایسه.
سؤگر ایسن دخی بیر لفظ گلسین آغزیندان،   حیاتیمیزا بیزیم فتح باب اولا کی ایسه.
کؤنول‌تولار کی، بیر آه‌ائیله‌یم‌کی،اود ساچیلا،   جهان دخی اودو ایله خراب اولا کی ایسه.
یاشیمی قان آخیدیرام لبی اوچون آنین،   آغیزی‌یاری اوچون‌یوره‌ک آب اولا کی ایسه.

140
همواره گؤزوم یاش ایله غرقاب اولور ایسه،   اولمایا عجب، دل قانی گر آب اولور ایسه.
دریله یوزومدن نئچه گره‌ک ایسه اصفر،   بو گؤزلریمین یاشینا سیراب اولور ایسه.
یوره‌ک قانی گر سویا دؤنه، اولمایا عجب،   ایشبوگؤزومون یاشلاری خوناب اولور ایسه.
بندن نه اثر بولونا بو دنیادا، بالله،   بورسم ایله گؤزوم یاشی سیلاب اولور ایسه.
یوزحسرت و بین حیرت ایله دردی کؤنولده،   واردیر، آپاراییم سیزه گر باب اولور ایسه.
بو گئجه اومارام کی، گؤرم دوشده یوزونو،   دوشده‌گؤرورم بودوشوگرخواب اولور ایسه.

بؤیله‌کی، گؤزوم‌یاشی‌قیلوریوزگوموشون زر، کِی صنعت اولا کیمسه‌ده تیزاب اولور ایسه.

141
جانانه‌یی گره‌ک سئوه، کیم جانی وار ایسه[1]، عشقینی یارین دین توتا، ایمانی وار ایسه.
گونش کی، جمالینی قیلور عرضه، جهانا روشن اولا دعویلری، برهانی وار ایسه.
آغزین کی، گمان آنا جان آپاراییدیق گنجایشه اول آرادا امکانی وار ایسه.
گیسوسونا مسکینوز و لبلرینه محتاج واجب بیزه‌دیر لطف ایله احسانی وار ایسه.
گؤزو کؤنولو اوخلادی و لعل لبیندن بیر شبهه دوشر آندا اگر قانی وار ایسه.

142
حرام‌اولسون‌باناوصلین‌اگرهجران‌حلال ایسه، بویوم‌نئجه‌کمان‌اولماز اگر قاشین هلال ایسه.
آغیزین نقطه‌دور، نولا اگرکؤنلوم اولا دلتنگ، بئلین‌گؤزومه‌گلیمز نه اوچون گر خیال ایسه.
گؤره‌لی‌جادوگؤز،آلین‌یاشیملایوزوم‌آل‌ائتدیم، بودخی حالا آل‌اولسون، گرآنین‌ایشی‌آل‌ایسه.
جگریم‌قانینا گیردی‌توتاغین‌آل‌ایله چوخدور، آلیسارام‌بن‌اول‌قانی، نئجه‌کی،چوخ‌وبال ایسه.
پریشان‌قیلیسار کؤنلو وجاندا اوروسار داغی، اگرباشیندایوزونده کی زلفئین ایله خال ایسه.

144
عیب‌ائیله‌مه‌گیل یاشیمی گؤر گر آلا دؤنرسه، شو لعل لبین کؤنلومو آلا دؤنرسه.
بن سنین ایله متّحدم یوخدور ایکی‌لیک، احوال نظری نولا بو احوالا دؤنرسه.
کؤنول‌قوشو بیراوغرادی قورتولدو توزاقدان، یوز گز توتولور گؤیسو ایله خالا دؤنرسه.
یار حسنونه ساتدی گؤزو وارلیغیمی بنیم، بیر جان اولا اورتادا دلّالا دؤنرسه.
سؤگمک کی، لبیندن چیخا و مدح اولا بانا، نولا، شکرین آغوسو گر بالا دؤنرسه.

145
اول دلبر زیبا یئنه بیر نازا دوشرسه، طعن ائتمه، ساچیندا کؤنولوم آزا دوشرسه.
بیر آو ایدی کی دوشدو بیزه حسن خیالی، حالا نئده‌لیم دنیادا آوازه دوشرسه؟
دم قیلدی آنین لعل لبی‌نین دمی باغری، بیر دم نولا آندان دلِ دمسازا دوشرسه.!
گؤزو کؤنولون نقطه‌سینه چون دوتا گؤزون، مگر کی، خطا اوخو اولا یازا دوشرسه.
پرگار ایله حق صٌنعی یاراتمیش سنی، شاها، عشوه‌ن نه عجب اولا، به اندازه دوشرسه.

146
یار ایله گئجه مجلس خالی اله گیرسه، مست اولیجاغاز زلف ایله خالی اله گیرسه.

---

[1]– 959 ایله 1259جو غزللر بیرایدیلر. بیری حذف اولدو.

اول مست مدام اولسا چو بن مست هوایام،
بو اورتادا صحبتِ حالی اله گیرسه.
جادو گؤزو یوخ ایسه نولا بنزه‌یه ایدی،
بدر آنا دو آبروی هلالی اله گیرسه.
اویخو گؤزومه گیرمه‌دی گؤره‌م دئیه یاری،
چون گؤرمه‌دیم گلسه خیالی اله گیرسه.
شحنه اولالی گؤزو گؤزو ائلینی ییخدی،
شار ییخماغا نه شؤیله‌جه والی اله گیرسه.

147
معشوقه الیندن بیزه بیر جام اله گیرسه،
کامیمیزا لبلری ایله کام اله گیرسه.
آتدیسا عراقیلا حجازینی سپاهدان،
صبحه اولاشیق یار ایله بیر شام اله گیرسه.
چوخ سوخته وار هجری‌نین اودویلا محروم،
اول پخته‌دن الیمیزه بیر خام اله گیرسه.
قولاق دلیبن حلقه قولاغه کؤچوره‌یدیک،
بیر بنجیله‌یین[1] دنیادا بدنام اله گیرسه.
کم‌دام اولا کی، دوشوبه‌نین چیخمادیم آندان،
شیمدی یئنیجه دوشمه‌دیگیم دام اله گیرسه.
ایّام کئچر حاصلیمیز یوخ نئده‌لیم بیز،
اول حاصل اوچون بیر نئچه ایّام اله گیرسه؟
بن نه قیلاییم، چونکی دلارام اولا توسن،
چون قصد قیلور، جان و دلارام اله گیرسه.

148
عیب اولامی، جان کؤنلو دلارامی دیلرسه؟
یا جان ایله، نولا، بو دل آرامی دیلرسه؟
زلفون کیبی باش آیاغینا هر گئجه قویوب،
ال گؤتوروبن وصل دلارامی دیلرسه.
جان زلفونه عشق ایله شو ملاً اولاشیبدیر،
کی کسی بیلیمه‌یه دل آرامی دیلرسه.
آیری دوشه‌لی زلفو کیبی اولدو پریشان،
معذور اولا جان شیمدی دلارامی دیلرسه.
بیر لحظه خیالیندان آنین دوشمه‌گی آیری،
ساوورموش اولا یئله دل، آرامی دیلرسه.

149
بن نئچه آنین یوزون بنزه‌دی بیلم شمسه؟
ائیوانیناچون‌شمسه‌یول یوخ کی، اولا شمسه.
گؤزلری آتار غمزه باغریما، ولی تورکون
لبلری دخی شکّر آتار نئده‌ییم امسه.
گؤستر یوزونو بانا، ای دلبر گندمگون،
اوچماغی دخی آنماز گؤره‌ن سنی آدمسه.
چون‌خسروعشقم‌بن،تولدورقدحی سون‌غیل،
هرچند کی شیرینلیک تاپونا مسلّمسه.

150
سنین کیبی بیر شاها دخی ایرمه‌یه کیمسه،
سنین کیبی بیر خوبا کؤنول وئرمه‌یه کیمسه.
دل‌گیسولارین سلسله‌سی باغلیسی اولموش،
دلی دگیل ایسه، آنی قورتارمایا کیمسه.

1– من کیمی.

ز لطف الهی کی، سنین گیسونا گیرمیش، بیر قیلینی مُشک ایله آنین بورمایا کیمسه.
جان‌ایله کؤنول آلدین ایسه شؤیله‌می قیلدین آنلاری کی، دنیادا دخی ییرمه‌یه کیمسه.
غنچه کیبی گلشنده دخی باد هوایا کؤنلون یاخاسی دوگمه‌سینی قیرمایا کیمسه.
بیز وارلیغی چوخدور کی، مزادا بیریبیدیک، معشوقه‌دن اؤزگه آنا هیچ ایرمه‌یه کیمسه.
قاچان کی، کیشی گلشن وصلینه ایریشه، شفتالو و گل دره، دخی درمه‌یه کیمسه.

151

شول‌یاروارایکن‌جان‌گؤزوبدر آیی گؤرورسه، هم اؤزونو گؤرسون یئنه بدر آیی گؤرورسه.
پای آنی بولیسار کؤنولوم کی، اولا یارین، آرایانی بو قاشی‌نین آرایی گؤرورسه.
گؤزلری مدام اسریدیسردور بو کؤنولو، نئجه کی، گؤزوم آنا باخیب آیی گؤرورسه.
گونش دخی زرّین اولا یوزوم کیبی روشن بدر آیینا باخیب تولو سیمایی گؤرورسه.
آی نولا هلال اولدو ایسه قاشلارین اوچون گونش دخی اولا اگر اول یایی گؤرورسه.
آرایی کؤنول دخی نئجه‌سی بولا آرام، گر گؤزون آچیب حسن دلارایی گؤرورسه.
ریحان اولا اود نقطه‌جه قیلمایا مضرّت کؤنلومه بنیم عنبر سارایی گؤرورسه.

152

عشق‌اری اؤکوش[1] دردایله حیران اله گیرسه، معشوقه دخی تحفه‌ی دوران اله گیرسه.
جان آلدی خیالینی گئری قویدو قاتیمدا جان‌گئتدی، ولی‌شیمدی‌گئری‌کان اله گیرسه.
بادِ سحری تک یوز ائشیگینه سوره‌یدیم، بیر صبح اگر کویینه سیران اله گیرسه.
جنّت‌نه‌گره‌ک؟ حوروقصورون نئده‌روز بیز؟ آندا بیزه بیر صدق ایله رضوان اله گیرسه.
فرشته‌ده بو شوخلوغو پریده بو لطف، اولور ایسه، انسان باری زینسان[2] اله گیرسه.
اوچماغی قویایدیم و اوچایدیم ائشیگینه، فی‌الجمله اگر آدمه طیران اله گیرسه.
کئچن عمروم گئتدی و گئتدی دخی گلمز، ایرینجه آنین وصلینه قیران اله گیرسه.
بیلمه‌گه بنیم دردیمی مجنون گره‌ک ایدی، شرح ائیله‌مه‌گه عشقیمی سلمان اله گیرسه.

1– اؤکوش = چوخ.

2– زینسان = بو نوعیله، بئله لیکله.

گؤزون‌کؤنول آپاردی‌وعشقین قومادی عقل، گلیرسه خیالین باری قوربان اله گیرسه.
زلفونله گؤزون هندو حبش چریسی ایله کؤنلومه آخار صلحه مسلمان اله گیرسه.

153
جاندور نولا گر یار بو دم جانا گیریرسه، یا غمزه اوخو ایله گؤزو قانا گیریرسه.
عمّان کؤنولوم لعل لبی کان ایسه نولا، جان کانا گئدیب سئودیگی عمّانا گیریرسه.
زلفون هواسی ایله دورور گر نفسِ صبح– یوزون قاتوروب سنبل و ریحانا گیریرسه.
عجب‌له‌مه‌زم گؤزونو زلفونو یوزونده، کفرون قارانلیغینی ایمانا گیریرسه.

154
لاچین گؤزو تک دُنیادا بیر باز اله گیرسه، یا هر یئله زلفو کیبی سرباز اله گیرسه.
جادو گؤزو چشمینه کؤنول اوغرار اولیجاق شکّر لبی عشوه‌سی ایله ناز اله گیرسه.
باش اویناماغا نه گره‌ک ایدی لبی اوچون، آغیز – آغیز آندان بیزه بیر راز اله گیرسه.
گیسوسی کی، کافردورور، اسلاما تولاشدی قیلماغا قضا گورجی و آبخاز اله گیرسه.
سربازدورور گیسولاری خود آنین اوچون جان اویناماغا عاشقِ جانباز اله گیرسه.

155
مس‌یمیز دؤندو یئنه شکر اللهه گوموشه، عشقین ایله، صنما، ایریشه‌ووز گُم ایشه.
کؤنولوم قوزوسو امیشه گره‌ک لعلین ایله، تانری‌نین لطفو اولسا، نه گره‌کدیر ام ایشه؟
یاخدی عشقین بنی وارلیقدا قومادی نسنه ساناسین‌بیر اود ایدی‌دوشدو ناگاهین قمیشه.
لبی شفتالوسونا قارشی یوره‌گیم دیتره‌ر، ایچی‌یانساکیشی‌نین، میل‌ائده‌ر اولور یئمیشه.
گؤزلریمین‌یاشی‌اوزون کی، قومادی یاشسیز، بو اودایشینده،بیلیرسین،گره‌ک اولور نم ایشه.

156
شاها، لطفون مدام اولسون همیشه، فراقین سنگینه دؤیمز بو شیشه.
بنم خسته، لبیندور ام اولامی، کی بو خسته اوچون وارا ام ایشه.
سنین عشقین بنی یاخدی ساناسین، کی بیر اود سالی وئردین بیر قامیشا.
گُم ایش دگیلمیسه عشقین یازایدیم، حالیمی آلتون ایله بو گوموشه.
بو عشق اودو سپیشکندور، نگارا، امیدیم وار سانا دخی سپیشه.

157
شها، ایرمه‌یه شول بدرین محاقه، کی زلفوندن کؤنولده وار علاقه.
انشیگیندیر حجازیم بن محیّر، دیلیم وارماز سیاهان و عراقه.

یوزوندن قیلدی می پالوده گؤزوم، نشسته اولالی نقشین رواقه.
دخی غم گؤرمه‌یه کؤنلوم ایره‌رسه، لبیندن بیر مفرّح بو مذاقه.
ایریجک سنه بن بندن گئده‌رم، وصالین چاره دگیل بو فراقه.

158
یاراشمیشام هواسینا بن ایل و آی ایله، گؤزوندن اسری‌یم نئجه اولا کی، آییله.
شول‌مشتری‌دور اول‌کی، چکر زهره سازینی، شؤیله،گونشدور اول‌کی،قیلورصحبت‌آی‌ایله.
گیسوسی ایلمه‌لرینه ایله دئیه‌ن کیشی، بیلمزمی آنی کی، قوروجاق توزاغا ایله؟
زلف کمند ایله کؤنولو سالدی بندینه، خطی دیلر کی، تالایا جانی، یایا یئله.
یوخسولو بیگ ایله آپاریر باشا حالینی، الاّ قاچان کی، سنی گؤرور ایسه بای ایله.

159
بونجا زمان کی، کئچدی عمرو بو جفا ایله، شکرانه‌لر گؤره‌ک کی، کئچر اوش صفا ایله.
شول درد قولویام کی، دوادور آنین قیلی، بن قولویام بو درد ایله و دوا ایله.
یوره‌گیمه توخوندو گؤزونون اوخو آنین، سایمان حسابه توخونان اوخو خطا ایله.
بن توپراق ائیله‌رم یوزو آیاغی توزون، شاید کی بیر اشارت اولا خاک پای ایله.
غمزه‌سی اوخلارینا دئدی ایشبو گؤزوم اوخ، رضوان دخی قیل اولا بو حوره رضا ایله.

دردی دوایه ایروره بیلسه دلی کؤنول، اکسیر قیلا بیله ایدی کیمیا ایله.
وصلین گئجه‌سی تن جانیما انفعال اولور، صورت نئجه‌سی باغلایا یاتماق قبا ایله.

160
قونوشدو ییلدیزیم بو گئجه یئنه آی ایله، زهره آیاق دوتان کیشییه نئجه آییله.
بو قوشجا جان اودونا سمندر کیبی گیریر، زیرا کی خوشدورور باشی آنین هما ایله.
یوزو قارا بنفشه پریشان دورور نه‌یه؟، اویناديغین ائشیتدی ساچینی صبا ایله.
گلشن معطّر اولدو، چمن پُرشکفته‌دیر، ساتمازمیسان جانیمی دخی بو بها ایله.
بوینوما سالدی قولونو، آیدیر کی، سئو بنی، آیریلماماغا آند ایچه‌رم شول حماییله.
یوزوم نولا گر آدینا سکّه اورور زره، اودون ایچینده چونکی یاتیر کیمیا ایله.
توقات قلعه‌سینده صبوحی‌یی وئر تولو، باشد که صبحه ایروره تانری صفا ایله.
اول‌ناله‌دن کی، دون‌گئجه‌قیلدیم‌سنین اوچون، بلبل خجل دوشر بو قامو هوی و های ایله.

مسکین ائدیب ساچی، دلی بیراخدی بندینه، / ایپ اوینون اؤگره‌دیر آنا بادِ هوا ایله.

161

هیوا اولدو بنیزیم دلبرین آلماسی ایله، / توغرادی جگریم غمزه‌سی آلماسی ایله.

بنیزیم ساریسی نارنجی اولور یاشیم ایله، / اولدو یوره‌ک جگر ایکن قارا آلماسی ایله.

کؤنول آلماسی‌دیر گؤزلری شول لبلرینه، / بس بو ویران نئجه معمور اولا آلماسی ایله؟

توپراق اول باد صبایا کی آچار زلفو اوچون، / باغدا گر دیلر ایسن کی، قیزیل آلماسی ایله.

آبی یوخ حیوانین الحق زنخی قاتیندا، / یاناغی جنّتی ترک ائتدیرور آلماسی ایله.

الی نارینا آپاردیم و بانا آلما، – دئدی، / درّ کیبی یاشی روان ائیله‌دیم آلماسی ایله.

162

نه آل ائده‌ر، صنما، یاناغین بو یاشیم ایله، / امید قدّینه اوزون دورور بو یاشیم ایله.

امید چونکی تاپوندور عیده یاووزدا، / برابر اولسا گره‌کدیر صفا سواشیم ایله.

قاشین‌یاییلا گؤز اوخون نییه کی، گؤزله‌دین، / بیتوره‌ییم اول ایشی بن، نگارا، قاشیم ایله.

سنین یولوندا خلال بن گتیرمه‌یم هرگز، / و گر حلال اولور ایسه توتام بو باشیم ایله.

وجودوما چومددیوخدورور مگر کی، تاپون، / توجهی سنه قیلدیم ایچیمله تاشیم ایله.

163

گؤزلری اوخلادی دِلی ناگه خطا ایله، / بیر گز «بلی» دئدیک، یاناریز اول بلا ایله.

لاحول‌اوخورکؤنول‌گؤزون‌اوستونه هر گئجه، / چونکی ضمیردیر، شها، حاکیم ولاییله.

اینام اولمایا نه زهی مائده‌دورور، / گر وقتینی عمارت ائده‌رسه نسا ایله.

یوزونو گؤرمه‌یینجه بو روشندورور، بگیم، / کیم قیلمادیق جهاندا بو عیشی صفا ایله.

بیز زلفونه وارینجا عمر تولاشیساریز، / شول‌یوزده، قاشدا جان‌ائده بیر ایکی آی ایله.

هندوی مستدور، صنما، فتنه‌سی دلین، / سن سانما آنی کی آی ایله‌دیر تا کی، آییلا.

چاه‌زنخده کؤنولوموگؤردوم‌کی،شعر اوخور، / بابل قانی؟ پرّ ابابیله باییلا.

164

گؤزون یارالادی بیزی تیر و کمان ایله، / آغزین دپه‌له‌دی یئنه بیزی گمان ایله.

بن بو زمینده شؤیله بیلیرم کی، گلمه‌یه / سنین کیبی نگار دخی هیچ زمان ایله.

ایمانا قصد زلفونه هی دئ روا دگیل، / گیسون ائلینه گیردی کؤنولوم آمان ایله.

گؤردوم سنی و سنی سئوه‌رم، سئویسه‌رم، / بن سؤیله‌ییمه‌زم سؤزومو ترجمان ایله.

لعلینه جان وئریرم و کؤنول توتوقورام، نئتدین کی، ساتمادین آنی بیزه زمان ایله؟

165
نئجه کؤنول قوشو ساچینا ایله، دیله قیلما نظر، جانیمی دیله.
تولاشیرام ساچینا قورخوم یوخ، تولاشام هر قیلا، دخی نه قیلا؟
گؤزه مردملیک ائیله کیرپیک، هر نفس سیله گؤزلریمی سیله.
آبِ اشک ایله گیل[1] قیلام خاکی کی، گؤره قیلدیغین بو آب و گِله.
شول آغو اباغیلا اسروکم، قطره‌سین ایچر ایسه مست آییله.
جان یئتیگن لبینه سئزه‌رم، نولیسار سورالیم بولا کی، بیله.
ام ایله چاره اولسا دردیمه کی، لبین ایشبو لبیم ایله امیله.
نم ایله اودومه دوا قیلورام، یوخسا دؤیه‌یدیم اودونا نم ایله.
بنزیمی ساری قیلدی هجران ایله دم وئرور شیمدی گؤزومه دم ایله.
لبین امسم دئیرم، ولی زلفون سحر ائده‌ر گون کئچیرور ام- سم ایله.
بولدوم الیم ایره‌رسه اته‌گینه، کعبه ایچره مقامِ زمزم ایله.

166
نئده‌لیم‌بیلیمه‌زوز بیز کؤنول ایله، کؤنول ایله، جهانی‌خراب‌ائده‌رسین‌کؤنول‌ایله،کؤنول ایله.
جانی‌اورتایا قویارلار، ولی کؤنوله اویار جان، جانی‌اویار اول‌کی، گلیرکؤنول‌ایله،کؤنول‌ایله.
بو جهانا یایار ایسن، صنما، ساچین توزاغین، دخی‌قوشو اومما، الّا کؤنول ایله، کؤنول ایله.
نئجه‌عقل‌وجان تورورسا بوتنیمده‌بن گئده‌رم، زنخ چاهینا یارین کؤنول ایله، کؤنول ایله.
کؤنول ایله دئدیم آنا، کؤنول ایله دیله‌مه‌دی، کؤنول‌ائیله‌دینسه ائیله،کؤنول‌ایله، کؤنول ایله.

167
نئجه اوزون گئجه یانا سئوداسی ایله نئجه دردیمه ال اولا ید بیضاسی ایله؟
نئجه نیلیندن اولا گؤزلریم یاشی فرات، نئجه غرق اولا اول یاشا مقیاسی ایله؟
نئجه یاس ائیله‌یه یاسی اوخو ایله کؤنوله نئجه هر مجلس ایچینده گله ایاسی ایله؟
بئلی‌نین‌وصلی یولو اینجه‌دورور، قاتی اوزون هله راضی‌یام آنا بو قامو غوغاسی ایله.
اول‌خطایی کی، گؤزون قیلدی کؤنولومه بنیم، قاندا چکه بیلیسر جرمونو اوباسی ایله؟

---

[1]- گِل، پالچیق.

168
کؤنولوم ایردی جانینا یئنه شول جـانی ایلـه، نه جفادیر بو کی، چکر یئنه شول جانی ایله.
جادو گؤزون یوره‌گیم قانینی دؤکـر هـر دم، لبلریندن سـورالیم اوشـدادورور قـانی ایلـه.
خانیدور خونی‌گؤزون کؤنلوم ائلی‌نین لیکن، سؤزو یوخ‌قانین ایچرسه قیلی‌نین خانی ایله.
جان آنین عشقی دنیزینـده دورور بیـر قطـره بللی‌دیر قطـره کـی، نـه آپـارا عمّـانی ایلـه.
هجرینی گؤروبَنین کسـمه وصـالیندان امیـد دردی حق بیله یاراتدی زیـرا درمـانی ایلـه.

169
گوله‌قارشی‌گر نقابین‌سالا، آچا یوز گؤز ایلـه، قیلا کؤلنه‌گینی‌شول‌لحظه‌قباچه یوز گؤز ایله.
یوزون‌جماله‌عشقین‌قیلور ایسه‌عرضه‌شول دم ساچینی‌ساچین‌دئییبن آنا ساچا یوز گؤز ایله.
شونوکی، قیلیجی‌ایله آچمادی سـام و رسـتم آنی‌سهل غمزه ایله‌گؤزون‌آچا یوز- گؤز ایله.
کیم‌اولا کی، جادو گؤزلری کمینه عشوه‌سـیله دیله‌مز کی،قیلااؤزون‌سرو پاچا یوز گؤز ایله.
شول‌امام گؤزو ایله قاشی مسجدین گؤره‌لی، کیم‌اولا عبادت‌ائده‌دخی خاچا یوز گؤز ایله؟
گؤز آنین یوزو جمالین نئچه‌سی قیلـا تامّـل، چو تامّل ائده‌مز کی، باخا قاچا یوز گؤز ایله.
قاشی‌نین یایین گؤره‌نـه، عجبـا، روا اولـامی، کی‌دمشقه وارا یاخودگئده‌حاجایوزگؤز ایله؟

170
یوز قاناگیردی خونی گؤزون فعلی آل ایلـه- کی‌دام و دانه ائیله‌دی شول زلف و خال ایله.
سِحرین‌زهی کماله یئتیردی گؤزون کی، اول بین شیری بندینه گمیشور بیـر کـم آل ایلـه.
قورارسا قاشی یاسین کی، آتا غمـزه نـاوکین رستم برابـر اولمایـا شـول یـال و بـال ایلـه.
شول نقطه کی، جمالی کتابیندا حق قوموش، نئجه‌سی شرح ائدیله سـوآل و جـواب ایلـه.
سوسامیشـام لبینـه، زمـان اولـدو یانـارام، گل حجّه وار سوار سوسامیشـی زلـال ایلـه.

171
کیم‌گؤردو ککلیگی‌کی، اورور پنجه، باز ایله، گه لطف و ناز ایله، گهی فقـر و نیـاز ایلـه؟
محـراب قاشـلاری گـؤزو جانلـارادیر امـام کیم گؤرموش اولا کؤنـول آلالـار نمـاز ایلـه.
عشّـاق پـرده‌سـینده نوالـار وار، قیلیـرام پست ائیله‌مک دیلر قاموسـونو حجـاز ایلـه.
همسـایه اولـالی بویونـا سـرو سربسـر اشـعار ایچینـده آدی دفترینـه یازیلـا.
قدّینـده زلفونـه تولاشـیر راسـتی کؤنـول، باشـد کـه، مقصـودا ایـره راه دراز ایلـه.
یازیغـا یازیلـامی لبینـدن، ایـا صـنم، جان ایچر ایسه جامی خمـاری کـی، یازیلـا.

قوردو قاشین‌دئدیم زَهوغمزه‌سین آتدی اوخ   گتیردی جانی قبضه‌سینه چنگ و باز ایله.

172
کؤنولوم دردینی، شاها، نئجه دئیم دیل ایله،   کؤنولوم‌دردی‌بنیم شؤیله دگیل کیم، دل ایله.
بئلینی گؤره‌لیم حالیم قاتی نازک اولدو،   جان یوکو آغیر اولور، اول آرادا بیر قیل ایله.
دوشموشم‌سلسله‌یه زلفون ایله‌یاشیم اوچون،   هم نه‌یه یاشیم اوچون مشکله بو سلسله.
گؤره‌لی خالینی قالمادی کؤنولومده قرار،   سالدی هند ائلینی کؤنلومه بیر فلفل ایله.
جانی– جانی اولا هر کیم چکینه سندن آنی   ولی‌اؤزگه‌یی دیلرسه، کؤنول اول دیلیله.

173
نئچه – نئچه کؤنولوم گیسوسو ایله یئدیله،   نئچه – نئچه توتاغی دردی ایله قان یودیله.
فراقی ایله جهاندا چو قیلدی چو یوره‌گیم،   تامودا دخی بو گلمه‌ییسردیر اول اود ایله.
جهاندا عشق ایله مشهورام و وصاله نه غم؟   جهاندا ایشینی چون کیشی ایشله‌یه آد ایله.
سنین ایله بیلیشم اؤزگه‌لری ایله یادام   نیچه‌سی دیریله‌لیم بیلیش ایله یا یاد ایله.
دیله‌گیم اول کی، ایریشم آیاغی‌نین توزونا،   کی دولت اوسته ییلیجک آدیم آدم آد ایله.

174
نئجه‌سی ترک ائده کیشی دارین دیار ایله،   مگر کی، خاطیرینه آنین دردِ یار ایله.
شول یار ایله نه قیلا کیشی کی، فراقی‌نین   بیر قیلی عالمه دوشر اولورسا یاریله.

محرابیم اولدو قاشی و اولدو بئلی امام،   قیلمادی دلده میل دخی کار و بار ایله.
دل مُهره‌سینه باغلادی یول حُسنِ ششدری   القصه، اوتدو گؤزلری بیزی قُمار ایله.
عشقینه اختیار ایله دوشدو دل و کؤنول،   کیمسه سالامی اؤزون اودا اختیار ایله؟
قاتلان فراقی اودونا کعبِ حیاتی وار،   چوخ‌گؤرموشوز بیرآرادا بیز[1]وئردی‌خار ایله.
دؤک زلفونو یوزونه کی، معجز دورور قاتی،   گؤرمک بیر آرادا کیشی لیل و نهار ایله.

175
جان میلی چو[2] وار ایدی تاپونا خبر ایله،   بیری بگه ایریشدی، چو گؤردوک بصر ایله.
سِحرائتدی‌آنین‌گؤزو کی، جان‌ودل و عقلی،   غمزه‌سینه دیکدی قاموسون بیر نظر ایله.
شیرین اولا هر نه کی، اولا جهد ایله حاصل،   خاصّه لبی کی، گیردی اله ترک سر ایله.

1– بیز = گول.

2– نسخه ده خو یازیلمیشدیر.

کِی تحفه دورور نقطه‌ده اوتوز ایکی اینجی   یا باغلاماق اول بیر قیلی زرّین کمر ایله.
بو سئرچه کؤنول قارشی نئجه تورا اوخونا،   کی چرخ توروما‌یا بو زرّین سپر ایله.

176
قاچان‌کی، گؤره‌گؤزوم‌یوزونده خط آی ایله،   گئجه ایله گوندوزه بنزه‌ده خطا ایله.
سیل‌آخیدانرگس‌لرشول گول یاناغین اوچون،   کی آخیدمایا بولود اول سیلی حیا ایله.
لعلین ایله بئلینده بو سرّ اولا واضح کی،   کیمسه‌یه بقا یوخدور بو دارِ فنا ایله.
شول پرده‌ی عنبرده کوپه‌سی ستاره‌دیر،   قدری نه ساناسی‌نین یوزونده سن آی ایله.
زلفون باشی یئرده و قدّی باشی گؤگده‌دیر،   فرق اورتادا اولیسار ارض ایله، سما ایله.
گؤزوم‌کؤنول‌اسروگی،کؤنول‌گؤزون‌اسروگی،   پس چاره یوخ ایمیش کی، بو ایکیسی آییله.
زلفونه کیشی بین جان وئریر ایسه سهل اولا،   بیر قیلجا بیلیر ایسه کی، ساغیشا ساییلا.
گؤزوم یاشی عمّانا ایرورەر ایدی اؤزون،   گر بیلسه کی گؤزوندن بیر رحم اولا ساییله.
سنده یئتیره‌ن اؤزون اؤزونو سنی بیلمز،   پس قاندا بولیساردیر کندویی سیوای ایله؟
بو درده دوا کؤنلوم ایسته‌مز آنینچون کی،   بولموشدور آنین دردین، یوز دورلو دوا ایله.

177
بو نه خطادیر کی اوش زلف قیلیر چین ایله،   بو یئنه نه شیوه‌دیر بیر یئنی آئین ایله.

شمعی‌یم اول دلبرین، نوروما قیلماز مدد،   کیم آلا شمعین باشین آلتی شمعین ایله.
جان‌نئجه‌آیری‌دوشه‌سندن،ای‌جان،چونکی‌حق،   عقد ائده سنین بنه عشقینی کبین ایله.
گؤزونه‌دؤیمه‌یه گؤز، لیک‌گره‌ک کی گؤره‌م،   دیده‌ی خودبینینی بن چشم خدابین ایله.
عشقین اودیله آخار گؤزلریمین سویو چون،   جاندا مخمر دورور باد هوا تیینیله.

178
دم دگیلمی کی، سرو بارا گله،   یارین اینجه بئلی کناره گله.
گؤزو کؤنلو کی، یارالار ، نه عجب،   اوخو یاش دنیزینی یارا گله.
نیشه اورور چمن یوزونه سوچون،   کی، بنفشه‌سی یوزو قارا گله.
انتظاری – خیالی قان آخیدیر،   گؤزلریمدن کی، تا پینارا گله.
یئگ اولا یئگ زلالی حیواندان،   گر لبیندن تولو خمارا گله.
گؤز قارارا گلیر ساچین آخیجاق،   بس نئجه‌سی کؤنول قارارا گله.

لبلرینـــــدن نگـــــارا درّ دؤکــــه‌ریــــز، قانـــدا بیـــر بؤیلـــه شـــعر بـــارا گلـــه؟
کـیم کـور ایسـه بـو مجلسـی قـووالیم، شــونا دئگــین کــی، کنــدو وارا گلــه.

179
بیر دم تبسّم ائت، صنما، تا کی گـول گولـه، نوبــت دگیرمــه‌یــه یئنــه زار ایلــه بلبلــه.
بیر دم ایره‌رسه غلغله جـانیم، گـؤره ایـدین، کی نئجه لطـف قیلـا صـفا ایلـه قـول قولـا.
لعلــین اباغیلــه بیــزه وئــر مــول آیــاغین، عالم کئچـر دخـی، بیـزی اوزاتمـا مولمولـه.
گر خلوت آرزو قیلا کؤنولوم عجـب دگیـل، بو فصل ایچینـده کـی، اولـا عالمـده غلغلـه.
نولا آغیـز آغیـز سـنین ایلـه حـدیث ائـده‌م، شیمدی بیری بیرینه سـؤیله‌دی گـول گولـه.

180
عاشق قاپونـدا درد ایلـه جـانیم صـفا بولـه، قان- یاشی روی زرد ایله جانیم صـفا بولـه.
دل دیله‌دیگیم عقل ایله جـان وئردیلـر بیلـه، بو قاموسـونو گـر دیلـه، جـانیم صـفا بولـه.
بـادِ نسـیم‌دیـر گؤزومـون توتیاسـی کـی، سیزدن اسرسه گرد ایلـه جـانیم صـفا بولـه.
موجـوددان قولاغیمـا سـنین سـؤزون گلیـر، آدیــن چــو گلـه دیلـه، جـانیم صـفا بولـه.
عــین جمــالینی گــؤره‌لــی دنیــادا فریــد، شول کعبتینـی نـرد ایلـه جـانیم صـفا بولـه.

181
یاناغینــــا آیــــاق دوتــــالی لالــــه، لبینچــــین تولــــودور دلــــدن پیالــــه.

مجــال اولورســا کــی، زلفونــو اؤلچــم، گــره‌ک کــی، ایریشــه عمــروم کمالــه.
بئلــین اینجلــدیگی آنلانــدورور بیــل، کــی، چــوخ گیرمیشــدورور بــاد وبالــه.
آغیــزین غنچــه‌ســیندن دیــر اجــازت، کـــی گلـــدی یئنـــه بلبـــل‌لـــر مقالـــه.
آغیزینـــی دیلیمـــدن تنـــگ گـــؤردوم، کمــالی بنجیلــه‌یــین قــول کــیم آلــه.

182
جمالینـــا نـــه نســـبت قیلـــا لالـــه، نــه دیــل بنــزه‌دی بیلــه ســنی لالــه.
دولاشــــماغا یـــــارادی گیسوســــــونا، خطــایی گــؤزو دگیلمــی‌ســه آلــه؟
لبــین ادغــامی کــی گــؤردوم نگــارا، قیلیـــر اشـــمامه جـــانیمی امالـــه.
سوسامیشـــام لبینـــدیر آب حیـــوان، حوالـــه قیـــل سوسامیشـــی زلالـــه.
یولـــارین باشـــینا تولـــا ائشـــکدیر، کؤنـول کـی دوشـمه‌دی صـاحب جمالـه.
جهــانی تنــگ ائــده‌یــدیم کؤنولومــه، لبینـــدن ایرســـه ایـــدی اول محالـــه.

ســـاچیندن قوخـــو ایریرســـه قویایـــدیم، قبـــول آدینـــی بـــن بـــاد شـــماله.
بئلـــین بنـــی هلالـــه بنـــزه‌دیبـــدیر، نـــه قیلـــدیر کـــی گیـــره ایشـــبو هلالـــه.
بئلـــین میلـــی، نگـــارا، بانـــا واردیـــر، دلالینـــــدا دخـــــی واردیـــــر دلالــــه.
هـــدایت بولـــدی، شـــاها، دل یوزونـــه، اگـــــر چکدیســــه زلفونــــده ضـــلاله.
وجـودوم عشـق ایلـه‌دیـر خـالص آلتـون، نولـــا دیلـــیم اگـــر گلمـــه‌دی قالـــه.
زر اوســتونده حــال لعــل ایلــه گــؤزوم، یـــازار عشـــقینه هـــر دم یـــوز رســـاله.
مفـــرِّح ســـون دیلـــه لعـــل لبینـــدن، کـــی دوشـــمه‌یـــه ســـاچین ایلـــه خیالـــه.
گـــــؤزون شـــــاهنالیغا ال اورالیــــــدان، گؤتورولـــدو، بگـــیم، وجهـــی ایالـــه.

183

شاها، لبیندن سنین آخـدی یئنـه قـان دیلـه، ای نئجه تاشلار رقیـب آتـدی یئنـه قندیلـه.
بـاغریمی پاراَلایـا غمـزه‌لـرین دل دیلـه، بو قاموسو نه اوچون گره‌ک ایسه دیل دیلـه.
کؤنـول آلـالی سـاچین بولیمامیشـام دخـی، ایسته‌رم اوزون گئجه تانـا دکـین قیـل قیلـا.
گؤزلری‌نین سِحری هر کیمه کی قیلدی اثـر، اول انه گین چوخورون چون چَهِ بابل بیلـه.
سلسله‌دیر گیسوسو، بوینوما اولسون، نولـا؟– گؤزلریمین یاشینی گـؤر نـه آخیـر سلسـله.

184

بـــن بیلیـــرم آنـــی، ای جـــان، بیـــل بیلـــه، ســـیلمه یاشـــیمی کـــی، اولـــا سلســـله.
جان چو بیزده یـوخ سینارسـین سـن بیـزی، بیـزه وئـر یـاردان خبـر بیـر دیـل دیلـه.
جـان چـو یـوخ، آغزینـدا اولـالیم مقـیم، تـــن قاریشســـین گیسوســـونا، قیـــل قیلـــا.
بــو گئجــه یانــدیردی کؤنــول شــمعینی، آی یوزونـــده گـــزدی زلفـــون تئـــل تئلـــه.
نولـــا بـــن گـــر توزونـــو ایزلـــر ایســـم، چـــون گـــؤرورم قوللوغونـــا بیـــل بیلـــه.

185

نگـــارا، فرقتینـــدن جـــان اوزولـــه، وصــــــالین ســــــاعتینده دل اوزولــــــه.
نئچـــه‌ســـی التفـــات ائـــده بانـــا شـــول کـــی، باخـــار بـــو جهانـــا بیـــر گـــؤز ایلـــه.
یازیغـــا یازیلمـــالی گـــر خمـــاریم آنـــــین لعـــــل لبـــــی ایلـــــه یازیلـــــا.
دل آزدی زلفـــو هندوســـتان ائلیـــدیر، نولـــا بیـــر مملکتـــده گـــر آزیلـــا.
لبینـــدن چکـــدیگیمی بـــاخ یوزومـــه کـــی، لعـــل ایلـــه زر اوســـتونه یازیلـــا.

دیلـــــه‌رم کؤنولونـــــده بـــو محبـــت، کی، نقـش اولـوب تـاش اوسـتونده قازیلـا.
هـــوادان آیـــری چـــاره یوخـــدور آنـــا، آنـــین زلفونـــو بنـــزه‌ر کـــی، ســـؤز ایلـــه.

186
بهـــار اولـــدو گولـــه باشـــلادی لالـــه، قیلیـــر گلشـــنده بلبـــل یـــوز آلالـــه.
دل و جـــان و کؤنـــول بنیملـــه تورمـــاز، بیـــزی صـــحرایا قیلیرلـــار حوالـــه.
هـوا اشـمام ائـده‌لـی گـول قوخوسـون، قیلیـــر بلبـــل نواســـینا امالـــه.
ربیـــع[1] اولـــدو محرّمـــدیر تغافـــل[2]، سوســامیش نئچــه صــبر ائــده ز لالــه؟
بـــو بیـــر جـــانیمی جانانـــه وئـــره‌رم، دئینیـــز قاضـــیه کـــی، یازســـین قبالـــه.
کؤنـول هرچنـد کـی، عشـقی ایلـه گلـدی، ســنین ایلــه گــره‌ک ایــره کمالــه.
گونشـــدن آیریلیجـــاق آی اولـــور بـــدر، بـــن آیریلـــالی بنـــزه‌دیـــم هلالـــه.

187
باد سحر نه‌دیـر عجـب بیلمـه‌زوز بـو بلبلـه کی، ناگهان آنین ایله گلشنه دوشـدو غلغلـه.
بلبل‌اینیلر و ولی‌گول‌گوله‌قارشی‌خوش گولر، گل‌گلشنه، ای‌اهل دل، ائیله تفرّج گول گوله.
نه دئدی ایاغا لبین، جرعه ائشـیتدی اولـامی، دوشدو صراحیلر بو دم اولا سبب ایله غلغله.
موسم‌اولو مغنّی بوعشقی‌چونئجه‌وصل ائدەم، ساقی‌سیم ساق سون‌مول بیزه سالما مولموله.
لبلری‌مصرین‌شکرین غارته‌وئردی شور ایلـه، بنلری اودلارا دوشوب طعنه‌لـر اوردو فلفلـه.

188
آپـــار کؤنلومـــو، شـــاها، گـــؤزون ایلـــه، بنـــی تـــک تـــازه قیلغیـــل یـــوزون ایلـــه.
یوزون گونـدوزدورور، سـاچین گئجـه‌دیـر، گئجـــه‌یـــی گـــؤره‌یـــیم گونـــدوزون ایلـــه.
آل آیینـــه الـــه گـــؤر آنـــی نـــه‌دیـــر، بگـــیم، انصـــافا گـــل اؤز اؤزون ایلـــه.
لبینـــدن ســـؤز نگـــارا نئجـــه چیخـــدی؟ گمانـــا دوشموشـــم بـــن ســـؤزون ایلـــه.
اوداغینـــی یـــالینیز ســـئومه‌زم بـــن، ســـئوه‌رم بنـــین ایلـــه یـــوزون ایلـــه.

189
هر کیشی نه چکدیگینی بیلیـر اؤزو حالیلـه، سـور خالینـه هـر گئجـه حـالیمی خیالیلـه.
شول‌گونشه‌قول‌اولام‌کی، بدرآی آنین اوچـون محـو اولـا هـر آیـدا بیـر قاشـلاری هلالیلـه.

---

[1]– یاز، بهار.

[2]– غفلتده قالماق.

لعـل لبینـه آنـین قاچـان ایریشـه‌ووز چـون　　حیـوان سـویو سـبع ایـدی ظلماتـا زلالیلـه.
وصلینی حـرام ائتـدی قـانیمی حـرام ائیلـر،　　فریـــاد حرامینـــدان بـــین آه حلالیلـــه.
یوره‌گیمی قان ائتـدی گـول یانـاغی رنگیلـه　　شیمدی سو قیلیـر قـانی فتنـه گـؤزو آلیلـه.

190
کیمدیرکی، اسیراولمادی‌شول‌زلف ایله خاله،　　یاجان‌ودلین وئرمه‌دی شول حسن و جماله؟
وهـم الـی آنـین نقطـه‌ی موهومونـا ایرمـز　　مثلـی بئلـی‌نـین نئچـه گئجـه هـیچ خیالـه.
آلینـا نـه بنـزه‌یـه گلیـر مـه بـه تـرازو،　　یـا لبلـری‌نـین رنگینـه جـز مـی بـه پیالـه؟
مصـره شـکری تنگـی سـؤزو ایریشـه‌لیـدن　　تنگی شکری گؤر کی، نئچه گیـردی جوالـه.
نـرگس جگـری داغـدورور گـؤزو آلینـدان،　　آل قانـا بویانـدی لبـی آلـی ایلـه لالـه.
گلگون یوزونه گول اؤزونو نسبت ائـدیمز،　　هرچنـد حیـادان دؤکولـور اوسـتونه ژالـه.
آی‌ایله‌گونش دوروتسلسل گئجه – گوندوز،　　گَل دورِ قمـر حالینـه گـؤر بـاخ بـو مُحالـه.
تـــدبیر نجـــومِ فلکـــی فایـــده قیلمـــاز　　شـونا کـی، دوشـه عقـده آراسـیندا وبالـه.
قدّی صـفاتین بـاد سـحر سـروه ائـده‌رسـه،　　لـــرزه دوشـــه انـــدامینا یـــاپراغینی ســـاله.
گؤزومـه تجلّـی قیـل و یوزونـو گـؤر آنـدا　　ایرماقـدا گؤروجـک آیـی فـرّخ اولـا فالـه.

191
قـــول آنـــا دئیـــه‌لـــر کـــی، خـــانی بیلـــه،　　لبـــی‌نـــین ســـرّینی عیـــانی بیلـــه.
آنلایـــا نـــه خیـــالی وار بئلـــی‌نـــین،　　لعلـــی ایچینـــده کـــی گمـــانی بیلـــه.
کؤنـول اول‌دور کـی، گیسوسـو چریسـی،　　یاســـانینجا اؤزو یاســـانی بیلـــه.
لبـــی شـــکّردورور دل پـــر شـــور،　　آرادا ملحـــی انـــدرانی بیلـــه.
تنـــی جانـــدیر آنـــین کـــی، اؤز جـــانینی،　　یـــاردان اؤزگـــه‌یـــه وئرســـه جـــانی بیلـــه.
عشـــقدیر بیـــر محـــیط و آنـــدا اوران،　　ممکـــن اولمایـــا کـــی، کرانـــی بیلـــه.
ســـنده قیلـــا نظـــر باهـــارا غریـــب،　　یوزومـــه باخـــا و خزانـــی بیلـــه.
مـــردیمِ چشـــم قیلمـــادی کـــیم قـــان،　　کیشـــی اول‌دور کـــی، اول قضـــانی بیلـــه.
نقشـــدیر بـــی‌نظیـــر و بـــس زیبـــا،　　بـــن آنـــین قولـــو کـــی، یـــازانی بیلـــه.

192
گل حالیمی گؤر دخی یئتیـر سـنی اسـیرگه،　　گؤر کیمی سئوه‌رسم دخی گل بنی اسـیرگه.

حیف‌اولمایامی قاشلارینا چین‌سالاسین سـن، بن‌خود اؤلورم، سن هله شول جانی اسیرگه.
فانی دل ایلـه عقـل سـنیندیر، نـه دئیـه‌یـیم، لطف ائیله و باخ تانرییا، بیـر دینـی اسـیرگه.
مشّـاطه نئچـون غالیـه سـورتر بـو یوزونـه، حیف اولمایامی گیسـوی مسـکینی اسـیرگه.
لبلرین اوچون لعـل دئمـک قـاتی گناهـدیر، سن دئمه و شـول جـوهر رنگینـی اسـیرگه.
مـدّاح نـه تحسـین ائـده بیلـه سـنی، شـاها، سن قاخیما اول مدح ایله تحسینی اسـیرگه.
یوزونـه گـونش آلنینـا آی نسـبت اولومـاز، دیشلرینه گل بـاخ، دخـی پروینـی اسـیرگه.

193
عقلیم‌دلی، جان اسروک، کؤنول قوشو آواره، گره‌ک‌کی، اینولدومدن سو اولوب آخا خاره.
تاآق‌یوزو قارا ساچ گؤستردی شاها حسنون، کیمدیر بت چینی کی، آق دئیـه و یـا قـاره؟
یار دئر بو جهان خلقی یاری آخار آغزیندان، بن یار آنا دئرم کی، عاشـق یـوره‌گـین یـاره.
گونیلـه‌رم آیـاغین هـم اتـه‌گـی توزونـدان، باش قوشدو صبایا، باخ شول زلفِ سیه‌کاره.
باخما آنـا کـی، گـؤزو توتـار کؤنولـه ایـاق، لعل لبینـی گـؤر کـی، پسـته‌یـه شـکر قـارا.
جامع اولالی، شاها، یوزون بـو قـامو حسـنه، گـؤزلریمی گـؤرورم هـر بیرینـی فـوّاره.

194
قاچان‌کی، یارایله‌بیرگئجه‌جیک صاباحا ایـره، امیدی عشق اری‌نین لـاجرم نـه جاهـا ایـره.

شهادت ایسته‌یه عشق اری‌نین جانی هـر دم، نگـاری یولونـا تـا کـی، مگـر فلاحـا ایـره.
نه زحمتی کی، چکه رحمت اولا مطلق اول، یوزونه باخیب اگـر راحـت ایلـه راهـا ایـره.
نئجه‌سی صبر ائده گؤزلرین ایله بیر کؤنـول، کی، کیرپیگی ایله هر لحظه بین جراحا ایـره.
کؤنول قوشونا گناه اولماسـین اگـر دیلـه‌یـه کی، مُشک ایله ساچینا تولاشیب جناحا ایـره.

195
لبینی شکّره عشق اهلی، شـاها، قانـدا وئـره؟ نباتا نـاب نـه عاقـل اولـا کـی، قانـدا وئـره.
ساچینی کفره نئجه نسبت ائده بیلـه کیشـی، نشانِ دینی نبـی چـونکی اول یمنـده وئـره.
اسیر وئره واریـن تـا کـی، قورتولـا باغـدان، مگر بو بنده کی، گندویی داخی بنـده وئـره.
گؤرورسه زلفـون جُنـدی مـواجبین جملـه، وجودونـا قاتیبـان کلّـی‌سـین کمنـده وئـره.
بنفشـه اولـا پریشـان و سـنبل اولـا خجـل، صبا اگر ساچی‌نین قوخوسون چمنـده وئـره.

196
گل ایمدی بیدیو و چار، ای حبیب مه‌چُهره، کی،ششدراویناماق‌اوچون‌سالارام اوش مُهـره.

چو بنده مشت اری‌یم مشتری محلّی یوخ، گؤرورسه زُهره بو حالتی، چاک ائده‌ر زهره.
خطی یوزونده یازار ایسم اعظمی لیکن، گؤزو کرشمه‌لری ایرورور آنا سِحره.
دیشین منظم ائده‌ر عِقد لؤلؤیی و ساچین تاغیتدی مشکی اولاییم بو نظم ایله نثره.
اگرچه‌سرّ ایدی‌کؤنلومده‌عشق‌وهجرین جهر، فدا بو سرّ ایله جهریم بوسرّ ایله جهره.
اگرچه کوینی شاها کوی ائتمیشم لیکن، سنین یولوندا هله شُهره اولمامیشام شَهره.
گوپه‌سی اورکر و قاشی ترازدیر لیکن، بناتِ نعش قیلیر گیرد روسینی نثره.

197
تالدی کؤنولوم زلفونه بیچاره، نه چاره؟ یاراالادی گؤزون یوره‌گی پاره، نه پاره؟
گؤزون‌جانیمی‌سئحر ایله‌بیر گوشه‌یه سالدی، زلفون دخی دیلر کی، اؤزون قارا، نه قارا.
گؤز کی‌سنی گؤرمه‌یه،نئده‌ر اویخویو گئجه؟ زیرا کی خیالین دخی بو آرا، نه آرا.
جانیم پاره‌سی‌سین، ولی گؤزون یوره‌گیمی هر لحظه قیلیر ناز ایله صد پاره، نه پاره؟
جاری بودور آنین کی، یاشیمیز اولا جاری، اول جاره گره‌ک ایریشه بیچاره، نه چاره؟

198
کیشی‌گره‌ک‌کی،دیله‌گین‌عمروندن‌عالی گؤره، یوجا گؤزه‌دیر اؤزون آلایدان عالی گؤره.
ساچینی‌گؤر یاسامیش‌وخطین‌دخی‌دوزموش، نئجه‌سی گیره صبا آنا، چون یایالی گؤره.

دیله‌رم ائشیگینه یوز سورم همیشه، ولی نئده‌یم اوشه‌نیرم ناگهان اویالی گؤره.
لبینه جان بها قویموشام نگارین تا، متاعی چوخ گتیره، شهره چون بهالی گؤره.
کؤنول قوشون آلامازام گؤزو الیندن هیچ، خویی‌بودور لاچینین‌چونکی بیریارالی گؤره.

199
گل‌ایمدی بو دیوو چار، ای حبیب مه چُهره، کی‌ششدر اویناماق‌اوچون‌سالارام اوش مُهره.
چو بنده مشتری‌یم، مشتری محلّی یوخ گؤرورسه زهره بو حالتی چاک ائده‌ر زهره.
خطی یوزونده یازار اسم اعظمی، لیکن گؤزو کرشمه‌لری ایرورور آنی سحره.
دیشین منظّم ائده‌ر عقد لؤلؤیی و ساچین تاغیتدی مشگی اؤله‌یم، بو نظمه، اول نثره.
اگرچه‌سرّدی کؤنولومده‌عشق‌وهجرین جهر، فدا بو سرّ ایله جهرم بو سرّیله جهره.
اگرچه کویینی، شها، کوی ائتمیشم، لیکن سنین یولونا هله شُهره اولموشام شهره.

کوپه‌سی اورکـر و قاشـی تـرازودور، لـیکن   بنـات‌الـنعش قیلیـر کَـه دوروسـونی نثـره[1].

200
خدای[2] عزّ و جـلّ گـر قولونـا یـاری وئـره،   امیدیم اول کی، گَنَزلیک ایلـه نگـاری وئـره.
دیارِ یـاری سـئوه‌رم کـی یـاری آنـدا بـولم،   زهـی کرامـت اگـر یـار ایلـه دیـاری وئـره.
قرار قالمادی، صبریم دوکندی زلفو اوچـون،   آنـادگین کـی، چلـب زلـف بیقـراری وئـره.
گناه کئچدی ساغیشدان، حسـابدان آشـدی،   مگر حسابیمیزی لطـف بـی‌شـماری[3] وئـره.
یمینی یمین بیله چون یمندن آلـدی قوخـو،   یسـاری جـانیمیزا هـم یئنـه یسـاری وئـره.
وجود زبده‌سی اول‌دور بانا عالی وئـره‌سـین،   چو اول بنـیم اولـا البتـه ائلـی شـاری وئـره.
جانیمیز اورتایا سالدیق کناری اوچون آنـین،   میـانین آلـان الینـدن نئجـه کنـاری وئـره.

201
آخشـامین واردیـم سـاچینا گـؤز گـؤره،   سـؤیله‌ییمـه‌زم یوزونـو یـوز گـؤره.
سـن وار ایکـن حـور گـؤرمز گـؤزلریم،   گـؤز گـونش گؤرمـه‌ییجـک ییلـدیز گـؤره.
گـؤز یـوزون تـک گؤرمـه‌یـه یـوز دخـی،   اؤزگـه‌لـرین یـوزو کیبـی یـوز گـؤره.
عشـقیمین وصـفینی هـر دلسـوز دئیـه،   یوزونـون حسـنونو هـر گؤزسـوز گـؤره.
زلفـون ایلـه کـی پریشـان چـاک اولـا،   شـول کـی، سـنی اؤزگـه ایلـه دوز گـؤره.

202
بیچاره‌کؤنول عشقی گؤزون ائتدی، نه چاره،   سئوداسینا تولاشـدی، قاچـان گلـه قـراره[؟]
گؤزوم گؤزونو گؤره‌لی مخمور و دؤکر قان،   رومّـان آشـینی چکـه دیلـر یعنـی خمـاره.
عقل و دل و جـان سـاللی طاسـینا نگـارین   نفسـیم قـامو وارلیغینـی اوتـوزدو قمـاره.
زلفون قیلینا جان قوشـونو باغلامیشـام اوش،   شاهین گؤزو شاید کی، مگر دوشـه شـکاره.
یـوره‌گـی اگـر یارالـادی غمـزه‌سـی، نولـا   جان دخـی فـدا اولـور ایسـه یـارا نـه یـارا.
بو لطف ایله عنبر سـاچینی گـؤره‌لـی گئجـه   ییلـدیزلاری قـارا یوزونـه قیلـدی سـتاره.
آلـدی کؤنولـو غمـزه‌سـی و جانیمـا آیـدیر،   دئ عقلینـه کـی العقـلُ یکفیـهِ اثـاره.
بـن نئجـه کنـارا قیلـاییم ایشـبو میانـدان،   بو اورتادا چون هیچ کیشی ایرمـه‌دی کنـاره.

---

[1]– 460 و بو غزل بیردیرلر.
[2]– نسخه ده یانلیش یازیلمیشدیر.
[3]– بیشمار = سایسیز.

زلفونده غریب اولدو کؤنول خیلی زمانـدیر، اگلـه‌نیمـه‌دی باشـین اوچـون دار و دیـاره.
گؤزلری یاخیر کؤنولو سـوردوم توتاغینـدان بیر هندو عجب ییخماغا یئتمزمی بـو شـاره.
زلفون‌بنی چوخ گئجه دورور قیلدی پریشان، بئلینـــدن اولـــا میـــل مگـــر زار و نـــزاره.

203
بـــن جـــانی ســـانا آپـــارام گـــؤز گـــؤره، جـــانیمی بـــن جانـــا قـــارام گـــؤز گـــؤره.
بـــو نـــه خیـــال اولـــا، زهـــی مســـتحیل، گـــؤزو یوزونـــدن گئـــده‌رم گـــؤز گـــؤره.
دیریلیگیمیـــــز سنســـــین و اولماییجـــــاق، بـــن بـــو حیـــاتی نئـــده‌رم گـــؤز گـــؤره؟
زلفـــو یـــوروتمز گئجـــه‌لـــر کؤنولـــو، یوزونـــه گونـــدوز آپـــارام گـــؤز گـــؤره.
بـــن کـــی، خیالیلـــه وصـــال ائـــده‌رم، ســـنین ایلـــه دم دیلـــه‌رم گـــؤز گـــؤره.
نـه دل و نـه عقـل و نـه خـود جـان قـودو، گـــؤزلری‌دیـــر بؤیلـــه قـــارام گـــؤز گـــؤره.
گـــؤزلری‌دیـــر خفتـــه و دوتـــدوم آیـــاق، خـــون جگـــردن گؤیـــه‌رم گـــؤز گـــؤره.
لبلرینـــه حـــالیمی ســـوردوم کـــی، تـــا نقطـــه‌ی موهـــومی یـــارام گـــؤز گـــؤره.
وارلیغـــی ســـالدیم صـــنمین عشـــقینه، تـــا کـــی گـــؤرم بـــاغِ ارم گـــؤز گـــؤره.
گؤزومـــو بـــن یـــوزو اوچـــون ســـاخلارام، اویـــور اولورســـا، اویـــارام گـــؤز گـــؤره.
اؤزگـــه‌لـــره وئریـــر ایســـه ذرّه یئـــر، بـــن یـــوره‌گیمـــی یـــارارام گـــؤز گـــؤره.

204
بن عاشق بیچـاره سـئودیم سـنی نـه چـاره، یئرلیجـه ایکـن عشـقین قیلـدی بنـی آواره.
اولـالی مُبَرقـع سـن محیّـر اولـور عقلـیم، نهفتـه بنـیم عشـقیم شـهره اولـور ادواره.
یـارا یـارادیر گـؤزون غمـزه‌لـری یاراسـین، باللـه، زهـی یـارادیر کـی، یـارادیر اغیـاره.
وصلین بیزه باغلامیش چنبر کیبـی قاپیسـین، آل جعفـرِ طیّـاری شـول حیـدر کـرّاره.
عشقین قومادی، شاها، هرگز یوره‌گیمده سو، بیر خون جگر قالدی صرف ائـده‌ریـز اداره.
ایکیمیـز آراسـیندا قالمـادی ایکیلیـک هـئچ، شـمع آل الینـه و گـل باشـدان آیاغـا آرا.
گر زلفونـو ابـراهیم بیـر لحظـه گـؤره، آزار، گؤزونه گؤزوکمه‌یه هرگـز دخـی اول سـارا.

1275
کـیم اولـا، شـاها، کمـالِ سـرو قدینـه ایـره، گیسوی مسکین مگـر باشـی قویوبـان یئـره.
بـدر یوزونـده اگـر نقطـه دئـدیم لعلینـه، قـان اولـامی نقطـه‌دیـر مرکـزِ هـر دایـره.
قاراساچین‌گئجه‌سی‌صبحه قاریشمیش، بگیم، سِحر ائده مشّـاطه گـر، فـرق ائـدیبن آییـرا.

خطّی براته ائیله‌میش کؤنولومون ائلینه، — نسخ آنا واجبدورور، وجهی یازار بایره.
گؤزلری اعیانِ حسن، ایکی یاناغی وجوه، — قدّی ایله گیسوسی طرّه‌لری سایره.

205
گؤزون آنجا اورور یوره‌گه غمزه، — کی ان کمینه دؤیومه‌یه همزه.
بو کژ زلفونده‌دیر توغرو جانیم درج، — زیرا صورتدورور الیفه همزه.
کمند ایله کمان و تیر گؤره‌ن، — بو اوچماق یوزده گره‌ک دوشه رمزه.
کؤنولوم مجمرینه ساقی، سو دؤک، — صبا پیکی بئلین قوشاندی غمزه.
گؤزوندن نیم اشارت جانا بسدیر، — نه حاجتدیر عجب ایشبونجا غمزه؟

206
رضا قضایا دورور بو قضادا چاره بیزه، — چکه‌ییم آنی کی، رحم ائده سنگ خارا بیزه.
جگرده قالمایا طاقت یوره‌ک آنا دؤیومز — اگر ساچین یاساییب گؤسته‌ریرسه قاره بیزه.
بئلین اگرچه کی، باریک[1]دیر، ولی باری[2] — بیلیر کی، بارینا بیز راضی‌ییز دوباره بیزه.
بئلین ایله کؤنولوم عشق بازی دیلر ائده — گونش یوزونه تاغیت ساچینی ستاره بیزه.
بویون قاتیندا نه‌دیر؟- سرو بیر قورو آغاج، — لبینه لعل نه نسبت؟- چو سنگپاره[3] بیزه.
کنارا ایرمه‌دی جانیم، شها، میانیندان — چو دوشدو اورتایا گؤستر بگیم، کناره بیزه.
عمارت اولالی عشقین، خراب اولدو کؤنول، — کؤنول خرابلیغی‌دیر بو گون عماره بیزه.

207
شها، ساچین گرهیندن بشارت اولدو بیزه، — ایریشمه‌گه تاپونوزا اشارت اولدو بیزه.
سعادت اولدو بیزه، لیک جان ایله کؤنولوم، — سنین اودونا دوشوبن حصارت اولدو بیزه.
تاپوندن اؤزگه‌یه آند ایچمیشوز، گؤره‌مه‌زیز، — آیاغی‌نین توزو ایله کفارت اولدو بیزه.
تاپونا جان ایریشم دئیو دوزدو ایدی یاراق، — بو اورتالیقدا، نئده‌لیم، حقارت اولدو بیزه.
نهایته ایریشیر لبلرین ایله عشقیم، — یوزونو گؤرمز اولورسام، قیامت اولدو بیزه.

208
تور اورو، ساقی، وئر ایاغی بیزه، — ائل اولورسا تاپون نه ایاغی بیزه.
جانیمی بولدو، اسدی بیر قیلدان، — اؤگره‌دیر زلفونوز یاساغی بیزه.

1- بازک.
2- یئنه.
3- چو سنگپاره = داش خیرداسی تک.

بن ساچیندان یئتوردوم اوداغیمی، کیمدورور گؤستەرن اوداغی بیزه؟
قارا ساچین آغینا چکدی بنی، گؤستەریمز نئدەلیم آغی بیزه؟
سون و بوی یای قاشین و کیرپیگین اوخ، بسدورور یورەگیمده داغی بیزه.

209
واردی صنما، کؤنلوم گؤزلرینه درد اوما، درمان یئنه هم اولدو کؤنولده کی دردیمه.
باغلادی، شاها، عشقین کؤنلومه یوز ششدر، توتام کی گله ششلر، چاره نه بو نردیمه.
بن عشقی هواسیندا بیر آه ائدیسەرم کی، ایرمەیه هوا هرگز هئچ باب ایله کردیمه.
بیر گئجه خیالینی بیرلیگه بو گؤزومه، گؤرسون کی نه قیلیرسین هر لحظەده مردمه.
بیر لحظه اگر سندن کندومه اولام مشغول، آدم بیگی اولام کی میل ائیلەدی کندومه.

210
نئچه – نئچه زلفِ عنبر تولاشا، شهیم، تنیمه، تونونو یابانا سالغیل، اوراییم جانین جانیما.
لبی‌نین قانینا دیشیم بو گئجه دیلرمی، گیره کی، قاراقجی‌گؤزلریندن نیشه گر دیلر قانیما.
گؤزون‌ایله اسروگم، لیک‌قاشین‌ایله پیچ‌پیچم، کی‌ساچینلا بیر اولیبان بنی اگری دئر جانیما.
قولویام‌بن اول حبیبین کی، گناهیمی اسیرمز، زهی‌یاخشیلیق‌کی، باخماز ایشیگینده یامانیما.
ساچی‌کفری‌گول‌یوزونون‌ایمانینی‌گرچه‌یایدی، هله راضی‌یوز نئدەلیم ساچی کفری ایمانیما.

211
ایرینجه بنیم جانیم شول یار دلارامه، گؤرمەدی خوشلوق، ایرمەدی دل آرامه.
اول یارا ایریشیجک کؤنلون کی، درونیدیر، اول طاقتی قالماز کی، گیره بئله آرامه.
یاخاما آنین عشقی یاپیشالی نه زَهره کی، میل ائده گؤزلریم بیر پختەیه یا خامه.
کؤنول طوطی‌سی اوّل لعلینده شکر تاتدی، آندان اؤزونو سالدی شول نرگسِ بادامه.
دئدیم‌یوزونه باخ‌گؤرشامه کی، نەمسکیندیر، آیدیر کی، نه فتنەدیر اول روما و یا شامه.

212
دیلەرم آیاغین توزونو گؤزومه سورمه، مقصود ائشیکده ایریشینجه بنی سورمه.
گؤزونه خطا ائیلەییبن دوشدوم ایسه بن، آلدین آخی عقل و دل و جانیمی بو جرمه.
پیوسته قاشینی، شها، میزان ایله گؤردوم، دعوی قیلیرام غمزەن ایله گوجی بویورما.
دئدیم کی لبین بیلدیمی چکدیگینی جانیم، خشم‌ایله بانا باخدی گؤزو، یعنی کی سورما.
خالین بانا یئتر کی، قیلا خالی وجودو، گیسونو پریشان ائدیبن نامینی قورما.

213

گؤرمه‌دی گؤزوم خالی کیبی دنیادا شامه، گؤردوم مصری بونجا و واردیم نئچه شامه.
بیر ساعت ایریشم دئدیم ایدی تاپوسونا، گلشنده سالیندی نئده‌لیم قوپدو قیامه.
آلدی الینه جامی و دوشدو لبی عکسی، اول جاما ساناسین کی، لبی ائیله‌دی جامه.
اول نامه گره‌ک جان ایرورم کی، خطی ایله جانیما یازا یوزونون اوستونه نامه.
بیر سهل بهانه ایله زلفونه تولاشام، پس بانا نه حاجت بو قامو دانه و دامه.
شول لعل لبین لذّتی کیم گلدی خیاله، بن کامیما ایرمه‌زم اگر ایرمه‌یه کامه.
شول دردی چکرم، صنما، هجرین الیندن کی، جنت اولا تامو اگر قطره‌سی تامه.
بو دونیانین اوزون – ائنی بیر نفسه سای، چون قالمادی اول رستم دستان ایله سامه.
چون سوخته‌یم، نولا اگر پخته ایچرسم، بن خامه اومارام کی، یازیلا بانا خامه.

214

نه خوش ناز اولو و نازک کرشمه، جانینی اوینایيمازسان، گیریشمه!
لبینه جان توزا آخار تک آخمیش، جانیم یاندی لبین باری یاخیشما!
کؤنول سانا سئوین، بانا آخیشدی، کرم قیل، لبین ایله گؤز قاخیشما!.
اگر یاد ائدیسرسن اؤزگه‌لری، کرم قیل، اول نگار ایله بیلیشمه!

215

ایزین غبارینی، شاها، گؤزومه قیل سورمه، ولی بو دولتی بیزه وصال اوچون سورمه!

ائشیگین ایتلری‌نین راضی‌یوز سعادتینه، آلاری دولته ایروریبن بیزی سورمه.
گونی‌لر ایسه خیالین تنیمده قوشجا جانی، کمند زلفونه باغلا گره‌ک ایسه سورمه.
جهان‌چوحالیمی بیلدی ایچیمده اود یاخیبان گؤزوم یاشین آخیدیب بنزیمه قان سورمه.
گؤزونده مردم عالم چو مستِ ساغردیر، روامیدیر کی، دلی کؤنولو قیلیر سورمه؟
تاش ایله دمیر آراسیندا اود عجب اولماز، عجب گره‌ک ایسه یوزونو یوزومه سورمه!
نسیم آیاغی توزونو گتیردی قانلی گؤزه، دئدیم‌کی، سّرمه‌ی خاص‌اولدورایشه سورمه.

216

نه قیلدیغین جگر اگر دئیه لبین لبیمه، سوسایا دئییمه‌یه، بنزه‌یه لبین لبیمه.
لبینه سوسامیشام، سورارام دواسی نه‌دیر، قاخییا کئییسر و سوسایا لبین لبیمه.
لبینه جان قوموشام و اومارام آندان کی، هزار جان و دل ایله قویا لبین لبیمه.

آنی‌کی، سوردو شکردن، شها، لبین بو گئجه،   سورارام آنی گره‌ک کی، دئیه لبین لبیمه.
لبین قانیما سویامیشدورور و قانینا بن،   چوجنس ایمیش‌یا نئچون پس‌قییالبین لبیمه؟
لبیم لبینه اویار سوردوغونو گیزله‌ییمز،   ولی غرض بودورور کی، اویا لبین لبیمه.
زمین تنگ و زمانی اوزون مقام گره‌ک   آغیز- آغیز کی، سرّین سؤیله‌یه لبین لبیمه.

217
دوشه‌لی گؤزلریم شول قارا چشمه،   آخیدیر گؤزلریم صد باره چشمه.
گؤزو کی، جان دیله‌دی، گاهی کؤنول   بانا عقلیم دئدی وئرگیل اؤجَشمه.
لبیندن کؤنلومه انعام ائدیبن   گؤزومدن دؤکدوروب یئنه اؤدشمه.
کؤنولو زلفونه چون باغلامیشسین،   داغیتما، دلی زنجیرینی ششمه.
ایا کؤنول، چو لعلی آتشی‌دیر،   یاخیلماق دیله‌مز ایسن، یاخیشما.

218
یئریندن تور و گل، ساقی، بیزه سون تولو پیمانه،
کی عشقیندن دلی اولان توروماز عهد و پیمانا.
سنین عشقین دورور بیر اود، بنیم‌دردیم‌دورور توتروق
بو اود ایله بو توتروغا بو عالم یانامی، یا نه؟
اگر زلفونو گؤتوره نگارینا صبا یئلی،
یقین اولدو کی، کافرلر گره‌ک گله‌لر ایمانا.
بدیع اولمایا لعلینچون چو تنگ اولدو بو کؤنوللر،
کی تام اولسون دئیو تشبیه، اورو قانینا بویانا.
سنین شول خفته گؤزوندن گر ایرور ایسه بیر غمزه،
بو سرخوش کؤنولوم گره‌ک کی، اویور ایکن اویانا.

219
تنیمی جانا ایرینجه گلمیشم جانه،   عجب نه فکر ایمیش زلفو، گلمز ایمانه.
لبی کی، قانا گلیبدیر یوره‌گیمین قانینا،   روا دورور کی، جگریم قانانا اول قانه.
نسیمه قول اولورام نه زر و نه سیم گره‌ک،   کی، اوردو مشک ساچینا نگاریمین شانه.
یانامی عشقین اودونا عجب بو وارلیغیمیز،   الیمه گیرسه توتاغی سورا ایدیم یا نه؟
تن ایله عقل و کؤنولدور، شها، فدا یولونا،   آرادا جان خبری یوخ، نه گلدی بو جانه؟

220

مُـزیّن اولـدو یئنـه بـو زمانـه، یئنیلـه غافلـه گلـدی جهانـه.

چمنـده بلبلـون بـاخ غلغلونـه، کـی نـه اودلـار ساچار بیـر دردلـی جانـه.

بئلینـدن گؤردوگـوم سـیغماز خیالـه، لبینـدن چکـدیگیم گلمـز گمانـه.

گـؤزون اوخونـا و قاشـین یایینـا، کؤنولـدن نـازک اولمایـا نشـانه.

بنـه عشـق اوردو بیـر قـامچی کـی قیلـام، حمایـل قوللارینـا تازیانـه.

کؤنولـوم سـیرچادورور، یـوره‌گـیم تـاش، نـه دئـیم بـن بـو سـیرچایی سـییانه.

سـنین عشـقین کنارینـا کـیم ایـره‌ر، کنـارا ایرمـه‌دیـم، دوشـدوم میانـه.

تنـی جانـدان آییرمـاقلیق روامـی؟ جانیمـدان ایـردیم ایرینجـه بـو جانـه.

کؤنولـدن وئـر دئـرم آنـا سـؤزومو، دخـی یالواریمـازام هـر ترجمانـه.

یمـانی قوخولـاری یاخشـی گلیـر، حـریص ائـده‌ر بیـزی طـب یمـانی.

کیمـی کـافر، کیمـی سـاحر، کـیم اوغـرو، نولـا حملـه قیلیرسـام غازیانـه؟

221

یاشـیم دنیـزدورور، گـؤزوم سـفینه، کؤنولـده عشـقین اودودور دفینـه.

یـوره‌گـیم سوجیسـیندن گـؤزو مخمـور، تولـو وئـر آیـاغی سـاقی کفینـه.

سـلیماندور کؤنـول تختینـده عشـقی، بئلـی قیلمـاز نظـر عقـل آصـفینه.

سـنینله سـینه برسـینه اولـان دل، نسـینه باخـا جنـت رفرفینـه.

قـارارا یانـدیریر زلفـو کؤنولـو، بـای اگـر اوغرایـا دوشـمن سـفینه.

222

صـرّاف اگـر گـؤره دیشـین کیبـی دُردانـه، ترک ائیلـه‌یـه حرفـه‌سین اوتورمایـا دکانـه.

حاجت نه کی گؤزلرین یوره‌گیمـی یارالـار، گؤزومدن آخان قاندیر، دیلرسـه لبین قانـه.

قاضی‌گؤزونه هی‌دئ اوخا- یایا نه حاجـت؟ گؤرمه‌دین آنی کؤنلوم گلمیش ایدی ایمانـه.

کؤنول،شاها،گؤزونده‌چون‌گوشه‌نشین اولدو، اهـل کرمـه اکـرام واجـب اولـا مهمانـه.

عیسی ایله مریم‌دن اؤرنک آل و دق دوتمـا، شـول سـرو روانینـدا بیتـدی ایسـه رومّانـه.

لؤلؤئجه لعل ایله دوزولدوگون اؤگره‌ن‌گیل، قانداسینی ای جوهری باخ بو لب و دندانـه.

بن جان گران وئردیم آنـا، بنـه اول عشـقین، تعلیم ائـدین اول بتـدن یاخشـیلیغی یامانـه.

سندن چو دریغی یوخ، وصلینی دریغ ائتمـه، جانین ساناما سـایماز نـه بـی‌سـر و سـامانه.

یاغیلا و یاخانا مقداری دگیل آرتیق، وارلیغینی عشقی‌نین اودلارینا یاخانا.

223

نه دیلیم واریر کی، وصلین دیله‌ییم، نه الیم ایره‌ر کی سونام بئلینه.
بن چو سنینم نه حاجتدیر گره بونجا زلفونده کی، جانیم ایلینه.
جان وئریرم تا مگر جانانیمیز بیزیم ایله بیر قیلینجی قیلینا.
ساچی قیلینجا کی، جان وئردیم آنا قاموسون سایمادی بیر ساچ قیلینا.
توتالیم کی، وصله اول راضی اولا، کیم اولا کی، اول نگارا ایلینه.
سؤزه گلدی، دیلینه باخدیم آنین، دیل روادور اول دیله کی، دیلینه.
چون حیادان دوشدو شبنم یوزونه، برگ گل گره‌ک آنا کی، سیلینه.
جانیمی وئردیم آنا بیلمه‌دی، کان جاندیر قانقی بیر جان بیلینه.
کؤنلومو یارالادی، دئدیم نئچون بنی سردی دئر، باخین، نعلینینه.

224

نه دئیه‌لر مدام جفا ائده‌نه، بو جهان ایچره نقدی وام ائده‌نه؟
قانی ممنوع ایکن مباح ایچه‌نه، لطفو مندوب ایکن حرام ائده‌نه.
نه عجب اولور ایسه هرجایی ساچلاری پیچینی مقام ائده‌نه.
بو جانیمین ائلینی خاص ائده‌رم، حسنی نورون جهانا عام ائده‌نه.
قیلماز آرام دنیادا کؤنولوم، جز کی جان توسنینی رام ائده‌نه.
گؤزلریم یاشی عشقینی چاخدی، بارک الله، نیک نام ائده‌نه.
بن کی، سلطانلاری غلام ائتدیم، اوش قولامام بنی قولام ائده‌نه.

225

یوره‌کدن قوپدو یئنه بیر زبانه کی، گلمز شرحی آنین بو زبانه.
وجودوندان کؤنول تجرید اولور کی، سیمارلار آنا بیر یوک صوفیانه.
بو دهری دهر دئرلر، نئیله‌یه‌لیم، موافق اولوماز بیزه زمانه.
خیالت دوشدو بیلیبله کؤنولوم آغیزیلا دوشر جان یوز گمانه.
کؤنول حالینی یوزوم آیدا دورور، نه حاجت اورتادا بیر ترجمانه؟
کؤنول حالی سبکدور گؤزوم ایله، قاتی محتاجدیر رطل گرانه.
کناریندان کنار ائده‌ن گراندیر، کی، گله شول میانیندان میانه.

226
نــه سـئودا دوشـــدو یئنــه بــو خزانـــا، کـــی، آلتـــون ایلـــه تولـــدوردو خزانـــه.
نــه عشــقی کــی، نهــان ایــدی کؤنولــده چـــو گئـــده‌ر اولـــدو گتیـــردی عیانـــه.
اولـــا بنـــزی ســـاری، توپراغـــه دوشـــه، هوایـــا هـــر نـــه‌ســـه نـــه کـــی، تایانـــا.
زمـــانی واصـــله نـــه ســـبز گئیـــدی مظفّـــر گئیـــدی شـــیمدی عاشـــقانه.
اشـــارت بـــو قـــدَر یئتمزمـــی بیـــزه، کـــــی، واردورور فنـــا انـــدر میانـــــه.
خـــزان کیبـــی ســـارار، آیاغینـــا دوش دیلرســـــه یـــار عشـــــقینه نشـــانه.
فـــراوان دســـتگاهی یـــوخ بقاســـی، جهـــانین ســـودو یئتمـــز چـــون زیانـــه.

227
کؤنـــول دیلـــر کـــی، ایـــره بیـــر قرینـــه، یـــــوزوم ساریســـــی آنـــادیر قرینـــــه.
نـــه آهـــــودور بیلیمــــه‌زم نگـــارین، کـــی، اولمـــاز صـــید بـــو شـــیر ارینـــه.
تنـیم مجمـرده عـود اولـدو چـو گـؤردو، یـــارین یوزونـــه مُشـــکین عنبرینـــه.
آنـــین زلفونـــده چنبـــردن کئچـــه‌رم، آچـــــین آغیزینیـــــزی آفرینـــــه.
اگـــر ســـن لعـــل قیلـــدین لبلرینـــی، هلـــه بـــن یوزومـــو قیلـــدیم زرینـــه.
یوزومـــده ســـاری و قیزیـــل ایلـــه آل دوزه ایـــدیم، ولـــی گـــونش یئرینـــه.
دیشـــینه درّ دؤکـــر گـــؤزوم و لـــیکن کؤنـــول عشـــقی یولونـــدادیر نرینـــه.

228
داغ توتماغیـل روا دگیـل آخـر بـو مسـتینه چوخ جور ائتمه‌گیـل، صـنما، بـت پرسـتینه.
سیندیر کؤنولومـو ، ولـی زلفونـه باغلاغیـل، کیمدیر کی، بسته اولمایـا سـنین شکسـتینه؟
اسـریتدی بنـی آیـاغین، احسـنت آیاغینـا، سـعیدلرین دپـه‌لـه‌دی شـاباش دسـتینه.
زلفون آغینـی دیرشـور آخـی عارضـینی آچ نه قالدی کی، دوشورمه‌دین آنی بو شستینه؟
بئلـین ایلـه یوغـام، ولـی بـاری ایلـه تاغـام، نیستین ایله نیست اولورام و هست هستینه.[1]

229
دیلـر ایسـن کـی، گـؤره‌سـین آیـی نـه، گـــون توغوجـــاق الینـــه آل آیینـــه.
یوخســـــولونا، بایینـــا بـــو عـــالمین گـــر یوزونـــو گؤســـته‌ریرســـن بایینـــا.

1– یوخون ایله یوخ اولوب، وارین ایله وارام.

سانما کیم سایینا آلدیغی کؤنول   زلفونون زیرا کی ایریشدی سایینا.
گؤزو ایله مست اولان کؤنول قاچان   کی، یئیه غمزه‌سی اوخون آیینا؟

230
آپاردی بنیم کؤنلوم بیر دلبر مستانه،   بوینونا تاخدی زلفون ایله‌ددی شبستانه.
ساعدلری گؤستردی جانیما ید بیضا   آندان بری باغلاندیم بن عشق ایله دستانه.
مردملیک ائدیب‌گؤزوم‌ساچلاری‌سانا اینجی،   بن دخی قوشانمیشام اوش عشقینه مردانه.
کؤنول توپونو سالدیم چوگانینا زلفونون،   کیمین وار ایسه عشقی اوشدا، گله میدانه.
کؤنولومو سالماغیل چوخورونا انه‌گون   اولمایا دوشه ناگه یوسف یئنه زندانه.
عشقین اودونا یانیب بن نور اولاییم کلّی،   عشقینده اگر حاجت اولور ایسه برهانه.
سئویب سنی بیز بیزی غرق ائیله‌میشیز سنده   اسلاما ایریشمکچون وئردیک دینی ایمانه.
خطّینه دئدیم مشکِ لعله نه آپاریرسین؟   قارینجا مگر تحفه ایروردی سلیمانه؟
توزدنیزی‌گؤردوم بن‌شول حسن و جمالیندا،   گؤزومدن ایروره‌یم یوز قطره‌ی عمّانه.
بن عشق ایله تولاشدیم گیسولارینا، شها،   یوخسا گؤری دوروررام بین دام ایله بیر دانه.
هر کیشی بو عالمده بیر نسنه‌یه آدانیر[1]،   بن کیشی آنا دئرم کی، عشق ایله آدانه.
معشوقه ایله عاشق هر بیری آدانیرسا   کیم‌لطف‌وجمال ایله، کیم خلق ایله احسانه.

زلفون آزودور کؤنلو، عشقینده و لیکن هم   ال توتوجودور غایت عشقین ایله آزانه.

231
الیمه آلیم باشیمی، گیریشم گیریشمه‌سینه،   بالینی ییغام قارام قاریشام قاریشماسینا.
نئجه‌سی‌دئیم‌کی، ایرم‌کیشی‌ایرمه‌دیگینه، لیک   وار امیدیم آنا کی، بن ایریشم ایریشمه‌سینه.
نئجه یابانا سالارسا، بنی قاشی زلفو ایله   قیلی‌یاریبان‌گؤره‌ک کی، ایلیشم ایلیشمه‌سینه.
لبی جان قانلیسیدیر، قانی بللیدیر باخارسان،   دیله‌رم‌کی،آنین‌ایله سوروشام سوروشماسینه.
توتالیم میانی آنین کی، کنارا گلمه‌ییسر   نولاجهدی‌ائده‌لیم کی، گیریشم گیریشمه‌سینه

232
یانام بو جهاندا لب حیوانینا تشنه   ز جانینا تویموش، کیم اولا قانینا تشنه.
دردیم جادو گؤزوندن و درمانی لبیندن   درد آغوسون ایچن اولا درمانینا تشنه.

1– آدانماق = آلدانماق.

بیــر کفــر دنیــزین ساناســین زلفونــو آنــین، کفرونـــده آنـــین غـــرقم و ایمانینـــا تشـــنه.
قاشین گؤره‌لی کیرپیگی‌نین کیشینه گیـردیم، عیــد ائیلــه‌رم اول دم، ولــی قربانینــا تشــنه.
عید ائده‌لی آلتیندا فرات آخـدی گؤزومـدن، قالــدیم بــو ایکیســی ایلــه عمّانینــا تشــنه.

233
یــوزون اؤزونــو گؤســته‌ره‌لــی انــدر عیانــه، روشـــن قیلیـــر ضـــمیرینی دائـــم هـــر یانـــه.
لعــل لبیلــه درّ دئیشــینی کنــدوده گــؤروب، تکیــه قیلیـــر خیـــالی ایلـــه بـــر زر عیانـــه.
بین گز گؤرور نگاری و کؤنلونده ساخلاماز، بنزه‌ر کی، سـاده دل دورور اول کـافر آیینـه.
پولاد زنگــی آی یوزونــه قارشــی تومارسـین هـــم آفتـــاب اولـــا یوزونـــه درخـــور آیینـــه.
گؤرمــه‌گــه حســنونو اگــر آیینــه دیلــه‌یــه، گـــونش گلـــه ســـراپینا انـــدر ســـر آیینـــه.

234
ای سنین توتاغینـا چشـمه‌ی حیـوان تشـنه، نئجه‌جاندیر توتاغین کی، آنا بین جان تشنه؟
تشنه‌دیر قانا گـؤزون و آنـا عجـب دئمـه‌زم، عجب‌اول‌دور کی، اولالعلین‌اوچون‌قان تشنه.
سوسامیشام نولا بن گؤرمـه‌گـه دیـدارینیزی سوسادیم‌شول یوزه کی، دیده‌ی دوران تشنه.
توتاغین جان قانیدیر و جانیم آنا سوسامیش، گؤرمه‌میشم دخی بن زیره بـه کرمـان تشـنه.
وصلینی‌هجرین‌ایله اود و سوایچینده کؤنول، گـؤزوم آنـین ایلـه گریـان دلِ بریـان تشـنه.
دردیم اول‌دور کی بن‌دردیمی آرتیق دیله‌رم، دردیم اول‌دور کی، آنا دریای درمـان تشـنه.
کیمه گره‌ک ایسه قاشین ایله بین عیددورور، اول هلالـه نئجـه‌ســی اولمایـا قربـان تشـنه.

یوزونون‌دورو اوچون‌آی‌وگونش‌اولدو هلال، وصفینی یازماق اوچون دفتر و دیوان تشـنه.
آغزینین یاری اوچون چشمه‌ی حیوان دئرلر، حاشـا لِلّـه کـی، آنـا دیـده‌ی انسـان تشـنه.
حسنونون قونوغویام چاهِ زنخده سوسامیش، نه روا اولـا آخـی کـی، اولـا مهمـان تشـنه؟
لعل ایله لؤلؤی سیرابینی گؤروب سوسـارام، سوسارام شول لبه کی، هم آنا دنـدان تشـنه.

235
ســـاقی تولـــو ســـون ایـــاغی مـــی‌پرســـتینه، بیر لطف کله‌جی‌سینی دئ نیست و هسـتینه.
الیمـــه وئـــر ایـــاغینی کـــی، باشـــیما چیخـــا گـــؤر نئجـــه ســـونارام هلـــه جـــانیمی دســـتینه.
مخمور گـؤزلرین نئجـه جـور ائـده جانیمـا لـــایق دگیلمـــی لعـــل آیـــاغین نـــیم مســـتینه.
ســـیلکیب یابانـــا کؤنلومـــو، کـــی دگیـــل زلفـــون آغینـــی تاغیـــدیبان ســـالدی شســـتینه.

236

شها، لبینه اولموش بو جان ایله تن تشنه / اول تشنه قانیما و اول تشنه‌یه بن تشنه.
هرنسنه‌کی، بنده وار سر جمله‌سی سنده‌دیر، / بیلسم کی، نه‌دیر اول کی، آنا اولاسان تشنه.
اتی قانیما سوسامیش، قیزاردیماز عشقی / قان سانا سوسامیشدیر، ای بو قانا سن تشنه.
مردانه دئرم بیر سؤز، مردانه بو عشقیمدن / بن‌قولویام اول جامین کی، آنا نر و زن تشنه.
لعلینه نگارینا بن تشنه یالینیزمی / تشنه دگیل ایرمه‌ین هم یئنه ایره‌ن تشنه.

237 پنج حسّیمیز بیزیم پنجره‌دیر حسنونه، / زلفو قیلینا قولوم دایره‌دیر حسنونه.
گؤزلریم ایرماغینی ایرماغا بیلمز کیشی، / الّا، گلستان اوچون گول ایرادیر حسنونه.
گؤز و قاش‌وزلف و خال اصلی‌دیر یوزونون / عشوه و غمزه دخی سایره‌دیر حسنونه.
سرّی لبین لعلی‌نین بین سیرا ارزاندورور، / قالمادی شیمدی گمان سَر سَره‌دیر حسنونه.
گؤزونه کؤنلوم هدف، لعلینه بو عشق مست، / اوندا و بیزده واری بیر بره‌دیر حسنونه.

238 شمسدورور آی یوزو سرو روان اوستونه، / عشقی سعادت دورور روحِ روان اوستونه.
جان وئریبن آلمیشیز عشقینی اول دلبرین، / باش دخی سربازدیر سود و زیان اوستونه.
آغیزی گر نقطه‌دیر، سؤزه مجال آندا وار، / قالمادی بیر قیلجا سؤز باری میان اوستونه.
عشقی‌جوان، عقلی پیر، حسنو کی نوباوه‌دیر، / حاکم اولور دمبدم پیر و جوان اوستونه.
دؤکه‌گؤزون قان یاشی، حکمت عین اولا بو، / کی دؤکه قان، الینی بویارا قان اوستونه.

عُمّر سو کیبی کئچر، ای جانی قدرین بیلن، / یار ایله عیش ائده گر، آبِ روان اوستونه.
جان وئریرم منتظر تا کی خیالین گله، / بیر نظر ائتسن نولا، بو نگران اوستونه؟
ساقی، ایاغ دوتوجاق نولدو سانا، مطربا، / بحرِ خفیفی دوزه‌لت رطل گران اوستونه.
لبلری‌نین شکّری گرچه کی، ریزان دورور، / نقلوموز اول دور بیزیم، آبِ رزان اوستونه.

239 شها، جفانیزی تاغلار تحمّل ائیله‌مه‌یه، / یئری‌دیر آنا ایشینده تامّل ائیله‌مه‌یه.
نئجه‌سی لعل لبینی تصوّر ائده کیشی،– / کی بوعلی[1] دخی بیلین تخیّل ائیله‌مه‌یه.
گونش یوزونو حملده گؤره‌لی خیلی دورور، / عجب دگیلمی کی، آندان تحمّل ائیله‌مه‌یه؟

1– ابوعلی سینایا اشاره دیر.

بن آنا عشق اری دئرم کی، لعلینه قارشی   تولو چکه سئو و جامین تعلّل ائیله‌مه‌یه.
نئجه‌سی مؤمن اولا اول کی، یوزونو گؤروبن   جانینی اودونا آتیب توکّل ائیله‌مه‌یه.

240
بن‌شونا قولام‌کی، اول‌بیرنام و ناموس ائیله‌یه،   بیردم اوچون‌دونیادا بین‌یئلی افسوس ائیله‌یه.
گؤزونو زلفو چریسینه قاراوول قیلیبان   کؤنولو گؤزلری ائلچیسینه جاسوس ائیله‌یه.
بن آنین لعلی اوچون جانیمی مقتول ائیله‌یه،   اولا کی، لطفونو کؤنولومده محسوس ائیله‌یه.
گؤزو دیلر ایدینه غارت ائده‌ر کؤنول ائلین،   راضییام‌نمدور اگر، گؤزومو ترسوس ائیله‌یه.
تنیمی آل بویادی گؤزلریمین یاشی ایله،   یاخدی‌ایچیمده‌اودون‌یعنی‌کی،فانوس ائیله‌یه.

241
گر گؤزو غمزه‌سینه هدف سینه‌می دئیه،   فکرین نه‌دیر قاتیمدا سؤزو سینامی دئیه.
اؤلدوم لبین ایچین و لبین چشمه‌ی حیات،   آب حیات ایسه ایچ و بیر سینامی دئیه.
چوخلار دم اورا عشقین ایله لیک اؤزگه‌لر،   ایروره‌ییم سنین سه‌وین و سینه‌می دئیه.
شعرایه شعر شاعر اگر ایرورور ایسه،   جانیم توراغی شول بوی ایله سینه‌می دئیه.
قورلو قاشی و غمزه‌سی گیزلی، جگر قولای،   اوخو ترکینه، یایاسی یاسینامی دئیه.

242
زهی‌زلف سمن سایین بیراخمیش شول گوله سایه،
لبینی سورما کی، اولموش لب حیوانا همسایه.
یوزون بدر آیا بنزه‌ر چون، ولی گؤزلرینه باخان،
خراب و مست اولیساردیر، آنی بدر آی نئجه آیه.
ساچین یوخسول ایله بایا اگرچه قوخو یئتیریر،
نئچون بو عقل یوخسولون دیلر کی، سِحر ایله بایه.

243

حرف ب

244
قاشین گؤره‌لی تاپون اولدو کؤنلومه محراب،   گؤزون‌کی،تشنه‌ی‌خوندورکؤنولده‌دیرسیراب.
گؤزون‌بی‌خواب اولوجاق بختیم اولا اویانیق،   زیراکی، بخت‌اویانیق‌اولسا، فتنه اولا بخواب.
طبیبِ لعل لبیندن شراب دیله‌دی دل،   دیش‌ایله‌دوتدو توتاغین، زهی لطیف جواب.
خطا گؤزونله کی، جان و دلی سن آپاردین،   چو قیلدیق آندا تامّل اولایدی عین صواب.
بو گؤزلریم آخیدیر ایرماغین زر اوستونده،   چو دنیز اولدو یوره‌گیم و گؤزلریم دولاب.

گؤزوم یاشینا باخ و باخماغیل هوان اودونـا، گل‌ایمدی‌گل کی، یوزوم سنین آیاغینا تراب.
نگارا، سروِ قدینده سـاچینا ایرمـک اوچـون تامّل ائت کـی، نـه قیلـدی مسـبّب‌الاسـباب.
اودا یانـار یـوره‌گـیم لبلرینـه قیلـدی امیـد، کی‌ساچا ایشبواودوما اولا کی، بیر نمک آب.

245

جگر فراقین اودوندان کباب اولـدو، کبـاب، یاشیماباخ کی، گؤزومدن‌شراب‌اولدو شراب.
عمارت ائده‌لـی عشـقین شـارین دماغیمـدا، کؤنول ولایتینه باخ، خـراب اولـدو، خـراب.
ایچه‌لی عشقین الینـدن جـانیم تولـو ایـاغی، یئتیردی‌عقلی و کؤنول سراب اولدو، سراب.
گـؤزوم ایچینـه خیـالیم باسـا دئیـو ایـاغین، یاشیم چو لعل یانـاغیم زراب اولـدو، زراب.
هوان ایله یوزومون سـویونو یئـره دؤکـدوم، تنـیم اودونـا یانیبـان تـراب اولـدو، تـراب.

245[1]

جگر فراقین اودوندان کباب اولـدو، کبـاب، یاشیماباخ‌کی، گؤزومدن‌شراب‌اولدو، شراب.
عمارت ائـده‌لـی عشـقین شـاری دماغیمـدا کؤنول ولایتینه باخ، خـراب اولـدو، خـراب.
ایچه‌لی عشـقین الینـدن جـانیم تولـو ایـاغی یئتیردی‌عقلی و کؤنولو سراب اولدو، سراب.
گـؤزوم ایچینـه خیـالین باسـا دئیـو آیـاغین یاشیم چو لعل و یاناغیم زراب اولدو، زراب.
هوان ایله یوزومون سـویونو یئـره دؤکـدوم، تنـیم اودونـا یانیبـان تـراب اولـدو ، تـراب.

247

ای جگـــر عشـــقین اودو ایلـــه کبـــاب، وی گـؤزوم یاشـی لبـین اوچـون شـراب؟
بیـر تبسـم قیـل کـی، جانـدیر قـایغولو، باشــد آنــدان بیــزه اولــا فــتح بــاب.
گؤزلرینـــدن قانـــدا معمـــور اولـــا دل، شــاه ایکــی اولســا اولــور ائللــر خــراب.
گــؤزلریم باغلــار ســاچیندان هــر گئجــه، صــبحه دکــین نئچــه بیــر نقــش بــرآب.
لعـــل لبلرینـــه خســـته واردی جـــان، شـــکّر و شـــفتالو دئـــدیلر جـــواب.
اول حیـــادان گـــؤزلریم اودون دؤکـــر، بــو ایکــی دؤکــر شــراب و اول گلــاب.
لعــل و اینجــو دؤکــدو گــؤزوم یوزونــه، بـــــن دخــــی یاناغیمــــا اوردوم زراب.
شــؤیله کــی، توزلــودورور شــاها، لبــین، آغیــزین یــادی نئچــون اولــدو جولــاب؟
اویـــور ایکـــن جادولـــادین کؤنلومـــو، سـحردیر والله گؤزونده سحر و خـواب.

1– 489 غزل ایله بو عینی دیر.

248

مرده‌زنده اولدو، شاها،شیخ عالم اولدو شب، برق گـولر عاقـل و عاشـقه آغلـار سـحاب.

گول‌گئیورمه‌یینجه تبیم‌حسنونوعرض ائده‌مز، تنینـه آغـدان[1] قبـا و یوزونـه آلـدان نقـاب.

حرفتون ایّامی اولدو گلدی عشرت فرصـتی، قیلمافاییت‌کی، بنای‌عالم اولموشدور بیر آب.

سن‌باناسون‌لعل اياغین‌یوز– گؤزوکؤنول ایله، قیلالیم حاضر شراب صافی و شمع و کبـاب.

بن خیالیندان گؤرومه‌زم، نگـارا، جـز خیـال، چونکی‌جانی‌گؤزلریم گؤرومه‌دی‌الّابه‌خواب.

بو لطافت‌کی‌سنیندیر سهل اولایدی فرصتین، اولماسایدی‌بو وجودوم بانا تاپوندان حجاب.

249

عشـــقی توتـــدو یئنـــه یاخـــامی عجـــب، لبـــی چشـــمه‌ســـینه یاخـــامی، عجـــب؟

شـــربت وصـــلی گیرمـــه‌یـــه مـــی الـــه، دایمـــا هجرینـــه یاخـــامی، عجـــب؟

دیلـــــه‌رم عشـــــقینی قیلـــــام پنهـــــان، بنیـــزیم ساریســـی چاخـــامی، عجـــب؟

ســـگ کوییـنـــه خـــاک پـــای اولـــدوم، باشـــیمیزا بونـــو قاخـــامی، عجـــب؟

گـــــر نقـــــابین سالیرســـــا یوزونـــــدن، خیـــره گـــؤزو آنـــا باخـــامی، عجـــب؟

تـــامو دؤیـــه مـــی گـــؤزلریم یاشـــینا، عشـــقیم اودویلـــا نیـــل آخـــامی، عجـــب؟

عشـقین ائوینـده گؤردوگـوم دئـر ایسـم، کیمسـه بـو قـاپی یـی قاخـامی، عجـب؟

250

گؤزونه تیرِ خطایی دئدیلر، چین‌می، عجب؟ یوزونه‌لطفِ‌خدایی دئدیلر، چین‌می، عجب؟!

زلفِ پر پیچینه کی، یاخدی بنی چون عنبـر، اهل‌دل‌مشگِ‌هوایی دئدیلر، چین‌می، عجب؟!

کیم‌هلال‌آیدیرایسه، قاشلارینا اگری دئمیش، غمزه‌نه‌تیرِ سمایی دئدیلر، چین می، عجب؟!

روحِ قدسـه لبینـی نسـبن ائـده‌ر اهـلِ نظـر، گؤزومه‌حاتم طایی دئدیلر، چین‌می، عجب؟!

چؤره دیر عهد دئدیلر، عجبـا، صـادق مـی؟ لطفونو بیزه ریایی دئدیلر، چین‌می، عجـب؟!

هر قیلی آدمی‌نین گـر اولـا بیـر جـان لبینـه، یئتیریمه‌یه بهایی دئدیلر، چین‌مـی، عجـب؟!

آنجا گزدیم گئجه‌لر زلفو ایچینده ام اوچـون، سورلبیندن بو دوایی‌دئدیلر، چین‌می،عجب؟!

طالعی سعد دگیل اول کیشی کی، گؤگ آیینا نسبت‌ائیله‌یه‌سن آیی‌دئدیلر،چین‌می، عجب؟!

اول بلایی کی، ازلده دئمیش ایدی کؤنولـوم، اول‌ائده‌ر جانابلایی‌دئدیلر، چین‌می، عجـب؟!

---

[1]– نسخه ده آخدان یازیلمیش

حرف ت

251
ای ساچین طره‌لری والمرسلات، جانیمین شوقی سانا والعادیات.
سندن اؤزگه‌یه جانیم التائبون، دیل یوزونه راکعاتٌ ساجدات.
شه روحونا طرح ائدیبن آتنا، کؤنولوم اولموش پیاده، شاه مات.
عید ائده‌لی قاشلاری آیی ایله، خطی وئریر بانا قدریمجه برات.
نئجه سندن بن ایراق اولا بیلم، ای ساچین طرّه‌لری والنّازعات.

252
یاریله‌شطرنج‌اوینادی،کؤنول‌اوش‌اولدو مات، گؤزلری قیلدی پیادا کؤنولومو سالدی آت.
گؤره‌لی اؤزگه‌دن اولدوق تائبون العائبون، سیزنولا اولور ایسه نیز پاکی، آتون ساجدات.
جان فقیر و دل حقیر و تن کثیر و سن خبیر، گر ایرورورسن نولا بانا لبیندن بیر زکات؟
زلفونه تولاشدی کؤنوللر لبین امیدینه، وئردی خطین قدریمیزجه هر بیریمیزه برات.
قیلدان اینجه‌دیر بئلین لیکن آنین باری گران، گوندن آیدیندیر جمالین بنلریندیر نادرات.

253
یایاغ اولدو کؤنولوم، اوینادی آت، رخلارین دئیه‌لی بانا شاه مات.
قانجارو باخماق گؤزوم سنی گؤرور، سنین ایله زیرا تولودور جهات.
منجنیق اولدو هوان و توپ جانیم، قانجارو کی، دیلر ایسن آنی آت.
بنده جان بندوندورور لطف ائیله‌گیل، قیلماغیل آزاد آنی، لعلینه سات.
جانا استفتاح اگر ائتدین ایسه، قدریمیزجه بیزه دخی یاز برات.
لبلریندن بیر صدقه اومارام، گرچه بیلیرم کی، لعله یوخ زکات.
چون شفاهیندیر شفا خسته جانا، اولا کیم آنین ایله بولام نجات.

254
گؤزون نه اوخ کی، آتا کماندان بنی گؤزه‌ت، اوخ آتماق ایله باری کیم آندان بنی گؤزه‌ت.
وصل ایله هجر سود و زیانین بیلیمه‌زم، قورتار جانی بو سود و زیاندان بنی گؤزه‌ت.
ایمن اولالی یئنه گؤزوندن مشوّشم، قورتار، بگیم، بو امن و آماندان بنی گؤزه‌ت.
سالینما سالما بنی خیاله بئلین ایله، سؤیله‌مه، سورماحالیم، گماندان بنی گؤزه‌ت.
بئلین ایله تنیم ساناسین ساچ قیلی دورور، آیاغین اؤپه‌رم کی، میاندان بنی گؤزه‌ت.
هر طاقدا جمالی قوموش بیر آتیجی‌یی، کی گؤزله اوخونو و فلاندان بنی گؤزه‌ت.

جمله وجودومو گؤزیـدەرم سـنین اوچـون، سن دخی بیر صفا ایله جاندان بنی گـؤزەت.

255
عمروم صنمیم گیسوسو یاربّ مـددی ائـت، بنـدن آنـی آیـری دیلـەینلـری قدیـد ائـت.
بن عید ائدەرم هـر گئجـه گیسـولاری ایلـه، دگنک‌گؤزو بیزدن‌دیله‌گیم‌اول کی، بعید ائت.
آزاد دگیـل بنـدەیـی قیـل خدمتـه مقبـول، آندان گئری سلطانلاری قوللوقدا عبید ائـت.
بـن سـنه دل و عقـل ایلـه جـانی بیریبیـرم، سـن دخـی نولـا بانـا خیـالینی بریـد ائـت.
جان عشقی زیاد اولـدو و دل دردی هـزاران دئدیم‌کی، طویل‌ائتمه‌سؤزو عشقی فرید ائت.
نرمم، صنما، غمزەلرین اوخونـا چـون مـیم، سن جانا یاراسینی دیله‌دیکجـه شـدید ائـت.
کیم دیلـر ایسـه کـی، متوحّـد اولـام آنـدان، سئودیگی‌جانیندان آنی سن تیزده وحید ائت.
گر دیلـر ایسـن کـی، اولـا محمـود عواقـب نئجه کی، الین یئتر ایسه فعلـه حمیـد ائـت.
اسـلاما دؤکولـدو چریسـی گیسـولاری‌نـین جان و کؤنول آنا تولاشیرلارسا، شـهید ائـت.

256
مخمور الستم، نولا گر اولدوم ایسـه مسـت، ساقی، تولو وئرساغرومطرب‌قاتی اور دست.
معشوقه سنین دیلر ایسـن کـی، اولـام کلّـی، سن دخی گرەک آنین اولاسین هله سربست.
بئلـین ایلـه کاهـام، ولـی کـوهم کمرینلـه، وارلیغیم ایله سنینم ار نیست، وگـر هسـت[1].

بن دانەی خالیندن ایـراق دوشـەمـەییسـەرم، زلفون‌نئجه‌کی، قورابنیم‌کؤنلوم‌اوچون شست.
بـن بـاد هـوا ایلـه کؤنـول آتینـی قوشـدوم، زلفون‌ایله‌شیمدی‌نولا گر جان اولا همدسـت.

257
دئدیم‌کی،عجب‌لبلرینی‌کیم‌سورار،ای دوست، آیدیربوخیالی‌قووانی کیم سورار، ای دوست.
دال ائتدی ساچی، قدین الف، آغیزینی مـیم، بیردم دورورشیمدی‌کی،یئنی‌قورار،ای‌دوست.
زلفونـه تولاشـدیمی قـرار ائـدەمـەزم هـیچ، گزدیم‌بوجهاندا قامو کوه و کمر، ای دوست.
گؤردوم‌یوزونوگؤرمه‌دیم آنین کیبی بیر گون، پروین‌ایله‌قونوشدوغونو بیر قمر، ای دوست.
طفل اولدو بو عقلیم نئجه پیـر ایسـه لبینلـه، نه‌کی، الینه گیریر ایسه، طفل امر، ای دوست.

258
کؤنولـه ایـردی بیـر نـازک بشـارت، کـی جـان و عقلـه ایریشـدی اشـارت.

1– ار نیست، وگر هست = اگر یوخدور و اگر واردیر.

تالـــادی گـــؤزلری کؤنولـــوم ائـــوین، قیلیـــر کیرپیکلـــری جـــانیمی غـــارت.
نـــه قیلـــدی جانـــدان اؤزگـــه آلســین آنـــی، کـــی، قیلـــدی حســـنی کؤنولـــده عمـــارت.
خـــراب ائتـــدی ایســـه نولـــا کؤنولـــو، چـــو قیلیســـار آنـــی ســـونرا عمـــارت.
صـــبا نقـــل ائیلـــه‌دی جانیمـــا بیـــر ســـؤز، کـــی بـــن قیلیمـــازام آنـــی روایـــت.

259 فتنـــه‌ی آخـــر زمانـــه اولـــدو بـــو قامـــت، طور اورو سالین بیگـیم کـی قوپـا قیامـت.
قـــانیمی چـــوخ ایچـــدیلر آنـــین اثـــری‌دیـــر، مـــردم چشـــمینه آلـــدی ایســـه ســـقامت.
عشق سپیشـکندورور کؤنلونـو ای معشـوق، قیلمـــا ســـنی ســـئودیگینه بونجـــا ملامـــت.
بـــن قومـــازام ایرمـــه‌گـــه یئنـــه ســـانا بنـــی، یوخ ایسه سـهل ایـدی اورتالیقـدا مسـافت.
اولمـاز ایسـم بـن نئـدیم بـو گئجـه سـانا، عاقبـــت‌الـــامر ایشـــیم اولـــا نـــدامت.
سؤیله کـی معجـز گؤزونـه نقطـه آغیـزدان، وئـــر لبینـــی آغزیمـــا و آنلـــا کرامـــت.
آتدیم اؤزوم بولـدوم ایسـه نـور علـی نـور، فـــانی اگـــر اولـــدوم ایســـه خیـــر و ســـلامت.

260 دوشـــن ســـندن آیـــری نـــه گـــؤرور قیامـــت، ســئوەن اؤزگـــه خـــوبی نـــه بیلیـــر نـــدامت؟
لبـــین معجـــزه‌ســـی دیریلـــدیر اؤلویـــو، ســـاغالدیر گـــؤزون ســـایرویی ز کرامـــت.
نگـــارا، قـــانیمی روامـــی ایچرســـین، توتـــاغین قیزیلـــی دگیلمـــی علامـــت؟
دئـــدیم عاشـــقینم، دئـــدی جـــانین اوینـــا، روادیـــر، بـــو دعویـــه گـــره‌ک شـــهادت.

بـــودور حـــاجتیم کـــی، نگاریمـــدان اؤزگـــه، بانـا وئرمـه‌یـه حـق دخـی اؤزگـه حاجـت.

261 کؤنول‌کی، دوشدو بو بنده ز خوبدور غایت، چو دلی دوشدو بو بنده، ز خوبـدور غایـت.
فتاده ایـدی کؤنـول سـاچین ایلـه و پامـال، کی دوشدو مشکله بنـده ز خوبـدور غایـت.
لبین‌کی، قندایله ایروردی قان دیله، ای بگیم، چو قانـدا ایـروره قنـده ز خوبـدور غایـت.
بـو هنـدو صـفحه‌ی کـافوردا نـه عنبردیـر، بو خـالی بـرگِ سـمنده ز خوبـدور غایـت.
بجـز کـی، سـرو قدینـه قـرار قیلمـادی دل، چو همّت ایردی بلنـده، ز خوبـدور غایـت.

262 گـــؤزون قیلیـــر لبینـــدن بیـــر حکایـــت، کـــی حســـنوندور جهـــان ایچینـــده آیـــت.
بـــدایت حســـنه کـــیم نـــه بیلـــه کیمـــدن- ولـــــی تحقیـــق تاپونـــدور نهایـــت.

لبیندن کؤنولومه گؤزدن گؤزومه   قیلیبدیر قان و سرخوشلوق سرایت.
جمالین غایتی‌دیر حسنون، ای دوست،   آنینچون شعریمیز ایردی بغایت.
لبین فتوا وئریر قانا، نگارا،   آغیز- آغیز قیلیرام اوش روایت.

263
گؤزوم قیلالی لعلیندن حکایت،   یاشیمداندیر نگارینا شکایت.
ساچین قوخوسو تولموشدور جهانا،   مگر باد صبا قیلدی روایت؟
نگارا، راست آیدالیم‌می سروین،   قیامتدیر، قیامتدیر، قیامت!
قمر شق اولدو، پروین اولدو گویا،   بیریدیر معجز و بیری کرامت.
نزار و زار افگارام، نگارا،   عجب یوخمو تاپوندا بیر فراست؟
سقیم اولالیدان گؤزون دیله‌مز،   کی، ائشیگینده اولا بیر سلامت.

264
اینجه‌لیک ایچینده بئلی غایت   بیر طاقی گؤتوردو ز کرامت.
سروینی قیلیر ایسه خرامان   قوپار بو تنیمده یوز قیامت.
میعاد وصالی هیچ بیلیرمز،   زیرا کی، مُغیس اولا سعادت.
بیر گولدورور ایسه، آغلادیر بین   برق اولا یاغیشا هم علامت.
باخسین یوزونه اؤزون سیناسین   آنلار کی، قیلیر بنی ملامت.
چوخ خسته‌لرین قانینی ایچدی   گؤولشدی گؤزونه شول سقامت.

قان ایله گره‌ک وضو آلا دل   تا آیریلا عادت و عبادت.

حرف د

265
گؤزلرینه قول اولونوز یا عباد،   کی بولاسیز عشق ایچینده ازدیاد.
گؤزلرین اوینار فرید و ها اؤتر،   یئگ دگیلمی صد هزاران از زیاد؟
بن یولونا جان وئرەم و جان اوتم،   آدمیه دنیادا یئتر بیر آد.
بو دمین خاقانی سنسین، ایچ آیاغ   قانی قیصر، قانی کیخسرو و قباد؟
سن بو ملکه نیشه قیلدین اعتماد-   چون سلیمان تختینی گؤردون به باد؟

266
صد آه و بین نفیردورور صد هزار داد،   کی بولمادی بو عالم ایچینده کیشی مراد.
آدم اگرچه خاکی‌دیر آنی هوالاری   اود ایله سونون آرالیغیندا وئریر به باد.

سنلیکدن اؤزگه سنده نه کی، وار و اولیسـار،
قیلمیشـــدورور قاموســـو یارادانـــا انقیـــاد.

فرقــی ســوادی وجــه قیلیرســان وجودونــا،
روشن اولا سـانا بـو کـی، انّیـرٌ فـی الصـدا.

سات وارلیغینی یوخلوغـا و ایـر بقایـا سـن،
موجودونا چو جود ائده کیشـی، اولـا جـواد.

سؤزو تاویل قیلماغیل، اولاغیـل فریـد سـن،
گر خانه‌گیـرِ وحـدت ایسـن، اسـدامه زیـاد.

آه، عنـان گُسسـته‌یـی چـون گیزلـه‌ییمـه‌زم،
بوینونا نوخداسین تولادیم هر چـه بـادا بـاد!

267

لبین ایله، شها، اولـدو شـکر مصـرده کسـاد،
فریدِ عشق اولانین سـؤزو نئجـه اولـا زیـاد؟

نگارا، عشقین اودو یوره‌گیمده قومادی سـو،
ساووردو توپراغیمی، یعنی هر چه بـادا بـاد.

گره‌ک کی، عالمه اولا گـؤزوم یاشـی توفـان
نولا یاخیلدی ایسـه سـیلی ایلـه بیـر بغـداد.

چو گؤردو طـوبی قـدین عنبـرین سـاچینی،
گؤره‌ک‌کی، اودوناعود اولا سرو ایله شمشاد.

چمن عروسـلارینی قـول و قـاراواش تاپونـا
مگر کی، سرو ایله سوسن[1]، قیلیر ایسن آزاد.

268

عیش‌ائده‌لیم‌کی، اولا اول عیشدن دلشاد شاد،
بیر ایش ائده‌لیم بو شاردا کیم، قیلا بغداد داد.

خوابی‌قویالیم و سرخ آب آخیدالیم آنجا کی،
قیلمایا بیزدن وجـود، اولـا جهـان آبـاد بـاد.

زلفــو ایلــه بــن پریشــان و لبیلــه خــرّمم،
بنــده‌ام ســروینه کــی، اول دنیــادا آزاد زاد.

گر اولام قربان، شاها قاشین یایینا گلمـه‌گـه،
گؤزومه نـوروز روزی، کؤنلومـه اعیـاد یـاد.

کؤنولوم سادی گؤزوندن عین لطف آنلایـالی
تویدوکی، تویارایمیش ازصنعت ارصاد صاد.

269

اگرچه وعـده‌ی وصـلین بنـی قیلیـر دلشـاد،
فـرات ائیلـه‌یـه‌یـیم یاشـی هرچـه بـادا بـاد.

ساچین قیلین الیمه وئر کی، بئلینـه ایریشـم،
سـنین ایلـه گـل ائـده‌لـیم یئنیلـه بیـر بنیـاد.

نگارا، حوری‌می‌سین؟ پری‌نین بو فرّی یوخ،
عجب بودور کـی، فرشـته‌یـه بنـزه‌ر آدمـزاد.

فریدِ عصر تاپوندور کی، خانه‌گیـر اولـدون،
تاویل ائتمه‌یه‌لیم سؤزو عشقین اولـدو زیـاد.

تاپیندان آیری جانین دونیادا نـه‌دیـر عیشـی،
زیرا کی، اولمایا، اولماز ایسن بی‌لاد و عبـاد.

270

نـــه ال اولـــور نگارینـــا، نـــه ســـاعد،
ایکیســـینه دخـــی حقـــدیر مســـاعد.

1– نسخه ده سئوسن یازیلمیش.

ساچی کافر، گؤزو جادو، اؤزو تورک، | کؤنولوم کی، شهیدینه مجاهد.
نه شاهددیر کی، قانیمی بیلیر شهد، | قانیم ایچدیگینه لبلری شاهد.
کؤنولوم یوزونه عابد اولاندان، | دخی یوزدن بو گؤزوم اولدو زاهد.
بنفشه راکع و سرو اولدو قایم، | اولالی حسنونه بو بنده ساجد.

271

ازلده آیری دگیل ایدی هیچ بود و نبود، | کی میل قیلدی ایدی بودونا بو بود و وجود.
آنین اوچون بو حبیبه خلایق اولدو محب، | کی‌گلمه‌دین دخی حق آنا اولدو ایدی ودود.
قاشینداساوّه روحوم دوزمه‌دی ایکی محراب | یوزده‌دگیلمیش‌ایدی‌عشّاقا، ای‌صنم، مسجود.
قاشین‌کرشمه‌سی قیلدی بیر نئچه‌سین مقبول | گؤزون‌ایتیشمه‌سی‌ائتدی بیرنئچه‌سین مردود.
هوا به حکمِ ازل قیلدی کؤنلومه آنی کی، | قیلا به حکمِ ابد قبرده آتش اوخدود.
عجایب آتش اولور عشق اهلی آتشی کی، | یاخار اودا نه‌سینی وار ایسه بیلیر مزدود.
الیمده‌سن‌یوخ ایدین وارلیغیمی یاخدیم اودا، | کی جود اولمایا الّا، مگر کی، بالمجدود.
جمالی کسوتی ایچره تجلّی ائیله‌مه‌سن، | جلالی سرت قیلا ایدی عابد و معبود.
یاناقلاریمی سنینچون قیلیرام اوش دینار، | نولا چو یوسفه اولدو دراهمی معدود.

272

سین- سین‌ایاغی‌ساقی‌وسن چنگینه آل عود، | گئییسه قوپا ایشبو نفس ساعت موعود.
گلمه‌میش ایکن نقش جمالین بو جهانا، | اولمامیش ایدی بت دخی بو دونیادا مسجود.
اول اودا بیراخدی کؤنولو حسنو نگارین، | کی، سهل اولا قاتیندا آنین آتش نمرود.
آهیمدان، ای‌شه،یوزونونئچون قاچورورسان؟ | عوداوددا قاچان یانسا قیلیر دودو گؤزه سود.
بیر عشوه ایله تور دئر ایسن اؤلولره سن، | اول لحظه قیامت قوپا معدوم اولا موجود.

273

یاخما خلیلین دیلینده آتش نمرود، | اولمایا آتشکده بو خانه‌ی معبود.
چنگِ نوایی قوما کی، یومشانا کؤنول، | تاغلاری دیلتمه‌دیمی نغمه‌ی داوود؟
جود یولونا وجودو ترک ائده کؤنلوم، | خاصه آنا کولماز ایسه اولمایا موجود.
شول سویو سونغیل بانا کی اود اولا فعلی، | تا کی اولا تیزتر بو آتش موقود.
هجرین ایله یاندیغیما شکر قیلیرام، | وصلین ایله عاقبت اولور ایسه محمود.

274

رسـم جفـادیر، نگـارا، عـادتِ معهـود، اولـدو دمـی کـی ایـروره وصـلی معبـود.
پرتـوی حسـن ایـدی کـی گـؤردو ملائـک، آدم خـاکی‌یـی کندولرینـه مسـجود.
مشک ساچینی گـؤره‌لـی مجمـره دوشـوب، عـود دماغینـا بـاخ کـی نئجـه چیخـار دود.
نـور دورور عشـقی اودو صـافی کؤنولـه، یاخمایـا هرگـز خلیلـی آتـش نمـرود.
جور و جفا خوشـدورور چـو عشـق ازلـده، یـازمیش اولـا بیـر کیشـیه طـالع مسـعود.

حرف ر

275

گؤزلریندیر حسن ایچینده ای نگارین آلالـار، نئجه بیر سئحر ایلـه عقـل و کؤنـول آلالـار.
بـن کـی عشّـاقین نواسـینی نهفتـه قیلیـرام، بو سپاهان پـرده‌سـینده نـه روادور چالالـار؟
بحرحسن‌اولموش‌جمالین، دل‌گره‌کدیر آشینا، کی جواهر بولماق اوچون آنا قارشـی آلالـار.
حور و پری و انسـان و فرشـته جملـه‌سـی، چون نقابین گؤتوره‌سـین سـنه والـه قالالـار.
اهل عرفان بیر نظرده نـه ایـدیگینی بیلـوبن، جـان آدیـن سـنین قاتینـدا آنماغـا اویالالـار.

276

گیرمز الـه بـو دنیـادا گـر دیلـر ایسـن یـار، کندوزونو بو درد ایلـه، ای دل، اریسـن یـار.
چون دل دیدیلر بو کؤنوله کیرپیگ ایلـه دل، اسیرگه‌مه، سؤزومو ائشیت، دیلر ایسـن یـار.
تشنه‌لیک اودونا، ای کؤنول، یان بولامازسین، آغزیندان آنین آلماز ایسـن دل اریسـن یـار.
معشوقه‌یه دئدیم کی، اگر حسن ایله یئندین، ارنلـره باخمـا نولـا چـون دل اریسـن یـار.
یا روح دئمه‌دیـن دخـی جـان تاپینـا واریـر، بیر رمز ایله دک دیگیل، اگر دیلر ایسن یـار.

277

چو گولده حسـن جمـالینی دلبـرین یازالـار، خطین گؤرورلر ایسه قامولار گـره‌ک آزالـار.
کیشیده‌کی، اولا بیرجان‌گره‌ک‌کی،گؤزه‌دوشه، اگرچه جهد ائدیبن خوبلار گؤزون سوزه‌لـر.
ساچی قیلینا یاپیشیب بـو یولـا بـن واریـرام، هدایت آنلارین اولـا بـو یولـدا کـی، آزالـار.
صبااولا چو دوشه گؤزلری‌نین اوخو صواب، خطایا یازمایالار چونکی بیـر اوخـو یازالـار.
یوزو ایله‌ساچی‌تک‌اولمایا گئجـه- گونـدوز، جهان اؤزویلـه سـاچی قیلینـی اگـر اوزه‌لـر.

278

نسیمِ صبحدم تئز گل، یارا بیزدن سلام آپـار، یوره‌گی تولوقان‌ائتدیم الیندن گلسه جام آپار.
یوزونه‌زلفونوتاغیت،گتیرشامی‌گئده‌ر صبحی، گئده‌رزلفونو یوزوندن‌گتیرصبحی و شام آپار.
زلالین یاری‌نین، شها، بو تشنه‌دن دریغ ائتمه، حلال‌اولسون سنه‌قانیم، حلالی‌وئر، حرام‌آپـار.

قانیمی‌قاراگیسوسی‌چوخشک‌ائیله‌دی‌مشک‌آلدی،
آرادا بیربدن‌قیلدی‌کی، بیر اود اولدوخام آپار.

وجودوما دئدیم‌بن‌دون‌کی،وئربارلیغی‌سن‌یارا،
نه‌جانی‌قو و نه‌جسمی بو اورتالیقدا نام آپار.

279

گل، گل کی، کؤنولومده قالمادی قرار،
تئز گل کی، یوره‌گیمه دوشدو یانار.

شعر اولدو بنیم تنیمی یانار یوره‌گیم،
گر گئجه گلیر ایسن دوزولدو فنار.

یوره‌ک قاناماز لیکن سن غمزه‌لرینی،
دپره‌دیر اولور ایسن فی‌الحال قانار.

بو اورتادا نگاهین سوندوم بئلینه،
ایرینجه کنارینا ائیله‌دی کنار.

دار ایله دیاری دیل هم سنین اوچون،
دیلر دمینی سینه دار ایله دیار.

280

بو زهره یئنیله ساز ائده‌ر، اوخشار،
محیّرلره شهناز ائده‌ر، اوخشار.

بو قوشجا جانیما اسیرگه‌مه‌دین،
لاچین گؤزلرینی باز ائده‌ر، اوخشار.

جانیملا گیسوسونو وئردی یئله،
هوادا بیزی سرباز ائده‌ر، اوخشار.

بیزه بیر بوسه‌یی بین جانا ساتدی،
بها اولدو ایسه ناز ائده‌ر، اوخشار.

آغیزی نقطه‌دن ائده‌ر یوز آیت،
مگر دعوی و اعجاز ائده‌ر، اوخشار.

بنی قیلدی سمندر اودو ایله،
قیشی دخی مگر یاز ائده‌ر، اوخشار.

کؤنول قاندان چیخینجا گؤزو قاپار،
قارا بهرینی پرواز ائده‌ر، اوخشار.

مگر اغیار ایله یار اولدو اول یار،
بیزیمله رازینی آز ائده‌ر، اوخشار.

مدام ائتدی یوزومده سیل خونی،
مگر روم ائلینی ساز ائده‌ر، اوخشار.

281

نئجه‌بیر قارشیمیزا گؤز ایله قاش اوینادیسار،
قاچان‌ایسه بو یولا جان ایله باش اوینادیسار.

یوره‌گی‌تاش، قامتی‌نِی، کیرپیگی تیر خدنگ،
نئجه بیر یوره‌گیمه اود ایسه تاش اوینادیسار.

تروخشکی قویالیم، محو ائله بیزدن کئچه‌لیم،
زیرا دلبر یولونا قورو و یاش اوینادیسار.

نئجه پنهانی توتا عشقینی جانیندا کیشی،
سؤزوسازینداچوعشق‌اهلینی‌فاش اوینادیسار.

شول‌محلده‌کی، باش اوینایا قولون یولا گئده،
قایدادیر،گؤره‌لیم،اول‌کیشی‌کی،شاش‌اوینادیسار.

282

گؤزون‌یئنه‌قاش‌یایینی قورموش آتار اوخشار،
بیر یایا دگیل قانی اولامی چاتار اوخشار.

کؤنول ائلینی یغمالادی جانی آپاردی،
دلدی یوره‌گی، ایچدی قانینی تاتار اوخشار.

زنـــدانا بوراخـــدی، زنخدانینـــدا کؤنلومـــو،   شیمدی‌ساچینی‌بوینوناتاخدی ساتار اوخشار.
گؤزومه گؤزوکمه‌دی، خیالی تولـالی یـاش،   تاشخوندورور ایرماغی‌گلیرسه باتار اوخشار.
هر لحظه هزاران دل و جـان بنـدن آپـاردی،   نئجه کی، نظر قیلا دل و جان بیتـر اوخشـار.

283

نئچه خمار گؤزون، دلبر، بیخـواب اولیسـار،   نئچه شراب یاشیم یوره‌گیم کبـاب اولیسـار.
خطا نئچه‌سی دئیه‌م چین زلفون اوچون بـن،   نه فکر نازک ائده‌رسم قامو صواب اولیسـار.
بنای‌عشقی‌کؤنولدن‌چو قیلدی مست گؤزون،   همان دم اولدو یقین کی، بانا خراب اولیسار.
چو عقـل طفـل بیکـی بندینـه اسـیر اولـدو،   تاپوندا نئچه بنیم کیبی شیخ و شاب اولیسار.
آجی کله‌جیلرین چونکی تـاتلو گلـدی بانـا،   جانیما عـذب لبـین لـذّتی عـذاب اولیسـار.
خیـالی نئچـه خیـال اولمایـا گؤزومـه بنـیم،   چوخوابی‌گؤزلریمه‌بیلیرم‌کی، خواب اولیسار.
سـورار ایـدیم توتاغینـدان کؤنولـه مفـرّح،   آغیزین آچار ایسن مطلقـا جـواب اولیسـار.
گله دئیو گؤزومه هـر نفـس عـروس خیـال،   بوکیرپیگیم‌نئچه بیر قان ایله خضاب اولیسار.

284

قیلیــــردیم لبلــــری ذکرینــــی تکــــرار،   گــؤره‌لــی گیسوســـوندا جـــیش جـــرّار.
قیلیـــر لعلـــی کؤنولـــه قـــانی مرســـوم،   قیلیـــر گـــؤزو گؤزومـــه یاشـــی ادرار.
گـــؤزه - گـــؤز کؤنولـــو الـــدن آپـــاریر،   گـــؤزو تـــک اولمایـــا دُنیـــادا عیّـــار.
لبـــی ســـوچو ایلـــه اســـریتدی بنـــی،   خطـــی گؤســـتردی جـــانیمیزا اســـرار.

کؤنولـــو غـــارت ائتـــدی جـــادو زلفـــو،   ساناســـین قدســـه آخـــین ائتـــدی کفّـــار.
اگـــر قولـــون ســـالیب رقصـــه گیـــره‌ســـین،   قالـــا حیـــران ســـانا بـــو چـــرخ دوّار.
لبینـــی آغزیمـــا وئـــر کـــی، گـــؤره‌لـــر   قیلانلـــــار اؤلـــــو دیرلیگینـــــه انکـــــار.

285

بن اودا یانارام یاش ایله نـم – نـم اولیسـار،   شاهیم نئچه‌کیم‌وارایسه‌پس کم- کم اولیسار.
ال ایلتـور ایسـم تانـا یئتـر خـون جگـردن،   اولمایا عجب عشق ایله گر دم – دم اولیسار.
عشق اهلی صفاسـی اولیجـاق زمزمـه ایلـه،   اولمایا عجب گؤز یاشی گر زمـزم اولیسـار.
کؤنلوم‌دلی‌دیر توتاغین امسم، نولا، ای جان؟   ناچار بنـیم دردیمـه اول ام – سـم اولیسـار.
جـانیمی آپاریرسـان و کؤنـول قاپاریرسـین،   شادی‌دخی پس یوره‌گیمه هم – هم اولیسار.

286

خمر ایچمه‌دین نگار گؤزونون خماری وار،   پیوسته عشق ایله قاشی‌نین کار و باری وار.

قیلدیم رقیبدن گیله آیدیر کی، ای فلان،   نرده کی گول اولور ایسه، البته خاری وار.

قاندا کی، بیر رقیب قیلیر نوحه گئجه‌لر،   یا در دیار اولمایا، یا درد یاری وار.

یوز گؤز ایله خیالینی دیلر بو گؤزلریم،   چوخدور شرابی زر طبقینده نثاری وار.

گول غنچه‌ده حیا ایله گیزله‌دی یوزونو،   لابد عیارینی بیله هر کیم کی عاری وار.

اورور یمینی مصحفه هر کی، امین ایسه،   کی، گیزله‌مه‌یه سانا بدن یساری وار.

بیر داغ اور دئدی زمانه‌دیر گؤزون بانا،   اونونمادی دخی یاراسی و قوخاری وار.

287

سبزه و روی نگار و نوبهار،   کؤنلومه قومادیلار هرگز قرار.

اؤلولردیر کیم دیری اولموش قامو،   گر اولواالباب ایسن قیل اعتبار.

اختیاریم قالمیشدیر حق بیلیر،   قیلالی کؤنلوم تاپونو اختیار.

گر رخونچون شاه مات اولام، نولا،   نطع[1] ایچینده بن پیاده، سن سوار.

اول میانین گر کنارین بولمایام،   بو میانیندان نئجه قیلام کنار؟

باری بئلینه وئره‌ن باری اوچون،   گئتمه‌دی بو کؤنولومدن باری بار.

کیم کی، بیر تاتارینا گیسوسونون،   وئریر ایسه کؤنلون، اولور تار و مار.

288

یوزون دری ایله بو گؤزوم نم – نم اولیسار   اولماز اولور ایسه‌بو گؤزوم نم- نم اولیسار.

دمدور یوره‌گیم غمزه‌ن ایله و دمیدور کیم،   اول دم دل و جانیمدا بنیم دم- دم اولیسار.

بن گؤزلری‌نین سایروسویام، واردور امیدیم   کیم لعل لبیندن جانیما ام- ام اولیسار.

چون یار جمالی ایله عشق ایردی کماله،   بو اورتاداشیمدن‌گیرو بس کم- کم اولیسار.

دؤکوله‌لی زلفو یوزونه بیلدی جانیم کیم،   شول‌یئرده‌کی، شادلیغی‌اولا هم- هم اولیسار.

289

تاپوندان آیری دیریلمک بانا محال اولیسار،   ولیک بیلمه‌زم آنا قاچان ماحال اولیسار.

یوزونو نئجه قیلام وصف، نئجه‌دور دئیه‌ییم،   عطاردآندا چو شَل‌زُهره چونکی لال اولیسار.

بویوم قاشینلا یای اولدو و اوخ کیبی توغرو،   دئرم کی، بدر یوزونله تنیم هلال اولیسار.

1– گؤن بیر بوسات، گؤندن دوزلمیش بیر یئره سالینان.

کؤنول دوشه‌لی آغزینا اولدو کی دلتنگ تنیم خیالی ایله بئلی‌نین خیال اولیسار.
بئلین قیل ائتدی، قالا اوردو عشقین اودو، ایکیسی‌دخی‌چو اولدو نه قیل و قال اولیسار.
امیدیم اول کی، توتاغین اولا بانا قسمت، اگرچه نقطه‌لرین قسمتی محال اولیسار.
مفرّح ایسته‌رم اول لبلرینی سئوداما، جوابا راضی دگیلم چو اول سوآل اولیسار.

290
جان‌دیلرسن‌جان‌کَسه‌گِی‌بیزه‌گل،تک‌جان آپار اتک- اتک گؤزلریمدن لؤلؤ و مرجان آپار.
دردین‌اول‌دورکی،یانام‌دردین‌ایله‌بن‌دون‌وگون، دردینی دئردیم بیرینی هر نفس درمان آپار.
جان بیریبیردیر لبینه یئنه عقلین بانا دئر دیرشور اؤزونو یئترسن، زیره به کرمان آپار.
بن بو دُنیادان، شها، عشقین اودون آپاریرام، سن‌دخی‌خوش‌واربیزیمله‌خیرایله‌احسان آپار.
وارلیغی عاشق وئریر بیر طرّه‌سینه زلفونون، بونجیلایین کیم بولیسار کفر ایله ایمان آپار.

291
تولو وئرایاغی،ساقی،سوسامیش‌جانی سووار، اول‌ایاقدان‌اؤزگه‌کیمدیرکی،غمی‌بیزدن‌قووار؟
آل‌آیاق، اور بیر ایاغ، وئر توپ- تولو الیمیزه کیم جانیمیز الیمیزده تولو ایاغی سئوه‌ر.
گؤزوم اینجه بئلینی قالین یاغییلا اوغرامیش سن‌چوبیلیرسین بنیم‌کؤنلوموکی،یاغی یاسار.
بیراسیری‌یم آنین، هئچ بیلمه‌زم حسنو نئچون گیسوسونو بؤلوک ائیله‌ییبن قوشون یاسار.
بن‌اؤزون سئوه‌رم اول اؤزگه‌یی تعریض ایله، اورتایا گتیریبن نئچون بیزه اؤزو قاتار؟

292
نه سرور خوبسان، جان کی، جانین‌سندن سُروری وار،
نه گونش‌سین کی، گونشین جمالین ایله نوری وار.
باشین‌اوچون کی، حوری‌نین تاپوندان هیچ فرقی یوخ،
مگر ایشبو قدَر آنجاق کی، حوری‌نین قصوری وار.

شها، زلفونده جانلارین ساغیشین کیمسه‌نه بیلمز،
هزاران جان آسیلمیشدیر نه یئرده کیم قصوری وار.
شها، مستانه گؤزلرین ایچیجک قانیم ایاغین،
کؤنولوم‌شؤیله مخموردور کی، جانیمدان‌بُخاری وار.
ساچین عنبردورور، شاها، ولیکن قاتی برهمدیر،
لبین شَکّردورور، شها، ولیکن طُرفه شوری وار.

293
ای لبـــین خَمـــر و گـــؤزلرین خَمّـــار، زلفونــــه ایــــره‌لـــی صـــبا بیمـــار.
جـــان گـــؤزو ایلـــه آشـــنا اولـــدو، ثانیـــا اثنینـــی اظهّمـــا فـــی‌الغـــار.
مـــن کـــی، منصـــور لشـــکر عشـــقم، نولـــا زلفونـــده کـــی گـــر اولـــام بـــردار.
راســـتی کـــیم مخـــالف ایســـه بانـــا مایــــــه‌دیــــــر در میانــــــه‌ی ادوار.
بـــن فلـــک فیلکـــه‌ســـینی آلـــدیم الـــه، کـــیم اولـــا ثابـــت و کیمـــی ســـیّار؟
گیـــرده چـــرخین ازلـــده گؤرمـــوش ایـــدی، بـــــو فلکلـــــر کـــــی، گؤزوکـــــور دوّار.
قویومـــــــازام لبینـــــــی آغزیمـــــــدان چـــونکی شـــیرین‌تـــر گـــره‌ک‌دورور تکـــرار.

294
زلفون‌تاغیدیب هرگئجه‌پُرچین‌ائده‌ر اول یار، یعنی‌کی، جانیم‌عشقینی پَرچین ائده‌ر اول‌یار.
قیزیـل یانـاغی، قـارا سـاچی، آل توتاغیلـا یاشیم ایله بنیزیمی رنگین ائـده‌ر اول یـار.
مگـر کـی، خیـالینی گـونیلر بـو گؤزومـدن، هر لحظه بنیم جانیما بیر کین ائده‌ر اول یـار.
هرچند کـی، عشّـاقی آنـین ساغیشـا گلمـز، جور ایله جفایا بنـی تعیـین ائـده‌ر اول یـار.
کیرپیکلریلـه گـؤزلری یـوره‌گیمـی یازمـاز، نازک بودورورکی‌آنلاری‌تحسین‌ائده‌ر اول‌یار.
گر اؤگر ایسه شـول شـکر آغیـز ایلـه نولـا، آندان نه‌کی، گلیر ایسه شیرین ائده‌ر اول یار.

295
نگارا، نئجه گؤزلرین کؤنـول ائلینـه آخالـار، کمینه عشوه‌لر ایله نه‌میـز وار ایسـه یاخالـار.
کیمین اته‌گی گیرورسه اله‌عاشق سوریجاغاز، هله‌بیز راضیبوز،توتون‌قودوق،اورتادا یاخالار.
سنین‌عشقینی‌قیلمیشیز کؤنولده‌گیزلی نه لازم، کی‌بنیز رنگی، گؤزیاشی‌آنی دونیادا چاخالار.
گیریســه‌رم کنـاریچون میانینـا جفاسـی‌نـین، بن‌آنا ایریجک گره‌ک ایراقدان بونجا باخالار.
سئوه‌رم،سئویسه‌رم بن‌نه لازم قاشلاری آنـین، کی اگریلیک بیلیر دئییبن آنی باشیما قاخالار.

296
ســـندن آیـــری کؤنـــول خـــراب اولیســـار، لبلـــرین ایلـــه فـــتح و بـــاب اولیســـار.
تـــا خیـــالین باســـا گؤزومـــه مگـــر، یاشـیم اینجـی، یـوزوم عـذاب اولیسـار.
عـــــذب توتاقلـــــارین خیـــــالی ایلـــــه، گئجـــه- گونـــدوز بانـــا عـــذاب اولیســـار.
دردی دورور شـــراب و وصـــلی ســـراب، اول شـــــرابی بانـــــا ســـــراب اولیســـــار.
نـــه کـــی، زلفونـــده گونـــدوزون گـــؤردوم، اول گؤزومـــه بـــو گئجـــه خـــواب اولیســـار.

اول خطـــایی کـــی، زلفـــو پرچینـــدیر، حجّتـــی جانیمـــا صـــواب اولیســـار.
آنجـــا آخـــا گـــره‌ک گؤزومـــدن یـــاش، کـــی جهـــان تـــوپ- تولـــو حبـــاب اولیســـار.

297
کیشی‌کی، سئومه‌یه‌سنی، ای‌بگیم،جانیمی‌وار، دپه‌لرلرسه آنی، شرع ایلـه دئ، قـانیمی وار؟
کفر و ایمان دوتـالیم زلفـون ایلـه یانـاغینی، آنلـارا تاپمایـانین دئ بانـا ایمـانیمی وار؟
مردمین‌نه ایشی وار کی، گیره عاشق گؤزونه، گؤزده معشوقه‌دن اؤزگه‌دخی انسانیمی وار؟
سنی‌گؤره‌ن سنی‌قویوب کیمی‌سئوه دئیه‌سین، دونیـادا سـنجیله‌یـین آدمـین امکـانیمی وار؟
عشقدیر جمله‌یه گلدی، بیزه گر آرتیق ایسـه ائده‌لیم، بو گله‌نـین درهـم و میزانیمـی وار؟
سو کی سرو آیاغینا یوز یئـره اورور نئچـون، قدِ سروین کیبی باری ایکی رومّـانیمی وار؟
رحمتین یاغمورونو دمبدم اوماروز، ای شـاه، کیمسه‌نین سنجیله‌یین خزنه‌ده عمّانیمی وار؟
توتساق‌اولماق‌یوزونه،جانیمادیرهر دو جهان، عنبـرین سلسـله و سـیمده زنـدانیمی وار؟
دردینه دوشه نه درمان یئنه دردینـدن اولـور، دردینه وئرسین اؤزونو دخی درمـانیمی وار؟

298
نئجـــه بیـــر عشـــقی اودو بینـــی یاخـــار، نئجـــه ســـئودایی زلفـــو باشـــا قاخـــار.
جـــانی لطـــف ایلـــه خـــود لبـــی آپـــاریر گـــؤزلری قاشـــدا گـــؤز دورور کـــی، باخـــار.
گـــؤزه آغـــزین خیـــالی گلـــه‌لـــی‌دن لعـــل ایلـــه لؤلـــؤ ایـــراق اولـــدو آخـــار.
پـــرده قیلـــدیم قـــانی ســـاری بنیـــزه بـــو دخـــی بـــدتر اولـــدو عشـــقی چاخـــار.
یـــوره‌گـــیم گـــؤینر اودا آغیزینـــی اور آغیزیمـــا گـــؤر کـــی، نئجـــه قوخـــار.

299
ای نئجه مسکین کؤنول اولموش ساچین دانـه خاکسـار،
وی نئجـه سـئودای جانلـار کانـدان اولمـوش بیقـرار.
اختیـــاریم چـــونکی یـــوخ شـــول اختیـــارا ایرمـــه‌گـــه،
اختیـــار اول‌دور کـــی، قیلـــام بونـــدا تـــرکِ اختیـــار.
تارومـــار اولـــدو غوموتوتمـــا عجـــب شـــول گیســـودان،
هـــر بؤلوگـــو بیـــر چریـــدیر آنـــین و هـــر تـــار و مـــار.
قـــانلی یاشـــی عشـــق اری نئجـــه‌ســـی گیزلـــه‌یـــی بیلـــه،
باخیجـــاق بـــس بللیـــدیر گـــؤزده‌کی، یوزونـــدن آخـــار.

عشـــق اری بوخاکیـــه ایـــردی ســـویون قیلـــدی هـــوا،

بـــو هـــوا اودونـــا یانـــدی و دوخـــان اولـــدو بخـــار.

عـــاردان گـــل آری اول و نـــام نـــامی قیلماغیـــل،

اهـــل دل قاتینـــدا اولـــور نـــام ایلـــه نـــاموس، عـــار.

گیزلـــه‌مـــه‌گیل‌خـــالینی، شـــهاکی، اول هـــم دانـــه‌دیـــر،

دیـــنِ اســـلامین ایچینـــده جـــایز اولمـــاز احتکـــار.

لبلـــرین بینـــی فنـــا قیلماغـــا وعـــد ائتمـــیش ایـــدی،

زلفـــو ایله‌ایشـــیم اوزانـــدی حـــدّدن آشـــدی انتظـــار.

شـــول‌بئلیندن‌کی، یاراراینجـــه‌لیـــک ایلـــه یـــوز قیلـــی

دوتمـــاییم‌کی، مشـــک آفـــام نئجـــه‌ســـی بولـــام کنـــار.

300

حسنوآغزینداکی،جمع‌ائتدیم‌نه‌اجمال‌اولیسار، گیسونی‌تفصیل قیلدین، یعنی اکمال اولیسار.

شول‌الف‌قدّین اوچون قدّیمی ائیله‌دیم دو تا، یعنی‌کی، عشقینه بو حالت آنین دال اولیسار.

یوزونون گونشی قیلدی یوره‌گیمـی محتـرق بیلدیم‌اول‌دانه‌کی،یوزونده بگیم خال اولیسار.

بن‌وئریرم روح و جسمینین تجلّیسی اوچون، خالص‌اولیسار وجودوم‌کول اولا قال اولیسار.

اول‌نفس‌کی، زلفونه‌تولاشدی کؤنلوم آنلـادیم کی، کیمه‌سئودای خام اویارسا پامال اولیسار.

301

شُکّر کـی، شَـکر آخـار لبلرینـدن، ای دلبـر، شکر کی، گیسولارین ساچدی عالمـه عنبـر.

کیم ایدی حلقه‌ی زلفونـه دلبـرین تولاشـان، هـوا ایلـه قاپیـا قالخماییـنجـا حلقـه‌ی در.

هوا کی، قیلـدی پریشـان نگـار گیسوسـونو، نه لازم اولا دیلی قیلـدی ایسـه زیـر و زبـر.

نئجـه‌سـی قانمایـا لبلـری یـوره‌گـیم قانینـا، نئجه سوسارسا لبی عاشقین یوره‌گـی قانـار.

قدینه قارشی نئی اولوب بئلیمی باغلامیشـام، اولـا کـی، آتـش عشـقین بیتیـره بیـر شـکّر.

302

هوا نسـیمی گـول ایلـه ولـی معطّـر ائـده‌ر، بو رقّت ایله سحابین گـؤزون مقطّـر ائـده‌ر.

ســـحرده بلبـــل شـــیدا تـــرنّم ائیلـــه‌دیگـــی، گولون محاسینینی اولامی کـی، ازبـر ائـده‌ر؟

لبینــه بنـــزه‌دیمــز طـــوطی شـــکّری هرگـــز، نئجه کی عشق اودونا یانیبـان مکـرّر ائـده‌ر.

دوتار چیچک یئنه سیمین سپر فلک اوخونا، اگرچه حدّی دگیلدیر ولیک درخـور ائـدەر.
قوشون کیمیسی محدّث دورور بو مدرسه‌ده، کیمیسی‌واعظ اولوب، سرو اوزره منبر ائدەر.
یاشی اوزون گؤزومونو یئلی صـبانین یئـگ، کی، بیری روضه‌ی تازه، بیری معنبـر ائـدەر.
نه‌حالدیر کی، گؤزون فتنه قاپیسین آچمیش، دیلین خلایقـه رحـم ائـوینی محجّـر ائـدەر.

303

تا وئرمه‌دی جان، ایرمه‌دی جانانـه ایـره‌نلـر، باشین وئریب ایردی سر و سـامانه ایـره‌نلـر.
محو ائیله‌دی ایچـین یاشـینا ظـاهر و بـاطن، تا سهو اولا محبـوب ایلـه سـبحانه ایـره‌نلـر.
بن‌کی‌گؤزه گؤز یاره‌ایریشدیم گوپه گوندوز، گره‌ک کی سؤزون قطع ائده برهانه ایـره‌نلـر.
مردملیک ائدیب سولادی میدانی بو گـؤزوم، میـدانا نولـا گـر گیـره مردانـه ایـره‌نلـر.
سـربازا بـودور کؤنولـوم زلفـون ایلـه کـی، گـوی ائـده‌لـر اؤزلرینـی چوگانـه ایـره‌نلـر.
قاشی ایله عیـد ایـدی بنـین جـانینی قربـان، ائـده‌رسـه نولـا بؤیلـه‌جـه مهمانـه ایـره‌نلـر.
اوّل قیلالـــار زلفونـــو بئللرینـــه زنّـــار، یانــاغین ایلــه لمعــه‌ی ایمانــه ایــره‌نلــر.

304

هوا کی، شول صنمین زلفونو مشوّش ائـدەر، قوخوسونوایرورور بو دماغیما، خوش ائدەر.
هواسی وارلیغیمین توپراغی گؤیه ساوورور، آغیزی‌نین‌سویو یوره‌کده یوز بین آتش ائدەر.
آنی کی زلفو کشیشـلر اگلـه‌دی بـو کؤنولـه، جهاندا آنجیلایین ایشی قانقی سرکش ائـدەر.
بئلی قیلینا وجودو کی، سـالدی گیسوسـونا، زهی‌کی‌قیل‌یارار اونو اؤزونه اوخشاش ائدەر.

یوزونله گلشن ایچینده یانار گولون جگـری، آنینچین آنا صبا شبنمین سویون رش ائـدەر.
صـــبا حکایـــت ائـــدەر بلبـــل جمالینـــدان، قاچان‌کی‌ییر‌تایاخاسینی‌غنچه،اول غش ائدەر.
نه کی ائده‌رسه گؤزون دلفریب ائدەر، صنما، نه قیلیـر ایسـه جملـه‌سینی دلکـش ائـدەر.

305

گؤزوم یاشی جهانی، شـها، سـبزه‌زار ائـدەر، زلفـــون هواســـی کؤنلومـــو بیقـــرار ائـــدەر.
لعـل شـرابی گرچـه، بگـیم، اولمـادی بانـا، مست‌اولورام قاچان‌کی، گؤزونو خمار ائدەر.
کؤنول عرق قیلیرسا حیـادان، عجـب دگیـل، گلگون جمالین شمسی دخی شرمسار ائدەر.
رنگین آخار یاشیم یاشی اوزون نه چاره‌دیر، یوره‌ک دمی دماغیما چون کی، بخـار ائـدەر.
ایشی همیشه قاشی ایلـه دوشـدو کؤنولـون، نــه بــو سـیاه‌کـاره‌یـه پیوسـته کـار ائـدەر.
گره‌ک کی، تار و مار ائدەر تاتاری زلفونـون، هر گوشه‌یی کی، جادو گؤزو اختیـار ائـدەر.

جانیما وئر جانی کی، تنین جانسوز اولمایا، بنـده اولـان، شـها، اؤزونـو شـهریار ائـده‌ر.
خون جگر یئـره‌م – ایچـه‌رم لبلـری قـانین، قصد ائتمه قانیما بـو ایشـی اضـطرار ائـده‌ر.
فیـل پیـاده قیلـدی، آتـین آلـدی رخلـارین، فرزین‌له‌نیز اول ایشی کی بو شهسوار ائـده‌ر.
زلفون ایـره‌ن یئـره قوخوسـونو بولـام دئیـو، سنبل یوزون سوره‌ر اؤزونو خاکسـار ائـده‌ر.
مشکین رسنده اؤزونو منصور ائده‌ر کؤنـول، کنـــدویی پـــای دارده کـــی پایـــدار ائـــده‌ر؟

306
دم‌اولمادیمی کی، عشقی‌بیزیمله‌صاف ائده‌لر، بو سرو بویلولار آخر نئجـه خلـاف ائـده‌لـر.
جمال و لطف و ملاحت بولاردا موزونـدور، ولیک هجر و جفایی قـاتی گـزاف ائـده‌لـر.
آغیزلـاری یارینـا جانلـاری سـلف وئریریـز، روادورور بیـزه آنـی اگـر سـولاف ائـده‌لـر.
گؤزو کؤنلومو آتدی توخوندو جانیمـا اوخ، آرادا آسسـی بانـادور اگـر مصـاف ائـده‌لـر.
آلارا عقل ایله جـان و دلـی مبـاح ائـده‌روز، تعاشـقی بیـزه آنلـار اگـر معـاف ائـده‌لـر.
گؤزو سینانینا کـی، صـاعقه دورور جـزوی، روامیدور کی، یوره‌گیمیـزی غلـاف ائـده‌لـر.
آنی کی ائشیگینی عشـق ایلـه مقـال ائدینـه، روادورور کی، قامو اهل دل طواف ائـده‌لـر.

307
جان‌نه‌جاندیر کی، اول عزم لب جانان ائده‌ر، بونجا گستاخ اولور کی، زیره با کرمان ائده‌ر.
جانی زلفوندن قوشادیب لعلینه باغلادی دل، ز طبیب مهربان کیم دردە بـو درمـان ائـده‌ر.
قاشینی‌گؤستردی‌زلفون‌شؤیله‌کی،کیشی ایدی نه عجبلرسین آنی گر جانیمی قربـان ائـده‌ر.
گؤسته‌ره‌لـی لعـل لبـی ایلـه سـیمین تنینـی، قان‌یاش‌ایله‌ساری‌بنزی عشق اری‌دکان ائده‌ر.
بی‌سر و پا زلفونو دیرشیر کی، نئچه عاشقی، بنجیله‌یین بو جهاندا بی‌سر و سـامان ائـده‌ر.
گؤزلری‌نین گوشه‌سینی بن نئجه دئیم آخـی، بنجیله‌یین صدهزاران‌رندی‌اول مهمان ائـده‌ر.
لبلرینه‌های‌دئ کی، بوکؤنلوموخاک‌ائتمه‌سین، ناگهان چکیشیک ایلـه آرادا بیـر قـان ائـده‌ر.
بن کؤنول ائلینی آنـا دیلـک ایلـه وئرمیشـم، شـاه لطفیلـه آلیـان ائللـره احسـان ائـده‌ر.

308
خالینی گؤره‌لی جانیم عزم هندوستان ائـده‌ر، کؤنلومو عجبله‌مه گر فصد ارزنجـان ائـده‌ر.
روم ائلین گؤره‌لی کؤنولـوم یـورد ائیلـه‌دی، گؤره‌لی گؤزونو لیکن رای تورکستان ائـده‌ر.
زلفو اؤزونو یوزونده گرچه کی، رستم دئیـه سن آنی باشیندان آنلا حیله‌دیر دستان ائـده‌ر.
کؤنلومو چکیشـمه‌سـینلر باللـه لبلرینـه، دئ بوچکیشمک‌قورخارام‌کی، آرالیقدا قان ائده‌ر.

حسنونون‌عشقی‌نئجه‌لیلی‌یی مجنون ائیله‌دی، بس‌نه‌عجب‌کی‌اولاگربیراحمدی‌سلمان ائده‌ر.

309
گؤزلریم نئچه- نئچه یار بئلینه قیلا نظر، نه روا اولا کی، گؤز گر قیلا بیر قیلا نظر.
بن دوتاییم کی، نظر قیلا، نه قیلا نظری، بیر قیلا بونجا یاش ایله نئچه کی، سیله نظر.
دوتاییم کی، یوزونو گؤسته‌ره‌سین فاش بانا، تولو یاش نئچه قیلا بیله سانا پیله نظر.
نه نظردیر بو کی، توخونیجاغاز بو دیلیمه، دیلیمی دیله و گلمه‌یه دخی دیله نظر.
چشمینی باز ائده‌ر و گیسولارین دامگاهینا، گؤز یوزونه باخیجاق یازمایا وای ایله نظر.

310
غرق اولا تنیم هر گئجه بو یاشا نئچه بیر، گؤزومدن آخان یاش باشیما آشا نئچه بیر.
ایچدیگیم ایاغ، شها، توتاغلارین الیندن ییغیلا ایچیمده و تاشا – تاشا نئچه بیر.
باش اولدو یوره‌گیم، صنما، هجرین الیندن، ایشدور کی، گلیر هر گئجه بو باشا نئچه بیر.
اسریتدی گؤزو ورهم ائده‌ر بیزی گیسوسو، پامال اولالیم رند ایله اوباشا نئچه بیر.
جان دیله‌دی بندن کی، لبین آغزیما وئره، اول قتنه‌جه تورمایا بو بولجاشا نئچه بیر.
اینجلدی تنیمی یوره‌گیم تولودورور قان، تن بئلینه، دیل لعلینه اوخشاشا نئچه بیر.
خندان گؤره‌لی لعلینی گؤزومدن آخار قان، گریان اولاییم اول لب بشّاشا نئچه بیر.

311
گلشن یئنه بو صفّه ایچینده صفا دوزه‌ر، نرگس بو خسته‌لیغینی جانا شفا دوزه‌ر.

بنفشه خطّینی آغیزینا آلیر ایسه، سوسن قیلیجی ایله زبان بر قفا دوزه‌ر.
گؤزلری چؤزدو ناگه وفا دوزگون ائیله‌دی، اصلاح ائیله‌دی، لبی ناگه جفا دوزه‌ر.
هرچند آشکاره قاشی بوزدو کؤنولو، گؤزلر عشوه‌لری جانی بر خفا دوزه‌ر.

312
کؤنولومده، شها، عشقین مکرّر، اولاجاقدیر نه کیم اولموش مقدّر.
حیاتی جانیمین لعل لبیندیر، زهی قاضی گؤزون الله اکبر.
لب لعلیندورور ، لعل لبیندور، جانا درمان دئییمه‌زوز مکرّر.
نه کی حسنونده یازدی ایسه خطّین، کؤنول لوحینده بیز اوخوروز ازبر.
بیلیمه‌زوز کی، سنسین، یا خیالین، اولان گؤزوموزه قارشی مصوّر.
وجودوموزدورور عشقین خمیری، هله عشقین ایله اولموش مخمّر.

نولا اولدو ایسه زلفون مشوّش،
جهان چون اولدو عشقینله مشمّر.

كؤنول آندان قاچان آیریلیساردیر،
بو بیر خطّ ایله کی، یازمیش مزوّر.

خطین اوچون اؤله یيم کی، گول اوزره،
یازار آزادلیغیمی محرّر.

313

بن بلبلی‌یم گول اوزونو غنچه‌ده گیزلر،
عشقیم دنیزینی بئلی بیر اینجه‌ده گیزلر.

بن عالمه فاش ائیله‌میشم حسنونو آنین،
سهل اولا اگر سئوگی‌یی بیر نئچه‌ده گیزلر.

قاشلاری ترازوسونا میزانا قودوق جان،
تانریسی ایله کندی بیلیر سنجه‌ده گیزلر.

هرچند کی، شیر ایسه شهین حسنو جهاندا،
لطفون دخی وار کی، کؤنولو پنجه‌ده گیزلر.

عیاردورور یار، نئده‌يیم بن آنین ایله،
باسماغا یوزومه قدمین رنجه‌ده گیزلر.

314

لعل لبین کیبی، بگیم، قانی شکر، قانی شکر؟
دیشلری‌نین درّی‌کیبی قاندا بولونا بیر گوهر؟

مشک‌سنین‌ساچین‌کیبی‌چینی‌نه‌دیر،ختادایوخ،
اولاکی، چینده‌آهوداگراولورایسه خون جگر.

گؤزده خیال حسنونون نقش بر آبدیر، بگیم،
کؤنولوموزده خطّینیز یازدی جفای در حجر.

گؤزلریمی‌یاش ائدیبن‌خشک قیلان دماغیمی
عشقین اولا دخی‌نه‌دیر بانا جهاندا مشک تر؟

لعلی دورَر دؤکر گؤزوم، یار آیاغی توزونا،
بؤیله گره‌ک‌کی، قیلیناکیمده‌کی،وارایسه نظر.

315

یوزونوگؤرمک‌اوچون‌گؤزومه‌قیلغیل بیر نظر،
گر نظر قیلماز ایسن نئچه گؤرم، ای بی‌خبر؟

اول بیزه گیسوسونو اوزاتدی و دئدی بانا،
ایشبو یولا وارمی کؤنول؟ دئدیم آنا بس وار.

سن‌ستاره‌یی‌گؤتور تا کی، بو دورونده سنین
شمسی بیله‌سین نه‌دیر، تا کیم نه بیلیسر قمر.

مشکی‌گؤردوم‌سالمیشام عنبر ایله عودو اودا،
جمله‌سی راضی کی، اولا زلفون ایله سربسر.

کوه‌دردی‌ائتمک‌اوچون شیمدی بنیم اوستومه
اینجه بئلینی گؤرون کی، نه قوشانمیش کمر.

316

اورور عشقینده یوزوم سکّه بر زر،
نولا کیم بت تراش اولدوسا آذر.

آیاغین توپراغین برسر قیلیرسام،
امیدیم وار اولام دونیادا سرور.

آغیزی میمی ایله قاشی نونی
قیلیرلار عقل ایله کؤنولومو جر.

وصالینله فراقینچون قالیبدیر،
بو آب و آتش ایچره بحر ایله بر.

نه زنجیر ه سالار زلفون کؤنولو،
اگر قالخدی هوادان حلقه‌ی در.

یاناغین آتشی‌دیر گیسولارین، دیلرلر کی، ساالالار اودا عنبر.

مگر گول خُرده توتدو یوزونه کی، چمنده سوسن آلدی اله خنجر؟

گؤزومون یاشی اوزون، گؤزوم آیدین، کی یاش دنیزینه بیراخدی لنگر؟

317

اول لطفی ساقیا کی الیندن مدام ائده‌ر، هر لحظه لعل لبلرین آنی مدام ائده‌ر.

گؤزون کی، بر دوام آتار غمزه اوخلارین، منّت اورور یوره‌گیمه، یعنی مدام ائده‌ر.

لعلین حلالدیر بانا آنی حرام ائده‌ن، کافر اولور دینینده، حلالین حرام ائده‌ر.

نه روحسون کی، حوری بهشتی جمالینا، هر جان ایله کی، دنیایا گلیر و سلام ائده‌ر.

دئدیم‌گؤزوم سقامیدورور گؤز اولوب آخار، قارشیماسوزدو جادوگؤزون‌کی، سقام ائده‌ر.

حسنونده‌هیچ‌یئر اولمایا کی، بیر اسیری یوخ، خالی‌نی[1] دخی دانه و زلفونو دام ائده‌ر.

زلفو حبش چریسینی دئردی و یاسادی، بو ملک نیمروزونو آلیر و شام ائده‌ر.

اودلارا یاخا خالی آنین عودو مجمرین، زلفئینی عنبره تولاشیبدیر کی، خام ائده‌ر.

اسریتدی بنی شیمدی دیلر بندن اسریه، آنین اوچون یاشی مِی و گؤزلری جام ائده‌ر.

318

گؤزومدن آخان یاشلارا توفان نئجه بنزه‌ر، یوره‌کدن اولان قانلارا عمّان نئجه بنزه‌ر؟

کؤنلومه‌کی،عشقین، صنما، کورسی قیلیبدیر، اینانیمازام تخت سلیمان نئجه بنزه‌ر؟

یاقوت آغیزیندا گؤره‌لی درّ خوش آبی گؤزه- کؤنوله دنیز ایله کان نئجه بنزه‌ر؟

بیرشمع‌آلیبان بن‌ده‌سنی ایسته‌رم، ای دوست، صدقیمه بنیم دونیادا ایمان نئجه بنزه‌ر؟

درمان دیله‌رم دردینی آرتیرماق اوچون بن، لذّتده سنین دردینه درمان نئجه بنزه‌ر؟

خطّینه اگرچه یوزونون ثلثونه توتدو، گلشنده بگیم دسته‌ی ریحان نئجه بنزه‌ر؟

جانیما کی، چاه زنخه زلفو گمیشدیر، انصافا گلین، یوسف کنعان نئجه بنزه‌ر؟

319

نئجه کی، بو شعرا زلف ایله خالی دئدیلر، نورونو گؤرمه‌ییبن آنلاری خالی دئدیلر.

لبینه نقطه دئدیلر بو گمان ایدی یقین، بئلینی بنزه‌دیبن قیلا محالی دئدیلر.

قاشلارین قوس فلک دئدیلر ایسه، نه اولا، وسمه‌ی نیلیسینه تیر سماوی دئدیلر.

---

[1]– نسخه ده خالی نین یازیلمیش.

حسنونو لطف الهی دئیو آنار آنلار،   کؤنولوم عشقی اوچون حکم خدایی دئدیلر.
بدرآیی‌نسبت ائده‌ن یوزونه اکسیک دئمیش،   گونشین نقصینه تاپوندا رباعی دئدیلر.
دردایله‌یاخدی و هم کؤنولومو جادو گؤزو،   لعل لبلرین آنین جانا مداوی دئدیلر.
عقل‌ودلدن‌آغیزی وصفینی سوردوم بن دون،   دئییمه‌زیز بیزه تنگ ائتدی مجالی دئدیلر.

320 زلفونه دوشن کؤنول سردن کئچر   خام اولا شول سؤز کی، عنبردن کئچر.
زلفه تولاشدی، باشی ایله اوینادی   ز رسن‌باز[1] کی، چنبردن کئچر.
زلفودور مقصود، چون مشک آناووز،   لعلی‌دیر سؤزوم چو گوهردن کئچر.
عشق صیدی دل بت‌ینی نئده‌لیم،   چون خیال حسنی آذردن کئچر.
مشتهای نفسدیر سؤیمکلری   ز آن سبب[2] کی، حوض کوثردن کئچر.
دین غریب اولموش ساچیندا دلبرین   کیم دورور بو ائلده کافردن کئچر.
قیلمادی هرگز اثر کؤنولونه   گرچه آهیم سنک مرمردن کئچر.

321 هندو زلفونه کؤنول وارا دیلر،   ز دل و اؤز اؤزون آواره دیلر.

گؤزون ایشی چو یارا – یارادورور،   طرفه بودور کی، کؤنول یارا دیلر.
قارا ساچین آغ یاناغا دؤکولور،   کفر ایله دینی قاتا قارا دیلر.
جان دیلر کس، یاردان آیری اولمایا،   بو دیله‌گی ائل – ائله، شارا دیلر.

322 آتش لعلینی گؤره‌ن اودونا یانا دوشر،   غمزه‌ن اوخونو ییه‌ن اویخودان اویانا دوشر.
بو خطایی گؤزونون راست نظرلیغینی گؤر،   جگریمده اوخونا باخ، نئجه بویانا دوشر.
هر گؤزو قانلی دئییب بیر یانا چکر کؤنولو،   بللی‌دیر آنین ایشی کی، ایکی دیوانا دوشر.
قان دؤکر لبلرین اوچون، صنما، قارا گؤزون   قاندیرا بنی زلالینه و یا قانا دوشر.
سوزونادوشموش‌ایکن‌سوزوموسنتوتماعجب،   اودلارا دوشر ایسه عشق اری مردانه دوشر.
دوشئییم اودونا بن، سن دخی قیل بنی قبول   شؤیله‌کی، یازگئجه‌سی شمعینه پروانه دوشر.

---

[1]– طنابدا اوینایان.

[2]– اونا گؤره کی.

زلفونه جانیم آپاردیم نه گؤرم جان و جهـان
بانا دئر زیره دخی جهل ایله کرمانـه دوشـر.

بن ازلدن، صنما، عشقین ایله بیلـیش ایـدیم،
آشنالیق ایلـه بحـری[1] دخـی عمّانـه دوشـر.

درّ دیشین‌لعل لبینچون‌بوگؤزوم اینجی دؤکر،
بوعجبدیر کی، یاشیم بحره و هم کانا دوشر.

323

لعلینـــــــی دردیمیـــــــزه ام دئـــــــدیلر،
جـــــانی تشـــــنه گــــؤروبن ام دئــــدیلر.

غمـــزه‌لـــرین یـــوره‌گـــی قـــان ائتـــدی،
توتــــدولار نبضــــیمیزی دم دئــــدیلر.

حســــــنونون باغینــــــا ارم دئــــــدیم،
نئچـــه‌لـــر اول باغـــا ایـــرم دئـــدیلر.

جهــد ائــده‌ر جــان کــی، ایــره شــفتالو
اؤزگـــه‌لـــر ســـیم و زر درم دئـــدیلر.

خوبلــــار گـــؤزلریمی نـــم دئییجـــک،
ســـاللانیب گـــؤزلریمی نـــم دئـــدیلر.

قییمـــا جـــانیمیزا کـــی، عشـــق اهلـــی
عاشــــقه آهــــوی حــــرم دئــــدیلر.

اهـــل عرفـــان بـــو دونیـــا ایچینـــده
خوبلـــارین دیلـــه‌گـــین اومـــم[2] دئـــدیلر.

عشق اوچـون نّـه فلـک چـو چـرخ ائـده‌ر،
قیلســا عاشــق نــاغم نــه غــم دئــدیلر.

چـــــونکی عــــالم طفیــــل دلبردیـــــر،
عشـــق آیاغینـــا جـــامِ جـــم دئـــدیلر.

324

گرچه‌کی‌هر دلبرین واردیر گؤزونده بیر نظر،
بونظرکی، بیرنظردن کئچه، قانی، کیمده وار؟

لعلینی‌سئوه‌رکؤنولوم،آنین اوچون تنگ اولور،
خسته‌دیرجانیم‌گؤزوندن،لاجرم،خسته‌سئوه‌ر.

ساغ گؤزونو سئوه ایسم، عیموندور عیمـون،
سول‌گؤزونو دیلر ایسم، تکدورور حق دیلر.

جان‌ایله‌دل‌کندیدن گئده‌ر سنی گؤرمه‌ییجک،
چونکی‌یوزونوگؤره‌م‌ایکیسی‌دخی‌بندن‌گئده‌ر.

جان چوکاه اولدو تولاشدی زلفونه آیریلماز،
ساچ کی، یئرده سورونه آنا نه گره‌کسه ایلـر.

325

زلفون خیالی تنـده بـو جـانی خیـال ائـده‌ر،
سئودا دماغا ایریشیجک چوخ خیـال ائـده‌ر.

جانی بنـیم یـوره‌گیمـی قـان ائیلـه‌یـه دیلـر،
بـــرگ ســـمن یانـــاغی آراســـیندا آل ائـــده‌ر.

ایکـی هلـال قاشـی، یوزونـو قیلـالی بـدر،
گونش یوزو قدیمی بنیم چون هلـال ائـده‌ر.

1– بحری = دنیزده ایشله ین.

2– امم = امامللار.

خَمّار گؤزو ایچورەلی دُردِ دردینی   دل کؤنول ایله ترکِ شرابِ زلال ائدەر.
محراب قاشی، گؤزو امام و ختِام مسک   بودور کی، قارا خالینی بلال ائدەر.

326

گؤزون یاشی شراب و یورەگی کباب ائدەر،   لعلین طبیبی خسته کؤنوله جواب ائدەر.
آیری کئچن عمرومو هئچه سایار کؤنول،   قاچان کی، آسسی ایله زیانین حساب ائدەر.
هرچندخوابی‌دوشده دخی گؤرمەدی گؤزوم،   چونکی خیالینی دیلەیە، عزم خواب ائدەر.
تیزاب هجرینه بو نه خاصیت اولا کیم،   گؤز یاشینی قان و جگریم قانین آب ائدەر.
زلفون چینینی گؤستەرەلی آهوی تاتار   مُلکِ ختادا گؤبەگینی مشگِ ناب ائدەر.
گنجینی گیزلەدی کؤنولومده، شها، لبین   دیلر کی، سرّ ائده آنی شیمدی خراب ائدەر.
جاناکی، سن‌عذاب ائدەسین رحمت اولا اول   سنسیز بو هجر جانینا یوز بین عذاب ائدەر.

327

شها، نازک تنین بیر جانا بنزەر،   اگر جور ائدەسین احسانا بنزەر.
زلیخادیر تاپون، یوسف جانیمدیر،   زنخدانین چَهِ زندانا بنزەر.
خیالین کؤنولومده اولدو محکم،   دخی گئتمەگی یوخ، ایمانا بنزەر.
شکسته گؤرورم، شاها، ساچینی   پریشان ائیلەمیشدیر شانه، بنزەر.
بنی دیوانه دئیو گیسولاری   آپاریر باغلی اول دیوانا بنزەر.
خیالی قومادی عقل و دل و جان،   حرامی‌دیر، ولی مهمانا بنزەر.

دوکان آچمیش لبین آلیر و وئرمز   زیان اولسون همیشه کانا بنزەر.

328

کؤنول اگر دؤکه بیر قان نیشه شکایت ائدەر،   لبینده گؤردوگو دملرینی حکایت ائدەر.
حکایت‌ائتمەدی مشگ خطایی هیچ مسکین،   بو سلسله ایله کی، ساچلارین روایت ائدەر.
گونش گئجەیی گئدەرور و گئدەریمز آی،   یوزوندەآی و گونش گئجەیی حمایت ائدەر.
یوزون جمالی دورور کعبه، آنا گلن دل،   وجودو سویماز اولورسا، اولو جنایت ائدەر.
یورەکده گؤزلرین اوردو جگرده حاجت نه،   بو یارا چونکی اونولماز، اونا سرایت ائدەر.
دیلرکی، نورِ جمالینی اؤرته شول کیشی کی،   گونش دئییب، صنما، حسنونو کنایت ائدەر.
بو تارلیق ایله بو لطفی گؤرەن آغیزیندا   بو مملکتده دعوی ولایت ائدەر.

329

کؤنولـوم گیسـولارین باغینـا دیوانـه گئـدەر،
گؤرمەدین قیلجا جفا نولدو، دیوانه گئدەر.

جانی‌خوش‌ساخلاساچیندان‌کی،گلیرعارضـینه،
کافرستانی قویوب صدق ایله ایمانـه گئـدەر.

باغلادین کؤنولو سالدین بو زنخدان چاهینـا،
گؤر کی، زندانا، شها، نئچەسی رندانه گئدەر!

لبلرینه گـؤزو جـان گتیریـر و بنـده کؤنـول
ایشبو میخانەده هـر دم بـو حریفانـه گئـدەر.

جان ایله عقل و کؤنول وارلیغی جانانه فـدا،
نئیی‌کی، ایستر ایسه عشق ایله جانانه گئدەر.

گؤزونون زاویەسینده گؤرەلـی دردیمـی دل،
خستەاولدوقجا هم‌اول‌گوشەیه مهمانه گئدەر.

صبحدم خسته گئدەر ایدی گیسوسونا دئدیم
گؤر بو درماندا کی نه درد ایله درمانه گئدەر.

دون هلالی قاشینی گؤر[دو] دئدی شیرِ فلک
آیاغی توزو ایله قـوچ کیبـی قربانـه گئـدەر.

بو سناییله «سنائی»[1] چون سن آیـی گـؤرومز
گر سؤزو وارثیدیر سؤز هله سـلمانه گئـدەر.

330

غمزەم نیشه بـو عاشـقه بیـر تیـری اسـیرگر
زلفون نه اوچون دلی‌یـه زنجیـری اسـیرگر؟

یاخدی بنی اودونا، ایشـیم اولمـادی آلتـون،
عشـقی نیشـه بـو بقیـره اکسـیری اسـیرگر؟

مشّاطه ساچین گیزلەدی یـوزو یـؤرەسـیندن
اول فتنـه مگـر لشـگر کشـمیری اسـیرگر؟

بـن کنـدی وجودومـو فـدا قیلمیشـام آنـا
طرفه بو دورور بانا کی، شمشـیری اسـیرگر.

اؤلدورمک و دیریلتمک آنـین الینـه قالـدی،
تعجیلـه قـدم باسـماز و تـأخیری اسـیرگر.

بن قول اولاییم لطفونـه اول دلبـریمین کـی،
محبوب دورور خالص و تزویـری اسـیرگر.

331

سن پایدار اول کی، بو عـالم گلیـر، گئـدەر،
عشقین ایریلمەسین کی، بو آدم گلیر، گئدەر.

سن سانما کی، دوامی اولـا بـو وجودونـون،
زیـرا وجـود ذاتینـا دم- دم گلیـر، گئـدەر.

بو دونیا وارلیغینـی شـونا بنـزەدیـر کؤنـول،
کـی صـبحگه وقتینـه شـبنم گلیـر، گئـدەر.

هر بیر نفسده جان گلیر و یئنه هـم چیخـار،
دم- دم گؤزومدن‌ایشبو یولا دم گلیر، گئدەر.

هیچ کیمسەنین بو دونیادا یوخـدور سـلامتی،
الّـا، خیـال یـار مسـلّم گلیـر، گئـدەر.

332

عشـقین ولایتینـه نئجـه کـی، سـفر دوشـر،
دیوانـه باشـیما هـوسِ تـرکِ سـر دوشـر.

زلفون قاتینـدا قیسـادورور عمـر قصـەسـی،
آغزین قاتیندا جان ایلـه دل مختصـر دوشـر.

---

[1]– بو سنائی فارس شاعرینه اشاره دیر.

آیاغی‌نین توزو ایله زلفوندورور، شها،   کی عشقینه یانانلارا تاج و کمر دوشر.
گؤز گوشه‌سینده چونکی خیالین قدم باسا،   یوره‌ک کبابی عشق ارینه ماحضر دوشر.
کؤنول ائوینده گؤزو عمارت قومادی هیچ،   معمور قاچان اولا شول ائو کی، تاتار دوشر؟

333
شول‌لعلِ لب کی، گؤزه گلیجک شَکَر دؤکر،   سورسام‌نه عیب اولا کی، نه‌دن بو هنر دؤکر.
قان دؤکر ایسه لعلِ لبی آنادیر فدا،   شیرین‌سؤز ایله‌گؤرکی، نه درّ و گوهر دؤکر.
لایق دگیل کی، صحبتینه شمع اولا گونش،   اول نورِ رونقی نولا کی آنی قمر دؤکر.
معشوقه بی‌نیاز دورور موشتولوق بیزه،   انعامین اهل عشقینه زیر و زبر دؤکر.
گؤزوم آدینا آلتونا نقش ائتدی سکّه‌سین،   شیمدی خیالین آیاغینا اوشدا زر دؤکر.

334
یوزون خیالی نگارا، قاچان کی گؤزه دوشر،   دمین دمینه قوماز، کؤنول اودا، گؤزه دوشر.
بنیمله آنین آراسیندا قیلجا قالدی کؤنول،   قاچان کی، چکینه بندن، بو قیلی اوزه دوشر.
کؤنول‌یوزو تولوقاندیر، یوزوم‌یوزو تولو سو،   نه‌نسنه‌کی،کؤنوله- یوزه دوشه، یوزه دوشر.
گؤزونون آیینه‌سینده چو نقش اولور اغیار،   نئچون‌قاچان‌کی،گلم قارشیسینا، سؤزه دوشر.
گؤزون‌نه‌قانلارآخیدیر،یوره‌کده گؤرگیل آنی،   قاچان کی، سیل قوپا یوجالاردا، دوزه دوشر.
بن‌اول‌نگاری‌سئوه‌رم کی، گؤرمه‌گه جان آلیر،   خسیس‌دل‌اولا اول کیشی کی، اوجوزا دوشر.
بو گؤزده، قاشدا، آغیزدا، شها، صنم گؤرورم،   بنیم کیبی قانی بونجیلایین رموزا دوشر.

شول ایکی حاجبی آییردی غیردن کؤنولو،   زیرا هلال گؤره‌ن عهده‌سینه روزه دوشر.
جهاندا عشق اودونا گیرمه‌ین فراغتدیر،   کؤنول‌کی،سؤزه‌دوشه،اول‌دورورکی،سوزادوشر.

335
باخساشاعرلر یوزونه، حسن مطلع گؤرسه‌لر،   زولفونو ساچسان یوزه، ماه مقنّع گؤرسه‌لر.
آغلاسام گؤزلریمی عین مُدَمّا آنلاسان،   اینله‌سم بو تنیمی شمع مدمّع گؤرسه‌لر.
لعلینی سن آغزیما اوروب ایسیرسان لبیمی،   جمله‌ی اهل نظر نازک مرصّع گؤرسه‌لر.
آغلاسام، اینیله‌سم، یانسام تاپوندا، ای نگار،   مطرب‌ومی‌شاهدوشمع ایله مجمع گؤرسه‌لر.
سن گئجه‌دوشمیسن‌وگوندوزله‌گؤزومده‌خیال،   بیر حضور اهلی قانی وقت موضّع گؤرسه‌لر.
خضره لازم نه‌یدی قارانلیقدا ایسته‌مک،   آب حیوانه سنین لعلینی منبع گؤرسه‌لر.
قطعِ بدگویون‌دیلینده قطع ائده‌رم بن سؤزو،   اهلِ دل‌باشلاری‌اوینار، حسن مقطع گؤرسه‌لر.

336

دماغیمـا خیالیندیر مصـوّر، لبین ذکری بو دلیمده مکـرّر.

شـها، گیسونا اوغرایان صبادن، دماغیمین مشامیدی معطّـر.

لبیندن بیر خیال ائتدی کؤنولوم، کی اولدو گؤزلریمدن اول مقطّـر.

قضـا ییسه رضـادیر بنه عشقین، چو اولموش ایدی ازلده مقـدّر.

وجودوم خاک و گؤزلریم یاشی آب، اودوم عشقین هواسیله مخمّـر.

کؤنولده زلفو عشقین بیلدی عالم، چیخار قوخوسو، اودا دوشسه عنبـر.

شـها، عشّاقدن قیلدیم نهفته، کی شهناز ایله قیلیرسان محیّـر.

یوزوم زلفونون آیاغینا توپراق، نئده‌رم خط کی یازارلار مـزوّر.

337

حمّامدا نه شعر کی دئییلـه تـر دوشـر، زیرا آخار سویا، ساناسین کی شکر دوشـر.

گولـدن گلـاب نئجـه قوپـار آنـدا بیلینـور، کی گـول یاناقلارینـا حیـا ایلـه در دوشـر.

سؤزوم مطـوّل اولـور، اگـر سـروینی آنـام، آغزینا نقطه گر دئـر ایسـم مختصـر دوشـر.

اهـل خـرد کؤنـوللری یولونـا قوییجـاق، بیزیم کیبی دلـی‌لـره هـم تـرک سـر دوشـر.

جان گلیجک دیلر کی کؤنولوم خبـر سـورا، نئجه خبر وئره بیله، چـون بـی‌خبـر دوشـر.

کیـرپیگین اوخونـا جـانی آمـاج قیلمیشـام، زیـرا کـی آتـدیغی یئـره اول نظـر دوشـر.

338

هجری ایله بنی اول یار نئجه یاخیسار آخـر، گـؤزوم یولونـا آنـین نئجـه باخیسـار آخـر.

توتام کی آنین عشقین کیمسه‌نه‌یه دئمـه‌یـیم، بنزیم ساریسی آنـی خلقـه چاخیسـار آخـر.

کؤنول قاپیسینی بـن باغلـار ایسـم اول یانـا، گیسولاری حلقـه‌سـی قـاپو قاخیسـار آخـر.

بـردار دیلـر قیلـا گیسـولاری جـانیمی، جـان بوینونـا زلفونـو اول تاخیسـار آخـر.

گؤزومه مجـال اولسـا گؤرمـه‌گـه جمـالینی، نئجـه‌یـه قـان یـاش آنـدان آخیسـار آخـر.

339

بیر دم ایروردو یئنه یوره‌گیمـه پیـک سـحر، ایشله‌دیگینی آنین نئجه‌سی ایشـله‌یـه سـحر.

آنی‌کی گؤزون ائده‌ر بو یوره‌گیمه گؤزه گؤز، بیلـه حـالینی آنـین اهـلِ دل و اهـل نظـر.

گر اولام موم آنین عشقینه سـودوم نـه اولـا، کی‌کؤنلونده توتارهجریمی چون نقش حجر.

دون گئجه خیالی یوزومه گلدی گؤزه، آیاغی باسدیغی یئرلره یوزوم دؤشه‌دی زر.
یوره‌گیم کیپریگین آلیندا ساناسان، نشتری قانقی تامارا کی ایریشه قانی تامر.

340
مگر نوروز گلمیشدیر مصوّر، کی، اولموشدور جهان یئنه منوّر؟
یوزون دورونه سرگردان اولالی، اورور بو نُه فلک چرخ مدوّر.
گئجه دئرسم ساچین، اولا سؤز اوزون، شکر دئرسم، لبین اولا مکرّر.
الیم ایره‌رسه بندینه گیسونون، نه بندیم وار ایسه اولسون محرّر.
قاشینی اگری سئوه‌نی دیله‌رم، فراقین چارمیخی ایله مسمّر.
کؤنولوم لبلرینه مختصردیر، جانیم اینجه بئلینده‌دیر محقّر.
معرّفدیر کؤنول لعلین قاتیندا، ولی بئلینده جانیمدیر منکّر.
بیلیمه‌زم مجسّم جانیمی‌سین سن، و یا بو تنده بیر روح مصوّر؟

341
مغیّبات الهین بشارتی ایریسر، یئنه بو فتح و فتوحون اشارتی ایریسر.
خراب اولدو ایسه نولا کؤنولومون ائوی، عنایت ائدیجه‌گز چون عمارتی ایریسر.
بیزی ساچی ایله قیل ائیله‌دین بئلینده آنین، زیرا کی، بیزدن اولارین روایتی ایریسر.

342
نولا سنی سئومیشم کافر دگیلم آخر، جمله سنی سئوه‌رلر بن بیر دگیلم آخر.
هرکیم‌کی سنی سئوه‌ر سندن آپاریر بیر خط، بانا دخی گره‌کدیر ناظر دگیلم آخر.
بن سانا ایرینجه‌گز غایب اولورام بندن، غایب اگر اولمازسان حاضر دگیلم آخر.
بن قول اؤزومو سانا وئردیم ابدی شها، بیر لحظه گؤزو گؤرسون زایر دگیلم آخر.
گؤزون ایله اؤلدوروب لعلینله دیریلدیرسین، بن معجزه‌نه، شها، منکر دگیلم آخر.

343
ای خطّی مزوّر صنم و زلفو مشمّر، دلده لب لعلین شکری شکری مکرّر.
جان قاچان آییلا توتالیم ایچمه‌یه سوجی، چونکی لبی‌نین خمری ایله اولدو مخمّر.
جان آیریلاماز، شاها، تاپوندان نه قضادیر، کیم اولموش ازلده بو کؤنولومه مقدّر.
مسکین کؤنولوم مجمر اگر اولدوسا نولا، کافور یوزو اوستونه گیردی خط عنبر.
جان بولدو صفا، شاها، سنین عشوه‌لرینله، اولمایا دخی جور و جفان ایله مکدّر.

345

لبـــین شـــکّری دورور، لـــیکن مکـــرّر، خطـــین عنبـــری دورور، لـــیکن محـــرّر.
بئلـــین قیلـــدیر گؤزومـــوزده مخیّـــل، یـــوزون بـــت‌دور جـــانیمیزدا مصـــوّر.
اوزانـــدی عشـــقیمیز ســـروینه ســـنین، گـــؤره‌لـــی بـــدر یوزونـــو مـــدوّر.
شـــهید ائیلـــر بیـــزی گـــؤزون، نگـــارا، نـــه قاضـــی تـــورک اولـــور اللـــه اکبـــر.
لبـــین عشـــقی کؤنولـــده شـــونا بنـــزه‌ر، کـــی، بیـــر مســـکین یابانـــدا بولـــدو گـــوهر.
نـــه کـــی، گـــؤز ســـالدی کؤنلومـــه لبینـــدن، یئنـــه گـــؤزدن اولـــور شـــیمدی مقطّـــر.
صـــبا گلشـــنده زلفونـــدن دم اوردو، جهـــان اولـــدو هواســـیندان معطّـــر.

346

مدح ائیله‌یـه‌لـر اؤزگـه‌لـری نسـینه دئیـه‌لـر، نــه شـکله، نــه شـمایله، نــه سـینه دئیـه‌لـر.
بدگوییلار دیلـر ایسـه کـی، عیـب ائـده آنـا، بین فکـر ائـده‌لـر ایسـه ده، نسـینه دئیـه‌لـر.
بنـدن جـانی دیلـه‌ییجـه‌گـز سینا قاخـارام، زیـرا مـروّت اهلـی جانـا سـینا دئیـه‌لـر.
جنّ و ملک دخی، صنما، شـیفته[1] ن دورور، تـک دنیـادا اولـان ایشـی نسـینه دئیـه‌لـر.
یار اول‌دورور کی، یار یولونا وئـره جـانینی، بو سؤزه راسـت دئمـه‌یـه‌نـه سـینه دئیـه‌لـر.

347

شـاها، آیـاغین باسـدیغی یوزومـه قَدَمـدیر، نه دم کی، تاپوندان اولا اول آیـری نَدَمـدیر.
خـالین کؤنولومـون حجرالاسـودی اولـدو، اینجیتمه گیل آنی، دخی چون صید حَرَمدیر.
خطّین کی غبار ایدی و ایش اولـدو محقـق، توتماغیـل آنـا دق، صـنما، سـهو قلمـدیر.
المـاس یاغـار گـؤزلری‌نـین غمـزه لرینـدن، الّـا لبینـی سـورما کـی، نـه کـان کرمـدیر.
زلفـو حـبش و روم یـوزو، گـؤزو خطـادیر، شیمدی گئری اکسیگی مگر طبل و علمدیر؟

348

عکسی گول یوزونـون چـون جامـه دوشـر، گـول ساناسـین کـی، جامـه- جامـه دوشـر.
مشـگ سـاچینا سـاچینا گـول سـویونو، گیجـه‌جیـدیر کـی، عـود خامـه دوشـر.
بـــن غریـــب آنلـــارام یوزونـــده بنـــین، حبشـــی ساناســـین کـــی، شـــامه دوشـــر.
بـــن دوا بیلمـــه‌زم مگـــر دردیـــن، کـــیم دوشرســـه بونـــا، دوامـــا دوشـــر.
گـــؤزلریم یـــاریم ائشـــیگینی ســـولار، بـــو ســـاقه‌ســـینی گـــؤر، ســـاقه‌مـــه دوشـــر.

349

---

[1]– وورغون.

گؤزون مدحین آیدان مـدیح، شـها، سِـحر مبـین سـؤیلر،
دیشیندن سؤز آچان شـاعر، بگـیم، دّر ثمـین سـؤیلر.
اگرچـه زلفـو بنـدی‌نـین حسـابین کیمسـنه بیلمـز،
بـو بنـده آنـدا گؤردوگـو کمینـین کمتـرین سـؤیلر.
خـط و زلـف و قـد و خطّـین بـن‌مـی سـؤیله‌رم یـالقیز
بنفشـه سـنبل و سـرو روان و یاسـمین سـؤیلر.
قاشـی ایلـه نئیچـون دئینلـر اگـری و دوغـرو،
قاشی‌چون اگری‌دئمیشدیر، بویو چون راستین سؤیلر.
اؤگنلـر سـروی بویونـو گئییـک سـنین اونوتمازلـار،
بو بویون، بو سینن گؤره‌ن اول ایکیسین نسین سؤیلر.
گؤره‌لی شول بت چینی، یقین اولدو کـی هـر کـیم کـی-
خبر وئریرسه مانی نقشی‌نین وصـفینی چـین سـؤیلر.
کؤنـول زلفونـده، ای دلبـر، غریـب انـدر غریـب اولـدو،
بونون‌تک‌سؤزو باشی‌بؤرکون اوروبان چوخون سؤیلر.

350

سـاقیا، آیـاغینی الیمـه وئـر، نظـر ائیلـه‌ییـبن بـو حالیمـه وئـر.
الیمـی تـوت، دئـرم، آیـاق وئـریبن، سـن جـوابیمی بـو سـوآلیمه وئـر.
بـدرین اوچـون هلـال اولـدو تنـیم، نولـا سـن بـدرینی هلالیمـه وئـر.
خـالین اوچـون بنـی خیـال ائتـدین، گـل حقیقـت بنـی خیالیمـه وئـر.
بـن الیمـی آل الـه دئییمـه‌زم، وئـره‌جـه‌گینـی سـن بـو الیمـه وئـر.

351

یارین فراقی گؤیده کی بولـودو سـاز ائـده‌ر، گـؤزوم نولـا خیالینـه لعلـی نثـار ائـده‌ر؟
یـار ائتـدی یـار عشـقیمیزه هجـری اودون، گؤزوم دخی بولودلاری اؤزونه یـار ائـده‌ر.
چکـدی بنفشـه دیلینـی گیسوسـی غیرتـی، حسـنو طراوتـی گولـه‌فـی شرمسـار ائـده‌ر.
هم تار و مار اولوب، تولاشیر بوینومـا بنـیم، گیسوسونون کی، کؤنولوم تار و مـار ائـده‌ر.
زلفـو ایلـه بـو دلـی کؤنـول بیقراردیـر، اول ایکیسـی جهـانی دخـی بیقـرار ائـده‌ر.
اول شهره شهری قیلدی بو عقلیمیزی اسیر، کؤنول ائلینـده غـارت نهـب و تاتـار ائـده‌ر.

جانیم یئری ازلدن گؤزون گوشه‌سی ایدی، آندی یئنه وطنینی عزم دیار ائده‌ر.

352

بو دونله عشقی‌نین مه تابیندا خوش کئچر، اول آیا جان فدا اولا کی، بنده خوش کئچر.
بن هر نفس یولونا آنین جان قویام نولا، چون بو کؤنول آنین ایله پاینده خوش کئچر.
هر بندینی ساچی‌نین بنده سایمازام، بن بنده نئجه‌سی ساپاییم بنده خوش کئچر.
بن لعل قندینی سورارام قانداسین دئیو، بیلمزمی‌یم کؤنولومو کی، قاندا خوش کئچر.
کؤنول گئده‌ر و عشق گلیر، شُکر ائدم حقه، کؤنلومده چون رونده و آینده[1] خوش کئچر.

353

چال بو نوا پرده‌سینده نغمه‌ی طنبور، ایره‌ر ایسن بو حجازا سعی اولا مشکور.
گؤزلری مردملیگینه گؤزلری اولان، دوشمز اولورسا خطایا، اولمایا مغرور.
اوخلار آتار گؤزلری کی تاشلاری یارار، خسته‌یه اورور اؤزونو اولامی مقدور.
کیرپیگونون قطعی وصلینی تفرّج قیل، بنجیله‌یین نئجه مست اولا بئله مستور.
رفع ائده‌لی حسن رایتینی جمالی، قیلدی گؤزون نصب کی قیلا دلی مکسور.

356

چشمیم‌پرآب گؤزلریمین خوابی یوخدورور، قاتیندا گؤزلریم یاشی‌نین آبی یوخدورور.
بن ناری‌یم کی، آبی دگیلم هوانیزا، خاکیده گؤزلریم کیبی هیچ آبی یوخدورور.
دل گرچه دلی‌دیر بو گؤزه قاشا دوشه‌لی، سانماآنین‌کی، مسجود و محرابی یوخدورور.
یوزومده زعفرانی‌نی سوواردی قان ایله، گؤزدن اگرچه کؤنوله دولابی یوخدورور.
خالص نگار عشقینه سکّه اوران زره، شول قلب اولا کی، قالب قلابی یوخدورور.

357

بغدادی‌جمالینچون‌گؤزوم‌چوشط‌اولموشدور، قان دنیزینه کؤنول تالماغا بط اولموشدور.
تسبیح هلال آیین قاشلارینا اگریدیر، زلفونه خطا مشکین نسبت غلط اولموشدور.
حسنون دنیزی موجی سالدیغی قیرانینا، عنبرتوتینه‌گیریب‌اوش‌خال‌وخط اولموشدور.
بدلین قیلینا غلام قالیم بودور آندا کی، اهمال جمالیه اول قیل محط اولموشدور.
هر نرده کی وارلیق وار یوخلوغا گیرمیشدیر، سن‌سانماکی آغزیندا بو دم فقط اولموشدور.

358

1– گئده‌ن و گلن.

زَهـــر لبینـــی آنیجـــاق قنـــد اولـــور، گیســـوللارین کؤنلومـــه پابنـــد اولـــور.
ایشـــبو تنـــیم اوغـــرادی بیـــر حالـــه کـــی، ســـاچین ایلـــه بئلینـــهماننـــد اولـــور.
نئـــی قـــدیمی یاخـــارام اودونـــا کـــی، نیشـــکر اودا یانیجـــاق قنـــد اولـــور.
حســـن اری سنســـین و عشـــق اری بـــن، جـــنس چـــو جنســـه ایـــره پیونـــد اولـــور.
کؤنولومـــه دخـــی اینـــام ائتمـــه‌گیـــل، قـــول زیـــرا کـــی، نقســـی خداونـــد اولـــور.

359
نگارا، نئجه کی ایراق ایسن بینـی آنـا دور،- کی سن نرده اولورسان یؤنوموز اول یانـادیر.
حجـازا گـر وارور ایسـم طوافـدان سـونرا، یقین‌دیراول‌کی،کؤنول‌سعیی هم یئنه سانادیر.
گؤزون‌کی‌غمزه‌اوخون‌راست‌قیلدی‌قویـدوگزه، نشانه‌سی دخی یوخدور آنـین یؤنـو بانـادیر.
دئدیم‌یوره‌گیمه‌کی، توت آیاق‌آنین گؤزونه،- کی میلی گؤزلری‌نین آنـادیر، دخـی بانـادیر.
لبینـه کـی آنـادیر میلـی کؤنولـون دئـدیم،- کی هر نفس بیـزی خیـر سـؤز ایلـه آنـادیر.

360
یوزون اوستونده ساچین همچون شب اندر روزدور،
غمـــزه‌ن اوخلـــاری نگـــارا، نـــاوک دلـــدوزدور.
دلده زلف و خطین اوچـون اؤرتـه گئجـه سـازدیر،
کؤنولومـــده هجـــرین اودو ایلـــه دایـــم ســـوزدور.
گرچـــه تیرانـــدازدیر جـــادو گـــؤزون، شـــها، ســـنین،
کـــی آنـــین عشـــوه‌لـــری غایتـــده عشـــق انـــدوزدور.
نقطـــه‌دیـــر خـــالین ســـنین آیتـــدور حســـنونون،
نقطـــه‌دیـــر معناســـی آنـــین ســـوره‌ی مرمـــوزدور.
گؤزلرون تاتـاری اوچـون جـانی پیشـکش چکـرم،
تـــا لبینـــدن ایـــاغ ایچـــم، یعنـــی کـــی نـــوروزدور.

361
کؤنول ایلـه جـان ایچینـده کـارزار اولمـوش‌دورور،
بلبـــل دیوانـــه نولـــدون نوبهـــار اولموشـــدورور.
ســـن گُـــل صـــد بـــرگ ایلـــه قیلـــالی گلشـــنده قـــرار،
گول پریشـان اولـدو سـنبل بیقـرار اولموشـدورور.

بلبــل و طــوطی بنفشــه، یاســمن ســنین اوچــون،

کیمیسی زار اولـدو، کیمیسـی نـزار اولموشـدورور.

بوالعجب بودور کی، خاک زلفون اوچون هر صـاباح،

یوز یئـره قویـوب بنفشـه خاکسـار اولموشـدورور.

بلبــل ایلــه گــول هواســین عاقــل آنــدان آنلایــا،

قاندا گلزار اولمـوش ایسـه مرغـزار اولموشـدورور.

نولــا لعلینــدن جانیمــا بیــر مــزه یــاقوت اولــا،

بیلمــه‌گیــل آنــی محــرّر اضــطرار اولموشــدورور.

مست گؤزوندن اگـر بـن مسـت اولورسـام، تانلامـا،

نرگســه آنــدان چمنــده اعتبــار اولموشــدورور.

گرچه پنهاندیر بـو تـار کؤنلومـده سـرّی لعلـی‌نـین،

بـوی زلفـون شـرقه غربـه انتشـار اولموشـدورور.

عشـقی هـر بیـر عاشـقین معشـوقونا غربتـده‌دیـر،

درد یاریمـدیر بنـیم کـی، دردیـار اولموشـدورور.

بـــن میانینـــدا آنـــین یئنـــه میـــانین ایســـته‌رم،

چـون کنـارینی دیلـه‌یـن درکنـار اولموشـدورور.

بـن بـه هـر بـاری میانینـدان اومـارام بیـر کنـار،

قیلجا حاصل اولماز و کؤنولـده بـار اولموشـدورور.

عارضــینده خــط ایلــه زلفــون گنــاهین یازماغیــل،

لبلـرین بیلیـر کـی، قانلـار بیشـمار اولموشـدورور.

گؤزلرینـدیر هـم قـدح جانیمـا و طرفـه بـودور،

کی، بن‌اسروک‌اولموشام، آنلار خمار اولموشدورور.

تـار و مـار اولـدو ایسـه نولـا سـاچیندان کؤنولـوم،

چونکی هر تاری بنیم کؤنلومه مـار اولموشـدورور.

گلشــن حســنونده گلــدور آل یانــاغین نئــده‌لــیم،

چون بنیم یوره‌گیمه کیرپیگی خار اولموشدورور.
سرو قدی عشقی بویوما اوزون گلدی، ولی،
بو جهان عشقی قوشاغی بانا تار اولموشدورور.

362
حدّدن آشیردین جوهرینی حجره نهایت یوخمودور؟
درمانینا خود ایرمه‌زوز، دردینه غایت یوخمودور؟
گیسولارین کؤنوللری ظلمتده گمراه ائیله‌میش،
آب حیات لبلرینه هرگز هدایت یوخمودور؟

هر دم ایرورور گؤزلرین جانا عذاب آیت‌لرین،
لعل لبیندن رحمته هرگز روایت یوخمودور؟
گؤزلری اوخلادی جانی، بندینه سالدی گیسوسو،
جان اولدو آلان آلانا آنا حمایت یوخمودور؟
جان قویوب اؤز ولایتین، اولدو رعیت حسنونه،
عاشقده پس ظنّین نه‌دیر، یعنی ولایت یوخمودور؟

363
صنما، قارا گؤزوم بیزیم ایله آلادورور، کؤنولو گؤزلر ایسم دخی قوماز آلادورور.
هندو بنلرینی شول لعل لبین یانیندا گؤرورم جرگه‌له‌میش اولانی بت خاله‌دورور.
گیسولارین گئجه و بدر یوزون عارضینی بحقیقت دەنه‌ییجک ساناسین هاله‌دورور.
جفته‌قاشینا کؤنول واردی گؤزون اوخ چکر، جان‌دئدی نولدو جانا عاشق صد ساله‌دورور.
هجری میدانینا عاشق واری قودو کؤنلون، کیمیسی اوزه گلیر و کیمیسی قالادورور.
خطّینی گؤردو کؤنول دئدی آنا عیب دگیل، عادت اول‌دور کی، آری‌قاندا ایسه بالادورور.
گؤزو کیرپیکلری اوخو ایله گؤزلر گؤزومو، اوریماز زیرا یاشیم دنیزینه تالادورور.
جوراوخلاری‌کی، غمزه‌ن کؤنول ائوینه آتار، منجنیق تاشلاریدیر کی یؤنی تورخالادورور.

364
تا گؤزلریم یاشی لبین اوچون مدام اولور، کؤنلومده دیشلرین ایله لابد نظام اولور.
بن بر دوام عشوه‌ن اوچون جانی اوینارام، زیرا کی، دردینه یانارام، اول دوام اولور.
بن دیله‌رم نهفته نوا وام جانیما، چون‌عقلی‌ودل‌عوضی‌وئریرم اول نه وام اولور.

گیسوسوچون سنین کیبی اولمایا مصرده، کی، یوزو صبح‌وگؤزو خطا، زلفو شام اولور.
سن حسن ایچینده آدلیسین و کیم کی یولونا جانینی اوینایا، صنما، نیکنام اولور.

365
یاندیغیم اودا عشقینه آخر دلیل اولور، اودونا عشق ایله سالان اؤزون خلیل اولور.
گؤزونوخسته‌دیر چو گؤرورروز حجاب یوخ، علت نه‌دیر گؤرنلر علیل اولور.
لعلین‌اوچون‌گؤزوم آخیدیر اینجی آنجا[1] کی، سیل اولوبان آخار ائشیگینده سبیل اولور.
نئجه‌سی شاهد آنلایاییم بن عجب سنی، کیمی شهید یولونا، کیمی قاتل اولور؟
زلفون هوایا اوچدوغوچون سالدین آیاغا، معشوقه عشق اهلی اولانلار ذلیل اولور.
گؤزوم یاشی اودوندان آخار اولمایا عجب، اول اوت کی، اول بیتیره اگر زنجبیل اولور.
جنّتدورور یوزونو اؤزون حورئین کیبی، آغزین یاری مگر مثل سلسبیل اولور.

366
جزسوزدخی‌عشق‌اری‌نین پیشه‌سی یوخدور، معشوق‌ایله‌دیروصل‌ایله،اندیشه‌سی یوخدور.
کؤنلونو دیلر کی، کؤنولو ایله قیلا بیر، چونکی‌تاشا اوغرادیرآنی،شیشه‌سی یوخدور.
مرحم دیلر ائیله‌یه بنیم کؤنلومه لطفو، اول‌ریشه‌نه چاره‌کی، آنین ریشه‌سی یوخدور.
مستانه گؤزو زلفونه‌سیدیر کؤنولومو، آشفته بیلیمزمی در و بیشه‌سی یوخدور.

قورتولمادی کؤنول قوشو شهباز گؤزوندن، بیچاره نئجه گیزله‌نه چون بیشه‌سی یوخدور.
کیرپیگی ایله غمزه‌سی دلدی یوره‌گیمی، ائو دوزدو اؤزونه گر تیشه‌سی یوخدور.
لعل‌لبی‌نین نوشه کی، دیرلیک سویودور اول، دپه‌له‌دی بنی نولا گر نیشه‌سی یوخدور.

367
سن نه جانسین کی، آیاغین توزونا جان دؤکولور؟
سن نه کافرسین یولونا دین و ایمان دؤکولور.
نئجه قاندی لبلرین کیم، گؤزلریم گؤرمه‌ییجک،
گؤزوم ایله یوزوم آراسیندا بین قان دؤکولور؟
گؤزلریندن غمزه‌لر کیم یاغار ایشبو جانیما،
درد سانیرلار ایراقدان، لیک درمان دؤکولور.

---

[1]– آنجاق.

اول اوخون کیشینده‌یم کی، ساغلی- سوللو یایینا،

جان ایله دل کیمده کی وار ایسه قربان دؤکولور.

ابر نیسان کیبی کیم دؤکوله گونش اوستونه،

یاش گولِ خندان یوزونه قارشی گریان دؤکولور.

گونلریمین اودونو گر ظاهر ائده‌م بو دونیادا،

گؤیده اوچان جانورلر یئره بریان دؤکولور.

کؤنولوم میل ائتدی کندیم گون یوزونه دلبرین،

لاجرم، اشک اولوبان اوش یئره عریان دؤکولور.

368

اؤلدوم لبی اوچون بانا آب حیات ایرور، عشقینله یایاغام، پاشا، لطف ائیله، آت ایرور.

سن شه رخی اوچون بو دم اولدوم پیاده بن، گره‌کسه قاییمه دؤک و گره‌کسه مات ایرور.

بن سوسامیش بو عشق یازیسیندا قالمیشام، اولوتمه‌گه دماغی لبیندن نبات ایرور.

خطّین دیلر کی دردیمه نسخه قیلا دوا، وقتیم چو نازک اولدو، طبیبه دوات ایرور.

سن‌حسنه بای و وصلینه بن قاتی یوخسولام، تانرینا باخ، ای بای و فقیره زکات ایرور.

369

ایا شاهی کی، بن سنسیز جهاندا دیرلیگیم یوخدور،

چو بن سنم و سن بنم، داخیلا بیرلیگیم یوخدور.

گؤزون قیلدیغینی جانا نئجه‌سی شرح قیلاییم؟

هله‌مختصر اول‌دور کی، سوموکده ایلیگیم یوخدور.

گؤزو یاغدیریر بانا، کرشمه‌لری صلح ائیلر،

ولی‌نئجه‌کی، قورموشدور قاشینی، الّا کیم یوخدور.

هزاران رستم دستان ائشیگیمده آیاقجیدیر،

ولی بهرام گؤزونو گؤروجک ارلیگیم یوخدور.

تنیمه عشقینیز کؤنلک و دردینیز قباچادور،

جهانیز بویوما اوخجار و لیکن ترلیگیم یوخدور.

370

گؤزویله‌خسته‌یم و گؤزو دخی خسته‌دورور، شکسته زلفو ایله زلفو هم شکسته‌دورور.

یوزونه گول یا بنفشه، ساچینا نئجه دئیه‌م، هزار ایکیسی بیکی یوزونده دسته‌دورور.
کؤنول‌شکایت‌ائده‌ر، گؤزلرینه‌دئرکی قاچان- خطاب خفته‌یه یاخود عتاب مسته‌دورور؟
لبیله اسروگم و گؤزو ایله مخمورام، بو ایکی حال جهان ایچره مِی‌پرسته‌دورور.
کؤنول شکسته و جانیم ساچینا بسته ایکن، عجب‌له‌مه سؤزومو گر شکسته بسته‌دورور.

371
سئوه‌رم، سئوه‌رم اوسانماق بانا یوخدور، نه کیم‌دئرسن‌اویارام، چکینمک بانا یوخدور.
تاناقالدی بو گئجه یوزو بدرین اوچون جان، چو بدر آی آنا ایردی اویانماق بانا یوخدور.
اگرچه اریمیشم آنین شیوه‌لریله، شونو کیم اله آلدیم بیراخماق بانا یوخدور.
سنینچون اولان اسروک بو یولدا آیاغ اولدو، بنم سرخوش اصلی آییلماق بانا یوخدور.
قامو ایرماغی ایرماق اولور جهد قیلیجاق، بنم عشق دنیزی کی، آییرماق بانا یوخدور.

372
گؤزوندن اسرومه‌گه دیله‌رم، شها، دستور، کی مست اولیجاغاز اولماییسارام مستور[1].
ساچین قوخوسو ایله دیری‌یم شها، بوندا، نگارا، لطف ائدیبن یئلینی بیزه اَستور[2].
ازلدن اسروگم و شیمدی اولموشام مخمور، تولو وئر اایاغی ساقی و مطربه دست اور.

قاشی یایینا گؤزو کیرپیگی اوخون گیزلر، جانیم فدا سانا تک قاشی یایینی یاستور.
گؤزون اوخو جانیما دور، نگارا، آب حیات، ولیک اؤزگه‌یی سَستورمز اول بنی سستور.

373
بئلی نه چکر دلبر آنی گؤر بیله نولور؟ اول چکدیگینی گؤر چکه عالم بیله نولور.
سن‌دل‌دیله‌دین، بن سانا جانی دخی وئردیم، چون بیردل‌ایمیش، هردوجهانی دیله، نولور؟
بن بیربیدیم باد صبایی آنا فرّاش، زلفو گؤزومون سلسله‌سین گر سیله نولور؟
قیبمادی گؤزوکه بن آنی سئودیگیم اوچون، بو دونیادا بیر عاشق اگر اکسیله نولور؟
اول نسنه کی قیل ائتدی آنین اینجه بئلینی، بن سوخته‌یی دخی اگر قیل قیلا نولور؟
شول‌کیشی‌کی، بدر آی ایله قالمیش اولا تانا، تانا قالیسار بیلدیز ایله، آی ایله نولور؟
بیز قاتلانالیم یار یاراسینا یاری اوچون، درمانینی دردی وئره غوغا ایله نولور؟

1– باسدیریلی، اؤتولو.

2– اسدیر.

374

گر بدر قاشینی گـؤره، شـاها، هلـال اولـور، بلبل گؤرورسه یوزونو، گلشـنده لـال اولـور.
بیزه حرام اولـدوغو وصـلین نـه نسـنه‌دیـر؟ گؤزونه قـانیمی بانـا هجـرین حلـال اولـور.
نـازکلیغینی نئجـه بئلـی‌نـین بیلیمـه‌دیـم، جـانین تصـوّری زیـرا عقلـه خیـال اولـور.
اول نسنه کی، ازلـده توزاغیـدورور جـانین، ظاهرده گؤره‌سین آنی کی، زلفو خال اولـور.
نئجه سؤگر ایسن بانا سن سؤگ، غم دگیـل، آغـو قاچـان کـی، لبینـه ایـره، زلـال اولـور.

375

کؤنول‌کی،سندن‌ایراق دوشه، بیر عذابا دوشر، گؤزوم فراقین اودوندان، نگـارا، آبـا دوشـر.
گؤزون‌کؤنول قانینی می دئیو کی، تولو ایچر، چوسرخوش‌اولدوسوناوجوقاراقی‌خوابا دوشـر.
سخاوتی کی، گؤزوم گؤسته‌ریر بـو عالمـده، جـوابینی دئیـه‌مـز کیمسَـنه، سـحابا دوشـر.
حجابی تن گئـده‌روبـن دیلـین ایـره‌ر لبینـه، حجاب تنین آراسیندا جانین حجابـا دوشـر.
وصالی یولونـا جهـد ائـده‌رم وئریـرم جـان، تنیملـه بـو اودا یانـان قـامو سـحابا دوشـر.

376

گـــؤزون ایلـــه یـــوره‌گـــیم یـــارادورور، نئیلـــه‌یـــم ظـــالم گـــؤزون قـــارادورور.
یانـــــدی کؤنولومـــــده ابـــــراهیم اودو، چـــونکی زلفـــو عنبـــرِ ســـارادورور.
گؤزلریمـدن شـول خیـال اکسـیلمه‌سـین، اول دخـــی بونـــدا بیـــر ادرارادورور.
چـونکی حسـنون جـامع اولـدو، ای نگـار، نولـــدو گـــؤزوم عـــینِ فـــوّاره‌دورور.
وار نیـــازیم نازینـــا اکســـیلمه‌ســـین، چـونکی نـازین لطـف و احسـان آرادورور.

377

آفرین‌شول‌قدّ و قامت کی، قیامت گؤزوکور، آفرین خسته گؤزونه کی، سلامت گؤزوکور.
بـاد صـبحیه اگـر قیـل یازیلـام یئریـدورور، اسدیگینجه بانا حسنونده کرامت گؤزوکـور.
جان‌پریشان‌گؤروجک‌گیسوسونو،وهمه‌دوشر، کی قیامت قوپاجاق اولسا علامت گؤزوکـور.
بن عؤمور آنی بیلیرم کـی، وصـالینله کئچـر، سندن‌آیری بانا عشرت چو ندامت گؤزوکور.
استقامت بانا شول‌دور کی، گـؤرەم قـامتینی، گؤزونو گؤرمه‌ییجک بانا سقامت گؤزوکـور.
عشقی کؤنولده اگر اولمایا خود اولمایا جان، عشقینه دوشر ایسم نولـا ملامـت گؤزوکـور.
کؤنولوم‌خسته‌لیغین‌شرح‌ائده‌ر ایدیم گؤزونه، توغرادی غمزه ایله یعنی حجامت گؤزوکور.

378

بـــن مســـت اولـــام و نگـــار مســـتور، بـــو دنیـــا قالـــامی بؤیلـــه معمـــور؟
نولـــا قَـــدَمینی قیلســـا رنجـــه، تـــا بولـــا صـــوابی یـــادی رنجـــور.
یاشـیم چــو شــراب و گــؤزلری مســت، گـــؤزلری خُمـــار و بنـــده مخمـــور.
اول حســـنو ایلـــه جهانـــدا معـــروف، بـــن عشـــقیم ایلـــه زمانـــدا مشـــهور.
زلفـــون چریســـینده بـــین جُنیـــدین، بیـــزیم ایلـــه‌دیـــر بـــو ایشـــی منصـــور.
تـــا قیلـــا کؤنولومـــوزو مســـکین، گیســـولارینا یازیلـــدی منشـــور.
بئلینـــده قیـــل اولـــدوم ایســـه، نولـــا؟- گؤرمـــه‌دیمـــی موســـی نـــوری در طـــور؟

379
جان‌وعقل و دل نگارا، گرچه کی معدوددور، عاشقین‌عذرو بودور کی، جود بالموجوددور.
بن وجودی اول نگارا قیلماغیم گـره‌ک فـدا، اول‌سببدن‌چونکی‌وحدت‌یار ایله مسدوددور.
بودمی‌خوش‌گؤره‌لی‌کی،عمربو دمدیر همین، عمری‌خوش‌سورمک‌جهانداچوخلارامحسوددور.
احمد ایله چون سـلیمان گلـدیلر بیـر آرایـا، اول‌زمان اولدو یقین کی، عاقبت محموددور.
فی‌المثل گر بن زیانی عشق ایله اولام زیـان، بن زیانا سایمازام آنی کی، جملـه سـوددور.
عشق ایچینده جمله ریحان ایله سنبل ساییلا، گر بو عالم سربسر چـون آتـش نمـروددور.
لبلری‌نین‌کؤنلوتاراولدوکی، لعل اولدو یاشیم، دئدیم آخر قیل تامّل اشـک خـون آلـوددور.

380
بئلی نـه چکـر، دلبـر آنـی گـر بیلـه نولـور، اول چکدیگینی گر چکه عالم، بیلـه نولـور؟

سن‌دل دیله‌دین، بن سنه جانی دخی وئردیم، چون‌بیردل‌ایمیش، هر دو جهانی دیله نولور؟
بـــن بیریبیـــدیم بـــاد صـــبایی آنـــا فـــرّاش، زلفو گؤزومون سلسله‌سین گر سـیله نولـور.
دئ‌قییماگؤزونه، سن آنی سئودیگیم اوچون، بو دونیادا بیـر عاشـق اگـر اکسـیله، نولـور؟
اول نسنه کی قیل ائتدی آنین اینجـه بئلینـی، بن سوخته‌نی دخی اگـر قیـل قیلـا، نولـور؟
شول‌کیشی‌کی، بدر آی ایله قالمیش اولا تانا، تانا قالاسـین ییلـدیز ایلـه، آی ایلـه نولـور؟
بیـز قاتلانـالیم یـار یاراسـینا یـاری اوچـون، درمـانینی دردی وئـره غوغـا ایلـه نولـور؟

381
نگارا، غمزه‌ن اوخو اوش یوره‌گیمـه توخونـور،
باشـیمدا نـه کـی، یازیلـدی یولومـدا اوش اوخونـور.
تـوکّلی گـره‌ک اولـا بـو یولـدا عاشـق اولـان،

گره‌ک کی، چوپ دوشه اول گؤزه کی، کیشی ساخینور.
سویا بوراخسا نه کی، گوزگو وارسا عالمـده، -
کی یـار گـؤرور اؤزونـو، چـونکی گوزگویـه بـاخینور.
نگارا، عشقین اودونـا بیـر اولـا یـاخین، ایـراق،
کیشی کـی، عاشـق اولـا، اول ایـراق، یـاخین یـاخینور.
سـعادت ایلـه شـقاوت ایکیسـی یولـدادیر،
کیمیسـی بیرینـی گئییـر، کیمـی بیـرین تـاخینور.

382
گـؤزلری مئـی، آغیـزی پسـته‌دورور، گـول جمـالی قاتینـدا دسـته‌دورور.
آنجـا کـی، گؤزلرینـدن ایچمیشـم مئـی، کؤنولـوم اوش خمـار خسـته‌دورور.
زلفـو باغیلـا کـی، پریشـاندیر، دلـی کؤنـول شکسـته- بسـته‌دورور.
دسـته گولـدور یـوزو و لعلـی مئـی، لبلـری شـکّرینه پسـته‌دورور.
بنـده یـوخ نسـنه کـی، فنـا ایریشـه، چـون فنـانین حلـولی هسـته‌دورور.
خطّـین ایلـه سـاچین بـو گلشـنده، کیمـی بـر بسـته، کیمـی رَسـته‌دورور.
چـونکی دوز اولمـادی بـو هنـدو سـاچین، لشـکرِ شـرقدن شکسـته‌دورور.
بـو مسلسـل یاشـیم قاچـان ایریسـر، آه کـی، اول اینـان گسسـته‌دورور.
حبشـی بنلـری مبارکـدیر، یـوزو مقبـل، سـاچی خجسـته‌دورور.

383
بو نقطه آغزینا بیر قیل نظر، نه‌دن دم اورور؟ صفا ایله بنینه بـاخ کـی، کعبـه‌دن دم اورور.
چـو اولـدو گیسـولاری قوخوسـو پراکنـده، بنفشه دیزه باشی مشـگ یاخـادان دم اورور.
ساچی کی، سبعِ طِوال اولدو گر، بیر آیتـدیر، مفصّل آنلا کی، اول نئچه سوره‌دن دم اورور.
قارا گؤزو دمی سِحری ایـروردو شـونا کـی، تن‌ایله‌جان اؤزونون بیلیر اورتادان دم اورور.
گئییک گؤزونـه قـول اولماغـا یارایـا، زیـرا، نئجه خطایی ایسه، دخـی نافـه‌دن دم اورور.

384
دیل‌نئجه‌سی‌سؤیله‌سین،دیلده‌نه‌دل واردورور، حالی گره‌ک آنلایا کیمده کی، دل واردورور.
اودون ایله جان گره‌ک کی، اولا ایـدی هـوا، کندی یالینیز دگیل آب ایلـه گِـل واردورور.

نئجه‌کی، وار وارلیغیم، قیلجاوصال اوممازام،
نئجه وصال اولیسار، اورتادا قیل واردورور.

قیلدی قاشین ائیله‌دی بنی هلال، ای بگیم،
گؤرمه‌یه‌لی آنلاری گؤزومه ییل واردورور.

بنلیگی گره‌ک آلا، قومایا بنده نگار،
بنده دئمکدن آخر نَسَنه بیل واردورور.

ائیله یاخیشما یارا کی، اولاسین جمله اول،
گؤرمک‌ودئمک‌گره‌ک، گؤزایله‌دیل‌واردورور.

آیینه‌ده گؤردو خال، دئدی کی، روم ائلی‌دیر،
نرده‌کی، فلفل اولا، هم رُخ و فیل واردورور.

385

لعلین مئی ایله کؤنول بی‌خبر اولموشدورور،
زلفو هواسی ایله دربدر اولموشدورور.

زلفو قدِ سروینه چونکی آیاقداشدورور،
سروِ خرامان ایله سربسر اولموشدورور.

وار شهابِ حسنونون تولو، ولی جمله‌سی،
لعل لبینده، شها، مختصر اولموشدورور.

گوشه‌ی چشمم‌دورور یار خیالی یئری،
خیلی زمان قونمادی زیرا تر اولموشدورور.

گلدی بو عشّاقا کی، ورزشِ عشق ائده‌لیم،
تا بیلینه عالمه هر کی، ار اولموشدورور.

منکسر اولور ساچین بادِ هوادان، شها،
یئل‌دخی‌باری‌نئچون‌حرف‌جَر اولموشدورور.

یاغماسی گؤزلری‌نین وصفی دیله گلیمز،
بی‌خبر ائده‌ر دلی بی‌خبر اولموشدورور.

الینه سوندوم گولو اؤپدو و وئردی بانا،
پس جگریمه دوا گولشَکَر اولموشدورور.

گؤزلری دل ائلینی آلدی و کئچدی جانا،
رحم گره‌ک کؤنوله رهگذر اولموشدورور.

386

نه خسته‌دیر گؤزو کی، جانیما معالج اولور،
اوخا دوتار آنی کی، اول هوادا خارج اولور.

گئجه فرشته‌لری ساناسین بو گیسولاری،
کیمیسی داریج اولور کیمیسی آریج اولور.

طریقِ‌سلسله‌دن گؤز گره‌ک ایدی کی، گؤره،
کی حسنونه گئجه‌لرینجه بین معارج[1] اولور.

یوزونه لطفی دلیل اولماییندا دل واریماز،
اگرچه ساچ ساغیشینجا آنا مناهج[2] اولور.

نگار الینه یئریدیر قیلیر ایسم بوسه،
کی مالش ائده‌ر اگر گیسودان خوارج اولور.

گؤزوم‌ساچین‌کیبی‌قان‌یاش‌مسلسل‌ائده‌گره‌ک،
کی آخیتمایان گئییکین گؤبه‌یی نوافج[3] اولور.

کؤنول‌کی،دوشدوساچینادخی‌قاچان‌چیخیسار،
مداخل آنلامایانا نئجه مخارج اولور؟

1– معراج یوللاری.

2– آیدین یوللار.

3– گؤبک.

387
سیفِ‌قاطعدیر، بوفرصتی‌باده وئرمه، باده وئر،
یوخ‌دئر ایسن‌عمروموزو باده وئرمه، باده وئر!

آشنای بحـر عشـقم، آنـدان اشـکه غرقـه‌ام،
آشنایی وئرمز ایسن، بیزه سن بیل یـاده وئـر.

بنــده‌ام آزاد قیلیــب بنــده ســالماغیل بنــی،
بو نصیحت عالمـه‌دیـر، بنـده‌وی آزاده وئـر.

دیله‌رم زلفون ائلینده سئیر قیلـام بـو گئجـه،
یـول اوزاقـدیر لبینـدن جانیمـا زوّاده[1] وئـر.

ییللراولدو بن‌سانا کی، جان وئریرم هر نفس،
شیمدی بیر بوسه لبیندن بیر خلافِ عاده وئر.

388
بو نه حسن و نه خطّ و بو نه قدّ و نه بلادیر،
جمالین‌روضه‌می،یارب‌و یا فردوس اعلادیر؟

ساچین‌عنبردورور، لیکن آنا کافور خدمتکار،
لبـین یاقوتـدو، الـا کـی لؤلـؤ آنـا لالـادیر.

قاشین‌پیوسته بیزیمله و قدّین راستدیر لیکن،
گؤزونه‌یاخشی‌باخینجاق‌قیاس‌اول‌دورکی‌آلـادیر.

یوزوگول،گؤزودورنرگس،تنی‌برگ‌سمندن‌تر،
ولی‌کیرپیکلری‌جادو، یوره‌گی سنگ خارادیر.

خطی‌خضر،آغیزی‌مریم،سؤزوعیســی،لبی‌یحیی،
اؤزویوسف،گؤزوموسی،زهی آدم، ز حوادیر.

389
وصف جمالی دلبرین آلتونلـا یازاسـینجادیر،
زلفــون گِــره‌لرینــده کؤنــول آزاســینجادیر.

زلفیلـه یوزونـه گئجـه - گونـدوز محیّـرم،
عشقیم نئجه‌کی، گیزلی ایسه سئزه‌سینجه‌دیر.

گـه نـاز و گـه نیـاز ائـده‌رم شـول جمالینـا،
اوسـتونه باخـارام بیلیـرم دوزه‌سـینجه‌دیـر.

گـؤزون تولـو وئریـر آیـاغی جانیمـا بنـیم،
چون ساقی‌دیر سوجی‌سین سوزه‌سینجه‌دیـر.

یازماز کؤنولو گؤزلرین لیکن، بـو کؤنولـوم،
صدق ایله گلدی اورتایا پـس یازاسـینجادیر.

390
کؤنلوموآلدین،آی‌بگیم،بیلیمــــه‌دیم‌کـــی قانـــدادیر،
الّـا بیلیــرم آنــی کــی، کؤنــول آلــالی قانــدادیر.

غمــزه‌لــری کــی، گــؤزلرین آتــار نشــانلادیم،
بن جگری بویامیشام اول اوخلاری کـی، جانـدادیر.

یازدی خطین کؤنول حالین، یازمادی هیچ گؤزلرین،
آتـدیغی غمـزه اوخلـاری قـاموجوغی نشـاندادیر.

بـن کؤنولومـو قانـدادیر دئیـو لبینـدن ایسـته‌دیـم،

---

[1]– یول آذوقه‌سی.

گلدیم اؤز اؤزومه هله بیلـدیم آنـی کـی، قانـدادیر.

یوزو اوچون بن آغلارام، گوله بولوت گـؤزو کیبـی،

آغلامـاق ایسـه ظـاهره، بـاطن ایچینـده خنـده‌دیـر.

391

کؤنلوم لعلِ لبینچون دمبـدم چـون قانـدادیر، نسبتین تحقیق ائدیجک لبلری‌نـین قانـدادیر.

تاکی، دم‌بسته‌اولوب، گول دسته اولا یوزونه، نئجه کی یاز گله، گولون دولتـی پاینـده‌دیـر.

وصل‌وهجرانین‌ایله‌خوش‌کئچیروروزبویازی، ابرگریان‌اولور ایسه سوری گول پُر خنده‌دیر.

عارف ایسن آنماغیل دینی و سورما یـارینی، کیم حالینی گـؤزه‌ده عشـق ایلـه پابنـده‌دیـر.

زنده ایسن دنیایِ مرده‌یی ترک ائت‌گیل یارا، مرده‌یه میل ائتمه‌یه هر کیم، جهاندا زنده‌دیر.

عاشقم، دینیم بودور کی، عشقدیر دینیم بنیم، بن‌امامام، بانا اویسون‌شول‌کی،ایشبودینده‌دیر.

چون بنم آنـین گـونش یاناقلارینـا مشـتری، غمزه‌تیری پس نئچون پروین ایله کبینده‌دیر؟

392

شها، شول نقطـه‌ی خـالین گـونش یوزونـده آیتـدیر،

شکر لعلیندن اورور دم، بو نـه شـیرین حکایتـدیر!

لبینـدن بیـر ام ایسـته‌دیـم، مرصّـع[1] ائیلـه‌دی جـانیم،

مئی ایمیش دردیمه درمان، نه شیرین اسـتمالتدیر[2].

ساچی‌نـین ساغیشـینجادیر، شـها، عشّـاق حسـنونون،

ولـی بیـر نقطـه آغزینـدان قاموسـونا کفایتـدیر.

قوخوسو شؤیله گلیر کی، خلافی یوخدورور سروین،

قـدینی گؤروجـک تیتـره‌ر، دلیلـی اسـتقامتدیر.

اگـر صـبر ائـده گـؤزلرین نظـر قیلینجـا آتماغـا،

بـو یـارالی کؤنولومـه بـو دخـی هـم حمایتـدیر.

393

شها، گؤزونـون دردی بـو دم جانـا دوادیـر، لعـل لبـی‌نـین قـانی دخـی جانـا شـفادیر.

---

[1] – بزه‌نمیش.

[2] – استمالت = اوره‌ک اله آلماق، مهربانلیقلا گئدیش ائتمک.

گیسـولارین آشـفته گـؤرورم کؤنولومـو...... بنزەر کـی، پریشـان ائـدەن آنلـاری هـوادیر.
بیـر پـردەسـرادا نولـا گـر اینیلـەیـم بـن، کـی، بلبـل دیوانـه دخـی پـردەسـرادیر.
جانیمـا بلـا تـورکی گـؤزو غمـزەلـری‌دیـر، گلمـز ساغیشـا گیسـولاری زیـرا قـارادیر.
آغـزین یارینـا غلـام و گـؤزون یاراسـینا، کی، اول ایکیسی نه کی قیلیر ایسه، یـارادیر.

394
نگارینا عجب حسنون نه ملّـت‌دیـر، نـه ملّـت‌دیـر،
بو جانیما سنین عشقین نه علّت‌دیـر، نـه علّـت‌دیـر؟
بنی عیب ائیلەمەنیز گر اولورسام، عشق ایلـه شـیدا،
جنون چونکی بو عقلیمـه جبلّـت‌دیـر، جبلّـت[1]دیـر.
آیاغینـدا وئریرسـم جـان بانـادور رتبـەی اعلـا،
تاپونـدان آیـری دیریلمـک مذلّتـدیر مـذلّت[2]دیـر.
قاشـین محرابینـا قارشـی عبـادت کینـەدور لـازم،
عبادت سندن اؤزگەیـه نـه ذلّـت‌دیـر، نـه ذلّـت‌دیـر.
بلیّـت‌دیـر بـو جانیمـا قییـا اوخلـاری گؤزونـدن،
الین اور گؤزومه گؤر کی، نه بیللت‌دیر، نه بیللت‌دیر.

395
بیـزه هـر لحظـه دولتـدن اشـارتدیر، اشـارتدیر،
سـعادت قاپیلارینـدان بشـارتدیر، بشـارتدیر.
حمائـل آنـدینا ایچـدیم نگـارا سـاعدین اوچـون،
اؤپـەیـیم سـاقینی، کفارتـدیر، کفارتـدیر.
لبینـه کیمسـنه ایرمـز گـؤزوم تـوغرار یـورەگیمـی،
قاشین بیر عشوەجیک قیلیـر کـی، یعنـی اسـتمالتدیر.
یـورەگیمـی پـرەک قیلیـب جگـر قانیلـه آپـاردیم،
یابانا دؤکدو سوجیسین کی، بو نه مهمل[1]، علامتـدیر.

---

[1]– طبیعت، فطرت، اصل.

[2]– ذلیل اولماق.

396
یولونا جان و دل وئرمک نگارینا عبادتدیر،
جان آلیب عشق وئرمکلیک بو یولدا خرقِ عادتدیر.
اؤلور ایسم یولوندا بن حیاتا سایارام آنی،
شقاوت ائشیگینده بانا خوشتر سعادتدیر.
نه زحمت کی، چکرم بن شها، رحمتدورور یولدا،
گؤزوندن خسته اولورسام توتاغیندان عادتدیر.
پریشان اولالی زلفون بانا اولدو یقین، شاها،
کی، جان آلماق لبین چاغیندا کی شیرین لطافتدیر.
گؤزونون غمزه‌لری گر قیلیر کؤنولومه نقصان،
آنا نُقصان دئییمزلر، زیرا عین زیادتدیر.

397
چون بئلی خیال اولا و آغزی گُماندیر، عیب اولمایا گر گؤزو، قاشی تیر و کَماندیر.
آپاردی گؤزو کؤنلومو لعلی سؤزیله، بن توتیسارام لبلرینی چوخلو[2] زماندیر.

بن نقد وئریرم سانا عقل و دل و جانی، سن وصلی قوما نسیه‌یه، بیر گؤر نه زماندیر.
بن عاشق صادق، ولی محروم یوزوندن، معشوقه دخی نازک و اخلاقی یاماندیر.
گؤزوم سنی گؤردو و کؤنول اودونا یاندی، اوندان بری گؤز ایله کؤنول آراسی قاندیر.

398
شونا کی، یوزو بدر و بویو سرو رواندیر، توغروسو بودور جان ایله کؤنول نگراندیر.
بن محترمم بختِ شعاعیندا یوزونون، شمس ایله هلالین زیره یوزونده قیراندیر.
عیب ائیله‌مه جانیما بئلینه تولاشیرسا، قایدا کی، لطیف اولا آرادا گراندیر.
جانیم آیاغی باشی نولا سروی قاتیندا، کئیئئین آنین آیاغی باشینا رواندیر.
یوز گز یوزومه ایردییدی آیاغی توزو، آندان بری گؤزوم یاشی اوستونده دواندیر.
دؤرونده یوزونون بو کؤنول سلسله‌سی‌دیر، اول سلسله بو کؤنول آرادا دَوَراندیر.

1– معناسیز سؤز.

2– نسخه ده چونکی یازیلمیش.

عیّوقا ایروریدی کؤنولوم بو اودونو، الّا کی، نئدەم چئوره یانیمدا دَبَراندیر.

399
یوزونده هندوی جادو کی، دُردِ گلچیندیر، هزارحوری باشی وئریرلر ایسه کی، چیندیر.
هر اوخ کی، آتا گؤزون خطا ایله کؤنوله، فلکده غلغلئین و آفرین و تحسیندیر.
اگرچه عینِ یساری نظر قیلیر کؤنوله، غلامِ عینِ یمینم کی، مست خودبین‌دیر.
بئلینی قیل گؤره‌نین قیل اولا گؤزونده مگر، قیلی ایکی یارامادی زهی خطابین‌دیر.
ازلده جانلاریمیز وئردیلر ایدی ال- اله، جمال و عشق آرالیغیندا پس نه کبیندیر؟

400
ایشبو جگر کیبی شاها کی، غرق قاندادیر، سورار ایسم دئیه‌می لبیندن کی، قاندادیر.
بنده گره‌ک کی، جان توپونا قوللوق ائیله‌یه،- کی بنده‌لر دئیه آنا کی، بین بنده بنده‌دیر.
اول قاندا ایسه قندینه بن تویارام آنین، شول‌دم کی، اؤزگه‌لر دئیه کی، دوست قاندادیر؟
اؤلو گره‌ک کی، دیریله آغزین دمی ایله، شکرانه شیمدی حاله کی، بو بنده زنده‌دیر.
بیز گؤردوک اول جمالی یوزونده کی، پَشک ائده‌ر، گؤرمه‌دیگیچون آنی زلیخا کی، سینده‌دیر[1].

401
احمدم کیم کی، بانا سانا یامان، ظاهرا اولا خلافِ ملّتدیر.
حق یولوندا توکّل و اخلاص، خلقتیمده بنیم جبلّتدیر[2].
نم اولور نم گؤزومده لیک هله، بو یوره‌گیم اودونا بیللتدیر.
خلق ایچینده آدیم ایله وصفیم، آدمِ انصرافا علّتدیر.
نئجه کی جمع اولور ایسه اعداء، جهل اولا کی جمعِ غلّتدیر.
درد آپارام گره‌ک عشقینه بنی، کی صواب اولا ائشیکده ذلّتدیر.
آییق ائشیکده پادشاه اولماق، در حقیقت همان مذلّتدیر.

402
ساغلیق، صنما، عاشقه دینار و درم‌دیر، سانما کی سنی سئوه‌نه هئچ نسه‌نه کم‌دیر.
هجرین ایله ایرماقلار آخار ایشبو گؤزومدن، ایرماقلار آخیتماز ایسه، بو گؤز دخی نم‌دیر.
دون گئجه یوزوم باسا، گؤزه گلدی خیالین، سندن بیزه شاها، نه کی گلدیسه قدم‌دیر.

1– سین = قبر.

2– جبلّت = طبیعت، فطرت، اصل.

آیری دوشه‌لی، شها، تاپوندان گؤزومه گـل، گؤر کی بو جهان لذّتی‌نین سـونو نـه‌دم‌دیـر.
شول عارضی زلفـه، صـنما، عنبـر و کـافور، نه نسبتی وار، دُنیـا دورالـی چـو خَـدَم‌دیـر.
حسنونه ساغیندی، صـنما، بـو دلـی کؤنـول، آتماسین آنی آه و گؤزون صیدی حـرم‌دیـر.
آه ایله قرم یـوخ ایـدی هرگـز گـؤزو ایلـه، جانیما آخین قیلدی، آنـین گـؤزو قَـرَم‌دیـر.

403

هـر بیـر دغلـین اویونـو سـربازی دگیلـدیر، یار یولونا قوماق کیشی سر، بـازی دگیلـدیر.
نه چکدیگیمی گر دئر ایسم، عمـر وارینجـا، بئلـین قیلـی ایلـه، صـنما، آزی دگیلـدیر.
جـورون تاشـینی کؤنلومـه نئجـه آتارسـین، بیر سـئرچه‌دورور، آهـن شـیرازی دگیلـدیر.
چرخ اوخو کیبی غمزه‌سی یارماز جگریمـی، یوره‌کدیر آخر، آتدیغی بیـر یـازی دگیلـدیر.
بین عاشقی گـؤزلری شـهید ائلـه‌مـه‌یینجـی، دعویسی بودور دُنیادا کـی قاضـی دگیلـدیر.

405

عاشـق اولـان یـار یولونـا یانـه گـره‌کـدیر، یانـا بیلیجـک بـو یولـا، یـا نـه گـره‌کـدیر؟
اوش دؤکـه‌رم گؤزلرینـه قارشـی قـانیمی، یـاوری شـاهین قانـا دادانـه گـره‌کـدیر.
گـر قبـول ائـده گـؤزو غمـزه‌لـری ایلـه، جـانی فـدا قیلماغـا بهانـه گـره‌کـدیر.
قومـادی خـالی و دوزدو یوزونـه خـالین، دوشمه‌گه شول تـوزه‌غینـه دانـه گـره‌کـدیر.
بـن آتـارام بـو جـانیمی قاشـی یایینـا، آتیجینـین میلـی هـم کمانـه گـره‌کـدیر.

406

شکّر لبی‌نین نُقلی، شـاها، پسـته نـه‌دنـدور؟ شول ایکی هلالین باشی پیوسـته نـه‌دنـدور؟
سرو قدی‌نین فتنـه‌سـی بـر خسـته نئچـون، گؤزده‌ساچی سئودالاری بی‌نشسته نه‌دنـدور؟
غمزه‌لـری جوشـن دلـر و یـوره‌گـی یـارار، گؤزلری گهی اسـروک و خسـته نـه‌دنـدور؟
زلفونده آنین عنبری تـر اولـدو طمـع خـام، یوزونده قیزیل گول اولالی دسته نـه‌دنـدور؟
کؤنـوللری مسـکین ائـدیبن بندینـه سـالار، گؤسته‌ریر ایکن اؤزونو شکسـته نـه‌دنـدور؟
سئودا ایله گیسوسی دِلی چون دَلـی قیلـدی، باغلاماغا شیمدی آنـی دل بسـته نـه‌دنـدور؟
شستینه آنین بسته نه کـی، جـانی وار ایسـه، بیجان اولا دامیندان آنـین جسـته نـه‌دنـدور؟

407

بویـون سـرو و تنـین چـون یاسـمیندور، جمـــالین شمســـه‌ی روی زمینـــدور.

کؤنـــول گیـــره‌لـــی محـــراب قاشـــینا، نـــه کـــی، دیلـــر ایســـه حقـــدن امینـــدور.
امـــین ســـورار کؤنولـــوم لبلرینـــدن، اونـــو توتمـــا عجـــب، روح‌الامینـــدور.
کؤنولـو گـؤردو جـان زلفونـده غمگـین، دئـدی، نـه‌سـین؟ دئـدی، عـالم همینـدور.
جهـــان گـــر مشـــتری اولـــا روادیـــر، چـــو دلبـــر آفتـــاب مـــه جبینـــدور.

408

شها، بئلینـه باغلانـدیم کـی، قیلـدان دخـی نارینـدور،
لبـین قاتینـدا شـکّردن سـؤزوم غایتـده شـیریندور.
صـنوبر قـدّینی گـؤردو، صـنوبر شـکل کؤنولـوم،
آنینچون هر دمـیم هـر دم بـو اوصـافیندا نارینـدور.
خیـالین گؤزومـه گلسـه، وصـاله سـایارام آنـی،
گؤزوم تعبیری اؤگره‌ندی، ساناسین ابـن شـیریندور.
میـانین قیلمییـام بـن کـی، میانینـدان خبـردارام،
سـاچین قیلـی دگـیلم کـی، میانینـدان کنارینـدور.
گؤزو غمـزه‌لـری ییرمـاز، گؤزومـو یـوزو گولونـدن،
کی مردمدن ائشیتمیشیز کی، گوللر جمله خارینـدور.

409

بو حسن و جمال و بو ملاحـت نـره‌دن‌دیـر، بو ذوق و کمـال و بـو لطافـت نـره‌دن‌دیـر؟
بونجـا و شـر و شـور و پریشـانی کؤنولـده، کی قیلـدی هـوا بـادِ حکایـت نـره‌دن‌دیـر؟
کؤنلـوم قاپیسـینی قاخیبـان پیـکِ صـباحی، شول سؤزو کی ائیله‌دی روایت، نره‌دن‌دیـر؟
قوراناغی آیتلری دئرسـین کـی، آنـین‌دیـر، هر گوشه‌ده یئتمیش نئچه آیـت نـره‌دن‌دیـر؟
دیریلیک ایله بیلمک و ائشیتمک و گؤرمک، ای خاک، سانا قیلـدی سـرایت نـره‌دن‌دیـر؟
هـر لحظـه فناسـینی فنـا ائـده‌ر و وارلیـق، دئدیم سانا ایـره‌ر بـو حمایـت نـره‌دن‌دیـر؟
گـر لوحـه قلـم جـاری دگیلمـی‌سـه نگـارا، کؤنولده بو خـطّ و بـو کنایـت نـره‌دن‌دیـر؟

410

گـــؤزون ســـر فتنـــه‌ی روی زمـــین‌دیـــر، چـــو شـــول صـــاحبقران ایلـــه قـــرین‌دیـــر.
خیالینـــدن کؤنـــول اومـــار مـــروّت، کـــی یـــارِ مـــردمِ گوشـــه نشـــین‌دیـــر.
ســـنین حســـنونه گؤیـــدن یـــوز بـــین، احسنت بنیم عشقیمه یـوز بـین آفـرین‌دیـر.

باهـا اولمـاز لبینـه جـز کـی، نظمـیم، کـی هـر لطفـی آنـین درِّ ثمـین‌دیـر.
آغیزینـدیر، نگـارا، شـؤیله یـاقوت، کـی بینـیم کؤنولومـه اول نگـین‌دیـر.

411
اهـل دل لبلرینـه جـان دئـدیلر، دخـی نازکـدورور یاجـان دئـدیلر.
گـؤردولر گؤزلرینـده فتنـه لـری، انّـه هـذا لسـاحران دئـدیلر.
پسـته ی لبلـرین ایلـه سـایدیلار، شـکرین نرخینـی گـران دئـدیلر.
ایکـی یـاقوتی تـاتلی قـارداش ایمـیش، دوشـمن آرالارینـا قـان دئـدیلر.
آیاغینـدا سـره نـه دیـر سـامان، دگمـه‌یـه آنـدا بـاش زمـان دئـدیلر.
بئلـی قیلـدیر، خیالـه مـدخل یـوخ، آغیـزی نقطـه بـی گمـان دئـدیلر.
گـونش و آی و تیـر ایلـه زهـره، ائتمـیش اوش قوسـده قیـران دئـدیلر.

412
سون تولو قدح، ساقی، رزان جمله خزاندیر، چـون بـادِ فنـا عاقبـت الـامر وزانـدیر.
لطـف ائیلـه تمـوزون دمِ گرمینـه اینانمـا، دم وئردیگـی آنـین نفسـی میـوه پزانـدیر.
آمد شد ایله‌دیـر چیچـک و میـوه و یـاپراق، کیمینـده فنـا زیـن و کیمیسـینده از آنـدیر[1].
افسونونو گر بیلمـز ایسـن، سـونما بـو مالـا، بـو افعـیِ پـر زهـره کـی، غایتـده گزانـدیر.
یئییب-ایچیب،اؤلمک‌می‌دورورحکمتِ احیا، اؤلو دگیل ایسن، بو قدر بیل کی، جز آنـدیر.

413
گـؤزون آپـاردی کؤنولـو عیانـدیر، ولـیکن قاشـلارون صـاحبقراندیر.
قیـل اولمـاق سـهلدیر بئلـین قاتینـدا، ولـیکن اول قیلـین بـار گرانـدیر.
تجلیسـینه طـور داغـی دویومـاز، چـو عشـاقه خطـابی لـن‌ترانـی‌دیـر.
نهایتـدیر بئلـین آنـا کـیم، ایـره‌ر، مگـر اول کـی هـواده بیگرانـدیر.
خـزان عشـق ایریشـدی کؤنولـه، ولـی گـؤزدن آخـان آب رزانـدیر.

414
بیز دردین ایسته‌روز، زیرا درمان زمـانی‌دیـر، بیز کفرون ایسته‌روز، زیرا ایمان زمـانی‌دیـر.
عیـدین قیلماغـا قوشـا قاشـینی گؤزلـه‌روز، محرابا قارشی زیرا کـی، قربـان زمـانی‌دیـر.
لبلـری جـامینی ایچـوبن اسـروک اولـوروز، گؤزلری دَوریدیر، زیـرا مستان زمـانی‌دیـر.

---

[1]– از این و از آن = بوندان و اوندان.

بیضا قولو هواسی کی، سئودادورور باشا،   معجزدورور چو رستمِ دستان زمانی‌دیر.
شول یوزه جانی وئرمه‌مه‌گین وجهی نه اولا،   جانینه دَوریدیر بو گون جان زمانی‌دیر.
جادو گؤزو و خونی لبی، هندو گیسوسی،   بیلمز مگر کی، لطف ایله احسان زمانی‌دیر.
واجب‌می‌دیر، وصلین ائده ممتنع بیزه،   بو، نشته وجوددور، امکان زمانی‌دیر.

415
عشق‌ایله کؤنول سیل اولوبان تاشا گره‌کدور،   نقش ائیله‌یه جان دردینی هر تاشا گره‌کدور.
یار نیلیبیچون نولا فرات اولور ایسه یاش،   آلیندا یازیلان ایریشه باشا گره‌کدیر.
یاش اولدو یوزوم گؤزلریمین یاشلاری ایله،   قان یاش آخیدان هم یئنه اول یاشا گره‌کدیر.
باد سحر آیاغی توزون ساچدی گؤزومه،   البته بیر اجرت رشّاشا گره‌کدیر.
پروانه وئریر ایسه کی شمع اولام اؤنونده،   جان وارلیغینی اوینایا فراشّا گره‌کدیر.

416
تا کی گلشنده گول ایشی خنده‌دیر،   دلی کؤنول لاله کیبی قاندادیر.
قوس قاشلارینا بن جان مشتری،   سرو آزادینا بین دل بنده‌دیر.
گوشه‌سینده گؤزومون حسن و خیال،   کیمی آینده، کیمی رونده‌دیر.
مریم عیسی نفسدیر ساناسین،   طبع کیم اوصافینی زاینده‌دیر.
زاد امیدی صبر الیمده عصا،   حسنونون عشقی یولوما زنده‌دیر.

یوخ دورور بللی مقامی کؤنولون،   قاندا کی، ایسترلر ایسه آندادیر.
قاندادیر کؤنولوم بو بن بیلیرم،   الاّ بیلمه‌زم کی، کؤنول قاندادیر.

417
تولو وئر ایاغی ساقی، کی عشق غالبدیر،   قوی صبح سؤزونو بو دمده چونکی کاذبدیر.
فریضه‌دیر بیزه‌کی، عمرو خوش کئچیره‌ووز،   ولی نگار ایله زیرا کی، شؤیله واجبدیر.
کؤنولدورور یئری‌یارین‌زیراکی،جان اول‌دور،   نگارا کی، جان اول اولا بو قلب غالبدیر.
هوا کی، قوپدو یوره‌کدن اودا چکر جانیمی،   کی، نه کی، گله قوپا مرکزینه طالبدیر.
یوزونه اولدو مسلّم بو گون عمارت حسن،   بو مملکتده ایکی قاشی، ایکی حاجبدیر.

418
لبین هواسی ایله بو کؤنول چو نارین‌دیر،   بئلین کیبی تنیمه باخ نئجه‌سی نارین‌دیر.
گؤزومه شؤیله تولودور خیالی حسنونونوزون،   کی بیلیمز گؤرور ایکن کی، بو نگارین‌دیر.

دیلر ایسن تورا کؤنول یـوزون آنـا گؤسـتر، دیلـر ایســن یؤرییـه یؤرگـه دور قرارینـدیر.
یارینـا سوسامیشـام یارینـا سـالار بنـی اول، نه بیلـه اودا دوشـن کـی، حیـاتی یارینـدیر.
امید وصـل کسرسـن، امیـدی بیـزدن کـس، هئچ اولماز ایسه دخی وعده ایلـه بارینـدیر.

419 گلشـــنه گـــل، نگـــارا، بلبلـــو گـــؤر، حســن اوچـون عـالم ایچـره غلغلـو گـؤر.
آیینـــه آل الینـــه، بـــاخ یوزونـــه، گـــونش ایچینـــده دانـــه فلفلـــی گـــؤر.
ســـاقی ســـیم ســـاق! ســـون ایـــاغی، آز چـــوخ عمـــرو ایچینـــده ململـــو گـــؤر.
بلبـــــل آوازی دگـــــدی قالاغینـــــا، بـــاخ صـــراحیلره بـــو غلغلـــو گـــؤر.
بلبلـــون زاریســـیچون[1] آغلـــار ایکـــن، کؤنـــول آیـــدیر بانـــا کـــی، گُلگُلـــو گـــؤر.

420 زلفـــون ایلـــه بـــو کؤنـــول بیچـــاره‌دیـــر، گئجـــــــه‌لـــــــر اول آرادا آواره‌دیـــــــر.
جـــان آلیـــر، عقـــل آپـــاریر، کؤنـــول قاپـــار، حکـم اوچـون آنینـدورور، نـه چـاره‌دیـر؟
یـــارا بـــن گؤســـترمه‌زم کؤنولومـــو، کـی آنـدا نئجـه غمـزه‌سـیندن یـاره‌دیـر.
آه قیلمـــادی آنـــین کؤنلونـــده یئـــر، اولـــامی اؤنلـــو کـــی، ســـنگِ خـــارادیر؟
کیرپیگـی‌نـین هـر بیـری بیـر اوخ دورور، بـاخ یـوره‌گیمـه کـی، پـاره پـاره‌دیـر.
گلـــدی گـــؤزلری خیـــالی گؤزومـــه، وارلیغیمـــی آلـــدی گـــؤزو قـــاره‌دیـــر.
گـــؤزو جـــان آلیـــری جـــان بوســـه دیلـــر، حســـنو بـــو دعـــویمیزه نظّـــاره‌دیـــر.

421 بـو تبخانـه‌ی دلـده کـی عشـق تـاب قیلیـر، قانین شراب ایچـر و بـاغرینی کبـاب قیلیـر.
گؤزوم یاشینی سو ایکن لبی قیلیر خونـاب، ولی خیـالی یـوره‌گیمـده خـوان آب قیلیـر.
هزار جان اولا هر بیـر قیلینـدا گیسوسـونون، کؤنولو، عقل اول آرادا کیم حسـاب قیلیـر؟
یوزونه‌باخماغا گؤزلری دؤیومز آنین اوچون، ترحم ائیله‌ییـبن زلـف ایلـه حجـاب قیلیـر.
بو پیر پخته‌یی سونغیل بیزه سن، ای سـاقی، کی ذوقی ایرسه دماغینا، شیخی شاب قیلیـر.

422 عشق‌بیرجوهردورور کی، شهردلده شهره‌دیر، کمترین خدّامی ماه و مشـتری و زهـره‌دیـر.
عاشـق عاقـل آنـا دئـرم کـی اهلیّـت سئوه، بلبل دیوانه‌دیـر کـیم کـی اسـیر چهـره‌دیـر.

1– زاریسی اوچون.

مهرِ مهرینه کؤنولوم مومدور تانری بیلیر، چونکی‌شول‌شهدلبی‌نین‌مهری‌شیمدی‌مُهره‌دیر.
عاشقین حظّی گره‌ک تابع اولا معشوقونا، نفسی اوچون بهره دیله‌ین کیشی بی‌بهره‌دیر.
عشقدیر ترک ارادت کیم کی بو یولا گیره، گر ارادت دعویسی قیلیر ایسه بی‌زهره‌دیر.

423
گؤز جمالین گؤریجک اولور قریر، گؤز کی، گؤرمه‌یه جمالینی قریر[1].
شعر الکدن کئچمه اولور بو تنیم، گؤره‌لی سنین تنینی چون حریر.
قاندی لعلین لبلرینه در ازل، ائیله‌میش ایدی بشیر اول حق بشیر.
آنین اوچون بی‌نظیر اولدو یوزون، کی، طراوتدن اولور هر دم نظیر.
خطّی اودو ایله دیل اوخدوددور، گره‌ک ایسه عالم اولسون زمهریر.
قاشی حاجب، گؤزو شاهنی حسنونون، یوزو سلطان، گیسولاریندیر وزیر.
عنبر و کافور ایچینده غرق اولور، بختلو دل کی، ساچیندادیر اسیر.

424
فتنه دورور گؤزو، شُکُر، الله، خفته‌دیر، اولدوم محیّر آغیزینا کی، نهفته‌دیر.
شول دیده‌یه کی، حسنی کیبی گؤر نه دیده‌دیر، بیر مدح دیلر آیدا کؤنول کی، نگفته‌دیر.
تار اولدو عقلدن کؤنولو روحدان تنیم، گؤره‌لی قاشی طاقین اگرچه کی، جفته‌دیر.
گون گؤزو گؤرمه‌دی و ییل آیاغی ایرمه‌دی، نه وجه ایله نگار لبی لعل سفته‌دیر.
بین جان وئریر کؤنول کی، آلا جانینی لبین، هرچند خلق میلی بو دونیادا مفته‌دیر.

425
شول شهین کی، ساچی چو عنبردیر، عشقی اودونا جان سمندردیر.
شول لب لعل اوچون کی، همتی یوخ، یاشیم اینجی و یاناغیم زردیر.
گرچه بارآور اولمایا طوبی، سرو قدّینی گؤر کی، دربردیر.
لبی چون شکّر اولدوغو نه عجب، چون ایکی‌دیر یقین مکرردیر.
نِی اودا یانا سوزوم الیندن، گؤزلریم یاشی ایله دف تردیر.
سروینه قارشی عود اولدو تنیم، یوره‌گیم زلفون ایله مجمردیر.
سازکار اول بو سازا، ای عاشق، بو قضا جانا چون مقدّردیر.

1– قوجالیر.

426
جـان اوینامایینجـا نئجـه جانـان الـه گلیـر؟ جان یئرینه گؤر کی، نئجه بین جان اله گلیر.
دوشـدو کؤنولـوم مشـاله گیسـولاری ایلـه، اول طرّه‌یی سن سانما کی، آسـان الـه گلیـر.
کانی کیشی گر جوهر اوچون ایستر اولورسا، لبلرینـــه ایـــره‌ن کیشـــیه کـــان الـــه گلیـــر.
نـــه نســـبت اولـــا تخـــت ســـلیمانا قارینجـــا، قارینجـــا اولـــان جانـــا ســـلیمان الـــه گلیـــر.
دردین دیلـه‌رم بانـا دخـی نسـنه گـره‌کمـز، زیـرا کـی، یئنـه درد ایلـه درمـان الـه گلیـر.

427
گلشنه باخ، یـاریمین گیریشـمه‌سـینی گـؤر، عشقی ایله جـانیمین گیریشـمه‌سـینی گـؤز.
یغمـاجی گـؤزلری‌نـین بیلیشـمه‌سـینه بـاخ، زلفـو گـره‌لـری‌نـین ایلیشـمه‌سـینی گـؤر.
باخ بولـودا گـؤزلریم اوچـون نئجـه آغلـار، لبلرین اوچون گولون گولوشمه‌سـینی گـؤر.
زلفـــون ایلـــه عارضـــین گؤســـته‌ره‌لیـــدن، گوندوز ایله گئجه‌نـین قاووشماسـینی گـؤر.
سانما کی، معشـوقه عشـقیم اودونـو بیلمـز، بیـــر آرایـــا گلیـــب باخیشماســـینی گـــؤر.

428
صنما،ساچینی‌چؤزگیل‌کی، زمانه محشریدیر، کؤنولومه سال اودوندان، زیرا عشق مجمریدیر.
نئجه آلینی آیـی ایلـه کؤنلـوم قلنـدر ایسـه، ساچی حلقه‌لری ایله یئنـه عقـل حیدریـدیر.
الیفی‌بویونو سئوه‌ن کیشی میمینی گؤریجک، بیله کی، اؤلو دیریلتمک یئنه هم پیمبریـدیر.
یوزوعَدَن اوچماغیدیر، ایکی قاشیدیر ترازو، گؤزودور جهنّم اودو، لبی حوض کوثریـدیر.
آیاغینی باشیما بن گؤتـورور ایسـم نـه اولـا، جان آنین یولونا باشیم بو نفسده سرسریدیر.

429
یوزوم خزان و گؤزوم همچو ابـر نیسـاندیر، وجـود ایلـه عـدمیم ائشـیگینده یکسـاندیر.
اگرچه مشـکلی زلفونلـه مشـکله دوشـدوم، گلـاب لطفونـه ایرمـک کؤنولـه آسـاندیر.
مشوّش ائیله‌دیگینچون صـبا یئلـی سـاچینی، چمنـده سـنبلِ تـر دخـی کِـی پریشـاندیر.
بو کیش عشق بیزه گؤسته‌ره‌لی قاشی یـایین، کؤنولـده عیـد و جـانیمیز یولونـا قربانـدیر.
الهـی، دردینـی کؤنلومـوزدن ایرمـه ایـراق، کـــی دردی کؤنلومـــوزه دوا و درمانـــدیر.

430
دوا دردیمـــه قیلمـــا کـــی، دردیـــن دوادیـــر، اودونـا بـو یـوره‌گـیم یانـار ایسـه روادیـر.
روا توتما کی، جـانیم تاپونـدان اولـا آیـری، تنیمـدن جـانیم آیـری اولـور ایسـه روادیـر.
قاش ایلـه گـؤزو آیـدیر کؤنولومـون ائلینـه، نـه ائـده‌ر ایسـه لیکن سـاچی آنـا قـارادیر.

چواول بیردیر، بیز بیرسه‌ووز اورتادا نئیچون، ساچی‌نین ساغیشینجا یوره‌گیمده یارادیر.

431
نگارا، گؤزوندن بو اوخلار خطادیر، بیزیم خود ایشیمیز قضایا قضادیر.
گؤزوم فتنه ایله قوپاردی قیامت، چو تورک اسروک اولدو، نه قیلسا روادیر.
چمنده، نگارا، خرامان یوروگیل، ایزین توزو چونکی گؤزه توتیادیر.
بنیم دولتیمسین، شها، قارشیما گل، کی فرصت عزیز و اجل در قفادیر.
بنی اؤلدوره‌ن اول، بن آندان حیادا، عجایب شهادت، عجایب قضادیر.
چو دردین دوادیر، دوا دردینه یوخ، دوا دردینه یوخ، چو دردین دوادیر.

432
تولو قیل ایاغینی و الیمه، ساقی، گتیر، سپاهیده قویماغیل هیچ نسنه باقی گتیر.
کدورتی بو جهانین چو حددن آشیبدیر، صفا گره‌ک بیزه شیمدی، می رواقی گتیر.
زماندورور کی، فراق ایله یانمیشیز یاره، وصاله دؤنده‌ره‌لیم شیمدی بو فراقی گتیر.
نئچه کی آجی ایسه صرف و تولو سون بیزه، کی، لبینی آنانین تاتلودور مزاقی گتیر.
کؤنول بو جفته قاشینا اوتوزدو وارلیغینی، یئنیدن اوینایا بو جفت و طاقی گتیر.

433
بویون سرو و تنین چون یاسمین‌دیر، آغیزین توپ- تولو درّ ثمین‌دیر.
سانا ایرمه‌یه‌یم سندن ایره‌رسم، باشینچون بانا بو اولو یمیندیر.
ساچی‌نین آراسیندا عقل و جانا، کمینی آیداییم یوز بین کمیندیر.
قامو بتلر جمالی گؤیو، شاها، سنین حسنون آیاغینا زمین‌دیر.
نه نازک آفرینش‌دیر، نگارا، کی هر نسک یئرینده آفرین‌دیر.

434
گؤزومه‌گؤرونو گلدی یاریمین خیالینی گؤر، دل‌وجانی‌شول‌دم‌آلدی، سن‌آنین‌کیم‌آلینی‌گؤر.
گؤزوکؤنلوموآپاردی،ساچی‌جانی‌داماچکدی، نئجه‌صیدائده‌ر پلنگی، بوکئییک‌مارالینی گؤر.
یوزونون‌نقابینی‌سال کی، چاغیرا یاپراجوقلار، بیری- بیرینه‌دیتره‌شیبن‌کی،فلان‌جمالینی‌گؤر.
بیلینه دیلردی ساچین کی، قیلا ایدی تشبّه، وار ایمیش‌باشینداسئودا،سن‌آنین‌خیالینی گؤر.
نولاعشق‌اودویاخارساکیشی‌یی‌یوزونه‌قارشی، لب لعلی چشمه‌سینه نظر ائت، زلالینی گؤر.

435
عشقین قونوق اولدو بانا اوش بنی بندن ایله‌دیر،

بنیم ایشیم چو سهل اولا چوخلاری دیندن ایلەدیر.

مفتیلری مدرسەدن، زاهدلری صومعەدن،

کشیشی هم کشیش ایلە کلیساسیندن ایلەدیر.

کؤنلو یئرینده گئدەرور، جانی تنیندن آپاریر،

عقلی نئجه کی پیر ایسه، گؤزو یولوندان ایلەدیر.

جگر قانی ایلە کئییک ختنده نافه دوزدوگو،

باد صبا قوخوسونو زلفو پیچیندن ایلەدیر.

بن سنی گر گؤرم، دخی نئیلەیەلیم گؤریمەزم،

سنلیگینی گؤرسەدیجک بنلیگی بندن ایلەدیر.

436

ساقیا، نوروز گلدی مهری جانی دپرەدیر، بئلی‌نین‌عشوەسینه باخ کی، نه جانی دپرەدیر.

زلفونون‌سئوداسی‌ایله‌قالمیشام همچون خیال، لعل لبیندن امیدیم وار کی، قانی دپرەدیر.

غمزەسی تیری نه حاجت یورەگیم اوماجینا، اول یارالانیر قاچان کی، یار کمانی دپرەدیر.

زلفونون شورشلری گؤر کی، خیالیم آرتیریر، شول‌شکرسؤزلرین‌ائشیت‌کی، گمانی‌دپرەدیر.

بن یاخینمادیم هزاران جانی قیلیرام فدا، اینجه بئلینه کی، جانینی یا جانی دپرەدیر.

گؤزلری و قاشلاری آغزی ایلە یاناقلاری، خطّی گر یازار ایسه سبع مثانی دپرەدیر.

تحفه‌شول حسنونه لایق طبع بیلمز بونجادیر، کی، آشاغی- یوخاری هر دم دکانی دپرەدیر.

437

هرقیلیندا زلفونون یوز بین دل‌وجان دپرەنیر،

کفرودور گیسوسو، لیکن آندا ایمان دپرەنیر.

عشق ایلە گر بولانیرسام، بانا طعنه توتماغیل،

چون‌هوا ایلە گؤرورسون بحر عمّان دپرەنیر.

گرخطایی‌گؤزلرین قهر ائدەر ایسه سهل اولا،

چون بناگوشوندان، ای جان، لطف و احسان دپرەنیر.

آغزین و قاش و گؤزون مهر سلیماندیر بنه،

شول مهری دلی‌سی‌یم کی‌آندان سلیمان دپرەنیر.

سن قاشینی دپره‌دیکجه دپره‌نیرسم نه عجب!
چون در و دیوار ایله بو سقف ایوان دپره‌نیر.
شمس یوزونه، شها، بن مشتری‌یم، مشتری،
زهره‌نین زهره‌سی‌گئده‌ر بلکی کیوان دپره‌نیر.
حمدِ لله گرچه چوخدور قاراسی زلفئینی‌نین،
شول نفس کی، ال اورا آنا مسلمان دپره‌نیر.

438

گول‌دخی‌شول آغزین کیبی پرخنده دگیلدیر، بلبل چو تاپون کیبی سراینده دگیلدیر.
دنیا بانا لطفوندور فانیدیر آنینچون، زلفون عؤمورومدور ولی پاینده دگیلدیر.
دردیمه لبین یارار و سن قاندا سالارسین، هم آندا دورور میلی جانین قاندا دگیلدیر.
لعلین کیبی می نئچه‌سی شیرین اولیساردیر، شکّر آغیزین کیبی خوش آینده دگیلدیر.
کیم گیسولارین بندینه اولور ایسه بنده، بو ینده سنین لطفونه در بنده دگیلدیر.
وهمینه خیالین، صنما، سیغمایا بئلین، آغزین کی، تصوّر قیلینا زنده دگیلدیر.
بین‌ییل‌گئجه‌گوندوز سنی‌گرگؤروراولورسام، کیم‌دئیه کی، هر گؤرمه‌گی تورونده دگیلدیر.

439

هرگئجه‌صبحه‌دکین عشق اری‌نین ناله‌سیدیر، قارا گونلر گتیره‌ن باشا گؤزون آلاسیدیر.
شیخ‌ومفتی و مدرّس نئجه ساخلارسا اؤزون، گؤزونون عشوه‌لری جمله‌سینی آلاسیدیر.
نه بلادیر کؤنولوم قوشونا گؤزون، صنما، عجب اولمایا چو اول شه بالابان بالاسیدیر.
آشنا اولدوغوچون عشقی دنیزینه کؤنول، وارلیغیندان سویولوب بیر گون آنا تالاسیدیر.
باغ‌وبوستانی نئده‌ر شول‌کی، یوزون‌گؤره بیله، سروی بویونو یوزون گلشن ایله لاله‌سیدیر.

440

دلریش اگر اولماز ایسه، درویشه نه دئرلر؟ زلفینه اگر تولاشا تشویشه نه دئرلر؟
یادی بیلیشی اجنبی و خویشی بیلیجک، مست اولماییجاق عاشق بی‌خویشه نه دئرلر؟
تاشدیریوره‌گین،شیشه‌دورور، شاها، کؤنولوم، تاشا توخوشوجاق، صنما، شیشه نه دئرلر؟
ایثار ائده‌رم جانی، شاها، قاشلارین اوچون، قربان اولیجاق هر کیشی بیر کیشه نه دئرلر؟
بئلینه ایرمه‌مه‌دیمی اندیشه هم ایرمز، ایرمه‌ییجک ایرمه‌یه‌نه اندیشه نه دئرلر؟

441

تولو ایاغ وئر، ای ساقی، زیرا نوروز چاغی‌دیر،

شــرفده‌دیرحملــده شــمس، ایــاغ اونــون ایاغیــدیر.
بانا لعلــی ائــل اولورســا، چــو گــؤزو مســتدور نولــا،
اگــر زلفئینــی شورشــده و یــا قاشــلاری یــاغی‌دیــر.
گؤزو کؤنولده اسیریب نئچه قانلــار دؤکــر گؤرســن،
قیلیرســا عربــده، نولــا، چــو هــم اؤزو اوداغیــدیر.
یوزونده دانه گؤستــه‌ریــر، تاغیــدیر زلفونــو چئــوره،
هلــه بیــر کؤنولــو یازمــاز نــه قــارا زلفــو آغــی‌دیــر.
بانا دئرلر کی، عشــقی‌نــین قاچانــدیر آخــری بــاری،
نــه بــیلم آخــرین، چــونکی اودون اوّل اوماغیــدیر.
یوزومو یئره سوره‌ر ایسم کــی، اؤپــم آیــاغین آنــین،
بونــو بــن بنــدن ائتمــه‌زم آنــین زلفــو یاســاغیدیر.
نئچه کــوه و کمــر گــزدی، قــرار ائــده‌مــه‌دی زلفــو،
کؤنول قیلدی قرار آندا، عجب دگیــل کــی، یاغیــدیر.

442
گؤزلریمـــــده، نگـــــارا، یاشـــــینی گـــؤر، قانــا یــاتمیش یــوره‌گــی باشــینی گــؤر.
لبــی‌نــین چشــمه‌ســیندن ایچینــی گــؤر، بئلــی‌نــین ســایه‌ســینه تاشــینی گــؤر.
حســـنو دورونـــده گـــر جگـــر یانـــدی، کیرپیگـــی غمـــزه‌ســیله قاشــینی گــؤر.
گـــؤزو قونوقلوغونـــدا اوخ یئـــدی دل، ای جگـــر، آنـــا گـــؤره آشـــینی گـــؤر.
گــؤز ائــدر گــؤزلریمی قــان- یــاش ایلــه، اوزادیـــر یـــاش آنـــا یاشـــینی گـــؤر.

443
شاها، اَنــه‌گــون آلماســی آبــی دگیلمــی‌دیــر؟ خواباگؤزوم گؤزون اوچون آبی دگیلمی‌دیر؟
ام دیله دیم بــو دردیمــه لعلینــی دیشــله‌دی، انصــافا گلــه‌لــیم یــا جــوابی دگیلمــی‌دیــر؟
گؤزوم مِی آخیدیر یاشینی گؤزلری اوچــون، کؤنول یوره‌گی باغری کبــابی دگیلمــی‌دیــر؟
نولا عمارت ائتســه گــؤزون کؤنلــوم ائلینــی، رحمت یئریدیر اؤزو خرابــی دگیلمــی‌دیــر؟
بن وارلیغیمی جــان یولونــا تــرک قیلمیشــام، وارلیق کیشیه جــانی حجــابی دگیلمــی‌دیــر؟

444
سونغیل ایاغی ساقی، کــی دونیــا گذرانــدیر، چوخلار بو دمه ایرمه‌دی، چوخلار نگراندیر.

غمـزه‌ن اوخونـو آت و نقـابینی یوزونـدن،   گئده‌ر کی گؤره‌لر کی، کمین ایچره کماندیر.
شول سروینه بین جانی روان اویله‌یه‌ییم گل،   گؤزلریمـه کـی، قـانلی یاشـی آب روانـدیر.
گؤزوم قوشو عالمده همین سـانا ایلیشـدی،   اگلنمـه‌گـی دنیـادا ائشـیگینده همانـدیر.
یاردان دیله‌مز کیشی کی، آیری اولا یوخسـا،   اؤلوم دخی عشق اهلینـی بیـر دم سـیراندیر.

445
لطفـون یئنـه بیزیملـه شـاهانه اولیسـاردیر،   اؤلدوگو اوچون عاشق شاها نـه اولیسـاردیر.
مردملیک ائدیب گؤزوم دؤکر ایری اینجیلـر،   مردملـرین ایشـی هـم مردانـه اولیسـاردیر.
جانلی کیشی سانا جان اوینار، صنما، لـیکن،   جانانه‌یه جان وئرمـک یـا جانـا اولیسـاردیر.
بیر قطره درون شاها گلدی گؤزومـه بـو دم،   عمّانـا دوشـن قطـره دردانـه اولیسـاردیر.
باخچانا چو جان گیردی البتـده آنـین میلـی،   شـفتالو الـه گیرمـز رومّانـا اولیسـاردیر.
گؤزون ایلـه زلفونـدن اسـروک و پریشـانام،   عیب ائتمه اگر سـؤزوم مسـتانه اولیسـاردیر.
مجنون ایله لیلی‌نـین میلـی وار ایـدی آخـر،   عـالم سـانا آنینچـون دیوانـه اولیسـاردیر.

446
صنما،خزان‌ایریشـمیش،گل‌آخی،بوحالینی‌گـؤر،   نظر ائت کمالینه، باخ یئنه دون زوالینی گـؤر.
کیمیسی‌بیه‌نیک عاشق‌سارویابویامیش اؤزون،   کیمی‌نین‌بورسم‌خوبان یاناغی‌نین آلینی گـؤر.
هرآغاج‌بوچاغ‌ایچینده،ساناسین‌کی،بیربت‌اولموش،   یؤرو، دنیا حالینا باخ، بو جهان محالینی گؤر.

ساللانیشین‌ایلن‌آپارجانیمی کی، دئیه گـؤره‌ن،   نئجه‌صیدائده‌ر پلنگی بوکئییک مارالینی گؤر.
بو جهاندا حسنه مالا نئچه غـرّه اولیسارسـین   بو بهار حسنونه باخ، یا خـزان مـالینی گـؤر!
باغ‌ایچینده‌سالین‌وگیرکی،چاغیرا یاپراجیقلـار،   بیری‌بیرینه‌دیتره‌شیبن‌کی، فلان جمالینی گؤر.
قیلا بنزه‌مـیش تنـیم کـی، بئلینـه قیلـا تشـبّه،   وار آنین گمانینا باخ، گل آنین خیالینی گـؤر.

447
روی نگـار و فصـل بهـار و شـکوفه‌دیـر،   بـو فصـل ائلچیلرینـه جانلـار علوفـه‌دیـر.
کیم ترک قیلیـر ایسـه جهـانی، آنـی قـووار،   پس بو جهان صدق ایله بیر راست یوفـادیر.
گـر اسـم اعظـم ائشـیده چؤیـه سـایماز،   شول قلب خام کیم، نظـری کـم حروفـادیر.

دونیـا چـو قلبـدیر آنـا اویماسـا ییگیـره‌ک[1]، کیم نفسـینه اویـار ایسـه نقـدی زویوفـادیر.
بو دونیا خلقـی‌نـین اونـو یاریمـا دگمـه‌یـه، احدی عشـق ارنلـری‌نـین بـین علوفـه‌دیـر.

448
یار بانا هجرانـی اودونـو ساناسـین یـارادیر، کیم، بنی‌گه یوخ‌قیلیر عشق ایله و گه یارادیر.
چون بیلیرم کی، نگارین میلی واردیر دانه‌یه، گؤزلریم هر لحظه گؤزدن آخیدیرلار یارادیر.
بئلی ایله هئچ اولورسا، آغزی ایلـه تنـگ دل سهل‌توتماق‌گره‌ک‌آنی، چون قاموسو یارادیر.
دل دیله‌دی غمزه‌لری، دیله‌دیلـر کـی، آنـی، ایگنه‌جه ساغ بولونماز، دل قاموسـو یـارادیر.
غمزه‌سی تازه کؤنول دیله‌دی کی، بوته قیلـا، دئدیم‌اوش‌کؤنول هله وارینجا بو کی یارادیر.

449
باخ یوره‌گیمـده لالـه وقـتِ خـزان بهـاری گـؤر،
شیرلری شکار ائـده‌ر آهـوی جـان شـکاری گـؤر.
نرگسی مست ائده‌ر گؤزو، باده‌پرست ائده‌ر بیزی،
بو نئچه فتنه‌لـر اولـور جـادوی پـر خمـاری گـؤر.
گلـدی قـراری گؤزومـه زلفـو و قیلمـادی قـرار،
بیر ییل ایلـه اوچـار هلـه هنـدوی بیقـراری گـؤر.
قویمادی یوره‌کده هـئچ قانـا تاتانـدی گـؤزلرین،
غمزه‌لرینه هی‌دئ‌کی، قلب ائده‌ر اوش عیاری گؤر.

درد دیار و درد یار نئچـه چکرسـین، ای کؤنـول،
بیـر قـدمین جانـا بـاس یـارینی و دیـاری گـؤر.

450
کؤنلوم دنیزی شیمدی یئنه تاشـا گـره‌کـدیر، نقش ائیله‌یه عشقی بوتیمک تاشا گـره‌کـدیر.
تنیم قورودو درد ایلـه و اولـدو دنیـز یـاش، لطفون سنین، ای شه، قورو و یاشا گره‌کدیر.
عشـقین سـرّینی بیشـیریبن گیزلـه‌ییمـه‌زم، اود چونکی اسر قیلا آشـا- آشـا گـره‌کـدیر.
گؤزون‌گؤزومه چکر اوخون کؤنلومه اورور، اسروک دخی هم آتدیغینی شاشا گـره‌کـدیر.
هر زاهـد خامـا، شـاها، گؤسـترمه یوزونـو، بت بنجیله‌یین رنـد ایلـه اوباشـا گـره‌کـدیر.

---

[1]- داها یئگ، داها یاخشی.

کیم بیر گـؤز ایلـه نقـش جمالینـا باخارسـا، یوز گؤز ایله جانین وئـره نقّاشـا گـره‌کـدیر.
بیر نقطه ده قویان اوتوز ایکـی درّ خوشـاب، بین گنجی نهان ائیله‌یه خوشخاشا گره‌کـدیر.
آشــفته‌دورور گیسوســو پرشــورا آنینچــون، عاشق دخی معشوقونا اوخشاشـا گـره‌کـدیر.
تـا باسـا خیـالین یوزومـو سـولایا گـؤزوم، پس بیر نظرین دخی بو رشّاشـا[1] گـره‌کـدیر.

451
شـاها، توتـاغین کؤنولومـو آلـا نئچـه بیـر، دؤنـده‌ره گـؤزوم یاشـلارینی آلـا نئچـه بیـر.
دســتان ایلــه ســاعدلرین آپــارا کؤنولــو، بـین طعنـه اورا رسـتم بـین زالـا نئچـه بیـر.
شــوریده سـؤزون ایلـه و آشـفته سـاچینلا، تولاشـا کؤنـول قیلـا و یـا قالـا نئچـه بیـر.
ادغام ائده باشـلادی صـبا مشـکی سـاچیندا، شول‌خسته گؤزون قصد ائده اعلالا نئچه بیر.
خالین گؤره‌لی اولدو کؤنول غصه‌سی خالی، اول‌قوزغونو بن خوش گؤره‌رم فالا نئچه بیر.
هر لحظـه خیالینـه دؤکـر گـؤزلریم اینجـی، میل ائـده مجـرّد دخـی بـو مالـا نئچـه بیـر.
عشق آلدی اله حسـنونو گؤسـتردی جهانـا، بن ساچی وئـره‌م وارلیغـی دلاّلـا نئچـه بیـر.

452
وصف لبی‌نین، شاها، دخـی گفتـه دگیلـدیر، لعلین دخی شیمدیه دگـین سـفته دگیلـدیر.
قصدایله قیلیر جادو گؤزون خسته بو مستی، بــو فتنــه اویــانیق آخــر خفتــه دگیلــدیر.
گه درهم و گـه بـرهم و گـاه اولـا پریشـان، آدممی‌دورور اول کی، آنـا آشـفته دگیلـدیر؟
هرجفتی‌کی، وارطاق دورور حسنی ایچینده، مئیلانی مگر آنـین اوچـون جفتـه دگیلـدیر؟

کشفـائیله‌یه‌لی یوزونو سئودیم سنی تحقیق، کؤنلـوم سـرّینی کؤنولونـه نهفتـه دگیلـدیر.

453
بنــی خیــالی ایلــه کؤنولــوم قــرارا گلیــر، ولی سـاچینی آنیجـاق قاچـان قـرارا گلیـر؟
خیـالی گلیجـه‌گـز گؤزلریمـه لؤلـؤ و لعـل، نگــار آیاغینــا عشــق ایلــه نثــارا گلیــر.
عجب دئـیم، صـنما، ایشـبو یارادیلمیشـدان، تنین حریر و یوره‌گین چو سنگ خارا گلیـر.
نئجه کی، گؤز یاشی ایله قیزاردیرام یوزومو، یــوره‌گیمــین اودو ایلـه یئنـه سـارارا گلیـر.
گره‌ک‌کی، رُخ رخا اورام سنین ایله، ای شاه، پیـاده اولـان ائشـیگینده چـون سـوارا گلیـر.

454
شاها، ساچینی گؤریجک کؤنول قرارا گلیر، کؤنول‌کی، بین گز آیاردین قاچان قرارا گلیر؟

---

[1]– رش = نارین یاغیش / رشّاش = نارین یاغیش یاغدیران.

لبـین خیـالی قیـزار وگلیجـه‌گـز گؤزومـه، بنیم بنیزیمی گؤر کـی، نئجـه سـارارا گلیـر.
بو تنده کـی، گؤزومـون باخماغینـا دؤیـومز، عجب‌لرم کؤنولونو کی، سـنگ خـاره گلیـر.
صبا یئلی یئتیبن تـار و مـار ائـده‌ر سـاچینی، مگر کی، قاری اوچون نافـه‌ی تاتـاره گلیـر.
شماره گلمه‌مک اوچون سـاچینا تولاشـدیم، شماره گلمه‌یه اول کی، بگیم، شـماره گلیـر.

455
سئوه‌ن سنی گؤزون کیبی بیمـار گـره‌کـدیر، هـم دردیـن ایلـه جانینـا تیمـار گـره‌کـدیر.
کیم کی، دیلر ایسه‌کی، اولاعشق ایله منصور، مسکین ساچین ایلـه هلـه بـردار گـره‌کـدیر.
عشّـــاقین آراســـیندا بنـــیم کیبـــی محیّـــر، بولماقلیغـــا بـــو دونیـــادا ادوار گـــره‌کـــدیر.
عقـل و کؤنولـو زلفونـه و یوزونـه جـانی، ایثـار ائـده‌رم یولچـو سـبکبار گـره‌کـدیر.
گـؤزلریمین ایرمـاغینی یولونـا اوچـوردوم، لابـد بیـزه بیـر جعفـر طیّـار گـره‌کـدیر.
بنیم کیبی مسته کی کئچر عقل ایله جانـدان، مسـتانه گـؤزون رسـمینه خمّـار گـره‌کـدیر.
افکاریمی چون جمع ائـده‌رم بونـو بولـورم، کی، جان و کؤنول عشقینه افگار گـره‌کـدیر.

456
گل، ای سیّاحِ پُردیده، بو یوره‌کده یـار ایشـین گـؤر،
گؤزونون غمـزه‌سـی ایلـه جگریمـده یاریشـین گـؤر.
نئجه کی، جورون آرتیریر، جانیم دردی دخی آرتـار،
آنین جورو ایله دردیمـین بـو میدانـدا یاریشـین گـؤر.
عتـــابی ایلـــه دپـــه‌لـــر دیریلـــدیر عشـــوه‌لریلـــه،

گئجه گوندوز بنی هر گون اویودوب او یاریشین گؤر.
کؤنولـو مشـکله سـالدی پریشـان زلفونـو دیرشـیر،
گـل نســرینی هـر لحظـه قارایـا بویاریشـین گـؤر.
یارایشین، گؤریاریشین، گؤراویودوب‌اویاریشین‌گؤر،
بو قاموسـی ایلـه عشـقی کماکـان اویـار ایشـی گـؤر.

457
کؤنلوم یئنه بیر عشـقه سـرآغاز ائدیسـردیر، یـار نیّتینـه بیـر دخـی پـرواز اندیسـردیر.
ایـره‌رسـه ال اتـه‌گینـه محکـم توتوسـارام، بـن آنـا نیـاز، اول بانـا بیـر نـاز ائدیسـردیر.

کؤنولده آنین عشقینی بن گیزله‌یه ایدیم، لیکن نئده‌یيم غمزه‌ی غمّاز ائدیسردیر.
شول گیسوسو کی، باد صبا ایله یاریشیر، عشق ایله نئچه سروری سرباز ائدیسردیر.
اول‌شه‌کی، گؤزون‌بازائده‌لی گؤردواؤزون باز، آنین ایشینی نئچه‌سی شهباز ائدیسردیر.
بنی چو قیلیر سعدی عجب اولمایا گر اول، سیواسی دخی خطّه‌ی شیراز ائدیسردیر.
دمساز اگر اولماز ایسه لبلری بانا، البتده نواسینی کؤنول ساز ائدیسردیر.

458
یوره‌کده گؤزلری‌نین یاره‌سیدیر، کؤنول خود عشقی‌نین بیچاره‌سیدیر.
اوزون گئجه‌لر ایچینده بو کؤنلوم، مسلسل زلفونون آواره‌سیدیر.
دئدیم، زلفو گئده‌ی خالینی گؤستر، دئدی، اوزاتماغیل یوز قاره‌سیدیر.
گؤزومدن آتیلیر یاشلار ساناسین– کی، شمعیم جامیه‌یی فوّاره‌سیدیر.
گؤزوم گوشه‌سینه گلسین خیالین، کی، جان بو گئجه سیزه وئره‌سیدیر.

459
نگارینا بنیم حالیم سنین ایله معمّادیر، لب لعلینی گؤره‌لی بو گؤزلریم مُدَمّادیر.
گؤره‌لی اینجه بئلینی گل‌ایمدی‌جسمیمی گؤرگیل، وجودوما نظر قیلغیل کی، اسمِ بی مسمّادیر.
بیزی‌باطن‌گؤزو ایله‌نظرقیل‌چونکی‌سنده نور، مظاهردیربو ظاهر گؤزو، زیرا قاتی اعما[1]دیر.
اگراؤزگه‌یه‌زهر ایسه، آنین عشقی بانا تریاک، و گرخارایسه‌بین‌شُکّرکی، دردی‌بانا خرمادیر.
جهان گؤزومه قارارور پریشان اولالی زلفون، هوایا تابع اولماقلیق بو کؤنلومه نه سئودادیر!

460
زلفونون هر خامیندا بین چیندیر، هر چین ایچینده بین کؤنول چیندیر.
گؤزونه اویدو گؤزلریم چین اوچون، بیری گلچین و بیری دلچیندیر.
بیزه ایراقلیغین نه قیلا زیان، صحبتیمیز سنینله ایچیندیر.
دل خطا دیمه‌یه اگر دئر ایسه، کی، یوزون نوری دیده‌ی چین‌دیر.
نه عجب رحمی وار خطا گؤزونون، کی، اوخو بو یوره‌کده پرچیندیر.

461
تندن سنی سئوه‌ن جانی آواره گره‌کدیر، پیوسته قاشین اوخ آتا همواره گره‌کدیر.
جانی گؤزونه توت و قویوب اسیریمیشم بن، رهن ائده کیشی وارلیغی خمّاره گره‌کدیر.

1– اعمی = کور، گؤزو گؤرمز.

بن خسته‌ی افتاده لبینچون اؤله‌ییم‌می؟ لطف ائیله‌یه عطّار بو بیماره گره‌کدیر.
قانلی یاشی ادرار ائده‌رم یارا گؤزومدن، امضا قیلا لبلری بو ادراره گره‌کدیر.
زلفونه کؤنول واردی کی، بیر قوخو آپارا، زنجیر دخی دزد ایله عیّاره گره‌کدیر.

462
تعالی الله، تعالی الله بو نه لطف الهی‌دیر،
بو کؤنول ملکی ائلینده نه تخت و تاج شاهی‌دیر؟
دئییمه‌زم‌کی، گونشسین‌قاچان دئیه‌م کی، آیسین سن،
چو وارلیق وارلیغی ذاتین بو عالمده کماهیدیر.
کؤنول یعقوبونا نولا اگر یوسف اولاسین سن؟-
کی، ساچیندیر رسن جانا، زنخدانین چو چاهیدیر.
دیله‌رم واهی اولمایا بنیم آهیم اوچون آهیم،
هزاران آه آهیمچون گر اولورسا کی، واهیدیر.

463
ساچینی بیلیرم، شاها کی، بو گلشنده ریحاندیر،
یوزون گولدور گؤزلرین عجایب نامسلماندیر.
گؤزونون گوشه‌سینده دل قونوق اولدویدو بیر گئجه
قومادی آنا عقل و جان، آپاردی یعنی مهماندیر.
گؤزون جانیما درد ایدی، لبین دردیمه آرتیردی،

کی، یعنی‌سورماغاواردیم کی، اول دردیمه درماندیر.
گونش یوزونون اوستونده هلالی قاشی گؤستردین،
کی، بین عاشق بنیم کیبی بگیم، اول عیده قرباندیر.
بگیم والنّازعات زلف چون قیلیر بیزی بسته،
نئده‌لیم شمس یوزونو، اگر سوره‌ی رحماندیر.

464
سئودیم سنی بن، آیید آخی تدبیر نه‌دیر؟ حیله وار ایسه، آیید آخی تقصیر نه‌دیر؟
وصلین بو جانی کیم اؤلودور دیری قیلیسار، چون خیردورور، بیهوده تاخیر نه‌دیر.

فرصت‌وار و موسم خوش و اصحاب موافق، کیم نه بیلیسر تانلا کی، تقدیر نه‌دیر.
خانجارو باخارسان، صنما، سنی گؤرورم، باللـه، دی آخی، بو دوشه تعبیر نه‌دیر؟
ظاهرده ایکیدیر، بیری عاشق، بیری معشوق، باطنده ایکیسی دخی پس بیر نه‌دیر؟

465
توبه‌دن پرهیز قیلماق عشق ارینه پیشه‌دیر،
یاری خوشنود ائیله‌مک‌لیک کؤنلونه اندیشه‌دیر.
جور تاشینی آتالی قان آخیدیر گؤزلریم،
نئجه‌سی دؤیوسر ایدی بیر کؤنول کی، شیشه‌دیر.
یئل پریشان ائتدی زلفونو تولاشدی بوینوما،
بو کشاکشدن مضرّت[1] هم یئنه درویشه‌دیر.
شول گونش یوزونده یالقیز خالی عنبر گؤره‌لی،
بللی بیلدیک کی، قارا گون دونیادا بی‌خویشه[2] دیر.
جان و کؤنول آزیشیب زلفونده بیله دوشدولر،
چوخ سعادت بولدولر یوز رحمت اول آزیشه‌دیر.

466
زلفونده ، شها، عشق اری آواره گره‌کدیر، ترک ائیله‌ییبن چاره‌ی بیچاره گره‌کدیر.
آنجا آرایا کؤنولومو زلفو ایچینده، کی، ترک ائدیبن آندا قالا عاره گره‌کدیر.
یوزونو سئوه‌ن دؤیمه‌یه گؤزونه گره‌کمز، بیرگول دیله‌ین صبر ائده یوز خاره گره‌کدیر.
عقل و دل و جان آلدی گؤزو و قیلیر انکار، معشوقه کی، شوخ اولا از این کاره گره‌کدیر.
جادو گؤزو غمزه‌لری‌نین اوخلاری ایله، انصاف وئره حیدر کرّاره گره‌کدیر.

467
وقتِ‌سحرکی، گؤزلرین‌آتدی‌یوره‌گیمه سحر، دلده‌جفامیزی‌خطین یازدی چونقش فی‌الحجر.
نوح کیبی بو گؤزلریم دنیزه گمی ائیله‌دی، ال گتیریب مخالفه دئدی کی، ربّ لاتضر.
نی‌شکر اولدوبویون‌وگول‌یوزونو، لبین شکر، شکرکی،وئردی‌حق‌بانا اول ایکیسینده‌گول‌شکر.

---

[1]– گره کلیک، ضرورت.

[2]– بی‌خویش = کیمسه سیز.

گرچه سؤزو تاویل ائده‌ر قامتی‌نـین قیـامتی، لیک قیلیر توتاقلارین کله‌جیمیـزی مختصـر.
بن نئجه یَر بیراخمایـام سـنبلونه گیسـونون، سوسن آلا الینه تیغ، گول توتا یوزونـه سـپر.

468
عشقین، نگارا، کؤنوله جـانی دگیلمـی‌دیـر؟ جورون بنیم بو جانیما جـانی دگیلمـی‌دیـر؟
دکّـان قـوردو لعـل لبـین جانلـار آپـاریر، یاقوتا جان آلیـر نیشـه کـانی دگیلمـی‌دیـر؟
جنّتدورور یـوزون، شـها، شـفتالو دیلـه‌روز، شفتالو یئمیشـی، نولـا، دانـی دگیلمـی‌دیـر؟
کیشینده عشقی‌نـین، صـنما، تیـر اولموشـام، قربـان اولـام قاشـینا کمـانی دگیلمـی‌دیـر؟
بن‌چوخ‌دورور کی،عشقین‌اوچون‌جانی‌وئرمیشم، لعــل لبــین حیــاتی امــانی دگیلمــی‌دیــر؟
لعل لبین کی، حجره‌سی گئی مختصردورور، بـن سـورارام سـرای معـانی دگیلمـی‌دیـر؟
هرچند ییخدی کؤنولومو گـؤزو غمـزه‌سـی، عشـقی سـرایینا یئنـه بـانی دگیلمـی‌دیـر؟
زلفون خیالی یاخدی، شـها، کؤنولومـده اود، باشـیمداغی امامـه دوخـانی دگیلمـی‌دیـر؟
بن لبلرین سرّینه قـول اولـدوم عیـان، شـها، ســرّیم بنــیم لبینلــه عیــان دگیلمــی‌دیــر؟

469
اؤلدوم یولونـا آنـین، بیلمزلیگـی نـه دنـدیر، جاندان توزاق ائیلـر، ایلمزلیگـی نـه دنـدیر؟
دؤگدوم‌گؤزوم یاشینی یولونا گئجه- گونـدوز، لطف ایله آنی بیر دم بیلمزلیگـی نـه دنـدیر؟
دل دیلـه گـؤزو کـی، دیلـه‌یـدی مگـر آنـی بـن جـانی وئـردیم دیلمزلیگـی نـه دنـدیر؟
قیل- قیل‌قیلی‌ساچی‌نین‌دیله‌دی کی، قیلا قیل ایشـبو تنیمـی بنـیم قیلمـازلیغی نـه دنـدیر؟
بیلمه‌دیگیمی بیلدیم ایله‌دیـم سـاچینا آنـین، بیلمه‌دیگـی بیلیمـز، بیلمزلیگـی نـه دنـدیر؟

470
عشقین‌وارایسه جهد ائد و محبوبا ایریشدیر، گؤرورسه‌گؤزون، سعی‌ائد و بیرخوبا ایریشدیر.
مجنون اولوبان لیلینی قو و گئجه – گوندوز، عشــقینی بانــا، صــبرینی ایّوبــا ایریشــدیر.
بــن حــاجبینی ســئوه‌رم، ای شــاه زمانــه، سن سالما حجابی، آنی محجوبـا ایریشـدی.
سن یوسف دورانسین و یعقوب زمـان بـن، پیراهنــی‌نــین طیبینــی[1] یعقوبــا ایریشــدیر.
عینیم، صنما،قلب ایسه چون سالدین اودونا، حیف ائیله‌مه گیل، سکّه‌ی مضروبا ایریشدیر.

471

---

[1]– طیب = ایگ، ایی.

بُرقعِ‌زلفی گؤزومه‌گؤر نه حاجب گؤسته‌ریر، لعل‌لبین‌شراب‌ائده‌ر، باغری کباب گؤسته‌ریر.
لبلری‌نین امین‌کؤنول‌دیله‌دی ایدی، ام دئدی، درّ ایله‌دوتدو لعلینی‌حسنی‌جواب گؤسته‌ریر.
گؤزومه‌خواب‌خواب‌اولور گؤزلرینی گؤره‌لیـدن، یوره‌گیمین قانینی گؤز قاشینا آب گؤسته‌ریر.
زلفو کی، پیچ و تابدیر بیر یازی ایدی آلنیما، دفترعشق الینده‌دیرعقد و حساب گؤسته‌ریر.
گؤزاودوایله‌گؤزیاشـین‌گرچه‌آخیتدی‌چوخ‌زمان، لیک هواسی دلبرین آنی تـراب گؤسـته‌ریـر.

472
ساقی، تولو سون ایاغی کی، روزه دگیلـدیر، بـو عمـر بجـز مهلـت ده روزه دگیلـدیر.
سیرت سئوه‌رم، صورته یوخدور مئیه‌لـه‌نـیم، بزمی دیله‌ریز مقصـودوموز کـوزه دگیلـدیر.
مَرکَب‌وار ایکن‌جهد ائد و معشوقونا ایرگیل، هیچ کیمسـه اجـل تازیسـینی اوزه دگیلـدیر.
البـت آتینـا ایشـبو جهـانین ایـنن اویمـا، کی میل ائـده اول قارایـا یـا بـوزا دگیلـدیر.
بو فصـلده کـی، گـول یولونـا یاخیلـا بلبـل، کیمین کؤنولو ساز ایله بیـر سـؤزه دگیلـدیر.

473
گونشــــیم گلشــــنین اوچــــون آیلـــار، شـــول هلـــالی قاشـــین اوچـــون یایلـــار.
شـــکّری تنگینــــی عجـــــب توتمــــا، بئلینـــه بـــاخ کـــی، گـــؤره‌ســین تایلـــار.
ســـرو ایلـــه طوبیـــه نظـــر قیـــل راســـت، ایکیســــــی دخـــــی اودونــــا نئیلــــر.
لعلینـــه چـــون نظـــر قیلینـــا مـــدام، قیلمایـــا کیمســـه ایچمـــه‌گـــه مِـــی‌لـــر.
دردیـــم اوچـــون بنـــیم دوا دئـــدی کـــی، قاچـــان ائـــده بانـــا دوا کِـــی‌لـــر.
ضـــایع اولمایـــا اولـــامی دم صـــبح، نعـــره‌لـــریم یـــاتیر ایکـــن چایلـــار.

474
نگار یولونـا جـان تـرک قیلمـاق ارلیکـدیر، جان اوینااق تونـو بنـیم بویومـا ترلیکـدیر.
اگرچه یـک سـخن اولمـادی لبلـرین جانـا، کؤنوله گؤزلری‌نین ایشـی یـک نظرلیکـدیر.
گؤزوندن‌آنلامیشام بن‌کی، هرکی سنی سئوه، سنینله نئچه جهـان اولسـا ایشـی بیرلیکـدیر.
اؤلوم دگیلمی تاپوندا ایراق دوشـن‌لـره کـی، یاخین اولانلارا عشوه‌لرین کی، دیریلیک‌دیـر.
باشیم فدا آیاغینا کی، باشـیم دورور آیـاغین، آیاق باشا سـاییلیر بـو ائشـیکده سـرلیکدیر.

475
صورت زیبان، ای صنم، عـالمِ جـان نسـخه‌سـی‌دیـر،
دسته‌دورور گول یوزونه نئچه کی، گول دسته‌سی‌دیـر.

عشقین چریسی شهرتی ملک ایله یاییلدی چوخـدور،
زلفـون آنـین ایلـه قومـاز هنـوز دخـی یایاسـی‌دیـر.

گـؤزو یارالـادی بنـی، یئتـدی یاراسـی جانیمـا،
دمره‌نی چیخمادی هنوز سهل اولا یـار یـاره‌سـی‌دیـر.

دؤرد گؤیو یاشماق ائـدینیر، گـون باخیمـاز جمالینـا،
زلفونه قارشی گئجه گـر گؤزوکـه یـور قاراسـی‌دیـر.

بـن تاپونـا ایـره‌مـه‌زم، زلفـو خیـالی کؤنولـه،
مشگ قوخوسـو قورخـارام دونیالـارا چیخاسـی‌دیـر.

476
آغـزین، صـنما، لعـل لبـین امـه گـره‌کـدیر، جان خسته‌دورور، جهد قیلا امـه گـره‌کـدیر.

بن جانیمی وئردیم و شاهین شول توتاغینـا، گتیرمه‌دی گؤزونـه، دئـدی نمـه گـره‌کـدیر.

دئدیم کؤنولومه کی، ایـراق یئـری بئلینـدن، دئدی نئده‌ییم آنـدا، بانـا نـه‌مـه گـره‌کـدیر؟

بی‌برگ و نـواییز هلـه چنگـی قیلیبـان سـاز، گه زیره ال اوراسین و گـه بمـه[1] گـره‌کـدیر.

اکسیکلییســم عاشــقینم، ای شــه کامــل، آرتیق نظری سن قیلاسـین کمـه گـره‌کـدیر.

479
تولدو ایچیم اود گؤزده کی نم نمه گره‌کدیر، جان خسته و لعـل لبـین ام امـه گـره‌کـدیر.

صبحی یئل ایله دم وئـره زلفـو بیـزه نئجـه، دم قیلـا مگـر یـوره‌گـی دم دمـه گـره‌کـدیر.

یار یوزو بنـه کعبـه و گـؤزوم یاشـی زمـزم، حج موسمی‌دیر عشق ایله زمزمه گـره‌کـدیر.

بی‌هم اولـالی بـاهم اولـوروز قـامو عشّـاق، نه حالت ایسه چونکی بهم همـه گـره‌کـدیر.

480
جان خسروون جمالینه شیرین دگیلمی‌دیـر؟ یـوره‌ک هدیـه یولونـا نـارین دگیلمـی‌دیـر؟

محــراب قاشــلاریندا گؤزونــون امامینــا، اویدورمایان نمـازینی بیـدین دگیلمـی‌دیـر؟

بویو الف و میم آغیـزی، زلفـو یـئ و نـون، قاشـی اولانـا آلقیشـیم آمـین دگیلمـی‌دیـر؟

قاشلاری قوس و کیرپیگی تیر و اؤزو حمل، بدر آی یوزو و بنلری پـروین دگیلمـی‌دیـر؟

یوزویلـه زلفـو عنبـری کـافورا سـاچدیلار، شول خطّ سبز اورتادا مسکین دگیلمـی‌دیـر؟

---

[1]– بم = کرمانین یاخینلیغیندا بیر شهر. زیره به کرمان بردن ضرب المثله اشاره دیر.

481
ایاغی ایچمز و توتار تولو بو ساقینی گؤر، اوخور و توتماز اوخودوغونو یاساقینی گؤر.
ایراق‌ائده‌ر بیزه وصلین، یاخین قیلیر هجرین، یاخینینا نظر ائتمه و باخ ایراقینی گؤر.
یوزونه گل نظر ائیله و حور وصلینی بیل، ایزینه باخیبان آلتینداغی براقینی[1] گؤر.
وصالینه ایریشیجک اریر بو وار جگریم، وصالی بؤیله اولور ایسه گل فراقینی گؤر.
سن، ای کؤنول آلیجی، جان آپاریجی دلبر، کؤنول‌وجان قاتینا واردی اوش یاراقینی گؤر.

482
خماریمیز چویازیلدی، تور ایمدی باده گتیر، کئچن عمرلریمیزی بو لحظه یاده گتیر.
خمار ایکن تولو وئرور ایدین ایاغی بیزه، خماریمیز چو یازیلدی ایاغ زیاده گتیر.
چو تولو ایچه‌لیم، قالمادی اغیار، ایاغی بیزه سولو وئرمه صرف و ساده گتیر.
شکسته بسته بنیم تک کی، بسته‌ی زلفم، گؤزون اوچون نولا بیر خسته‌ی فتاده گتیر.
رخون اوچون نئچه شاه فیللرینی طرح قیلیر، آتینی سالدیریبان فتحینه پیاده گتیر.

483
هر لحظه گؤزون کؤنلومه اوخ شاشاییم دئر، زلفونه تنیم آنین اوچون اوخشاشاییم دئر.
شش‌گؤگسونه‌دئرسه‌کی، یوره‌گینه‌اورام اوخ، بین‌جان‌و دل ایله یوره‌گیم اوخ شاشاییم دئر.
مخمور گؤروب گؤزونو گؤزوم آنا هر دم، یوزومو یوزونه اوروبان چوخ شاشاییم دئر.
تن اینجه کؤنول تار و یوره‌ک قان ایدی بن، اوخشاشادیغیم‌اوچون‌یارایله‌اوخشاشاییم دئر.
سروی‌ی روان ائیله‌ییجک گلشنه صبحین، گؤودمده واری سونگومون قاخشاشاییم دئر.

484
نه کیم نازیندان آیدورسا، دیلیمیز نازنین سؤیلر،
گؤزوم ایله دیلیم لطفون همان گؤرور همین سؤیلر.
گؤزوم ساچین چریسینده گؤرور یوز بین کمین لیکن،
بو مجلسده قاموسونو دئییمز بیر کمین سؤیلر.
بنیم بو اؤلو جانیما توتاغی عیسایی دکین،
نه بیله‌یدیم آغیز- آغیز آنی روح‌الامین سؤیلر؟
ساچی‌نین هر قیلی اوچون بن ائیله اوینارام جان کی،

---

[1]- براق = محمد(ص) آتی نین آدی دیر.

فلکلــر دئرلــر احســنتم، ملکلــر آفــرین ســؤیلر.

ســاچیندان دئــر ایســه تبــیم پراکنــده‌دور اینانمــا،

قدینــدن نئجــه اوزادیرســا، ســؤزون راســتین ســؤیلر.

مزلزلدیر، مسلسل زلفونون سؤزونه اینانما،

ولی کؤنول کمرگــاهی ســؤزونو کــی مبــین ســؤیلر؟

جهانــدا فتنــه‌لــر قوپــار، چــو جــان غمــزه‌لــرین آیــدیر،

قیــامتلر قوپــار، چــونکیم کؤنولــوم قــامتین ســؤیلر.

485

نئجه‌بینی صیدقیلمیش گل آخی بو گنجیمی گؤر، بو یولا باش ایله قویوبــان گــوونجیمی گــؤر.

اله‌گنجی گیردی، گنجی نه بانا حسد قیلیرســین، بو ویران‌کؤنول‌ایچینده نظر ائیله، گنجیمی گؤر.

نئجه دیلر ایسه زلفو کی، بورویه روم ائلینی، تاغیدیر صبا یئلی تک حبشی فرنجیمی گؤر.

سنین ایله بیــر اولوبــان اولاشــالی قاشــلارینا، یئنه ایشبو طاس‌ایچینده شش‌وچاروپنجیمی گؤر.

486

جانینا جان کسه‌گی بو حســد حســد آپــاریر، جهان‌جانینی دون‌وگون‌بو خال و خط آپاریر.

ساچین‌اوچون‌گؤزومون یاشی‌سیله‌سلسله‌دیر، کی یئددی دنیزه آندان گــؤزوم مــدد آپــاریر.

گهی تاشار، شاها، عشقینی گه یابــا دیریلیــر، بیزی میانه‌ســینه ایشــبو جــزر و مــد آپــاریر.

گؤزون نه جادولوق ائیلر، بنیم نــه دم قیلیــر، ساچین کمندی چو عالمده نیک و بد آپاریر.

ازلده اهــل کؤنــوللره بیــع وئــردی گــؤزون، چو حقّی‌دیر، هله اوش گلدی تا ابد آپــاریر.

487

تاجر دیلــر ســفر ائــده، همراهــا بــاغلی‌دیــر، چوخلار مرادینی دیلر، اول شاها بــاغلی‌دیــر.

کیمین دیلــه‌گــی وار ایســه، اولــو خزانــه‌دن، اولور، ولیک صدق ایله، بیر آهــا بــاغلی‌دیــر.

ایرلــه‌میشــم آتیمــی، باغلانمیشــام تمــام، یؤنلمــک آنــا جذبــه‌ی ناگاهــا بــاغلی‌دیــر.

بــن بنلیگیمــی بنــده یــاوو قولموشــام هلــه، وارلیق و یوخلوغوم بو دم اللهــا بــاغلی‌دیــر.

موجــود گــه کیبــی و وجــود آنــا کهربــا، خاصــیّتی ظهــورو آنــین کاهــا بــاغلی‌دیــر.

488

گؤزونه‌گووه‌نه‌نی‌گؤر، اؤزونه اؤزه‌نه‌نی گؤر، سؤزونه سئوینه‌نه باخ، قدّینه قیوانــانی گــؤر.

نئجه‌جادو ایسه گؤزو، نئجه تاتلو ایسه توزو، نئجه‌شیرین ایسه سؤزو، سن‌آنا ایناناني گؤر.

کؤنولوم‌چلب‌ائویدیر، یؤنو اول یولا قاویدیر، ایکی دونیا بیر جویدیر، بو قانینا قانانی گـؤر.

بنی‌جانیمین‌سپندی، ساچی عقلیمین کمندی، جانیناسالیب بوبندی، اول اودونا یانانی گؤر.

بونه‌ساچ معطّراولموش، بونه‌یوزمنوّر اولمـوش، نه‌یاناق گلِ تَر اولموش جانینی‌یاجانانی گؤر.

489

یئنه صبا یئلی‌نین زلفون ایلـه رازی نـه‌دیـر؟ یئنه خمار گؤزونون بیزیم ایله نازی نـه‌دیـر؟

سلاســیلینه تولاشــانین آخــی بانــا دگیــل، عؤمورو قیساسی یا قصه‌سی درازی نـه‌دیـر؟

زمــان دورور یانــارام، آتــش لبیلــه آنــین، بیله‌لیم آخی بو سؤزون نولا بو سازی نه‌دیر؟

جگــر قــانی ایلــه قیلیــرام وضــو هــر دم، وضوســو بؤیلــه اولــانین نمــازی نــه‌دیــر؟

دیله‌گین اول کـی، اولـا عـاقبتلرین محمـود، کی‌نه بیله‌کیشی کی، بو یوزون آیازی نه‌دیر؟

490

سوآشدی،شها،باشدان کؤنلومده خبر واردیر، جانیمدافراقیندان هی- های کی، نه‌لر واردیر.

کؤنلوم گؤزوم ایچینده قانلار آخیدیر لعلـین، شول وجهیله ایشبو قان آرادا مگـر واردیـر؟

جادو گؤزونـه هنـدو دئرلـر و خطـا دئرلـر، نرگس‌چو نه‌دیرحاشا، اول‌گؤزده نظر واردیر.

بیر سرو روان نرده بیترسـه بویـون اوچـون، قارغو کیبی یوز یئرده بئلینـده کمـر واردیـر.

جان بئلینه دوشه‌لی بیر قیلجـا قـراری یـوخ، دولت دخی شوندادیر کیم آندا خطر واردیر.

491

عاشق یولونا جان اوینون اؤزونـه سـود ائدینمیشـدیر،

جهان و جان و دل تـرکین سـانا بهبـود ائدینمیشـدیر.

اودونــو جانینــا مرســوم و یاشــی گؤزونــه ادرار،

وصــالینی زلــال و هجرانــی اوخــدود ائدینمیشــدیر.

گؤزه‌للری کؤنول سئومک، کؤنـول کؤنـوللر آپارمـاق،

بو گون دگیل کی، دونیادا بو ایش معهود ائدینمیشدیر.

بو مجمرده اگر کؤنولون بخـار اولورسـا، سـهل اولـا،

چو عشقین اودونا جـانیم اؤزونـو عـود ائدینمیشـدیر.

قیامتــدیر بیــزه گؤزونــو زلفئینــین‌دورور محشــر،

نئده‌لیم، سهل اولا، چونکیم بیزه موعـود ائدینمیشـدیر.

492

اول گونشی سئوه‌رم کی، نورونو آیـا وئریـر، گونش‌اول‌دور نورونو یوخسولا، هم‌بایا وئریـر.
آه و فریاد ائده‌ر ایسـم یولونـا هـم یئریـدیر، زیرا بای آنین یولونا کؤنولومـه وایـه وئریـر.
کؤنول آلیر هندو زلفو و وئریر گـؤز قاشـینا، نه کی، گیریرسه الینـه اوخ ایلـه یایـا وئریـر.
بیر سنین تک اوغلانی قاچان کی توغورا فلـک، حسـنو لالـا قیلیـر و لطفـو آنـا دایـه وئریـر.
باشدورور سرمایه و سنی سئوه‌نلر آسسی‌سـی، اول‌دورور کی، یولونا عشق ایله سرمایه وئریـر.

493

ساقی، تولو سون، عاشق شیدا گئجـه‌سـیدیر، مطرب دئ و اوسانما کی یلدا گئجـه‌سـیدیر.
ساچینی تاغیت یوزونه صـبح اولماغـا قومـا، بو گئجه بیزی اسره[1] کی، سئودا گئجه‌سیدیر.
قورتار بیزی بو چون و چرادن و ایاغ تـوت، مجنون ایله لیلـی‌سـی و یلـدا گئجـه‌سـیدیر.
غافل کیشی عمرونو وئریر هـئچ یئـره یئلـه، بو گئجه اویومـا کـی، هویـدا گئجـه‌سـیدیر.
شیمدی اولاجاق نسنه‌یـه سـن تانلایـا قومـا، بو گئجه دخی هم یئنـه فـردا گئجـه‌سـیدیر.

494

بو زماندا کی، یئنه باغ و چمـن رونقـی‌دیـر، بلبله ناله‌ی زار ائیله کی، گـول یاسـاغی‌دیـر.
یئنـه فـرّاشِ صـبا و یئنـه رشّـاشِ بولـود، گول یئنه شاه و گلستانلار آنین جوساقی‌دیـر.
یاشلاریم سیل دورور توتدو جهـانی، صـنما، گؤزومه بیربی خیالینی کی، آنین زورقی‌دیـر.
آییت خماری گؤزونه کی، جانیمـا ایـاغینی، تولو وئره لبین ایله کـی، آنـین زورقـی‌دیـر.

حسـنونون رویینـه و موییـنه قولـام، زیـرا، بوجهان گوندوزو و گئجه‌سی آنین‌ابلاقی‌دیر.

495

نیچـــه‌لـــر جـــان یولونـــا فاختـــه‌دیـــر، گلشـــــنینده هـــــزار فاختـــــه‌دیـــــر.
بیـــر کرشـــمه قیلیرســـا آلـــا گـــؤزون، نئچـــه جانلـــار نثـــارا ســـاخته‌دیـــر.
بـــــن بیلیشـــــم ســـــنینله ازلـــــدن، اعتمـــــادیم هلـــــه شـــــناخته‌دیـــــر.
چـــوخ امیـــدیم تاپونـــدا وار لـــیکن، اجلـــــیم اوش امـــــل ایراقـــــدادیر.
ســـن یوخـــاری باخانـــدا خیـــر اوممـــا، بونلـــارین یاخشـــی‌ســـی آشـــاقدادیر.

496

گؤزوندن‌اولدو کؤنول‌اوش‌نگارا یارالی گؤر، لبیندن آنین اوچون لطف ائیله یار آلی گـؤر.

---

[1]– مست ائیله، سرخوش ائت.

لطیـف نقطـه‌دورور آغیـزین بـو دایـره‌دن، کؤنول ممالکینه گلی یـوز دیـار عـالی گـؤر.
اگرچـه اوردو جمـالین کؤنـوللره سـکّه، یئرینجه قلب‌دورور، گل بیزه عیار عالی گؤر.
کمینـه عشـوه‌نـه کمـدیر هلـه ایکـی عـالم، ولیک اگرچه بولونمز جهاندا یار عالی گـؤر.
گئده‌ردی اؤگومو لعلی و جانیم آلدی گؤزو، بوجوری جانیما چوخ‌ائتمه هوشیار آلی گؤر.

497
روا دگیل کی، گؤزون یوره‌کده قانـا گیریـر، یـازیغینی قویـالیم، آشـکاره قانـا گیریـر.
کؤنول اوغورلوغو واردیر، آسیلدی زلفوندن، جزاسیدیر، زیرا اوخومـادین دوکانـا گیریـر.
نئجه‌کی، قیل یارار ایسه‌بئلینه گیرمه‌دی عقل، آنین اوچون آخی بیلین همیشه جانـا گیریـر.
بـدیع خـاتونو گـؤره‌لـی هـیچ معنـی یؤنـو، بولونمادی کـیم آنـین عذرونـه بیانـا گیریـر.
سپر بیراخالی چوخدور بیله‌مه‌دیـم نئیچـون، ختایی[1] گؤزلری اوخ گؤزله‌ییب کمانا گیریر.

498
خمار قیلما بیـزی، سـاقیا، تولـو مـی ایچیـر، تولـو اياقلـاری آل الینـه پیـاپی ایچیـر!
سال اودا عودو و چنگی نواخت قیل نوروز، جهان‌کئچر چالینیرکن بو دف ایله نی، ایچیر!
دیله‌رم آنجا ایچم کـی، تنیمـده وار نفسـیم، لبینی آغزیما اور گل نفسیمی سـای، ایچیـر!
جمالا بای سن و بن یوخسولام، شها، صـبره، چوچاره‌بولمادی بودرده‌یوخسول‌وبای ایچیر!
سیغادی ساعدینی، ساقی آلـدی تولـو ایـاغ، ندا ایریشدی فلکـدن غریبـدیر، هـی ایچیـر!

499
گئجـه‌نـین رونقـی شـول مـاه ایلـه‌دیـر، عاشـق آسایشـی بیـر آه ایلـه‌دیـر.
رخلـری قیلـدی پیـاده کؤنلومـو، اوینومـوز هلـه بیـزیم شـاه ایلـه‌دیـر.
توتمـا خـالینی انـه‌گینـده عجـب، زیـرا جـادو اولوجـاق جـاه ایلـه‌دیـر.
بـن سـئوه‌رم آنـی اؤزلـری اول، بازکشـی ایشـین اللـه ایلـه‌دیـر.
توتـاغین کؤنلومـو بیـر چؤپجـه قاپـار، کهربـانین ایشـی چـون کـاه ایلـه‌دیـر.

500
یوره‌کده نئجه کی، گـؤزون اوخـو اثریـدیر، یاشـیم دخـی سـاری بنزیمـده جگریـدیر.
گر خـار جفـا زحمتـی، عاشـق چکـه، نولـا، معشـوقی یـوزو آنـا چـو گلبـرگ تریـدیر.

---

[1]– اصلینده ختائی گؤزلریدن سؤز گئدیر، ولی بورادا دا چوخلو یئرلر کیمی همـان خطـائی ایشلنمیشـدیر. آنجـاق بونون معناسی مسلّمدیر.

زلفئینی‌چوعمرومدور، اوزون‌ائت آنی یارب، / نئجه کی جمالی دخی دورِ قمریدیر.
نئجه‌سی کنار ائده کیشی اینجه بئلیندن، / چون جان دل و جان ایله همیشه کمریدیر.
دوکانی شکر دگیل ایسه لعلین افندی، / آجی گلیجک دخی نئیچون شکریدیر؟
گردئرلرایسه‌کی، گؤزوم اؤزگه‌یی گؤره‌سین، / اینانماغیل اول سؤزه کی، دوشمن خبریدیر.
ایچیمه اودون دوشه‌لی آه اوردو شراره، / عمّان ائده‌لی عشقینی یاشیم گوهریدیر.
گؤزوم دؤیومز یوزونه و باخا زِ مشکل، / بودور کی، دواسی به ضرورت نظریدیر.

501
زلفونه دوشن البتّه گمراه اولیساردیر، / ایشی دون و گون ناله ایله آه اولیساردیر.
شول‌لحظه‌کی،تولاشدی‌کؤنول‌زلفونه، بیلدی، / کی آنا زناخونون چوخورو چاه اولیساردیر.
قاشلاری هلالین گؤره‌لیدن بری بیلدیم، / دوشموشلرین الین توتان الله اولیساردیر.
آنا دوشه‌لی دونیادا دوشدوم و بیلیرم، / گوندوز یوزو گونش و گئجه ماه اولیساردیر.
عشقی‌یولودور یارا یولوموز دخی شول کیم، / بیر یولا دخی یورویه بیراه اولیساردیر.

502
اول نگارین کی، ساچی عنبردور، / یوزو گلگون، لبی مکرّردیر.
خالی بیر دام دانه‌دیر، لیکن، / خطّی همچون کی جنّت اخضردیر.
جان و کؤنول فدادیر آیاغینا، / باش دخی اول آرادا سربردیر.
بو وجودوم اودونا عود اولدو، / یوره‌گیم دردی ایله مجمردیر.
لبیچون شکّر اولدوغو نه عجب، / لبی شکّر، ولی مکرّردیر.

503
عشق اهلی سنین اودون ایله یانا گلیرلر، / کیملرده کی کؤنول وار ایسه جانا گلیرلر.
زلفون ایله دیندن کیشی چیخارسا نه عجب، / کفر اهلی چو یوزون گؤره ایمانا گلیرلر.
دیله‌مز ایسم اهل دلی جور و جفا قیل، / بو خلق جهان لطف ایله احسانا گلیرلر.
خوبلوغونا یاسانا و اودلارینا یانا، / شونلار کی، بو عالمده آدا- سانا گلیرلر.
کیم ترک ائده‌ر ایسه اؤزونو آدمی اول‌دور، / یاغمور واریبان دونیادا دُردانه گلیرلر.
تاجر آنا دئرلر کی، یولو، اؤلومو سورماز، / مستانه وارانلار هله مردانه گلیرلر.
جان ایله کؤنول آلدیلار و دخی دیلرلر، / شول ایکی لبین کیم قانیما قانا گلیرلر.

504

عشق‌سویو ایله‌دورور توریاغی جانین خمیر، آنین اوچون زلفونه اولدو بو جانیم اسیر.

یولونا کؤنول نه‌دیر، بی‌جگر و جان سان، جانیما حسنون نه‌دیر؟ بی‌بدل و دلپذیر!

آهیم ائشیتمز کیشی، حقدورور آنا سمیع، دردیمی کیم نه بیلیر؟ اول‌دورور آنا بصیر.

اینیله‌رم بم آنین دردی ایله گوندوزون، چاغیریرام هر سحر عشقی هواسیله زیر.

بانا مخالف دورور قاشلاری و قدّی راست، گئتدی عراق ائلینه بو ایکیسیندن نفیر.

زلفو قاران و گئجه یوزو گونشدیر بانا، کیرپیگی جانا دگین لیک تنیدیر حریر.

عشق‌کی،عمّان‌دورور وئردی‌گؤزون کؤنلومه، جانی کی، وئردیم آنا تحفه‌دورور پس حقیر.

505

شونلار کی، هزاران قان ایله جانا ایره‌رلر، اول جانا ایرورینجه جانی جانا ایره‌رلر.

زحمت چکیبن دردینه درمان طلب ائتمه، عشق اهلی یئنه درد ایله درمانا ایره‌رلر.

گؤزلریمین‌ایرماقلاری اینجی دیشین اوچون، آنجا دؤکولور یئره کی، عمّانا ایره‌رلر.

لبلری خیالی جگری آنجا قان ائتدی، بارماقلاری آپاریر ایسه قانا ایره‌رلر.

اودلارا گیرم تا لب لعلینه ایریشم، ظلمته گیریب شربت حیوانا ایره‌رلر.

506

شول‌لحظه‌کی، بیزدن ساری یارین نظری‌دیر، جانا نه محل اولا کی، بیر ماحضری‌دیر.

طوبی قدی و برگ سمن‌دیر تنی آنین، ریحان ساچی و یاناغی گلبرگ تری‌دیر.

عنبر ساچی و درّ دری و گول سویو الحق، شاهد بو ایکی حالته باد سحری‌دیر.

طاووسدورور زین ایله، آواز ایله بلبل، طوطی سؤز ایله، شیوه ایله کبکِ دری‌دیر.

شؤیله کی، خیال ائیله‌میشم بئلینی آنین، جانیمدان آنی قیسغانیرام کی، کمری‌دیر.

507

کؤنولومه دردین اودو داغدی، زلفونون هر بندی جانا باغدیر.

سول آغیزلی نه گره‌کسه سؤیله‌سین، خسته گؤزون بن بیلیرم ساغدیر.

اودونا یانماغا کؤنوللر واریر، چونکی اول جاندان بیزه یاساغدیر.

بئلین اینجه‌سینه باخماز کؤنولوم، جان کمرگاهیندا سنین تاغدیر.

خالینی گؤردوم یوزونده و دئدیم، ایشبو گلشنده نه گلچین راغدیر.

508

یارا، یارامی بیلیرسین، یاراما یار ام گره‌کدیر، نئجه هجر توزاغیندا ایره‌مه ایرم گره‌کدیر.

گؤزو وصله وعده قیلیر و دمییله لعلی بوزار،   چو الینده‌دیر قاموسو، نه ده‌مه نَدَم گره‌کـدیر.
لبـین ایلـه دیـری اولـان ظلماتـا نیشـه وارا،   چوجهاندا هجرین‌اولاآدمی نه سم گره‌کدیر؟
چوطبیبی‌جانین اول‌دور ذکریم‌گر امدئر ایسه،   کؤنولورضاسی اوچون اول امه‌اؤلم گره‌کدیر.
چواسیر عشق‌اولدو کیشی، یانار اودگره کمز،   چوشراب مجلس اولدو، نعمه نعم گره‌کدیر.

509 سئوه‌ن سنی گؤزون کیبی بیمـار گـره‌کـدیر،   هـم دردیـن ایلـه جانینـا تیمـار گـره‌کـدیر.
کیم‌کی‌دیلر ایسه کیم، اولا عشق ایله منصور،   مشگین ساچین ایلـه هلـه بـردار گـره‌کـدیر.
عشّـــاق آراســـیندا بنـــیم کیبـــی محیّـــر،   بولمـــاقلیغی بـــو دنیـــادا ادوار گـــره‌کـــدیر.
عقـل و کؤنولـو زلفونـه و گؤزونـه جـانی،   ایثـار ائـده‌رم بـو گئجـه بـازار گـره‌کـدیر.
گـؤزلریمین ایرمـاغینی یولونـا آخیتـدیم،   لابـد بیـزه بیـر جعفـر طیّـار گـره‌کـدیر.
افکاریمی چون جمـع ائـده‌رم بونـو بیلیـرم،   کیم جان و کؤنول عشقینه افکار گـره‌کـدیر.

510 بو نه سنبل تاریدیر، بو نـه زلـف عنبریـدیر؟   عجبا، بشـرمی یـاخود ملـک و یـا پریـدیر؟
ساچی‌نین سلاسیلیله بیلیشه‌لی حلقه- حلقـه   نئجه‌جان قلندی ایسه، دل و عقل حیدریدیر.
آیاغی توزونا الیم کی گؤزومه کحل ائـدینم،   اگر ایرمز ایسه باشیم بو تنیمده سرسریدیر.
یوزو گؤزویوز-گؤزائتدی‌ساناسین‌بنیم یوزومـده،   بوحسابا پس‌بویوز-گؤزیاش‌آنین مصوّریدیر.
تن‌وجان و عقل و علمی قودو لبلرین یولونا،   دخی‌قیمتین‌یئتیرمز بو کؤنول کی‌جوهری‌دیر.
ساچی ایله گرچه قیلدیر، بدنیم بئلیله لـیکن،   قاشی‌نین هلالی ایله فلک اولدو چنبـری‌دیـر.

بنیم ایشبو سوزشیمی یولونا عجب ساناسین،   نئچه عاشقی وار آنین کی، کمینه کمتری‌دیر.

511 عشق ایله عشقی ایچینده کؤنولوم آواره‌دیـر،   باشدان آیاغا دگین یوره‌ک یولونـا پـاره‌دیـر.
جانا نئجه جانی ایسه گؤزلرین دؤنمز جانیم،   نئجه‌سی دؤنه ازلدن چون محبّـت بـاره‌دیـر.
بن زنخدانیندا آنین گیزله‌دیـم جـان و دلـی،   قورخارام‌کی،حسنی‌گؤزو اول‌نگارین‌قارادیر.
دوتدوعشقین‌یوره‌گیم یاخاسینی‌آلدی گئده‌ر،   قورخارام الینده قالـا یاخـا پـاره- پـاره‌دیـر.
کؤنولوم‌مسکین تولاشدی گیسولارین بندینه،   تولاشیقدان تولاشیغا چاره یـوخ بیچـاره‌دیـر.

512 نـــه هـــوا یـــاردان بـــو یـــارا گلیـــر،   کؤنولـــون کؤنلـــه‌گینـــه یـــارا گلیـــر.

زلفونـــه تولاشــیب قدینـــه چیخـــار، کؤنـــــول اؤز آیاغییلـــــا دارا گلیــــر.
زلفــو سئوداســی دوشــوجک باشــیما، بـــو جهـــان گؤزومـــه قـــرارا گلیـــر.
بیـر دوز اوزون، قـورو آغـاج اولـا سـرو، ســرو قـــدّین قاچـــان کـــی، بـــارا گلیـــر.
نرگیســی نســبت ائــده‌جــک گؤزونــه، قورخوســـوندان یـــوزو ســـارارا گلیـــر.

513
وصف جمالی‌نین دگیل ائیله کی، دیلده‌دیـر، بن شـرح نئجـه قیلـام آنـی کـی، دلـده‌دیـر.
آدمـدیر اول شـاه ائشـیگینده باشـی ایلـه، زردیر نـزار و زار اولوبـان آب و گِلـده‌دیـر.
هر گون و هر گئجه آی و گـونش جهانلـارا، توغار ولیـک بـن نئـده‌یـیم بانـا ییلـده‌دیـر.
عمروم دورور ساچی، آنین اوچون به باددیر، اسـیرگه‌نـوز حیاتینـا آنـین کـی، قیلـدادیر.
گؤزون کی، دل دیلرسین آنا، دل دیلر ایسن، دیله دئمه‌گینـده نظـر بیـل کـی، دیلـده‌دیـر.

514
بانـا جنّـت دخـی سنسـیز نگارینـا، جهـنّم‌دیـر،
جهـنّم بانـا سـنینله بُتـا، فـردوس اعظـم‌دیـر.
ایکـی بـایرام آیـی قاشـین بانـادیر علّـتِ شـادی،
اولاردان اؤزگه سئوینمک بانا بیر گـون محـرّم‌دیـر.
جهاندا شـادی ایلـه غـم بانـا وصـل و فـراقین‌دیـر،
اولاردان آیری کیمسه یوخ، و گر بیش و گر کم‌دیر.
گؤزوم‌یاش ایچره‌غرق‌اولوب‌چوهر نسنه‌یی گؤرومز،

گؤزوم چوم نسنه گـؤرومز نگارینـا، بنـیم نـم‌دیـر.
محیّـر قالمیشـام، شـاها، یوزونلـه زلفـون الینـدن،
بیریسـینده دورور شـادان و بیریسـینده مـاتم‌دیـر.

515
کؤنولـــوم یـــار یولونـــدا یاناســـی‌دیـــر، شـــیوه‌ســـی تـــک آنـــین بهانـــه‌ســـی‌دیـــر.
زلفـــو عمـــروم‌دورور شُـــکّر حقـــه کـــیم، گلینجـــــه گئـــــده‌ر اوزاناســـــی‌دیـــــر.
زلفـــو چریســـی ییخـــدی کؤنـــول ائـــوین، زیـــرا کـــی، گـــؤزو خیـــال خانـــه‌ســـی‌دیـــر.
بـــــن اوســـــانمایاییم جفاســـــیندان، زیـــرا ســـون ایـــش اول اوساناســـی‌دیـــر.

قاشللاری یای و کیرپیگی اوخ‌دور،
ساچیدیر دام و خالی دانه‌سی‌دیر.

بن کنار ایسته‌رم میانیندان،
کی، کناری آنین میانه‌سی‌دیر.

یاناسی‌دیر بو وارلیغیم یولونا،
یانمایاجاق اولورسا یا نه‌سی‌دیر؟

516

بو گئجه دلبریمین گیسوسو شبگیر قیلیر،
دیله‌گی اول اولامی دللری نخجیر قیلیر.

بادصبحی‌یی سئوه‌رم کی، یوزونه توخونوب،
وضّحّی سوره‌سی معنیسینی تعبیر قیلیر.

نازک اول‌دور کی، نه کی، زلفو قولاغینا دئیه،
مو به مو جمله‌سینی کؤنلومه تقریر قیلیر.

خطّی تحریر دیلر کی، ائده کؤنولو بیتیگین،
بن ده اینانیمازام زیرا کی، تزویر قیلیر.

وارلیغی مُلکی گره‌ک کی، اولا فانی کلّی،
کیم کی، کندی اؤزونو آنین ایله بیر قیلیر.

517

بوگئجه صبحه دگین ایش نغمه ایله مئی‌دیر،
کؤنلوم آنیلماز ایسه آخر دواسی کئی‌دیر.

اول دم‌کی، بن بین جانی بیر سؤزون اوچون،
معلوم اولا سانا کیم یوز حاتم آدی طای‌دیر.

بن ایوه‌رم کی، ایرم بیر دم ایله‌ری سانا،
عجل‌دگیل بو اوجل، چونکی اجَل به پی‌دیر.

زرد و نزار و زارام، هم اودونا یانارام،
اولامی بو وجودوم، شها، یولونا نئی‌دیر؟

بن زنده‌یم سنینله باری بونا نه منّت؟
چون‌مُرده‌لر، گؤرورم کی، سنین ایله حَی‌دیر.

518

کؤنولوم عشقین اودویلا، صنما، یانا گلیر،
وئره‌ییم عشقه اؤزومو، گؤره‌ییم تا نه گلیر.

اوّلین نذره کی، قیلدیم یوزونه دوشدو بنه،
آدمین گؤزونه اوچماقدا زیره دانه گلیر.

نئجه سی کُفر دئیه‌ییم، صنما، زلفونه کی،
گؤروجک کافر آنی صدق ایله ایمانه گلیر.

نه‌کی،عشّاق‌دئمیش‌کؤنولومون‌وصفی دورور،
قاندا ایرماق‌وار ایسه، سون اوجو عمّانه گلیر.

دل‌کباب‌اولدو و یاشیم چاخیرو گؤزوم جام،
مگر اول یار خیالی بیزه مهمانه گلیر؟

تن ایله جانین ایشینی نه بیلیر هر مُرده،
بیر کؤنول جانینا ایرینجه نئجه جانا گلیر.

دولتِ عشقی اگر ایردی بیزه دوتما عجب،
دولتین یئگره‌گی هر بی‌سر و سامانه گلیر.

نه عجب دارِ شفادیر، صنما، لعل لبین،
کؤنولوم اوسلو واریر آنا و دیوانه گلیر.

دیله‌گیم ایله اودونا نئجه‌سی یانا ایدیم،
الّا، دلی کؤنولوم بو ایشه پروانه گلیر.

519

چو پُخته‌یم، بانا، ساقی، شرابِ خام گتیر،
چو عاشقِ ازلی‌یم، مئیِ مدام گتیر.

نه‌گئجه، بل‌کی، نه‌گوندوز یوزونوگؤرمه‌یه‌نه،
یوزویله زلفو کیبی دخی صبح و شام گتیر.
قناعتیز ساچی قوخوسونا صبادان آنین،
بنفشه کیبی دئمه‌زیز زبان پیام گتیر.
کؤنول قوشونو قارا آغینا گمیشمک اوچون،
ساچیلا خالی کیبی قانی دانه دام گتیر.
فراقی خسته‌سی‌یم، دوام وصلی دورور،
الینه، ساقی، آیاغ وئر الدّوام گتیر.

520
ای نئچه یاخا سنینله چاکدیر،
شادمان اول کی، سانا دلّاکدیر.
دنیز اولموشدور یاشیمدان بو زمین،
آهیم اودو دود بر افلاکدیر.
بویون ایچینده بئلین توغار و بدر،
خارج از ماهیّتِ ادراکدیر.
بللی بیلدیم کی، نظر اهلی قامو،
آغیزی‌نین نُقطه‌سینده خاکدیر.
بن سنی سئودیگیم و کؤنلون بیلیر،
چون کؤنوللر آیری شبّاکدیر.
سرو قدّین سروه قیلیر سرزنش،
کیم کی توغرودور بلی، بی‌باکدیر.
اود ایچینده عشقین اودو اود سالار،
یئل هوان ایله سنین چلاکدیر.
سو روانین تاپینا قیلیر روان،
خاک دوشمن گؤزونه خاشاکدیر.
معجزِ احیای موتی سنده‌دیر،
گر محمّد(ص) صاحب لولاکدیر.

521
اوخونا اوغرایان کؤنول سلامتدیر، سلامتدیر،
تاپوندان آیری کئچن دم ندامتدیر، ندامتدیر.
یوره‌ک‌باشلی،گؤزویاشلی‌اودایله‌سو آراسیندا،
جهاندا سنی سئوه‌نلر ملامتدیر، ملامتدیر.
سالینیب‌باغا گیریرسن‌خزاندان‌قورویان آغاج،
بشارت گتیره چیچک قیامتدیر، قیامتدیر.
امیدیم ساچینا اوزون، ولی عیشیم لبیندن تر،
حیاتیم‌تاتلی، عمر اوزون کرامتدیر، کرامتدیر.
گمان‌ائتمه‌کی، تن تنها یانارام عشقین اودونا،
کی، تنهای جهان جمله تمامتدیر، تمامتدیر.

522
نگارا، عشق بنیادی کئششدیر،
بو یولدا عقل دخی بیر کشیشدیر.
اسَر باد شمالی، آنلا سؤزون،
نه دئر عاشقه، معشوقون ایریشدیر!
سیویشیر هر یئل، ائیلر اون گون- اون گون،
بنی معشوقه‌دن یانا سیویشدیر.
ایکی خُرما تالی بیری- بیریله،
سئویشدیلر، ای باغ ایسسی، قوشدور.
صبایی سنبله، بلبلو گوله،
قوشان بیرینی- بیرینه یاراشدیر.
کؤنول اولدو پراکنده ساچینچون،
پراکنده قوما بیزی دیریشدیر.

523
راح گتیـر، راح گتیـر، راح فَرَحلـر آرتیریـر، هر قدحی کی، ایچه‌روز گؤزو قدحلر آرتیریـر.
زلفـون ایلـه جمـالینی بیرییـه‌سـین روامیـدیر، گونشه بولـود گلیجـک جانـا تَرَحلـر آرتیریـر.
لبلرین‌نمکین دورور، هم نمکین گؤزوم یاشـی، قاندا ملامت اولسا هم لطف و ملحلر[1] آرتیریـر.
قیلدی‌خطا گؤزو آنین‌چین‌کؤنولومده‌عشقی‌نی، بونئجه‌سـی‌خطادورور کـی، دیله‌سـهلرآرتیریر؟
شکّری‌لعل‌ودرّ دورور لبلـرین ایلـه دیشـلرین، لعل و دّری شکّره قات، زیـرا فرحلـر آرتیریـر.

524
مشگ ایله قانیم قورودان یئنه شول آهیمدیر، گـؤگلرین قنـدیلینی یاخـان یئنـه آهیمـدیر.
جامِ می آل الینـه، گیـر بـو سـمورین جبّـه‌یـه، چون زُجاجی اولدو سو وئره‌ن تونو قاقیمـدیر.
عشق تاجرلری‌بیز، جان وئریریز سلطان حقین، وار حساب ائیله کی، نئجه خـرج نامعلومـدور.
ساری‌بنزه‌رگئجه- گوندوز دؤکه‌رم‌قانلی یاشـی، قـان ایلـه حاصـل قیلیـرام زعفـرانِ رومـدور.
سـاراریبان، آغلاییبـان، یانیبـان، توکـه‌نیـرم، تاتلی یاردان آیری دوشـن قاموسـونا مومـدور.
حق‌جمالی حسن‌ایله قیلمیش غنی آی یوزونـو، تانری حقّین گیزلەمه چون سائلین محرومـدور.
حق‌جمالی‌چون سئوه‌رعشقین‌الیندن‌دون‌و گون، نالـه و زاریـم بنـیم یـا حـیّ یـا قیّومـدور.

525
جانـا بلـا قیلـان بئلـی بـاری دگیلمـی‌دیـر، اول باری یوکله‌دن بانـا بـاری دگیلمـی‌دیـر؟
یاری چو حـق بریّـه سینده سوسـوز اولـام، بنـیم آغزیمـا یـارا یـاری دگیلمـی‌دیـر؟
بن خاری سئوه‌رم زیرا کـی، سـئوه‌رم گولـو، یوزو گولونه کیرپیگی خـاری دگیلمـی‌دیـر؟
یـوزو خیـالی بیـر گئجـه گلیرسـه گؤزومـه، گـؤزوم یاشـی یولونـا نثـاری دگیلمـی‌دیـر؟
بن اؤله‌یـیم قودومـو قیلیـر دیـری جـانیمی، بـس کیمیـا آیـاغی غبـاری دگیلمـی‌دیـر؟

526
اولـدوم، صـنما، راسـت قـدین ایلـه محیّـر، اوردوم، صـنما، گیسـو ایلـه چـرخ مـدوّر.
غمزه‌ن کؤنول قارشـی توتـارام نـه قیلـاییم، گـر اولمـوش ایسـه تیـرِ قضـا بانـا مقـدّر.
ای شمع، بنیم رنگیم ایله اشگیمه بـاخ‌گیـل، لطـف ائیلـه بـو مجلسـیمیزی ائیلـه منـوّر.
قنـد اولـدو لبـین، آنـدا نبـاتین اثـری یـوخ، بن خط یازیاییم ایشبو سؤز اوستونده مکـرّر.
بئلینه گران اولماز ایسـه جـان چـو فـدادیر، دل دیلـر ایسـن، آل اگـر اولمایـا محقّـر.

---

[1]- ملح = دوز / نمک = دوز.

سن بنی اؤزوندن، صنما، سانما ایراق، چـون — نقشـین گؤزومـه قانـدا ایسـه اولـا مصـوّر.
بـو بـاد صبا نئجـه گیریـر زلفـون اوجونـا، — بؤیلـه قالـامی ایشـبو جهـان ایشـی مشـمّر.
عود آخره یئتدی و کیشی مجمـری گـؤرمز، — چنگینه دوشه‌لی، صـنما، عـود ایلـه مجمـر.
بر در یاتیرام بونجا گئجه‌دیر سـنین اوچـون، — باشد که، سـنی گـؤرم اولـامی دئیـو در بـر.
خطبـه نئجـه‌سـی بـن آدینـا اوخومایـاییم، — عشقین‌یوزومه باخ کی، اورور سکّه‌ی بر زر.
بن‌قدّین اوچون سرونئجه‌سی دئیه‌ییم راست، — قاتینـدا بیـر آغـاج اولـا طـوبی ایلـه عرعـر.

527
عاشقده نه ایش کی، اولا، شاهانه گـره‌کـدیر، — عاشق بیله کی، کندوده شاها نـه گـره‌کـدیر.
شول گؤز کی، دؤکه شاهِ خیـالی یولونـا درّ، — بین طعنه اورا قطـره‌سـی عمّانـا گـره‌کـدیر.
طرح ائیله‌مه‌گیـل بیـزی، نگـارا، ائشـیگیندن، — بیر مـور دخـی تخـتِ سـلیمانا گـره‌کـدیر.
درمـان طلـب ائـده‌ن، صـنما، لعـل لبینـدن، — بیلمزمی کی، بو دردی، بو درمانا گره‌کـدیر؟
شول مورچه پـا خطّینـه اسـیرگه‌مـه جـانی، — زیـــره دخـــی ایســـه کرمانـــا گـــره‌کـــدیر.
بایرام آیی تک کیم کی گؤره قوشـا قاشـینی، — جـــانینی یاخالایـــا بـــو قربانـــا گـــره‌کـــدیر.
شول‌هندوی‌خالی‌چو اؤزون قویویا سالمیش، — اول چهده وئـرم جـانی غریبانـه گـره‌کـدیر.

528
آغیزینـــا کؤنولـــوم حقیـــر گلیـــر، — ایکیســـی وحـــدت ایلـــه بیـــر گلیـــر.
زلفـــو ایلـــه کـــی، اول هوایـــا گئـــده‌ر، — آتشـــی کؤنولـــوم اســـیر گلیـــر.
اشـــتیاق و فـــراق و وصـــل و وداع، — گـــؤز قاموســـو ایلـــه قـــاریر گلیـــر.
عشـقینه گـؤزدن تخـت قیلـدی خیـال، — بـــو ســـلیمانا ز ســـریر گلیـــر.
کعبـــه‌ی حســـنه ســـعی ائـــده‌ر عاشـــق، — کـــی موغایلـــان آنـــا حریـــر گلیـــر.
گـــر خیـــالین نظـــری‌دیـــر یوزونـــه، — نیشـــه گؤزومـــه بـــی‌نظیـــر گلیـــر.
بولـــورام ایـــزی ایلـــه قانـــدا ایســـه، — زلفـــون مســـکینی کـــی، عبیـــر گلیـــر.

529
وارلیغیم دخی یئنه دلبریمین سـایه‌سـی‌دیـر، — اؤله‌ییم آنین اوچون کی آنی بانا سایاسی‌دیر.
عشقی تالادی بنیم وارلیغیمـی جانـا دئـدیم، — صبرقیل‌آتلیسی گلسین، بو هنوز یاساسی‌دیر.
دورد ایاغینی تولو وئر ایچـه‌لـیم، ای سـاقی، — دل اونون سرخوشودور، یئنه اول آیاسی‌دیـر.
زلفونه شورش ایله سرّیمی دئدیم بو گئجـه، — الّـا، آشـفته دورور دونیالـارا یایاسـی‌دیـر.

کیم‌کی اول راست یورومز، رهِ عشّاقی یقین، بن نهفته دئییمـه‌زم، قـامونون مایـه‌سـی‌دیـر.

530
لبینده عیسی مـریم دخـی حیـات ایلـه‌دیـر، جمالی‌نین صـداقتیندن آی زکـات ایلـه‌دیـر.
خیالی‌گؤزومه قاچان کی، گئج گله، تئزجک، کؤنولوم آهـین عیارلـاری آنـا آت ایلـه‌دیـر.
اگرچه تنگ دل اولورسا آغزی اولمایا عیـب، چو خطّی هندو ساچیندان آنا صراط ایله‌دیر.
کؤنولوم اودلارا یاندی و سؤیونمه‌گـی یـوخ، اگرچه هر گؤزوم اوستونه بین فرات ایله‌دیر.
نئجه‌کی‌شش جهتی باغلار ایسه کؤنوله عقل، نه فایده، گؤزو بیرینی شش جهات ایله‌دیـر.

531
نئجه- نئجه سرِ زلفونده پیچ و تاب اولیسار، یوره‌ک تولوجا شراب و جگر کباب اولیسار.
کؤنولـه گـه جمـالین گلیـر و گـه خیـال، دو پادشاه ایله بو ایل دخی خـراب اولیسـار.
گؤزوم یاشی کی، سویودو لبینله دؤندو قانـا، عجبله‌مه یوره‌کیم قـانینی کـی، آب اولیسـار.
سوسامیشیز لب ایله یادینـا تولـو ایچـه‌لـیم، شراب دخی گؤزوموزه چون شرای اولیسار.
دوای دل چـو لبینـدن سـورام طریـقِ عقـل، بودورکی،سؤیله‌مز ایسه‌دخی جواب اولیسار.
هــزاران دفتــر و دیوانــا سـیغمایا عشـقیم، سانیرمیسان‌کی، آنین‌شرحی‌بیر کتاب اولیسار.
نقاب توتمـا نگـارا کـی، گـؤزلریم یوزونـه، باخمادیغی دخـی یئنـه هـم نقـاب اولیسـار.

532
طاقِ‌ابرودا اوتورموش تورکِ تیراندازی گؤر، فتنه‌یی گؤیه یئتیرمیش طرّه‌ی سربازی گـؤر.
عقلی‌یولوندان آزان توغرو یولو هم اول دوشـر، جهدقیل‌عقلین‌وار ایسه‌سن بویولدان آزی گـؤر.
گؤزلرین غمّاز اولوبان حالیمی یـارا چاخـار، لبلرین‌عادل‌دگیلدیرخوش گؤرور غمّازی گـؤر.

سینه‌پرداز اولماق اوچون یاخدی وارلیغین اودا، بو قفسده بیر نظر قیل جـان آتشـبازی گـؤر.
یوزو خود یاندیردی بینی ششدی سینه بندینی، سینه‌مک اوچون بنیمی ایشبو سینه‌بازی گؤر.

533
گولدور یوزون نگارا، لبین خود شَکَردورور، سئودایی کؤنولومه اگـر گـول شـکر دورور.
سـؤزو مطـوّل ائیلـه‌ییمـه‌زم سـاچین ایلـه، آغیزدا نم کی، وار ایسه خود مختصر دورور.
مردملیگـی گؤزونـدن اومـارام، نگـارا، بـن، بن‌قول‌اولام گؤزونه‌کی، صاحب نظـر دورور.
عشقیمی صـورتینه کؤنولونـده ائیلـه نقـش، کی، آنا زوال یوخ، زیرا نقـشِ حجـر دورور.
بینی اؤزونـدن آیـری گـؤروبن جفـا قیلیـر، اول بی‌نظری گؤر کی، نه مهمل نظر دورور.

534
حق چون ایرورور دلبری کمالـه گـره‌کـدیر، بیـر بـادِ هـوا کؤنولـو کـیم آلـه گـره‌کـدیر.
سروین تالی دیر قدّی، نولا قانـدو ایسـه دل، هـر بلبـلِ شـیدا قونـا بیـر تالـه گـره‌کـدیر.
شول دام ایله دانه نـه قوشـا لـایق اولوسـار، جان ایله دل اول گیسو ایله خاله گـره‌کـدیر.
اؤز سرّینی یاریندا کیشی کی، گؤزو گـؤرمز، تاپماق اوچون آنـا سـرِ گوسـاله گـره‌کـدیر.
جان نولـا کـی، حسـنونه سـها اولـا، نگـارا، یوز جان ایلـه دل اورتـادا دلّالـه گـره‌کـدیر.

535
کیم دئدی کی، گؤزون شـهِ بـادام دگیلـدیر؟ قـارا گیسـولارین آغـی بـادام دگیلـدیر؟
زلفونه تولاشدیق دخی، آیریلمـاغیمیز یـوخ، هر حلقه‌یی دوتمـاق شـهِ سئودام دگیلـدیر.
اوزون گئجه‌لر آنجا کؤنول یاندی ساچینچون، عنبـر طمعـی کؤنلومـه خـام دگیلـدیر.
گوندوز نولا گر اسروک‌ایسه‌شول جادو گـؤزلر، دیوشیر ساچینی کی، گؤره‌لیم شمع دگیلدیر.
کؤنلومه کیم دلی دئـر و کیمیسـی اسـروک، لبلـری قیلیـر یـوز قـان و بـدنام دگیلـدیر.
بن خاصیدوغوم بیلیرم آندان کـی، جفاسـی، عاشـقلره هـیچ بنجیلـه‌یـین عـام دگیلـدیر.
یـار ایسـتر ایسـه، یاراسـینا قاتلانـا کیشـی، آزار ایلـه بـازار ائـده الـزام دگیلـدیر.

536
دله دیل گره‌ک کی، دئیه دِلیمین نـه دیلـی واردیـر،
ساچی‌نین بئلینـه قارشـی، صـنما، نـه قیلـی واردیـر.
کؤنولومده عشقین اودو قَوی ساخلامیش، ساناسین،
کـی اودا یاخـار کؤنولـو، ساناسـین، فتیلـی واردیـر.

دل اگر یوخ ایسه دیلی، سنین ایله اولماسـین هـیچ،
نئجه کی آنی یوخ دئر ایسم، یئنه باخسا دیلی واردیر.
نه غـم آنـا گـر اؤلورسـم یولونـا کـی، بنجیلـه‌یـین
گؤزو غمزه‌سـیله هـر دم ایکـی بـین قـاتلی واردیـر.
جانی‌گرسـبیل ائـده‌رسـم، یولونـا یولـو وار آنـین،
کـی قـامو دل ایلـه جـانین آنـا بیـر سـبیلی واردیـر.

537
وارلیغـین وارلیـق دگیلـدیر، سـایه‌دیـر، بیـر- بیـر احـوالین دئیـه‌یـیم سـایا دیـر.

هـــر زمـــان یـــوخ ســـانیلاری اؤزونـــه، وار ســـانیبان صـــد هـــزاران وایـــه‌دیـــر.
وارلیغینـــی قیلمـــا یـــوخ یوخلوقـــدا ســـن، کـــی، ایکـــی عالمـــده ســـانا ســـرمایه‌دیـــر.
اؤزونـــو بیـــل آنـــدان اؤزون – اؤزونـــو، زیـــرا بیلمـــک دخـــی پایـــه پایـــه‌دیـــر.
عشـق اودون دلـدن گئـده‌ردی، ای حبیـب، عاشـــقه ســـوزِ جگـــر پیرایـــه‌دیـــر.

538
نه لطیف دردی واردیر کی، بنی دعوایا ییلتر، یوزو سویو اول خاکین کی، بنی هوایا ییلتـر.
گؤزوم ایله قولاغیمدان نه‌لر گؤروب ائشیتدیم، ایکیسی دخـی کؤنولـو یئنـه ماسـوایا ییلتـر.
کؤنولو آیاق توزوندا سـالار اودونـا نگـارین، مگـر اودورور دوا کـی، آنـی کیمیایـا ییلتـر.
شهی سلسله ساچین گر بانا گؤسته‌ریر کمندی، قاشینا، گؤزونه قولام کی، اوخ ایله یایا ییلتر.
گؤزونون بیر اوخو یئگدیر کؤنولومه نقد آندان، کی‌قاشین یوزونله نسیه بیر،ایکی، اوچ آیا ییلتر.
کؤنولوم‌قوشوکی، سرچه‌آناگؤره‌دیر، چو عنقا، نیشه دوشمه‌یه لبینه کی، آنـی همایـه ییلتـر.
قاشینادئ‌کیرپیک‌اوخون بویوره‌گه‌بونجا آتما، کی‌سنی بو ایکی‌اسروک همیشه خطایا ییلتر.

539
جان تولـودور لبلرینـده ز حـدیثِ مختصـر، دخی سؤز دئییمه‌زیز کی، کلّی شیرین مختصر.
شُکرقیلغیل‌کی‌اول‌نگارین‌یاخشی‌بیلمز حسنونو، ای اؤزوندن بی‌خبر، بُتدن اؤزوندن بـی‌خبـر.
عینین اولایدیم و لیکن گؤزلرینـده گـؤرورم، گؤز اؤزونه‌قیلمامیشدیر عمرایچینده بیر نظر.
زلفو تک‌یوزو یئره‌سوروب گره‌ک پامال اولا، تـا دلِ مسـکین اولـا بیلـه قدییلـه سربسـر.
سورماغا اوشه‌نیـرم لعـل لبینـدن بونـو کـی، زلفو سئوداییسینه نه ایشـه وئرمـز گولشَـکَر.
حلقه‌ی زلفونه چونکی ایرمز الـیم فتنـه‌دیـر، حلقه‌ی در قاخـارام هـر بیـر قاپویـا دربـدر.
عین گؤزو ایله نون قاشی آپـاردی کؤنلومـو، سورونوزشول‌نحوی‌یه‌کی،آن‌دگیلمی‌حرفِ‌جر؟

540
نگـارا، لعـل لبـین بـاده‌ی چکیـده‌مـی‌دیـر؟ گؤزون کیبی، عجبا، گؤزو دیده دیده‌می‌دیر؟
یولوندا بـاده‌ی سرمسـت نیشـه دلخونـدور، تاپوندا شـمعِ جگرسـوز سـربریده‌مـی‌دیـر؟
بوخلوت ایچره کؤنول صدقدن قیلیر دعوی، آران یاخاسینی کی، پیـرهن دریـده‌مـی‌دیـر؟
یوزومو زر قیلیبان سکّه اورموشام یاش ایله، نگار عشقی بـو کؤنولـه زرخریـده‌مـی‌دیـر؟
گیسوسی بندی ایچینـده اوزون گئجـه‌لـرده، عمّر به بادِ هوا گئتدی شول سپیده‌مـی‌دیـر؟

541
بـو یـوره‌گـیم هجـر اودونـدان داغلیـدیر، دردی– درمـــانی ایلـــه هـــم چاغلیـــدیر.

دئ خیالینــــــه گؤزومــــــدن، ای صـــــبا،
کـــی یئـــرین دگشـــیرمه اودان یاغلیـــدیر.
دون گئجـه گـؤردوم بئلینـده یـوز بؤلـوک،
وار حرامیلـــــــر، ولـــــیکن باغلیـــــدیر.
مـــدّتی چـــپ- راســـتدیر بیـــزیم ایلـــه،
قایغی یـوخ، بـو خـالق سـوللو- سـاغلیدیر.
جـــان بـــالیق کیبـــی تالـــابیر زلفونـــه،
دئـــدیم آنـــا توزونـــا بـــاخ، آغلیـــدیر.

542
بو اشکِ خون آراسیندا یوزوم سـارارا یـاتیر،
گؤره‌لی عنبری آغ گولده کـی، قـارارا یـاتیر.
اؤزونو خفته‌یه اوروب، گؤزو کؤنول اوولار،
نیته کی، ایمره‌نیجک بـاز بیـر شـکارا یـاتیر.
کؤنول یوزونه زنخدان وارورسا، چاهـا دوشـر،
دخی نه یول وار ایسه بیر سیه‌کـارا دوشـر.
یوزونه‌قارشی‌اؤزون‌گؤرموش‌اول‌گولِ‌صـدبرگ،
کی مجلیسینده آنین صـد هـزار پـاره یـاتیر.
نگـارا، تنگـدل اولمـا، اگـر سـورار ایسـم،
کی لعلِ دُرجی یانیندا نه زنگـی قـارا یـاتیر.
شول ایکی یالغیزینـا قالمیشـام تعجّبـه کـی،
گونش یوزونده نه لازم کی، بو سـتاره یـاتیر.
تنینده کـی، اولـا گولـدن نگـارا، نـازک تـر،
روامی دیر کی، دلین فهی یقعل حجارا یاتیر.

543
نگـارا، لعـل لبـین عشـقی جانـا کافیـه‌دیـر،
لبین کرشمه‌سی بو سایری جانـا شـافیه‌دیـر.
بُویون الفـدورور، قاشین دورور نگارا نـون،
نئجه‌سی مُثبیت اولام بن آنی چـو نافیـه‌دیـر.
اگرچـه حسـنو آنـین واضـح اولـدو عالمـه،
بو لعل لبلری‌نـین لطفـی دخـی خافیـه‌دیـر.
صـــفاییله بـــو کؤنولـــده وفـــادورور ثابـــت،
ولیـک عشـق ارینـه غمـزه‌لـری جافیـه‌دیـر.
عوالیمین دیلی ایله نـه شـعر دئرسـه دیلـیم،
جمـالی سـئودیگیمین آخرینـده قافیـه‌دیـر.

گؤزونله سایری اولانین نه باکی وار، صـنما،
اگرچـه بـاکی اولـا خسـته‌لیغـی عافیـه‌دیـر.
چو سن قیام ائده‌رسین و قوپـا قیامـت، بـن،
قاچـان ایـرم قدمینـه آیـاق چـو حافیـه‌دیـر.

544
گلشنین ایچینده سـاللان، گـل قیامـت شـیمدی گـؤر،
بو اوزون عمره کی کئچدی، گل ندامت شیمدی گـؤر.
مسـتِ عشـق ایسـن، نولـا دل فتنـه گؤزلرینـه اوی،
مسجد و محرابا شیمدی بـاخ، امامـت شـیمدی گـؤر.
گـؤزلری بیمـار اولمـوش، سـن آنـین یولونـا اؤل،

لعلی احیادان دم اورور، گل کرامت شیمدی گؤر.
وارلیغین تسلیم قیلغیل دلبرین وارلیغینا،
امین اول صیدِ حرم اولدون، سلامت شیمدی گؤر.
بیر دم اؤلدوم یار یولونا بونجا دیرلیک بولموشم،
باش گره‌ک اوینایا باشینی زعامت شیمدی گؤر.
گؤزلریندن آیری یام دئیو سقامت چکمیشم،
شیمدی کی، ایرمیشم جانا، سقامت شیمدی گؤر.
بین ملامت قیلیر ایدیم عشق ایله کؤنولومو،
بیر نفس تقصیر ائده‌ر ایسه، ملامت شیمدی گؤر.

545

محرمِ راز اولامی عود کی، بی‌پرده‌دیر، عشقینه جهد ائده‌لیم، چونکی دوا درده‌دیر.
یاریولونا صدق ایله جان کی، گیریر یازیغی، بن آنا ضامن کی آنین کرده‌سی ناکرده‌دیر.
گؤزیاشی‌دیر چاره‌سی شول کی، یاری یولونا، تازه دگیلدیر، گولی- چیچگی پژمرده‌دیر.
سیم‌تنی‌نین عاشقی وجهی زر اولسا، گره ک، پنجه توتان ساعدی سیم ایله آزرده‌دیر.
چک رقمِ موتی سن عاشقین اولمایانا، تن کی، جانی سئومه‌یه، لاجرم اول مرده‌دیر.

546

باخماغا گؤزونه گؤزومون یوزو سیه‌دیر، حاجبلری یوزون گونشی‌نین دخی مه‌دیر.
کیم کی، یوزونو ایسته‌یه، گره‌ک گله صافی، گر آندا ثوابی دیله گتیره، گنه‌دیر.
بیلینه حیال اولا، نگارا، الیم ایرمک، گیسونا تولاشماق دخی سئودای سیه‌دیر.
جان یوسفی دوشدیسه زنخدانینا، نولا، هاروت ایله ماروتا دخی اول آرا چه‌دیر.
باخارساگؤزوم اؤزگه‌یه، قانی سنین اولسون، غیرینه نظر چونکی، شها، عینِ سفئه‌دیر.

547

ساچی گئجه‌سی ایچینده جمالی بدرِ منیر، بو گونش ایله یوره‌ک یاغی هر نفسده اریر.
بو یوز- گؤزو یوزونولاکی‌آنین گؤزونه باخا، بصیرت‌اولمالییجاق بیردورور بصیر و ضریر[1].
جمالی گئجه‌لری گوندوزه اولادی مگر، کی قیلدی زلفو کمندینه بی دلینی اسیر؟
بونون کیبی تنه ایش بؤیله جان اولاشمادی، اولالی آدمی خاک تنی فلکده خمیر.

1- بصیر = گؤره رلی / ضریر = گؤرمه ین، کور.

چو حورونون ساچی عنبر، تنی اولور کافور،　　عجب می توپراغی‌اوچماغین‌اولورایسه‌عبیر؟
مگر کی، قیل قلم ایله طراوتین ساچی‌نین،　　یئنه صحیفه‌ی گولده جمال ائده تحریر.
لبینی آغزیما وئردین دوشومده ایشبو گئجه،　　مگر کی، یوسف ائده بیله بو دوشو تعبیر.

548
غمزه‌لرینه هی دئ کی، چون تیرِ قدردیر،　　سِحراوخودورور هر بیری کی، تیرِ سَحردیر.
دل نورو گره‌ک حسنونو آنلاماغا، شاها،　　گؤز نه قدر آنلایی، بیله فیهِ نظردیر.
دؤکمه گؤزومون یاشینی هجران ایله یئره،　　هر قطره‌سی پرورده به صد خون جگردیر.
دیل چون لبینه سؤیله‌یه سؤزو اولا رنگین،　　اول کامی شکردن ساناسین کامِ شکردیر.
کؤنول‌نئجه‌کی، تنگ ایسه کئچمز آغیزیندان،　　مدخل قیلماز اینجه بئلینه کی، خطردیر.
عشقین گوموشو آلتون سکّه اورور یاش،　　تر گؤزلولرین مقصودو دونیادا چو زردیر.
بیر لحظه خیالین توزوماز گؤزوم ایچینده،　　غایتده لطیف اولو گؤزوم سیلی گذردیر.

549
زلفو نگارین عجب کی، شب یلدامی‌دیر،　　اول یولا باش اوینایان، عاشق شیدامی‌دیر؟
صبح یوزونده آنین گیسوسو لیلی ایسه،　　بن دلی‌سی‌یم آنین، اول بانا لیلامی‌دیر؟
هر شهه نه کی دئدیم، اول بانا لا دئمه‌دی،　　گؤزلری کی، آلادیر، اول بانا شهلامی‌دیر؟
تیهده بیز قالمیشیز، سندن ایراق، ای نگار،　　ایشبو جفالار بیزه، منّ ایله سلوامی‌دیر؟
باشی گره‌ک کی کیشی، یار یولونا اوینایا،　　عشق دئدیکلری پس هئچ یئره دعوامی‌دیر؟
بیز ازل اسروگییوز، الّا، مُنبِّه گره‌ک،　　دَلی قیلان بیزلری باده‌ی حرامی‌دیر؟

گیسوسو سئوداسینا قان آخیدیر گؤزلریم،　　حاصلیمیز اورتادا یوزده بو صفرامی‌دیر؟

550
گیسونی دیلر زنجیر دیوانه کی، عاقلدیر،　　گیسون پریِ ابابیل انه‌ک چهِ بابلدیر.
لعلینه الیم سوندوم دئدی کی، حلالین هی،　　تریاکه ال اوزاتدیم، نه زهرِ هلاهلدیر.
بن وارلیغیمی وئردیم وارلیغینا اول یارین،　　اکسیک‌قومادیم اول‌خود غماز، زیرا کاملدیر.
یوزونه سنین، شاها، شمس آیینه‌دیر، زیرا،　　نورو بلیرور آنین اول دم کی، مقابلدیر.
وارلیق قاموسی یارین یولونا فدا اولور،　　منّت اوریماز خاجه زیرا، قاتی غافلدیر.

551
بو گون خزان یئنه باغین زری و زیوری‌دیر،　　بُت ائیله‌میش هر آغاجی اولامی آذری‌دیر.

یوزومودخی‌ساری‌قیلدی‌عشق آختیدی یاش، کی بنزه‌مز بو آنا، زیرا زرِ جعفری‌دیر.
بهشتی شیمدی تفرّج قیل، ای گشاده بصیر، کی آلتون اولدو آغاجی و یئری عنبری‌دیر.
خزان کی، هر نفس اوراقِ عشقدن دم اورور، حکایتینی آنین سانما سن کی، سرسری‌دیر.
یازین اگر هر آغاج بیر نگار منظر ایدی، خزاندا هر بیری بیر عاشقین مصوّری‌دیر.
واراقلارین سالیبان آیاغینا دوتما خور، کی آنلار ایسن کی، وجود دفتری‌دیر.
نه‌قاپودان‌کی، گیریرسن‌چیخارسین‌آندان سن، بو فانی دنیای دون داری گرچه ششدری‌دیر.

552
آغیزین آنار اولور ایسم، آغیزیم سولانیر، لبینله دیشلرین اوچون دخی گؤزوم سولانیر.
اگرچه مردمه اویماق خیالِ باطل‌دیر، گؤزومه‌سینی گله دئیو اوش یوزوم سولانیر.
کؤنول‌ایله گؤز آراسیندا اودا، سویا دوشوب، چوخوم یانار اودا گرچه کی، آزیم سولانیر.
غبار گؤزومه گیریر واریرکن ائشیگینه، اگرچه گؤز یاشی ایله بگیم، ایزیم سولانیر.
دوزوم–دوزوم‌دیشین‌اوچون‌دؤکر‌گؤزوم‌یاشینی آنین‌اوچون‌دؤکولیجک‌دوزوم– دوزوم سولانیر.
اودا یانار کؤنولوم گر ضمیره عشقی گئچه، چوشعری‌لبلری‌اوچون دئییم‌سؤزوم سولانیر.
خیالی گؤزده بالیق کیبی‌دیر سو ایچینده، بو بُرجا چونکی قدم باسا، ییلدیزیم سولانیر.

553
لبلری‌نین سویو سولاف‌می‌دیر، می دخی یعنی بؤیله صاف‌می‌دیر؟
سرو قدّینه قارشی نه ساللانیر، قصدی یعنی آنا خلاف‌می‌دیر؟
یوخ نظرین اگر دئر ایسم بن، بو سؤزوم از سرِ گزاف‌می‌دیر؟

یا بنیم کیبی عاشقین یوخدور، دئر ایسم فکرینیزده لاف‌می‌دیر؟
کؤنولومده‌کینی بیلیر کؤنولون، بو کؤنولدن آنا شکاف‌می‌دیر؟
عارضین داغی بنی کعبه‌می‌دیر، گیسوسی گزدیگی طواف‌می‌دیر؟
تورکی گؤزون هزار دل یارالار، بو ممالیکده اول معاف‌می‌دیر؟
گوشه‌دن باخدیغینا خسته گؤزون، سببی آنجاق انحراف‌می‌دیر؟
اَسوَد[1] اولدوغو افعی گیسولارین، علّتی من الانصراف‌می‌دیر؟

[1]– قارا.

حرف ر

554

گؤرمک آغیزی نقطه‌سین نوربصردگیلمی‌دیر؟
یاناغینی آی آنلاماق حسن نظر دگیلمی‌دیر؟!

نقش جمالی دلبری گؤزده خیال باغلادی،
کؤنلونه محبتیم نقش حجر دگیلمی‌دیر؟!

یوره‌ک‌اودونا دیله‌دی، سوساچا گؤزلریم یاشی،
گل،باخادورکی،شیمدی‌اول‌دخی‌بیتردگیلمی‌دیر؟

کؤنوله اوغرایان هوا ایردی ساچینا ذره‌سی،
آیینه الینه آل، زیر و زبر دگیلمی‌دیر؟

گرچه‌قضا دورور آنین عشقی بو دلی کؤنوله،
یوره‌گیمه توخونان اوخ تیر قدر دگیلمی‌دیر؟

شیمدی آنین هواسینا خطبه اوخونور آدیما،
یوزده بوگؤزلریم یاشی‌سکه‌ی‌زردگیلمی‌دیر؟

آنی کی ایکی حاجبین قیلدی جمالین الینه،
اگری‌اوتورودوغرودئ،عدل عمردگیلمی‌دیر؟

نولا اگر قارینجالار چوخدو لبین شرابینا،
حقه‌ی لعلدن دولو شهد و شکر دگیلمی‌دیر؟

گرچه کی عقل قوجادیر، لعل لبینه ایریجک،
ترک‌ائدیبن بیلولرین امجک امه‌ردگیلمی‌دیر؟

555

لعلدورور لبلرین ولی شکریدیر،
آل یاناغین تازه تر زیوردی تریدیر.

عزم سفر قیلالی شکاره بو گؤزلر،
قوشجا جانیم آنلارا نه‌مه‌ریدیر.

جانیمی قیل ائیله‌ییب بئلینه گمیشدیر،
دولته ایرمز اولور ایسه خطریدیر.

کؤنلومو یاخمایینجا توغمادی عشقیم،
زیرا هوا کیمیاسی‌نین حجریدیر.

عشقی‌ایله‌خوشلوق‌کی، ایشبو دمده گؤرورم،
آغزی‌نین نفسی گؤزون نظری‌دیر.

556

زلفونله دلی کؤنلوم آشفته دگیلمی‌دیر؟
فتنه‌گؤزون اسروکدور، هئچ‌فتنه دگیلمی‌دیر؟

قیمتی‌نین لعلی‌نین سوردوم یئنه کندوندن،
هیچ‌آغزینی آچمادی پس، سفته دگیلمی‌دیر؟

ناکرده‌ی الطافین بن کرده‌یه سایارام،
ناگفته آغیزیندان چون گفته دگیلمی‌دیر؟

یوره‌ک قانی ایزینی یئتیردیگیم، آغیزینا،
ظنین نه دورور کی آندا بنهفته دگیلمی‌دیر؟

قاشلاری ایله یوزون گؤره‌لی اوچ آی اولدو،
فکرین‌نه دورور، ماهی دو هفته دگیلمی‌دیر؟

557

دشمن اگرچه حیله و تدبیر ایچینده‌دیر،
تدبیر و حیله هم یئنه تقدیر ایچینده‌دیر.

شول فتنه‌لر کی، گؤزلری حامل دورور آنین،
شکرانه‌لر گره‌ک کی، بو تدبیر ایچینده‌دیر.

زنهار، دونیاخوشلوغونااینانمان‌کی، هر نفس،
آنی کی، گؤسته‌ریر یئنه تغییر ایچینده‌دیر.

دوشدورکی، گؤروروزبوجهان‌خوشلوغوبیزه،
عکسینجه هر دوشون یئنه تعبیر ایچینده‌دیر.

بو حسن سورەسینده بیر آیتدورور یوزون، — آخر جمال قصەی تفسیر ایچیندەدیر.

علم حروفی خطی آنین قیلدی بانا کشف، — ز آن رو شکسته گیسوسو تکثیر ایچیندەدیر.

آلتون قیلیر مسیمی بنیم عشقی‌نین اودو، — بو کیمیایی گؤر کی، بو اکسیر ایچیندەدیر.

558

بئلین عشقی بئلیمیزه کمردیر، — کمینه ایش بو یولدا ترک سردیر.

لبین گیردی کؤنول قانینا، شاها، — نه سوچو وار گؤزونون، بیخبردیر.

شَکَر شُکر ائیلەدی لعلین تاتیندان، — آنینچون دنیادا آدی شکردیر.

هوای زلفونه دوشەلی اولدوم، — صبا یئلی کیبی کی، دربدردیر.

بو جان گرچه گریان ایدی بئلینده، — ولی لعلین قاتیندا مختصردیر.

خطا ایله گؤزون گر بیر اوخ اوردو، — کؤنولومه نولا اسروک تاتاردیر.

شها، حسنی گؤزونده سانما یالقیز، — کی گؤرموشم آنی یوز اول قدردیر.

559

چو ظاهرده دگیل عشقیم، جمالین ایله ایچیندیر،
خطاسی دخی گؤزونون کؤنولومده بنیم چیندیر.

ساچین هندینده بو جانیم زماندیر کی، مسافردیر،
بگیم، خوش‌ساخلاغیل‌آنی، آنین‌اوچون‌کی، چو چیندیر.

سمن‌سادیر، شها، خطین نه نازک قاعدەسی وار،
پریشاندیر، بگیم، زلفون کی، پیشانیسی پُرچیندیر.

سانا مانند قاچان مانی نگار ائیلەیه بیر صورت،
کی، آی یوزون سنین، شها، خطاسیز بیر بت چیندیر.

بنیم سینەمده کی عشقی گرەک کی ایرورەم سینه،
خفامین نیّتی نئیچون روهم اوستونده پرچیندیر.

توتاغین عشوەلرینله کؤنوله چینەلر دؤکر،
گؤزون جادوی دلچین و بنیم هندوی گلچین‌دیر.

موغالچین اولدو گؤزون کؤنوله فتنەلر سالدی،
بو روشندیر کی، گؤزلرین بت قیپچاق و ساقچیندیر.

560

لعـــل لبلـــری جانـــا شـــکر آرتیریـــر، شّـــکر و شـــکّر، شـــکّری شّـــکر آرتیریـــر.
ذکرینـــی آنـــین دیلیمـــدن قویمـــازام، ذکـــری کؤنلومـــده چـــون ذکـــر آرتیریـــر.
لطفـــون اســـرارین تنـــاول قیلیـــرام، چـــون تامّـــل آنـــدا بـــین فکـــر آرتیریـــر.
هـــر گئجـــه گیســـولاریندان گـــؤزلریم، قوجاغیمـــدا بیـــر بـــت بکـــر آرتیریـــر.
شـــکّری لعلینـــه واردیـــر حـــاجتیم، چـــونکی مســـتانه گـــؤزون سُـــکر آرتیریـــر.

561

ســن گلیجــک بــو صــحبته بــو تنیمیــزه جــان گلیــر،
ایریشه‌جک بو دعوتــه ســن کــی یئنــی جهــان گلیــر.
یئرییجــک بئلــین ایلــه نئجــه خیــال ائــده‌ر جــانیم،
سؤیله‌ییجک آغزین ایلــه کؤنلومــه بــین گمــان گلیــر.
جادو گؤزون چــو اســریدی، غمــزه‌لرینــه اوخ دئــرم،
نه عجب اوخ اولور ایسه، قاشلاری چون کمان گلیــر.
گــؤزو آپــاردی کؤنلومــو، لبــی زمــان گــره‌ک آنــا،
شیمدی‌گره‌ک‌کی‌سوروشام بورجلو اوچون زمان گلیر.
تــورکی گــؤزو بــو کؤنلومــو یاســاغا یئتیــره گــره‌ک،
عشــوه‌لــرینچین اؤلــه‌یــیم کــی جانیمــا آمــان گلیــر.

562

یئنه‌ایشبو سوسامیش جان بیر دنیزه تشنه‌دیر، شول دنیزه تشنه‌دیر کی، سیزه بیزه تشنه‌دیــر.
جان‌کی‌سیراب‌اولدو آنابن‌نئجه‌سی جان دئیم، جان‌دئدیگیم‌اول‌دوروركی، بیرعزیزه‌تشنه‌دیر.
بن سنین لعــل لبینــه یعنــی حیــوان ســویونا، تشنه اولدوم کیم قولاما، کیم کنیزه تشنه‌دیــر.
تشنه‌دیر قدّیم ســنین بنــیم یــوره‌گــیم قانینــا، شؤیله‌کی دوشمن یوره‌گینه بو نیزه تشنه‌دیر.
لعل لبلرینه قانلی یــوره‌گــیم گــر سوســادی، نولا هر نسنه جهانــدا یئنــه چیــزه تشــنه‌دیــر.

563

تولــو وئــر، ســاقی، چــون فصــل خزانــدیر، آدم قـــانی دگیـــل خـــون رزانـــدیر.
یاشـــیم قیـــزاردی و بنـــزیم ســـاراردی، کؤنولومـــده هـــوا چـــونکی وزانـــدیر.
ســاری بنیــز، قیزیــل ســاچی بــو موســم، خـــزان انـــدر خـــزان، انـــدر خزانـــدیر.
خـــزان فصـــلی دورور ظـــاهرده لـــیکن، ایچیمـــده موســـم میـــوه پزانـــدیر.

پریشان اولدو زلفون بن دخی هم، بو کؤنلوم شورشی آخر اذاندیر.

564
خیال اولموش بئلین، آغزین گماندیر، لبیندن قان قوخولاری دماندیر.
دگیل قامت، قیامتدیر بو قدّین، گؤزون خود فتنه‌ی آخر زماندیر.
گؤزون جان آلدی ضامندیر توتاغین، دوتارسام لعلینی، نولا، ضماندیر.
گؤزوم گؤگ اولدو یوزون گؤرمک اوچون، زمین اولدو یوزوم خیلی زماندیر.
نگارینا قاپوندا جمع عشاق، آرالارندا بانگ الاماندیر.

565
گونش، صنما، یوزونو آلنین چو قمردیر، بئلین ایله قونشوسو چو کوه و چو کمردیر.
گول یوزون آدینا اوخویا خطبه‌یی بلبل، یوزومده‌سنین عشقین اوچون سکّه‌ی زردور.
خالین یاناغیندا، صنما، قیلا ندا کی، کیم بانا وئرورسه کؤنولونو قانی هدردور.
یاریم بانا گر باغلادی ایسه قاپی، نولا، چون عشقی هواسی کؤنوله حلقه‌ی زردیر.
بو طُرفه دگیل‌می کی، کؤنولدن سانا واران، ائلچی سؤزو مجموع خلایقده خبردیر.
افسانه دورور بیزه گؤره وامق و عذرا، مجنون ایله لیلی بیزه نسبت چو ثمردیر.
هرچند شریعت کی، قیلیر حورونو تحسین، اینانديم آنا لیک تاپون چیز دیگردیر.
زلفیله بناگوشدورور عنبر و کافور، لعلیله زنخدانی آنین شیر و شکردور.
چون یوزون ایله باغلادیلار حورا قصوری، اولمایا عجب آدم اگر آندا بشردیر.

566
اگر گستاخ ایسم شاهیم حالیمدیر، بنیم احوالیما اول حق عالیمدیر.

بنی آندان ایراق قیلماق دیله‌ین، سیغیندیم آنا شیطان رجیمدیر.
نولا مجروح ایسم محروم دگیلم، چو جان سلطانی رحمان رحیمدیر.
زهی دولت کی، سلطانا حریفم، یئنه اول ساقی یئنه اول ندیمدیر.
نسیمدیر جانیمی سالان بو ذوقه، نه زردیر جانیمین قصدی، نه سیمدور.
بو قدّیم دالی دال اولدو بو عشقه، زهی دم آغیزین مومی نه مومدور.
دئدی جانین گران اولدو بیلیمده، دئدیم یاربّی بهتان عظیمدیر.
نئچون قیل یارامایا عشقیم بنیم چون، کی بیر نقطه آغیزیندا دو نیمدیر.
وصالیندیر بانا جنّت فردوس، فراقی نین عذابی گی الیمدیر.

567
بـــدی اولمــــاز معــــانی چـــون بیانـــدیر، بـــو ســــرّیمیز گؤزونـــوزده عیانـــدیر.
بئلینــــه جــــان و عقـــل و دل آپـــاردیم، کـــی عاشـــق وارلیغـــی انـــدر میانـــدیر.
نگـــارا، قییمـــا گـــؤزون قییـــدی بیـــزه، مبــــارز اورتالیقــــدا هـــم قییانــــدیر.
گـــؤزون بـــاز اولـــالی ورهمـــدورور دیـــل، گـــؤزون قاتینــــدا دیللــــر ماکیانــــدیر.
نـــه هنـــدوی ختـــایی دیـــر بـــو گـــؤزون، کـــی الینـــده گـــاه تیـــر و گـــه کمانـــدیر.

حرف ز
568
تشـبیه گـؤزوم یاشـینی ایرماغـا یارامـاز، ایرماغـا نئجـه بنـزه‌یـه، ایرماغـا یارامـاز.
یالقیز دگیلم بلکـی جهـان حسـنونه عاشـق، جـور ایلـه جهـانی قـامو قیرماغـا یارامـاز.
واعظ اؤگودون توت سانا آیریلمازام آنـدان، تنـدن جـانینی کیشـی آییرماغـا یارامـاز.
کؤنلومـده کـی سـرّیمی تاپونـا آغیـز آغیـز، دئمک دیله‌رم چـونکی چاغیرماغـا یارامـاز.
خون جگریم اولدو دنیز، گؤز یاشی ایرمـاق، سیغیرسـا کیشـی دنیـزی ایرماغـا یارامـاز.

569
قیلـالی قاشـلاری محرابینـا دل پـنج نمـاز، باشـــلادی گیســـولاری قافلـــه‌ی راه دراز.
بینـوا راسـت قاچـان قیلـا بیلـه سـاز سـفر، خاصـه کـی اولـا نحیـر بصـر راه حجـاز.
تن الین آلدی آیاق باسدی کؤنولـون ائلینـه، ملک‌جانی آلیسار گون اؤکوشی ایلـه آز- آز.
حسنونو وصفه گتیرمز نه کنایت، نـه ضـمیر، عشقینی شرحه ایرورمز نه حقیقت، نه مجاز.
بئلینی بیری دیلرسن کی خیال اولمایـا هـئچ، آچما آغزینی دیلرسن کی هیچ آچیلمایا راز.

570
کؤنولـــده ســـلامی اکســـیک اولمـــاز، لعلینـــده مـــدامی اکســـیک اولمــــاز.
اؤیلــــه قالــــامی عجــــب بیلینمـــــز، شـول صـبح کـی، شـامی اکسـیک اولمـاز.
قاپــــدی کؤنولومــــو گیســـــولاری، اول بئلـــده حرامـــی اکســـیک اولمـــاز.
محـــــراب قاشـــــینا اویـــــدو کؤنلـــــوم، چـــون آنـــدا امـــامی اکســـیک اولمـــاز.
گـــر ایـــراق ایســـه کؤنـــول یولونـــدان، بنیملـــــه کلـــــامی اکســـــیک اولمـــــاز.

571
لبین حیاتا ایریشـدیرمه‌دیـک جمـاد قومـاز، جهـان ایلـه بیلیشـیر اورتالیقـدا یـاد قومـاز.
سون‌ایمدی جام جم توپ- تولوسن الیمیزه، کی سرخوش ائیله‌مه‌دیک خسرووقباد قومـاز.

بو خاکی غسل ائدیین گؤز یاشینا کندوزومو، سالارام اودونا کی، باشدا دخی باد قوماز.
قاشین ایله گؤزونو زلفونون اسیری اولام، کی سندن اؤزگه یه دیلریلیر اعتقاد قوماز.
قاشین چو اگریلیگه بیتدی عشق اهلی ایله، گؤزونله مردم آراسیندا اتحادّ قوماز.
جمالی شؤیله قیلیر کندوزونه مستغرق، وجودومو کی، آنا دُنیادا بیر آد قوماز.
فنادورور بو جهان وئرمه آنا کندوزونو، کی اول کیشی قوجاغیندا، بگیم، مراد قوماز.

572
کیمدیر اول کی، آیاغیندا سر قومازٔ؟ گؤزدن اینجی و یوزوندن زر قوماز؟
شؤیله کی، غمزه‌نه بن یوره‌ک قودوم، دُنیادا هیچ کیمسنه مرمر قوماز.
عشقی اول یارین حقّین بنیادی دیر، کندی بنیادینی اول ابتر قوماز.
بن قیزارتماق دیله‌مه‌زم بو سرّی، الّا نئدم بادِ احمر قوماز.
دردین ایله زهر ایچه‌رم دون و گون، اؤلمه‌یه لعلِ لب شکّر قوماز.
عشقی نه بُت قودو، نه خود بت‌تراش، بت‌شکن چون ایردی هیچ آذر قوماز.
هر دم اؤلوب دیریلیرسین، آچ گؤزون، بیر نفس خود سینی هیچ محشر قوماز.
عشقی کشّاف اولدو سئومیز اؤرتولو، کیمسه‌نین بیلینه اول مِیزار قوماز.
عشق اودونا وارلیغیندان کس امید، قوپوجاق کیمسه‌ده خشک و تر قوماز.

574
یارین جمالی دونیادا بدر آیا بنزه‌مز[1]، سرخوش گؤزو جفاسی بیزی آیا بنزه‌مز.
قاشلاری آیا بنزه‌ر و زلفو تاغیلیقلاری، کؤنلوم محبّتین یابانا بنزه‌مز.
بیرسایه‌یم‌کی، گؤز گؤرور ویوخدورور تنیم، بو حالی یار بانا عؤموره سایا بنزه‌مز.
گوندوز- گئجه فراقی الیندن اینیله‌رم، بو یولدا هیچ وایه شَکّر وایه بنزه‌مز.
حاجبلرینه های دئ، آتار چرخه تیر ایله، یوخسولا بایا گیرمه دئر، اوبایا بنزه‌مز.

575
دل کؤلنه‌گی اته‌گینی، یاخاسینی بیلمز، دلدار آنی اود ایله نه یاخاسینی بیلمز.
یوره‌ک تاماریندان گؤزو نشتری قان اولور، بیر سیل اولوبان تامار آخاسینی بیلمز.
پنهانی آتار کیرپیگی اوخلار یوره‌گیمه، گؤز یاشی، بنیز ساریسی چاخاسینی بیلمز.

---

[1]– بو ایکی غزل ده بیردیرلر، آنجاق بیر بالاجا فرق و بیر بیت آرتیق گؤرونور.

اؤزومده قومادی اؤزو، یوزومده دخی یوز، هرگز اؤزو بو یوزومه باخاسینی بیلمز.
گمراه‌دورور بو دَلی دل گیسولاریندا، سئودا آدینی بوینوما تاخاسینی بیلمز.

576 شؤیله‌دورور بو کؤنول کی، اؤزونو بیلمز، عاشق اولان کؤنول خود اؤزونو بیلمز.
سوزشی اولمایانا سوز ایشینی دئمن، گؤز یاشی دخی کؤنولده سوزینی بیلمز.
شؤیله گؤزوم ایله‌دیر جمالی آنین بیر، کی، بو گؤزومدن کیمسنه یوزونو بیلمز.
یوزونه قاچان کی، گؤزو توش اولا عاشق، آیریغی نه بیله چونکی، اؤزونو بیلمز.
زلفو ایله یوزونه کیشی کی، توتا اوخو، آنلاییماز گئجه‌سینی، روزینی بیلمز.

577 عالمده بیر اوت بیتمه‌یه بنیم کیبی هرگز، دوشمه‌یه سنین اودونا جانیم کیبی هرگز.
لبلرینه کی لعل بدخشان آنا قول‌دور، اولمایا جانی دونیادا قانیم کیبی هرگز.
چوخ جان اولا دونیادا ولی کؤنلوم ائلینه، اوتورمایا سلطان دخی خانیم کیبی هرگز.
بن آدینا آداندیم و بو سانویی ساندیم، کیمده اولا بو آد ایله سانیم کیبی هرگز.
لعلینده گمان ائیله‌میشم شربت حیوان، اولمایا حقیقت بو گمانیم کیبی هرگز.

578 مشّاطه بانا مشک ایله بیر شانه گتیرمز، بنیم کیبی بو دنیایا دیوانه گتیرمز.
ایروردی جانیمی لبیمه و توتاغینی، تا جانا ایرورمز لبیمی جانه گتیرمز.
اؤرگندی کی، گیزلی ساتا گوهرینی لعلین، یعنی نه قیلینیر کی آنی دکانه گتیرمز؟
سیرگؤردو ، شاها، لعلین‌ایچینده بو کؤنولوم، اذن اولماز ایسه، بو لب و دندانه گتیرمز.

دوتدوم کؤنولو زلفون ایله، شاها، بو گئجه، بیر پیری کیشی و هله دیوانه گتیرمز.

579 آه لبین پسته‌سی‌نین شکّری شُکرون دئییمز، گردیلی اولا بوبادام گؤزلری سَکرین دئییمز.
آنلاییماز بو عقلیمیز اینجه بئلی خیالینی، دیل‌دخی لعل آغیزی‌نین نقطه‌سی سرّین دئییمز.
نصب ائده‌لی بو کؤنلو جورونو رفع قیلماغا، هرقیلینین کی، قیلدیلار جانیما جرّین دئییمز.
دلگیرائده‌رگؤزوم‌یاشین‌کؤنول‌ائلینی‌قورودور، دیلیمی قاصر ائیله‌دی بحر ایله برّین دئییمز.
کوکبی درّ ساناسین یوزو گونشینی آنین، کی،دیلیمی دیلر ایسن دیشلری درّین دئییمز.

580 غمزه‌سی اوخ اورور جانا کی قانی گؤزوکمز، بن اوخ دئدیم اول اوخا، ولی قانی گؤزوکمز.

کؤمورکیبی یاندیم‌اودا، اول جوهری اوچون، بن راضی‌یام اول اودا، ولی کانی گـؤزوکمز.
کیم عاشـق ایسـه عشـق دنیزینـه گیـره‌لـیم، دینینـــی بولومـــه‌زم و ایمـــانی گـــؤزوکمز.
زلفون ده کؤنول گیـردی قارانلیغـا مسـکین، آیدینلیغی چـو شـربت حیـوانی گـؤزوکمز.

581

یوزونـو گؤزلـه‌یـه‌لـی هـیچ مهتـاب گلمـز، گؤزونو گؤرمه‌یه‌لی گؤزومـه خـواب گلمـز.
واردیم لبینه تا کی سـورام کؤنـول دواسـین، چوخ انتظار چکدیم، هرگـز جـواب گلمـز.
شول‌دم کی، غمزه‌ن اوخو قیلدی دلی نشانه، قـان آخـار اولـدو بیـر قطـره آب گلمـز.
گؤزلری ایله یارین می تولودور بـو یـوره‌ک، نولـا اگـر لبینـدن کـاَس شـراب گلمـز.
بحر ائده‌لـی جهـانی گـؤز یاشـی ایلـه یـارا، بحر محیط گؤردوم همچـون سـراب گلمـز.
عالمده کیمسه کؤنلو گؤزونه کؤنولـوم تـک، ساغ و اسن واریبان مسـت و خـراب گلمـز.
گرچـه سـویا گیـریبن گـؤزه گلیـر خیـالی، مردملیگه سایلماز چون بـی‌حجـاب گلمـز.

582

بـن سـوخته‌یـم عشـقینه هـر خـام گلیمـز، حســنون کیبــی یــا دانــه و بــادام گلیمــز.
بن حسنون ایله جانم و جـامین ایلـه خـامم، هر جام کی، حُسـنون ایلـه‌دور خـام گلیمـز.
گؤر تاغیداسین کفرونو سن گیسـولاری‌نـین، بـن نـه قیلـاییم آنـدا چـو اسـلام گلیمـز.
چون دانه دورور گیسـولاری دام بنیمـدور[1]، اول شــامه‌یــه دُنیــادا ســمن شــام گلیمــز.
بن خاص سنینم، دیلـه‌رم صـحبتِ خاصّـی، چون عام گله، نـیعم اولوسـار عـام، گلیمـز.

583

بو مُـرده تنـه سـنجیله‌یـین روح الـه گیرمـز، کؤنلوم کیبی گؤزلرینه مجـروح الـه گیرمـز.
صبر ایله شُکُر قیلماغـا بـو هجـر و وصـاله، بـو دُنیـادا ایّـوب و یـا نـوح الـه گیرمـز.
مختوم‌دورور لبلـری‌نـین پُسـته‌سـی، شـاها، اول بـاده بنـیم جانیمـا مفتـوح الـه گیرمـز.
متنینـده سـنین گیسـولارین اولـدو مقیّـد، حسنون، صنما، عاشقه مشـروح الـه گیرمـز.
بیر روح نه یئتسین، صنما، گـؤزون اوخونـا، هرلحظه ده اول اوخلارا بین روح اله گیرمـز.

584

حسـنون طراوتـی، ای بگـیم، یـازا بنـزه‌مـز، غمزه‌سـی گؤزونـون جگـری یـازا بنـزه‌مـز.
آوازه دوشدو کیم یانیبـان یـاردان ایرمیشـم، قایلـان کـی، آج اولـا، بگـیم، آوازه بنـزه‌مـز.

---

[1]– چاپدا «بنیندور» یازیلمیشدیر.

سلطان‌اولورسا عاشقی، معشوقه قول دورور،   محمود کبر ائدەر ایسه، ایازه[1] بنزەمز.
بئلین خیالیمی یا خیالین خیالیمی،   سرّمی‌دیر آغیزین، صنما، رازا بنزەمز.
نقّاش چوخ گله، صنما، لیک حسنونو،   جان دلده نقش قیلدیغینی یازه، بنزەمز.
هر بیر کرشمەسی گؤزونون بنی دپەلر،   نازین عذابی‌دیر، صنما، نازا بنزەمز.

585
بو عشقه یار ایله اغیار دؤیومز،   بو یولدا دزد ایله طرّار دؤیومز.
چو باغین یئمیشی بو کویدادور آه،   بونا باغ ایسسی ده سالار، دؤیومز.
چو سن گیسولارینی تاغیداسین،   یوزه یوز لشکرِ جرّار دؤیومز.
ساچین قییالی هر بیر تارینی مار،   آنین حملەسینه تاتار دؤیومز.
کؤنول افگاری دؤیمز حسنونوزه،   تنیم زار و جانیم افگار دؤیومز.

586
آه ائدەر ایسم، آه کی، آهیمی ائشیتمز،   سن‌سانماغیل، ای‌دوست‌کی، بوآه ایش ائتمز.
وقتِ سحر آهیم یئتر اول یئرلره کیم اوخ،   آتیجی الیندن قاتی یایدان آنا یئتمز.
عشقی‌اودو نئجەسی یاخار کؤنلو عجب کی،   شعلەسینی گیزلر وُ توتونونو توتوماز.
عقل و دل ایله جان و تنیم آنا فدادیر،   یارین یولونا هر نه کی، گئدەر ایسه یئتمز.
بن بیر نظرینه وئریرم ایکی جهانی،   نه قیلاییم اول زهره بو مشتریه ساتماز.
بن کؤنلومو قالخان توتارام غمزەلرینه،   قالخانی گئدەرمەزم و اول اوخونو آتماز.
بن عمرونو اوزون دیلەرم، گیسولارینی اول،   عمروم‌ائدیگین‌بیلدی، عجب‌نئچون اوزاتماز؟

587
غمزەسی‌اوخ‌اورور جانا کی، قانی گؤزوکمز،   بن اوخ دئرم اول اوخا، ولی قانی گؤزوکمز.
کومور کیبی‌یاندیم هله اول جوهری اوچون،   بن راضیام اول اودا، ولی کانی گؤزوکمز.
کیم عاشق ایسه عشقی دنیزینه گیرەلیم،   دینینی بیلیمەزم و ایمانی گؤزوکمز.
زلفونده کؤنول گیردی قارانولوغا مسکین،   آیدینلیغی قو[ی]، شربتِ حیوانی گؤزوکمز.
عشقینده آنین آنجا اولا بی‌دل و شیدا،   کی‌اول اورتاداهیچ احمد حیرانی[2] گؤزوکمز.

1– «محمود ایله ایازین» حکایەسینه اشاره دیر.

2– احمد برهان الدین هئچ شعرینده اؤز آدینی و تخلوصونو گتیرمه میش، تکجه بو غزلده اؤز آدینی آپاریر.

588
نــه ســنه، یــاردان اؤزگــه، گؤزومــه گلمــز، یپــل دخــی بــو هــوادا توزومــه گلمــز.
قانـــا گیــــرم دئیــــو خیــــالی گلمــــز، قانــا اول دم گیریــر کــی، گؤزومــه گلمــز.
دیلــــه‌رم کؤنولــــو ســــاچیندان آییــــرام، دلــی زنجیــری اولــدو ســؤزومه گلمــز.
رنگــی یانــاغیمین گــؤره‌لــی یانــاغین، چــوخ زمانــدور قاچــار و یوزومــه گلمــز.
درّ دؤکــر گــؤزلریم نگــارا دیشــونچون[1]، بــو قَــدَر عیــب وار کــی، دوزومــه گلمــز.
مســتلیکدیر قیلــان قــامو ایشــی کــی آنســیز، بیــر دیکــوک تــالی دخــی اؤزومــه گلمــز.
گیــر وّ قالــانین آنلــا جهــد و جــدّ ایلــه، کــی اول معــانی بنــیم رموزومــه گلمــز.

589
گل،گل،گؤره‌لیم،گل‌گؤره‌لیم، گول‌گؤره‌لیم، بیز، بیر نغمه گتیـر اورتایـا بلبـل گـؤره‌لـیم بیـز.
گولدور یوزونومول توتاغون صحبتیمیز گرم، بوایشیمیزی پس نیشه مول‌مول گؤره‌لیم بیز؟
بیــز یانـــاروز اودا، صـــنما، بنلـــرین ایلـــه، عنبردورور اول، دانه‌ی فلفل گـؤره‌لـیم بیـز.
بیز گول یاناروز اودونا هـر جـز دخـی هـم، هرجزعوموزو اول یولا بیر کول گؤره‌لیم بیز.
بیرنغمه‌دئ ای مطرب و سون ساقی بیر آیاغ، کی، غلغل ائشیده‌لیم و قلقل گـؤره‌لـیم بیـز.

590
لعلیندن آنین سـؤزلری نـازک دئیـه‌لـیم بیـز، حسنونده آنین یوزلری نـازک دئیـه‌لـیم بیـز.
بئلیندن آنــین یــاراروز ســؤیله‌ییجــک ســؤز، شمسینده کی ییلدیزلاری نازک دییه‌لـیم بیـز.
شکّر کی، دیله‌مـز دوزو مشـهوردورور، اول، لعل لبی‌نـین دوزلـاری نـازک دییـه‌لـیم بیـز.
شول گؤزلری آتدیغی اوخو مردمی قارشــی، چون جانا ایره‌ر گؤزلری نازک دییه‌لـیم بیـز.
سؤزلری‌چوشیرین‌دورور سؤزون قولاغیمـدا، نولا گل آنـا سـؤزلری نـازک دییـه‌لـیم بیـز.
چون‌سن‌اولاسین، پرتوی‌یوخدوردخی شمعین، قارانودا شول گؤزلری نـازک دییـه‌لـیم بیـز.
چون‌گؤزلریمه سورمه‌دورور دخی یئگیره‌ک، جانا آیـاغی توزلـاری نـازک دییـه‌لـیم بیـز.

591
گـــزه‌روز دربـــدر عشـــقین اوچـــون بیـــز، عمانـــا گیریـــروز جیحـــون اوچـــون بیـــز.
بانـــا چـــون و چـــرا دگمـــز کـــی، دئـــیم، بیــر اودا یانــالیم بــی‌چــون اوچــون بیــز.
بـــو گـــؤزدن نولـــا گـــر دنیـــز ائـــده‌ووز، لبــی تــک بیــر درّ مکنــون اوچــون بیــز.

---

[1]– دیشین اوچون.

ساچی کـی، لیـل ایـدی، بیـر لیلـی قالـدی،
اؤلـــه‌لـــیم لیلـــی‌ی مجنـــون اوچـــون بیـــز.
تنیمیـــز جنگینـــه بیـــر اود ائـــده‌لـــیم،
هـــوادا یئنیلـــه قـــانین اوچـــون بیـــز.

592
بیدار اولالیم بو گئجه خـوابی نئـده‌روز بیـز؟
صرف وٌ تولو سون اایاغ، آبی نئـده‌روز بیـز؟
جورون اودونا یاخدی یئتر جانیمی گـؤزون،
سون عذب[1] توتاغینی، عذابی نئـده‌روز بیـز.
گـؤزون بیـزه خمّـار لبـین نقـل یئتـر گـل،
چون سوخته یوز دخی کبابی نئـده‌روز بیـز؟
لعلیندن، ای جان، حسرتیمیزدور می معقول،
وئر کیمه گره‌ک ایسه، مذابی نئـده‌روز بیـز؟
جان قیلدی مسلّم کؤنولو گـؤزلری اوچـون،
ردّ ائیله‌دیلر کی، بـو خرابـی نئـده‌روز بیـز؟

593
گول یاناغینا بیـر بـاخینیز، شـامه گؤرونـوز،
بیر هندو ایله طعنـه اورور شـامه گؤرونـوز.
جام‌الینه وئرین‌کی، دوشه گول یوزو عکسی،
آنـدان بـاخینیز جامـا و آل جامـه گؤرونـوز.
شاهین‌کؤنولوم‌کی، ایکی‌کونی چؤپه سایماز،
بیر دانه گؤروب دوشدو نئچه داما گؤرونوز.
بن خاص آنینام نئده‌ییم انعـامی اولـور عـام،
کیم جانینی اوینـار، بـو دم انعامـا گؤرونـوز.
سن چونکی دلارام اولاسـین اولمایـا دل رام،
بـــو دل کـــی، اولـــا رام دلارامـــا گؤرونـــوز.

594
عاشق کی اویار عقلینه دیوانـه دئـروز[2] بیـز،
یازمـازوز آنـی دفتـره، دیوانـه دئریـز بیـز.
بیز باش آنا دئروز کی، آنا باش قاییسی یوخ،
سرور دئیو هر بی‌سـر و سـامانا دئـروز بیـز.
کؤنلومه بیر اود، صـنما، دوشـدو یوزونـدن،
ال ایلـه دئمـه‌زوز یوزونـه یانـا دئـروز بیـز.
یوز سرّ نهـانی کـی، آنـی کیمسـه‌نـه بیلمـز،
آغیـز- آغیـز اول دلبـر پنهانـا دئـروز بیـز.
نئجه‌سی جـواب ائـده بـو دردیمـه طبیبـیم،
جان دردی دئیو چون یئنه درمانا دئروز بیـز.

595
نئده‌لیم، نئیله‌یه‌لیم دُنیادا بو خـوب ایلـه بیـز،
یانـالیم یاخالـالیم حالیـا محبـوب ایلـه بیـز.
زلفون آشفته قیلور، گؤزون ائدەر غارت جـان،
بللی‌دور، نولیساروز بو قـامو آشـوب ایلـه بیـز.
خط‌یازار حسنو کی، یعنی قیلی‌یوز وارلیق ایله،
نئده‌کؤنول چو قول اودوق آنا مکتوب ایله بیـز.
گؤزون ایله، صنما، اسریدی عقل ایلـه کؤنـول،
اسریدیک، اسریمیشوزسانماکی،مشروب‌ایله‌بیز.

---

[1]– خوش، شیرین، گوارا.

[2]– دییه‌روز.

عشقی سرکوب‌دورور، فرقتی زرکوب‌دورور، زر قیلالیم هله گول یاناغی زرکوب ایله بیز.
حاجبی محجوب ایکن آولادی عقل ایله دلی، بیلمه‌زوز، نئیله‌یه‌لیم،حاجبی محجوب ایله بیز؟
جان‌ضعیف‌وکؤنول اوغرو و گؤزوم سهل نظر، بللی‌دور کی، نئده‌وز بو قامو معیوب ایله بیز؟

596
بدر آیی ایشینه بو گئجه تانا قالوروز بیز، منتظر اولوب‌گؤرمه‌گه تانا قالوروز بیز.
بیرصحبتی کی، بیرنفس‌اول یار ایله کئچدی، نئجه کی، عمر وار ایسه آنا قالوروز بیز.
خوش‌آناکی، خوش‌آنلادی قدرینی بو دمین، نه عشقی جانیمیزا، نه آنا قیلوروز بیز.
بن بنی تاپوندا گؤروبن قالدیم اؤزومه، گؤرونمه‌سین‌اؤزون بو کی، سانا قالوروز بیز.
بیرلطف‌اوماریز جورون‌ایچینده،شاها، اوقات، دخی بو جهان ایچره یانانا قالوروز بیز.

597
ساقیا، سون ایچه‌لیم آغونی بیز، مزه ائدینه‌لیم آیاغونی بیز.
اؤپمه‌گه دیلرایمیش توتاغون، توتالیم شیمدی اول یاساغونی بیز.
اوچماغا اوچماغی قویدوق، چون کیم، بیزیم ائیله‌میشوز بو باغونی بیز.
شول توتاغوندان ایچ دئ چونکی ایچیر، اورموشوز بو جگرده داغونی بیز.
بوسه‌یه جان دئمیش، شها، حسنون، ایچه‌لیم شهدین اوچون آغونی بیز.
هر توتاغون کؤنولده داغ ائتدی، سوراروز جاندان اول توتاغونی بیز.

598
تولو وئرور ایاغی بیزه ساقینی گؤرونوز، الینه آل و قوما دئر یاساقینی گؤرونوز.
عمر آخر سویل بنزه‌ر، کئچه‌نه یئتیمز، بیرایکی دم‌وار ایسه شیمدی باقینی گؤرونوز.

کؤنولوم اوچماغا تورسا ایره‌ر یارا بو دم، هوا ایله گلون آنین بوراقینی گؤرونوز.
نئجه کیم یاخینا گؤردوک یاخینا یئتمه‌دیک، گؤزوم یاشینا دئدیم کی، ایراقینی گؤرونوز.
وصالی ایله اؤزومو بیلیرم، نه آنی، نئجه کؤنولده یئر ائتدی، فراقینی گؤرونوز.

599
ای‌نئجه‌عشق‌ایله‌بیز یوز دورلوسر پا اورموشوز، لبلری یادینا مِیدن مشقِ سقّا اورموشوز.
احمدی اولوب، گهی اولدوق ملاّ دئر جهان، کی سماع و اوحادینی بی‌سر و پا اورموشوز.
عشق‌اودونوگیزله‌میشوز بیرااووج‌توپراقدا بیز، بیرنفسده‌گؤر کی نئجه هفت دریا اورموشوز.
عشق دئدیکلری بیزوز هم یئنه وارور، بیز گتیرمیشوز آنی کی آدینی بابا اورموشوز.

بیز فنا اوچون گره‌ک طبل بشارت چالـاووز، دخی‌صوری‌چالمادی‌زیراکی‌سورنااورموشوز.

600
یوره‌گیمه‌اورور ایسه،صنما،گؤزون‌اوخو یوز، بو جانیم سانا فدادیر نه یوز ایله قایتـارام یـوز؟
دیشینی گؤره‌لی گؤزوم دنیز ائیله‌دی جهانی، اگر آشنا بیلورسن سویون و دنیـزه دوش، یـوز!
کؤنولوم چو سنین اولدو آنا بیر رعایت ائیله، تنیم‌آیری دوشر ایسه، توت آنین دریسینی یـوز.
بانا تانری عشقی بیردور، یئنه یاری بیر سئوه‌رم، بوجهانی گؤرونوز کی،کیمی‌بین‌سئوه‌ر،کیمی‌یـوز.
سنی سئوه‌رم نئده‌ییم کی، بانا عنـایتین یـوخ، ولی آنا سئوینیرم کی، سپیشکن اولور او یوز.

601
گؤزلریم کیبـی، شـها، دوشـمه‌مـیش اولـا گـؤزه گـؤز،
کؤنولوم کیبی گـؤزه دوشــمه‌مـیش اولـا گـؤزه گـؤز.
گؤزه گؤز دوشـموش اولـا لیـک یـاش ایرمـاغی ایلـه،
کیمسه‌نین گؤزو گؤزه دوشمه‌مـیش اولـا گـؤزه گـؤز.
یــار گـــؤزو کؤنولــه گــر دوشــر ایســه عادتیــدیر،
دیل کؤنول ایله گؤزه دوشمه‌مـیش اولـا گـؤزه گـؤز.
گـؤزلریم گـؤزلر آخیتـدی و کؤنـول یاخـدی گـؤزو،
گؤزو کؤنول بو ایشه دوشـمه‌مـیش اولـا گـؤزه گـؤز.
گـــؤزلریم بـــاده‌فـــروش و گـــؤزودور بـــاده‌پرســـت،
بؤیله‌مـه ایچکیجییـه دوشـمه‌مـیش اولـا گـؤزه گـؤز.
غمـــزه‌ســـینی جگـــری بویانـــا دیلـــر یـــوره‌گـــیم،
چو دخی اوخ یوره‌گه دوشمه‌مـیش اولـا گـؤزه گـؤز.
گـؤزو گؤزومـه، گـؤزو کؤنلومـه هـم گـؤز بیراخیـر،
بیر گؤز ایکی گؤز ائده، دوشمه‌میش اولا گـؤزه گـؤز.

602
اســـیرگن عاشـــقی یوخمـــو جـــانیمیز، اؤلـــه‌ســـینیز گونـــو آخـــر ســـانینیز؟
ایرورونـــوز بنـــی یاریمـــا، یوخســـا، یئنـــه اؤز بوینونـــوزادیر قـــانینیز.
گیسوســـی کفـــری دوتـــدو کؤنولومـــو، ســـیزین قانجـــاری واردی ایمـــانینیز.
ســـاچی تولاشـــدی، دئـــدیم آنـــا، تولاشـــیر آیـــاغینیزا ســـانینیز.

نوا دوز مطربا، ساقی آیاغ سون، چو یانارام بنیملـه سیز یانینیز.

603

بیز سنین عشقین اودوندان یاناروز، بیز سنین لعل لبیندن قاناروز.

سن شکرسین شؤیله کی، وارسین، نولا، گر شکرخانایا بارماق باناروز.

نئجه کی، آیری اولاووز تاپوندا، بیز بیزی یئنه سنینله ساناروز.

اؤلوروز لبیندورور آب حیات، جایز اولامی تاپونا تاناروز؟

گؤزلرین غمزه‌لریندن هر زمان، عقل ایله کؤنول قاموموز قاناروز.

604

شول‌دم‌کی، یاردان جانا گؤز دگدی ساناسیز، کیم ناگهین قامیشلیغی گؤز دگدی ساناسیز.

یارین اودونا دؤیر بونجادان بری، قالمادی طاقتیم گؤز دگدی ساناسیز.

شول‌دم‌کی،بخش‌اولور ایدی هریئره بیر نسه، باغریما اودو یاشیما گؤز دگدی ساناسیز.

غمزه‌لرین شول ایشی قیلور هر نفس بانا، کیم قاییر ایله دیکه‌نه[1] گؤز دگدی ساناسیز.

هر نسنه کی، دیله دوشه، آنا دگردی گؤز، بیزیم اوچون آنا دخی گؤز دگدی ساناسیز.

605

کؤنول نئچه- نئچه، ای‌شاهِ من، یانا سنسیز[2]، ایرمه‌یه جانینا وارا آجانا سنسیز.

بو عشق بادیه‌سینده وصالینا تشنه، روامی اودا یانا و قانا – قانا سنسیز؟

یوزونله‌زلفونوگؤره‌ن نئجه‌سی‌دون ایله گون، فراقون ایله اویویا و اویانا سنسیز.

سنینله عمر ابد بیزه اولا لحظه کیبی، گره‌ک‌کی، جان‌باقی عمروندن اوسانا سنسیز.

عمر[3]نئجه اوزون ایسه، سنینله قیسّادیر، نئجه کی قیسا اولور ایسه، اوزانا سنسیز.

606

ایشبو طریق ایچینده رفیقی بولومازوز، ایرمه‌گه اول رفیقه طریقی بولومازوز.

سوسامیشام لبینله یانارام زماندورور، لعلینله سوروشوروز و ریقی بولومازوز.

بن قیلمیشام اؤزومو لبین یولونا شقیق، دق توتما بیزه چونکی شقیقی بولومازوز.

یاقوتون ایله گؤز یاشینی لعل ائدم دئدیم، بیز راضی‌یوز بو یولدا عقیقی بولومازوز.

607

1– تیکانا.

2– دیوندا سنسوز یاریلمیشدیر.

3– عؤمور.

ساقی، تولوسون نئچه- نئچه زهد ایله پرهیز، مطرب، یئنه دوز نغمه‌ی عودی طرب‌انگیـز.
دل سینه‌نه باغلاندی، جان آسـیلدی لبینـدن، هـر مولـوی گـره‌ک دوزه بنـد و شـکرآویز.
ملکـده آغیـز بؤیلـه قاچـان اولـا دُرافشـان، یا حوریده هـئچ بؤیلـه قاچـان اولـا دلـاویز.
نـازک تنینـی بیلـه‌مـه‌زم جـانیمی، بـدنیمی، هلـه سـانیرام بـن آنـی روح بـدن آمیـز.
خـون جگـریم گـؤزلریم آخیـدا ضـرورت، چون هندو گؤزون آلدی اله خنجر خـونریز.
شول لعل لبـون جلـوه قیلـور ایسـه جهانـا، باشدان باشا سرخاب آخیـدا خطـه‌ی تبریـز.

حرف ج

608 کؤنول بو گئجه قیلـدی یئنـه یارینـا معـراج، بلبـل بیلـه گـول حـالینی و نـه بیلـه دُرّاج!
بـاد سـحری مشـک ایلـه کـافور آراسـیندا، بیر نسنه توخودو کی، آدین بیلمه‌دی نسّـاج.
گؤستردی یوزون، قیلدی نئچه شاهی پیـاده، گـر قیلماسـا اوینایمایـا اوینونـو لجلـاج[1].
بـاغریمی برشـته قیلیـر یـوره‌گـی رشـته، قیلـالی گـؤزو اوخلارینـا جانیمـا اومـاج.
کویینـده صـفایی کـی بـولم زمزمـه بیلـه، زمزمده دخی بولمامیشام اولـا آنـی حجّـاج.
بن وارلیق ایلـه تویلامیشـام حسـنونو آنـین، جانـا لبـی سـوندو و گئـری قالـانی تـاراج.
بـن اتـه‌گینـه یاپیشـیبان حصـیر اولوسـارام، محشرده قاچان کـی، ییغیلـو گلیسـر افـواج.

609 براقِ عشـقه بینـوبن قیلـور کؤنـول معـراج، گئیبن اول توٌنو کیم توخومـاز آنـی نسّـاج.

آتینی سـالیبان اول‌غیـل پیـاده رخ رخـا اور، بـو رقعـه‌ده بونـا اوینـاییمـاز مگـر لجلـاج.
کؤنـول نـه ائـده هواسـیلا شـیر کـی، آهـو، جگـر نـه قیلـا گـؤزو ایلـه بـاز کـی، درّاج.
توتاقلـارین بیـری بیریلـه لبالـب اولـوب، یوره‌ک قانی اوچون ائیله‌ییمـز مگـر کنگـاج.
خمـار گـؤره‌لـی گؤزونـو گـؤزلریم، شـاها، کؤنولو قییما چکیـبن ایـروردی بیـر اومـاج.
بو جان و عقل و دله گؤزلرین نه قیلدیغینی، بو دئیه‌یـیم کـی، سـیّدلره قیلمـادی حجّـاج.
خیالی گوشـه‌سـینه قونـار ایسـه گؤزومـون، نثـار ائـدم آنـا لؤلـؤ اؤزومـو وئـرم بـاج.
دگیل کی، کندو گله‌لی کؤنوله عشقی آنـین، بویورموشام قـامو بـود و وجودومـو تـاراج.
نه‌مال‌آجیسی‌ونه خود یول آرنوغی‌قیلا هـئچ، صفا ایله اگـر اول کعبـه‌یـی طوافیـده حـاج.

---

[1]- دیلی توتولان، الکن.

وصالی خانی بنی نئچه‌سی قویا محروم، چو سُفره آرتیغی ایله تویونور اولا بین آج.
کیشی سیرومه دؤیومز و گر نه آتا ایدیم، بو طاق ایله تاشی نئته کی، پانبوغی حلّاج.
بنیم‌بویوم‌دگیل‌اول‌بوی کی، اول‌بویا جز حق، دخی کیشی توخویا بیله تون اوچون دیباج.

610

کؤنول قیلدی یئنه شول یارا معراج، کی کیمسه بولومادی آنا منهاج.
مدام اولموشدورور بو یوره‌گیم قان، خماری گؤزونه اولالی اوماج.
ائشیگیندن صفایی شؤیله بولور، جانیم کی، مروه‌دن بولامادی حاج.
چو ممکن اولمایا وصلین، بو جانیم، نه واجب‌دیر کی، آنا اولا محتاج؟
لبین بیر دمده بولور شول ثوابی، کی سوسامیش سوواریر، تویورور آج.
دیله‌رم بن پیاده رُخ رُخونا، اورام شول رسمه کی، مات اولا لیلاج.
کؤنولوم غنچه‌سینده بونجا سرّ وار، کی کشف ائتمز آنی الّا کی، حلّاج.

611

دریای محبّتده قاچان کی، قوپا امواج، سهل اولا اگر اول آرادا غرق اولا افواج.
شول ایکی رُخیله کؤنولو شؤیله آپاردی، کی حیرتله قالدی آنین اوینو ایله لجلاج.
شول دم کی، خیالین گله حجیم بنیم اولور، ایره‌رسم آیاغین توزونا اول بانا معراج.
زلفونده آنین دوزدو صبا شول گرهی کیم، توخومایا بیر گرهینی دُنیادا نسّاج.
شونا کی، گولو سن اولاسین، نئیله‌یه بلبل، طوطی‌سی تاپون اولانا نه سؤیله‌یه دُرّاج؟

حرف ح

612

صبوحی‌وئرکی، صاباح ائتدی فالیقوس صاباح، کی گئتدی آیی توغار گون و دینله‌نور مصباح.
جهان فنادورور گنج بقایی کیم کی، دیلر، کؤنول اله گؤتورور ایسه بولور اول مفتاح.
بوجان و عقل و دلده گؤزون اولالی قابض[1]، حیات منبعینه لبلرین‌دورور فتّاح.
کؤنول‌دعواسینی،شاها، گؤزون بیلور یاخشی، کی، دمره‌نی چیخارا بیلمه‌یه مگر جرّاح.
سنین دورور نه سانا کیم دئییلیر ایسه بیزه، کی روح ایله دیریدور دُنیادا قامو اشباح.

---

[1]– توتان، الده توتان، توتوجو.

ضرورت اولدو بانا اوشدا اولموشام گستاخ،
بویورموش آخی «من عطرّه ما علیه جناح».

613

نه‌روح‌سون،یانه‌حوری‌سین،ای‌خلاصه‌ی روح،
کی، وصفینی دئییمز دُنیادا کیشی مشروح.

جگرکباب و یاشیمدور شراب، ایشبو عجب،
کی، کؤنولوم گئییکی غمزه‌سی ایله مجروح.

آغیزین آچار ایسن جانیمیزا نفخه‌ی صور،
اینیلر اولور ایسم دردین ایله نوحه‌ی نوح.

یوره‌گی یارالادی غمزه‌ن و دیشیم لبینی،
سورولور ایسه گِی ایسه قصاص اولا جروح.

بنم‌کی، شه‌رخی‌اوچون پیاده اولموشام اوش،
آنا کی فیل صفتلر یولونادور مطروح.

614

آچ ایمدی عشق قاپیسین، الیمده‌دور مفتاح،
گئده‌ر بو هجر گئجه‌سین ای فالق الاصباح.

سیمارلادیم تاپونا عقل و جان ایله تنیمی،
تانیقدورور بونون اوستونه جمله‌ی ارواح.

تامو فراقینیزی وصلینیز دورور اوچماق،
قارا ساچین گئجه و یوزون اورتادا مصباح.

حجابا گیرور ایسن جان مجسّد اولا، شها،
تجلّی قیلور ایسن جمله روح اولا اشباح.

ساچین گره‌لرینی منتهاسینه ییتمز،
گزه‌ر اولور ایسه ییل اول آرادا اشباح.

حرف خ

615

ساحری‌ایستر ایسن، گل گؤزه‌گؤزبیرگؤزه باخ،
گونشی‌گؤردوم‌دئر ایسن، یوزه‌یوز بو یوزه باخ!

سانماغیل‌گر اولور ایسن کی، خراب اولا تنین،
بو هوادا جان وئریرسین، لبلرینده توزا باخ.

گئجه‌لر نولا کؤنول زلفونده سرگردان اولا،
چون سحر یئلی اسر بو صبحدم گوندوزه باخ!

بن گونشده غرقه اولدوم، بو منجّملری[1] گؤر،
کی، بانادئرلرکی، دونله تور وٌ گل، ییلدیزه باخ!

جان و عقل و کؤنولو تن اوینامیشام بو یولا،
اؤزونو بیزدن اسیرگر، شیخِ نوآموزه باخ!

بن بو یوخ وارلیغیمی تحفه آپارمیشام آنا،
دیله‌رم آندان اؤزون بو لطف ایله دریوزه[2] باخ!

گؤره‌لی قاشی هلالین روزه توتدوم اؤزگه‌دن،
جانیمی‌اوینامیشام بو عیدی گؤر اول روزه باخ!

616

نئجه جانا وفاسین، ای جانی‌چوخ،
گرچه لطف و وفاسین، ای جانی چوخ!

ساحری‌ایستر ایسن،گل‌گؤزه‌گؤزبیرگؤزه‌باخ،
نئجه بیر جانیما درد اولاسین،

اؤزگه‌لره دواسین، ای جانی‌چوخ!
لبینه سوندوم ایدی، دئدی کی، هی

1– نسخه ده منخّملر یازیلمیش.

2– دریوزه = گدا، دیلنچی.

بن دئـدیم خـون بهاسـین، ای جـانی‌چـوخ! گرچـــه قیلـــدین یوزونـــو کعبـــه بانـــا،
کعبـــه‌ی باصفاســـین، ای جـــانی‌چـــوخ! بـــن اؤزومـــو یوزونـــده گـــؤرورم،
جـــامِ عاشـــق نماســـین، ای جـــانی‌چـــوخ! یئـــر و گـــؤی اهلـــی ســـنی ســـئوه‌رلـــر،
رخـش ارض و سماسـین، ای جـانی‌چـوخ! گـــه بئلـــین کیبـــی لنگـــرین واردیـــر،
گاه اندر هواسین، ای جانی‌چوخ!

617
آلینما زلفونون ایلمه‌لرینـه ایلمـه‌سـی چـوخ، دؤکولمه باغلاری دوگمه‌لرینه دوگمه‌سی چـوخ.
دوشه یوزون آیاغینا کـی، ال وئـره دوسـت، گؤزونوآیاغی توزونا سور کی سورمه‌سی چـوخ.
نه گلشنه یوزونون جنّتینـه بنـزه‌ده‌یـیم، کـی، سنبل ایله بنفشه، گول ایلـه آلماسـی چـوخ.
کؤنول اوچوندو چوگؤردوگیسولاری چریسـین، دئدیم کی، دپره‌نیر، اوشنمه قاراسـی چـوخ.
گؤز آسسیسینا قناعت قاچان قیلـا کؤنولـوم؟ وصال مرهمی گره‌کدیر آنا، یاراسـی چـوخ.

618
دریغـــا، خســـته‌ی یـــارم، شـــفا یـــوخ، گرفتـــارم، جفاســـینا وفـــا یـــوخ.
هـــزاران جـــان آپـــاردیم قوللوغونـــا، لبینـــدن بانـــا بیـــر گـــز مرحبـــا یـــوخ.
نئجـــه ســـعی ائتمیشـــم گیســـولاریچون، نئـــده‌یـــیم ائشـــیگینده چـــون صـــفا یـــوخ.
چلـب[1] هـر درده بیـر درمـان یـاراتمیش، بنـــیم دردیمـــه هرگـــز دوا یـــوخ.
یـــاریم قیلـــدی وجـــودوم اولـــدو فـــانی، جهانـــدا بونجیلـــارین کیمیـــا یـــوخ.
گـــؤزوم گؤرمـــه‌گـــه ســـنین شـــاه یوزونـــو، آیـــاق توزونـــدان اؤزگـــه توتیـــا یـــوخ.
آیاغـــا دوشموشـــم مجـــروح بانـــا، لبـــین شـــهدیندن اؤزگـــه مومیـــا یـــوخ.

619
چـاره نـه‌دیـر دردیمـه چـون چـاره یـوخ، بنجیلـه‌یـین[2] عشـق ایلـه بیچـاره یـوخ.
غمـــزه‌لـــری جگریمـــی قـــان ائـــده‌ر، الـــاّ یـــوره‌کـــده اوخ ایلـــه یـــاره یـــوخ.
قـــانقی[3] کؤنولـــده کـــی اودون اولمایـــا، اول کؤنولـــو بـــن بیلیـــرم قـــاره یـــوخ.

---

[1]– چلب = تانری.
[2]– بنجیله یین = منیم کیمی.
[3]– قانقی = هانسی؟

سن گلیجک بن بنی بولومازام، گونش ایله سبعه‌ی سیّاره یوخ.
بنده، شها، جز کی، خیالین سنین، باشدان آیاغیما دگین عاره یوخ.
دار شفادور توتاغون، بس نئچون- شربتی بو خسته‌ی بیماره یوخ؟
جان و کؤنول آلیر و انکار ائده‌ر، آنجیلایین دلبر[ه] انکاره یوخ.

620
بنجیله‌یین عاشق بیچاره یوخ، چاره‌میز نه؟ دردینه چون چاره یوخ.
سن غریب اولالی کؤنلومده مقیم، بنجیله‌یین شهرده آواره یوخ.
گئجه روشندور کی، نسبت زلفونه، قارا یوخدور، قارا یوخدور، قاره یوخ.
لبلرین دار شفا و شربتی، بنجیله‌یین خسته و بیماره یوخ.
نسبت اولماز سینه‌نه نسرین، بگیم، یوره‌گین کیبی نئچون بیر خاره یوخ؟

621
نسیمِ زلف مسکین اولدو، آندان بیر حکایت یوخ،
دمی دوتولدو بودمده، کؤنولومدن شکایت یوخ.
بو کی جان و دلی آپاردی گیسوسی بجان،
مطوّللرده باخمیشام بو معنی‌یه روایت یوخ.
بئلی اینجه و بن اینجه، ساچی آشفته و پرشور،
ایناناییم می بو سؤزه کی، بو دینده سرایت یوخ؟
جهاندا هر نه کی واردیر، دمی وحدتدن اورموشلار،
آغیزین تک نگارینا، بو معنیده بیر آیت یوخ.

شها، جان و دل و عقلیم ساچیندا گمره اولموشدور،
دلالت کفره ایرورلر، چو یوزوندن هدایت یوخ.

622
آغزینی آنماغا، صنما، چون مجال یوخ، یوخدور گمان کی، قیل بئلینه اتصّال یوخ.
آل ائتدی یاناغون کی، یوره‌گیمی قان ائده، بوندان لطیف عالم ایچینده خود آل یوخ.
آغزون قان ائتدی یوره‌گی، بئلون تنیمی قیل، حسنونده هیچ خوبا، بگیم، قیل و قال یوخ.
چون خطّ استوادورور حسنو گونشی، عشقیم ایله جمالینه آنین زوال یوخ.

آغزونـداغی گمانیمـا هـیچ ایرمـه‌یـه گمـان،	بئلونـده کـی خیالیمـا هرگـز خیـال یـوخ.
بنیملـه بنـده ثابـت اگـر قیلمایـام فـراق،	ایکیمیـز اورتاسـیندا، نگـارا، وصـال یـوخ.
غمزه‌سی مشگ ایله سووارير اوخو دمره‌نین،	یوره‌کده کـی یارالـارا هـیچ استمال[1] یـوخ.
عقلـین دمـاغی قـورودور دل دیلـی یانـار،	عـین حیـات چشـمه‌دن اؤزگـه زلـال یـوخ.

623

شوندا کی، گله یار آلا بین جانا محـل یـوخ،	یـاقوتی اولـان آرادا بـین کانـا محـل یـوخ.
حیوان سویو آغزی یاری قاتیندا نه بیـر سـو،	حیوان سویو نه اولا کی، انسـانا محـل یـوخ.
شول کیشی کی، ساخلایا بیله جانینی آنـدان،	قاتینـدا آنـین رسـتم دسـتانا محـل یـوخ.
دردیـن اودو قاتینـدا جهـنّم اودو راحـت،	گؤزوم یاشینی گـؤره‌نـه عمّانـا محـل یـوخ.
جنّت‌دورور آنین یوزو وّ لیکن اود ایچینـده،	آنـی گـؤره‌نـه تـین ایلـه رمّانـا محـل یـوخ.
قربانییـام اول عیـد هلـالی قاشـی‌نـین بـن،	بو نئچه‌سی عید اولا کی، قوربانا محل یـوخ.
درمان دیلر اول کیشی کی، بو درده ایریشور،	بن اوغرادیغیم درد ایله درمانـا محـل یـوخ.
جانانـه‌یـه جـان تحفـه آپـاریرام و هرگـز،	زیره نئجه کی، چوخ اولا کرمانا، محل یـوخ.

624

بیزه گل گیل بـو گئجـه کـی، ماهتـابین تـابی یـوخ،
لعـل لبلـرین قاتینـدا خـود شـرابین آبـی یـوخ.
مشـک زلفونـدور ساناسـین ییلـده بیـر یلـدا قیلـان،
زیـرا نسـنه یـوخ جهانـدا کـیم آنـین اسـبابی یـوخ.
قاشـلارین یایـدور و اول قـورور یوزونـدن گـؤزلری،
قـانقی سـلطاندور جهانـدا کـیم، آنـین حجـابی یـوخ؟
بـاد قبلـی اسـدی کؤنلومـه نئچـون دؤکمـه‌یـه یـاش،
نرده‌گـؤردوم اؤیلـه یئلینـی کـی آنـین سـیلابی یـوخ.
دیلـه‌رم کـی، گـؤزلریم گـؤزلرینی دوشـده گـؤره،
گؤزلرونـدور خفتـه وبنـیم گؤزومـون خـوابی یـوخ.

---

[1]– نسخه ده ده اوخونمامیش، چاپدا «ائدمال» چاپ اولموشدور، آنجاق استمال – «اورک آلما» معناسیندا دوز اولور.

گـؤزلرون خـونی و مسـت و جـادودور الحـق، ولـی،

هـیچ مسـلمانین اونـون محرابـی تـک محرابـی یـوخ.

625

گل،گل‌کی،سندن‌اؤزگه بودردین‌شفاسی‌یوخ، دردیم‌دخی‌یوخ‌ایسه بو عیشین صفاسی یوخ.

بـو آز عُمـرده قیلمـا بیـزه هجـر ایلـه جفـا، قیلغیل وفا کی، ایشبو جهانین وفاسـی یـوخ.

بندن گئده‌نه اول دئمه‌دی لوحَش‌الله هـیچ، هـم یئنیلـه گلنـه آنـین مرحباسـی یـوخ.

لطفـو آنـین اؤلـو کؤنولومـو قیلـور دیـری، پس کیم دئیه بیله کی، آنین کیمیاسی یـوخ؟

نئچون قان اولمایا گؤزو سندن ایراق اولـان، چون آیاغین توزوندان آنین توتیاسـی یـوخ؟

زخم‌ائتدی‌هجری‌بال‌توتاغی‌نون‌ایچینده، لیک مشکل بودور کی، وصلی ایله مومیاسی یوخ.

گؤرمزمی‌دری گول یوزو اوستونده بو بولود، کی،گول‌یوزونه‌سویونو ساچار حیاسی یوخ؟

یاقوت قـوت اولماغـا لعلـین قاتینـدا هـیچ، دیشین قاتیندا یالقوزه‌قون خود بهاسی یـوخ.

باقی‌دورور فنـا دیلـه‌یـن عشـق ایلـه، ولـی، کیم فانی اولماز ایسه، بو یولدا بقاسی یـوخ.

626

یوزجمالی‌زلفونون‌واردیرکی،شمسـین‌قیلی یوخ، شکّرین‌سؤزون ایله‌خود هیچ قالی و قیلی یوخ.

سروده جان قـانی کـی، همسـر قـدّین ایلـه، لعلین‌ایله‌پسته‌نین خودآغزی واردیر، دیلی یوخ.

گؤزونون تعلیلی ایچده تاشا ظاهردیر، شـها، نرگیسین‌اول علّتی وار ایسه خود تعلیلی[1] یوخ.

وسمدن[2] گونش جمالینده سوآل ائتدیم، دئدی، مصری‌حسنومو گؤره‌نلردئمه‌سین‌کی،نیلی یوخ.

دهر نطعینده[3] جمالین یک سـواره شـاهدیر، خوبلار رُخ برزمیندور،اسبی‌گئتمیش،فیلی یـوخ.

حرف س

627

کؤنول یـاری قیلـور، هـوس گیرمـز الیمـه دسـترس،

زلفو گئجه، گؤزو عسس، لبی شکر، کؤنـول مگـس.

هر لحظـه گـؤزو جانیمـا اوخ اوردو گیـردی قانیمـا،

تالـدی بنـیم عمّانیمـا گؤزومـدن آخیتـدی ارس.

[1]– تعلیل = علّت گتیرمک، دلیل گؤسترمک.

[2]– سمادان، گؤگدن.

[3]– نطع = گؤن بساطی، گؤن سُفره.

گؤزو نه‌دوزدو یای‌اوچون، قوردو قاشینی‌یای اوچون،
اینیله‌رم درای اوچون تانا دگین هم چون جرس.
بن رخروخونا اوراییم شهمات اگر دئر ایسه اول،
فیلدن پیاده اولوبان اؤنونده طرح ائدەم فرس[1].
گر قونار ایسه الیمه شهباز بیر گون فی‌المثل،
زلفو کمندین تاخاییم بن بوینوما همچون عرس[2].

628
ساقی،تولووئر کی،گئده بو زهد ایله سالوس، کی،چوخ یئییروز ایچمه‌دیگیمیز گونلره‌افسوس.
گر آوچی ایسم عار و ریا وجهیمه سیغماز، آودان کیشی‌یی قویا ایراق ار ایله ناموس.
لبلرینه هیچ ایره‌مه‌دی وهم [و] خیالی، گؤزوم‌یاشی‌اوزون‌کی،گؤروراَنلاری‌محسوس.
جان سالدی ساچینا کؤنولو بیر خبر اوچون، بللی‌دورور ایشی‌چو قاتی گئجیگه جاسوس.
زلفون ایله یوزون بانادیر گئجه و گوندوز، صحبت کی، خیالینسیز اولا، اولمایا مانوس.
الدن گلیجک باشی فدا قیلماغا نه وار؟ قاچان کی، بانا حاصل اولا دولتِ پابوس.
امّید ایله گلدی کؤنولوم، شاها، ائشیگه، اولمایا روا قایتارور ایسن آنی مایوس.

حرف ش

629
بین باش اولا گیسوندا و بنده اولا بیر باش، بیر باشینی بین باشا فدا ائده نه شاباش.
قدّینه نه نسبت قیلینا سرو بیر آغاج، یاقوتا نه تشبیه ائده‌لیم لعلینی بیر تاش؟
شام ائیله‌ییبن یوزومو یوره‌کده قودوم اود، پروانه دیلر کی، یاخا قارشیسینا فرّاش.
بن زاهد ایکن قیلدی بنی گؤزلری عیّار، رند اولدوم ایسه ائیله‌مه‌یه‌می بنی قلاّش.
اول اود کی‌کؤنول‌یاخدی آنی عشقین الیندن، یاش نولا کی جیحون دخی ائیله‌ییمه‌یه یاش.
پنهانی نه کی، کؤنوله وئریب‌ایدی لعلین، اسری‌دی‌گؤزوم‌اولامی کی، قیلدی آنی فاش.
تا یاش‌دؤکه هجران ایله گؤزومه دئدیم گؤز، تاخیرین ایله تاشا دئدیم کؤنولومه تاش.

630
اولالی حسن نقشی دنیادا فاش، دخی دعوی قیلیماز اولدو نقّاش.

1– فَرَس = آت.

2– گلین معناسیندا، البته عربجه ده عُرس اوخونور نکاح دئییله‌رک.

نه زیبا بوی اولور، بو قدّه احسنت، — نه نازک حسن اولور، بو حسنه شاباش.
ختایی گؤزلری‌نین یوخ خطاسی، — قدی توغرو، ولی عشوه‌سی قاماش.
بیزه حسنو بو گئجه شمع یئتر، — گل ایمدی شمعینی آپار، ای فرّاش!
قصورو اولا حورونون، نگارا، — کی وار ایسه یوزونده شول گؤز و قاش.
گؤزوم جیحون اگر گؤردیسه گؤزوم، — خیالین کیبی دخی سانا اوخشاش.
تاغیدالی ساچین اوغرولارینی، — گؤزون رند اولدو و قاشلارین اوباش.

631

گؤیه ایردی دُخانی کؤنولوم جوشدان اوش[1]، — ایردی سئودا باشا گیسوی سیه‌پوشدان اوش.
دون‌گئجه‌بندینه سالدی‌جانیمی گیسوسو، لیک، — بو گئجه بندینی دیلر آشیرا دوشدان اوش.
قاندا قولاغینا سؤزوم گیریسر کی آلتون ایله، — درّ بولومادی، مجال آسیلیدور گوشدان اوش.
تفریقه اولدو ایسه زلفو ایله، دوتما عجب، — جانی تندن آپارور و کؤنولو هوشدان اوش.
شکّریندور توتاغون، لیک دگیلدور آری‌سیز، — گؤرکی، نه‌نیش‌چکه‌رم،بگیم،اول‌نوشدان‌اوش.
وعده‌ی وصلی سراب اولدو و نه‌لر چکه‌رم، — نئجه‌یاخین‌سانیرایسم‌آنی اوش اوشدان اوش.
یاش‌یوزوم، تولوگؤزوم، قوروجگر،بوش الیم، — نه‌بلادور، یاش‌وقورو، تولو و بوشدان اوش.
بنده نولا گؤر اولام عنبرِ زلفونه آنین، — کی‌گؤزه- گؤزگونشی‌گؤسته‌ریرآغوشدان‌اوش.
یوخابولوتدا ساناسین کی، دوشر قوس قُزَح، — آل یاناقلاری ایله فیستیقی برجوشدان اوش.
مئی ایچیجک شکَری نقل ائده‌رم، زیرا آنی، — سورارام اؤگره‌نیرم شکّر می‌نوشدان اوش.
سورارام هر دم آنین لعل لبی‌نین خبرین، — پخته‌ی پیرِ صفا سیرتی دلریشدن اوش.

632

خمارخسته‌گؤزون‌چون خمار خسته‌یم اوش، — ساچین گره‌لری ایله شکسته بسته‌ام اوش.
گؤره‌لی گول یاناغیندا قیزیل گولی دسته، — به رسم بلبل دیوانه خلقه دسته‌یم اوش.
صبایی گؤردوم دون گئجه زلفونه تولاشیر، — نزار و زار و پریشان و دلشکسته‌یم اوش.
ساچینا تولاشیبان بئلینه اولاشالی بن، — گؤره‌نده‌جان‌یوکونوفالا بیل خجسته‌یم اوش.
کیمیسی نفسه و کیمی هوایا قول اولموش، — حقه شُکر کی بن اول لعل می‌پرسته‌یم اوش.

633

[1]– اوش = بو.

گرجانینا جان‌ایسترایسن، گل‌بری جان اوش، نه جان کی، حیات دل جانان جهان اوش.
لؤلؤ دیلر ایسن، گؤزوم اوش، وارما محیطه، آلتونوموگره‌ک، یوزومه باخ، آلتونا کان اوش.
لعلین بویادی گؤز یاشی قانینی تنیمی، اول شیمدی خیالینی بویار قانینا، قان اوش.
گر خوب خیال ایستر ایسن بئلینه باخ گیل، باخ پسته آغیزینا کی، سربسته گمان اوش.
بیز سایه‌میز اؤزگه‌دن و گؤره‌لی قاشینی، قربان ائده‌روز جانی کی، عید رمضان اوش.

634

گل کی قیلالیم بو گئجه تولو قدح نوش[1]، هرگز قومایالیم طبقی اورتادا سرپوش.
مستور اولالیم حظّی نگارین توتاغیندان، غافل اولور ایسه نولا مخمور ایله مخشوش.
گردخی‌کیشی سئوه‌ر ایسه کؤنول اودا سال، کی‌اوددا گره‌ک‌قلب،قاچان‌کی اولا مغشوش؟
بو مشکلی کیم حلّ قیلا مگر کی، توتاغون، سن‌حسن‌ایله‌آشفته و بن عشق ایله مدهوش.
گؤز یاشین آنینچون دؤکه‌رم ایشبو یوزومه، کی اولا خیالون اوتاغی قاپوسو مرشوش[2].

636

ای گؤزو قاراخچی، لبی ساقی، بنِ می‌نوش، وی‌قاشلاری‌حاجب،یوزوخان،کیرپیگیچاووش.
ساچین گرهی سئحرینی یئتیردی شونا کی، بدر آیی یئره ائندیریبن آلدی در آغوش[3].
توتاقلارون آلدیقلاری جانی اوله‌شیمز[4]، دوشموش هله آرالارینا خون سیاوش[5].

کیم گؤردو گئجه گونشی اولکر گوپه‌لیجه، یا کیمین اولا دُنیادا بیر سرو قباپوش.
سئوداسی‌نه‌دور مشک ساچی‌نین؟ عجبا کی، آیری دورماز هیچ ز کافور بناگوش.
آل الیمی، عشقین دنیزی آشدی باشیمدان، توفانِ محبّت بو یوره‌گیمده قیلور جوش.

637

نه‌لر ائده‌رسین بیزه های سن نگار اولمامیش، کیمدور سنین یولونا زار و نزار اولمامیش؟
لعل لبین عشقینه چوخلار ایچرلر سوجو، بندن‌اؤزگه کیشی یوخ، آندا خمار اولمامیش.
لبلرینی گؤروبن قورومایینجا قانلار، کئییک‌لر گؤبه‌گینله مشک تاتار اولمامیش.

---

[1]– نسخه ده بو غزل ایکی دفعه یازیلمیشدیر کی 1005 و 1091 غزللر اولوردو و بیز بورادا حذف ائتدیک.
[2]– جیرناخلانمیش، خراش گؤتورموش.
[3]– آغوش = قوجاق.
[4]– اولَشمک =
[5]– ایران اسطوره سیمالاریندا، ایران شاهزاده سی افراسیابین قیزی فرنگیزله ائوله نیر.

دگمه‌ییـنجه یـوره‌گـی کیـرپیگین اوخلارینـا ، هرگز گولِ سوریده سوزن و خار اولمامیش.
هم‌سایه‌دوروررجانیم هجرین‌غمینه چوخدور، لبلرین آراجی تک حسـن جـوار اولمـامیش.

638 یئنه‌زلفو کمندینه دل ایله جان اسیر اولموش، خیالی کؤنلوم ائلینده یئنه بو دم امیـر اولمـوش.
ساچی‌هندو، گؤزوتورکی،بئلی‌خط،آغیزی‌نقطه، بدیع اولمایا زیرا کی، مرآتِ نظـر اولمـوش.
لبی شکّر، یاناغی گول آنینچوندور کیم ازلـدن، گول ایله شکّرِ مصری ترابینا خمیر اولموش.
زهی‌قادرکی،جمع‌ائتمیش گئجه-گوندوزجمالینـدا، کؤنولوسنگ‌خاراتک‌تنی‌همچون‌حریر اولموش.
نئیی سالمیش جمالینده نئیین قولاغینـا مطـرب، کی،یانیب اودونا بو دم هواسیندا نفیر اولمـوش.

639 عشقین‌بیزه،ای دلبر، سرمایه‌ی جان اولموش، جان‌ایشی‌چوسـهل‌اولا،جان‌ایله‌جهان‌اولموش.
یار ایله گئجه - گوندوز یئیه‌لیم و ایچـه‌لـیم، هیچ غصّه یئمه‌یه‌لیم، بیر یئنی زمان اولموش.
خالی، گؤزو آپارمیش عقـل ایلـه کؤنولومـو، زلفونه تولاشدیرمیش لبلری ضمان اولموش.
کؤنول‌نئجه‌قورتولسون،گیسوسی‌زره‌گئیمیش، قاشی ایله کیرپیگی تیر ایله کمـان اولمـوش.
خفته گؤرورم گؤزون، بو دخـی غنیمتـدور، بیر لحظه هله جانـا اجلـدن امـان اولمـوش.

640 تورکِ‌خطا[1] گؤزو آنین عزم شکار ائیله‌میش، زلفو چریلرینه اوش یئنیله جـار ائیلـه‌مـیش.
گرچه‌یمینی‌دور، یمین‌گؤزوم آنین امین بیلیر، عشقی آنین یاسارینی یُسر یسار ائیلـه‌مـیش.
زلفو هواسینا گؤره قالمادی دلده هـئچ قـرار، پس نئجه دَلی کؤنولوم آندا قرار ائیله‌مـیش؟
گیسوسو تاری دلبرین مـار دورور کؤنلومـه، کؤنلو تار و مار ائده‌ن زلفونو مار ائیله‌مـیش.
گرچه کنارا ایرمـه‌دی دردی میـانی دلبـرین، دل ز میان تورو گلیب عزم کنار ائیلـه‌مـیش.

641 عشقینی لبین چونکی دل و جانا گمیشمیش، بو دلده وجودون قاموسون یانـا گمیشـمیش.
کؤنولومو محیط ائیله‌میش و گؤزلریمی نیـل، دیشلرین اگـر کؤنلومـه دردانـه گمیشـمیش.
بنفشه دیلـین چکـدی قافـادان قـارا زلفـون، یوز سلسله هم سنبل و ریحانـا گمیشـمیش.
باشـین باشـینا قوشـدو مگـر لالـه آنینچـین، صرصر آلی ایلـه باشـی میـدانا گمیشـمیش.

---

[1]– قاباقجا دئدیگیمیز کیمی ختا چؤلونه منسوب اولدوغونو بیان ائدیر، آمما بیز هر یئرده خطا کیمی یازیریق.

بیر سؤزونه موقوف‌دورور کی آچیلا غنچه،   باخ کی الینی نئجه گریبانا گمیشمیش.
گؤزونه نه اسروک دئیه‌یم عقلیمی بنیم،   عقلیندن ایله‌دیب یئره دیوانه گمیشمیش.
بادسحری‌وقتی‌خوش‌اولسون‌کی قیلور لطف،   زلفئینینی بیر فعل ایله ایمانا گمیشمیش.
کؤنلومو دخی اؤگمه‌یه‌ییم‌می کی، جانینی،   بونون کیبی‌نین عشقینه مردانه گمیشمیش.
کافر کیبی یاردی یوره‌گیمی گؤزو کلّی،   بیتسین دئیو عشقیندن آنین دانه گمیشمیش.
تالادی جانی فرقتی قوردونا چو یوسف،   شیمدی زنخی چاهینا زندانا گمیشمیش.
گؤز یاشی آلیندا آلیبان اودونا سالمیش،   دردیندن آلیب یعنی کی، درمانا گمیشمیش.

642

دلده عشقین ساچی‌نین کفرونه ایمان یازمیش،
دردینی بو تنیمه عشقین اودو جان یازمیش.
گرچه مشکین‌ساچی‌نین یازماغی گئی مشکل ایدی،
دیل خمارینا گؤزون گؤر کی، نه آسان یازمیش.
سن گؤزوم مردمینه گؤر کی، نه مردملیک ائده‌ر،
اهل دل یارالی و بیدلی یکسان یازمیش.
مرده کؤنولومه حیوان سویونو ساچدی لبین،
قول اولاییم خطینه کی، آنی انسان یازمیش.
لب و دندانینی گؤردوم کی، گؤزوم لعلی دُرر،
دؤکر اولدو کی، کؤنولده یئنی دکّان یازمیش.
لعل و درّ نقشینی قیل قلم ایله یازدی گؤزوم،
زر ورق اوزره یئنه زِ لب و دندان یازمیش.
وئریب ایدی کؤنول ائوینه خیالینی قونوق،
بیر یوره‌ک سوچی دخی راتبِ مهمان یازمیش.

643

حسنوگؤزون‌کؤنول ائلینده، بگیم، قان یازمیش،
لبلری اوستونه کؤنولوم اوچون قان یازمیش.
تاپدی دَلی کؤنولوم قاشلاری محرابینا چون،

گؤزونـه ایشـبو هلـالی جـانی قربـان یـازمیش.
نئجـه قـول اولمایـاییم سـانا کـی، نقّـاش ازل،
گولـده شـول عنبـر ایلـه بیـر خـط ریحـان یـازمیش.
هـم یئنـه مشـک ساچیندان بیلیـرم کـی آنـی یـازان،
یـازار ایکـن اؤزو یازیسـینا حیـران یـازمیش.
زر ورقـده بـو گـؤزوم قیـل قلـم ایلـه یازیسـین،
گرگؤزون‌گـؤرور ایسه‌بیله‌کی،سَـکران[1] یـازمیش.

644

عقل لوحینده ازل کـاتبی تـا جـان یـازمیش، کؤنولوم گؤزو ایچینده سنی انسان یـازمیش.
نسخ ائده‌ییم دئیه یاقوت خطین حسنونو گـؤر، کی،گول‌اوستونده‌نئجه شیوه‌ی ریحان یـازیمیش.
حجت‌اوچون‌کی، اؤلور سئودیگی یولونا کیشـی، واضح‌اولماقلیق اوچون بیردخی‌برهان یـازیمیش.
مه قاشینی، صـنما، کؤنلومـو مـاهی قیلـالی، بنی قربان سـنه و عشـقینی عمّـان یـازمیش.
مظهـر صـنع‌دورور کفـر ایلـه ایمـان آنـدا، ساچینی کفـر بانـا، یوزونـو ایمـان یـازمیش.
بانا جور ایله جفا وئردی آنـین گـؤزو هلـه، عنبری خطّی اگر لطف ایله احسان یـازمیش.
کؤنلومه‌یازمیش‌ایمیش‌کی،تولاشا گیسوسـونا، لـاجرم اول جهتـه جانیمـا سـیران یـازمیش.
هر کیشی جانی نولاجاغینی ازلده یازیجـاق، بن ضعیفین جانینی اورتادا حیـران یـازمیش.
خـادمِ حسـنونو کـافور ایلـه عنبـر دوزه‌لـی، گؤز یولون سولاماغا لؤلؤی مرجان یـازمیش.

645

بیزی‌بو عشقه چلب بی‌سر و سامان یازمیش، بو کؤنول دردینـه لبلرینـی درمـان یـازمیش.
لبلریندن‌سورارام بن‌کی، نئچون گؤز یاشینی، لب یاقوتی بنیم اوسـتومه مرجـان یـازمیش؟
مشکل اول‌دور کی، آنین زلفونه دربندم بـن، باشیما ایشبو قضایی دخـی آسـان یـازمیش.
غمزه‌سی‌تورکی‌گؤزونون‌بو یوره‌کده سو قومـاز، گؤزومه‌عشوه‌لری گرچه کی، عمّان یازمیش.
لبلری قانیما گیردیگی اوچون منشی حسـن، سورالیسار دئیه تاریخی ایلـه قـان یـازمیش.

646

طوبی‌قدّین ایله حق سروی خرامان یازمیش، بو سری حسـنون آیاغینـا یاسـمن یـازمیش.

---

[1]– سکران = مست، اسروک.

عشوه‌لرینـدن اومـارام، صـنما، گـؤره یاخـا، دفترمدحی‌کی، شول‌حسنونه سلمان یازمیش.
کؤنوله ایردی نشان نئجه‌سی ایسته‌مه‌یـه‌یـیم، زر ورق‌اوستونه بوآلی‌کی، شول قان یازمیش.
گؤزومون قیل قلم ایلـه یازیسـین زر حالـدا، دؤیمه‌دی لعل لبی کی آنی زنخدان یازمیش.
دل زنخـدانینا اگـر دوشـدو تاسّـف قیلمـا، دوتالیم یوسف ایدی، حق آنا زندان یازمیش.

647
اول‌جان‌کی، عشق ایله بو عالمده یار ایمیش، هر نه کی، ایسته‌یه یئنه کنـدوده وار ایمـیش.
باغریم کباب ائدیب سویون آلتون طبقده بن، توتدوم‌گؤزونه باخمادی بنزه‌ر خمار ایمیش.
قیل‌اولدو جان‌ودل‌بئلی چکدیگی بار اوچون، آغیـر عـذاب جانـا کـی، بـارِ کبـار ایمـیش.
دئـدیم صـبایا زلفونـه دئ گئجـه عارضـین، قیلدی قبول و قیلمادی کـی بیقـرار ایمـیش.
بنـی سـالاردی گـول عَرَقـی کـی تعجّبـه، مسکین نگـار یـوزو ایلـه شرمسـار ایمـیش.

648
نگار جان و دل آپاردیغینا دل خوش ایمیش، تواضع‌اهلی‌ایمیش ساچی، قدّی سرکش ایمیش.
صـبا صـاباح ایرورمـوش بنفشـه‌دن آنـا، بیر ایکی‌قوخو کی آنینلا ساچی مشوّش ایمـیش.
خیـالی گلـدی قوپـاردی غبـاری ازلـدن، ولی‌شُکُر کی، یوزوم اشک ایله مرشّش[1] ایمیش.
ستاره‌سین گؤتوروبن یوزونه باخدیم ایـدی، اؤزونه مشتری قیلدی بنی کی، مهوش ایدی.
بیر آرایا گلیجک چار و پنج و هفت ایله نَـه، قاموسوهیچ‌ایمیش، وار ایسه‌یارین شش ایمـیش.

649
یارین بئلینه کـی باخیجاغـاز خیـال ایمـیش، سِحری‌شـول‌ایکی‌جادوگؤزونون‌حلال‌ایمیش.
آب حیـات سـانیر ایـدیم آغـزی یـارینی، سوردوم لبیندن آنی سـو آب زلـال ایمـیش.
جور و جفاسی قـاتی گلیـر ایـدی کؤنلومـه، کشف‌اولدوکی، قاموسوآنین بر کمال ایمیش.
دُنیـا دئـدیکلرینی قـامو بیـر – بیـر آنلـادیم، بیرحسن‌وقامت‌ایمیش‌وبیرزلف‌وخال ایمیش.
گؤزونو خفته گؤردو کؤنول سـوندو لعلینـه، دئدیم کی، ار کیبی هله بو دم مجال ایمـیش.

650
یوزون[2] حدیقه‌سی[3]، شها،رشـک‌جنان‌ایمیش، قوشا قاشون بـو دورده صـاحبقران ایمـیش.

1– سودان یاش اولما / رش = نارین یاغیش.

2– نسخه ده «یوزون» و چاپدا «یوزوم» یازیلمیشدیر.

3– حدیقه = باغ، بوستان

بهرام اولورسا جادو گؤزون، اولمایا عجب، کیرپیکلرین‌چواوخلاری‌قاشون کمان ایمیش.
سن حاصلِ زمانه‌سین وٌ تاپونا ایره‌ن، مهدی اولور ایسه نولا صاحب زمان ایمیش.
اودا یاناسین کؤنلوم اوچون بیلیمه‌دیم، کی شول لبینی لعل آراسیندا قان ایمیش.
جانیمی حسن وصل اوچون ازلده واریجاق، نولا لبینی توتار ایسم، چون زمان ایمیش.

651
عکسین لب لعلین یئنه بو جاما گئییرمیش، مطبوع گئییروبن آنی بیر جاما گئییرمیش.
عاشق نولا گیزله‌نیر ایسه پرده ایچینده، گؤر کی نئجه مست پرده‌ی باداما گئییرمیش.
گه جام شبابی ایچیرور ایشبو زمانه، گه باد خزانینی بو ایّاما گئییرمیش.
قیسا و اوزون دئمک ادبدن اولا خارج، اول توٌنوکیم‌اولا خواجا و یا اعما گئییرمیش.

652
یارین یئنه بیزیم ایله شیلتاغی نه ایمیش؟ خونی‌گؤزونون سانجیشا یاساغی نه ایمیش؟
قاشلاری یاسین قوردو، گره سالدی کمنده، عاشق دپه‌له‌مکلیگه اوماغی نه ایمیش؟
جانیما کی، بیر زلفو قیلیندان آسیلیبدیر، بونجا گره و بند ایله توزاغی نه ایمیش؟
اوغروگؤزو،یغماچی قاشی، لبلری خونخوار، حسنوچریسی ایچینده یا یاساغی نه ایمیش؟
سلطانین اولان نسنه‌یه بیر گز اورالار داغ، بیر دمده بنیم باغریما بین داغی نه ایمیش؟
دؤرونده آنین بولونمایا بیر دل بیدرد، الله کی، بو دورِ قمری چاغی نه ایمیش؟

653
تولو سونون ایاغی، بیزه یار ساقی ایمیش، دنیزلری سوموره‌لیم آنین یاساقی ایمیش.
جهانبودم‌دوروراوش‌داگل‌ایمدی‌خوش‌گؤره‌لیم، یاراننلار ایله عؤموردن بونو کی، باقی ایمیش.
کیشیه یاری الیندن آغودور آبِ حیات، زلال دوشما الیندن آغو ایاغی ایمیش.
جانیم کؤنول ایله عقلی گئده‌ردی بو ائودن، نگاری دعوت ائده‌رمیش آنین یاراقی ایمیش.
چکیشدی‌عشق‌ایله عقلیم کؤنول ائوینی جانیم، بویودو عشقه کی ازلدن آنین وثاقی ایمیش.

حرف ط
654
نه خطا قیلدی کی، کؤنول وئردی اول نوع خطّه خط،
قویمادی بنده بجز حسنی خیالینی فقط.
بن آنا حالیم ایله حدّیمی بیر- بیر دئدیم،
کیم دئدی آنا کی، گؤسته‌ره ایدی بانا نُقط.

بـــن چـــو تبریـــزی وجودومـــو فـــدا قیلـــدیم آنـــا،

گؤزلریم‌یاشـــینی یـــوز وجـــه ایلـــه اول ائیلـــه‌دی شـــط.

غوطـــه قیلورســـا نولـــا یـــاش دنیزینـــه بـــو گـــؤزوم،

آشـــنالیق ایلـــه چـــون ایرماغـــا دوشـــه بیلـــه بـــط[1].

بوزمین‌ســـطح دورور،دایـــره‌ســـی، نقطـــه‌ســـی ســـن،

جســـمی‌نـــین قوللوغونایـــازدی جـــانیم اؤزونـــه خـــط.

655

سنی سـئوه‌رم، ای بگـیم، ایشـبو جهانـدا بـن فقـط،

یاش دنیزینه بـو گـؤزوم اول سـبب ایلـه اولـدو بـط.

حسنون ایچینده یوخ خطـا، ای بـت‌چین، اگـر کیشـی،

اگری دئیه قاشین اوچون، سؤیله میش اولـااول غلـط.

زلفونـو گؤسـته‌ریـر ایسـن، گولـده بیـتن بنفشـه‌یـه،

بـویروق اگـر اولـور ایسـه قوللوغونـا یازیلـا خـط.

نیلـین اوچـون، نگـارا، بـن گـؤزلریمی فـرات ائـدم،

اولـا کـی، عشـق مرکبـی ایلـه ده بنـی سـوی شـط.

عشقیم اوزونو اینجـه دیـر منهجـی شـاها عشـقی‌نـین،

نئجـه‌کی، عمـر واردورور حـالیمیز اولـا نـو نمـط[2].

حرف ع

656

محاســـــن جملـــــه تاپونـــــدا مجمّـــــع،	نئچـــــون مـــــاهین دورور شـــــاها مقنّـــــع؟
یوزومـــه ســـیل آخـــار ایشـــبو گؤزومـــدن،	آنـــــی عیـــــب ائتمـــــه اولدوســـــا مشـــــمّع.
ســـــنه صـــــاحبقرانلیق اولـــــدو درخـــــور،	مـــــه و تیـــــر اولـــــدو میزانـــــدا مجمّـــــع.
مریـــــد اولـــــدو لـــــب و دنـــــدانینا گـــــؤز،	آنونچـــــون خرقـــــه‌ســـــی قیلـــــور ملمّـــــع.
قدینـــــه راســـــت دل هجـــــرین مخـــــالف،	یوزونـــــه بـــــن محیّـــــر، ســـــن مبرقـــــع.

---

[1]– قو قوشو.

[2]– نمط = شیوه، یول، سایاق.

657

کؤنلوم‌نئجه‌بیریوزونه حیران اولا چون شمع، گؤزوم‌نئجه‌بیرقارشینا گریان اولا چون شمع؟
یـار زلفـو ایلـه کُفـره اگـر دوشـه کؤنولـوم، ایچینده آنین شعله‌ی ایمان اولا چـون شـمع.
آغلامـاغی، سـارارماغی، یانمـاغی توکنمـک، عاشق‌جانی‌نین دردینه درمان اولا چون شمع.
پروانـه اولورسـا کـی، قیلـا عشـقینی ظـاهر، اول‌یولاگره‌ک‌عشق‌اری‌قوربان‌اولاچون شـمع.
اکسوک یانار ایسـم، صـنما، اودونـا بیـر دم، حقدورکی‌باشیم‌آلماغا فرمان اولا چون شمع.
گره‌ک آیـاغین توروبـان آغلایـا و کؤیونـه[1]، عشق‌اری‌چومعشوق‌آنامهمان اولا چون شمع.
یوره‌ک اودونو کندو جانیمچون سئوه‌رم بـن، عاشق‌کی، اودو اولمایا،بی‌جان‌اولاچون شمع.
کامل او اوجاق عشـق اری یانـدیغینا جـانی، گریان‌دخی‌اولورایسه،خندان اولا چون شـمع.
شـهر لبینـی یـاد ائـدیجک کُـلِّ وجـودوم، باشدان‌آیاغا جمله‌سی دندان اولا چون شمع.
عشقین یئلی اسدیکجه ایچیمین اودو آرتـار، سانمابو هوادان کی، پریشان اولا چون شـمع.
مسکین کؤنولوم گیسولارین عنبری اوچـون، دم دم کی، یانا نور فراوان اولـا چـون شـمع.
هجران اودونا تاش دخی گر اوغرار اولورسا، هرنقشی‌قبول‌ائتمه‌دی، آسان اولا چون شـمع.
عاشق کؤنولو نور ایلـه قاچـان تولـو اولسـا، آیاق باساجاق یئر آنا میدان اولا چون شـمع.

هر گئجه صبحه دگین زار و نزارم چو شمع، یاشیم ایله یوزومه عشقی یازارم چـو شـمع.
شـمعینه پروانـه‌یـم، لیـک هواسـی ایلـه، ایشبوضعیف‌گؤوده‌ده حبس فنارام چو شمع.
ناری بنـیم کؤنلومـه نـوردورور، اود دگیـل، گرچه‌کی،هجری‌ایله‌شیمدی‌ساراراm‌چو شمع.

آیری دوشلدن بـری تـاتلی یاریمـدان بنـیم، فرقتی‌نین اودونا گؤر نه یانـارام چـو شـمع.
گرچه کی، عشقین سنین بو جانیمی اریدور، عشقین اودو یولونا یوخ ایله وارام چو شمع.
بلبلـی‌یـم دلبـرین، هـم گولـو یارانلـارین، لیک،بوروشـن‌دورورکی‌اوغرویاخارام‌چوشـمع.
عشقینی آولامیشام عقل ایله جـانیم وئریـب، اول اودو کی، آولادیم آنا شکارام چو شمع.

658

گره‌ک بو گئجه تانا دگین یاناسین، ای شمع، پروانه‌سیز اولمایا کی، دوکه‌نه‌سین، ای شمع.
ساز ائیله‌دیلر سؤزو بـو دم جملـه‌ی عشّـاق، اولمایا کی، سن اورتادا اوساناسین، ای شمع.

---

[1]– چاپدا کؤینه یازیلیبسا دا، «کؤیونه» = یانا معناسیندا دوزدور.

عشق‌اهلی‌قاچان‌کی، یانا قان دؤکه گؤزوندن، سن نولا یوزوندن اگر اوتاناسین، ای شـمع؟
سن زنده ایکن اؤزونو چون مُرده ساناسـین، پروانه‌یه پس نه سانولار ساناسین، ای شـمع؟
یار شمعینه تا کیم یانا پروانـه صـفت جـان، گره‌ک‌یاناسین بو گئجه پروانه‌سین، ای شمع.
گؤیدوم شونا دگین کی، قامو خلق اویاندی، شیمدی‌دمیدورکی،گره‌ک‌اویناسین، ای شمع.
بن اودا یانارام کی، دخـی یانمامیشـام هـیچ، سن‌نولا اگر بو ایش‌اوچون‌یاناسین،ای شمع؟
بن یانیبـانین گـؤز یاشـینی دؤکـه‌لـی دائـم، سن دخی بنیم ایشیمه ایره‌نه‌سین، ای شـمع.

حرف غ
659

یولوندا جملـه فـدادور، ولیـک جانـا دریـغ، تاپوندان آیرین اوچون بیر نفس جهانا دریغ.

نئجه یوره‌گیمه اورور گؤزون بو غمزه اوخو، نگـارا، اوخونـا یـازیق، شـها، کمانـا دریـغ.
آیاغی‌نین ایـزی‌نـین توزویـام بانـا بـو یئتـر، بنیم آدیم گلیر اولورسـا، شـول زبانـا دریـغ.
قیل ائیله‌دی بنـی زلفونـو قیلـدی سئودایی، هـزار بـار اگـر ایرمـه‌یـم اول میانـا دریـغ.
بخار عشـقین ایلـه و دخـان[1] هجـرین ایلـه، فلکـده ایـردی بخـاریم، یئنـه دخانـا دریـغ.

حرف ف
660

دَردِ محبّـت بیـزه چـون اولـدو صـاف، نیشـه قیلـور سـروی بیزیملـه خلـاف؟
وصـل ایلـه هجـران بیـر اولـور عاشـقه، بلبـل اورور لـاف هـواداان گـزاف.
تـا کـی یـوره‌کـدن سئویسـی چیخمایـا، اؤزونـه گئیـدیردی یـوره‌ک بیـر غلـاف.
آهـیم اول آهـیم اوچـون اولـا کـی، اول، خشـک ائـده قـانینی قیلـا مُشـگ نـاف.
اود توتونـو ایـردی هـواداان گؤگـه، بلکـه گؤگـون بیـر قـاتین ائتـدی شـکاف.
بیـز یانـاروز سـندن ایـراق عشـق ایلـه، لبلرینیـز دائیمـا قیلـور زفـاف.
گـؤزو دیلرسـه کـی، فنـا اولـاووز، نیمـه اشـارت اولـا آنـا کفـاف.
گـول سـپر اولـدو یـوزو و گـؤزو اوخ، کـی، قیلالـار یـوخ جـانیم ایلـه مصـاف.
نظـم ائـده‌لـی گـؤزلریمین نثرینـی، سـالدی یـوره‌گیمـه هـزاران زحـاف.
کعبـه دورور یـوزو، مجـاور کؤنـول، گئجـه و گونـدوز قیلـور آنـی طـواف.

---

[1] –دخان = توستو، توتون.

گــؤردو کؤنــول هجرتــی‌نــین دردینــی، دئـدی کـی، یـارب «نجّینـی مِمّـا اَخـاف».

661
وئرمیشــوز جــانی بیــز نگــارا ســلف، تــا کــی، اولمایــا دخــی یولــا تلــف.
بــدره یــوزون گــؤره‌لــی ایــردی مُحَــق، غصّــه‌دن دوشــدو آی یوزونــه کولَــف.
نقطــه‌یــه بنــزه‌دیــر خــورد آغیــزین، خــوش گمـان ائیلـه‌میش بـو پیـرِ خـرف.
خــاکِ پــایین گؤزونــه ســورمه چکــه، هـر کـی، دیلـر کـی، گـؤزو گـؤره شـرف.
حســنو ایلــه کؤنولــدن اولــدو بــو عشــق، یاشــی اوزون زهــی جــوانِ خلــف.

حرف ق
662
یاخدی باغریمی، نگارا، آتـش درد و فـراق، سالدی وحشت دهشتینه بنـی یئنـه اشـتیاق.
چونکی آلنیمدا یازیلمیشدی ازلـدن الـوداع، پس ندا قیلدی منـادیِ اجـل[1] کـی، الفـراق.
گرچه‌جاندیر عشقی‌ایله‌اول نگارین هم سبق، دردی‌ایله‌شیمدی‌قیلورجان ایله کؤنول سیاق.
ائیله یاخیلـدی اودومـا عـالم کـون و فسـاد، کی فسادا واریسار آنـین ایلـه سبّی طبـاق[2].
اجتماعیندان دوشه‌لی آیری جـانیم ممـتحن، سن گونشدن آیری اولالی کؤنولـده احتـراق.
درد هجرین ایله جفتوز بیـز، نگـارا، دمبـدم، ساالیدان بری سندن بـو زمانـه بیـزی طـاق.
بن صفا ایله وفادان اوی وئریـرم ائیلـه بیـل، چون نفاقیندان دم اوروارم، آنی سانما نفـاق.

663
عمــروم کئچــدی زار، ســندن ایــراق؛ تنــیم اولــدو نــزار، ســندن ایــراق.
زلفــون آشــفته قیلــدی اؤز جــانیمی، گئتــدی بنــدن قــرار، ســندن ایــراق.
آیینــه یوزونــه، شــها، آهــیم، دگمــه‌ســین زنهــار، ســندن ایــراق.
ســن گئـده‌لـی چـو زلفـون اولـدو بیـزیم، جمعیمیــز تــار و مــار، ســندن ایــراق.
نــارا دؤنــدو کؤنــول فراقینــدان، یــوره‌گــیم تولــو نــار، ســندن ایــراق.
عاشــقینه ایریشــمز اولــور ایســن، ده‌پــه‌لــر انتظــار، ســندن ایــراق.

664
نگــارا، اولــورام بــن ســندن ایــراق، کــی، آیریلــدیم تاپونــدان ســندن ایــراق.

---

[1]– منادی اجل = اجلی سسله ین، اجلی ندا وئره‌ن.

[2]– سب= یامان، یوغوز؛ طباق= تضاد، عئینی حالدا بیر بیتگی آدی دیر. سبّی طباق= اونون یامانلاماغی غلط دور.

گونشـــدن دوشـــن ایـــراق آی اولـــور بـــدر، هلـــال اولموشـــام اوش بـــن ســـندن ایـــراق.
بنـــیم آیینـــیم اولـــور کـــی، یـــوخ اولـــور، دوشـــن آیـــری آیینـــدان ســـندن ایـــراق.
جگـــردن اؤزگـــه هـــیچ نســـنه ده تورمـــاز، چیخان گؤز ایله شول آییندان سندن ایـراق.
قـارا گـؤز ایلـه چـون جانـدان چیخـاردین، چیخارمـــا بـــاری دینـــدن ســـندن ایـــراق.

665
بـــن نئجـــه‌ســـی دیلـــه‌رم ســـندن ایـــراق، بیلمـــه‌زم نـــه قیلـــام ســـندن ایـــراق.
گـــؤزلریم یاشـــی دورور ســـایل، شـــها، بـــن دخـــی هـــم ســـایلم، ســـندن ایـــراق.
دل دیلرســـین، جـــان وئریـــرم بـــن عـــوض، دیلـــه‌رم کـــی، دل دیلـــم ســـندن ایـــراق.
قیـل قیلیچـون گیسـونون مسـکین اولـوب، بـــو تنیمـــی قیـــل قیلـــام ســـندن ایـــراق.
گـــــؤزلریم گیـــــرور کؤنولـــــوم قانینـــــا، گـــــؤز قانینـــــا مـــــایلم ســـــندن ایـــــراق.
جـــان جانیمـــا متصّـــلدیر، ای نگـــار، هـــم یئنـــه بـــن حـــایلم ســـندن ایـــراق.
ســـندن ایـــراق، ســـندن ایـــراق یانـــارام، ســـانما کـــی، بـــن غـــافلم، ســـندن ایـــراق.

666
سون بیزه، ساقی، ایاغ دگدی بولونمز بایـاق، چونکی جهاندیر کئچر، بیزی قوماغیل یایاق.
گؤزو اویوخلار کیبی بیـزی سـالار اویخویـا، سورا اگر واراسین، بیز اویوروز، اول اویـاق.
کیشی بودور قاشی‌نین کی بیزی اوخا دیکـر، گر بولور ایسه صفا قربان ایچینـدور قاچـاق.
گؤزلری جار ائیله‌دی تولو آیـاغ ایچمـه‌گـه، دُنیایی‌تولدورگؤتورکی،بوتون‌اولسون یاساق.
پیروخرف عقلیمیز، عشق ایله اولدو ایگیـت، چون قوجالـا آدمـی، آنـا گـره‌کـدیر تایـاق.

667
گؤیه‌چیخدی‌سنین ایله، صنما، رایت[1] عشق، معجز اولدو، ای بگیم، حسنون ایله آیت عشق.
سنده‌گؤردوبوگؤزومگؤزون‌آچیب‌غایت‌حســن، گؤسته‌ریرآنین اوچون گؤزلرینه غایت عشق.
بن امامام، قاشی محرابینـا قارشـی توتـورام، ایروروم کیمه کی، گره‌ک ایسه قامت عشق.
عشقه‌محتاج‌دورور هرکی، وجودو وار ایسه، اولمایا دنیا وجودونـا دخـی حاجـت عشـق.
آفت اوغـرادی سـماوی، صـنما، کؤنولومـه، کیمسه‌نین کؤنلومه اوغراماسین آفـت عشـق!

668
سوخته کؤنـوللره قیلـدی یئنـه جـار عشـق، ای نئجه عاشـقلری قیلـدی یئنـه زار عشـق.

---

[1]–رایت = پرچم، بایراق.

قیلـدی یاخالـارومی جملـه ماسـفر مگـر،   آنین اوچون ائیلـه‌دی جـدول پرکـار عشـق.
گرچه که مخمور ائـده‌ر لبلـری ایلـه جـانی،   شکر اونا کی گؤزلرین ائیله‌دی خمار عشـق.
کفرونو گیسوسونون جـانیمیز ایمـان بیلـور،   باغلایـالی بئلیمـه بیـر قـارا زنّـار عشـق.
تولدو کؤنولده هـوا، قومـادی خـالی مکـان،   لـاجرم اولـدو قـامو بـو در و دیـوار عشـق.
عاشق و معشـوقه‌نـین عشـقله‌دور وارلیغـی،   باخیجـاق اول اورتـادا یئنـه گنهکـار عشـق.
خسـته‌یـه اولـان شـفا، عهدینـه قیلـان وفـا،   مجلس ایچینده صفا، گُل بیتیره‌ن خار عشـق.
بیز نئجه‌سی عشق ایله اولمایالیم بیر، چـون،   بیز یوخ ایکن وحدته ائیلـه‌دی اقـرار عشـق.
ورزش عشق ائیله‌سه بیزجیلـه‌یـین کیشـیلر،   نولـا چـو ورزش قیلـور گنبـد دوّار عشـق.

669
یئنـه گؤتـوردو عَلَـم قافلـه سـالار عشـق،   کؤچدویئنه اوش گئده‌ر بو در و دیوار عشق.
هرنه‌کی‌یوک‌گؤتوروررسرعتی اکسیک اولـور،   قوش‌اولاگره‌ک‌کؤنول،چون‌گؤتورورباره‌عشق.
اوّل ایچَنـدور گـؤزوم عشـق قـدحلرینی،   جاری‌دور آنین اوچون گؤزومه ادرار عشـق.
منکـر اولورسـا نولـا خلـق بـو دعـوامیزا،   وار ایسـه سـؤزوموزه ذرّه‌جـه اقـرار عشـق.
یـوره‌گیمـی یاریبـان آچـا ایـدیم ایچینـی،   تاشرا دوشه قورخارام آنداغی اسـرار عشـق.

670
قوپـدو یئنـه کؤنولومـده زمزمـه‌ی عشـق،   سؤیله‌نیـر اولـدو ایچیمـده دمدمـه‌ی عشـق.
هر نه کی، حکم ائتمیش‌ایدی گلدی باشیما،   صـبح ازلـدن بـری بـو ملهمـه‌ی عشـق.
وارلیغیمـین جملـه‌سـینی گلـدی آپـاردی،   وارلیغیمـا قونـان اولـالی همـه‌ی عشـق.
لعـل لبـین هـر نـه کـی قـودو کؤنلومـده،   تؤکدو گـؤزوم جامینـا بـو قمقمـه‌ی عشـق.
سـاالی حسـنون آتـین وجـودوم ائلینـه،   دوشدو آتـی‌نـین اؤنونـه بـو رمـه‌ی عشـق.

671
دُنیـادا تولموشـدورور غوغـای عشـق،   قـانی شـول کـی، اولمـادی رسـوای عشـق.
عشقه سؤز یوخدور، بن اول گـؤز قولویـام،   کـی باخیجـاق اول اولـور بینـای عشـق.
عشـق واردور، لیـک عشـقه عاشـقم،   زیـرا کـی، وار بنـده استسـقای[1] عشـق.

1- یاغیش و سو ایسته‌مک.

وجهی سیمینی زر ائتمیشدیر یوزوم، وجهیمیزده بودورور سیمای عشق.
ظاهریمده خارا قیلمانوز نظر، باطنیمده تولودور خرمای عشق.
ایرماغا جهد ائتمه‌گیل، ای جویی- جوی، بیل آشیریدیر یاخین دریای عشق.
اوّل- آخر عشقدیر نرده اولا، نسنه کی، اولموش اولا همتای عشق.

672 کؤنولده قاپالی، صنما، بیر صفای عشق، قالدی بو عالمه یئنه بیزدن ندای عشق.
بو دردیمین دواسینا عقل ائدیمز علاج، بنزه‌ر بو درده کی، گره‌ک اولور دوای عشق.
قانی کؤنولده سو و گؤزومون یاشینی قان، بنزیم گوموشون آلتون ائده‌ر کیمیای عشق.
عنبرساچی‌چیگنینده‌جانیم مشگی چین ائده‌ر، اولامادی بیندن اؤزگه‌یه هرگز خطای عشق.
زلفو نهایتینده بو عشقیم ایرمه‌دی، گرچه یورومااز کیمی هرگز بلای عشق.
چون گلدی عشق ملکونو آنا ثمرله‌دیم، تدبیر مملکت هله قالدی برای عشق.
قان ایله دستنماز اولورام لبلرین اوچون، تا بیر دکانه راست قالیم از برای عشق.
عشقین آخیتدی قانیمی و لعلِ لبلرین، عرض ائده‌ر اؤزونو کی، بنم خونبهای عشق.
یوره‌ک دلیک – دلیک آلیبان ناله‌لر قیلور، دعویسی بونا یعنی بنم شیمدی نای عشق.
زاردان کؤنول بغایت و عشقین دنیزی اود، جان نئجه قاتلانیبله پس هوای عشق.
بین یار عشقی ایله تاغیبن بؤیوموشم، محروم اولمایا کیشی اندر سرای عشق.

673 نئجه کی چرخ بیندی اسبِ ابلق، فلکلر نئجه کی یاسادی جوسق[1].
خجل قیلدی یوزو شمس معیّن، خطی نسخ ائتدی انجیلی محقّق.
آیاغی توزونا سوردو یوزون یئر، آنین تک گؤرمه‌دی چرخ ازرق.

سالینیشی ایله سؤزلری قیلدی، مقسّم خطی نقطه‌ی مشقّق.[2]
خیالینی اؤزونده گؤردو مگر، کی، حلاّجین دیلی دئدی، اناالحق.
ساچین سئوداسینا دوشدوم دلی‌یم، بانا شیمدی گئرو سن توتماغیل دق.
بگیم، عشقه دوشن اولمایا عاقل، شاهیم، خوبی سئوەن اولمایا احمق.

1– جوسق = فلکین بُرجلاری، قصر.

2– مشقّق = شقه – شقه اولموش.

آغیزینا دوشن زهی محقّق، بئلینه جان وئرەن زهی موفّق.
گؤزوم یوزونده معجز نسنه گؤردو، کی، قیلمیش کیچی، بارماق بدر آیی شق.
گول آنلار گؤزومو بلبل قولاغیم، باغیرسین نئجه کی، گرەکسه لقلق.
مقیّد چوخ دورور زلفونده، شاها، ولی یوخدور کؤنولوم کیبی مطلق.

674
شاها، ریحانیمی شول خطون محقق، یا کافور اوستونه عنبر مرقق[1].
نه دوردور شول کی، درخور گؤروروز بیز، کی آیدان مشتری اولموش معلق.
نه حور ایسن قصورون یوخ، نگارا، کی جنتدور تامو سینونله الحق.
زنخدانوندا کؤنلوم چاها دوشموش، مسلسلدور زولفونده مطلق.
آغیزین نکتەسی شیرین و نازک، ساچین معناسی پیچاپیچ و مغلق.
الینه آیینه آل، یوزونه باخ، کیچی بارماق نئجه قیلمیش آیی شق.
شها، شاهین گؤزون آپاردی کؤنلو، ساناسین بدەنەیی قاپدی باشاق.

675
قومادی هجرین یورەگیمده رمق، کیچی[2] بارماغین قیلالی آیی شق.
حلّ یاقوت ایله گؤزوم عشقینی، یازماق اوچون سالدی یوزه زر ورق.
گؤز یوزونو یوزو نورویله گؤرور، اول حدیقه ایرودور نورِ حدق.
حق ائشیتدی، گؤردو سنده گؤز، قولاق، سنده خود نه اولیساردیر غیری حق؟
حسنی خطّاط اولالی واردور کؤنول، کی بیر- ایکی حرف آلا هر گون آلا سبق.
صبح بو مکتبده یانلیش اوخوسا، هر سحر واجب اولور آنا فلق.
خطّینه باغلاندی کؤنلوم بنیم، نیشه زلفونو قیلور اولدو قالاق.
صبحدم گیردیک گلستانا مگر، کی حیاتدان قیلمیش ایدی گول عرق.
آغزی بئلی اول اشارت بو صریح، فانی اولماقلیغا قیلدیلار یاساق.

حرف ک
676

---

[1]– رقیق ائده ن، غلیطلیقدان چیخاران، یونگولله‌دن.

[2]– کیچی= کیچیک.

گؤرون یئنه نه یاراتمیش بو مالک‌الاملاک، کی سجده قیلمیش آیاغینا حور ایله افلاک.
شول مشگ و عنبر آچا و بویانا فرش اگر، ساچینی تارار ایسه شانه‌سی ایله دلّاک.
بن‌آنامشتری‌اولدوم‌کی، شمسی‌شمسی‌سی‌دور، نه زهره کی، دم اورا زهره‌ی افلاک.
شها، لبین نئجه ممسوح اللعلدیر کانی، نه گؤردو، نه گؤریسر هیچ دُنیادا حکّاک.
لباسِ عشقِ ترا من به در بخواهم کرد[1]، به حق آنکه، بپوشید خلعتِ لولاک[2].

678

خوب‌جهاندا چوخ‌ولی، نازک و دلربا گره‌ک، جانا وداع قیلیبان عشقینه مرحبا گره‌ک.
بن‌کیم اولام‌کی دیره‌دم بیر قیلینی گیسوسون، باشین‌الینه‌آلیبان اول ایش اوچون صبا گره‌ک.
غنچه‌آغیزین آچماغا کیمین الی ایروشورسه، آتش عشق موسمی ایریشیبن هوا گره‌ک.
تا کی صفا گیره اله، کعبه یوزونده اول بُتون، جَنّه[3] داخی قبا اولوب یئنه قبا عبا گره‌ک.
دردی ایله‌چو اسروکم، دردی‌ایله‌یازام خمار، پس‌نئده‌لیم چوخسته‌یوز دردیمیزه‌دوا گره‌ک.

679

زلفونه تولاشانون یولو دراز اولا گره‌ک، پسته‌ی لعلون ایله زحمتی آز اولا گره‌ک.
هر کی، شه نازینی جانی ایله ائیله‌یه قبول، قاندا سیر ائده‌ر ایسه، آنا حجاز اولا گره‌ک.
عشقی‌توتون‌کیشی کی، تنگ گئیه جان تنینه، نره‌ده یورور ایسه، جامه بِزار[4] اولا گره‌ک.
سروِ آزاد کیبی هر کی قویوب بار و برین، باش قویا یار یولونا عمری دراز اولا گره‌ک.
جان اؤزوندن نئجه بیله، ولی اوندان کئچمز، اینجه یولدور، بو هوا یولو جواز اولا گره‌ک.
گر بوغازلارسا هزاران گر کؤنولو شول نگار، اعتراض‌ائتمک چو اولماز احتراز اولا گره‌ک.
نقطه‌لر کی، نقطه‌ی لعلِ لبون ایله گئده‌ر، سنین ایله بیزیم اورتامیزدا راز اولا گره‌ک.
دل دیلر کی، زلفون ایله بیر رَسَن بازی قیلا، قصدی‌اول‌ایسه، بواپیده‌جان‌گداز اولا گره‌ک.
فقریمه اولموش فقیر اولو غینادادیر[5] غنی، ناز ائده‌رسه اول بیزه، بیزدن نیاز اولا گره‌ک.

680

---

[1]– باشدان فارسیجادیر / سنین سئوگی پالتارین چیخاراجاقام.
[2]– اشاره به آیه قرآن.
[3]– پالتار، ردا.
[4]– بیزار/ جامه = پالتار.
[5]– زنگین لیکدن، غنی = زنگین، دولتلی.

نگار عشقی چراغی کؤنولده یانا گره‌ک،   ائوایسسی[1] چوخدور،اویوب نگهین‌اویاناگره‌ک.
گؤزون‌کؤنول قانینی ایچدی، بونجا ییللردیر،   دمی دورور توتاغیندان بو قانا قانا گره‌ک.
جمالی ساچینی توزاق دوزه‌ر و دانه مگر؟   ارادت ایله اسیرم نه دام و دانه گره‌ک!
چوکیرپیگی‌اوخ و قاشی یای و آتیجی اؤزو،   اولا کؤنول دخی لابد آنا نشانه گره‌ک.
جمال ایچینده چو محبوبدور یگانه‌ی عصر،   آنی سئوه‌ن دخی دُنیادا هم یگانه گره‌ک.
ساچین اوزون، آغیزین درّ و سنی سئوه‌ن،   نئجه کی رزقی تار ایسه یاشی اوزانا گره‌ک.
گره‌ک‌کی، عاشق‌ومعشوق‌وعشق بیر اولالار،   ایکیسی قاتیلیبان عاشقه بویانا گره‌ک.

681

بو کؤنولوم دنیزی تاشا گره‌ک،   دوشمن اورا باشینی تاشا گره‌ک.
دوشمنه دئن کی، آشینی وئره،   بو دنیزلر باشیندان آشا گره‌ک.
قورو قیلماییسار یاش و قورو،   ایره لطفو قورویا – یاشا گره‌ک.
باشیما ایرمه‌دین اولورسام باش،   ایریرم ایشبو ایشی باشا گره‌ک.
کیم دیلر ایسه قاولایا شاهین،   گؤوده‌سی اورتالیقدا لاشه گره‌ک.

682

رحم ائده یار عاشقین گؤزلری یاشینا گره‌ک،   آنجادؤکم‌گؤزوم‌یاشین‌کی، یوزوم‌آشنا گره‌ک.
بن سئوه‌رم جمالینی اول یوره‌گیمین ائوینی،   آنین‌اوچون ایچیمده کی تاشینا تاشینا گره‌ک.
عشقی دنیز و عقلیمیز اجنبی‌دور بو دنیزه،   کؤنولومه خبر قیلان چون بونا آشنا گره‌ک.
گؤزلریمین‌یاشینی‌بن‌یوره‌ک اودویلا یاخارام،   دنیز اگر گؤرور ایسه یاشیمی آشنا گره‌ک.
زلفونوباخ‌صبا یئلی نئجه‌سی برهم ائیله‌میش،   هرنه‌کی،قیلدی‌کؤنولوم‌ایریشدی‌یاشیناگره‌ک.

683

جانیمی عشقینه ساتدیم داخی بها نه گره‌ک،   بنه چو یولونا جان وئرمه‌گه بهانه گره‌ک.
نگارا، قامتینه قیلمیشوز کؤنولو فدا،   زیرا کی سرو روانه روان روانه گره‌ک.
دکانه باخمادی، بازاری اولمادی کؤنولوم،   ولیک لعل لبینچون وارام دکانه گره‌ک.
قانیمی لبلرین ایچدی و دوشدو آرایه قان،   جانیم داخی قوشانیبان بو قانا قانه گره‌ک.
نگارا، زلفونو تاغیت، قاراسی چوخ اولسون،   یا آدا، یا سنه لایق چری یاسانه گره‌ک.

1– ائو ایسسی = ائو صاحبی.

کناری آندان و آنـدان کنـاره ایستـه‌مـه‌گیـل، میـانِ دردِ دل اهلـی ایشـی میانـه گـره‌ک.
چو لطفونو بیلیـرم گـر گنـاه قیلـدیم ایسـه، یازانـا قیلمـا جفـایی، جفـا یازانـه گـره‌ک.

684
نگارا، گول یوزونه قارشی لاله دسته گـره‌ک، کؤنول‌کی،زلفونوسئوه‌ر، شکسته بسته گره‌ک.
چـو آغـزین ایلـه بنـی هـیچ قیلـدی، هـیچ، خطاب بانا نئچوندور عتـاب هسـته گـره‌ک.
گؤزون دیلر کی، بیزه توبه وئـره عشـقیندن، اگرچه کی، بن آییغام و توبـه مسـته گـره‌ک.
صاباح یوزونو گؤردوم و فال دوتدوق آنـی، سنی‌سئوه‌ن‌کیشی فالی، شها، خجسته گره‌ک.
دیلر گؤزوم کی، قیلـا قـانلی یاشـی پـالوده، قانی ایچینده خیـالی یـارین نشسـته گـره‌ک.

685
ساقیا، یئنـه بیـزه بیـر تولوجـا بـاده گـره‌ک، بو دمه ایرمه‌ییبن، باش وئره‌لـر بـاده گـره‌ک.
کیم‌کی،دلشادی‌سئوه‌رسه‌قیلاشادگؤزو یاشین، ایـروره یاشـلاری آیـاغینی بغـداده گـره‌ک.
پادشاهی‌سئوه‌نین‌صبری‌گره‌ک کی چوخ اولا، خوش‌تحمّل قیلا، اول داد ایله بیداده گـره‌ک.
بئلی باغلی، یوزو برقعده و سـاچی پُـر بنـد، یـالینیز سـرو قـدینی سـایام آزاده گـره‌ک.
شه قولویام، آنی کیم کی گره‌ک ایسه بیلـور، بنی قول ائیله‌مه‌گه بیر شه و شهزاده گـره‌ک.

686
بانـا یئنـه توتاغینـدان شـراب نـاب گـره‌ک، دریغ اولماییسـار، گـر جگـر کبـاب گـره‌ک.
کؤنولومه قودو عشـقینی اودا یاخـدی اونـو، گناهی یوخدور آنین، گنج در خراب گره‌ک.
گؤزومه گر باسار ایسه یوزون خیـالی آیـاق، نثاراوچون‌یاشیم اینجی، یوزوم زراب گره‌ک.
بنینی‌گؤردوم وُ دئدیم، بو هندو بوندا نه‌دیر؟ دئدی کی، جنّت ایسه نولا بیر عذاب گره‌ک.
یولوناوارلیغی‌قویوب‌گره‌ک‌کی صحبت‌ائده‌م، محب کی، ایره حبیبینه نـه حجـاب گـره‌ک؟

687
آنا کی عشقین ایریشه بیر آدا ایرسـه گـره‌ک، کیشی‌کی، ترک‌ائده‌اؤزون، مرادا ایرسه‌گره‌ک.
بـو عشـق کیشـی باشـینا دانیشـیبان گلمـز، یاخاسـینا یاپیشـیب بـی‌اراده ایرسـه گـره‌ک.
اگرچه غمزه‌سی اوخـو ده‌لـر بـو یـوره‌گـیم، یوره‌گیمه یئنه دم- دم یـارادا ایرسـه گـره‌ک.
اگرچه‌لطف و صفادیر و گرچه جور و جفـا، بنیم یوره‌گیمه دخـی سـیرادا ایرسـه گـره‌ک.

688
جـــانیمی اوینایـــام نســـیمه گـــره‌ک، نـــه زره اگـــره‌نـــم، نـــه ســـیمه گـــره‌ک.
صـــحبت ال وئریـــر ایســـه آنـــین ایلـــه، وارلیغیمـــی وئـــره‌م ندیمـــه گـــره‌ک.

خســــتەیـــــم، لبلـــــری طبیبیمــــــدیر، حـــالیمی بـــن ســـورام حکیمـــه گـــرەک.
فرقـــت ایلـــه جاهیمـــه گیـــردیم بـــن، وصـــلت ایلـــه ایـــرەم نعیمـــه گـــرەک.
بـــن کـــی، رامِ کـــرام اولـــوب دوروام، بنـــتّ کرمـــی وئـــرەم کریمـــه گـــرەک.

689
لبینی دیلەدی دل، یعنـی کشـف راز گـرەک، کؤنول ساچینی سئوەر عمروموز دراز گرەک.
دیلرسه حسـنو کـی، محمـود اولـا عـاقبتی، بنـیم کیبـی ائشـیگینده نئچـه ایـاز گـرەک.
بو چشم باز کی، گه خستەدور و گـه خفتـه، کؤنول کی، آولاشا، غایتده چشم باز گـرەک.
جگر قانی ایله گؤزوم وضو قیلـور اولـامی؟ کی، یوزو قبلەسینه قارشی بیر نمـاز گـرەک.
نهفته لبلـری دئرلـر بیـزه کـی، ای عشّـاق!- ایریشمەگـه بـو حجـازا نـوا و سـاز گـرەک.
حقیقته ایریجک عشـق، سـن و بـن قالمـاز، بو نسنەیه دؤیومـەزوز، بیـزه مجـاز گـرەک.
نیـاز وصـلینه واردیـر و نیازینـا دخـی بـین، چون عشـق نـازک اولـا نـاز و نیـاز گـرەک.

690
یاناقلارینـــدا، نگـــارا، نـــه آلـــدور نـــازک، نه آلدیر کی آنـین ایچینـده خالـدور نـازک؟
بو تـار کؤنولومـه یوخـدور طریـق آغیزینـا، قاچان کی، سؤزه گلەسـین مجالـدور نـازک.
گمان کی، قیلدیم آغیزیندا قـاتی شـیریندور، بئلینده قیـل کـی، یـارارام، خیالـدور نـازک.
بئلینـی قوجاغـا آلمـاق حرامـدور مـوزون، بئلین اوچون قیلا دؤنمـک حلالـدور نـازک.
قدین الف، آغیزون میم و قاشلارون نوندور، بو نام اوچون قدیمه باخ، نـه دالـدور نـازک.
بوگئجەآیی‌کی،گؤردوم‌یوزونده، آی گونشیم، گونوم مبارک، آیـیم قوتلـو، سـالدور نـازک.
سـاچین طـوالی مفصّـلدیر، ال اورایـیم آنـا، کـی یئـددی بؤلـوک سبع توالـدور نـازک.

691
چـو آرار ایسـم بـن، بانـا نـه نـام گـرەک، تولو وئر اایاغی، ساقی کی، می مدام گـرەک.
ایا مَلِـک کـی، سـانادور بـو دم مَلَـک بنـده، تاپوندا زهرەی چنگـی فلـک قیلـام گـرەک.
ساچون‌ایله گئجەدەیم، یوزون‌ایله گوندوزده، هر آیینه بیزه دونیـادا صـبح و شـام گـرەک.
آنین‌اوچون‌اؤلوروز، آنین اوچون اؤلیسەریز[1]، کی نئجه کی، دیرییوز بو جهان بکام گـرەک.
چو خاص بن سنینم، مطلقـا بنـیم اول سـن، بو اورتادا نئیچون علم خاص و عام گـرەک؟

1- اؤلیساریز = اؤلەجەییک(گلەجکده).

سنینم و سـنین اولیسـارام گئجـه- گونـدوز، بنینله زلفون ایلـه پـس نـه دانـه دام گـره‌ک.
سجودقیلیمیشیز اول حقّه کی، بویوردو بونو، قعـود ایسـته‌یـه‌نـه اوّلـین قیـام گـره‌ک!
چوحسنون‌ایچینه گیردیم، دئدیم سلام علـیم، قاپوندا ایچه‌ری گیـره‌نـه بیـر سـلام گـره‌ک.
اگرچـه قالمامیشـام دنیـانین متاعینـا بـن، بو خال و زلف و خط و قدّینه قالام گـره‌ک!

692

گیسوسـونداند بیـزه نسـیم گـره‌ک، آنـدان آیـری نـه زر، نـه سـیم گـره‌ک.
آنـدان آیـری بیـزه نعـیم جـاهیم، آنـین ایلـه تـامو نعـیم گـره‌ک.
نـه سـین اولـور کـی، میمـده‌سـین گیزلـی، لبلرینـدن بیـزه نمـیم گـره‌ک.
لبـی مئـی، گـؤزو سـاقی، شـمع یـوزو، یئنـه اؤزو نـدیم گـره‌ک.
نولـا زلفویلـه تاغیـدیر ایسـه جـان، زنخینـدن کؤنـول مقـیم گـره‌ک.
تـور طورینـه موسـی کیبـی گیـره‌ن، یـار ایلـه دمبـدم کلـیم گـره‌ک.

693

جانینی جانا وئرمه‌گه یوره‌ک ایچینده جـان گـره‌ک،
یوره‌گی قانی سو اولوب، گؤزلری سویو قان گره‌ک.
قوس قاشیندا گؤزلری بدر ایله خوش قیران ائـده‌ر،
الّا بودور کی، کؤنولوم آنـدا صـاحب قـران گـره‌ک.
گـؤزو یـوره‌گـی قانـا دور، بـن لبینـی قانادایـام،
چونکی شریعت اول‌دورور کی، قانا یئنه قان گره‌ک.
یاشلی گؤزو، ساری بنیز، قانلی یوره‌ک وٌ اود جگر،
یئتمه‌دیم یارا کی، دئر کـی، سـئوگیه نشـان گـره‌ک.

694

قیلدیم کؤنولوم حسنون ایله خلـوت نـازک، ایریشدی بیـزه وصـلین ایلـه دولـت نـازک.
گؤستردی‌بوگون معجزه‌سینی، شها، حسنون، کی یازدی بـو دم خطّـی ایلـه آیـت نـازک.
گر وئردی ایسه یوسفه حـق غایـتِ حسـنو، حسنونو سنین قیلدی بو گون غایـت نـازک.
بن‌شمع‌وگؤزوم‌ساقی و یوره‌ک قانی سوجی، گل کی، قیلالیم سـنین ایلـه صـحبت نـازک.
اینجـه دئـدیلر سـاچی قیلـین بئلـی قاتینـدا، گؤزوم نه خیال ائیلـه‌دی بـو غیـرت نـازک؟

695

آنجـا[1] بـن لعلـین ایلـه یئـدیم امـک، الّـا اول بیلمـز ایمـیش نـان و نمـک[2].
سـانامی قالـدی جهانـدا قـان ایچـیش، بانـامی قالـدی جهانـدا غـم یئمـک.
بـن سـمندر قیلیـرام اودا کؤنـول، سـن قیلیرسـین یاشـیما بنـی سـمک.
یـورەگیمـی دم قیلیبـدیر لبلـری، الّـا دؤکولمـەگـه بولومـاز دئمـک.
سـن نـه کیشـی‌سـین کـی، دنیـزده ایکـن، خـالی اولومـاز تاپونـدان مردمـک؟

696
ایـا، نگـار، روامـی حـقّ نـان و نمـک، کی، ضایع اولا سنین یولونا یئدیگیم اَمَک؟
گؤزون یارالادی یورەگی، لعلینـه سـوردوم، کی‌ام‌دئدی‌یارام‌اوچون اول خود اکدی نمک.
سمندر اولدو کؤنـول عشـقین اودو دنیزینـه، نیته‌کی، یاش دنیزینه بو گؤزوم اولدو سمک.
هزار دور کئچه، دوشمه‌یـه بنـیم کیبـی بیـر، کی زلفو دورونه دوشورموش اولا آنی فلک.
نئجه‌سی جانی بَلَک بیربی‌یم بـن اول شـاها، کی‌چونکی اسیریه جان بخششینی قیلا بلَک.

697
سنین ایله، صـنما، عشـقیمیز نهـانی گـرەک، جهان ایچینده سئویمیز سنینله جانی گـرەک.
لبـین گیـرور یـورەگـیم قانینـا بنـیم هـر دم، جانیم توتاغینا ایریب سوروشا قـانی گـرەک.
عُمّر دئدیکلری بیـر لحظـه‌دیـر ولـیکن بـن، سنینله خوش کئچیرم آزاجیق زمانی گـرەک.
صفای عیشه گرەکـدیر زمـان مکـان اخـوان، ایکیسی‌حاصل اولوبدور بو دم مکانی گرەک.
بوگون کی، لالەیه باخدیم یوزوندن اوتانیرام، یوزونه باخماغا شیمدی آنین آمـانی گـرەک.

حرف گ

698
گؤز یاشی قان اولسا، یورەگیم قانی آب اولسـا، یئـگ،
لبلـرین یادینـا الیمـدن مـیِ نـاب اولسـا، یئـگ.
نـرده[3] کـی اصـحابِ انجـم کیبـی جمعیّـت قیلـا،
نقـل آغیزلارینـدان ار افـواهِ احبـاب اولسـا، یئـگ.
دِل‌دورور بنـی سـالان گیسوسـی پیچاپیچینـه،

1– آنجاق.

2– دوز– چؤرەک.

3– هاردا.

اول دخی لطفو کیبی بویوندا کمیاب اولسا، یئگ.

تا اولا کی، خاطری بیزده نه اولا انشراح،

زعفرانی عاشق یوزو – گؤزو چو دولاب اولسا، یئگ.

گؤزلری‌نین بیری بختی دورور، بیری فتنه‌سی،

بخت اویانیق اولسا، خوشراق فتنه درخواب اولسا، یئگ.

گؤزو یئنه باشلادی بنیم کؤنولومه جنگ،

مطرب یئنه حربی چالا باشلاغیل آخر جنگ.

جان مست‌دورور، عقل قیلور دعوی زهدی،

ای عشق اورو تور و بیراق شیشه‌سینه سنگ.

خونون دؤکه‌رم یاشیمی میگون لبین اوچون،

گول‌یوزون اوچون نولا ایچم باده‌ی گلرنگ؟

اینجلدی تنیم بئلون اوچون، لیک یئریدور،

چون‌پسته‌آغیزین‌اوچون اولدو کؤنولوم تنگ.

شهناز ایله راست محیّر، من آنینچون،

کیم عشقی اوچون صبح دکین قیلیرام آهنگ.

حرف ل

699

شرح ائدیمه‌یه لبینی دیلیم اولا لال، گؤزلریمین یاشی آنین اوچون اولا آل.

بن خو سنه باغلییام، بو دام ایله دانه، نه‌یه گره‌کدیر کی، دوزدو زلف ایله بو خال.

عیددورور بنه بدر یوزونو گؤرسم، عاشر ذالحجّه نه، یا اول شوال.

بیر گؤرورم کندوزومو یار ایله دائم، احوال اگر مختلف گؤرور ایسه احوال.

بیر نفیسه قیلمیشام کی، وارلیغیم اولدور، سیزه فدا روز و هفته و ماه ایله سال.

کؤنلومو بیر قیلی ایله زلف سیاهی، سالدی مزادینا کی مزید اولا دلال.

کیرپیگی‌نین غمزه‌سی یوره‌گیمه فساد، آیاغی‌نین توپراغی بو گؤزومه کحال.

مالی فدا ائیله‌دیم و کئچدیم عملدن، گئتمز ایسه بو عملدن ایریشه آمال.

700

الهی، شکر سانا کی، مبدّل اولـدو بـو حـال، الیمیـزه تولـو وئـردی فلـک زلـالِ وصـال.
خیال وصلی دورور شـیمدی بـو دماغیمـدا، الیمه گیرمز ایکن هئچ دخـی خیـال، خیـال.
حرام قیلدی گؤزون اویخویو بنـیم گؤزومـه، حقیقته باخیجاق، بالله، زهـی، سـحر حلـال.
فراقــی وصــلی وصــالی فراقــدان نئــدەم، فراقی قیلدی فراق، وصـالی قیلـدی وصـال.
بئلــین قیلــی و لبــین قیلــی ایلــه بیــر ذرّه، تنیمده قیلمادی قیل و دیلیمده قالمادی قـال.
فراقینا نئجه دؤیسـون، نگـارا، دلـی کؤنـول، چو دؤیومه‌یه گؤزونون اوخونـا رسـتم زال؟
لبــین تصــوّرو یــاخود خیــالی بئلــی‌نــین، زهــی تصــور باطــل، زهــی خیــال محــال.

701

گؤزونله بنجیله‌یین کیشی‌نین دیلینی کـم آل، گؤزوم قانی کیبی لعلین یولوندا اولا کـم آل.
خطادادخی گؤزون‌تک‌خطایی گؤرمه‌دی گؤز، کی، اول صوابا مقابل دوشر به حسن جمال.
کمال گؤزون ایراق ائیله‌دی گؤزونـدن کـی، اولـا کـی، گؤزلرینـه ایرمـه‌یـه عـین کمـال.
دئییمــه‌زم، صــنما، مــدحینی اعلــال اعمیــا، کی، لال اولا دیلـیم طبعیمـه ایریشـه کلـال[1].
بیــزه حــرام گــؤره‌ن شــکّرینی لعلــی‌نــین، خلال اولدو حـرام و حرامـی اولـدو حلـال.
خطایی عین صواب نئیله‌مک نه سِحر اولور، کی، موسـی دفعینـه بولیمایـا طریـق مجـال.
گمانــا نســبت ائــده‌رلــر آغیزینــی ز گمــان، خیالــه بنــزه‌ده‌لــر اینجــه بئلینــی ز خیــال.
یوزونده عید هلالینی گـؤره‌لـی بـو گـؤزوم، محرّم‌اولسون‌اگر گؤگده گؤردوم ایسه هلـال.
امالت ائتدی قاشین، قیلمادی لبـین اشـمام[2]، گؤزون یا نیشه قیلور ایشبو کؤنلومو اعمـال.

702

سانا کؤنول وئـره‌نـی قالـا جانـا، سـانماغیل، تارتینـا عقـل و جـانینی جانانـا، سـانماغیل!
بیر موردور کؤنـول، نـه‌یـی آپـارا بللـی‌دور، پـای ملخـدن اؤزگـه سـلیمانا، سـانماغیل.
درمان دئـدی لبـین کؤنولـه دردی قاتیـدور، اول درد قاتلانـامی بـو درمانـا؟ سـانماغیل!
زلفون کوفوردورور نئچه تاتـاری وار ایسـه، بــن گؤتــوره بــیلم آنــی ایمانــا، سـانماغیل.
جــان گــؤزلریم یاشــینا، شــها، آشــنا ایــدی، هئچ یئره سالدی کندینی توفانـا، سـانماغیل.

---

[1]– کلال = کوزه دوزلده‌ن، بورادا: خسته‌لیک، دیلبه‌لیک.

[2]– اییله‌مک.

703

مزّین گلشن و دیوانه بلبل،
جهان تولدو یئنه مستانه غلغل.

یوزون آنسام اوگئییک دئر کی، گو گو،
لبین دئرسم، سپاه دئر کی، غلغل.

اشارت قیلدی گوله – گوله گوله،
کی، بو نه نسنه‌دور، دئدیم کی، گول، گول!

سالار کؤنولومه هندوستانی،
گول سوری یوزو اوستونده فلفل.

سانا حسن و بانا یاش گؤیدن ائنمیش،
علی‌یه ذوالفقار ایله دُلدُل.

704

قانی عقلیم، قانی جانیم، قانی دل؟
ساناسین عادت اگلندی قانی دیل؟

اگر اؤزگه‌لری آنار اولورسا،
اجازتدیر سانا کیرپیک ایله دیل.

بنی ختم ائیله‌دین مصحف حقیچون،
قیلالی قولونو بانا حمایل.

زنخدانین بانا یئتمزمی‌دور کی،
قیلیرسین زلفو بوینوما سلاسیل.

هزاران دل اولا هر قیل دیبینده،
بو کؤنول کیبی ایسه‌نیرسه قیل قیل.

بلابیل نوحه قیلیرلار سحرده،
آنی دخی جانیما بیر بلا بیل.

آنادیل هر گئجه دئر، صبحه دکین،
کی، اولمایا جهاندا بیانا دیل.

705

یانار عشقین ایله دلده قانادیل،
بویانمیشدیر لبین ایله قانا دیل.

آنادیلدور تانیق اینانماز ایسن،
کی، دوشدو عشقین ایله دئر آنا دیل.

بلا بیل جانیما شونو دخی کی،
سحرگه ناله قیلورام بلابیل.

بنیم اولماز ایسن بندن نه حاصل؟
خصوصا آچدی پرّینی حواصیل.

یوزون تدبیری ایچینده ممثّل،
گؤرورم اولیسارسین بانا مایل.

وجودومو آریت هجرین اودویلا،
کی، اول‌دور اورتالیقدا بیزه حایل.

سنین عرضینی سانماسام یازایدیم،
گؤزومون قانی ایله یوز رسایل.

زنخدانیندا کؤنلوم چاها دوشدو،
نه لازمدور بانا بونجا سلاسل؟

شها، اکسیکلیگیمدن اؤزگه یوخدور،
سیزین تاپونوزا هرگز وسایل.

706

اولمایا بنیم بیکی[1] عالمده هرگز مردِ دل،
سرخ اشک و زرد رخسارا درین پُر دردِ دل.

---

[1]– بو دیواندا هر یاندا بیکی = کیبی، گیبی، کیمی معناسیندا یازیلمیشدیر.

فردحسن‌اول دور، آنینچون فرد عشق آنا بنم، اول مسنّا قاشینا قیلدیم فدا اوش فردِ دل.

گرم‌وسردعشقینی‌چوخ‌چکمیشم‌آنین اوچون، قوموشام یولونا اشکِ گرم و آه سردِ دل.

شش‌جهتده‌نئچه حسّی چار سودان باغلادی، طاسِ عشقه کعبتینین یین سالالی نردِ دل.

جانیمیزدیرلبلرین آنین اوچون، آنین اوچون، دؤکه‌روز بو اشک جان‌پروردِ دل.

708

یوزونو سئودیگی اوچون ملامت اولامی دل، بو گؤزلرینی گؤریجک سلامت اولامی دل؟

هزار یئرده دلیکدور و قانلاری آخار، عجب‌بوخسته‌لیک‌اوچون‌حجامت‌اولامی دل؟

گؤره‌لی گؤزلرینی فتنه اولدو بو کؤنولوم، گؤرورسه قامتینی، بس قیامت اولامی دل؟

جگر کباب و یوزونده شراب دوزدو کؤنول، گؤزوخمار ایدی، دئدیم، کرامت اولامی دل؟

دوتاغی دوتاغیما[1] دئر آغیز- آغیز هر دم، کی اولدو بانا مسخّر، تمامت اولامی دل؟

709

زهی رسوای عشق اولدو، شها، دل، زهی دوشدو زنخده بیر جها دل.

حواصل دیر، نگارا، گؤکسون آغی، نئچون زلفوندورور پرّ ابابیل.

آنادیل گلشن ایچره چاغیرورلار، کی، دوشموشدور یئنه اندر آنا دل.

گؤزون ظلم ائتدی بنیم کؤنلومه چوخ، اته‌گین و الیم، ای شاه عادل.

زلازل قوپا عالمده قاچان کی، صبا دپره‌ده زلفوندن سلاسل.

بانا وصلین دورور تریاق اکبر، بانا هجرین دورور زهرِ هلاهل.

710

سن بو اره‌نلر جمعینه دیوانه گل، دیوانه گل،

کندی حسابین آنلاییب دفتر قیلیب دیوانه گل.

بن جانیمی یاراقلاییب، عشقی آنا بیندیرمیشم،

وار ایسه آتین چاپاچاق، میدانه گل، میدانه گل.

بیر گؤرمه‌گه وارلیق دئیو[2] قیلدی منادی محتسب،

بازاره کؤنلون وار ایسه، دُکّانه گل، دوگانه[1] گل.

---

[1]– نسخه نین چوخ یئرلرینده توتاق یازاراق، بورادا دوتاق ایشلنمیشدیر، دوداق معناسیندا.

[2]– دئیه.

بن عقل ایله جان و دلی زلفون اوچون اوینامیشام،
دینین وار ایسه گؤر بنی، ایمانه گل، ایمانه گل.
جانیما چوخدور یئتمیشم، شول جانیما یئتم دئیو،
سن‌دخی، ای جان، بو یولا یا جانه گل، یا جانه گل.

711
سنین عشقیندن اؤزگه نولا حاصل؟ کی، اول باقی دورور اؤزگه‌سی زایل.
سؤزون دیلیمده، قولاغیمدا سؤزون، کؤنولده عشق و بوینومدا سلاسل.
جمالین باغی زلفون زاغا بنزه‌ر، عذارین آغی چون پرّ حواصل.
خیالینه، شها، مستغرقوز[2] بیز، گلیرسن توپوغونا تاخ خلاخل.
خرامان یورودوگونو سئوه‌رم، ولیکن قورخارام قوپار ظلاظل[3].
هزاران جان دیلرسه اول فدادور، بحمدلله، موافقدور معامل.
کؤنولده نئجه قالا سرّ مکتوم؟ چو عشق اودو اولدو بانا شمایل.

712
کؤنول بولمه‌دی بو دنیزه ساحل، نئجه کی ائیله‌دی قطع مراحل.
مجاور اولموش اودوق عشقینده، یؤنلمه‌دی دخی اول یولا محمل.
نه دل وار بنده کی دیله گله اول، مگر بیر دم گلیر اولورسا دل- دل.
نگارا، بیر قیلینا دگمه‌زم بن، تفحّص قیلمیشام گیسونو قیل- قیل.
یانارام بن توتاقلارونلا دم – دم، یوزونله گون- گونو، ساچونلا ییل- ییل.
لبیندن بیر تبسّم آنلامادیم، گؤزومدن آخماییجا خونِ سائل.
شها، ساعدلریندن بی‌نصیبیم، بانا ایرمه‌دی ایسه بو حمائل.

713
آلدی یئنه کؤنلو بو چشمِ مکحّل[1]، گیسوسی سئوداسی ائتدی بوینوما هیکل.

---

[1]- بیر- ایکی یئرده دُکّانه یازیلمیش و بیز ده ائله اولدوغو کیمی ساخلادیق. آنجاق ایکینجی دوگانه معناسیندا دا اولا بیلر.

[2]- مستغرق = بوغولموش، غرق اونلموش.

[3]- کؤلکه لر.

نقطه‌ی یاقوت حسنه معجزه یئتر، خاصّه، زلفئنیدورور طوالِ مفصّل.
معجزه یئتمزمی بو کی، یوزو گونشی، عنبرِ تر چتری ایله اولدو مذلّل.
زلفون ایله کیم کی، غصّه چکه اوزون، آغزین ایله چون فنا اولا، اولا اکمل.
درجِ گهردن، بگیم، اگر درِّ گفتار، چیخار اولور ایسه، فتح اولور بو مغفّل.
ساقی، تولو وئر ایاغ کی، ماهِ محرّم، ماه ربیع ایریجه‌گز اولا محلّل.

713
بیر وجه ایله آلدی دلی اول گؤزو مکحّل، کی قصّه‌سی گیسوسی کیبی اولا مسلسل.
گؤز سنجیله‌یین قاندا گؤره بیله نگارا، مگر سنی سنده یئنه دیده‌ی احول.
گؤزونو گؤره‌ن بیله کی، بن خسته نئچونم، شُکر آنا کی، دردی کؤنولون اولدو معلّل.
آغزیندا مجالی سؤزومون تنگ اولالی‌دان، اولدو کؤنولوم قصّه‌سی زلفونده مطوّل.
کیرپیکده‌دوزه‌ر اینجی،دوزه‌رلعلی بو گؤزوم، اولما تعجّب بیری اولدوسا مکمّل.

714
عین شفا دورور بنه گؤزونده کی علل، گؤرمزگؤزه‌گؤز آنی کی گؤزونده وار سَبَل[2].
قیلدیم قرار زلفونه کی قیل قیلام تنی، ادوار ایچینده بؤیله قول ایله عمل؟!
بهرام گؤزونون، شها، تیرینه یوخ خطا، گر صد هزار حیله‌یله دفع ائده زُحل.
زلفونو تارا کی اولا آسان بو مشکلوم، کی،سنه‌یاراشور،شها،شول عقد و ایشبو حال.
اوچماقدا چون یوزون اولا حوریه نه مجال، اول تنده کی تاپون اولا هر روحا نه محال؟!
گر وارلیغیمی بیر نظر ایله آلیر ایسن، حاضر دورور نقابینی قالدورو آل ال – ال.
شیرین قیلیر خیالی لبی‌نین بو عیشیمی، خمرائتدی‌گؤزلری‌نه‌کی، وارلیقدابولدو خال.

قالیمدا قیلجا هئچ محک عیب بولمایا، قلبیمده قلب قاندا بولا بیله هر دغل.
وصلین شعاعی مرده‌یی گر زنده قیلمایا، بوفصل‌ایچینده‌بللی‌دورور جَدی اولور حمل.

715
عشقینده اولان نقصی دیوانا گلیمز اول، دفترده اولان خطبی دیوانا گلیمز اول.
کیمین‌کی‌اولاجسمینده‌جان‌دیری و عقل اؤلو، اوینایان ایله جانین میدانا گلیمز اول.

1– سورمه چکیلمیش.
2– سبل = گؤیدن ائنیب هله یئره چاتمایان یاغیش دنه‌سی.

عشق ایاغینی تولو ساقیدن آلیمایان،	پژمرده یاتیر دایم، مستانه گلیمز اول.
هر کیم کی، یاخیلمایا بیر گونشین اودونا،	بیر قوزدا یاتا قار تک سیوانا گلیمز اول.
بین‌صبر ایله بیر عاشق نئجه وار ایسه عمری،	تا گلمه‌یه جانینا بیر جانا گلیمز اول.
عاشق گؤزو گره‌ک کی آخیدا قیزیل ایرماق،	ایرماقلاری اولمایان عمّانا گلیمز اول.
تاخ زلفونو بوینوما چاهِ زنخونا سال،	کیم کی اولا گلینجه زندانا گلیمز اول.
کیمده کی اولا بیلیش قاپوندا یازیلور قول،	بیلیشی بولیمایان بیگانه گلیمز اول.
لعلین سئوه‌نه، شاها، سرمایادورور یوخلوق،	سرمایه‌سی اولمایان دوکّانا گلیمز اول.
مردملوک‌ائده‌رگؤزوم،دؤکر لبین اوچون سو،	زیرا لبی‌نین سویو حیوانا گلیمز اول.
لبلرینی‌سوردوم‌چوخ‌کیم نئچه‌سی جوهردور،	تکرار ائدیبن بیلدیم دندانا گلیمز اول.

716

فصل بهاردیر نئچون اولور کؤنول ملول؟	چونکی خیّاط قیلدی قامو تنلره حلول.
شول‌غنچه‌یی‌گؤروب نئجه کنجه قرار ائدم؟	چونکی نشاط طفلینه غنچه‌دورور حمول.
باد صبا شمائلینه دوشدو کؤنولوم،	غربدن اؤزگه جانیما یئللر قامو قبول.
هجران ایچینده صورتیم اطلاله بنزه‌میش،	یاشی اوزون کی، گؤزلریم آنا ساچار طولول.
راضی دگیل یوره‌ک کی اولا گؤزلرینه جام،	خون جگر چکر بونون ایچینده اول فضول.

717

نئجه بیر عشقین ایله یانا کؤنول،	نه اولا عقل و جان و یا نه کؤنول؟
گئتدی قومادی ائوده رختینی هیچ،	دائما سئوینیر زیانا کؤنول.
چونکی کندولویونو قیلدی فدا،	نه اوچون جان اوچون یاجانا کؤنول.
قانا قان ایسه قاندورور یوره‌گیم،	گره‌ک ایدی لبینه قانا کؤنول.
بئلین ایله خیال باغلادی کی،	دوشدو آغزین ایله گمانا کؤنول.
اوّل اول گئتدی و یئنه بولونور،	نوبت آخرالزمانا کؤنول.
توتاییم، توتمایام کؤنول جهتین،	دؤیه‌می تیر ایله کمانا کؤنول؟

718

بنده فقیر فقر و غنی غنادور اول،	اسیرگن اول قولی کی، اسیر عنادور[1] اول.

1- عنا = زحمت، غصّه.

محراب قاشی گؤزلری یئتر بانا امام، اقصای مقصد و عرفات صفادور اول.
بندن اسیرگه‌مه آیاغین ایزی توزونو، کی، خسته گؤزلریمه بنیم توتیادور اول.
آل جان و عقل ایله دل، لعلینی سون گئری، مجموعی ضارع اولور ایسه خون‌بهادور اول.
بن جان و عقل وئردیم، آنا قیلمادی قبول، معشوقه نازی سهل اولا، زیرا رضادور اول.

719

گؤزون عجب، صنما، نئجه بیر آپارا کؤنول، یا نئجه عشقینی باشارا بیله یارا کؤنول؟
جهان کؤنولومو گؤروب فغان و زاری قیلور، مگرکی، گول بدنینده کی سنگ خارا کؤنول.
جهان قارارا گؤزومه گؤروجه‌گوز ساچینی، نئجه‌سی تنده تورا بیله بیر قارارا کؤنول.
کؤنولو گؤز اودا یاخار آنین اوچون گؤزومو، نئجه کی، ییغماق ایستر ایسه، اویارا کؤنول.
کؤنولومو گؤرورم‌گؤزلرین اوچون تولو قان، کی، ناردانه بیشیریر مگر خمارا کؤنول؟!

720

نئجه فراقین ایله جان بو اودا یانا کؤنول، بو درد و حسرت ایله هله ایردی جانا کؤنول.
سنی دیلر، سنی سئوه‌ر و سندن آیریلماز، تاپوندان اول سانییی سانما کی، اوسانا کؤنول.
نئجه کی خلقی یامان ایسه جان آنی تاپلار، تولاشدی، قاندا باخار یاشی یا – یامانا کؤنول؟
آنی سئوه‌ن یولونا اویناسا گره‌ک جانی، بو یاساغی چو ائشیتدی گره‌ک یاسانا کؤنول.
دوزه‌لی‌قاش-یایینا کیرپیگ‌اوخ‌تورکی‌گؤزو، قیلیب‌دورور اؤز اؤزون اول اوخا نشانا کؤنول.

721

عشقی بغدادینا اولدو گؤزو عیّار، ایسم اول، قومادی‌بوکؤنولومون ائلینده دیّار، ایسم اول!
حسنو افلاکیندا رسم جودی ثابت ائله‌دی، قیلمادی بیزدن لطیفلیغینی سیّار، ایسم اول!
بیزیاراوئردیک‌کؤنولو و یار بیزه قیلدی اؤزون، بلکه‌بواقراری سن قیلورسا انکار، ایسم اول!
چون بیزی بیمار قیلدی گؤزلری، نولا اگر- زلفوقیلدی‌بادصبحی‌شیمدی‌عطّار، ایسم اول!
یار یوره‌گیمی یارارسا، یاراما یارا بو گون، یارا جانیمیز تولودور هله اغیار، ایسم اول!
همچو عیسی، یا زکریا سرّینی فاش ائتمه‌نیز، قویالار بیجغو[1] باشا یا اله مسمار، ایسم اول!
گرچه‌مرسوم‌ائیله دی بیزه جگرده عشق اودون، قیلدی‌یوره‌ک قانینی گؤزومده ادرار، ایسم اول!
لبلری مخموری‌یم، دیتره‌ر یوره‌گیم و نه غم، چونکی‌وارحسنی‌شاریندا‌گؤزوخمّار ایسم اول.

722

1– بیچمه ابزاری، بیچن.

ای کی تاپوندا محیّردیر عقول، عقل اول آرادادیر بیر بوالفضول.
چون صبا یئلی شمالی ایریشه، هم دبوری دخی اولیسار قبول.
بن آنین عشقی ایله افتاده مست، سن آنین وصفی ایله پس «ما تقول».[1]
بن آنین عشقی ایله شادان، ولی، اول بنیم دردیم ایله اولماز ملول.

723
سون، ای ساقی، الیندن ایچه‌لیم مول، یوزون گولونه قارشی زار بلبل.
گل، ای دلبر کی، غنچه گلشن ایچره، باخیبدیر یوزونه کی، گوله‌سین گول.
جهان ایچره اگر جان گزر ایسه، بولامایا سنین تک شوخ و شنگول.
گول اولام اودونا یانام، اولا کیم، سانا بن خسرو اولام، سن بانا گول.
بیر ایاغ مول دیلر ایدیم الیندن، دریغا کی، اول ایاغ اولدو مول- مول.

724
اؤزونو گؤنده‌رەلی گؤزومه بیر آرادا اول، آییتمازام کی، آنین تک نگار یارادا اول.
نئجه کی، سورار ایسم لعلینی بانا دئرلر، کی، اینجی‌ایله‌دورور هر گئجه بیر آرادا اول.
جهان تولو اولا عود ایله نافه‌ی مسکین، قاچان کی، سویا گیریبن ساچینی تارادا اول.
جمال ایچینده بولونمایا ساچی‌نین قیلی تک، اگر بو عالم ایله اول جهانی آرادا اول.
قرار ائتدی کؤنول زلف بیقراریندا، قرار ائدەر ایسه دخی نولا قارادا اول.

725
ساچین قیلی گِرِهینه عجب نه قیلا کؤنول؟ مگر کی، جان و دلین ترک قیلا قیلا کؤنول.
اؤزونو قیل قیلا اینجه بئلین اوچون جانیم، ساقیل اولمایاییم دئیو شول ساقیله کؤنول.
ساچینا ایله‌لی جان خطّینی گؤزه ایلمز، کثیر قیلمادی قیلماییسار قالیله کؤنول.
گؤزون روا سورا گلدی بو کؤنلومه بنیم، علیلدور نه دوا قیلیسار الیله کؤنول؟
جانیم ساچین کیبی سرگشته و پریشاندور، بو حالت ایله هله اورتادا وسیله کؤنول.

726
عقلدور دیوانه و عاقل کؤنول، یوز گؤز ایله سانا وئردی دل کؤنول.
بیر قیل اکسیک گؤرمه‌دی حسنونده هئچ، گزدی باشدان آیاغا قیل- قیل کؤنول.
کؤنلون اوچون باخمادی گؤز گونشه، سن دخی باخ کؤنولومه بیر کؤنول.

---

[1]- هر نه دئییلیبدور.

دیل دیلین فاش اولا دئیو سؤیله‌مز، / یئنی تصنیف ائیله‌دی بیر دیل کؤنول.
راستدیر سروی، مخالف اولماغیل، / اول گونشدن اولما سن مایل، کؤنول.
زلفو سِحری گؤزو دگمیشدور سانا، / قوللاریندان بیر حمایل قیل کؤنول.
گر زنخدانیندا دوتار بین مقام، / اولما زلفوندن آنین زایل کؤنول.
آندان آیری اولمامیشسین بیر نفس، / نه آخیدیرسین دمِ سایل کؤنول؟
قوی بیزی بیزه و چیخ‌گیل آرادان، / شیمدی سن‌سین اورتادا حایل کؤنول.
عشقی اودو جانی ایروردو آنا، / قانجارو کی، دیلر ایسن، ییل کؤنول.

727

شاها، غنی جمالینه درویش‌دور کؤنول، / الماس غمزه‌لر ایله دلریش‌دور کؤنول.
نئجه تمکّنون ایله ساکن ایسه جانیم، / زلفون قیمیلدیسی ایله تشویش‌دور کؤنول.
اوزدو اؤزونو چو باشدان و باغلادی بانا، / دگمه‌سوچوناقالما کی، بی‌خویش‌دور کؤنول.
چوخ‌ییغدی‌عقل و شر یوزوندن بو گؤزومو، / الّا کی،گؤردو هر نه کی دئر پیش‌دور کؤنول.
گونش‌یوزو اوچون‌ساچی‌تکدورگونوم‌گئجه، / شول نوشِ لبلری ایله پُر نوشدور کؤنول.

728

گؤزلریندن‌ایریمیشدورخمروخمّار،ایسم اول، / رقصه‌گلورکی، گله بوسقف‌ودیوار،ایسم اول.
لبلریندن نوش قیلدیق باده‌ی دیلکچه بیز، / اله گیردی هله شیمدی دمِ عطّار، ایسم اول.
قیلماغیل هرگز شکایت یار ایله اغیاردان، / نه‌گؤرورسن‌یاردیر،یوخدوروراغیار،ایسم‌اول.
دیلیمی دیلر کی، ای دل، دیله‌گینی دیله، / غمزه‌یه‌اؤزون سیمارلا، چار ناچار ایسم اول.
شؤیله گر شکّر دیلرسن عالمه ارزان اولا، / یوره‌گیمی قان دیلرسن، زنهار، ایسم اول.
دل مزاجی چاردیر شکّر آنی اودا سالار، / قیلماغیل لعل لبی سؤزونو تکرار، ایسم اول.
بو گنه‌می‌دور کی، تخمِ عشقی جاندا اکه‌رم؟، / بن اولاییم اورتانیزدا اول گنهکار، ایسم اول.

729

ای ساچی زنجیر، مجنوندور کؤنول، / فتنه انگیز اولما، مفتوندور کؤنول.
گیرمه قانا، وار گؤزومه، ای خیال، / اویماغیل کؤنلومه، پرخوندور کؤنول.
نیشه خوارزم اگله‌میشدیر گؤزلرین، / زخمی ایله چونکی جیحوندور کؤنول.
خسته گؤزوندن نه تویدو بیلمه‌زم، / خیلی مدّتدیر کی، بیچوندور کؤنول.
گئجه – گوندوزدور ملازم حسنونه، / ائشیگینده عبدِ ماذوندور کؤنول.

کؤنلومـــون دوت الینـــی، ای ســـیمین زاق،
خاکدانـــدیر مـــالِ قارونـــدور کؤنـــول.
گـــاه عرشـــی، گـــاه فرشـــی گـــؤره‌ســـین،
بوالعجـــب طرفـــه معجونـــدور کؤنـــول.

730

هیچ‌اؤزون دیره‌مه‌دی زلفون ایله دلی کؤنول،
قیلا بنزه‌تدی اؤزون یوزون ایله دلی کؤنـول.
اؤزونو سینده یئتیردی بولمادی دخـی هـئچ،
اؤزونو بولـا مگـر اؤزون ایلـه دلـی کؤنـول.
عنبرین اولا نه ییر کی، آیاغین باسـار ایسـن،
سینی مگر کی بولا ایزین ایلـه دلـی کؤنـول.
جان‌یاشی‌گریئدی قات یئرلره ایروردی ایسه،
آهی گؤیه ایروره سوزون ایله دلـی کؤنـول.
مشک بازارینی ساچین، صنما، قیلدی کسـاد،
شکرین نرخینی هم سؤزون ایله دلی کؤنول.

731

ساچینا اوغرای و گلن نسیمه اوچدو کؤنول،
بودنیادا دخی نه زر، نه سیمه اوچدو کؤنول.
نه دمدورور کی، نه دم گلمـز اولـا آردینجـا،
ولیم‌دون‌گئجه‌کئی‌شول ندیمه اوچدو کؤنول.
مسافر اولدو کؤنـول حسـنی ائلـی ایچینـده،
ملاحتین گؤره‌لی شول مقیمه اوچدو کؤنـول.
نولا ایدی، قـامو قوشـلار بـو گلشـنه گلسـه،
تفرج ائتسه آرادا کی، کیمه اوچـدو کؤنـول.
اؤزومو بولومـازام کـی، شـرح ائـدم تاپینـا،
کی،هجرون ایله عذاب عالمه اوچدو کؤنول.

732

ساقی، تولو وئر ایاغی منصـوروز ائیلـه بیـل،
مطرب نوا دوزوب دخی مخموروز ائیله بیل.
بردار قیلـا بـو کؤنلومـو زلفونـده، ای نگـار،
لطفون اولورسا اورتادا منصوروز ائیلـه بیـل.
کؤنول‌گؤزونله سهل اولا اولدو ایسه خـراب،
لعلین خیالی ایله چـو معمـوروز ائیلـه بیـل.
قهـرین گؤزونـه اولـالی منظـور کؤنولـوم،
رحمت‌گؤزوندن اوشدایا مستوروز ائیله بیل.
بیـر ایکـی گـون وصـالینا ایرگـور دنیـادا،
بیرینه‌یوزگون اولدو کی، مهجوروز ائیله بیل.

733

دلیسی‌یم زلفونـون سلسـله دپـره‌تمـه گیـل،
تا دییه‌مم حالیمی قیل قیلـا دپـره‌تمـه گیـل.
بئلین ایلـه اینجـه‌یـم، آغـزین ایلـه تنگـدل،
کندونه باخ، حالیمی بیل، بئله دپره‌تمه گیـل.
جان‌وئره‌ییم غمزه‌نه، گرچه کی جانیدیر اول،
دل‌دئیه‌ر ایسم گؤزونه، دل دله دپره‌تمه گیل.
جان آنی دیلر کـی یـاش یولونـا اولـا روان،
شاید آنا دئیر ایسم، سلسـله دپـره‌تمـه گیـل.
اول دئیر ایسه گیسوسو جانیما شول دم اولا،
هر قیلینا دئیر ایسه قیل قیلا دپـره‌تمـه گیـل.
سؤیله‌ییمـه‌دی دیلـیم لعـل لبـین وصـفینی،
دئدیم آنا کندودن دیل دیله دپـره‌تمـه گیـل.

شوندا کی قیلـدیم فـدا کللونـو بـن کللونـه،   تن تنه و جان جانا، دیل دیله دپره‌تمه گیـل.

734

بلبل اونون[1] ائشیتدی، غوغایا چکر بـو دیـل،   گل قوخوسونو آلدی، صحرایا چکر بـو دل.

گول یولونا گؤزلـه‌ریـم قیزاردالـی عشـقینی،   نرگسـلری یولونـا سـئودایا چکـر بـو دل.

گیسولاری بینمیشدیر هر لحظه نسـیم آتـین،   خطینـه واریـر بنـزه‌ر یایـا یـا چکـر بـو دل.

بـن آنـا و کؤنولـوم کؤنولونـه قویموشـام،   بیر اهل دل آنلاسان نـه غایـه چکـر بـو دل.

بیر بوسه اومار لبدن یوزون یوزه دگشـورور،   آنلاسـالار آنـی کـی، هـر آیـا چکـر بـو دل.

بن سینه‌می سینایی آچدیم بو نسیم اوچـون،   یاخامـا یاپیشـیبان یاخانـا چکـر بـو دل.

جان تیهی محبتده حیـران دورور سـرگردان،   قالمـادی منـی بونـدا سـلوایا چکـر بـو دل.

735

قـانی دل کـی، گؤزونلـه پـاره دگیـل،   بـو کؤنـول آخـی سـنگ خـاره دگیـل.

زلفونـه دوشـمه یینجـه نئجـه اولـا،   مگـر اول کـی، گـؤزو قـاره دگیـل.

جـان جانینـه ایـره‌ر وّ تـن لبینـه،   بـو کؤنولـدور کـی، هـیچ کـاره دگیـل.

هیچـدور و هـیچ و هیچـدن دخـی هـیچ،   شـول کؤنـول چـونکی عشـقباره دگیـل.

ایشـبو میـدان ایچینـده کؤنـول تـک،   بیـر کؤنـول دخـی شهسـواره دگیـل.

آنـدا کـیم کؤنولـوم تـوپ اورموشـدور،   دخـی کؤنـول ایـره غبـاره دگیـل.

736

یوزونوسئودیگی اوچون ملامت اولامی دیـل،   بو گؤزلرینی گؤریجک سلامت اولـامی دل؟

هـزار یئـرده دلیکـدورو قانلـاری آخـار،   عجب‌بوخسته‌لیک‌اوچون‌حجامت‌اولامی دل؟

گؤره‌لی گؤزلرینی فتنه اولـدو بـو کرنولـوم،   گؤرورسه قامتینی پـس قیامـت اولـامی دل؟

جگر کباب یوره‌کده شـراب دوزدو کؤنـول،   گؤزوخمار ایدی، دئدیم کرامت اولـامی دل؟

توتاغی توتاغیمـا وئـر، آغیـز آغیـز هـر دم،   کی اولدو بانـا مسـخر تمامـت اولـامی دل؟

737

ز طلعـت مـوزون زهـی خـوب شـمائل،   کی، گلمیش آنا خلقت ایلـه خلعـت کامـل.

بو خوان ملاحت کی، چلب آندا دؤکوبـدور،   محـروم نئجـه‌سـی قیلیسـار دنیـادا سـائل.

---

[1]– اون = سس، آواز.

معشـوق ایلـه عاشـق آراسـیندا نسـنه یـوخ، بیر اسم ایله بیر جسم دورور اورتـادا حائـل.
گؤز یاشی، بنیـز ساریسـی و جسـم نـزاری، یئتمزمـی عجـب عشـقیمیزه بونجـا دلائـل؟
سنسیز بانا زهر اولـا، شـها، شـربت حیـوان، تریـاک اولـا لعلـین یولونـا سـمّ هلاهـل.
دورو یوزونون اولـدو بـو گؤزومـده ممثّـل، کؤنولـوم اولـالی، صـنما، عشـقینه مایـل.
خطّـین یـازالی کؤنولومـه یـارلیغی خـانی، وار لطفون امیدی کـی، اولـا حالیمـه شـامل.
گؤزلریمـه گؤزوکمیـه بیـر نقطـه‌جـه عـالم، سـاعدلرینی قیلیـر ایسـن بانـا حمایـل.

738
گل، ای ساقی سمنبر، بیزه تولو باده وئرگیل، بیریبی هوان اودونا غمی جمله باده وئرگیـل.
یوزونون نقابینی آچ کی، گونشـی اونودالـار، ساچینی الینله تاغیت، ظلمتی بـاده وئرگیـل.
صنما، سنین هوانی دو جهان و جانه آلـدیم، دخی کیمین آرتیغی وار هله بیر مزادا وئرگیـل.
بوجهان سنین الیندن اوتور ایمدی فتنه‌یی باش، یوخساتور اورورسالین،قاموسون‌فسادا وئرگیـل.
یانیسا کیم ایسه درده، یئنه شربت آنا گـره‌ک، لب لعلی‌نـین شـرابین مـن نـامرادا وئرگیـل.

739
یئر یاشـیل، آغـاج آغ اولـدو، گـول قیزیـل، یـــار الـــین آل، باغبانـــا قـــول یازیـــل.
گـــول بولـــود آغلادیغینـــا گـــول بیگـــی، شـبنم اول گـونش یـوزو اوچـون ازیـل.
گـاه نـرگس تـک گؤزونچـون خسـته اول، گـاه سـنبل تـک سـاچی اوچـون تاغیـل.
گـــه ســـرافراز اول آنـــین ســـروی ایلـــه، گـــه آنـــین عشـــوه‌لرینـــدن اول خجیـــل.
گـــه پریشـــان اول ســـاچی زلفـــو اوچـــون، گـــاه دلتنـــگ اول آغیزیچـــون دیریـــل.

740
ای بت قلّاش ائوه گـل بیـزی بـازاری قیـل، ائوه‌گل، ناموس تونوندان بیزی تئز آری قیل.
بن‌گؤزوندن‌خسته‌ومجروح‌اوشدا دوشموشم، لعلینی ام دئدیلر، بیـر شـربت عطّـاری قیـل.
قیلما بیزاری، شها، بندن کی بـن بـازاری‌یـم، بنیم ایله اؤزگه بازار ائیله، گل بـازاری قیـل.
حسن‌جاری‌بو کی، عاشق یولونا جان اوینایا، سن‌دخی‌اویناجانین‌یارین‌جارینی جاری قیل.
بن‌آنین یولوندا منصور اولماغا اوش راضییام، زلفونودوزگیل‌رسن طوبی قدیندن داری قیل.

741
ای رقـب عراقـی هلـه عشّـاقه خبـر قیـل، شه نازی اوچون عالمه گل زیر و زبـر قیـل.
ای بـاد شـمالی، اگـر الـین ایـره‌ر ایســه، قـوی باشـینی اورتـادا و زلفونـه گـذر قیـل.

ای گؤزلری مرّیخ و قاشی زهره، بـری گـل، یوره‌گیمـه- باغریمـا دیلـه‌گینجـه اثـر قیـل.
ای غمزه‌لری دؤنمه و چؤنگلمـه بـری گـل، یوزون ایله آلنینی بانـا شـمس و قمـر قیـل.
بن تـاپون ایلـه قصـه‌ی مجنونـو اونوتـدوم، سن بنیم ایلـه عشـوه‌ی لیلـی‌یـی ثمـر قیـل.

742
ای زلفـــون طـــرّه‌ســـی پـــرّ ابابیـــل، زنخـــدانینا قـــول‌دور چـــاهِ بابـــل.
بـــو نئجـــه لطـــف جـــان وئریـــر شـــماله، بـــو نـــه عشـــوه خجـــل آنـــدان شـــمایل؟
دماغیمـــــدادورور سئوگیســـــی هیکـــــل، ولـــــی اولمـــــاز بانـــــا قـــــولِ حمایـــــل.
چو کئچـدیم بنلیگیمـدن بـن سـن اولـدوم، دخـــی نـــه وار گتیـــر اورتـــادا حایـــل.
قویـــــالیم ســـــنلیگی، بنلیگـــــی بـــــن، دخـــی حاجـــت دگیـــل رســـل و رســـایل.

743
سنی سئوه‌ن اوچون قالا بیر جانا دئمـه‌گیـل، شول لعلِ لبینـی سـوروبان قانـا دئمـه‌گیـل.
بین اودا گیریرسه کی، سانا ایرمه‌یـه اولمـاز، هجرانیم اودو گئی قاتیـدیر یانـا دئمـه‌گیـل.
دای کؤنولو اوغرو گـؤزون ائیلـه‌دی همبـاز، دیوانـه‌دورور گلمـه‌دی دیوانـه دئمـه‌گیـل.
پیمـان ائـده‌رم دنیـز ائـده یاشـیمی پیمـان، اسریدی بنـی، دورمـادی پیمانـا، دئمـه‌گیـل.
بیر غنچه‌ده گؤردوک ایکی یـاقوتی بیلیریـز، بیر سروده گؤردوم ایکی رومّانـا دئمـه‌گیـل.

744
گؤزونو گؤره‌لی آییلماق اولـدو بانـا محـال، نه‌دست‌یاری‌یی صبر و نه خود مجالی مجال.
گؤزومـده غیـر خیـالین دخـی نسـنه یـوخ، جگـرده غمـزه‌لـرین اوخـو قـانی مالامـال.
یمـین ائـده‌رم آنـا کـیم یمینـین ایلـه بانـا، ایـاغ وئـره‌لـی بیلمـه‌میشـم یمـین ز شـمال.
الیم اته گینه ایرمز، گـؤزوم یـوزون گـؤرمز، قولاق سؤزونو ائشیتمز، دیلـیم اولمایـا لـال.
چوسنی‌گؤردوگؤزوم،اؤزگه‌یی قاچان گؤریسر، گره‌ک کی، احواله آیریقسی گؤزوکه احـوال.
ساچین مفصّل ائده‌ر درد شرحینی کؤنولـون، اگرچه آغزین ائده‌ر یوره‌گیم قـانینی اجمـال.
هـزار سلسـله بـین داغ ائتمـه‌یـه آنـی کـم، یوره‌گیمه بنیم ائیله‌دی زلف ایله شول خـال.

745
نـوروزدور جهـان، یئنـه نـوروزا باشـلاغیل، دیو و پری‌یی ترک قیـل، امـروزا باشـلاغیل.
بن زلفو حلقـه‌لـری ایلـه حیـدری‌یـم اوش، جـانیم قلنـدری ایسـه دریـوزه باشـلاغیل.
بن خود نئیه‌م کـی، خدمتینـه باغلانـام کمـر، سؤزوم اگر یوخ ایسه، نولا، سـازا باشـلاغیل.

باری گراندیر بئلی‌نین گرچه بیز اوجوز، اوجوز گرانینی بیزه اوجوزا باشلاغیل.

746

نه سایری‌جان اولا کی، لعلِ لبی قندی دگیل، زهی دلی کی، آنین گیسوسو کمندی دگیل.
نه تاتلیلیق بولا عمرونده اول دلی کی، آنین، دماغینا ایریشه تاتلیلیق کی، قندی دگیل.
نئجه‌سی مؤمن اولا کی، سجود قیلماز آنا، نه مولوی اولا کی، گیسولاری بندی دگیل.
کیشی کی، تزیه‌سی جانی‌نین تمام ائتدی، نه کیشی اولا جهاندا کی، ریشخندی دگیل.
هزار جان و هزاران دل و هزاران عقل، هنوز لایقِ لعلِ سیم و سمندی دگیل.

747

روحی گؤردون، روح روحون ایسته‌گیل، قامو جانلارین فتوحین ایسته‌گیل.
بادەی حرص ایله اولموشسون خمار، عشقی جامیندان صبوحون ایسته‌گیل.
غرقه اولموشسون فنا توفانینا، گمی‌یه جهد ائیله نوحون ایسته‌گیل.
یارالی‌دیر یوره‌گیم ایچه‌ریدن، یار، اینانمازسین، جروحون ایسته‌گیل.
سن ده، ای بت، بن اؤزو سئوه‌رم، وار بو رمزین سن شروحون ایسته‌گیل.
خوجا عقلین بونجا ییلدیر یول یورور، نه قضامیش، بیر فتوحون ایسته‌گیل.
توبه قیلماقدیر سانا عینِ گناه، توبه‌دن توبه نصوحون ایسته‌گیل.

748

زلف ایله آشفته‌یوز، بادِ هوادان دگیل، عاشق دیوانه‌نین ایشی ریادان دگیل.
کؤنلک‌ائدیلدی سنین عشقین اودونو کؤنول، عشقی درونی دورور، دردی یاخادان دگیل.
بادِ صبا گلدی دون، قیلدی پریشان بیزی، گیسوسو عذرو بو کی، بیزیم اوبادان دگیل.
اول‌کی دوا دردی‌دور، طعنه نه محتاجی‌وار، اول کی‌دگیل بؤیله پس، دردی دوادان دگیل.
عشق یئمیشی شها، جان و دل عقلدیر، عشق آغاجی یئمیشی برگ و نوادان دگیل.
آغیزی‌نین نقطه‌سی حق قیلا قسمت آنی، دم کی اورور گؤرموشم، غیرِ فنادان دگیل.
گر چکرم یوز جفا، اول بانادور بین وفا، چون‌بیلورم کی، نه کی گلدی، سوادان دگیل.
مختصر آیدیر کؤنول، آغزینا اؤز حالینی، گیسولارین کیبی اول فتنه اوزادان دگیل.
گؤزونه قول اولاییم کی، تولو ایاغلاری، خونِ جگردن بانا وئردی شرادان دگیل.
باشا یئتیرمک گره‌ک، رهروی راهِ هوا، سالکِ‌ره یولداش اول بیر- ایکی آندا دگیل.
بئلین ایله کؤنولوم یورور ایدی اینجه یول، عشق تجارتلری بیع و شرادان دگیل.

لازم اولور عشقه کـی، گتیـره اول ایکیلیـک، اورتادا واردور دیلک، لیـک رضـادان دگیـل.

749
نئچـون قیلمـاز عجـب دلبـر بیـزه میـل، کـی، گـؤزلریم آخیـدور قـانینی سـیل.
گـؤزوم گئجـه اویومـاز گیسـون اوچـون، ائشـیده‌لـی لبینـدن کـی قومیـل لیـل.
آیـاق توپراغینـا لـایق بیلینمـز، مگـر کیرپیـک کـی اولـدو طاهرالـذیل.
خیـالی هـم خیـال اولـدو بانـا چـون- کـی، خـالی‌نـین خیـالی اولـدو سـرخیل.
سـاچین گؤسـته‌رەلـی گونـدوزده لیلـی، ائشـیگیندن قوپـار آواز و واویـل.

750
بیعار گؤردون ایسه بیزی عـاری سـانماغیل، کاسی تولـو وئـر الیمیـزه عـاری سـانماغیل.
آندان بری کی، عشقین اودونـا یاخیلمیشـیز، بازاری پوز، شها، بیـزی بـازاری سـانماغیل.
یوزحلقه‌چرخ‌اوروب‌ساچینا بن تولاشمیشـام، بینی تولاشـدی بندینـه ناچـاری سـانماغیل.
غایـت سوسانمیشـام لبینـه یـاری دیلـه‌رم، یارانلـاریمی قیلـا بانـا یـاری سـانماغیل.
اول باری کی، بئلینده سنین گؤردو گؤزلریم، وئرمـه‌دی کؤنلومـه آنـی بـاری سـانماغیل.
عشقین قاپیسینی گئجه گوندوز بـنم قاخـان، اویـور و اویـانیق داخـی دیّـار سـانماغیل.
عشقینه جان و عقل و دل و تن بـنم وئـره‌ن، بو شاری عشقینه، صنما، شـاری سـانماغیل.

751
گـؤره‌لـی شـاها یوزونـدن بیـر جمـال، قالمـادی یوزونـو گؤرمـه‌گـه مجـال.
قیـل بئلینـه نقطـه آغزینـا، بگـیم، بـو تصـوّر باطـل اول سـئودا محـال.
بـن لبینـدن ایچـه‌رم یـوره‌ک قـانین، دوتـالیم کآنـدان آخـار یـوز بـین زلـال.
یاشـیمی گـؤزدن بوراخـدیم کـی، نـه‌دن، بـو سـوه ده ائـده‌مـه‌دی خیـال.
بئلـده قیـل، آغزینـدا قـالی گؤرمـه دیـن، وارلیغیمـدا یـوخ ایـدی هـئچ قیـل و قـال.

752
گل آخی خطایا دوشمه چؤزینجک سـاچینی گؤرگیـل،
خُتَنین کی، مشکی واردیر، بیلـه‌سـینه جـانی گؤرگیـل.
یوزو گولـدورور، دری‌دور چـو گلـاب خـوش مکـرّر،
اؤله‌ییم دئمز اولورسـان سـن آنـی سـاچینی گؤرگیـل.
تاغیـدالی زلفونـو سـن بـو جهـان قـارانی اولـدو،

یئنــه گونــدوزو دیلرســن بویونــا آخینــا گؤرگیــل.
قولاغینــداکی گــوپی گــؤر دخــی آنــا نــه‌دور دئمــه،
دئمـه طـوبی بویونـا گـل بیـل ایلـه بیچینـی گؤرگیـل.
تاشــی لعلــدیر لبــی‌نــین، ایچــی شــربت حیــاتی،
گر آنـا ایریشـیر ایسـن دوروشـوب ایچینـی گؤرگیـل.
ایچینـی بـیلم دئـر ایسـن صـنمین تاشـینی گؤرگیـل،
دل و جان و عقل رختـین اول ائـوه تاشـینی گؤرگیـل.
یاشی گنجه‌جیک نگـارا دی کـی، گؤروجـک یاشـینما،
صــنما، ســنی ســئوه‌نــه نظــره یاشــینی گؤرگیــل.
قاشــی غمــزه‌ســی الینــدن باشــیمی قاشــینمازام،
گلیـر ایسـه گـل الینـدن باخیجـاق قاشـینی گؤرگیـل.

753

زهــی شــیرین لــب و نــازک شــمایل، کــی کؤنــول عشــوه‌ســینه اولــدو مایــل.
ســاچی عشــقی قوشــاقدیر بئلیمیــزه، اولــــالی ســــاعدی بانــــا حمایــــل.
وصــــالیندیر بانــــا تریــــاک اکبــــر، اگــــر هجــــرین ایســــه زهــــر هلاهــــل.
بونــو گــؤز آنلاییمــاز، عقــل ایریشــمز، بــو نــه بویــدور، بــو نــه شــکل و شــمایل؟
هــــزاران عقــــده‌دور گیســــولاریندا، قاچــان حــال اولیســار بونجــا مســایل؟
ایریشــمک ســهل اولــا ایــدی تاپونــا، وجــــودوم اورتــــادا اولماســــا حایــــل.
نگــــارا، گیســــولاریندیر معقّــــد، لبینــــدن گــــؤروروز واضــــح دلایــــل.
نــزاری بئلــی‌نــین، مســکین ســاچی‌نــین، اولوبــدور ائشــیگینده شــیمدی ســایل.

حرف م

754

دل ساچین آراسـیندا آزار ایسـه، نـه قیلـام؟ جان باشیما سئودانی یازار ایسه، نـه قیلـام؟!
بـازاریمی گـرم ائـدەم زاریلیـق ایلـه سـنه، زاریمدان اگر دلبـر بیـزار ایسـه، نـه قیلـام؟!
افکار ائده زولفونده بو عقـل کـی شـیدادور، بیچاره کؤنول اگـر افگـار ایسـه، نـه قیلـام؟!
اقـرایم اونـا اول کـی، قیلمایـا بانـا انکـار، بنیم دلی کؤنلومـه انکـار ایسـه، نـه قیلـام؟!
جدول آخیدیر گؤزوم آیاغینا شول سـروین، دولابی بو گؤزومون پرکار ایسه، نـه قیلـام؟!

755

قـدم باسـالی یولونـا قـدم – قـدم یانـارام، تاپونـدا شـمع کیبـی اوشـدا دمبـدم یانـارام.

جهـانی تـن دیلـه‌رم بـن کـی اودونـا یانـام، بو وارلیق ایله یانارسام، اودونـا کـم یانـارام.

یاخامی هئچ قوماز الدن، یاخام الینده دورور، ال اورمادین یاخاما دئمه‌دین یاخـام یانـارام.

جمالی گونشی چون توغا حسـن گؤیونـده، جمالیم اولمایا کی اوندان یانا عـدم، یانـارام.

گؤزومون ایرمز الی کی، نظـر قیلـا یوزونـه، وگر گؤز اوجو ایله اؤزگه‌یه باخـام، یانـارام.

756

بقاسی یوخ بـو جهـانین فنـادا دوتمـا مقـام، تورایمدی، ساقی، تولو وئر الیمه جامی مدام.

وجـود کُلّـی فـدا گـر قیلـا کیشـی یولونـا، عمـر یولونـا گؤییمـه‌یـه بیـر نفـس ایّـام.

لبینی سوردوم اول آیدیر کی بیر میـل پختـه، دئدیم کی زلفو نه‌دور؟ دئدیلر کی عنبر خام.

ساچین بورییه‌لیم یوزونو بیلدوم آنی نفیـر،– کی یاخین اولسا قیامت غریب اولـور اسـلام.

لبیم لبینه اوزانـدی کـی، سـورا نـرخ شـکر، گؤزو دئر اؤگونو دئوشیر باخـا دورور لالـام.

757

یولونـــدا یـالین ایـاغ و سـرباز اولیسـارام، جـان اوینایبـان عشـقینه سـرباز اولیسـارام.

شهباز گؤزونه گهـی صـید ائدیسـه‌رم جـان، ککلیـک یوریشـینه گهـی بـاز اولیسـارام.

محمود اولیسـار بـن بیلیـرم عاقبـت ایشـیم، آنـی گـؤزه‌دوب لـاجرم ایـاز اولیسـارام.

چو سؤزومه همدم‌دور اگـر چنگیمـه گیـره، نی ایله دخـی بـو گئجـه دمسـاز اولیسـارام.

لطفونـو بانـا قیلمـاز ایسـه دیلـه‌دیگیمجـه، پـس بیلـدیگیمی عالمـه غمـاز اولیسـارام.

758

شاها، گیسولارین ایله بغایـت بـن پریشـانام، خیـالی ایلـه زلفونـون همیشـه عنبرافشـانام.

گهی‌خندان‌وگه‌گریان،ولی عشقی‌نین اودونـدان، نگارینا نه دئیه‌ییم کی، یوز درد ایلـه بریانـام.

گؤزون‌گوشه‌سینی‌گؤروب‌مجاوراولدو دل آندا، اوخونا دخی اوخ دئرم نئجه کی، آندا مهمانـام.

نئجه‌جاندیرشاهازلفون‌کی،هربیرینده‌بین جانلـار، اسیراولموش‌عجب نولا بنیم جانیم‌کی‌بیر جانام.

بانا پیوسته قاشینی چو گؤسته‌ریر شها حسـنون، گل ایمدی بایرام ائده‌لیم هلالوندا چـو قربانـام.

759

نگارا، عشقین ایله ال توتوب دیوانه واروارام، نولـا عاقـل ایسـم چـو بـن دیوانـه واروارام.

هوای بیریبیدوم بن کی، برباد ائیله‌یه زلفـون، گره‌ک‌کی، دینمه‌یه‌حسنوکی، بن ایمانـا واروارام.

زلیخا قول اولور ایسه نولا بن یوسـفه چـونکی، سنین عشقینده زنـدانا هلـه، زنـدانا واروارام.

نگارا، اره‌دوزموشسون‌ساچین‌شعرین‌روامی‌دیر، کی، بنده‌هرقیلی‌نین مثلی چون آرانا وارورام.
طبیب لعلینه سوردوم دوا بو دردیمه نه‌دیر، دئدی، نومید اولمانوز چو بن درمانا وارورام.

760
یئنه صبا قوخوسو ایله معطّر اولدو مشام، مگر کی، گلشن آراسیندا یار قیلدی خرام.
بانا لبیندن و گؤزلرینه یوره‌گیمدن، حرام اولدو حلالی و حلال اولدو حرام.
قیام محشر ارواحا بیر قیامتدور، آنین اوچون دل و جان ایله بن جانیما قییام.
ساچینا باخدیم ایدی هزاران بین جان وار، سانماکی، بن دخی جانیم ایله ساغیشا سانام.
نه عیش ایسته‌یه کیشی جهاندا بوندان یئگ، کی، شمع و شاهد و ساقی مدام اولا و مدام.

761
بن دونیادا بغداد ایله دلشاد اولیسارام، بنده‌سی اولوب غصّه‌دن آزاد اولیسارام.
بن جان و دل و عقل و تن ایله کؤنولومو، معشوقه فدا قیلماغا بنیاد اولیسارام.
بن‌خاکی‌گؤزومدن یاشیم ایرماغینی دؤکوب، اول آتش لعلی ایله برباد اولیسارام.
محراب ائدوبن جانیما معشوقه قاشینا، دردیم ائله عشق اهلینه اوراد اولیسارام.
داد ائیله‌مز ایسه بانا، بیدادیمی دلبر، بن دخی جهان خالقینا بیداد اولیسارام.
شیرین لبی‌نین لذّتینی آلماز اولورسام، فرهاد کیبی دُنیادا بیر آد اولیسارام.
گؤزو ایله زلفئینی کمندینی بولورسام، کؤنلو قوشون آولاماغا صیّاد اولیسارام.

762
شها، کؤنول اولالی گؤزلرینله دردآشام، تولاشدی شامه‌نیزین دانه‌سینه دانه و دام.
یوزونه باخماق ایله گؤز منوّر اولدو نظر، ساچین شمیعییله معطّر اولدو مشام.
بو عشقدیر بنی معشوق و سنی عاشق ائده‌ر، بو عشق ایله دیله‌رم کی، سنین ایله سیواشام.
جهنّم اهلی دگیلم، نگارا، جنّتی‌یم، نئچه‌سی سنجیله‌یین حوریدن گؤزوم یاشام.
بو دونله کؤنولو ایسته‌یی و واردیم ائشیگینه، دئدی‌کیم: زلفومه‌تولاشمیش‌ایدی ایر آخشام.
آیاغی‌نین توزویام عشق یولونا گیریجک، اگرچه جمله‌ی سرولرین باشینا باشام.
عنایتینده الهین اوشه چوخ ایرماقلار، قاموسوغرق‌اوللار ایرماغیمدا چونکی تاشام.

763
خفته و خسته‌دور گؤزون، بن یا نئجه‌سی ساغ اولام،
گرچه کی، یاخینام سانا، سندن ایراق – ایراق اولام.

بــاش آیاغینــا قویــالی گرچــه کــی، دنیایــا باشــام،

شــیمدی آیــاغی باسمیشــام کــی، تاپونــا آیــاق اولــام.

یــوره‌گیمــی گیســون اوچــون فتیلــه عنبــر ائتمیشــم،

تا کــی، اوزون گئجــه‌ده شــمعین اوچــون چــراغ اولــام.

زنگی گؤزون اوچون، شها، چون حبش‌دورور کؤنلـوم،

عیبــه ســاییلامی اگــر باشــدان آیاغــا داغ اولــام؟

فــرقتین ایلــه گؤینــه‌رم، وصــلتین ایلــه یانــارام،

آرتیق اولور جانا خطر نئجه کی، بن ایناغ اولـام.

764

تا خیالیندان کؤنولده نقـش زیبـا اورموشـام، ای بسا نقّاشِ چین ایله سر و پـا اورموشـام.

می لب لعلینه اؤزون نسبت ائیلـه‌دیگیچـون، قانینی‌ایچمک‌اوچون‌یوزمَشک‌سقّا اورموشام.

ایرماغی ایرماغا یورار گـؤز یاشـینی یارامـاز، آشناميز بیلیر آخر کـی، نـه دریـا اورموشـام.

بکری‌یم‌چونکی‌گؤزوندن‌می‌چکرم‌دون‌وگون، صوفی‌یم‌چونکی‌لبیندن‌قند و حلوا اورموشام.

یئنه عشقه دوشموشم بن سنی دیله‌رم، سنی، یئمک، ایچمه‌گی نئده‌رم منّ سلوا اورموشام.

765

قانا بویاندی یوره‌گیم سوچو نه‌دیر سـورارام، لبیندن آنا شفا سون کی، آنـا جـان سـونارام.

یوزوندن‌اؤزگه‌یه‌نئچون‌باخاگؤزوم‌چون یوخ، نظیــر دونیــادا ســانا اگرچــه بــا نظــرم.

هزار جان آپاریرسین کی، بیر نظـر قیلاسـین، ولیک بین جـانی بـن یولونـا بیـره سـایارام.

حیــات شــربتیدیر لبلرینــی بــن تشــنه، چــو گیرمــز حســرت آغوســینا قانــارام.

گــؤره‌لــی زیــر و زبــر زلفونــو پریشــانام، ولــی همیشــه بویونـا تولاشــماغی سئوه‌رم.

766

هر دم بو کؤنول قوشونو بو شهبازا اوینـارام، معــذور تــوت هــوادان اگــر آزا اوینــارام.

زلفــو هوایــا اوینــار ایســه باشــینی، نولــا، بن بیر قیـل ایلـه جـانیمی سـربازا اوینـارام.

سنین ایله سازکار اولیسـارام دئمـیش ایـدی، بو سؤز ایچینده بن یئنـه اول سـازا اوینـارام.

وصلینده عقل و جان و دل اویناماـیام دئمـه، هجرینده چون قاموسونو بیـر نـازا اوینـارام.

وار پــرده و مقــام ایلــه آوازه، صــوفیه، آشــفته عاشــقم کــی، هــر آوازه اوینــارام.

767

ای عشق اری، گل‌گیل بری بن سانا یولداش اولموشام،
قیلمادی هئچ گیزلی ایشیم اوش عالمه فـاش اولموشـام.
بن بیـر زمـان زاهـد ایـدیم تسـبیح ایلـه، تحلیـل ایلـه،
شیمدی‌کی‌گؤردوم یوزونو، اوش‌رند و اوباش اولموشام.
آنجـا یوزومـو قیلمیشـام تـوپراق آیـاغین توزونـا،
کـی، باشـینی قویانلـارا یولونـا بـن بـاش اولموشـام.
پـالوده قیلـدی کیـرپیگیم، عنّابیـدن گـؤز یاشـیمی،
بـن وارلیغیملـا شـیمدی حلوایـا خشـخاش اولموشـام.
اؤزومـو رسـوا قیلمیشـام دونیـا قووانلـارا کـی، بـن،
عشـق اهلـی میدانینـدا احسـنت و شـاباش اولموشـام.

768

بـن خطـین کیبـی خامـه یازمامیشـام، اول خطـی هـیچ خامـا یازمامیشـام.
یازمیشـام خـط اوگـوش بنـین کیبـی، لیـک، رومـا دخـی شـاما یازمامیشـام.
آزمیشـام گیسوسـو ایچینـده، ولـی، عشـقی یولونـدا راسـت یازمامیشـام.
گـؤزون آزدیـردی زلفونـه قویمـادی، آزمیشـام چـونکی آنـدا آزمامیشـام.
یازمیشـام یازمـادین خطـین یازیسـین، یازمیشـام یـازدیغیمی یازمامیشـام.
دنیـزه گیرمـه دن سـاچی عنبـر، لعلـی یـاقوت اگرچـه یازمامیشـام.
زلفـو دامـی توتـام کـی، بنـی یـازا، دوشموشـم بـن چـو دامـا یازمامیشـام.
یازمیشـام قـانلی گـؤز یاشـین ادرار، گـر خیالینـه جامـه یازمیشـام.
مشـک ایلـه بـرگ گلـده نسـخ ائـده‌لـی، کیمسـه آدینـا نامـه یازمامیشـام.

769

قانی گؤزلری بادام، قانی سـرو گـول انـدام؟ قـانی یـار دلـارام، اولمـادی بانـا رام.
قـانی یـار نوآمـوز، قـانی عشـق دل افـروز، کی‌کئچدی‌دون و امروز، کئچیسر یئنه فردام.

تولو سون بیزه جامی، ایـرور جانیمـا کـامی، یئتیر گؤگلره نامی، قول ائت روم ایله شامی!
آنـا باشـلا قولـامی، بیـزه کسـمه سـلامی، گؤزەت ایشبو نظامی، لبینـدن جـانیم ادغـام.

نئجه جانیما آلی، ایا دیشلری لالی، گل ای یاناغی خالی کی گیسو ایله خالی.
یوزو حسن ایله والی، ایا باد شمالی، بولورسن زر و مالی، جمالینا قیل انعام.

ایا دلبر دلبند، ایا نازک لب قند، ایا تورک شکرخند، ایا خال سمرقند.
زهی گیسوی پرّبند کی، بین جان آنا دربند، زهی لعل شکرقند، وئریرسه قولونا وام.

گل ای جانیما جانی، گل ای قصد امانی، گل ای جوهر کانی، گل ای روحی مکانی.
ایا عیسی ثانی، ایا عین معانی؛ تاپون‌تک‌دخی قانی کی بن پخته و سن خام.

770 نگارا، تاپوندا بندن سلام و الف[1] سلام، جمال جانا بو تندن سلام و الف سلام.

کؤنول آل، کؤنول آل جانیم گئدیجک، گئری گل جانیم العیش، العیش، العیش.
لبینه کی اریر آنین قاتیندا قند و نبات، کی قاندان اولو بو قاندان سلام و الف سلام.

سئوه‌رم، سئوه‌رم، سئوه‌رم سوچوم اول، سوچوم اول جانیم العیش، العیش، العیش.
جهانی جانیم اوچون سئوه‌رم جانیم سن، سانا ای جان، بو جهاندان سلام و الف سلام.

سنینم، سنینم، سنینم بنیم اول، بنیم اول جانیم العیش، العیش، العیش.
بیزه‌دیکن‌گؤرور ایسن،ای‌گول،قبول‌ائت‌گیل، سانا ای گول، دیکندن سلام و الف سلام.

گل، ای‌گول، گوله گل، کؤنول آل، گوله گل، کؤنول آل جانیم العیش، العیش، العیش.
نئجه کی آلماز ایسه جان سلامیمیزی بیزیم، هله تاپوسونا جاندان سلام و الف سلام.

771 یوزوندن اؤزگه یوزونو بن آیا سایمازام، ایشبو خماری جز کی، لبین آیا سایمازام.
قاشین یایندا کیرپیگین اوخونا اوخ دئرم، زلفون ایکی جهانا آنی یایا سایمازام.
سنسین کی، بیر نفسده آپاردین هزار جان، سن آلدیغین روا دگیل اوبایا سایمازام.

1– الف = مین.

جهان قاتیندا جانا محل یـوخ آنـین اوچـون، بیر قطره سویو بـن دخـی دریایـا سـایمازام.
بن سایه سـایارام یوزونـو خـطلرینـی هـیچ، بین جـان و دل آپـارا بیـره سـایه سـایمازام.

772
ای یارانلـار، یــار یولونـا نـم قالـدی کــی، یانمامیشــام،
بونجـا کــی، یانــدیم یانــارام، باللــه کــی، اوسانمامیشــام.
خمّــاری گؤزونـــدن آنـــین بیـــر تولـــو آیــاغ ایچمیشـــم،
آنــدان بــری سرخوشـام اوش هــیچ دخـی اویالمامیشـام.
جان دیله‌دی بندن گؤزون عقـل و کؤنـول وئـردیم بیلـه،
تـانریم تـانیق بـن جـان اوچـون معشـوقه یاجانمامیشـام.
لطفـائیله‌ییب سن توت الیم، ساچ اودوما رحمت سویون،
زیــرا اودونـا دوشــمه‌گـی بــن کیمســه‌یــه تانمامیشـام.
تاپ یـاخ اودونـا جـانیمی، وقتـی‌دورور اکسـیری سـال،
نــه بوتــه قالـدی کـی آنـدا بـن بـین قاتلـا قایانمامیشـام.
جـان ایلـه ایکـی جهـانی عقـل و کؤنـول نـه وار ایســه،
عشـــقی الینـــدن ایچمیشـــم الّــا کــی، هــیچ قانمامیشـــام.
سـنی دئـدیم سـینه دگـین سـندن اوسـانماق یـوخ بانـا،
بین گـز اؤلـوب دیریلمیشـم، اول سـانی‌یـی سانمامیشـام.
گؤزوم یوزونـو گـؤره‌لـی گؤرمـه‌دی راحـت گونـدوزو،
یـورد ائـده‌لـی جـان زلفونـو بیـر گئجـه دولانمامیشـام.
ایچیم قارا، بنـزیم سـاری، یاشـیم قـان و قـانیم سـودور،

دخـی نـه قالـدی کـی آنـا بنـه عشـقینده بویانمامیشـام؟

773
ایـا کؤنولـده گؤزومـدن ایـراق سـانا سـلام، نه شاهسین کی، بنیم تک هـزار سـانا غلـام.
گؤزومده قانلی یاش و کؤنولومده خونِ جگـر، گؤزون‌اوچون‌تولو دورور بو ایکی شیشه مـدام.
بویون‌خیالی گؤزومدن قاچان گئده، چونکی، کنــارِ آبــدا قیلیــر همیشــه ســرو مقــام.
یوزونله‌زلفون‌اوچون‌دردلی‌یم‌گئجـه- گونـدوز، اویانیرام و اویـورام آنینلـا صـبح ایلـه شـام.

گل‌ایمدی‌خوش‌گؤره‌لیم‌بو دمی‌کی، بیلیمه‌زوز، کی تانلاجاق نه قیلیسار بیزیم ایله ایّام.
پس‌ایمدی‌جنگی‌نوا دوز وسؤزایله ساز ائت، کی بیز تولو چکه‌لیم عشقینه سنین بیر جام.
ملاحتین قامویا عامّدیر، بانا جورون خاصّ، ولیک حسنونه آشفته‌دیر بو خاص ایله عام.

774
سایه‌سی‌یم، لیک بن اول سایه بانین قولویام، بارماغی آتدیغی اوخام، اول کمانین قولویام.
بنی آییردی اؤزوندن کی، دخی یاخین قیلا، سودوم‌اودور یوزخیال‌ائده‌ر آنین بن قولویام،
گؤزده‌بئلین یوز خیال ائده‌ر آنین بن قولویام، دلده آغزینچون گمان ائده‌ر گمانین قولویام.
بحرِ عشقیندیر گتیریر کان آغیزین لعل‌لر، چونکی‌مقصودوم‌بولورام بحروکانین قولویام.
بو تن و جانداغی لذت لذّتِ معشوقه‌دیر، بن آنی بیلمز دگیلم جسم و جانین قولویام.
لبلرین قانلی دورور دوتارام آنی لطف ایله، نازک‌وشیرین و تر دوشدو، بو قانین قولویام.
بو امیرِ نفس و ولیِّ هوادن نه قایغو، گربانا تحقیق ایسه ایشبو کی، خانین قولویام.
گؤزوم و قولاغیم و دیلیم قامو سنسین؛ شها، بن بو قولاغ ایله بو گؤز و زبانین قولویام.

775
دیله‌رم آیت حسنونو کی، تفسیر قیلام، نه روادیر اولا کی، بیر نقطه‌یی تغییر قیلام.
بو گئجه اؤزومو زلفونده مسلسل گؤردوم، گؤردوگوم کیبی گره‌ک دوشومو تعبیر قیلام.
بن آنین سرو روانینا اگر طوبی دئیم، قصّه سان و سانیبان مدحینه تقصیر قیلام.
توتالیم ساچی کیبی بو عؤموروم اوزون اولا، بینده بیرینی بو دردین نئجه تقریر قیلام؟
شول‌خطین‌وصفینی‌کیم‌مشگ‌ایله‌کافوردورور، قلم و کاغذ ایله بن نئجه تحریر قیلام؟
دیله‌مه‌زم‌کی، اولام‌عاشق و معشوق اولا اول، دیله‌رم کندوموزو آنین ایله بیر قیلام.
گاه زلفونه اویوب روما سالام آخین بن، گه خطایا اویوبان غارت کشمیر قیلام.
آلدی کلّی بنی، آندان نسَنه بولومادیم، بنی یا یاریمی بولماغا نه تدبیر قیلام؟
نقطه آغیزینی سطحینده یوزونون گؤره‌لی، جسم ایله جانیمی خطّی ایله تدویر قیلام.

776
جان‌قدری‌سهل‌اولا، ولی جانی‌دورور، جانام، سن‌سانمااول سانی‌یی کی، بن آندان اوسانام.
اینانماز اولدو بانا خیالینی بیر گئجه، ییللر بن آنا جان و دل و عقلی اینانام.
یوره‌ک قانینا قاندی، لبی نوش دئر آنا، گون اولا، بن دخی لبی‌نین قانینا قانام.
ازلدن ابده یاناییم بن سنین اوچون، بن شمع دگیلم کی، یارینام گئجه دوکه‌نم.

گؤزون‌گؤره‌لی اویوموشام شیمدی غمزه‌سی، آجیتـدی بنـی دیلـر اولـامی کـی، اویانـام.
بـاش اوینایـان یولونـا آد آلیـر بـو دُنیـادا، بن جان و عقلیم اوینایـاییم تـا کـی، آدانـام.

777
بـن جـانی نئـده‌رم، ولـی جانانـا سـاخلارام، بن عقل ایله کؤنلومو شول جانـا سـاخلارام.
مرجان گؤزوم یاشی‌دیر و یاقوت دیشـلرین، یـاقوت لبلرینــه بـــو مرجانــه ســاخلارام.
بن گؤزلریمی گؤرمک اوچون سنی گیزله‌رم، قانلی یوره‌گی شول لب و دنـدانا سـاخلارام.
هجــرین جفاســینا دؤزه‌مــه‌زم ولیــک بــن، وصـلین خیـالینی قـاتی مردانـه سـاخلارام.
شاهانه نقشینی بو کؤنـول تختـه‌سـینده بـن، گرساخلاماز ایسم‌دخی، شاها، نه سـاخلارام؟

778
کؤنولده بـن بنـین ایلـه شـهدانه سـاخلارام، جانیمدا بن دوشون ایلـه دُردانـه سـاخلارام.
سئوداسی زلفونون گؤزومه بیر خیال ائده‌ر،- کی، کیرپیگیمی آنین اوچون شانه سـاخلارام.
بئلینلـه تـن نـزار و جـانیم سـمریدی، نولـا، چــونکی هلــال قاشــینا قوربانـا سـاخلارام.
یوره‌کده شول قانی کی، شها، دوزدو لبلرین، درد اولدو، لیک بـن آنـی درمانـا سـاخلارام.
مردملیک‌ائیله دی بو گؤزوم، دؤکدو اینجیلر، تولـدوردو اتـه‌گیمـه، اول انسـانا سـاخلارام.
یوره‌ک کباب قیلدی و گؤزوم چکیـده مئـی، بانــا حــرام، آنلــاری میخانــه ســاخلارام.
عشقین‌کی، جاندادیر وسرّین‌کی کؤنولده‌دیر، شـیروانه آچـارام یئنـه، مردانـه سـاخلارام.

779
نگارین گیسوسو اوچون پریشانام، پریشـانام، آنین لعل لبی اوچـون همیشـه شکّرافشـانام.
دل و عقل و تن و جانیم فدادیر جمله‌سی آنـا، نه‌کی، قیلیرساا‌ول‌قیلسین‌کی، من‌در زیرِ فرمانام.
هلالی‌قاشینی‌گؤردوم‌وجان وئردیم بـه شـکرانه، بانا بو دم دگیلمی عید، چونکی آنـا قربانـام؟
ضرورت حالینا باخدیم و ناگه گؤزومه نقشـی، ایره گلدی و آیدیر کی، سنین دردینـه درمانـام.
آتار غمزه‌ن اوخو ایله و سالار بندینه زلفـون، لب لعلینه دئدیم کی، نه‌سین آخر مسـلمانام.
خطائی گؤزلرین ایله قاشین تاتـارلیق قیلیـر، دئدیم کی، تانرییا باخین کی، بنده ترکِ ایمانـام.
باناواجبدورور اولکیم، تاپوندان اولمایام آیـری، نئجه کیم ایشبو عالم ایچره اندر حدِّ امکانام.

780
یولونـا اویناماغـا جـانیمی یـا جانـامی‌یـام، بسته بن کؤنوله پیوسته عجـب جانـامی‌یـام؟
دوتـالیم غیـرت اثبـات ائـده اغیـار بیـزه، گؤزه- گؤز گؤرور ایکن‌وحدتی اینانمی‌یام؟

اویمابیب گیسوسو سئوداسینا آنین نه قیلام، | بؤیله سئودایی و آشفته و دیوانه می‌یام؟
جگریم قان ائده‌نین سوسامیشام لبلرینه، | بیلیمه‌زم کی، بن اول چشمه ایله قانامی‌یام.
یاسانیر گیسوسو کؤنولومو اغیار سانیب، | بو سانویی دخی یعنی سانا بن سانامی‌یام؟
دوتالیم زلفون اوزانا کی، ایریشه الیمه، | بو ایشی باشا ایریشدیرمه‌گه اوزانامی‌یام؟
گؤزون اسریتدی بنی، اویخوما قیلدی غالب، | اوروجاق یوره‌گیمه غمزه‌سین اوینامی‌یام؟

781

مرغ سحر باشلادی زمزمه‌ی زیر و بم، | ساقی، تولو سون بیزه آلتون ایاق لعل‌فام.
گرچه حرام اولا قان، قیلدیم آنا بن حلال، | اول‌باناوصلین‌نئچون‌قیلدی عجب پس حرام؟
عشقین ایله کیمسنه گؤرمه‌میشم بن سلیم، | گرایشی گؤرموش ایسه، بیزدن آنا یوز سلام.
اود ایله سو نولا گر جمع اولا بنده بو دم، | زلف ایله یوزونده گؤر مجمع صبح و ضلام.
اور آغیزین آغزیما، سور جانیمی گؤوده‌دن، | کی بولاسین دُنیادا عاشق مالاکلام.
هی دئ، بگیم، نفسینه، اولما وجودونا قول، | تاج تجرّد گؤزه‌ت، ای سنه جانیم غلام.
سندن آنی دیله‌رم کی، بیله‌سین کی وارام، | بنده‌سینه هر شهین آنغاج اولور اهتمام.
بوینومادور گیسوسو هر گئجه تحت‌العنوق[1]، | آغزیمادور لبلری تا به قیامت لسام.
کؤنلومو سن‌سایالی قیلدی گؤزوم قان روان، | آخیدا ایچینده‌کین، گر سینیر اولورسا جام.
تا لبینه ایرمه‌دی، بولمه‌دی جوهر بها، | تا دیشینی گؤرمه‌دی، بولمه‌دی لؤلؤ نظام.
فتنه‌دورور گؤزلرین کؤنلومه آخر زمان، | قدّین ائده‌ر جانیما ساعتی- روزی قیام.
اولدو یوزون هر سحر جانیمیزا افتتاح، | اولدو ساچین هر گئجه عمروموزه اختتام.
غرق ائده‌ر ایسه نولا، کیرپیگی بو یوره‌گی، | چونکی یاش ایله بولور غرقی آنین التیام.

782

اولور عشقینده عزمیم جزم هر دم، | قیلور گؤزون دیل ایله رزم هر دم.
جگر قانینی دؤکه گؤزلریم کی، | قیلا لعل لبینله بزم هر دم.
بانا خوارزم اولدو نغمه‌ن ایله، | دوشه‌لی یادیما خوارزم هر دم.
مبرقعدن نوا بولادی کؤنلوم، | ایراقا قیلا دیلر عزم هر دم.
گتیر، ساقی، جگر قانینی ایچه‌لیم، | کی عزم اول‌دور کی اولا رزم هر دم.

1– بویون آلتی.

783

خوانــدم، خوانــدم، خوانــدم، خوانــدم، سـنین عشـقین ایلـه اویـوردوم اویانـدیم.
گهـی لعلـین ایلـه قیزیـل قانـا باتـدیم، گهـی زلفـون ایلـه قارایـا بویانـدیم.
بنـی دیرلـه‌مـه روا اولمایـا هـئچ، کـی، سـنین سـؤزونه، نگـارا، اینانـدیم.
یولونـا نـه عجـب اگـر جـان فـدادیر، هلـه بـن بـو ایشـه یولونـا قیوانـدیم.
بنـی سـانا سـایما اگـر سـندن اؤزگـه، دخـی بیـر یاسـاغی دخـی هـئچ یاسـاندیم.

784

نه دم کی، سنسیز اولورسا کؤنوله اولـا نـدم، نغملر ایله نـه چکـر کؤنـول تاپونـا نـه غـم!
نه‌سم کـی، فرقتینـی چکـه دخـی دیریلمـز، وار ایسه، چاره‌آنا قیل، یوخ ایسه، آنا نه سم؟
اگـر ایـرم تاپوسـونا بانـا نعـیم جـاهیم، و گر ایـراق دوشـر ایسـم، جهـنم اولـا ارم[1].
وصـالینیز آزودور و فراقینیـز اریـدیر، دیله‌گیم اول کی، قیلاسـین عنـایتینی حکـم.
بئلین‌چکیمه‌دی عمرونجه قونشوسو یوکونو، یوخاری باخ، نئجه بو فرقتین یوکونو چکم؟

784

گؤزوم یاشی کی، سیل اولوبان آخـا دمبـدم، نـه فایـده چـو یـوره‌گیمـی یاخـا دمبـدم.
بن جاندا گیزله‌رم، صنما، عشقی‌نین سرّینی، قـانلی یاشـیم، سـاری بنـزیم چاخـا دمبـدم.
نئجه کی، جان هوانـا قـاپی باغلامـاق دیلـر، زلفـون هواسـی حلقـه‌ی در قاخـا دمبـدم.
یانیـب- یاخیلیبـان یاخانـا جـان آرا دئـدیم، جـادو گـؤزو سـالار بیـزی ایراغـا دمبـدم.
گونش‌یوزو شرفده دورور، آنین اوچون اول، گـه گؤزونـه تمـام و گـه اویاغـا دمبـدم.
قانی قان ایله یویـا و هرگـز کؤنـول قوشـو، بویوندان اؤزگه قونمایـا بیـر شـاخه دمبـدم.
هر لحظه تازه کؤنول آپاریر شاهین گـؤزون، اوماقلیـدیر، قاچـان باخـا اول فاقـا دمبـدم؟

785

دردِ فراقـی بـن نـه دلیلـه بیـان ائـدم، اودا یانار جهان بـو سـرّی گـر عیـان ائـدم.
اوزاتماماق گره‌ک کی، ساچیندان نه چکه‌رم، یئگرک بودور کی، لبلری عشقین نهان ائدم.
کیـرپیگین اوخونـا دلیمـی راسـت قیلـالی، باشلامیشام‌قدی‌کی،قاشلاریچون کمان ائـدم.
زلفـون بئلینـده تاغیـدالی قیـل تـوزاغینی، جان دئر بانا کی، وارلیغیمی در میـان ائـدم.
بیر لحظه لبلرینه کؤنـول گـئج وارور ایسـه، سئودا گلیـر باشـیما کـی، ناگـاه قـان ائـدم.

---

[1]– ارم = بهشت.

786

شول حقّه‌ی یاقوت کی، وحدتدن اورور دم، بیر جام‌دورور کی، دخی گؤرمه‌دی آنی جم.
تنگِ شَکر اول شکّرِی تنگ ایچینه مُضمَر، باری گوهر اول لعلِ گهربارینا مُدغم.
دل‌دم اوروماز، بیرنفس اول دردی ایله، زیرا، جاسوسِ صبا ایرورور آنی آنا در دم.
سرکشلیگی‌سروین نه سرور ایله دورور کی، قدّی قدَمینه بئلی افلاکین اولور خم.
بئلینده تزلزل وار ایدی اینجه‌لیگیندن، باری بیریبیدن آنا هم آیتِ محکم.
کندیم بیلیرم کی، یاناغینداغی قارا بن، شول دانه دورور کی، وئره جانین آنا آدم.
لعلین یوزونه بیر نم اوچون جانیم آپاردی، جان وئره‌ییم آنا، دئر ایسه نئجه ینانام؟

789

بانا یالان دئ کی، گر لبینی قاندا بنزه‌دم، آب حیاتی بن شکره قاندا بنزه‌دم؟
چوخلار لبینی بنزه‌ده چوخ نسنه‌یه و بن، سرّ حیاتی عالمه تورونده بنزه‌دم.
تشبیه سنبله نئجه‌سی زلفونو قیلام، لایق دگیل کی، مرده‌یه زنده بنزه‌دم.
بن بنده سنده کندو اؤزومو بولیمازام، تنده کی جانا لیک سنی بنده بنزه‌دم.
عمروم دورور ساچین و دیله‌رم اوزون اولا، سنسیز بو عمرومو دخی بن بنده بنزه‌دم.

790

نای کی، اصلی ساز اولا سازینی نایا بنزه‌دم،
کیرپیگی ایله قاشینی اوخ ایله یایا بنزه‌دم.
آیی‌گونشده چون گؤزوم گؤردو خسوف ایله کسوف،
آیینه یوزونو نئجه گونش و آیا بنزه‌دم؟
آغیزین ایله لبلرین آب حیات و گل شکر،
سؤگمه‌گینی آنین اوچون جانا دویایا بنزه‌دم.
چونکی‌نجاتی‌کؤنلومون‌هم‌یئنه‌سندن اولیسار،
گؤزلری‌نین اشارتی جانا شفایا بنزه‌دم.
بئلین اگر خیالیما گله، خیال اولا خیالی،
بو نئجه‌سی خیال اولا کی آنی لقایا بنزه‌دم!

791

ساقیا، تولو اپاغ رفع حجاب ائده‌ر بو دم، تولووئر،چون‌نه قیلور ایسه صواب ائده‌ر بو دم.

سن بیزه قیلما شرابی کم کی، یارین عشوه‌سی، یوره‌گی باغری قوماز جمله کباب ائده‌ر بو دم.
لبلریندن دردیمه سوردوم دوا دئدی هله، بللی بودور کیم دوا اوچون جواب ائده‌ر بو دم.
قومادی جان و کؤنول عقلی حسابا کیم سایار، جادوی‌مستی‌گؤزون‌یعنی‌کی،خواب‌ائده‌ر بودم.
گول جمالینه حیادان دوشدو شبنم اولامی، قصدی‌اول‌دور تازه‌گولدن‌کیم‌گلاب ائده‌ر بودم.
آب خون ائتدی گؤزومده بن بیلیرم بیگمان، کی توتاغی یوره‌گیمده خون آب ائده‌ر بو دم.
روز روشن دیله‌سه زلفون یوزوندن گیده‌روز، بیریدی زلفون مگر کی، مهتاب ائده‌ر بو دم.

792
دؤکر گؤزوم یاشین سیلاب هر دم، قیلیر یئر یوزونو سیراب هر دم.
کؤنول تبریزینه گله‌لی اول شاه، آخیدیر گؤزلریم سرخاب هر دم.
سماعی چرخی نئیله‌دی جانیما، گؤزومو ائیله‌دی دولاب هر دم.
قاچان قونوشام اول ماه ایله دئیو، الیمده زیج و اسطرلاب هر دم.
لبین عشقینه‌دیر میخانه‌لرده، کی ایچرلر شراب ناب هر دم.
لبین افسونونون معجزلیگینه، مقردیر جمله‌ی احباب هر دم.
حجاب اولدو یاشیم کیپریکلریمه، قاچان یول بولا آندا خواب هر دم؟

793
بانا لازم دگیلمی بیر ترّحم، نولا چون آدمم یئدیمسه گندم.
شاها قاندیم، لبیندیر چون سوسادیم، یوره‌گیمین قانینا دخی قاندیم.
نه سانیرسان کی، اوسانام می سندن، بو سان و سانما کی، سندن اوسانام.
اودا یانار اودوم لیک آدمی‌لر، یانارلار بؤیله کی، اودونا یاندیم.
صفا و عیش بانا اسکیک اولماز، چو عشقینده بو آد ایله آداندیم.
گره‌ک منصور اولام بن عشقین ایله، قدیندیر دار و بؤیومدور کمندیم.
اودوم یاش ایرماغییلا ساکن اولماز، نه قیلاییم عجایب اودا یاندیم.
اگرچه عشق رنگی یوخ نگارا، بن اول بیرنگ رنگینه بویاندیم.
نگارا، ضایع ائتمه سعی‌ییمیزی، زمانلاردیر کی، سنینچین اوزاندیم.

794
قاتی گله لبین جوهر دئر ایسم، مکرردیر اگر شککر دئر ایسم.
بنینه نقطه‌ی عنبر دئدیم بن، همیشه دئیه‌لیم درخور دئر ایسم.

یوزونده حسن علمین اوخوموشام، بنه طعن ائتمه‌گیل ازبر دئر ایسم.
کؤنول مصرینده چون سنسن، عزیزیم، روادیر یوسفه چاکر دئر ایسم.
تنینه یاسمین دئیه‌رم همیشه، عجب توتما میان لاغر دئر ایسم.
ملک تصدیق ائده گؤر بی‌تکلّف، سنه معشوق خوش منظر دئر ایسم.
بنه فخر اولا آیاغین توزو اوچون، همیشه مدح اگر برسر دئر ایسم.
دمیر دؤیمز اودوما سنه قویماز، یئریدیر کؤنلونه مرمر دئر ایسم.
نئجه سر سروین اوچون اوینامیشلار، سنه لایق دورور سرور دئر ایسم.

795
دردین اودونا، شها، عشق ایله یانام نه ایسم، باغریمی دلیبن و سنده گؤرورم نه ایسم.
گؤز یاشی دنیزینده غرقه‌ام و قیلماز اثر، اول دنیزدن بو بنیم اودوما بیر نم نه ایسم.
چون‌دلیک‌دلیک‌ائده‌ر باغریمی هردم دم ایله، وار امیدیم کی، لب لعلینه ایرم نه ایسه.
نئجه کی سروینه ال ایرمز ایسه خدمتینه، باشدان آیاغا دگین کلّی قوشانان نه ایسم.
عشق‌اری‌باشینی‌نئجه‌کی‌کسرنی کیبی دوست، اوراییم عالمی فریاد ایله برهم نه ایسم.
بنی گر هئچه سایيب یار اودونا سالار ایسه، اول اودا آنجا بنیم کیبی‌یی یاخام نه ایسم.
وصل‌و هجران دئمه‌ییب لعل هواسیندا آنین، گاه زیر اینیله‌یم، گه چاغیران بم نه ایسم.

796
بن عاشقم، نه عیب اولا، یاری دیلر ایسم، عشقینله عاجزم نولا یاری دیلر ایسم؟
سئودیم‌یوزونو، کیرپیگینی دخی یاخشی‌راق، سئوسم‌گولون‌اوچون، نولا خاری دیلر ایسم.
باری[1] یاراتدی بارینی اینچگه بئلین اوچون، باری نولا بئلی ایله باری دیلر ایسم.
جار ائتدی گؤزو قامو گؤزلری آخیدا، جاری گره‌ک قیلام گؤزو جاری دیلر ایسم.
ناموسی، عاری ترک ائدیبن آری اولموشام، حمّام ایچینده گؤرمه‌گه عاری دیلر ایسم.

797
دون‌و‌گون‌زلف‌ورخون‌وصفینی‌گریازار ایسم، باشارمایا مگر آندوراسین یارار ایسم.
دل و جان زلفونه دوشوبن اولور سرگشته، ظلمات ایچره عاییبلامان اگر آزار ایسم.
باخیرام وار ایسه یوخ اودونا کیم بن اریيَم، یوخسااورسکّه‌یی بو جان و دله گر زر ایسم.

1– باری = بو کلمه بورادا اوچ معنادا گلمیش، اوّلجه تانری، ایکینجی یئنه و اوچونجو یوک معناسیندا دیر.

ائیلـه قیلمـادی پریشـان سـاچینی بـاد صـبا،   کی آنـا قیلـا وفـا بـو عمـروم دوزه‌ر ایسـم.
بنی دلّاک ائدینیرسن کـی، تارایـام سـاچینی،   جانیمی اوزگیل اگر کم قیلینـی اوزه‌ر ایسـم.
عشـقی دنیزینـه بـن بیلـیش ایـدیم ازلـده،   آشـنایام نولـا اشـکیمده اگـر یـوزه‌ر ایسـم.
بیر پاره بیز کیبی سالدینسا بنـی بـو بوجاغـا،   گیریجک اولو سویا توتوناسین معِذر[1] ایسـم.
اول‌سعادت‌کی،یوزوندن،شاها،ایردی‌گؤزومه،   اله گیرمه‌یه ایکی عالمی گؤر سـوزه‌ر ایسـم.
ایرمز الیم کی، دیرم سرو بویون شفتالوسون،   وار امیدیم کی، ایرم دیرمه‌گه گر اوزه‌ر ایسم.

798
بن خمارام، نولا گر تولو مـدام ایچـر ایسـم،   بو گئجه تانلا دگیل، آنی مـدام ایچـر ایسـم.
ایچدی‌قانیمی آش‌اولسون‌جادوگؤزلری حلـال،   لبـی یادینـا نولـا جـامِ حـرام ایچـر ایسـم.
ائیله اسروک دگیلم یوزو ایله زلفـو اوچـون،   کی،دخی‌اسروک‌اولام‌صبح‌ایله‌شام‌ایچر ایسم.
گؤزلری‌اوغرو یارین‌ایچمه‌مه‌گه‌آند ایچ- دئر،   سـروِ آزادینـا بـو بنـده غلـام ایچـر ایسـم.
زلفونـو دام ائـدیبن خـالینی دانـه قیلـدی،   بانـا محتـاج دگیـل دانـه و دام ایچـر ایسـم.

799
فـراقین اودو ایلـه بـن نفیـر آییـدور ایسـم،   جهان ایگیدی قاموسی قریر، آییـدور ایسـم.
بـو فلفلـی بنـی‌نـین دلـده‌کـی حرارتینـی،   ایکـی جهـان وُ فلکلـر اییـر آییـدور ایسـم.
نگـار زلفـو باشـینی کـی، مشـربی بیـردور،   وجودو هر دو جهان اولا بیر، آییـدور ایسـم.
کؤنـول اوغرولوغـا واردی نگـار عارضـینه،   سـاچیندا اولـا معبّـد اسـیر آییـدور ایسـم.
کؤنول کی، دوشدو ایشیگینده توپراغا، شـها،   قیلالار آنـی قـان ایلـه خمیـر آییـدور ایسـم.
ایچیمده‌یاندی‌اودو، باشدا بیشدی یوز سئودا،   اولامی عیـب آدینـی نـاگزیر آییـدور ایسـم.
تنـیم نئـی اولـدو هـوا تولـدو آنـدا غایتـده،   نولا صفاتینی بن بـم[2] و زیـر آییـدور ایسـم.

800
یارب، ایرور شول گونـه کـی یـارا ایریشـم،   فرقتـــی‌نـــین دنیزینـــی یـــارا ایریشـــم.
دعــوت ائــده‌ر گــؤزلری فنایــه کؤنولــو،   جهد ائـده‌رم تئزجـوگز کـی جـارا ایریشـم.
حلقــه‌ی در قاخــارام قاپییــا گئجــه کــی،   حلقـــه‌ی زلـــف ســـیه‌کـــارا ایریشـــم.
قیـــزارو ایریشـــه‌لـــی گؤزومـــه یانـــاغی،   جهــد ائــده‌رم اولــا کــی یــارارا ایریشــم.

1– عذر ایسته‌یه‌نم.

2– بم یازیلمیش.

یازمـادی گـؤز یـازدوغونو بـو جگریمـده، باشدا نـه کـی یـازلودور نـه چـاره ایریشـم.
نئجـه بئلـی یولـو اینجـه دورور اوزونـدور، دولــت اولــا، آنــدا گــر کنــاره ایریشـــم.
آلــدی کئییــک گؤزلریلــه کؤنلومــو بنـیم، واردیـم ایـدی یعنـی کـی شـکارا ایریشـم.

801
گؤزلری‌نین‌اوخونا بن، شاها، نشانه گلمیشم، مشکله‌دوشدوگوم‌بوکی،زلفونه شانه گلمیشم.
لبلریدیر جانیم بنیم جانیم ایرینجـه اول لبـه، ایردی‌جانیم‌لبیمه‌کی،صدق‌ایله جانه گلمیشم.
دؤکدو لبین یوره قانین قانا بولاشدی قاشیما، شیمدی‌لبینه‌یاپیشیب دیش ایله قانه گلمیشم.
یوزومو زرگؤزوم‌یاشین‌لعل‌ایله لؤلؤ دوزوبن، آغزینی‌جوهری‌گؤروب‌یعنی دوکانه گلمیشم.
زلفو قیلی بنی اگر سالدی کناره، خوش اولا، بـن تنیمـی قیـل ائـدیبن میانـه گلمیشـم.

802
ناگـاه عشـقی‌نـین اودونـا یانـا دوشموشـم، سئودان ایله اویور ایکـن اویانـا دوشموشـم.
گیـردی کؤنـول قانینـا، شـها، لبلـرین ولـی، باش قویوب آنلارین قانینـا قانـا دوشموشـم.
خطین خطا دئیو هله قولونو چـین توتـوب، بیـر اوجـا ایـرم دئیـو جانـا دوشموشـم.
سـئودایی‌یـم سـاچی ایلـه نولـا مفرّحـی، سورار ایسم‌چوشول لب و دندانا دوشموشم.
شـیرین نکتـه اینجـه دقیقـه لبـی ایلـه، بئلینـدن آنلایـالی بـو برهانـا دوشموشـم.
دیوانـه دفترینـده کـی خوبلـار یازیلـدیلار، بـنم حسـاب آنـداکی، دیوانـا دوشموشـم.
بندن وجودونـو جـانیمین گؤرمـه‌زم ایـراق، چونکی‌عدم یولون قویوب امکانا دوشموشم.
جـانینی جانـا تـرک قیلـان مشـکله دوشـر، جانینـا جـانیمی قویـوب آسـانا دوشموشـم.
شیرین و خسرو ایله و مجنون و لیلـی تـک، بن دخی سنین ایله بیـر افسـانه دوشموشـم.

803
یـــار کنـــارا گلیجـــک بـــن میانـــا گلمیشـــم،
شیمدی کی، ایردی فراقتی درد ایله جانا گلمیشم.
نئجه کی قاشـلاری بنـی اوخ کیبـی آتـدی یابانـا،
آغزیم آچیب الین اؤپـوب، یئنـه کمانـا گلمیشـم.
جان ایله عقل و دل وئریر درد ایله عشق آلمیشام،
یعنی کی اولو خوجایـام سـود و زیانـا گلمیشـم.

آیریغا جـانی حـق وئریـر تـا کـی، جهانـا گتیـره،
بن جانیم اویناماق اوچون ایشبو جهانـا گلمیشـم.
دار بقـا سـانیر کیشـی، ایشـبو جهـان فـانی‌یـی،
بـن بـو فنایـا گیرمیشـم، امـن و امانـا گلمیشـم.
لطف ایله قهری حق بانـا بیربیبیـه‌سـین بیریبیـدی،
بس بـو بصـیرت اهلینـه دام ایلـه دانـه گلمیشـم.
علم ازلدن چونکی حق سئچدی قـامو اولاجـاغی،
بـن و نئچـه بنـیم کیبـی بونـدا بهانـه گلمیشـم.
هیچ ایدیگینی کؤنولـوم بیلـدی بئلینـی گـؤره‌لـی،
گؤره‌لی لعلی عشوه‌سین شیمدی گمانـا گلمیشـم.

804
جان وئرمیشم بن‌یولونا، تا بیر زمان جـان وئرمیشـم،
دردین کی جان دردی ایدی، دردینه درمان وئرمیشـم.
دنیایی یاشیم سو قیلیب، گؤزه‌تمیشم قاشین یاسـین،
ناگه‌کی دوش اولدو گؤزوم، جانیمی قوربان وئرمیشم.
بیر دم کی، دم وئردی لبین، جانیما اؤلموش معنییـه،
بو نظم تونون گئیدیریب، تازه – یئنی جـان وئرمیشـم.
یوسف اوتوردو تختینه، ایشبو کؤنول شرحینده پس،
دیـوه، پریـه بـن دخـی مُهـرِ سـلیمان وئرمیشـم.
ایرماق کی ایرماغا یارار، نه باخشی وار بیـزیم ایلـه،
گـؤزوم ایلـه هـر دنیـزه بیـر بحـرِ عمّـان وئرمیشـم.

805
چوخدورکی،گیسولارین‌ایله داما دوشموشم، جادو گؤزونو گـؤره‌لـی بادامـه دوشموشـم.
آرامـی قالمـادی دلیمـین سـنی گـؤره‌لـی، آرام بولمایـام چـو دلارامـا دوشموشـم.
لعـل لبینـه دئ کـی، بانـا جـامِ پُـر وئـره، گیسـولاریندا بنـده چـو آجامـا دوشموشـم.
بولماز ایسن بنیم کیبـی عالمـده، غـم یئمـه، بن بیر بگـم کـی، دونیـادا ایّامـا دوشموشـم.

بن خاص سنینم، ولی سنین یولـون اوچـون، امکانی واردورور نولا گـر اعمـا دوشموشـم.

806
کؤنولومـو آپـارانین کیرپیگـی اوخـون بیلمیشـم،
نئجه کی، اول دیلر ایسه کی، بینی اولام، اولموشـام.
گؤزلری اویوموش ایکن کیرپیگی اوخلارینی بـن،
آنجا یئدیم جگریمه کـی اویـور ایکـن اویانمیشـام.
قانیما قانالی گـؤزون، قانمـادی هـئچ سوسـالیغیم،
گرچـه، بـن توتـاغی‌نـین بونجـا قانینـا قانمیشـام.
گیسولارین قیلی کیبـی یئریـدیر اینجـه‌لیـر ایسـم،
اؤزگـه ایلـه وصـال اوچـون سـانیلاری سانمیشـام.
بن یمنه یمن دئرم، زیرا کـی عشـق اودو اوچـون،
اول یانـــا دئدیمـــه دوا ایســـته‌ییـــبن امنمیشـــم.

807
دردمنـــــدم درده تیمـــــار ایســـــته‌رم، خســـته‌یـــم گؤزونـــو بیمـــار ایســـته‌رم.
بیـــر نظـــر قیلســـان نولـــا احوالیمـــا، ز دلـــی اســـروکی معمـــار ایســـته‌رم.
قاشـی‌دیـر محـراب و یـوزو قبلـه‌دیـر، بـس نئچـون زلفونـو زنّـار ایسـته‌رم.
گـؤزلریمین گوشـه‌سـی‌دیـر اوداغـین، آنـین اوچـون آنـا ادرار ایسـته‌رم.
جـان و تـن، عقـل و دل و وارلیـق وئریـر، یـارا قـول اولـدوم، بیـر اقـرار ایسـته‌رم.
دگـیلم بـازاری، بیـزار اولمـازام، تـا کـی جـانیم اولـا بـازار ایسـته‌رم.
تـا کـی بیـر گـز دخـی دوشـه اول نظـر، دائمـــا افلـــاکی دوّار ایســـته‌رم.
جـور الینـدن جـان و دل قورتارماغـا، عنبرینـدن ایکـی تاتـار ایسـته‌رم.
گیسـون ایچینـده آزار جـانیم، ولـی، سـن بنـی گؤرگیـل کـی آزار ایسـته‌رم.
سـئوه‌رم زولفونلـه آغیزینـی بـن، عمـرون اوزون عیشـیمی تـار ایسـته‌رم.
گـؤز اویـور لعـل سـؤیلر سـئوه‌رم، فتنـه خفتـه، بختـی بیـدار ایسـته‌رم.
قیـل یـارار جـانیم کـی ایـره بئلینـه، اینجـه یولـا گیرمـه‌گـه یـار ایسـته‌رم.
گـؤزو قیلـدی کؤنـول ائلینـی خـراب، گزمیشـم بـن ائـل ایلـه شـار ایسـته‌رم.

808
بوگـون یئنـه سـندن سـنه فریـاد ائدیسـه‌رم، بیـدادینی عـرض ائیلـه‌ییـبن داد ائدیسـه‌رم.
بـن وارلیغیمـی بنـده وئریـب گیسـولارینا، کنـدوزومو بـو نـوع ایلـه آزاد ائدیسـه‌رم.
گؤزوم یاشینی شـط ائـده‌رم، عـالمی بغـداد، آنـدان گئـری کؤنولومـو دلشـاد ائدیسـه‌رم.
یاد ائتدی بنی، ائتمه‌دی یاد اول لبی میگـون، یـاد ائتمـه‌دیگینـی هلـه بـن یـاد ائدیسـه‌رم.
هر بیر ملیکین دونیادا بیر شرحی اولـور بـن، کؤنـول شـارینی سـنه غـم‌آبـاد ائدیسـه‌رم.
گـر زلفـی باشـین اوینـار ایسـه بـاد هوایـه، سهل اولا کی بن وارلیغی بر بـاد ائدیسـه‌رم.
بن نام ایله، نـاموس ایلـه عـاریمی قویوبـان، نـاموس ائـدیبن دونیـادا بیـر آد ائدیسـه‌رم.

809
یارا عیبیم دئیه‌ییم لطـف و وفـایی سـئوه‌رم، دردیمـی آنلـادایيم مهـر و وفـایی سـئوه‌رم.
گؤزونوگؤزگؤره‌لی‌لعلین اوچون اؤلدوگومو، خسته‌یم توتما بانا دق کی، شـفایی سـئوه‌رم.
چون سنی بن سئوه‌رم دیلـه‌گـین ایلـه بیـرم، وصلتیندن دخی یئگ جور و جفایی سئوه‌رم.
گر خطا دوشدوم ایسه توتما بانـا دق، زیـرا، چون‌دئیه‌لیم‌هله‌چوخدورکی،خطایی سئوه‌رم.
چون دوا دردیمه همدردی اولـا درد وئریـر، درداوچون‌جان وئره‌ییم، زیرا دوایی سئوه‌رم.
اول‌جمالی‌کی، سئوه‌رتانری، بن آنی سئوه‌رم، بانا یئتمزمی کی، محبوب خـدایی سـئوه‌رم؟
هر گئجه ناله قیلیرام تانا دکین چـو جـرَس، تـاپودان تاشـغار و آواز درایـی سـئوه‌رم.
شول سراپرده ده کی، سن اولاسین، ای دلبر، گول‌ومول بلبلِ خوش پرده سرایی سئوه‌رم.

810
سن سانما کی، بن دونیادا بس یاری سئوه‌رم، یـاردان خبـری وار ایسـه، اغیـاری سـئوه‌رم.
عیّار ایدی کؤنلومون گؤزوم کؤنلونو یئندی، وار گـؤزده یئـری فتنـه‌ی عیّـاری سـئوه‌رم.
قدّین گؤره‌لی رقصینی ترک ائیله‌مه‌دی سرو، وجد اهلی چو اولدو بو سبکساری سـئوه‌رم.
گؤز قانی ایله یوزومو یورام آنین اوچـون، – کـی یـار خیـالی یولونـو آری سـئوه‌رم.
چون بن لب لعلـی ایلـه ایمانـدان اورام دم، نیشـه سـرِ گیسـویِ سـیه‌کـاری سـئوه‌رم.
گؤزونـو امـام ائـدینبن قاشـینا قارشـی، محرابـا سـجود ائتـدیم و زنّـاری سـئوه‌رم.
سـئودایی‌سـی‌یـم گیسـولاری‌نـین و مفـرّح، مطلوبـدورور لعـلِ شـکرباری سـئوه‌رم.

811
بن‌گول سئوه‌رم، آنین اوچون خاری سئوه‌رم، بن شکّر اوچـون کلبـه‌ی عطّـاری سـئوه‌رم.

افسونی ایش ائتدیم گؤره‌لی جادو گؤزونـو، غمزه‌ن گؤره‌لـی درد ایلـه عیّـاری سـئوه‌رم.
یئگدیر گئجه کئچمه‌یـه سـئودیگینی عاشـق، بو خصلت اوچون سبعه‌ی سـیّاری سـئوه‌رم.
بیرنئچه‌یه، بیر اینجی‌یه دوشمک قیاسی یوخ، اول اینجـه بئلینـدن جانیمـا بـاری سـئوه‌رم.
بـازاری دگـیلم نیشـه بیـزاری سانیرسـان، عشـق اهلینـی معشـوقونا بـازاری سـئوه‌رم.

812
تـاپونو سـانما، نگـارا، بـه پایگـان سـئوه‌رم، نئجه سنین کیبی‌یی بن بـرای قـان سـئوه‌رم.
سئوه‌رم آنی و سـئوگیم دوکنمـز آنـین ایلـه، لبیله دیشی اوچون گـنج شـایگان سـئوه‌رم.
نئجه‌کی، گیسولاری قیللاری وار ایسه، شـها، ارینمه‌دین بن آلاری یگان – یگـان سـئوه‌رم.
اگرچـه گیسـولارینی حـزین دیلـر جـانیم، لبین ایلـه گـول یانـاغینی شـادمان سـئوه‌رم.
اگرچه جان جهانسین، سن ای جهـان جـان، نئده‌م بو جان جهانی، جهـان جـان سـئوه‌رم.
امین دورور کؤنول، اگر آمـان دیلرسـه نولـا، آیاغی توپراغینی بن همـین همـان سـئوه‌رم.
بئلینـی گـؤره‌لـی اینجـه خیالـه دوشموشـم، گؤره‌لی‌آغزینی شیرین، بودور گمان سئوه‌رم.
توپ‌اویناماغی سئوه‌رم بئلینله زلفون اوچون، گؤزونو گؤره‌لی اوخ، قاشینی کمان سـئوه‌رم.

813
بن کی هر لحظه بو جانیمی جهانـا وئریـرم، نولااؤز ایشیم اوچون جانی چو جانا وئریرم.
لبی‌اوچون‌دؤکه‌رم‌یاشی گؤزومدن، نه عجب، لعل اوچون اینجی دوزومونو دوکانا دؤکه‌رم.
اول قاناتدی یوره‌گیمـی و توتاقلـارینی بـن، وارلیغی اوسته نئچون هله بـو قانـا وئریـرم؟
جان وجودومدا یگانه دورور و بولور ایسـم، دونیـادا جانیمـا ارزانـی یگانـه وئریـرم.
اول بانـا زلفـو گـره‌لرینـی گـر ائیلـه‌دی دام، گؤز یاشی اینجیسینی بـن آنـا دانـه وئریـرم.

814
حسـنی جمالینـا شـاها، بـاغ ارم[1] دئـرم، نه اولسا اولسـون، آنـا بـن هلـه ایـرم دئـرم.
بـادام گؤزلـو، آلمـا یانـاق، شـفتالو توتـاق، جمله‌سی جمـع سـنده اولـاری ده‌رم، دئـرم.
اوبان ایتی آیـاغی تـوزون سـورمه چکـه‌رم، فردوس اوچماغیداغی حـوری ییـرم، دئـرم.

---

[1]– باغ ارم = شیرازدا بیر باغ دیر.

بیز بوسه دیله‌رم و آنی تارتینیر بیزه،
بین جان و دل دیلر ایسه، آنا وئرم دئرم.
بن بیر ایاغ سونارام و ایچمز الیمدن اول،
گر زهر سونار ایسه، الیندن یئرم دئرم.

815
گونش، صنما، بنزه‌ییمز یوزونه، دئرم،
عیبینی یوزونون یئنه هم یوزونه دئرم.
بن بگیمه بین بگه هم جارلامیشام کی،
بنده اولالار جمله سنین یوزونه، دئرم.
شها، یوزونون یوز یوزو وار بو ایکی یوزوم،
توپراق اولا یوز وجه ایله بیر یوزونه، دئرم.
یوزحسن‌اولا سنده‌کی،اومارهربیری‌یوز جان،
بیر جانی نئجه یئتیره‌لر یوزونه، دئرم.
گر وارمی‌سا پیوسته قاشییلا قارا گؤزو،
گونش یوزو بنزه‌یه ایدی یوزونه، دئرم.

816
هیوا انه‌گینه، یاناقلارینا آلما دئرم،
آنلاری گؤره‌لی کیم، آیدا کی، بن آلما دئرم.
شفتالیسینا ال اوزاتدیم ایدی، آلما دئدی،
جانیما گر نظر ائیلر ایسه، اوش آلما، دئرم.
وارایيم آغیزی پسته، لبی شکّر قاتیندا،
آل دیلرسه ایکی گؤزومدن آخار آلما دئرم.
نئجه آل آلما دئیو آلماسی ایله،
حسنی خانیندا آنین نئجه بیر آل آلما دئرم.
گؤره‌لی زلفو کمندی ایله خونخوار گؤزونو،
هر گؤزو غمزه‌سینه بین باشی بیر آلما دئرم.

817
محبوب خدمتینه اگر یاریمیز دئرم،
کلّی‌دورور نه وار دخی کی، یاریمیز دئرم.
اود و هوا و سو ایله خاک اولدو آدمی،
بیر نسنه قوپا گر قاریلا یاریمیز دئرم.
بن موم عشقینه‌یم و اول شهدی جانیما،
بو دود ایله گئده اولامی عاریمیز دئرم.
نام اول‌دورور کی، ترک قیلا کیشی نامینی،
مقصددن ائده عاری بیزی عاریمیز دئرم.
قاشی دیلر کی، کیشینه سالا بو جانیمی،
زلفون یئتر آخی بیزه زنّاریمیز دئرم.

818
آی غرّه‌سی بنزه‌ییمه‌یه قاشینا، دئرم،
گؤرورسه گونش یاناغینی یاشینا، دئرم.
لعلِ لبینه زلفِ سیه پوشی قیلیر قصد،
باغلان آنی کی، قصد ائده یولداشینا، دئرم.
باشینی گره‌ک یئله وئره هر کی ساچی تک،
دئیه‌لر کی، بیر ایش قیلا اؤز باشینا، دئرم.
آغزییلا بئلیچون دلِ تنگ و تنیمی قیل،
قیلدیم کی، مگر میل ائده اوخشاشینا، دئرم.
زر حالدا نه کی، نقش ائده گؤز قیل قلمیله،
آنجا دؤکه قان سیلینی کی، آشینا، دئرم.
قدّینده قلم قیلدی ایکی یاردی بئلینچون،
نه قیلدی ایسه، گلدی یئنه باشینا، دئرم.

دوتمازسا، شها، جان الینی عنبرِ زلفون، کافور ایروره الینی پادشاهینا، دئرم.
شئل نسنه سرّ اولدو آغیزیندان بیلیمز، هیچ کیمسه دخی دوشمه‌یه‌سی فاشینا، دئرم.
هر کیم کی، ایچینه لبی جامی ایله ایاغ، ایچینده آنین ایچینه تاشینا، دئرم.

819
بئلیمه مشگ ساچینی، شها، کمرله‌نیرم، نئجه کی، غمزه‌ن اوخ اورا جگرده، فَرله‌نیرم.
شکسته زلفونه نئجه کی، تولاشا کؤنولوم، اعدونون اوروجاغاز قلبینه ظفرله‌نیرم.
سؤزوم لبیندن، ای دلبر، اولور ایسه شیرین، نولا چون آغیزینی آنیجاق شکرله‌نیرم.
کؤنولو آیینه قیلیب گونش یوزونه سنین، قاچان کی، قارشی توتما، البته قمرله‌نیرم.
یولونداشُکرایله‌صبره‌چوجان‌قوشاندی‌قاشاق، گهی فرشته‌له‌نیرم و گه حجرله‌نیرم.
نه مایه‌دیر کی، بو ادواردا دواسی یوخ، ایراغا وارسا مبرقع، بن آنا نرله‌نیرم.
نظرده‌گرچه‌کی، یوخدور وجودومون قدری، بویوخ- واری‌دخی‌اؤلدور کی، بن نظرله‌نیرم.
قیلیر بنی سرِ زلفی اسیر بیر قیل ایله، اگرچه بن دخی بو اورتالیقدا سرله‌نیرم.
هنر لبینه مسلّم کی، اؤلو دیری قیلیر، بن آنا وئرمک ایله جانیمی هنرله‌نیرم.

820
نئجه گؤزومدن دؤکر قانی دیلم بیلمه‌زم، دؤکدوگو گؤزوم نه‌دیر دیلم، بیلمه‌زم.
دل قیلان ایشبو دل و جان ایدی آخر، شها، شیمدی نییه یئتیریر جانی دلم، بیلیمه‌زم.
قلب دیلر کی، اولا دؤیمه‌یه یار اودونا، هیچ می دیلر قیلا کی آنی دیلم بیلیمه‌زم.
گؤزه قوماز کی، گله یوز قان ایله بیر خیال، گؤز قانینامی گیریر جانی دیلم بیلیمه‌زم.
نقش‌ائدیمزنقشینی‌صفحه‌سی اوستونده هیچ، گؤزلری مستی‌می‌دیر مانی دیلم، بیلیمه‌زم.

821
لعلین دؤکر دیلدن قانی- قانی گؤریمه‌زم،
بیردم‌قانی- قانی‌دئییب،اول‌قانی‌بن‌سوریمازام.
بیر گؤرمه‌گه عقل ایله جان یوز کؤنول ایله وئرمیشم،
وارلیق چو بودور، بن بها هیچ دخی آرتوریمازام.
یار یولونا جان اویناماقدیر دونیادا دیله‌گی،
دوشورمه‌یینجه جان آدا دونیادا دگشوریمه‌زم.

تاغیلـدی جـان و عقـل و دل هـر قیلینـا گیسوسـونون،
دوشورمه‌یینجـه جلـوه‌سـین، بونلـاری دوشـوریمه‌زم.
گؤزو عجب امـام اولـور کـی، بـن آنـین اسـروگی‌یـم،
اوینامایینجـــا الیمـــی محرابـــا قوشـــوریمه‌زم.
حـددن آشـیردی جورونـو، حـدّیم دگیلـدیر بـو بنـیم،
حالیمجـه سـؤیله‌رم سـؤزو، حدّینـدن آشـوریمه‌زم.
بیر قوش‌دورور آنین اوچون جان بو قفسـده سـاخلارام،
آنـین اوچـون بـن هـر یولـا قوشـو اوچوریمـه‌زم.

822

عقلیمـه بنـیم عشـقیمی طنّـاز ائدیسـه‌رم،
دردیمـه بـو گـؤزلریمی غمّـاز ائدیسـه‌رم.
شول زلفو رسن بازا کـی، چنبـردن آسـیلیر،
قول ائیلـه‌ییـبن عقلیمـی جانبـاز ائدیسـه‌رم.
دئدیم‌کی‌چوخ‌ائتمه بانا نیاز، دئدی‌چون سن،
آزی چوخ ائده‌رسین بانا پس ناز ائدیسـه‌رم.
عنبـر کیبـی مسـکین کؤنولـوم گیسـولارینلا،
دوشوب‌اودا فاش‌ائتدی نه‌کیم راز ائدیسه‌رم.
جز نی چو بنیم سؤزومه بیر ساز ائدیمـه‌دی،
بو روم ائلینـی یاشـیم ایلـه سـاز ائدیسـه‌رم.
اوزادیر ایسم سـروی بویـون سـؤزونو نولـا،
شـکّر لبـی‌نـین وصـفینی ایجـاز ائدیسـه‌رم.

823

چون تولو مئی اباغینی قولو آغـدان چکـرم،
قوجارام اینجه بئلینی قیلـی یاغـدان چکـرم.
آغیـز آغیـز اولوبـان آنـدان آلیـرام دیلینـی،
تولاشیرام سـاچینی و دیلـی باغـدان چکـرم.
قارا آغینی ساچار کی، دیره دیـل بـاغلیغینی،
بـالیق اولمایـا مگـر الـی آغـدان چکـرم.
تا صفا بولا حضورون ایلـه بـو مجلیسـیمیز،
خاردان گول گتیرسه، سنبلو باغـدان چکـرم.
عشقیمین‌بنزی‌قاچان سولا، چو بواورتادا بـن،
جان کنارینا همیشـه بئلـی سـاغدان چکـرم.

824

جفاسینی چکـرم بـن، وفـا اوچـون اؤلـورم،
بو درد اودونا یانیب کیمیـا اوچـون اؤلـورم.
سـاچیندا ظلمتـه باغلامیشـام اؤزوم اؤزومـو،
ولی یوزو گونشـینده صـفا اوچـون اؤلـورم.
طبیـب عشـق لبینـدیر شـفاهی اولـدو شـفا،
آیـاق تـوزو یولونـا توتیـا اوچـون اؤلـورم.
لبینی قانلی گؤره‌لـی جـان اولـدو اونـا فـدا،
بونئجه قانلی توتاق خون بها اوچون اؤلورم.
اگرچه پـرده سـرا بلبـل ایـدی، پـرده سـرا،
سـراپرده و پـرده سـرا اوچـون اؤلـورم.

825

خیالین ایله گؤزومو بیزارم، زیرا اؤزگه خیالیندن بیزارم.

شها، خطین یازار گول صحفه‌سینده، اگر بیر نقطه شرحیندن یازارم.

نه قیل کی، گیردی زلفوندن الیمه، گر الدن قور ایسم دلدن آزارم.

یوزونو گؤره‌لی زارم چو بلبل، بئلینی گؤره‌لی قیل تک نزارم.

اگر بلبل گول اوچون زار ائده‌رسه، سنین گول یوزون اوچون بن هزارم.

826

لعل لبلرینه، دیشلرینه درّ دئییمه‌زم، ائیله‌قوردون قاشینی، بیر دخی قور دئییمه‌زم.

بن‌لبیندن سورا واردیم‌گؤزونون خسته‌لیغینی، جانیمین سایریلیغینی آنا سور دئییمه‌زم.

فتنه‌سی باد صبانین، صنما، زلفون ایله، عالمی بیر- بیرینه دیله‌سن اور دئییمه‌زم.

زلفون ایله گئجه‌لر بن نئجه سئودا چکه‌رم، گوندوزون یوزونه قارشی ز صبور دئییمه‌زم.

یوزونو گؤره‌لی برکیده‌رم ایمانی، ولی، حاشالله، گیسولارینا کفر دئییمه‌زم.

827

دوشم لعل لبی‌نین خیالی چشمه، بگیم، عجب‌دگیل‌قان ایله اولدو ایسه چشمه، بگیم.

نهایته ایره‌ر اول حسن کی، آپارا جانی، چوغایته‌ایره‌سین، ایردی، حددن آشما، بگیم.

ساچین گره‌لرینه بن دولاشمیشام چوخدور، جفا آتینا بینیبن بانا اولاشما، بگیم.

کؤنولو گیسولرین بندینه باغلادین، جگرده غمزه‌لرین اوخلارینی سئچمه، بگیم.

یوزونو چو مظهر نور جمالدیر، شاها، گونشی گیسولارین عنبرلریله یاشما، بگیم.

828

یوزونه بیر نظر ائتدیم ایدی آی آخی، بگیم، چوسرخوش‌ائتدی‌گؤزون‌لب‌ایله‌آی‌آخی،بگیم.

جهانی سرخوش ائدیب عالمه وئریر مزه‌یی، گؤزون ایله ایکی لعل لبین آی، آخی، بگیم.

باشیما ایره‌ر الیم، اول دخی یولونا فدا، لبیندن آلیر ایسم الیمه ایاغی، بگیم.

یوزونله زلفونو گؤره‌لی گؤزومه گیرمز، گئجه قارانوسو بو دونیادا آی آخی، بگیم.

تاپونا مشتری اولور ایسه نولا زهره، آتین‌آیاغینانعل‌اولموش اوش آی آخی، بگیم.

829

صبحدمدیر آل اله چنگی، بگیم، گئده‌ره‌لیم آرادا جنگی، بگیم.

بن سنینم نولا بنیم آلاسین، قویمایالیم بو توغی رنگی، بگیم.

گؤزونه هی دئ گر مسلمان ایسه، نئچه بیر آتا شول خدنگی، بگیم.

نام و ناموس سانا زحمت ائدیر،　　آتالیم بو شیشه‌یه سنگی، بگیم.
تاتلی‌می، توزلومو دئیه‌م لبینه،　　نئده‌لیم بیز بو شوخ و شنگی، بگیم؟

830
سندن‌آیری‌بن دیریلمک اولمایا، آه، ای بگیم!　　تشنه آیری شربتیندن حاشا لِله، ای بگیم!
یوزون اوچماغیندا گر میل ائتدیم ایسه خالینا،　　آدمی‌یم قیلمیش اولام نولا گناه، ای بگیم!
رخ‌رخونا قارشی قودون، بن پیاده سالدیم آت،　　آریادان وارلیغی گئده‌ریرم شاه، ای بگیم.
نئجه ساخلایی بیلم بن یئنی آیین ساغیشین،　　چون‌گؤرورم‌بن‌یوزونده هرگئجه ماه، ای بگیم!
کعبه‌سنسین، قبله‌سنسین، مقصودومطلوب سن،　　چونکی‌سندن‌اؤزگه‌یه‌جان بولیماز راه، ای بگیم!

831
یاناغین‌بیرگول‌دوروركی،سایه‌پروردیر، بگیم،　　لبلرین آب حیاتی حوض کوثردیر، بگیم.
گرچه‌رومی‌دیر یوزون، فلفل بنین هندودورور،　　بن‌آماشکرائده‌رم‌کی، خلقی درخور[1]دور، بگیم.
زلفون آیاغینا یوزوم توپراق ائده‌رسم نولا؟　　چونکی سنبلدور اوتی و خاکی عنبردیر، بگیم.
خطّی یازمیش لبلرینچون بیر براتی عقلیمه،　　جان قبول ائتمز آنی، چونکی مزوّردیر، بگیم.
بن سنین حسنون گؤره‌لی نولا عشقه تالمیشام،　　حسنونون هر یاپراغی عشق مصوّردیر، بگیم.
نَه فلک گر بیلیر ایسن عشقیم آندان بیشتر،　　نقطه‌یی بیلیرسین آخر صبری کمتردیر، بگیم.
درّ منظوم اولدو شعریم دیشلریندن دئیه‌لی،　　زلفونون دفترلریچون کی، مُبَتّردیر، بگیم.
بن آغیزیندان دئییجک جوهر فرد آیدیرام،　　لعلینه شکّر دئمه‌زم، چون مکرّردیر، بگیم.
خطبه نولا گول یوزونه اوخور ایسه عندلیب،　　چون‌بنیم‌یوزومده‌شیمدی سکّه بر زردیر، بگیم.
بن نئچه سربسر اولام زلفونه، بیردیر سریم،　　زلفونه باخار اولورسام سربسر سردیر، بگیم.
دربدر بن گزیین چوخ حلقه‌ی در قاخمیشام،　　گر قضادیر، غمزه‌نین اوخو مقدّردیر، بگیم.

832
قانی بنیم ایله سنین عهد و وفالارین، بگیم؟　　نئچه- نئچه بوجانیماجوروجفالارین، بگیم؟
لبلرینی شفا دئییب دردینه باغلادین بنی،　　دردلی‌چوائیله‌دین بنی، قانی دوالارین، بگیم؟
زلفونه دؤندو کؤنولوم هیچ قرار بولمادی،　　گؤرکی، بوقیلجاجانیمائتدی‌هوالارین، بگیم.
قدّینه راست دئیه‌ییم اولدو محیّر ایشبو دل،　　وقتی‌دورور کی، ایریشه جانا نوالارین، بگیم.

1- درخور = لایق.

قـودون ازل بلاسـینی بیـزیم ایلـه، ای آشـنا، شیمدی‌نه‌دیر بو جانیما بونجا بلارین، بگـیم؟

833
دمیده[1] اولدو یئر اوستونده یئنه سبزه، بگـیم، قیامتی گؤزه گؤز گؤر و باخ بو رمزه، بگـیم.
نه‌وار، آدیم یوخ ایله عشق ایچینده رُکنم بن، حروف ابجد ایچینده نیته کی، حمزه، بگـیم.
نگار غمزه‌سی اوخونا هیچ یـوره‌ک دویمـاز، اگرچه رستم دسـتان علـی و حمـزه، بگـیم.
جمـال تونـدور و شـاها تیـرازی تاپونـدا، جهانداگؤرمه‌دی‌حسنو کیشی بو طرزه، بگیم.
لبین‌کی،یادی‌خوش‌اولسـون،آغیزی‌برک‌دورور، نفیـر غمـزه‌لرینـدن قوشـاندا غمـزه، بگـیم.

834
بو نه حسن اولور، نه بوی، نـه سـین، بگـیم، حوری‌مـی‌سـین یـا پـری، نـه‌سـین، بگـیم؟
ســروی بویونــا نئجــه تشــبیه ائــدەم، یــا گونشــی یوزونــه نــه‌ســین، بگــیم؟
دونیــادا بیــر لحظــه اولورســان بنــیم، کـیم سـایار بیـر چؤپـه افناسـین، بگـیم؟
بویامیشســین قانیمــا خــود الینــی، بارماغینــا اورمــا خنّاســین، بگــیم.
آلتونــه دؤنــدو یانــاغیم گــؤره‌لــی، گومــوش آلنینــدا میناســین، بگــیم.

835
عشق‌ایله دردیم قاتی لطف ایله دئ ام، بگیم، شربت حیوان ایمیش توتاغین امسـم، بگـیم.
سروِ قدین هر نفس گؤزومه بیر بیـر خیـال، گؤزلریم آنـین اوچـون ایلـه‌دیـر نـم، بگـیم.
لعل لبـین عشـقینه قـارا قـان اولـدو جگـر، زیـرا کـی بولمـادی دردیمـه همـدم، بگـیم.
دور درینی گؤره‌لی گول یوزونون اوستونده، وقت سحر باشلادی کی، دوشه شبنم، بگـیم.
بنیمله سـاز ائتمـه‌دی عشـق نواسـی دخـی، نئجه کی زیر اینلـه‌رم یولونـا یـا بـم، بگـیم.

836
هر گئجه تانا دکین یوزون اوچون، آی بگیم، تانا قالیـب سـایارام ییلـدیزلاری، آی بگـیم.
ایشبو اوزون گئجه‌ده چکدیگینی کؤنلومـون، زلفون الیندن دیلـیم دئییمـز، ای وای، بگـیم.
سن غنی محتاج، بن نئجه‌سی حال قیلیسـار، دونیادا بو مشکلی یوخسول ایله بای، بگـیم.
لعـل لبـین آخیـدیر یاشـلاریمی قـان نولـا، بیر دم اگر تولامایا سیل ایله بو چـای، بگـیم.
کؤنولومو کیرپیگین شیشله‌دی عشق اودونـا، زیرا کباب ائـدیلیر ایچیلـه‌جـک‌مـی، بگـیم.
زلفـون ایلـه باشـیما گلـدیگی سـئودالاری، بو گئجه یلدا دورور بن یئه‌یم، سـای، بگـیم.

---

[1]– دمیده =

837

گل‌ایمدی‌عشقی‌گؤزه‌ت،قالمانام‌وننگه، بگیم، کؤنول شیشه‌سینه باخ، قاتلاناما سنگه، بگیم.
تاغیت‌کی،زلفون‌ایله‌سایدین‌اولا، هندو حبش، یوزونوگؤستر و حکم ائیله‌گیل فرنگه، بگیم.
بنی دیری دیلر ایسن گؤزونه های دئ، شها، یوره‌ک‌دویامی، قیاس ائیله‌گیل خدنگه، بگیم.
کؤنول تالار و جان آلیر و تنیمی قیل ائده‌ر، بیلینمه‌زمنه‌قیلام ایشبو شوخ و شنگه، بگیم.
دفی الینه سن و آغزینا نی‌ین سن آل، کی زهره چنگینی دیلر کی، آلا چنگه، بگیم.
نئجه بو غنچه آغیزلو بو ساری گول یوزلی، تبسّم ائیله‌ییسردیر گولِ دو رنگه، بگیم.
گؤزون بیزیم ایله قوی چنگ ائیله‌سین، نولا، هزار صلح فدا قیلیرام بو چنگه، بگیم.
نئجه‌سی‌دوشدوشهیمین بو عشقی شونقاری، وجود لاغر ایله ایشبو ذهن لنگه، بگیم.
گر اولدو نولا اوزون زلفو ایله غصّه و غم، آغیزی ایله کؤنول نئچه دوشدو تنگه، بگیم.

838

کؤنولو آلدین و جاندان سلام سانا، بگیم، دیلر ایسن آنی دخی سالام سانا، بگیم.
مدام لعل لبیندن ایاغ اله گیرمز، ولیک خون جگردیر مدام سانا، بگیم.
یوزونله‌زلفونه عاشق کؤنول گئجه- گوندوز، نه نیم روز فدا مُلک شام سانا، بگیم.
چمنده سرو کی آزاد دئرلر ایدی، بو دم، خلاف یوخ کی، اولوبدور غلام سانا، بگیم.
هلال قیلماز ایسن وصلینی بانا، شاها، قیلیسارام بو جفایی حرام سانا، بگیم.

839

قویمادی سنجیله‌یین آدم اولالی، بگیم، آخمادی هیچ گؤزده قان بو دم اولالی، بگیم.
قدّینه توغرو ایکن اولدو پریشان کؤنول، بؤیله سجود ائتمه‌دی بیر خم اولالی، بگیم.
آه آخاردی اودا وارلیغیمی دمبدم، شُکر کیم، ساکندورور گؤز نم اولالی، بگیم.
دلبر ایله درهمم، زلفو ایله برهمم، اولماسا ورهم گره‌ک، درهم اولالی، بگیم.
گیسوسونا تولاشیب بادِ هوایا تورور، یوزده حیاسی ایله شبنم اولالی، بگیم.

840

جانیم‌ایسن‌نولدو چون جان جهانسین، بگیم، بو دلِ دیوانه ده گنجِ نهانسین، بگیم.
سروِ خرامان‌می‌دیر، گؤزومه قارشی کئچن، عمرمی‌سین، ای صنم، کی گذرانسین، بگیم.
بند ایسه بیلدیزیم، دوتماغیل آنی عجب، ماه‌ایله، ای‌شمس، سن‌چون به‌قرانسین، بگیم.
دیرلیگی سنسیز، شها، اهل هوا دیله‌مز، جانی آپاردیق سانا، چون نگرانسین، بگیم.

باش‌نولاکی، دل دخی باش‌دورور جمله‌سی، آیاغین اوچون زیرا باش سراسین، بگیم.
بن‌اؤزوموترک‌ائدیب‌عشق ایله بیر اولموشام، مروته سیغارمی کی، بادِ گرانسین، بگیم.
عشق بهارینی سن قیلماغیل آخر به باد، گرچه کی، عشق اهلینه بادِ خزانسین، بگیم.

841
کؤنول نه قوش اولا ساچینا ایلمه‌یه، بگیم، شهدانه بنلرینی مگر بیلمه‌یه، بگیم.
لاچین گؤزون کی، نئجه باخیرسا دلی سیلر، لایق‌می‌دیر کی، قانلی گؤزو سیلمه‌یه، بگیم.
دلده‌نئجه کی، آرتیق اولا عشق اودو- کؤزو، گؤزلریمین یاشی کؤزو اکسیلمه‌یه، بگیم.
سایل دورور گؤزوم یاشی لعلِ لبین اوچون، هئچه بو سایلین یاشی سایپلمایا، بگیم.
اول ایاغ ایچدی دل، صنما، لعل جام ایله، کی عمری نئچه وار ایسه اگیلمه‌یه، بگیم.
عهد ائتدی آیریلیق ایله بو دلی کؤنولوم، کی نئچه عمر وار ایسه، آیریلمایا، بگیم.
دار ائتدی سروینی و کمند ائتدی زلفونو، منصور نه قیلا ایدی کی آسیلمایا، بگیم.

842
قانی بنیم ایله سنین عهدِ وفالاری، بگیم، نئچه- نئچه بو جانیما جور و جفالاری، بگیم!
لبلرینی شفا دئییب، دردینه باغلادین بنی، دیله‌دیگین چو ائیله‌دین، قانی دواالارین، بگیم؟
زلفونه دؤندو کؤنولوم، هیچ قرار بولمادی، گؤر کی، بوقیلجا جانیمانئتدی هواالارین، بگیم!
قدّینه راست دئیه‌ییم، اولا محیّر ایشبو دل، وقتی‌دیر کی، ایریشه جانا نواالارین، بگیم!
قودون ازل بلاسینی بیزیم ایله، ای آشنا، شیمدی‌نه‌دیر بوجانیمابونجا بلاالارین، بگیم؟

843
مطلعِ حسنِ جمالین حسنِ مطلع‌دیر، بگیم،
گیسولارین طرّه‌لری حسنِ مقطع‌دیر، بگیم.
عاشق‌ومعشوقی شاهد ساقی و شمع و شراب،
حسنونون ایچینده، نگارا، گؤرنه مجمع‌دیر، بگیم.
گؤزلریمین‌یاشی‌سیل‌اولوب‌قانین آخار، ولی،
شهدِ نیشی وار ایسه یوزوم مشمّع‌دیر، بگیم.
گؤزلریم یاشی قانیندیر، زعفرانی‌دیر یوزوم،
یاشیم ایله رنگی یوزومون ملمّع‌دیر، بگیم.
گرچه‌کی، دوشموشدور آیری وارلیغیم سندن بو گون،

وارلیغـیم سـندن اولیمـاز آیـری معمـع‌دیـر، بگـیم.

844
غمزه‌ن جانیما اوخدور، قاشین کَمان، بگـیم، بئلین خیال کؤنلومـه، آغـزین گُمـان، بگـیم.
سـرو قدینلـه الیمـی آل و گؤیـه یئتیـر، گؤزونلـه خسـته دوشموشـم نـاتوان، بگـیم.
بیر جـانیمی سـنین کیبـی جانانـه وئرمیشـم، وئرمه‌یه بیر جـانینی کیشـی رایگـان، بگـیم.
گیسوسو ایله باغلادی گؤزلری چکدی اوخ، چـاه زنخـده بنـده سـالارلار آمـان، بگـیم.
تـا جـانیمی ایـرورم آیـاغی غبارینـا، بـاد صـبا ایلـه اولـورام همعنـان، بگـیم.
گؤزون سینانی خـود کؤنولـدن اؤتـه کئچـر، سن بیر قایایا یاخ اؤز – اؤزونو سینان، بگیم.
کؤنلومو آلـدین ایسـه، شـها، باغلـا زلفونـه، لبلرینه قویمـا، اولـور اورتـادا گمـان، بگـیم.

845
شول بُت اگر بیزیم اولا، سانکی اولـور جهـان بیـزیم،
گر آنـا اولمایـا فـدا، بـس نـه‌میـز اولـا جـان بیـزیم؟
شـؤیله بویـادی یوزومـو؛ آی یوزونـون خیـالی کـی،
آیـاغیمیزا بـاش قویـا، گـؤرور ایسـه خـزان بیـزیم.
کـف اورا تولـو جـام مـی آلیجـاق الـه، ساناسـین،
جرعـه‌لریمیـز ایچـدیگین بیلیمـه‌دی روان بیـزیم.
وارلیغیمیـز نئجـه کـی وار حسـنونه‌دیـر فـدا سـنین،
یاخشی یامان دئییمه‌زیز، یاخشی سیزین، یامان بیـزیم.
جوهر فرد لعلـی‌نـین اوتـوز ایکـی دوریـن گـؤزوم،
نظم ائده‌ر آلتـون اوسـتونه معـدن ایلـه دکـان بیـزیم.

846
نگـارا، بـودورور تاپونـدا آزیـم، کـی چوخـا یازیلـا عشـقینده آزیـم.
حقیقـت بـودور حـالیم بنـیم کـی، دخـی اولمـاز عشـقینده مجـازیم.
بئلینـده حـالیمی بیـل کـی بیلیـر اول، لبینـدن سـور کـی نئجـه اولـدو رازیـم.
قدینـدن بیـل کـی توغرویـام یولونـدا، سـاچیندان آنلـا سـئودای درازیـم.
ایراق یاخین چـو غمـزه‌ن کؤنلومـو یارمـاز، نـه وجهـه اوتـورور بـو احتـرازیم.
یـوره‌ک قانینـدا غسـل ائیلـه‌مـه‌یینجـه، قاشـین محرابینـا اولمـاز نیـازیم.

آلیرام یوز صفا، بیر قارا تاشدان، مقامیندا چو تاپیندیر حجازیم.

847
قیامتدیر بویون، ای شاه، دایم، ساچین بؤلوکلری آنا علاییم.
لبینچون تار کؤنولوم غرق خوندور، کی تا اولا اونا لعلین ملایم.
یالینیز بن دگیلم عشق اسیری، کی تاغلاردا اینیلرلر همایم.
شها، بیر دم دمیندن قیل دمیده، کی یئردن طورو گله‌لر رمایم.
آیاغین توزونا باشلار فدادیر، فیدی اولورسا باشلارا اعمایم.
مدام آخا گره‌ک قان یاش گؤزومدن، چو عشقین اودو دلده دایم.
نتیجه‌ندیر سنین شول بکر فکرین، کی ساخلامیش کؤنولونده کراییم.

848
یئرده گؤروبن زلفون الیم ساقینا سوندوم، افعی سانیبان زیرا الیم ساقینا سوندوم.
زلفو کیبی کشکین ایله اوغرامادی یولوم، آندان بری کی، بن الیمی عقلینه سوندوم.
آیینه یوزونده کؤنولوم عشقینی روشن، گؤردوم دخی لعل لبینه، باغینا سوندوم.
شفتالی‌سینی درمه‌گه ایرمز ایدی الیم، یوز سورمک اوچون آیاغینا ساقینا سوندوم.
مئی تولودورور لعل لبین جام بیزه سون، سورلعل‌لبیندن‌کی آنا، ای ساقی، نه سوندوم؟
ساقی تولو توتموش الینه لعل آیاغینی، دیوانه‌سی‌یم نولا گر آیاغینا سوندوم.

849
گؤزونو خفته گؤره‌لی اسیر خواب گؤزوم، خمار آنلایالی آخیدیر شراب گؤزوم.
گؤزوم گؤرورو دوشر عشقی اودونا کؤنلوم، بو عالم ایچره قیلیر کؤنوله عذاب گؤزوم.
خیالی قاپیسیندا باغلا دئدی گؤزومه خواب، اویاندی شیمدی دیلر قیلا فتح باب گؤزوم.
آنین هواسی ایله تن تراب و دیل آتش، دگیل اول اورتادا الا مگر پر آب گؤزوم.
تنیم داغ ایدی و یاشیم فرات ایدی شیمدی، خیاله‌دؤندو تنیم، اولدو چون سراب گؤزوم.

850
گر سنین اوچون دونیادا رسوا اولا کؤنلوم، بی‌جان و دل و بی‌سر و بی‌پا اولا کؤنلوم.
بانا آغیز آغیز لبی‌نین سرّینی دئرسن، آغزیم تولو آب آلا و بی‌ما اولا کؤنلوم.
آلدین‌جانی کؤنول دخی، پس نامه گره‌کدیر، یوخ عقلیمه بنیم یئنه غوغا اولا کؤنلوم.
مسکین ساچینی تاغیدالی، گؤسته‌ره‌لی یوز، مسکین اولا جانیم سانا، شیدا اولا کؤنلوم.

آدمدیر آخر یاش دؤکه مردملیک ائده اول،   گؤزوندن اگر عشق ایله حوا اولا کؤنلوم.

851

بیر دلبر بیقرارا دوشدوم،   گیسوی سیاهکارا دوشدوم.

گلشن یوزونون گولون دره‌رکن،   گول درمه‌دیم و خارا دوشدوم.

اسریدیم آنین لبِ مئییندن،   شول نرگس پُر خماره دوشدوم.

زلفونه تولاشیبان چو منصور،   شول سرو قدینده دارا دوشدوم.

جنت گؤروبن جمالین آنین،   یولونده هزار نارا دوشدوم.

زلفو ایله قوخوسون ائشیتدیم،   آلدیم باشیما، اول دیارا دوشدوم.

ناموس ایله آرادان چو اورام،   بو وارلیغیم ایله آرا دوشدوم.

قان یاشیم ایله نگار اولدوم،   چون سنجیله‌یین نگارا دوشدوم.

دایم بو میاندا اوینادیم جان،   پس شیمدی نئچین کنارا دوشدوم؟

852

یوره‌گیم‌آب‌وباشیمدیر شراب و جام گؤزوم،   بو نوع‌ایله گؤزون اوچون دؤکر مدام گؤزوم.

قولونا آغزین آچیبان بیر ایکی سؤز دییه‌لی،   زهی کی، لؤلؤ و لعله وئریر نظام گؤزوم.

جمالِ گلشنینه گؤزو اولالی نرگس،   چمنده نرگسه اؤزون ائده‌ر قولام گؤزوم.

ساچی مَشاما تهیّت هواییله بیریبیر،   سو ایله سالار آنینچون آنا سلام گؤزوم.

قرار قیلمادی آندا مگر خیالی خاص،   قیلالی قاپیسین آچیب صلای عام گؤزوم.

853

شوندان‌کی،گؤزو،غمزه‌سی‌قان‌یاسینادوشدوم،   بیلین‌ای یاراناار کی، کؤنول یاسینا دوشدوم.

قورولدوم‌ایدی‌وصلینی صید ائیله‌مه‌گه، لیک،   گؤزلری بنی جادولادی، یاسینا دوشدوم.

آیاغی بنی سالدی ایدی زلفو ایله، لیک،   عشوه‌سی یئنه دوتدو الیم پاسینا دوشدوم.

حمّامدا جادو گؤزو ایله میم آغیزینی،   گؤردوم سو اولوب، اریبین طاسینا دوشدوم.

هر دم، گؤزومون یاشی و کؤنول اودو تاشار،   اسیرگه بنی اود و سو مقیاسینا دوشدوم.

هندو حبشین جندینه منصور اولور ایکن،   ناگه ساچی‌نین بیر قیلینا آسینا دوشدوم.

مور اولدوم ایسه مار ساچی ایله، نه عجب،   چون‌جهدائدیبن‌سون‌اوجوحلواسینا دوشدوم.

854

نگارا، یئنه سیلاب اولدو گؤزوم،   یوره‌گیم قانی دولاب اولدو گؤزوم.

گؤره‌لی چشم پُر خوابین نگارین،
عجب دگیلمی بی‌خواب اولدو گؤزوم؟
یوره‌کده قالمادی قان لبلرینچون،
گؤزوم قانی دخی آب اولدو گؤزوم.
چو دولت اویانیقلارا ایریشدی،
گؤزومه خواب هم خواب اولدو گؤزوم.
یاشیم قانی اگر اکسیلدی، نولا؟
گؤزوم دخی چو عنّاب اولدو گؤزوم.

855
گلین کی، جمله ائشیکده قولام شاه اولالیم،
همیشه در پی دریوزه‌ی گناه اولالیم.
گونشه ایرمه‌گه قوّه‌تیمیز اگر ایرمز،
مقابل اولوبانین عکسی ایله ماه اولالیم.
ساچی هوایا اویوب گئتدی کؤنول آخینینا،
قاموموز آنا اویوب گلینیز سپاه اولالیم.
یوزونده یازدی کی، النّور فی السّواد خطی،
گلین، اودونا یانیب جمله‌میز سیاه اولالیم.
صفا ایله کیشی یاری یولونا اولمامیش،
اجازت اولور ایسه بیز دلیل راه اولالیم.
عزیز اولمادی تا چاها دوشمه‌دی یوسف،
زنخده بیز دخی، شاها، اسیر چاه اولالیم.
بو شهرلرین شهی قوللارینا چو قولوز بیز،
جهاندا جمله‌ی شهلره پادشاه اولالیم.

856
لبین ایله جگریم هیچ قانامادی، نئده‌لیم؟
دم اولمادی کی، لبینله قانامادی، نئده‌لیم؟
نه قالدی کی، یانمادی وجود و بودومدان،
کی، گئتمه‌دی دیلیمیزدن یانام آدی، نئده‌لیم؟
دواما خطی برایتین یازامادی و گؤزو،
یوره‌گی غمزه‌لریله یازامادی، نئده‌لیم؟
فراقی یارامادی بو یوره‌کده کی یارایی،
وصالی خود اله گیریب یارامادی، نئده‌لیم؟
دوام آدینی جهاندا بولیمادی کؤنولوم،
محال ایمیش بو جهاندا دوام آدی، نئده‌لیم؟

857
صبحدم گؤزون ایله عالمی نخجیر ائده‌لیم،
بوگئجه گؤردوگوموز دوشلری تعبیر ائده‌لیم.
عارضی اَمّی‌دورور زلفون بیر خط دئیوبن،
حاجبی تویماز ایسه نه اولا تزویر ائده‌لیم.
مشک ایله مشک ایله سالدیقلاری آیتلرینی،
شانه ایله قیلالیم حل، آنی تفسیر ائده‌لیم.
عشق مدرسه‌سی مدرّسی یوز قانی سوران،
اول دلیلی بیزه کی، عشق ایله تقریر ائده‌لیم.
گر دلی قیلدی ایسه گؤزلری راضییوز آنا،
لعلینی دار شفا، زلفونو زنجیر ائده‌لیم.

858
نگارا، زلفون اوچون چین دئیه‌لیم،
بو مشک کافورا پرچین دئیه‌لیم.
بنینه خال یا شامه دئمه‌زوز،
آنا بیز هندوی گلچین دئیه‌لیم.

بنی لبین قوخوسو اسروک ائتدی، شرابا شیمدی خوشه‌چین دئیه‌لیم.
گؤره‌لی عنبرین خالین، شها، بو قارا زلفونه مسکین دئیه‌لیم.
یوزونله کوپه‌لرینه، نگارا، قونوشموش آی ایله پروین دئیه‌لیم.
قاشین محرابینا شول جان تاپماز، آنین ایمانی یوخ، بی‌دین دئیه‌لیم.
بئلین تحریک ائدیب قوپاردی جانی، قرار ائده‌ر ایسه تسکین دئیه‌لیم.

859
نئچه‌کی، بینوا ایسن گل کی حجازا گئده‌لیم، قان ایله دسته‌ماز آلیب یورو نامازا گئده‌لیم.
چشمی‌چوبازدیر آنین طعمه‌سیدیر جگریمیز، طعمه‌سینی ائیله ده‌لیم ناز ایله بازا، گئده‌لیم.
گؤزلری‌مست ائده‌ر بنی آغیزی تنگدل قیلیر، گل کی، ساچینا اویوبان راه درازا گئده‌لیم.
چنگ‌بوراخدی‌چنگینه،عود بوراخدی اودونا، باد هوا ایله گلین، بیر یئنی سازا گئده‌لیم.
حسنونوروشن‌ائیله‌دی‌دونیایااول‌گونش یوزو، آغیزی‌عشق سرّیدیر، دور اورو رازا گئده‌لیم.

860
دلبرین غمزه‌سینه اوخ دئیه‌لیم، هر جانا دگر ایسه «اوخ!» دئیه‌لیم.
تولا شکّر لبین آنیجاق آغیز، بو سؤزو واجب اولدو چوخ دئیه‌لیم.
مشک ساچین قاچان کی، تاغیدا یار، ساالیم عودو اودا «قوخ» دئیه‌لیم.
چون نه دئرسم مخالفت قیلیسار، بوسه گره‌کیم دئرسه، «یوخ» دئیه‌لیم.
آدم اولدور کی، آندان اسروک اولا، آییق اونلارا اویوق دئیه‌لیم.
بن سنی سئوه‌رم سئویسه‌رم، بو سؤزو تورکجه قویوق دئیه‌لیم.
وصفینی گه قصیده، گاه غزل، گه رباعی و گه تویوق دئیه‌لیم.

861
دوزنلیک ایله یارنلر گلین کی، جان ایچه‌لیم، بو گونو تانلا دئمه‌دیم مِیی مدام ایچه‌لیم.
گؤزو ایله مست اولوبان، زلفو ایله آشفته، آنی- بونو دئمه‌یه‌لیم صبح و شام ایچه‌لیم.
یوره‌گیمیزی، قاندیر آنا حلال ائده‌لیم، توتاغی عشقینه یارین مِیی حرام ایچه‌لیم.
چو عشقی اودو ایله دلبرین سانا گلدیک، جانی اسیرگه‌مه‌یه‌لیم شرابی خام ایچه‌لیم.
ضرورت ایله چو یارین گؤزو ایله اسروگوز، مئیِ مغانه‌یی گلین کی، بردوام ایچه‌لیم.

862
لیلیم‌اوچون،لیلیم‌اوچون‌بن‌بنی‌مجنون ائده‌ییم،

گـؤزلریمین قـان یاشـینی یولونـا جیحـون ائـده‌یـیم.

گه سادی گؤزلری اوچون بن گؤزومو عین ائـده‌یـیم،

گاهی الف بویـو اوچـون قـدّیمی چـون نـون ائـده‌یـیم.

خمّـاری گـؤزلری اوچـون کؤنولـو یـوره‌ک قیلیبـان،

گؤز شیشه‌سین ایـاغ ائـدیب یاشـیمی میگـون ائـده‌یـیم.

چون سالدی چنگینـه جـانی، عشـقی اودو مجمرینـه،

بن داخـی عـود تـک یانمـاغی عالمـده قـانون ائـده‌یـیم.

اوّل قـدم یـوره‌گیمـی تولـدوردو گـؤزوم قـان ایلـه،

اول‌قان‌اوچون شیمدی گؤزو قان یاش‌ایله خون ائده‌یـیم.

863

یـوخ جهـانین بقاسـی، پـس نئـده‌لـیم، دردی‌نـین یـوخ دواسـی، پـس نئـده‌لـیم؟

یاراللانـــدی کؤنولـــو گیرمـــز الـــه، لبـی‌نـین مومیاسـی، پـس نئـده‌لـیم؟

دوتـــارام لبلـــرین کؤنولـــوم اوچـــون، بـودورور خـون بهاسـی، پـس نئـده‌لـیم؟

جـــور و هجـــران و نـــاز وعـــده‌ســـیدیر، بـو کؤنـول کیمیاسـی، پـس نئـده‌لـیم؟

عشـــقه گیردیـــک گـــره‌ک وفـــا اولـــاووز، بـو ایمـیش عشـق اساسـی، پـس نئـده‌لـیم؟

آی یوزونـــده دئـــدیم نـــه دانـــه دور اول؟ دئـدی کـی، یـوز قراسـی، پـس نئـده‌لـیم؟

بیـــــزدن آنـــــدان آرادا نـــــاز و نیـــــاز، اولاشـیقدیر آراسـی، پـس نئـده‌لـیم؟

864

چو ساقی تاپون اولا سون بیزه دنیز ایچه‌لـیم، شونون‌کی‌ایچمزایاغین گتیر کی، بیز ایچه‌لیم.

الیندن آیاغا بین جان و دل اوجوز وئـره‌لـیم، اوجوزدگیل‌ایسه،اوغلان‌گتیرکی، قیز ایچه‌لیم.

گؤزون شرابی ایله دونیـا خلقـین اسـریتدی، گلین بودونیاسوجوسون‌کی، بیزوسیزایچه‌لیم.

اگرچه صبریمیز آپاردی خور قیلـدی بیـزی، تحمّل ائیله و سون آنی بیز عزیـز ایچـه‌لـیم.

جهـانین ایرمـاغینی بـی‌محابـا دنیـز ایچـر، چو ساقی تاپون اولا، سون بیزه دنیز ایچه‌لیم.

865

بیزه تولو وئـر ایـاغی، بهـاری بیلمـه‌یـه‌لـیم، ساچینی‌چؤز، شاها، لیل و نهاری بیلمه‌یه‌لیم.

تبسّـم ائیلـه‌گیـل و سـؤیله‌مـه بیـزه هرگـز، دیلک بو ایسه کی، سرّ و جهاری بیلمه‌یه‌لیم.

نقـاب تـوت آغیزینـا و گـؤزلرینی یـوم، دیلک‌اول‌ایسه‌کی، خمروخماری بیلمه‌یه‌لـیم.

هزار شور قیلیر زلفو بیر صبا یئلینه، نئجه‌سی عارضین امّی و عاری بیلمه‌یه‌لیم؟
بیزی یسارا ایرورگیل عین یمین ایله، تولو اياغینی سون کی، یساری بیلمه‌یه‌لیم.
هر اؤپمه‌گه لبینه جان بورجوموز واردیر، لبینله اسریدیر ایسن شماری بیلمه‌یه‌لیم.

866
ساتالیم جان و دلی، ایشبو دمی ساتمایالیم، قاتالیم جانی جانا، اورتایا سؤز قاتمایالیم.
گؤره‌لیم بیز بیزی و گؤرمه‌یه‌لیم اؤزگه‌لری، آتالیم لطف اوخونو، جور اوخونو آتمایالیم.
آخالیم آیاغینا، آخمایالیم اؤزگه یئره، ساتالیم جانی سانا، اؤزگه‌لره ساتمایالیم.
عشقینه بیلیشیریز، جورونا بیلیش دگیلیز، آشنایوز باتالیم، دنیزینه باتمایالیم.
تورالیم تورمایالیم، ایکی جهاندا سندن، یار و اغیار یولونا یاتالیم و یاتمایالیم.

867
نئجه‌بیرسن، سن اولوب؛ دنیا بن، بن اولالیم، شیمدی گل اورتایا، اوش بن سن و سن بن اولالیم.
جاندورور بانا تنینی تن‌دورور جانینا جان، وقتی دیر گل بری کی، جان، جان و تن، تن اولالیم.
لبینی سون بانا چو اوش یوره‌گیمین قانینی، آیریلیغی گئده‌ریب یئنیله ایت قان اولالیم.
نسخه‌سینی خطّی‌نین نسخ ائده‌لیم کؤنولده، شعری‌نین شعری ایله دفتر و دیوان اولالیم.
آیریغا قاخیبان نئجه اوراسین باشیما، راضی‌یوز بو کوره‌ده پیکینه سندن اولالیم.

868
بیر لحظه تورون ال آلیشیب- یازی گؤره‌لیم، نئجه بزه‌میش گلشنی بو یازی گؤره‌لیم.
زلفونو یارین اوینار ایمیش باد هوایه، بیر وارالیم اول هندوی سربازی گؤره‌لیم.
بن‌خود دئمه‌دیم عشقی سرّین عقلیمه دخی، اول معنی اوچون غمزه‌ی غمّازی گؤره‌لیم.
دردیمی باشارمادی قلم یازی گؤروبن، سن یازما هله غمزه‌یی بیز یازی گؤره‌لیم.

869
ساقی تولدو قدحی، جان و جهانی ایچه‌لیم، دردینی نقل ائده‌لیم، کون و مکانی ایچه‌لیم.
کؤنولو قان ائدیبن قانینی جاما قویالیم، لبی‌نین عشقینه سون بحر ایله کانی ایچه‌لیم.
آغیزین نقطه‌ی موهوم و یارین آندا گمان، وهم نقل ائیله‌یه‌لیم، شیمدی گمانی ایچه‌لیم.
وصلتین جنّت و هجرانین اودو نارِ جحیم[1]، بوندان آرتیق اولامی نار و جنانی ایچه‌لیم.
لطف ایله دردی نیته سود اولا و جانا زیان، ساقی، سون تولو قدح سود و زیانی ایچه‌لیم.

[1]- نسخه ده جاهیم یازیلمیش.

870
روح الیندن گتیرین تولو صراحی ایچه‌لیم، راحتیندن ایره‌لیم راحته راحی ایچه‌لیم.
بیر نفس جام حرام ایسه نوش ائده‌لیم، نئجه بیر خون جگرلری مباحی ایچه‌لیم.
لعلینی بو گئجه ساغر کی، آلیر آغیزینا، ساخلا اؤزگه‌ده کی قانینی صاباحی ایچه‌لیم.
شؤیله‌مستانه‌گؤزون‌بی‌خود ائده‌ر کؤنولو کی، گئجه- گوندوز تولوپیمانه‌ی ساحی ایچه‌لیم.
گرگؤزون جگریمین قانین ایچرسه ایچسین، هله سون ایاغی بیزه خون صراحی ایچه‌لیم.

871
خفته‌گؤزون‌اوچون، شها، بی‌خواب گؤزلریم، پسته لبین اوچون، شها، عنّاب گؤزلریم.
تازه تر ائیله‌یم سروِ خیالینی، تاتار جگر قانی ایله دولاب گؤزلریم.
تشنه اولالی آغیزی‌نین سویونا جانیم، اولدو یوره‌ک قانی ایله سیراب گؤزلریم.
گونش یوزونو اؤرته‌لی زلفو بولوتلاری، آخیتدی ایشبو عالمه سیلاب گؤزلریم.
دیشلری‌نین خیالینی باشد بولام دئیو، قیلدی اؤزون دنیزلره غرقاب گؤزلریم.

872
گلین‌کی‌باده‌یی‌شیمدی سیزینله نوش ائده‌لیم، نئجه‌فراق‌ایله‌گوندوز- گئجه‌خوروش‌ائده‌لیم.
نئجه‌کی بوغمزه‌وسوزو نئجه بو عشوه و ناز، گؤزون اشارتی ایله همیشه جوش ائده‌لیم.
جگر کباب و گؤزون ساقی و یارین می‌دیر، توتاغینی دخی بو دم شکرفروش ائده‌لیم.
جفاسی نئجه کی یاخین ایسه ایراق قیلالیم، وفاسی‌نئجه‌کی، ایراق اولورسا اوش ائده‌لیم.
چو عرضه قیلا جمالینی گول نه‌دیر بلبل، صبا ایلن دخی یولوندا کهنه‌پوش ائده‌لیم.

873
عیشیمیزین صفاسی یوخ، نئده‌لیم؟ هجری‌نین انتهاسی یوخ، نئده‌لیم؟
بو زمان یاری یاردان آیری سالار، هیچ ایشینده خطاسی یوخ، نئده‌لیم؟
قامو دردین دواسی وار لیکن، ایشبو دردین دواسی یوخ، نئده‌لیم؟
نئجه کی، کؤنلومو بن آرارام، بیر دخی ماسواسی یوخ، نئده‌لیم؟
نئجه‌سی سئومه‌یم سنی کی، دخی، دونیادا بیر سئوه‌سی یوخ، نئده‌لیم؟

874
جهاندا خوبلاری گؤردوک، وفاسی یوخ، نئده‌لیم؟
کؤنولو خسته قیلیر اول، شفاسی یوخ، نئده‌لیم؟
بو صفه‌ده کی گونش – آی مذهب ائتمیش آنی،

قاچان کی اولمایاسین سن، صفاسی یوخ، نئده‌لیم؟

گؤزون کؤنلومو قیلیر خسته جادولوغو ایله،

بو درده درددن اؤزگه دواسی یوخ، نئده‌لیم؟

جانیم اودا دوشه‌لی توپراغ ائده‌رم یوزومو،

قارا ساچینا سنین چون هواسی یوخ، نئده‌لیم؟

اگرچه حسنون آپاردی ساچینا کؤنلومو،

نئجه‌سی قورتولا چون دست و پاسی یوخ، نئده‌لیم؟

فنادورور بو جهان و لبین فنادا فنا،

بو کؤنلومون کی فنادیر، بقاسی یوخ، نئده‌لیم؟

سگیرتدی ساچلاری‌نین بیزه یئنه تاتاری،

یایالاری کی، ایریشدی، خطاسی یوخ، نئده‌لیم؟

875

بو جانیما خبر قیلدی نسیمیم، کی، یئنیله قرام اولدو قریمیم.

بنیم بو یولدا بیر جان و دلیم وار، نه زر واردیر، الیمده و نه سیمیم.

کؤنلوم شمعی مِی لبلری یارین، هواسی چنگ هجرانی ندیمی.

لبی گیزلی و بویو آشکارا، ایکیسی عشقینه حقدیر الیمیم.

سنس بن بیلیرم آنجاق بو یولدا، جهان ایچینده کیم بیله کی، کیمیم.

876

شوندان‌بری‌کی،جادوگؤزون‌چاوین ائشیتدیم، اسروک یاتیبان اویناماغی هر دم ایش ائتدیم.

اودا یاناسی دیل یانالی لعل لبینله، عشقینه قوشانیب بو تنیمی قمیش ائتدیم.

عشقین‌گؤزوم‌اینجیسی اگر قیلدی ایسه لعل، بن‌دخی یوزوم لعلینی اوشدا گوموش ائتدیم.

لعل لبی‌نین حرصی ایله اوشدا وجودو، باشیمدان آیاغیما دگین جمله دوش ائتدیم.

آزیشدی ایسه جان و کؤنول نولا ساچیندا، مسکینلری مسکین ائده‌رم نه آز ایش ائتدیم.

877

دئدی کؤنلونده نه واردیر؟ دئدیم هم، دئدی گؤزونده نه واردیر؟ دئدیم دم.

دئدی نه‌دیر بو عالمده مرادین؟ دئدیم بیر دلبر زیبای همدم.

چو دئردین بؤیله مُضمردیر کؤنولده، نئچین اولماز جانین جانیما مدغم.

لبین دردی ایله قانیم سو اولدو، نولا، گر دردیم اوچون اومسام امسم.

878

شاها، سنین جمالینی گؤره‌ییم، آندان اؤله‌ییم، سوسامیشام وصالینه، ایره‌ییم آندان اؤله‌ییم.
بونجا زمان لبین‌اوچون ساچین‌قارانوسودایام، آب حیات قاندادیر سوراییم، آندام اؤله‌ییم.
دون گئجه‌دوشده‌بن‌سنی‌بنیم‌ایله‌گؤرور ایدیم، بودوشومون تعبیرینی یوراییم، آندان اؤله‌ییم.
بزم ازلده ایره‌لی جانیما عشقی حسنونون، ایرمه‌دیم، وارامادیم، ایره‌ییم، آندان اؤله‌ییم.
جانیمی‌عقلیمی‌کؤنول زلفون ایچینده یئتدیلر، تشویش‌اگراولمازایسه تاراییم، آندان اؤله‌ییم.

879

یمن یئلینی بیری بیرسه اول الهی قدیم، عدو دریسی سهیلیمیز ایله اولا عدیم.
بو مشت حقه نظر قیلیر ایسه شاه اولور، کی، بیر کریشمه‌سی دیری قیلیر عظام رمیم.
نولا اگر تولو وئرسین ایاغی، ساقی، سعادت اولدو مصاحب سیادت اولدو ندیم.
کؤنول مسافر ایدی حسنونون بلادیندا، چو یازدی گؤزلری گونشلرینه، اولدو مقیم.
هواســـــــــــی . . . نه . . . گه سووو، گه قان ایدی به امر کلیم.

880

جان دردینه گؤزون کیبی معلول گؤرمه‌دیم، زلفونده هئچ کؤنولو محلول گؤرمه‌دیم.
قدریمه‌گؤره‌گرچه کی، وئردی خطین برات، زلفون نه منّت ائدەر چو مقبول گؤرمه‌دیم.
حسن و ملاحتین گؤزومه وار دلالتی، نه فایده دلیل، چو مدلول گؤرمه‌دیم.
اؤزگه قیاس بوندا نتیجه نئچون وئره، موزون بو قضیّه‌ده محمول گؤرمه‌دیم.
بن وصلتینه ایرمه‌گه، ای شاه، راضییام، زنجیر وحدتینله چو مغلول گؤرمه‌دیم.

881

ائشیگیندن اؤزگه‌یه بن یوزومو سورمه‌یه‌ییم، آی‌یوزوندان‌اؤزگه‌خوبی‌گؤرمه‌ییم، گؤرمه‌یه‌ییم.
بن دوشومی یوراییم سندن یانا خیر اولامی، کؤنلومو بن سندن آیری کیشیه یورمایاییم.
لعل لبیندن سوراییم کی، نه‌دیر حالیم ولی، آخیداییم گؤز یاشینی اولامی سورمایاییم؟
بن‌بودونیاخوشلوغوندان‌توراییم‌عشقین‌اوچون، الّا وصلین لذّتیندن اؤله‌ییم، تورمایاییم.
شول‌قاشین‌یایینی‌قوروب‌جانا آتدین غمزه‌یی، بن دخی بازاری آنا راضی‌یام قورمایاییم.

882

عشقین ایاغینی ایچن آیلا، گؤرمه‌دیم، یوزون‌گؤره‌لی اورکه‌ری[1] آی ایله گؤرمه‌دیم.
بای ایله، یوخسول ایله ایریشدیم بسی، ولی، حسنونله ائیله کی کیشی بایالی گؤرمه‌دیم.
حسنه غنی جمالینی گؤردوم و آرادا، بیر نعمتی کی سعیله ساییلا گؤرمه‌دیم.
یوزون شعاسی ایله ساچین قوخوسو کیبی، گوندوز گئجه کی عالمه یاییلا گؤرمه‌دیم.

883
بیر زمزمه قیل گؤز یاشینی زمزم ائده‌لیم، سنینله صفا ائیله‌یه‌لیم، بیر دم ائده‌لیم.
گؤز یاشی ایله توپراغا عشقینی سینیردین، گؤستر سنی، هر ذرّه‌یی بیر آدم ائده‌لیم.
عالم بیزه دیداری اگر اولمایا تاردیر، هر گوشه‌ی داداری ایله عالم ائده‌لیم.
تولاشیمازوز زلفو بیزه ورهم ائده‌رسه، یوره‌گیمیزه لعلی ایله مرحم ائده‌لیم.

884
دُنیادا یئنه بن قوجا بیر گنجه ایریشدیم، ویرانه ایچینده، ساناسین، گنجه ایریشدیم.
زلفئینی پریشان ایدی، گؤزلری حرامی، شکر آنا کی، بن لعلینه ایمنجه ایریشدیم.
بئلینه ایریشم دئیو بن بو یولا گیردیم، شول‌بیله‌کی، اول‌قیلدیراوزون‌اینجه‌ایریشدیم.
ایچینجه نگاریم بیر ایکی ایاغ ایچرکن، تولو ایاغی سوندومو ایچینجه ایریشدیم.
نارینجه بئلیچون نولا نار اولسا کؤنولده، سروینده‌چوبن‌شول ایکی نارینجه ایریشدیم.

885
عشوه‌لرینه گؤزلری‌نین، شاها، دم دئدیم، یاقوت لبلرینه قیاس ائت، نه دم دئدیم.
شول‌دم‌کی، دم دگیل جگریم قانی ایله گؤر، یوزجان‌وبین دل ایله بن اول دامه نم دئدیم.
غمزه‌ن اوخونا کؤنولوم ام سوردو جانیما، بن لعل لبلرینی بو یارایا ام دئدیم.
باش قوماغا اوچون‌می آیاغینا صبح و شام، شول‌زلف‌وخال و خطّ و خدینه صنم دئدیم.
نوروزی ساز ائدیب چو نغم دییه‌سین بیزه، چنگینی زهره چالاماز اولورسا نه غم دئدیم.
دئدی کی، عشق سمّی نئره‌نی آغولادی، یوره‌گیمی آنیشدیریمادیم نه سم دئدیم.
شاهانه پنجره‌لرین آپاردی بو کؤنلومو، جانیم قاییرمادی بو الیمدن آل ام دئدیم.

886
گؤردوم ساچینی نولا اوزانیر ایسه یاشیم، گؤرومه‌یه‌لی نولا اوزانیر ایسه یاشیم.
باش‌اولدویوره‌گیم، صنما، غمزه‌ن اوخوندان، ایاغ وئر الیمه کی، فدا جان ایله باشیم.

1– اولکر/ زهره.

تاشدیر یوره‌گین لیک تنیندیر گُلِ نسرین، بنیم کؤنولوم سیرچه‌دیر و تاش اولا تاشیم.
قاچان کی اله ایله ایاغ ایچیره، مجروح گره‌ک کی، اولا یوره‌کده کی باشیم.
سجّاده‌سینی عقل سالار یوزونه قارشی، بیرجرعه‌می اوچون گئری آلیر گؤزو شاشیم.

887
بلبل یئنه گریاندیر، گلشن یئنه خرّم، غنچه یئنه خنداندیر و نرگس یئنه پر غم.
بلبل گره‌ک آغلایا صاباحا دکین آنجا، کی، دوشه حیادان گولونون اوستونه شبنم.
صبح‌اول گونش اوچون دم سرد اورا روامی، یا لعلی اوچون لاله آغیزین آچا دم- دم.
سئوداما مفرّح دیله‌دیم لعل لبیندن، قان اولمایا گر آیدیر ایسه، اول بانا ام- سم.
تک‌سن‌بنیم اول اوچماغی کیمه گره‌ک ایسه، ترک‌ائیله‌دی بیر بوغدا اوچون اوچماغی آدم.
خالیندا صفا آنلادیم، ای کعبه‌ی دلها، اول زمزمه ائیله‌دی بنیم گؤزومو زمزم.
مرهم دیله‌دیم سرّ ایله یاراما لبیندن، ایریردی صبا گیسوسونا ائیله‌دی ورهم.

888
آه اگر باخیب تاپونو گؤرمه‌یم، دوش گؤروبن یئنه سانا یورمایام.
هئچ زماندا، هئچ مکاندا، هئچ نه سه، گؤرمه‌یم کی، آندا سنی گؤرمه‌یم.
قورالی سن بو گیسولارین توزاغین، نذریم اول‌دور قوشا توزاق قورمایام.
عشقبازی مجلسینده نئجه کی، توپون اوتوروب اولا بن تورمایام.
نئجه کی، باز اولدو گؤزلرین، شاها، آیریغا کؤنول قوشون اویدورمایام.

889
ای سیدِ خوبان، لبین گؤستر، حسینی اولالیم،
شونو کی، گؤسترلر قامو سؤیله کی، سنده بولالیم.
یا اودونو گل یاخ بیزه، یا خوش نظرله باخ بیزه،
نئچه- نئچه شول گول کیبی گه تازه و گه سولالیم.
سندن بیزه چون چاره یوخ، درد دل بیچاره چوخ،
شؤیله‌کی، وارسین‌اول‌هله شؤیله کی، واروز اولالیم.
شاها، کؤنول سندن تولو دردیم نئده‌م بندن اولو،
نئجه کی درد اولو ایسه هله آنینلا تولالیم.

گل کیبی آچیل‌یوزومه، خورده[1]لـر ائتمـه سـؤزومه،
قویمابنی کندوزونـه، گـل گـول یوزونـه گولـه‌لـیم.

890

چین‌دئیه‌لیم‌ساچین‌ایله دوشدو خطایا گـؤزلریم، جادوساچین‌چینی ایله دوشدو خطایا گـؤزلریم.
کؤنولومون یاخاسینی توتدو آپـاردی گؤزونـه، سونرا یاخامی دوتوبان سالدی یاخایا گـؤزلریم.
درده دوادورور بو دم، کؤنولـه بیـر هـوا یئلـی، بیر سو کیبی قبول ائده‌ر دردی دوایـا گـؤزلریم.
گرچه کی، آشنا دگیل بحر ایله بو قارا گـؤزوم، دیلـه‌رم آشناسـینا شـیمدی سـینایا گـؤزلریم.
گؤزلری ایله قاشینا دوشدو ایسه کؤنول، نولـا؟ دوشدو ایسه خطا دگیل اوخ ایله یایا گـؤزلریم.
گؤزلریم اسرودور دیلـی گؤزلرینـه باخالیـدان، نیشه گره‌ک کی، اسرییه باخادیسا آیا گـؤزلریم.
گیسوسی‌عمروموزدورورگؤزلری‌آنی‌بوگـؤزلریم، شؤیله کی، تا اولا جهان یاش اوزایـا گـؤزلریم.

891

نوروز و نوبهار ایریشدی کـی، جـام ایچـم، ایشبو جهـان ایچینـده مـدام و مـدام ایچـم.
آشــفته ســنبلی ایلــه نرگســلریله مســت، لعــل لبیلــه بــاده‌ی مالــا کلــام ایچــم.
بن عشقی پخته‌سی‌یـم اگـر سـوخته‌ی دلـم، لبلـری یادینـا نولـا گـر بـاده‌ی خـام ایچـم.
قـانین حرامـدیر آنـا و اول حلـال ایچـر، بن دخی هم صـراحی قـانینی حـرام ایچـم.
ای خضر لبلـو نولـا چـو بـن ده اسـکندرم، گــر شــربت حیــاتی درون ظلــام ایچــم.
پروانه‌سیز بو عشقین اودونا کـی، گیرمیشـم، تولـو آیـاغی نولـا اگـر، ای قولـام، ایچـم.
یوزونله زلفـون ایچـره گـؤره‌لـی توتـاغینی، بوینوماواجب‌اولدوکی، هرصبح و شام ایچم.

892

آپــارین بنــی یــارا، گؤروشــه‌یــیم، یوزومــو آی یوزونــه سوروشــه‌یــیم.
توتــاغی قــانیم ایچــدی بــن قــانینی، اول قــانی آنــین ایلــه سوروشــاییم.
گـؤزه- گـؤز، یـوزه- یـوز جـانیم آپـاریر، آغیــز- آغیــز آنینلــا سوروشــاییم.
بــن کؤنولــو نشــان و اول قاشــی یــای، یئنــه بــن آنــین ایلــه قاریشــاییم.
بــــن آغیزیمــــی آغیزینــــا آنــــین، غمــــزه‌ســــینی جانیمــــا اوروشــــاییم.

893

1- ایراد توتما.

نئجه کی‌عمروم وار بنیم یوزون کیبی یوز گؤرمه‌دیـم،
والله کی، یوزون گؤره‌لی اؤزگه‌لره یـوز گؤرمـه‌دیـم.
بویون کیبی سرو روان، گؤزون کیبـی نـرگس مسـت،
زلفون ایله یوزون کیبی گئجه و گوندوز گؤرمـه‌دیـم.
آی آلنینی، گـون یوزونـو حسـنونده بـن گـؤره‌لیـدن،
گتیر حمایل ایچه‌ییم آندی کی، ییلـدیز گؤرمـه‌دیـم.
وارلیغـیم ائلینـی، شـها، شـؤیله جمـالین آلـدی کـی،
آیینـه‌یـه قیلیـب نظـر بـن بنـی سنسـیز گؤرمـه‌دیـم.
بین گز دخی گؤرور ایسـم، هـر دم سـنی تویومـازام،
بونجازمان گئچیمیشدورور هنوزدخی یوز گؤرمه‌دیم.
عشقین دوشه‌لی ایچیمـه، یانـدی جهـان دخـی بیلـه،
دردیم کیبی بو دونیادا سپیشـکن اویـوز گؤرمـه‌دیـم.
سنین کیبی گـؤزو خطـا، سـاچی حـبش، اؤزو خـتن،
بئلین کیبی بیر بئل دخی، یوزون کیبی یوز گؤرمه‌دیم.
بیتـدی یئرینـدن گـؤره‌لـی بویونـو سـرو بوسـتان،
آیدا بونون کیبی آلین، گونشده بـو یـوز گؤرمـه‌دیـم.

894

گول‌بیکی‌بلبل‌اوچون بن‌یاخامی‌چاک ائده‌ییم، زهره زهره‌سی آلیب آه بیر افلـاک ائـده‌یـیم.
هله شاید کی، خیـالی گلـه کؤنلـوم ائوینـه، غیر تاشرا سوروبن مجلسینی پاک ائـده‌یـیم.
زلفو تک اوینایـاییم باشـی هواسـیندا آنـین، جان یاخیبان اودوما تن یولونا خاگ ائده‌ییم.
سن‌کئییک‌گؤزلریجه‌یه‌صیدائده‌ییم‌وارجانیمی، زلفونو برهم ائدیب بوینوما فتـراق ائـده‌یـیم.
نقطه و خط نئجه‌سـی قسـمته قابـل اولمـاز، سیلینیرک سالینی گـل آنـی ادراک ائـده‌یـیم.
عشـقی عمّـان و تـامو یئسـه نـه غـم؟ تنی خوار اودونا و بحرینه خاشاک ائـده‌یـیم.
بحروبردینله‌مه‌گیل،خشک‌وتری ایسته‌مه‌گیل، دلی غمناک ائدیبن دیده‌یی نمناک ائـده‌یـیم.

895

یئنـه بـو خـاطره دوشـدو مصـاحبان قـدیم، کی، زهره‌چنگی‌وآی ساقی، گونش ایدی ندیم.

عذابی عـذاب لبینـدن بیـزه ایـراق اولوبـان، وصـالی نعمتـی بـو جـانیمیزا ایـدی نعـیم.
چمنده خلـوت وصـلینی اختیـار ائـدیجک، بیزه نثار گل ائـدەر ایـدی نسـیمی نـه سـیم.
ائشیکده گئجه ایدی، حاجب و صبا فـرّاش، تاپوندا گؤزوم ایدی ساقی و هواسـی مقـیم.
نه نفخ صور کی، اول حور گـر تـرنّم ائـده، قوپـا گلـه لاهیدینـدن قـامو اعظـام رمـیم.
بانادئدی کی، جانین وئر کی، بن سنین اولـاییم، مرادا ایـردی و ایرمـەدی وعـدەهـای کـریم.
یوزو گونشی، قاشی آیی، مشـتری توتـاغین، گؤرەلی‌بیلدی‌کؤنولوم‌کی،شول دم اولدو ساقیم.
بانـــا و دلبریمـــه یـــوخ نظیـــر عالمـــده، ولی جمال آنا و عشـق بانـا اولـدو قاسـیم[1].
گلین‌باخین یوزونەو معجزەسینی‌آنلان- کـی، قیلمیش آیی کیچی و بارماغی ایله بدو نیم[2].

896
گؤردو گؤرەلی گؤرمەدیگینی گـؤزوم بنـیم، ایـردی ایـرەلـی ایرمـەدیگینـه اؤزوم بنـیم.
بیلـیش ایـدی ازلـده جـانیم یـار جانینـا، آندان باریشدی، یاریم ایلـه ییلـدیزیم بنـیم.
شول سؤز کی سیزی اولمایا باد هـوا دورور، سوزی گرەک کی، اولا جهاندا سؤزوم بنـیم.
شکّر لبینـه تـوزا آخـار تـک آخـار کؤنـول، آنا شکر کـی، شـکّری قیلـدی تـوزوم بنـیم.
یولونا بین بنیم کیبـی قربـان نـه نسـنەدیـر؟ هــر دم هلــال قاشــینا قربــان یــوزوم بنـیم.

897
یوزونـو گـؤرەلـی سـانا جانانـەدیـر دئـیم، سنین عجب نه ایـدی، جانـا نـەدیـر دئـیم؟
دردانەدیـر درونـو ولـی بـن سـؤیلەییمـەزم، اینجی دیشین قاتیندا کی درد دانەدیـر دئـیم.
سـامانا سـایمادی بـو سـؤزو یـار یولونـا، غایت بودور کی، بن سر و سامانەدیـر دئـیم.
خیالیله زلفونـو کیشـی بنـدن سـورار ایسـه، مشکل دگیل کـی، دام ایلـه دانـەدیـر دئـیم.
شهناز کوچـه گـم دئیـو نئجـه قیلیـر ایسـه، نـوروز ایچینـده عـزم سـپاهانەدیـر دئـیم.

898
نیلی‌اوچون‌قیزیل‌ایرماق آخیدیر یاش گؤزوم، یاشی‌اوزون‌کی، کرم ائیلەدی شاباش گؤزوم.
آنی کی، قیلمیش ایدی یورەگیمه بیر نظـری، دمبدم ایشده بولور شُکر آنا پـاداش گـؤزوم.
حجرالاسـود اولـالی ایکـی محـراب قاشـی، رنداولورگاهی و گاهی اولور اوباش گؤزوم.
بن کؤنولده سرّینی ساخلامیشام، تانری بیلیر، دمبدم نئیلەیەییم چونکی قیلیر فاش گـؤزوم.

---

[1]- قاسم = بؤلن.

[2]- به دو نیم = ایکی بؤلومه.

ناتوان گؤره‌لی کؤنلوم بیگی گؤزونو، شها، لعل لبلرینه قیلدی اؤزون اوخشاش گؤزوم.

899

سئوه‌رم سنی ولیکن ز دل و جان سئوه‌رم، دردلی‌یم دردیم اوچون البتده درمان سئوه‌رم.
اولا کی یئتیره زلفون قوخوسون باد صبا، هر سحر آتلانیبان گلشنه سیران سئوه‌رم.
گؤزونو اسروک و لبلرینی میگون گؤره‌لی، دائما اؤز اؤزومو اسروک و حیران سئوه‌رم.
سن بنی قول دخی قاپیندا روا گؤرمز ایسه، بن کؤنول تختینه تاپونوزو سلطان سئوه‌رم.
اودوناشؤیله‌سئوه‌رم‌کی‌اولااودایانماق اوچون، دنیانین قاموسونو جمله نیستان سئوه‌رم.

900

جان‌اوچون‌کی،جان‌وئرم‌بین‌قاتلاجانینا،نه غم، هر نفس ایثار ائده‌رسم وارلیغی جانا، نه غم!
بن دیله‌رم کی، وئرم وارلیغیمی یار یولونا، بن جان اهلی‌یم، وئریرم یولونا جانا نه غم!
شول زلالیندان دمیدیر اودوما بیر قطره ساچ، توتالیم بیر عشق اری اودون ایله یانا نه غم!
حسنونوز رحمت دنیزیدیر، بن اوسامیشام، اکسیلیر اولور ایسه بیر قطره عمّانا، نه غم!
کؤنلومه‌گیرکی،نه‌جانسین‌گؤسته‌ره‌ییم‌بن‌سانا، یوسفی یعقوبا سورغیل، شهرِ کنعانا نه غم!

901

هر لحظه باده‌ی عنابیندن آخار یاشیم، عنّابی رنگ ایله بنی اعما چاخار یاشیم.
مردملیگینی گؤر کی، حبیبین خیالینا، زرّین قاباقلار ایله دؤکر درّ- تر یاشیم.
مهمانلیغینی چوخ یاش آنا خود نئجه دئییم، توفانا وئردی رومی هله ماحضر[1] یاشیم.
سو سالدی بوجهانا کی، گؤزوم‌شول ائویمی، قرّه‌العینه زهی صاحب نظر یاشیم.
خون‌جگردورور کی، اود ایچینده گؤز آخار، آل ایله خود سانا قیلا ظاهر گوهر یاشیم.
نئجه کی، آخار ایسه دخی تیز اولور اودوم، یاش دگیل اولامی بو گؤزومه آخار یاشیم.
هم واره یوز سویون گتیریر هم دؤکر دخی، شوریده قیلدی عالمی زیر و زبر یاشیم.
آه ائتدی فاش سرّیمیزی عالمی بلی، معذوردور نئجه چکه خون جگر یاشیم.
سئوداچو باشدان آشدی هله دؤکه‌رم یاشی،- کی باشا ایلته، یوخسا باشیما یئتر یاشیم.

902

گؤزلرین کیبی، نگارا، دلربا گؤز گؤرمه‌دیم، کندی‌اؤزون‌گؤسته‌ریجی بی‌ریا گؤز گؤرمه‌دیم.

1- قوناق اوچون حاضرلیق.

بونجاشاعیرلر کی، مدح ائدەر خطائی گؤزلری،   بن‌جمالین‌گؤرمەیینجە بیر خطا گؤز گؤرمەدیم.
جان‌آلعل – آمیا گزەرکی،گؤرەبیرگؤزگؤزوتک،   نئچەگؤردومسەآنین‌تک بیر بلا گؤز گؤرمەدیم.
یوزگؤرورلرآی‌وگونش‌یوزون‌اوچون یوزە یوز،   بن‌گؤزون‌کیبی‌گؤزە-گؤزبیرملا گؤز گؤرمەدیم.
نئجەکی‌عین‌آدلیگؤز یاراتدی ایسە اول چلب،   گؤزلرینی گؤرەلی هرگز بجا گؤز گؤرمەدیم.

903
تولوساغراق‌ایچەریز،چونکی‌خماروزنئدەلیم؟   دردینە دؤیەمەزوز، زار و نزاروز نئدەلیم؟
باش‌قوروز یئل کیبی آیاغین ایزی‌نین توزونا،   آغیزین یادی چون اود کیبی یاناروز نئدەلیم؟
عشقین اودو تولودور ایچیمیز و پردەسی بیز،   سنین یاناغین اوچون تحفە فناروز نئدەلیم؟
توتاغین قانیم ایچر اوشدادورور قانی ایلە،   قانلیمیزدان قانا بیز دخی قاناروز نئدەلیم؟
سن‌جهان‌وایەسی‌سین،ای‌نظراهلی، سور آنی،   بیز دخی آرادا بارماغی باناروز، نئدەلیم؟

904
یئنە باشلادی بلبللر تکلّم،   قیلیرلار گول فراقیندان تظلّم.
کؤنول عقل ایلە جانی وصلی اوچون،   قیلیر تسلیم قیلیماز تسلّم.
نولا هجریندن آنین اؤلور ایسم،   کی تندن آیری جان بولور تعلّم.
یوزون شمعینە قارشی یانماغی جان،   قیلیر پروانەدن هر دم تعلّم.
خیالین عشقینە گؤزوم یومارام،   کی دوش گؤرمز ایسم قیلام تحلّم.

905
یورەک لبین ایلە، شاها، نئدەییم،   غمزەن جگردە قومادی قان آدی، نئدەییم؟
بیر دم لبیم لبینە ایریب حالینی دئسە،   آب حیاتا اولا کی، قانادی، نئدەییم؟
کؤنول قوشو نە حال ایسە ایرەردی وصلینە،   شیمدی یولوندا قالمادی قانادی، نئدەییم؟
کؤنول قان اولدو ایسە نولا گؤز دورور یولو،   تاپونا ایریشیر ایسە قان آدی، نئدەییم؟
غمزەن خیالی دون گئجە گلدی بو کؤنلومە،   یورەک خیالە دؤزمەدی، قانادی، نئدەییم؟

906
تا کی قیلدین جان گدازی، ای صنم،   قومادین کؤنولدە رازی، ای صنم.
زلفونو گؤرەلی عشقە قیلمیشوز،   بیز دعای جان درازی، ای صنم.
قانیم ایچەلی بیچیلدی لعلینە،   جبّەی جامە درازی، ای صنم.
بیزجیلەیین ایکی گؤرومەدی عشق،   بیر شهید و بیر غازی، ای صنم.

بـن حقیقـت عشـق اودونـا دوشموشـم، بؤیلـه اولـامی مجـازی، ای صـنم؟
بـن جگـر قـانی ایلـه غسـل ائـده‌رم، تـا مگـر اولـام نمـازی، ای صـنم.
بیـر کؤنـول کـی، یـوخ اولـا، نئجـه چکـه، گـاه نـازی، گـاه نیـازی، ای صـنم؟

907
تانا دگین بـو گئجـه نالـه و فریـاد ائـده‌لـیم، نئجه بیر فوت اولا عمروموز یـاد ائـده‌لـیم.
گؤزلریمیز یاشینی آخیدیب ایرماق ائـدیبن، قیصری[1] یی دخی بو یاش ایله بغداد ائده‌لیم.
بن حَسَن یوزو سئوه‌رم، تانیغیم ویسی قاران، قیسساقیل‌غصّه‌یی، سون‌ایاغی، دل‌شادائده‌لیم.
بنده زلفـون گرهینـده توتـالیم بنـده دوشـر، سئوینی دپره‌د آخـی بنـده‌یـی آزاد ائـده‌لـیم.
بیریبی بیـزده خیـالینی گلـین ایشـبو گئجـه، بیز دخی جهد ائدیبن کؤنولو داماد ائـده‌لـیم.

908
یاداولموشام‌یئنه بو گون بیلیش ایله، نئده‌ییم، یئنه بو ایلمه‌لی عشـقیم ایلیشـیله، نئـده‌یـیم؟
بانا هواسینی وئردی و جـان و دل دیلـه‌دی، چو بو آرایا گیزله‌دی آلـیش ایلـه، نئـده‌یـیم.
کؤنول جفایا قیلیر دعـوی و کؤنـول صـبره، چوعشق‌عمرو اوزوندور بیلیش ایله نئده‌ییم؟
گؤزوم‌کی، گؤزایدی‌چون‌سیل‌آخارویارسیلر، چوبن‌بوسیل ایله غرقم سیلیش ایله نئده‌ییم؟
اگرچه‌عاشقی چوخدور، بنیم کیبی یوخدور، بن آنی کلّی دیله‌رم اولوش ایلـه، نئـده‌یـیم؟

909
بیراخدی صنم زلفـو بیـزی بنـده، نئـده‌لـیم؟ بیراخمیش اولا نئجه دخـی بنـده، نئـده‌لـیم؟
قوماز بنی ائشیگینه کـی، گؤرمـه‌یـه کیشـی، بن خود گؤرورم کندیزینی بنـده، نئـده‌لـیم؟
دگیل کیبی گر آغلار ایسم سـببی چوخـدور، غنچه کیبی بلبـل یوزونـه خنـده، نئـده‌لـیم؟
قاندا اولوسـار لعـل لبـی تـک شَـکَر- قنـد، حاضـر شَـکرین نسـبتی قنـده نئـده‌لـیم؟
تربنده یئمیش وئردی آنین عشقی کؤنولـده، حسنو دخی گلدی گـؤزه تربنـده نئـده‌لـیم؟

910
زلفـون ایلـه سرگشـته و گؤزونلـه علـیلم، عطّـار لبینـدن نولـا دیلرسـه علیـل ام؟
عشـقی اودو یاخـدی و تیـز ائتـدی اودونـو سالدی بنی اول اورتایـا یعنـی کـی، خلـیلم.
مطلـوبی کـی عـالمین اول طـالبی بنـوَن، مدلول ایاغی توپرزاغی چـون بـن ده دلـیلم.

---

[1]– قیصری = بو گونکو قیصریه شهری، تورکیه ده کایساری دئییلیر.

بئلی‌نئجه قیل اولمایا شول یار ایله، چون بن، بـاری بئلینـه وئردیگـی بـاری ایلـه قیلـام.

911
گیسـوللاری‌نـین ایچینـده گـزدیم، یاخـدی بـو یـوره‌جیگیمـی گـزدیم.
هـر نـه کـی، گـؤزو یـوره‌گـه قیلـدی، بـن بیـر قلـم ایلـه یـوزده یـوزدوم.
کیمسـه واریمـاز گیسوسـو یولـون، بـن دخـی نولـا بـو یولـدا آزدیـم.
گؤرمـه‌دی لطیـف گـؤزلرین تـک، نئجـه کـی، گؤزومـده خـالقی سـوزدوم.
تـا دیکـدی گـؤزون هـوای دلـده، بـن اؤزگـه محبّتینـی اوزدوم.

912
یاشیمی قان جگر قانینی آب ائـدر گـؤزوم، یارین خیالینی بانا چون خواب ائدر گؤزوم.
عشق اکدی زعفرانـی یوزومـده فـرق ایلـه، غُرّتِ عیونا کی آنی سـیراب ائـدر گـؤزوم.
آیی دیلر کی، سـودا گـؤره ایشـبو چشـمباز، یاش دنیزینه عالمی غرقـاب ائـدر گـؤزوم.
غیرت قیلیر کی، غیرِ آنـین گـؤزه گلمـه‌یـه، هر دم جگر قانی ایله سیلاب ائـدر گـؤزوم.
خالی بلـال، ایمـان گـؤزو، مقتـدی کؤنـول، پیوسته قاشینی دخی محراب ائـدر گـؤزوم.

913
گؤزو ایلـه کؤنولومـون سـقامتین‌مـی دئـیم، یـا قـامتی ایلـه جـانین قیـامتین‌مـی دئـیم؟
قولونـدا موسـیِ عمـران معجـزه‌سـینی‌مـی، لبینـده عیسـیِ مـریم کـرامتین‌مـی دئـیم؟
گؤزون سـقامتینی مـی خمـاردان دئیـه‌یـیم، یا انحراف ایلـه قاشـین سـلامتین‌مـی دئـیم؟
جمـاعتین یولونـا جـانین اوینـادیغین مـی، یا قوشـا قاشـینا گـؤزون امـامتین‌مـی دئـیم؟
تاپونـا ایرمـه‌ییـبن دؤنوجـک یئنـه تاپینـا، عـدولِ جـورِ رقیبـین ملـامتین‌مـی دئـیم؟

914
یوره‌گیم قانلی گؤزونچون قانا گلمز، دئیـیم؟ زلفو کافردیر آنین ایمانـا گلمـز، نـه دئیـیم؟
جانـا گلـدی کؤنولـوم تـا ایریشـه لبلرینـه، تنگدل اولدو آغیزی جانا گلمـز، نـه دئیـیم؟
هندوچریسینی‌حسنون‌یاسامیش‌ییدی بؤلوک، عقل‌ایله‌جان‌وکؤنول‌چون‌ساناگلمز، نه دئییم؟
بیلدی کؤنولومه، قاشدا جانیما یوخدور اثـر، چون آلارین خبری بو خانا گلمز، نه دئیـیم؟
یوره‌گی قان ائدیبن گؤزونو اوخور کؤنولوم، بونه‌تورلوچین‌اولور کی، قانا گلمز، نه دئییم؟

915
عرض ائتمه بانا دونیـا متـاعینی یـوخ تـانیم، اوردو ساچین ایله عشق سماعینی یوخ تانیم.
جان‌ائیله‌دوشدو حسنونه شول بدر یوزونون، گونشـدن ائدینیرسـه قنـاعینی یـوخ تـانیم.

بن سنی سئوه‌رم دخی، نسنه‌نی سئومه‌زم، لعلین شکردن آچسا فرقانی، یوخ تانیم.
زلفون بنی بئلینه چکر، لبلرین قوماز، باین همه چکر بو نزاعینی، یوخ تانیم.

916
ترک ائتمه‌گه یولوندا، بگیم، جانا قالمادیم، دینی ساچینا اویناديم، ايمانا قالمادیم.
مقصود آفرینش اؤزوندور همین و بس، اگله‌نیمه‌دیم ایسسیسینه، یانا قالمادیم.
کونین همّتیمی ایله‌یینده چؤپجه یوخ، کونینه کیم نظر قیلا امکانا قالمادیم.
تا کیم بو عیش دردینه بن وردی ائتمیشم، لا لهوه اگله‌نیمه‌دیم، جانا قالمادیم.
بو خاکی‌جسمی عشقی‌نین اودونا یاخدیغیم، بودور کی، یعنی کؤوی ایله بن کانا قالمادیم.
برخون جهاندا گؤروبه نین بیوفالیغین، عشق اودونا یاخیب آنی فوجانه قالمادیم.
دوشدوم بو گنجه گنجینی قارونون آنمادیم، دیو و پری نه اولا، سلیمانا قالمادیم.

917
گؤزلریم‌گؤزلری‌ایرماق اولوب آخار نئده‌ییم، جگریم اودلارا یوره‌گیمی یاخار نئده‌ییم؟
حلقه قاخدیم صنمین زلفو هواسینا، ولی، هر هوا آنی بنیم باشیما قاخار نئده‌ییم؟
لبلرین عشوه‌سی ایله دلی قان ائیله‌میشم، گؤزلریم قانیما گیریر آنی چاخار نئده‌ییم؟
گؤزه- گؤزاوخادوتاریوره‌گیمی‌جادوگؤزون، مردمی هر گؤزونون بو ایشه باخار نئده‌ییم؟
زلفونو قول و قراری یوخ و آنی بانا دئر، بو آدی بنیم بوینوما تاخار نئده‌ییم؟

918
شول نقطه‌ی یاقوت کی، وحدتدن اورور دم، بیرجام دورور کی، دخی گؤرمه‌دی آنی جم.
تنگی شکر اول شکّری تنگ ایچینه مضمر، باری گهر اول لعلِ گهر بارینه مدغم.
دل دم اوریماز بیر نفس اول درد ایله، زیرا، جاسوس صبا ایرورور آنی آنا در دم.
سرکشلیگی سروین نه سرِ روی ایله‌دیر کی، قدّی قدمینه بئلی افلاکین اولور خم.
بئلینده تزلزل وار ایدی اینجه‌لیگیندن، باری بیربیدیر آنا هم آیتِ محکم.
کندیم بیلیرم کی، یاناغینداغی قارا بن، شول دانه دورور کی، وئره جانین آنا آدم.
لعلین یوره‌گه بیر نم اوچون جانیم آپاردی، جان وئرمه‌یین آنا دئر ایسه، نئجه ایننام؟

حرف ن

919
نه‌لرگؤردوم،نه‌شرح‌ائده‌م‌نگارین‌یوزو آلیندان، سنی بیلمه‌ین آنلاماز یمینینی شمالیندان.
باشیمدا لشکرسئودا چو دوزدو خیل خانه‌سین، عجب توتما، اگر بو تن خیال اولا خیالیندان.

اگر دیوانه اولدوم بن، آنین عقلینه نه نقصان، وگر نقصان اولور بنده، نه اکسیلیر کمالیندان؟
بنی زلفئینی قیلیلا سالیب بنده اودا سالدی، بیلیمه زم نه قوپوسار آنین قیل ایله قالیندان.
گونشدور یوزو دلدارین، الهی مستقیم اولسون، کؤنولو ساخلاسین الله آنین یوزو زوالیندان.
وصاله دویوماز جانیم، فراقه طاقتی یوخدور، فراقین اودو هم یئی‌دور وصالین احتمالیندان.
بنم لیلایه مجنون، بس نئده‌رم گونش و آیی، جانا لیلی ایزی- توزو یئی اولا آی جمالیندان.
بو دنیادا بنیمسن سن و اول دونیادا سنین بن، قاچان‌ایسه‌آسیلیرسار بو قولوم طوبی دالیندان.[1]

920
گلستان و دلستان و دوستان، آندورورلار کؤنلومه هندوستان.
گول یوزون تک گؤرمه‌دی، قاندا گؤردو نرگسین تک بوستان؟
گول تیکانلی‌دیر، بنفشه قایغولو، قدینه سرو اولالی از راستان.
چون ایریشمز الیمیز اته‌گینه، آستانیله سوپورور آستان.
بو نه داستاندور کی آنین ساعدلری، عالم ایچینده قوموشدور داستان.

921
جان چکدیگی گر دئییله هجران آراسیندان، آنیلمایا مجنون دخی دوران آراسیندان.
کلّی بو بنیم دردیمه درمانسین، افندی، الّا سورارام دردی بو درمان آراسیندا.
قانلی گؤزوم ایرماغا اگر ایره دنیزه، بلگولو گره‌ک کی، اولا عمّان آراسیندان.
یوزونده قارا بنینی گؤردوم ساناسین کی، بیر نقطه‌جه شبهه گؤردوم ایمان آراسیندا.
یوزونده گؤره‌لی صنما، زلفونو بیلدیم، کی بیر قیل ایمیش گبر و مسلمان آراسیندان.

922
شها، شول لبلریندن امه‌ن، خیّاطا ایریشیر بیر لحظه امه‌ن.
سنه مستغفر اولدوم بیلیمه‌زم، کی، سن منسین گؤزوکی گؤزه یا من؟
لبیم خشک اولدو، آنا چاره سندن، گؤزوم تر قیلالی یولوندا دامن.
هوادان بیر شراره گؤردو جانیم، نه‌سین دئدیم، دئدی کی، اودا یاخین.
چو زلفونون هواسییلا بیلیشدیر، گره‌ک عنبر اولا بو اودا یانان.
گؤزون تاتارینین یاساغی بودور، کی، قورتولمایا بو عشقه یاسانان.

---

[1]- دال = بوداق.

گـــره‌ک کـــی، عاشـــق اولـــا شـــمع کیبـــی، کـــــی، پروانــــه اولــــا اودونــــا باخــــان.

923
یوزونــــــه آی حیــــــران اولالیــــــدان، گــــــونش بــــر نجــــع دوران اولالیــــدان.
تنـیم گؤرمــه‌دی جــانین کیبــی بیــر جــان، تــــن انســـانا بـــو جـــان اولالیـــدان.
زلیخــا گؤرمــه‌دی گــؤزوم ســنین تــک، بـــو یوســف عشـــقه زنـــدان اولالیـــدان.
گــؤزوم بیـــر ابردیـــر گریـــان ساناســـین، یانـــاغین وئـــردی خنـــدان اولالیـــدان.
لـــب و دنـــدان دا شـــیرین نقطـــه‌لریـــدیر، لبـین نـــه وصـــفی بـــه دنـــادان اولالیـــدان.
کؤنـــول کویینـــه چوگـــان زلفـــو اولـــدو، جهـــان عشّـــاقه میـــدان اولالیـــدان.
چیخـــاردیم اول درّو بـــو بحـــر ایچینـــدن، جهانـــــدا بحـــــر و اوزان اولالیـــــدان.
بنیملــــه عشـــــقه و ســــنینله حســـــنه، مثـــل کیمـــدیر بـــو میـــزان اولالیـــدان؟
گلـــــاب آخـــار یاناغینــــا حیـــادان، کؤنولـــده عشـــق ســـوزان اولالیـــدان.
درافشـــان اولمـــادی هرگـــز بـــو گـــؤزوم، بونـــون تـــک بیـــر گـــل افشـــان اولالیـــدان.
بولـــود گریانـــــدورور بـــرگ خنـــدان، ســــــاچینلا دل پریشـــــان اولالیـــــدان.

924
پریشــــان اولــــدو زلفئینــــی صــــبادان، موشـــوّش قیلـــدی کؤنلومـــو هـــوادان.
اتـــه‌گـــی قوپـــاران تـــوزو ایزینـــدن، گؤزومــــه یئـــگ گـــؤرورم توتیـــادان.
بنـــی منســـوب ائـــده‌ر عشـــقین تاپونـــا، یئـــگ ایمـــیش عشـــقی یـــارین کیمیـــادان.
هــزار افســوس ائــده‌ر جــادو گــؤزون کــی، بیریســــــین بولمامیشـــــیز ســـــیمیادان.
کـــیم آییـــرا بنـــی شـــول غمـــزه‌لـــردن، کـــی، یئگـــدیر یاراســـی یـــوز مومیـــادان.
دوا قانــــدا بولونـــور دردینـــه چـــون، کـــی، دردی یئگـــدورور یـــوز بـــین دوادان.
خیـالین یوخلـار ایسـم بیـر نفـس چـوخ، گتیریــــر بیــــر خبــــر شــــول دم صــــبادان.

925
نـه صـاحب اولـا بیلـه بـو صـاباح صـاحب اولـان،
ســـعادته ایریشـــه بـــو نفـــس مصـــاحب اولـــان.
گـــؤزون شـــاه اولـــدو کیرپیکلرینـــدور آوداچـــی،
قاشین دورور، صنما، ساغلی- سوللو صاحب اولـان.
سـاچین گوجـه‌سـی براتینـی قـدرت ایلـه یـازار،

خطـینْ‌دورور بیـزه‌پس، ای صـنم، مواجـب اولـان.

926
نقّـاش ازل صـورت نقشـینی یازالـدان، دوشدو بودیل‌آیاقدان و گئتدی بو گؤز الدن.
قان اولدو چکیده یوره‌گیمـدن بـو گؤزومـه، اول دلبـر زیبـا بانـا گؤزونـو سـوزلدن.
زلفو ایـزی ایلـه یوزونـه یـول بولـورم بـن، ناگـاه هـوا اسـدی و گئتـدی بـو ایـز الـدن.
بـو دایـره‌دن چیخمامیشـام حـق بیلیـر آنـی، نقّـاش ازلـدن حسـنونه دایـره جیزلـدن.
بوزولدو کؤنول منتظم ائتدی یاشی گـؤزوم، شـول عنبـر مشّـاطه بـو کـافورا دوزلـدن.

927
شها، بیزه‌نظرقیل‌غیل‌کی،درویشـی و درویشـان، بوآهیمدان‌حذرقیل‌غیل‌کی،درویشی‌و درویشان.
بویولدابیرسفرقیل‌غیل‌کی،کئچن‌عمری‌ثمرقیل‌غیل، بومیداناهنرقیل‌غیل کی، درویشی و درویشـان.
هلالینی‌قمر قیل‌غیل، ساچین بیله کمر قیل‌غیـل، آیاغین‌باشاسرقیل‌غیل‌کی، درویشی و درویشان.
جهانی‌پُرعبرقیل‌غیل،ساچینی‌چون ایپر قیل‌غیـل، یوزون‌گلبرگ‌ترقیل‌غیل‌کی،درویشی‌ودرویشـان.
کؤنوله‌بیرخبرقیل‌غیل، گناهیمدان گذر قیل‌غیـل، جفای سربسرقیل‌غیل‌کی،درویشی و درویشـان.

928
گل کی آیاغین توزونا فـدا اولـا جـانِ جـان، بین جان وئر دگیل کی، فدادیر جهـانِ جـان.
لعلینه ایریمه‌دیـم و ایرمـه‌یـه فکـر و وهـم، بئلـین خیالینـه ایرمـه‌یـه گمـان جـان.
بویونا جان نئجه‌سی دئیه‌بیم کی، چون الف، دائـم گـؤرورم آنـی یـازیلمیش میـان جـان.
مجموعه‌سین بوانس‌ایله‌جان اوزره، ای نگار، ظاهردورور تاپوندان آنین چون نهـان جـان.
دردیندن اؤزگه تحفه بولیمـاز سـانا کؤنـول، نـازک متاعـدیر کـی، اولـا ارمغـان جـان.
غمزه‌سی ایله گؤزلری‌نـین خسـته‌یـم، نولـا، خسته گره‌ک کی، توتـا تنـین پهلـوان جـان.
عشقین اودونا چاره چو بولومادی بیر عقـل، مردانـه سـالدی اودا اؤزونـو جـوان جـان.

929
نـام و ننگـین وار ایسـه، گـئچ نـام ایلـه ناموسـدان،
ذوقـی جـان حسّـینه باغلـا، گـئچ قـامو محسوسـدان.
نفسـینی اسـلاما گتیـر، قیلمـا شـیطاندان گلـه،
یـاغی اوش ملکـون ایچینـده، نـه قـایو جاسوسـدان.
پادشاهسـین مملکـت ویـران و دوشـن‌دیـر قَـوی،

نئجه بیر قصّه سورارسین خسرو و کاووسدان؟
دین‌سورارسان، توغرولوقدور، توغرولوق سورغیل آنی،
مسلم و مشرک، فرنگ و هند و تورک و روسدان.
جوهری بالچیقا باسیردین گئده‌ردین رونقین،
آبِ حیوان می اومارسین شیمدی بیر محبوسدان؟
آچ بو شهبازین گؤزونو کی، گؤره‌سین اوچماغی،
بالله، اوچماق می اومارسین خدمتِ طاووسدان؟
گر یوزون سویو وار ایسه، دؤکمه یوزون سویونو،
فرق ائت، آخر، شول ایمانی- دینی فاصلیوسدان.[1]

930
کؤنولده شها، صفحه‌ی عشقینی دوره‌لدن، شول قوشا قاشین میخلادی یایینی قورالدان.
قالمادی گمانی قانا هرگز کؤنولومون، لعلِ لبی‌نین قانینی فی‌الجمله گؤره‌لدن.
وصلین یوزونو گؤرمه‌دی گؤز گؤره‌لی سنی، هجرینه اولاشالی یئتیردی گؤر الدن.
سروین قدینه نسبتی خود قاچان اولیسار، آشفته‌دورور عنبر آیاغینا ایره‌لدن.
گؤزگؤرمه‌دی‌گؤزوم‌کیبی‌کی،گؤردو گؤزونو، عشّاقی گؤز اوخو ایله معشوقه ایره‌لدن.
امّیدی نه‌دیر بو کؤنولون گؤزلرین ایله، باز آلیجاغاز کیم آلا ککلیگی دئر الدن؟

931
یاشلاریم خون و باغریم آب، نه‌دن، میلی لعلینه دل کباب نه‌دن؟
دمبدم شول خمار گؤزلرینه، قدحِ دل تولو شراب نه‌دن؟
عشق ایله دل ازلدن بئله ایدی، بیری آمر، بیری خراب نه‌دن؟
بیر هوا ایردی ایسه گیسوسونا، بونجا ورهم‌لیک اضطراب نه‌دن؟
نه سنی بولورم، نه خودبینی، اولالی بنلیگیم حجاب نه‌دن؟
یوز – گؤزو باخارماز گونش یوزونه، پس جمالینا بو نقاب نه‌دن؟
گول اگر گؤرمه‌دی یوزون درینی، بس جعه گیودی پس گلاب نه‌دن؟
کؤنلوم اودونا، گؤزلریم یاشینا، گوله برق، آغلایا سحاب نه‌دن؟

---

[1]– انجیل تفسیرچیلریندن بیری اولموشدور.

کؤنلومه دوا سورا واردیم، لبینه وئرمه‌دی جواب نه‌دن؟
خسته گؤزونو خفته گؤره‌لی‌دن، گلمه‌دی خسته گؤزه خواب نه‌دن؟
گؤزلریمدیر سراب و آبِ وصال، آنا اولموشدورور سراب نه‌دن؟

932 نئجه اوردو یوره‌گه قانامادی گؤزلریندن، ای نئجه ایاقلار ایچدی قانامادی گؤزلریندن.
بئیلینه‌ال‌ایرمه‌دیگینی نه‌دئیم‌کی،خوش‌بیلیرسین، گؤزوم اویخویا گئجه‌لر ایره‌مه‌دی گؤزلریندن.
توتاییم‌کی،غمزه‌ایله بنی خسته قیلدی گؤزون، لبینه نه گلدی بیر دم سورامادی گؤزلریندن.
نه دوایا کی، دیلرسن کؤنول ایردی لبلریندن، ولی خسته جانیما ام دئیه‌مه‌دی گؤزلریندن.
نئجه‌خشم‌گؤردوجسمیم،صنما،گؤزون‌اوخویلا، نئده‌لیم‌ایریشدی لطفون گؤره‌مه‌دی گؤزلریندن.

933 موج‌اورور کؤنلوم‌دنیزی،یئنه خزاندیر نه دن، گؤزلریم چون ابرِ نیساندیر نه دن؟

934 نولدو سانا گر یول اولا دیوانه کؤنولدن، یول اولموش اولا دونیادا بیر جانا کؤنولدن.
بین قانمیش اولا یوره‌گیمین قانینا لعلین، بیر دم نولا گر جان لبینه قانا کؤنولدن.
تشبیه قاچان قیلا بیله مشعله‌یی چرخ، بوشمعه‌کی، شول‌گونش‌اوچون یانا کؤنولدن.
گؤزوم کی دؤکرلعلِ لبینچون نه عجبدیر، گؤر نه دؤکولور دیشونه دردانه کؤنولدن.
آدم گؤزو مردانه باخار دلبره، زیرا، یول وار کی، خبر ایریشه انسانا کؤنولدن.
بن جان ایله عقل و دل و تن اوینابیم آنا، کی یار بن ایدیگیمه اینانا کؤنولدن.
کندینی فنا دنیزینه غرق ائد و قورتول، میلین وار ایسه، شربتِ حیوانا کؤنولدن.
گر دیلر ایسن، مصره عزیز اولاسین، ای یار، گل کی، سالالیم یوسفی زندانا کؤنولدن.
گر ابرِ بهاری کیبی گریان اولور انسن، ایرمه‌گه یارارسین گولِ خندانا کؤنولدن.
کعبه سانا قارشی گتیری وئره صفایی، سیمارلار ایسن اؤزونو قوربانا کؤنولدن.
گؤزده یئری‌وار کیم‌کی، گؤزو قانینی ییغماز، مردملیک ائدیب آخیدا دردانه کؤنولدن.

935 تن گمی‌دیر بو جهاندا عمر قورموش بادبان، بو دنیزده آشنا بیلمه‌یه‌نه یوخدور امان.
جان‌کی‌عرشی‌دیربوفرقین‌تنده‌قیلمیشدورقرار، گرچه وار فرق آرالیقدا ز زمین تا آسمان.
جان‌می‌دور اول‌جان‌کی، اول‌جانانه‌یه‌تن اولمایا، خاصّه، اول‌جانانه‌یه‌کی‌آنین‌تنی‌دور همچو جان.

لعلِ آغیزین لؤلؤ دیشینچون نئچه کی، آغلارام،   گؤزلریمه ایریشیر هر دم مدد از بحر و کان.
وارلیغی ترک ائدیبن یولونا جانلار اویناماق،   عشق اری زعمینده بالله ز حیات رایگان.
غمزه‌ن‌اوخوقاش‌یایینداڭچون‌توخوندو یوره‌گه،   چاره‌نه‌شول‌تیره کی، اول اولدو جسته از کمان.
جانی بیر لعلینه وئردیم و کؤنولو بیرینه،   دوشدو فی الجمله یئنه آلارین آراسینا قان.

936
سرخوش‌گؤزو بیلیر کی مستانه‌ی عشقم بن،   بیر عاقل مهنی‌یم دیوانه‌ی عشقم بن.
هر بی‌خردین سؤزو کی طعنه قیلیر بانا،   سندن بنی آییرماز، از خانه‌ی عشقم بن.
جانانه‌یه‌بن جانی چوخدور کی روان ائتدیم،   جانیم بنیم اول‌دور کی جانانه‌ی عشقم بن.
گنجینه‌ی حسنونی پنهان ائده‌لی دلده،   گؤکچکلیگه بای اولدوم، ویرانه‌ی عشقم بن.
روشن بودورور، یانما اولدو یوزونه واجب،   شمع اولماغا هر جانا پروانه‌ی عشقم بن.

937
دل نئجه دئیه سئودیگیمیز سنی دلدن،   گئتمه‌دی سنی گؤره‌لی ذکرین، شها، دیلدن.
دیشلرینی دئیه‌لی سؤزومدور دورِ منظوم،   سؤزکی‌بئلین‌اوچون دئیه‌م، اینجه اولا قیلدان.
آدم اونا دئیه‌رم کی اولا نای و هوادن،   آدممی‌دیر اول کی دم اورا آب ایله گلدن؟
یوزو گونشی سایه‌سیدیر روح دئدیگیم،   بولمه‌دی‌حیات‌اول‌کی‌ایراق دوشدو بو ظلدن.
شاه یولونا سالدیم آتیمی مان ائوینه بن،   اوران روحونو روحونا نه فکر ائده فیلدن.

938
اگرزلفوندن‌ای دلبر، دیله‌یم کی دم اورام بن،   نه‌دنیی‌قالا، نه‌عقبی، قاموسون وئر هم اورام بن.
نگارا،عشقین‌اودوندان‌دم‌اولموشدوربویوره‌گیم،   بودور دردیم کانی اودا لبینچون دردم اورام بن.
باناشول‌جادو گؤزلرین‌آتاربیرلحظه ده یوز اوخ،   حسابه‌گرچی کی‌دلده‌اول اوخلاری‌کم‌اورام بن.
چوعشقین‌اودوتوتموشدوبووارلیقدانولیساردیر،   اگر گؤزوم یاشی ایله بو کؤینوگه نم اورام بن.
فنا سکه‌سین آلمیشام، نگارا، عشقین الیندن،   گره‌ک‌وارلیغااول‌نقشی‌قوی و محکم اورام بن.

939
آییق گؤریمه‌دیم هئچ آنین گؤزلرینی بن،   بنزه‌دیمه‌دیم آیا آنین یوزلرینی بن.
گونش دورور جمالی و یوخدور آیا مجال،   چون گؤرموشم بو جمعده ییلدوزلارینی بن.
پیوسته گؤزلرین ایله هرگز بولیمازام،   صاحب قیران قاشلارین اوچون قرینی بن.
ایمانی شمع یاندیریر کؤنلوم لبین اوچون،   جان ایله اولا کی، اویارام ایشبو دینی بن.

هر نسنه کی ساچیندا کمین ایله آنلادیم، شیمدی دئیومه زم قاموسوندان کمینی بن.

940
خطاییمی دورور گؤزون نگارینا عجب چیندن،
صواب اولدو کؤنوله کی اوخو چاخمایا ایچیندن.
دوری منظوم ائدەر شعریم لبیندن سؤیلر اولورسام،
پراکنده قیلیر مشکی آچارسام سؤزو ساچیندان.
اگرچه دامدیر زلفو، ولی قوش دانەیە دوشر،
نه دئیەییم کی نه چکدی کؤنول هندوی گلچیندن.
نه وصلی ایله بنی بولدوم، نه هجر ایله نگارینی،
اؤلوم بنه ییگیرەگدیر حقیقتده بو ایچیندن.
مگر آیا نظر قیلدیم کی گؤزون تولو قیلمیش اوخ،
یئریدیر بو گؤزه هر نه کی یولوغورسا سوچیندن.

941
هجر ایله زار و نزارم اوشدا بن، زلفو ایله بیقرارم اوشدا بن.
شمع کیبی ساراریبان آغلارام، تانا چیخاروب یانارام اوشدا بن.
شعره دؤنموشدو تنیم بئلین ایله، اود ایچیمده چون فنارام اوشدا بن.
غمزەن اوخویلا لبی‌نین مئیینه، گه قانارام، گه قاتارام اوشدا بن.
لبلری‌نین یادینا خون جگر، نئجه کی ایچەرم خمارام اوشدا بن.
ائیله قاراندور جانیم وصلونه کی، وارلیغی بیر- بیرینه قارام اوشدا بن.
گل عرق قیلیر گؤرەلی یوزونو، اول حیادن شرمسارام اوشدا بن.

942
شها، هجرین ایله زارام، ایراق سندن، ایراق سندن،
فراقین ایله یانارام، ایراق سندن، ایراق سندن،
نگارا، خفته گؤزوندن کی، مستم، اولمامیشام مخمور،
آنینچین گئجه بیدارم، ایراق سندن، ایراق سندن،
گؤزوندن قانیدیر یارام، بویورماز ایسن، ای یار، ام،
گرەک کی، یورەگیم یارا، ایراق سندن، ایراق سندن،

بنــه ام دئســه لبلــرین، نولــا، چــونکی طبینیمــدیر،

چو هجرانینلا بیمـارام، ایـراق سـندن، ایـراق سـندن،
تاپونــدان آیــری بــازارام، اؤزومــدن دخــی بیــزارام،
فـراق اودویلـا یانـارام، ایـراق سـندن، ایـراق سـندن،

943
گــونش عشــقی ایلــه جــان ازلــدن، خمیــر ائتمیشــدورور عشــقی ازلــدن.
قیلیــر پــالوده هــر دم قــان یاشــی گــؤز، بنــه هــر لحظــه گــؤزلرین ســوزلدن.
آز الــدن گئتمــه‌دی آخــر یولونـــا، ســاچیندا عقــل و جــان و دل آزالــدان.
سـورارْدی کؤنـول ایـزین جـان سـاچیندان، پریشـان اولـدو، چـون گئتـدی ایـز الـدن.
گؤز الـدن گئتـدی قـان یاشـی ایلـه گئتمـز، دخــی گــؤزلریمین گــؤزو گؤزلــدن.

944
بیــزه باللــه بــو گلشــن دخــی خانــدان، کــی اولــور گــوللری یوزومــه خنــدان.
لبــی شــکّر، ســؤزو شــکّر عجبــدور، کــی، شـکّر توغـا قانـدان یعنـی قانـدان.
نئجــه دنــدان چکــه‌لــیم لبلرینــدن، کـی، گـؤردوک لعلـی‌نـین ایچینـده دنـدان.
گلــین، قلــاش اولــالیم چــونکی یــارین، زنخدانینــــدادیر زنــــدان رنــــدان.
ســـورارام لبلرینـــدن قانـــدا بولـــدون، بــو شــیرین لعلــدن نــازک نمکــدان.
ایـــا میـــدن بیلنلـــر یـــار لعلـــین، گلینیــز اوشــدا بیــزی ایشــده میــدان.

945
دئــدیم، شــاها، سـئوه‌ن سـنی بـنم، بـن! گئجـه گونـدوز قـووان سـنی بـنم، بـن!
دئدیم: جانا نـه سـن، بیـر بانـا شـرح ائـت، دئــدی: اودا یاخــان ســنی بــنم، بــن!
قیلـان رسـوا گـؤزون یاشـی ایلـن بـن، یــوزون ایلــه چاخــان ســنی بـنم، بـن!
گؤزونــده کــی گــؤره‌ن بنــی تاپونــدور، گؤزومـده کـی گـؤره‌ن سـنی بـنم، بـن!
اوزانمــیش زلفــو قــدی‌نــین بویونجــا، اوزان‌غیــل کــی، اوزه‌ن ســنی بـنم، بـن!

946
یوزون گـؤره‌لـی میـل ائدیمـه‌زم اِرَمـه بـن، ایرمیشـی قویـوب گـووه‌نیمـه‌زم ارمـه بـن.
حسنونده کؤنول صید ایسه نولـا دپـه‌لـه‌مـه، اؤلـم دئیـو سالمایشـام اؤزوم حرمـه بـن.
دینارا اورور سـکه شـهیم عشـقی یوزومـده، گــؤز اینجیلرینــی ســاچیمازام درمــه بــن.

لطـف ایلــه کــرم بیــر بیرینــدن آییریلمــاز، سندن، ای لطیف، ایریشه‌مـه‌دیـم کرمـه بـن.
یــاری یــارادی یارامــا یــارینی اومــارام، بولمادی کیشی اول کی، دیلـه‌رم یاراما بـن.

947
نگــارا، عشــقین اودو بــو جــانیمی آزالــدان، آپاردی گـؤز یاشـی بـو تورپـاغیمی ازلـدن.
گؤزوم نئجه‌سی گؤزلدن دخی یئره ساویشا، بلی فراقی ایلـه اوشـدا گئتـدی گـؤز الـدن.
قاشی‌ایله‌گؤزوتک‌گؤرمه‌دیم‌دخی‌یای و اوخ، فلکده قـوس ایلـه تیـرین بویونـو دوزلـدن.
نگارا، مشک حالیله سمن گولونده کی تـک، قلم گؤرومـه‌دی بیـر نقـش لوحـه قازالـدان.
ساچین‌قارانیسینا دوشدو کؤنلو ایزله‌یو جان، اوزون گئجــه‌لـر ایچینـده یولونــو آزالــدان.

948
عشـقی سـودینی لعلـی خیالینـدان عملـدن، طفلی کؤنولون بارماق امـه‌ر اولـدو عملـدن.
دردیمــه دوا دردی و درمــان جانیمــا درد، بو حالت ایله تاشدی هله شیمدی کم الـدن.
چکمیشم اولا دونیا بـو گـؤگ عقربـی ایلـه، هر لحظه ده بن چکدیگیم آغی‌یی حملـدن.
مخمور شـراب اولموشـام و عشـقه اسـیرم، سون تولو قدح چاره‌میز ائت قول و عملدن.

949
پرغم کؤنولوم اولدو و پـرنم گـؤزوم نـه‌دن؟ اویاخدی آیینـی گـؤره‌لـی ییلـدیزیم نـه‌دن؟
اوزاندی زلفونو گؤره‌لـی دردی کؤنولومـون، قالمادی آغزینی گؤره‌لی هئچ سؤزوم نـه‌دن؟
بیــر گــز دیلــه‌رم اوداغینــا اونــده‌یــه[1] بنــی، بین گز قیلام فدا یولونا پـس یـوزوم نـه‌دن؟
قاراتدی گؤزو یوره‌گی، قـان ائتـدی لبلـری، گره‌ک قارارا اوزومـه گـؤره اوزومـو نـه‌دن؟
گؤزوم دیشیندن ایکی دوزوم اینجی آنلادی، هر لحظه لعل آخیـدا دوزوم- دوزوم نـه‌دن؟

950
سورارام‌وسوروسارام‌چوراضی‌یـام‌سـورونجابن، ایره‌رسم دخی یانارام کی، ایوه‌رم ایرینجـه بـن.
ساچی‌تک‌غصّه‌م‌اوزاندی‌وعمروم‌اولسـانولایدی، آغیز ایله بئلی کیبی اولونجا هـیچ و اینجـه بـن.
یوره‌گین قانینی ایچر، قـارا گـؤزلری نولایـدی، کی،ایچه‌یدیم‌اوزوم‌قانینی‌آنین ایله ایچینجه بـن.
لبی شکّر ساچار و بن ساچارام عقلی آنینچـین، نئچه‌سی دیره بیلم چون دوکه‌نیرم دیرینجه بـن.
گؤزوگوشه‌سینه‌واردیم،سـاچیندینه گمیشـدی، اوماردیم یعنی ایچه‌یدیم آنین ایلـه بیچینـه بـن.

1- اونده مک = اونله مک، سسله مک.

951

یئنه‌وقتیمیزی‌خوش‌قیل‌بیزیم،مطرب،نی‌و دفدن،
گئنه‌سون‌غیل بیزه، ساقی، تولو ایاغلاری کفـدن.

نوازش‌قیل بیزی، ساقی، رقیبین سؤزونه باخمـا،
سلیمان‌ملاحتسین،نه قورخون واردیر آصـفدن؟

یئری‌گردؤشک‌ائدیبن‌تاشی‌بن‌یاسدیق ائده‌رسم،
ائشیگینده بانا یئگرک جنـان ایچینـده رفرفـدن.

خطین نه‌لر یازار، جانا، بنیم آلنیمـدا کـیم بیلیـر،
دئییمـه‌زم کـی، بیـزارام بـو توریـت محرّفـدن.

شها،جانی‌قودوم، جامه و توتدوم گؤزونه آیـاق،
گؤره‌لیم کی، نه توغوسار بو تجنیس مطرّفـدن؟

سنی بن سئویشم شاها و اؤلونجـه سئویسـه‌رم،
قاغان‌آسلان‌بوبیشه‌دن‌نئچه‌سی قورخا ار– افـدن.

سؤزوم‌رنگین‌دئیو،شاها،اگرچه‌وارایدی عجبـوم،
گؤره‌لی یوزونو کئچدیم بو دعـوی مزخرفـدن.

952

آیــــاق توپراغییـــــام، نگــــارا، هــــوادان،
زهـــی بولموشـــم بـــن بـــو دردی دوادان.

دوا دردیمیزدیــــــر، جفــــا لطفونــــوزدور،
زیــــرا کـــی بولـــوروز وفـــایی صـــفادان.

گؤزوندن، نگارا، بیزی اسـروک ائـت گیـل،
کـــی، بیلیمـــه‌یـــه‌لـــیم عبـــایی قبــادان.

جـانی یئلـه وئردیـک، نگـارا، سـاچینچون،
بولـــالی ســاچی نــین قاخوســـون صـــبادان.

کؤنـول بوتـا قیلـدیم، جـانی آنـدا یاخـدیم،
ایشـــیم آلتـــون اولـــا دئیـــو کیمیـــادان.

953

جــــان قورتولـــامی قــــارا گؤزونــــدن؟
کؤنــــول نـــــه اؤزون قــــارا گؤزونــــدن.

قاراریمایــــــا جهانـــــــدا شــــــول دل،
کــــی، اؤزونــــو قورتـــارا گؤزونــــدن.

عشـــــقین ایلـــــه زرده ســـــکّه‌ســـــینی،
یوزومـــــــده گـــــــؤزوم اورا گؤزونـــــدن.

یــورەگــی کبــاب ائــدیب یئــروز بیــز،
تــــا ایچــــه‌ووز آش آرا گؤزونــــدن.

ســــــندن یاراماپالـــــــار کؤنولـــــــو،
بونجـــا کــــی، گـــؤرور یــــارا گؤزونـــدن.

954

لعله دؤنموشـکن یاشـیمیز دلبـر دردانـه‌دن،
چکمه‌دی دل آتیب باشین حمله‌ی مردانه‌دن.

بن گره‌ک‌کی، جان‌وعقلی اوینایام یار یولونا،
کی،گؤره‌ن‌دئیه کی، بؤیله توغسا بیر مرد آنادان.

دیرایله‌مسجدسیزیندیر،بت‌بیزیم‌اولســـون‌همین،
کی، بنیم‌مقصودوم اول‌دورکی‌بت‌و بتخانه‌دن.

زلفو قوخوسو آپاریر چینه یئل کیبـی نسـیم،
پس حذر واجب‌دورور گیسولارینا شـانه‌دن.

نقطه لعلیندن آنـین کـیم، تاتـار ایسـه زلـال،
ایسته‌مه‌یه اؤزونون شهدینی شـش خانـه‌دن.

زلفونون سئوداسی یام، قویمازام الدن دخـی،
توغرو ائشیت‌گیل، نگارا، بو سؤزو دیوانه‌دن.

یاردان‌آیریلان یوره‌گین پاره قیلمازمی فـراق؟ — هیچ خبر ائشیتمه‌دینمی اوسـتونه حنّانـه‌دن؟

955

کؤنلـوم یئنـه آه ائتـدی هـوا ایلـه هوسـدن، — گؤزوم دم اورا باشـلادی نیـل ایلـه ارسـدن.

شول سبزه‌یی سوردوم بو گئجه لعل لبینـدن، — آیدیر کی، شـکر نئجـه اولـا خـال مگسـدن.

تالدی کؤنولوم زلفونه گؤزونـدن اوشـه‌نیـر، — زیرا کی،گئجه‌قورخار اولور مست عسسدن[1].

لطفوندن امیدیم چوخ اومارام کـی، ایریشـم، — هر لحظه دریـایی دیلـرم صـوت جرسـدن[2].

جان مرکبی تن دور و فدا قیلدی رخونچون، — گر فیل ایسه نه قیلا چو آیریلـدی فرسـدن[3].

بیز بیری بیریمیزی چو دون ایچره بولـوروز، — پس فایـده نـه، بـو قـامو بـاب و هرسـدن؟

ساقی تولو وئر، گؤزومه عنقا مگس اولسون، — شؤیله کی، روایت قیلینیر شـمس طبسـدن[4].

956

هوایا اویدو کؤنولوم یئنه بو نِی سـماعیندان، — نی‌ایمیش‌بوکی،یاندیردی‌کؤنولواستماعیندان[5].

کشیش‌لرگؤردوکؤنولوم‌نگاری‌نین‌ساچیندان‌کی، — امیدی‌یوخ کی، قورتولا دخی آنین نیازیندان.

ساچیندان‌برقه‌اگلندی‌کی،دگمه‌یه‌یاووزگؤزلر، — گؤزانسانی حریص اولدو آنا اول امتناعیندا[6].

یوزوم‌توپراق‌نسیمه‌کی،ایروروراباناهرصبحون، — نگاری‌نین‌قوخوسونوایراق–یاخین‌قناعیندان[7].

یوزونده‌گونش‌ایله آی قیران ائیله‌دی میزاندا، — فراق اولدو بنیم خطّیم بولارین اجتماعینـدا[8].

957

کئچ‌توغدوغون‌اوستوموزه‌آی، آی، نه سببدن، — گـؤوده مـی هلـال آی، آی، نـه سـببدن؟

گؤزلرینه دئرسین کی، بنـی اسـریده هـر دم، — لعلینه دئمزسـین بـونی آی، آی نـه سـببدن؟

زهی‌دیله‌دی‌جانی، قاشی یایا دئدیم احسنت، — آرالـادی غمـزه‌ن آنـی آ یـای نـه سـببدن؟

---

[1]– عسس = گئجه قوروجوسو، گئجه گؤزتچیسی.

[2]– صوت = سس / جرس = کروانین سسی// صوت جرس = کروانین سسی.

[3]– فرس = آت.

[4]– طبس = خراسان شهرلریندن بیری.

[5]– استماع = ائشیتمک ایسته مک.

[6]– ردّ ائتمک، اؤزونو ساخلاما.

[7]– قناع = قناعت ائتمک.

[8]– اجتماع = توپلوم.

حسنون‌چاوی روشن دورور آخر بو جهاندا، یوزونده ستاره عجب آی، آی نه سببدن؟
گونشیمه یاخین اولوجاق بدر اولورام بن، اکسیله یاخین اولوجاق آی، آی نه سببدن؟

958
جانیم سئوەرم سنی، سنی، الّا سنی بن، اول بونا سئوەرم و بو آنی، الّا سنی بن.
گوندوز-گئجه آی‌گونشی‌قووار، گونش آیی، هر بیریسی قووار قووانی، الّا سنی بن.
آلان آلانا دئرلر ایسه ایشبو جهاندا، آلسین نولا آلان آلانی، الّا سنی بن.
بن زلفونه ایلدومو گؤزون باغریما دوشدو، دوشن دوشن ایلن، الّا سنی بن.
عشقین‌بانابیلمیش ایدی و یاد ایدی هجرین، یاد یادی و بیلن بیلنی، الّا سنی بن.

959
چوخ اولماییجاق دونیایی یاریم نئده‌رم بن؟ قیلماز گؤز آنی گؤرمه‌سه یاریم نئده‌رم بن؟
زلفئینی ایله قاریلاریم باغلامیشام بن، بن آنا فدا بو اولا قاریم نئده‌رم بن؟
داریم دیله‌رم، دارا اورور جانیمی زلفو، دردینه یانام بو اودا داریم نئده‌رم بن؟
بن واریمی وئردیم، نَسَنه اوممادیم آندان، سن گر اومار ایسن، هاه واریم نئده‌رم بن؟
سن گلشنه ایرمه‌گه یئنه بن اولورام خام، گول خارا ایریشمزسه، بهاریم نئده‌رم بن؟

960
هموار آسسیدان اولا جانانا جان وئره‌ن، بو یولدا قلب یازیلا یا جانا جان وئره‌ن.
مردملیک ائیله‌یه گؤزونه جان وئره‌ن کؤنول، حیوانا بنزه‌یه دخی انسانا جان وئره‌ن.
گؤز یاشی ایرماغینی چو عمّان ائده گره‌ک، لؤلؤ و لعل اوچون لب و دندانا جان وئره‌ن.
بو عشق دردی دردینه درمان و عم یئنه، گره‌ک بو درده قاتلانا درمانا جان وئره‌ن.
دئرلرکی، عیسی وئریر ایدی تنه جان و سن، ز جان کی، اولدو لعل لبین جانا جان وئره‌ن.

961
گل ای‌دلبر، گل ای دلبر کی، بن گئتمیشم اؤزومدن،
ایچیمده یانان اودلار تاپون آنلایا سؤزومدن.
گؤزونله مست و زلفونله قاتی تشویش ایچینده‌یم،
کی ظلمه دوشوجک بن گره‌ک قارارا اوزومدن.
قامو خوبلارین ایچینده آنی آیریخسی یاراتمیش،
ساناسین یالقیزکدیر کی، آیری دوشدو دوزومدن.

یوزونو نگهینی گؤردوم صاباحین گلشــن ایچینـده،
حقی بودور کی، اوتاندیم به غایت کنـدی یوزومـدن.
تــوزا آخــار کیبــی آخــار کؤنــوللر زلفونــه آنــین،
زهی انصافسیز شول کی، بنـی منع ائـده توزومـدان.

962
راضی دورور جاهیمه آنین نـازی ائشـیده‌ن، بلبلــی قانــدا ایســته‌ره آوازیــن ائشــیده‌ن.
نه گیزله‌میش؟ بیلیمه‌رم آغزی ایچینـده کـی، مجنون اولـور بـو دونیـادا رازیـن ائشـیده‌ن.
بیـر گـز خطـاب قیلسـا قیلینـا کـی، عبـدنا، انجــامینی بیلــه ایــدی آغــازین ائشــیده‌ن.
گر بیـر نفـس جهانـا لبینـدن چیخـار ایسـه، معلوم ائیله‌یه کی، نـه‌سـین آزیـن ائشـیده‌ن.

963
جان‌چون‌یوزونوگؤردو، ییلدیزی نئیله‌رم بن، دل‌چون‌ساچینی‌گؤردو،گوندوزو نئیله‌رم بن؟
سالدین اودونا بنـی اکسـیری توتیایـا سـاچ، مس اولماز ایسه آلتون بو سؤزو نئیله‌رم بـن.
کؤنلوم جادو گؤزوندن عشـوه‌لرینـی اومـار، هر دم یوره‌کده تیـر دلـدوزی نئیلـه‌رم بـن؟
بیـر نـم دیلـر کؤنولـوم تـا ام اولـا لبینـدن، هر دم بو گؤزده اشک خونریزی نئیله‌رم بن؟
حسنون‌نه‌وجهه سیغارگؤز سنی گؤرمه‌یینجه، حسنونو گؤرمز ایسه، بو گؤزو نئیلـه‌رم بـن؟

964
نظامی نظمی‌نین واردیر، شـها، درّ ثمینینـدن، باشیم گؤیه یئتر آنا ایره‌رسـه تـوز زمینینـدن.
کمانین‌اوخوناکؤنول‌هدف‌قیلدیم فدا اولسون، هنوز ایمن اولومـازام گمـانیم وار کمینینـدن.
قولونو سون غیل الیمه مقلّت آندی ایچه‌لیم، کی دوتالی سنین الینی دؤنمه‌دیـم یمینینـدن.
هوا بنده، کؤنول سـنده زمانلـاردیر امانتـدیر، امانت‌حقّی‌نه‌گؤردوک‌کی،ایچه‌یدیک‌امینیندن.
نه‌حالتدیرکی، یانارام اودا لعلین نمی اوچون، ساچین‌کیبی قیلا دؤندوم، نگارا، یاسـمینیندن.
کؤنولوم‌حالینی‌سوردوم‌توتاغیندان،همیندیردئر، همین بونو ائشیتمیشم گئده‌لی اول همینیندن.
روامیدیرکی، شاد اولور لبین بیر قارا خبردن، کی دئر قولاغینـا زلفـون هـوادارِ غمینینـدن.

965
بنــیم ســنین یولونــدا شــیخ صــنعان، دیلرســن گؤســته‌ره‌یـیم شـیمدی برهــان.
جهانــدا درد و هــم درمــان یئنــه ســن، سنی سـئودیم، سـنی سـئودیم فـی الـاکوان.
معنیــده بنــیم تــک گؤرمــه‌دیــن ســن، جهانــدا گؤرمــه‌دیــم ســن تــک در اعیــان.

دئـــدیم حنّـــان و منّـــان بونجـــا گئجـــه،- کــی حنّــان اولــدو هجــر و وصــل منّــان.
گـــــؤزون اوغرولاییجـــــاق جـــــانیمیزی، کؤنـــول اویـــانیق ایـــدی، عقـــل وســـنان.
ســـگریتدی کـــؤزلری بـــو کؤنولومـــه، دئدیم، مستان، دئـدی کـی، گلـدی مسـتان.
دئـدی دل عشـق ایلـه رسـتم، نـه رسـتم، ولـــی ســـاعدلرین ائیلـــه‌دی دســـتان.

966
یاز اولدو کی، گونش توغیسار بُرخِ حملدن، وئر تولو ایاغ، بیلمه‌یـه‌لـیم جـامی جَمَلـدن.
بن چاخیر ایاغین ایچه‌رم، مست گؤزو قـان، توتما عجب آنـی، زیـرا اوسـتون ال- الـدن.
بـودور اَمَلـیم کـی، لبینـی ام دئیـه بانـا، هـیچ بولمـادیم اول املـی آنـدان عملـدن.
بو گـؤزلریمین سـیلینی زلفـو ایلـه سـیلدی، ایرماغی دنیـز ائیلـه‌دی، تاشـوردو سـیللدن.
مجنون کیبی عشقی اودونـا آتـدیم اؤزومـو، عقلی اولامی عشق اری‌نـین خـالی ظلّلـدن؟

967
نســـیم ایـــردی یئنـــه بیـــزه صـــبادان، کـــی عریـــان ائتـــدی دســـتار و قبـــادان.
بیـــزه غمـــزه‌ن اوخـــو بـــین مرحمینـــدیر، بیـــزه یئـــگ ســـوکمک و بـــین مرحبـــادان.
گـــؤزوم ایلـــه گـــؤزون تویماریســـارمی، نگارینـــــا عجـــــب بـــــو خونـــــادان.
قاچـــان جـــان آپاریســـاردیر بـــو کؤنـــول، کـــــی یانــــدی یـــــارا یـــــارِ دلربـــــادان.
گـــؤزون کؤنولـــو غمـــزه ایلـــه دَلـــر، گـــــوهر دلینـــــه قالـــــامی بهـــــادان؟

968
جـانیم لبینـه ایـردی، ایرینجـه لبینـه جـان، دؤندو سویا قانیم و یوره‌جیگیم اولـدو قـان.
ینانماز ایدی گؤزلری کؤنلوم اودونـا، لیـک، قان یاش ایله ساری بنیـز آخـار یئتـر نشـان.
گؤتوردو پیچه‌سین و آتار غمزه‌سی اوخـون، یعنـی آتـار اوخونـو و پنهـان قیلیـر کمـان.
هندوگؤزوچوچرخ اوخونو دوزدو جانا دئ، کی بیر دخـی یوزونـه باخینجـا وئـره آمـان.
گؤزون قومادی هیچ بیـر اهـلِ دلـه کؤنـول، شه‌چونکی‌مست‌اولا،نئجه معمور اولا جهـان؟

969
دئ گؤزلرینـه کـی، آپاراِلـار بنـی بینـدن، نئجه کی، بنده اولام، گؤرمه‌زم سنی سینـدن.
آییـر، نگـارا، بـو کـافر سـاچینی ایمانـدان، مشوّش ائیله مه، چیخارماغیـل بنـی دینـدن.
خطایـا بنـی بیراخمـا و قیلماغیـل مسـکیم، بومشگ ایله کی، گتیریر گیسولارین چینـدن.
صاباحین‌اینجه‌چیخیب، گئجه اینجه توغارام، بو عشق آیی‌نین اؤگـره‌نـدیم ایکـی آییـنـدن.

ساچی‌توزاق،گؤزواوخ‌دوزدو،قاشـلاری‌یایلار، کـــی، جانـــاوار آپارمایـــا جـــانی یایینـــدن.

970
کیم عاشق‌ایسه،کئچسین‌آخر نولدو اؤزوندن، ایش‌توغروگره‌کدیر، نه قوپیسار بو اوزوندن؟
گؤزوموزه قان ایرماغی اکسیک‌مـی اولیسـار، چون باغلامیشیز بندینی بیز اصلی گؤزونـدن.
یوزوسویواول‌دورگؤزومون‌کی آخیدا ایرماق، هر دم دؤکه یوزو سویونو سـویی یوزونـدن.
عاشق دلی گره‌ک کی، ساچا اودو کؤنولـدن، سؤزو بلیره نئجه کی، سـؤیله‌یـه سـؤزوندن.
بیشدی‌یوره‌گیم،اوددخی‌اولمازسا نه حاجت، دلبـــر حرکـــاتی ســـکناتیله توزونـــدن.

971
موج‌اورورکؤنلوم دنیزی یئنه حیراندیر نه‌دن؟ گؤزلریم‌چون‌ابرنیسان اولدو، ریزاندیر نه‌دن؟
گؤزلرین‌قانلاردؤگورولبلرین قان سـومورور، قاشلارین‌پیوسته یعنی توغرو میزاندیر نه‌دن؟
رقص ائدەر شرین سنین هر ییله برباـدِ هـوا، فتحِ بابِ شـعردیر بـو نظـم اوزانـدیر نـه‌دن.
دل ساچینلا آغیزیندادیر پریشان اولدو تنـگ، حُجره‌ی‌غمدیر کؤنولوم بیتِ احزاندیر نه‌دن.
جان‌بئلینده کی گراندیر یوخ‌دورور آنا محال، آغیزیندا نئجه کی، تنگ ایسه ارزاندیر نـه‌دن.
بنیزیم‌اولدو ساری، عشقین خزانیندان، بگیم، بو هواییله وجودوم جملـه لرززانـدیر نـه‌دن.
گؤزلریم‌جیحون‌خون‌اولوب‌آخارلار هر یوزه، بویوره‌ک بیرچینم‌ائت‌اورتادا سوزاندیر نه‌دن؟

972
بقـــا قیامـــت قوپـــار بـــو ســـرو قدّینـــدن، لـــرزه دوشـــر طوبایـــه دخـــی حســـدیندن.
اهـــل دلـــین کؤنولـــون تاپونـــدان آییرمـــا، یوخسـا گـره‌ک آیریلـا جـان و جسـدیندن.
شمس یـوزون برجـی شـیر دل کؤنولـودور، شمســـی آییرمـــا، نگـــارا، بـــو اســـدیندن.
ای احـــادی الجمـــال، اوحـــدِ عشـــقم، جهـد ائـد و آییرمـا اوحـدی احدینـدن.
نیک‌وبدین‌گؤرموشوز بو وصل ایله هجرین، لعل اباغین سونو کـئچ بـو نیـک و بدینـدن.
کیرپیگـی‌نـین نشـتری قـان آلـا جگـردن، شول کی، قـان آلینـا یـاغلیق ایلـه خدینـدن.
زلفـی قـدی سـرو ایلـه قیلـدی تطـاول، یوزو دپیلدی یئـره چـو چیخـدی حدینـدن.

973
نه‌گونش‌سین، ای دلبر، سیمک ایله سمکدن، کی، توغومادی بیر آی سنین کیبـی فلکـدن.
نه انسان‌سین، ای جانیم، گؤزو انسانی یوزو، کی، گلمه‌دی سنین تک پـری ایلـه ملکـدن.
دوه قلبیـــره کئچـــر نگـــارین گیسوســـوندا، کئچه‌می دلـی کؤنـول عجـب شـعر الکـدن.

دیله‌گین بو ایسه کـی، دیلـک اولمایـا دلـده، مطیعوز بو دیلـه‌گـه کئچـه‌روز بـو دیلکـدن.
کؤنول قوشو اوجوندان گـؤزو بنـی یارالـار، کی قوشا توخونـان اوخ اولـا یئنـه یئلکـدن.
ایـاغی تولـو سـون‌غیـل بنـه سـاقی الینـدن، کی گـؤرم یـدِ بیضـا بـو جانیمـدا بیلکـدن.
سنین حسنونه عشقیم دلی جـان آپـاریردی، ساچین بئلده تالادی، نه کـی واردی بلکـدن.

974
بـــو آلـــی عشـــقینله، ای یـــوزو حســـن، شـــول حســـینی لبلـــرین اولســـون اســـن.
شـــول خطینلـــه راســـت بنـــه رقعـــه یـــاز، بنـــیم اولســـون ســـرو بســـتان چمـــن.
جانا دئـدیم بیـر امـین شـول لعـل اوچـون، کـــی جهانـــدا اولمایـــا آنـــی امـــن.
خطینـــی گـــؤردوم لبینـــدن ســـورارام، قانـــدا بولـــدو عنبـــر اول بـــرگ ســـمن؟
دئـــدی کـــی، مگـــر ایریـــردی اول ســـهیل، بـــو عقیقـــه دون گئجـــه بـــوی یمـــن.

975
نـــــوروز اولـــــالی جهـــــانی گؤرســـــن، بـــو کـــوی ایلـــه بـــو مکـــانی گؤرســـن.
تـن- تـن تنـه دوشـدو جملـه تـن- تـن، ســیغماز قانیمـــا بـــو جـــانی گؤرســـن.
بـــن یـــاخیلیرام توتـــون گـــؤزوکمز، بیـــدود بنـــی یاخـــانی گؤرســـن.
بیـــر جـــاری آخیـــر کؤنـــول ائلینـــه، کؤنـــول ائلینـــه آخـــانی گؤرســـن.
ســـلطان دئـــدیلر کؤنولـــه تنـــده، ســـلطانلارا اولـــو خـــانی گؤرســـن.
قویســـان اؤزونـــو یوزونـــه باخســـان، بـــو امـــن ایلـــه بـــو آمـــانی گؤرســـن.
دوزســـک اوخونـــا ســـینی نشـــانه، بـــو تیـــر ایلـــه بـــو کمـــانی گؤرســـن.
رحمـــانی دخـــی اونوتمایایـــدین، بیـــر گـــز نفـــس یمـــانی گؤرســـن.
نـــه اهـــل و نـــه خانمـــان آنایـــدین، گـــر ســـن اولـــو خانـــدانی گؤرســـن.

976
بـن غایتـده دردلی‌اولـدوم، گـل دردیمـه درمـان ایسـن،
بن گؤزلرین خسته‌سـی‌یـم، لعلـین قـانی شـفا ایسـن.
بـن قایناميشـام بوتـه ده سـال عشـقی‌نـین اکسـیرینی،
اولـا کـی مـس آلتـون اولـا، شـرطینجه کیمیـا ایسـن.
یارالییـــام، یارالییـــام، یارالییـــام، یارالییـــام،
شـول شـهد لبینـدن ایـرور جانیمـا مومیـا ایسـن.

بئلینــه بــاغلی جــانیمی گــر وار ایســه بیــر لنگــرین،
تولــاش بانــا زلفــون کیبــی گــر در پــی هــوا ایســن.

آیریلماغون یوخدور، شها، اؤلمکده دیریلمکده هیچ،
اللــه بیلیــر، سن‌بیلیرســن معشــوقه‌ی هرجــا ایســن.

977
دم دم نیشه بو یوره‌گیمی دم قیلاسـین سـن، چون بیر دم ایله اؤلویـو آدم قیلاسـین سـن.
امســم دئیــو وارام لبینــه غمــزه‌لرینــی، نئجه نئجه یوره‌گیمـه ام سـم قیلاسـین سـن.
بیز بیش ایله کمدن، صنما، یولونا کئچـدیک، جورونو بیزه بیش و وفا کـم قیلاسـین سـن.
زلفــون گرهینــده، صــنما، یئتــدی کؤنولــوم، اول نسنه‌یه لازم نه کی، ماتم قیلاسـین سـن.
بئلینــده کؤنولــوم هلــه بیــر قیلــا آســیلدی، باری دیله‌رم آنی کی، محکم قیلاسـین سـن.
مضــمر قیلیــرام کؤنولومــو لعــل لبینــده، جانیم جانینا نولا کی، مـدغم قیلاسـین سـن.
ینمیشــام و یانیســارام اودونــا بیلیرســن، بن خامه نولا بئلینی گر خـم قیلاسـین سـن.

978
عشق اهلی جهانا قالـا یـا جانـه دئـر ایسـن، بیلمه‌میش اولاسین بنـی یاجانـه دئـر ایسـن.
جیحــون ائــدوبن یاشــیمی عمانــا ایــرورم، مردملیک ائدیب گل یولا، مردانه دئر ایســن.
بــو اهــل جهــان جــانینی لعلینــه ایریــرم، گــر زیــره روادور گلـه کرمانـه دئـر ایسـن.
جان و دل ایلـه عقـل فـدادور قاشـینا لیـک، خسته دخی مقبـول اولـا قربانـه دئـر ایسـن.
تن‌شمع‌وياشیم سوجی کباب اولدو یوره‌گیم، نه‌دیر یاراغین بو گئجـه مهمانـه دئـر ایسـن.
عاشــق ســری ســامانا ســاتیلمایا بــو یولــدا، گر بیزجیله‌یین بی‌سر و سـامانه دئـر ایسـن.
بن جوهری‌یـم لعـل ایلـه لؤلؤیـو قـووارام، اویدون نه اوچون بو لب و دندانه دئر ایسن.
زلفــون الیمــه وئــر و زنخــدانینا ســالغیل، گر گه‌میشورم بنـد ایلـه زندانـه دئـر ایسـن.
زلفئیننی چوگان ائـدو بنلرینـی گـوی ائـت، گیرسین‌دل‌وجان عشق ایله میدانه دئر ایسن.

979
نسیما، نولا زلفونـه نگـارینیمین اسـمه سـن، سحروقتینده‌ایریبن بو یوره‌گیمی کسمه سن؟
همیشه‌غمزه‌ن‌اوخوایله‌یوره‌گی‌پاره قیلیرسین، نولااوخونوگؤزله‌ییب‌قاشین‌یایینی باسماسین.
بئلینه ایره‌ییم دئدیم، بانا قیل کیبی اینجلدین، ایریرسن‌ایریجک‌ایسم بنی بیر قیلا آسماسین.
شها، زلفون گره‌لرینه جـانیم باغلیـدیر نولـا، فراقین بارماغی ایله اولاشیغینی شئشمه سـن.

جانیمی‌یازماسین،یازسان‌بنی‌قوللارسیراسینداان،   جفا یولوندان آزیبان، وفا یولوندان آزماسین.

پ980

گیسولارین اوچون بنی گر قیل قیلیـر ایسـن،   اوزاتمـا، فـدا آیاغینـا، قیـل، قیلیـر ایسـن.

بیر خوش دیل ایله دیلـر ایسـن نولـا، دیلـه،   بیر دیل ایله بیزی خوش دیـل قیلیـر ایسـن.

مسـکین ائدیسرسـین شـول گیسـولاریندا،   هنـدوی معلـل گـؤزه سـائل قیلیـر ایسـن.

عـالم قاموسـو قبضـم ایچینـده اولـا، شـاها،   سـاعدلرینی بانـا حمایـل قیلیـر ایسـن.

جنت پس پـرده قالـا و هـور اولـا مخجـور،   بو شـکله اگـر بؤیلـه شـمائل قیلیـر ایسـنو.

دور یوزونون نقطه چـو قویـدو کؤنولومـوز،   بای جانا گر اول نقطه‌ی زایـل قیلیـر ایسـن.

981

جان دخی سـنیندیر، صـنما، نولـا دیلرسـن،   دیل دخی سـنیندیر، آ بگـیم، نولـا دیلرسـن.

بیر گز ایله ییم گیسولارین ایلمـه سـینه بـن،   بیر گـز نولـا گـر دامیمـزا بیـزیم ایلرسـن؟

سیل اولدو آخار گرزلریمین یاشـی جهانـدا،   توکنمه‌یـه بـو گـؤزلریمین یاشـی سیلرسـن.

سن بیلر ایسن نه چکرم هـر گئجـه سنسـیز،   راضی یوز اگـر قصـدیمیزه دیشـی بیلرسـن.

دیلیمـه دیلـه گیمـی بنـیم گتیریمـه زم،   بـاخ کؤنلومـه و آنلاغیـل احـوالی بیلرسـن.

982

نئچه نئچه بیزه سئودا ید بیضایی گؤسترسن،   یوزوم‌سیمین‌چوزرقیلدی‌بیزه‌سیمیی گؤسترسن.

گؤزومدن‌نیل‌آخارهردم،دئدیم‌کی،ای‌قارا گؤزلو،   نولا بانا بو ایرماقلار آخان دریـایی گؤسترسـن؟

گؤزوم‌مشکی‌ساغادؤکر،نولا، ای پهلوان حسـن،   بو میدان ملاحتده بیـزه سـرپایی گؤسترسـن.

زمانلاردیرکی،شیشه‌دل‌سینیرتاش‌باغرین ایله،   دل سنگینی گؤستردین، تن دیبایی گؤسترسـن!

شرابا نسبت ائیلـه‌یـن لبینـی اولـا سـئودایی،   هزاران‌دل‌اولامجنون‌سن‌اول‌حمرایی‌گؤسترسـن.

نئچه‌شعلادورور،شاها،سنین‌شـه‌رخلـارین‌اوچون،   دخی‌نئچه‌لراولایدی اگـر شـهلایی گؤسترسـن.

هلالی گؤره‌لی قاشین قیرار عشّاقی اوخ ایله،   گونش‌یوزون‌نه‌قیلایدی،اگربدر آیی گؤسترسـن!

983

لطفوحسن،خلقی‌حسن،حسنی‌حسن،اول‌حسن،   الحمدولّلـــه الّـــذی اذهـــب انّـــالحزن.

تا به ابـد جـان و کؤنـول زلفـو یولونـا فـدا،   بؤیله اولور عادت عاشق کی، اولـا ممـتحن.

هر گون و هر هفته و هر ماه ایله سال اولور،   مردمـی بـو گـؤزلریمین یوزونـوزه مفتـتن.

نئجه سی اولا دخی لبینی سـوران، ای بگـیم،   قانمایا حیوان سویونا، قانار ایسـه بیـر قانـان.

بن‌سنینم، سن‌بنیم‌اول، قیلما دخی قیل و قال، اینانماییم بن سانا، سن دخی بانـا هـم اینـان.

984
اولـــالی زلفـــون ســـنین عنبـــر شـــکن، جـانی مشـکین آنـدا قیلمیشـدیر سـکن.
حســـنونون وصـــفینه چـــون پروانـــه یـــوخ، شـــمع کیبـــی یانمیشـــام انـــدر لگـــن.
کـــیم پریشـــان کیمـــی دیتـــره‌ر گـــؤره‌لـــی، حســـنونون شمشـــاد و ســـرو و یاســـمن.
حســـن خلـــق ایلـــه ملاحـــت گؤرمـــه‌دی، کیمســـــه تاپونـــــداغی کیبـــــی انجمـــــن.
عشـــقیمه بنـــیم، جورونـــه ســـنین اولـــدو، میـــــزان آی و گـــــونش، مـــــرد و زن.
ســـاچینی تاغیـــت کـــی، بـــو جانـــا مگـــر، بیـــر نفـــس ایـــره ز اطـــراف یمـــن.
چـــین و هنـــدون مشـــکی ایلـــه عنبـــری، زلفونـــون بیـــر قیلینـــا اولمـــاز ســـمن.
عاشـــق اؤلـــدورمک دگیلمیـــدیر قـــبح؟- ای ســـؤزو مـــوزون و ای وجهـــی حســـن؟
واردیغینـــا وارلیغـــیم قیلـــدیم فـــدا، دل دلینـــه، جـــان جانینـــا تـــن بـــه تـــن.

985
نگارا،نیشه‌دؤندوردون‌شونون‌کیبی‌یوزوبیزدن؟ منیم تک عاشقی بیچاره‌یی آشـفته عـاجزدن.
ایزینی‌باسا یورورہ م ، اولا کی، اله گیره‌سین، ایزینی‌دخی‌سئوه‌رم‌کی،آیریقسیدیر ایز ایزدن.
سیزه‌بیزدن‌قامووارلیق چکیرگه آیاغینجا یوخ، جهاندا بن سلیمانام قارینجا گر گله سیزدن.
خیالین‌بنده‌شؤیله دیرکی، قان‌آلیر اولور ایسم، اوشه‌نیرم قان آلیجی سئچیمه‌یه سیزی بیزدن.

986
یئنـــه گـــؤزوم، شـــها، عشـــقینله روشـــن، کـــی، آچمیشـــدیر گـــونش یوزونـــه روشـــن.
شـــها، گیســـون نســـیمیندن آخـــان ســـو، عجـب دگیلمـی کـی، گئیینـدی جوشـن؟
یـــوزون گولونـــو بیـــز ســـئودیک نگـــارا، دئـدیک بلبلـه کـی، گـوللری سـئو سـن.
بنفشـــــه گیســـــولاری دردی ایلـــــه، توتـــا اولـــوب الینـــه آلـــدی گـــوزن.
کؤنولـــوم کؤنلـــه‌گینـــی[1] پـــاره قیلـــدی، کـــی، قیلـــدی کیرپیگینـــدن آنـــدا ســـوزن.
یـــوره‌ک تامارلارینـــدان قـــان تامـــار چـــون، گؤزونـــون غمـــزه‌لـــری اولـــدو رگـــزن.
امیـــد اکـــدی کؤنولـــده عشـــقی یـــارین، ولـــی، وئـــردی هوایـــه جملـــه خـــرمن.

987
ای ســـــیه گیســـــو و ســـــپیر زقـــــن، گیســـــولاریندا صـــــد هـــــزار شـــــکن.

---

[1]- کؤینه گینی.

شـــمع نئجـــه کـــی دیلـــی اوزون ایســـه، نـــورون ایلـــه مقـــامی اولـــدو لگـــن.
جـــان گیسوســـو ایلـــه پریشـــاندیر، گؤزونـــون گوشـــه‌ســینده قیلـــدی ســـکن.
گـؤزلری جعفـر اولـدو، چـون توتـاغی، بیریســـیدیر حســـینی بیـــری حســـن.
قیـــل بیلیپچـــون تنیمـــی قیـــل قیلـــاییم، اولـــاییم یولونـــا اویســـی قـــران.

988
نگارینـــا، نگارینـــا بـــه غایـــت بیوفاســـین ســـن،
جفانی گؤرمه‌یه‌ییم کـی، جفـا ایچـره جفاسـین سـن.
گـؤره‌لـی مسـت گؤزونـو نگـارا، خسـته‌یـم خسـته،
شفاهینا ایـره‌ر ایسـم، ساناسـین کـی، شفاسـین سـن.
ساچین عمروم کیبی گرچه اوزانمیش، لیک مشکل بـو،
کی، باخیبان گؤرومـه‌زم اجـل تـک در قفاسـین سـن.
بیلیـرم حـوری‌سـین، شـاها، بنـی‌آدم دگیلسـین خـود،
بیلیمه‌زم کـی، نئچـون پـری تـک در خفاسـین سـن.
چـو بـن سـندن گؤرومـه‌زم وفـادان، شـاها، بیـر ذرّه،
بانـا نـه فایـده قیلیـر، توتـالیم کـی، وفاسـین سـن.

989
قـانی‌سـین، قـانی‌سـین، قـانی‌سـین سـن، ای جـانیم، یـوره‌گـیم قـانی‌سـین سـن.
کؤنلـــوم ائلینـــی نیشـــه یاخـــدین، بـو شـارین، ای بگـیم، خـانی‌سـین سـن.
دینـــی یـــوخ ســـنی ســـئومه‌یـــه‌نـــین، بـــو دینـــین ایمـــانی‌ســـین ســـن.
توتـــاغین یئنـــه لعلـــه بنـــزه‌ر، ساناســـین کـــی، کـــانی‌ســـین ســـن.
بـو نـه تـن، بـو نـه جـان کـی سـنین وار، ساناسـین جـانیمین جـانی‌سـین سـن.

990
کیـرپیگین تیـر اولـالی، قاشـین کمـان، بللـی بیلـدیک یوخـدور اجلـدن امـان.
شـکّر آغزینـدان آجـی دیـل وئـره‌لـی، یاخشـیلاردان باشـلادی گلیـر یامـان.
نـه کـی حـظّ آلـام تاپونـدان دیلـه‌رم، بیـر مکـان ایچـره سـنینله چـوخ زمـان.
بئلینـه باخـدیم نـه گـؤردوم، بیـر خیـال، آغزینی گـؤردوم، نـه گـؤردوم؟ بیـر گمـان.
بنـــزیم ایلـــه گؤزومـــو گـــؤرور آخـــی، دخـــی نـــه حاجـــت، آرادا ترجمـــان؟

دونیـادا حسـنونو سـئودیم بـن همـین،　جـورو بنـیم جانیمـا قیلـدین همـان.
بنـی قـول قیلیـر و حسـن خـط یـازار،　اؤزو شـاهد گـؤزلری اولـور ضـمان.

991
ای بـاد صـبا، زلفونـو قیـل قیلـا بیلیرسـن،　گل قیل بو تنیمی دخی قیـل، قیلـا بیلیرسـن.
عقل و تن و جان ارچه کی دلدیر بو تیروده،　کلّـی‌سـینی آپارماغـا دل، دیلـه بیلیرسـن.
بـن تاخـالی بوینومـا سـاچی سلسـله‌سـینی،　گل‌گؤر گؤزومون‌یاشینی‌سیل، سیله بیلیرسن.
بن بیله‌لی، شـاها سـنی، بیلمـه‌دیـم اؤزومـو،　بیز ایکیمیزین حـالینی بیـل، بیلـه بیلیرسـن.
جان‌روحون‌اوچون‌طرح‌ائدیب‌آت‌اولدو پیاده،　مات اولدو اگر فیل ایسه فیل، فیله بیلیرسـن.
غرق‌ائیله‌دی گؤز یاشی جانی زلفونه سوندو،　آتدی آنـا ایلمـه‌سـینی ایـل، ایلـه بیلیرسـن.
گون- گوندن‌اگر بیلمز ایسه حالیمی یوزون،　زلفون اولـا کـی، آنلایـا ییـل ییلـه بیلیرسـن.

992
سحر بیزه گل، ای جان، حیاتی سحرین سن،　گؤره‌ن گؤرمه‌یه‌نه کیم صفاتی قمـرین سـن.
آچ آلنینی کـی، جـانیم هلـال قاشـینا قربـان،　یاشینما کی، باخالیم زکـاتی گـوهرین سـن.
سن‌اول‌سرو روانسین کی، جان سانا رواندیر،　قامیش نولـا اولیجـاق نبـاتی شـکرین سـن.
ختـا خطّـی قومـا یـازا یوزونـه حسـنون،　قلـم دیللـی نگـارا دواتـی قَـدَرین سـن.
شفاهیون چو شرفدیر ، حفـان بیـزه وفـادیر،　الیمیـزی آل ایمـدی نجـاتی نظـرین سـن.

993
نگارینانئچون‌بیزدن‌گؤزون ائتدین فراقی سن،　رواگؤردون جانیمیزا بو سوز و اشتیاقی سن.
گونش‌یوزونه‌اوش‌بنم‌کی،اولدوم‌مشتری‌جاندان،　ولیکن‌جانیماقویدون بو ساعت احتراقی سن.
الیم‌توت‌غیل نگارینا کی، الدن گئتمیشم کلّی،　خرامان ائدیبن سروی الیمه وئر ایاغی سـن.
محیّرقالمیشام‌نوروز، نهفته ساخلاماق اولماز،　حجازاواردین،ائیله‌بیل‌دوزه‌رایسن‌عراقی سن.
حرامینی خمار آلیب جانیمی بندینه سـالدی،　سنین‌اولسون ایاغ‌ایله‌ایچرسن بند ساقی سن.

994
ساقی، صاباحا دکین الـه سـون ایـاغی سـن،　سای‌غیل غنیمته بـو نفـس عمـرِ بـاقی سـن.
گؤزلری‌نین میلیلـه اسـر ائـت بـو جـانیمی،　قیـل تـاتلی لعـلِ لبلـرین ایلـه مزاقـی سـن.
پیوسته گؤز دورور صنما، قاشـدا گـؤزلرین،　خالی‌قاچان‌قودون ای‌بگیم، ایشبو طاقی سن؟
بدرِ جمالی‌نین، صـنما، یـوخ محـاقی هـیچ،　بنزه‌ر محاقه کی، گمیشیرسین محـاقی سـن.

زلفونو قوی کی، باد هواییله اویناسین، برکیت، نگارا، بیزیم ایله اتفّاقی سن.
کؤنلومه بین کی، حسنونو گؤیلره ایروره، جایزمی‌دیر بگنمه‌یه‌سین بو براقی سن.
اول بیندن آیریلیرسا، جانیم تندن آیریلیر، دوتما سَبَک یوره‌گیمه ایشبو فراقی سن.

995
جان‌اویناماغ ایمیش یئنه هم جانی بو دردین، درد ایسته‌مک ایمیش درمانی بو دردین.
اقرار ائده‌ریز صدق ایله اسلام آراسیندا، کی‌عشق ایله‌خلاص‌ایمیش ایمانی بو دردین.
گر دُرّ دؤکولور ایسه دیلیمدن نه عجبدیر، چون تولو جواهر اولا عمّانی بو دردین.
سن‌سانماکی،دردیم‌اودوتک حاصل ائده‌سین، یاخانی بو دردین قانی یاخانی بو دردین.
دریا اولا بیر قطره بو عشقین آیاغیندا، قاندا دوکه‌نیر چون اول اولا کانی بو دردین.

996
صنما، چو گیسولارین تاغیدیب بویا بوراخدین،
ساناسین کی، لبلری‌نین شکرینی سویا بوراخدین.
لبی‌نین قانی وار ایدی یوره‌گیمده چونکی سنین،
بیر ایکی کلامی قیلدین قاموسون یویا بوراخدین.
کؤنول ایله عقل و جانا ساچین اوجونو تولادین،
دخی بنده نسنه یوخدور قاموسون اویا بوراخدین.
شکرین توزونو آلدین توزا وئردی تات توتاغین،
گونشین یوزونو آلدین بیر آزین آیا بوراخدین.
کؤنولوم بو سئرچه‌سینی کؤنولونه تحفه ایلتور،
آنی هیچ اسیرگه‌مه‌دین کی، آنا قایا بوراخدین.
نئجه ابجد اوغلانیسام الف بی‌دن بیلیرم،
نئچه سوره اوخوموشکن بنی هجایا اوراخدین.
صنما، یوره‌گه دگدی دخی چکمه آتما هرگز،
نه کی، کیپریگین اوخوندان بو گئجه یایا بوراخدین.
صنما، گؤزوم قان ایله دیله‌رم کی، دفتر اولا،
بو یوره‌گیمین بیتیسین یا نیته نه‌یه بوراخدین.

997

گل، گل گؤزومه، گؤزومه سیلاب گلمه‌دین، بو عمر گمیلرینه غرقاب گلمه‌دین.
گل،گل‌کی، قان‌گلیر بو گؤزومدن سو یئرینه، قان یئرینه یوره‌گه، بگیم، آب گلمه‌دین.
طفل‌ایدی عقل دخی کی، سنی سئوه‌ر ایدیم، بو دهره شیخِ فانی ایله شاب گلمه‌دین.
غرّه غزل دئمیش اولا بین حسنونه جانیم، بطحای مکّه‌یه دخی اعراب گلمه‌دین.
جانیم خیالین ایله قیلیر خلوتی اوچون، گل‌سن، گلیرایسن،گؤزومه خواب گلمه‌دین.
عاشق بنم جهاندا دخی عشق یوخ ایکن، محبوبدور تاپون دخی احباب گلمه‌دین.
قبله‌م بنیم ازلده جمالین دگیلمیدیر؟ – کعبه یاپیلمادین، دخی محراب گلمه‌دین.

998

نگارا، وصلینه اولدو بها دین، قاچان بولا بونون کیبی بها دین؟
زلیخا گر پرستار اولا، نولا، چو بو یوسف قولودور ابن یمین.
نئجه ال ایریشه آسان یوزونه، کی، قیلمیش آندا یووا ایکی شاهین.
خطا قیلمیش ساچی چین ائده‌لیم بیز، کی، قیلیر عقل ایله کؤنلو پرچین.
ساچین عقدی ایله بن حال اولورام، کی، قیلیماز آنین ضبطین دواوین.
لبیندن سوردو کؤنول اؤز دواسین، وئریمه‌دی بو سایرویا جوابین.

999

جان اوینااق یولونا اولدو کؤنلومه دین، گؤزوم‌کی، دگمه‌سین‌گؤرگؤزومه‌قارشیدیرعین.
بین ایله تن اریدی تنده جانیم چو سنسین، پس بللی‌دیر نه قیلدی بو اورتالیقدا تابین.
زلفئینینه تولاشیب معراج قیلدی کؤنلوم، چون‌قاشینا ایریشدی نه گؤردو قاب قوسین.
مشاطایی نئده‌رسین زینت نه وجهه سیغار؟ زینت ائدینمه‌دیگین یئتمزمی یوزونه زین.
بن راست اولدوم ایدی قدّی ایله زماندیر، تولاشیردی همیشه کؤنولوم ایله زلفین.
تا کیم اولالی وصلین کئفیمی سورما بنیم، وعده‌ن‌متاع، نگارا، دردین کؤنولومده تا عین.
گؤزلرین اسروک ایکن جانا امامت ائده‌ر، محراب قیلا دیلر جفته قاشینی تا غین.
دونیا و عقبی و عشق او اوچو جمع اولوماز، آچدینساقاپی عشقه قیل ایمدی سطر به بین.
ایدین اگر ائده‌رسه بیر دمده، نولا، کؤنول، قاشلارین‌ایله‌چونکیب‌گؤردو گؤزوم هلالین.

1000

گل ایردی قیلالیم بیز یازا تحسین، کی، بو تحسینه گؤیلر یازا تحسین.

هوایا اوینادی زلفو باشینی، دئدی سنبل کی، بو سربازا تحسین.
یوره‌گی سو قیلیب، یاشی دم ائده‌ر، گره‌کدیر دلبری دمسازا تحسین.
گؤزون باز ائتمک ایله آلدی کؤنلو، یوره‌کدن کؤنلون آلان بازا تحسین.
کؤنول پرواز ائده‌ر هر دم ائشیکده، کی تا بیر گون بولا پروازا تحسین.

1001
سئومیشم سنی کؤنولدن، آفرین، جان آفرین، آفرین سین خوبلیق ایچینده، هزاران آفرین.
گؤزلرین یارالادی کؤنول لبین قیلدی تیمار، گؤرمه‌دیم لعل لبین تک دردە درمان، آفرین.
گرچه تقصیر و گناه اولدو قیلیندان خدمته، سیزدن‌اولدو جانیمیزا لطف و احسان، آفرین.
آفرینش‌چوخدورور،لیکن‌سنین‌تک‌یوخ‌دورور، کافرینش جمله اولسون سنه قربان، آفرین.
گؤزلرین سحر ایله دوزدو کؤنولومو اؤزونه، قیلدی هر گؤزوم یاشینی بحر عمان آفرین.

1002
صاحبقرانا جادو گؤزون اولالی قرین، چکمیش کمانینی، کؤنوله ائیله‌میش کمین.
اوزون عمّر کی، گیسولارینلا کئچیرمیشم، سایماغا یارایا قامویا لعلی‌نین دمین.
عاشقلرین کمی کی، بنم سندن اومارام، کی لبلرین قبول قیلا عاشقین کمین.
سعیدلرینی بانا حمایل قیلیر ایسن، سنین اسیرین اولماغا بن اوراییم یمین.
قدّینه سرو قاندا خلاف ائده بیلیسر، گیسون‌کی،همسری‌دیر، اورور یوزو بر زمان.

1003
نگارینا نئچون یوخدور قرارین؟ جهانسین اولامی یوخ اعتبارین؟
نه خونی سین کی، قانیم دؤکدوگونه، تانیقدیر لبلرین ایله نگارین.
میانیندان کنارا ایرمه‌یینجه، نه وجهی وار میانیندان کنارین؟
نه آهوسون کی، بین جان و دل ایله، پلنگ اولموشدورور کمتر شکارین؟
نگار اوچون نولا گر چکر ایسه، کیشی جورونو هر بیر نابکارین.
بانا صحرا بو دم دام بلادیر، چو سنسین رونق هر مرغزارین.
شها، زلفونده بن نولام کی، واردیر، صبا بیگی هزاران بیقرارین.

1004
یوز جادولوق قیلیر، صنما، آیا گؤزلرین، بن اومارام کی، یعنی بنی آیا گؤزلرین.
پیوسته اومارام کی، بانا رحم ائده ایدین، خود اوردو الینی اوخ ایله یایا گؤزلرین.

لعلین گره‌ک وئریدی بانا خون بهای نقد،   یوزونو گؤسته‌ریب بیراخیر آیا گؤزلرین.
فتنه‌سی سحردن قاتیدیر گؤزه، کؤنوله،   هاروتی دخی غمزه ایله بایا گؤزلرین.
یاپیشدی عشقی یاخامیزا بودورور عجب،   کی، هر نفس جانی یاخایا، یایا گؤزلرین.

1005
طرب آتینا، نگارا، کؤنول چو باغلادی زین،   گره‌ک کی معرکه‌سینه فلک قیلا تحسین.
کیمین کی یاسینی قوردو سعادت ابدی،   اوخون کیمه آتار ایسه، آنین توتون یاسین.
شونون‌کی‌قیشینی‌یاز ائیله‌دی چلب، نولا گر،   چوخا سایار ایسه لطفو ایله آنین آزین.
گلین کی اوخویالیم فتح اوچون بو فاتحه‌یی،   کی نئچه‌لر اوخویا دشمن اوستونه یاسین.
چو فیل بندینی اسب ایله باغلادی دولت،   نه قیلا دوشمن کژرو کی اوینایا فرزین.
عدو طریقه‌سی بنزه‌ر شونا کی حاشا ائشّک،   سالار پالانینی یئره و گؤتورور خرزین.
کیمین کی کیسه‌سی وار قولتوغوندا دونیاده،   بیزه اگر سورار ایسه یاراسی یاره‌سین.

1006
بو خسته‌یه لبینی چونکی سن شفا قیلدین،   نه‌لازم ایدی کی، هجر ایله بین جفا قیلدین؟
دئدین آغیزین ایله کی، یاشینی خون ائده‌ر،   یاشین‌اوزون‌کی، بووعده‌یه‌خوش وفا قیلدین.
هزار حجله بیر عمره عمّرونه یازیلا،   قاچان‌کی، حاجی عشق ایله بیر صفا قیلدین.
شوا ایکی جادو گؤزو مردمی سنی گؤزه‌دیر،   نه لازم ایدی کی، زلفونده اختفا قیلدین؟
لبینه دوشدون و قان یالدین، ای دلی کؤنول،   بودور ایچینده بو نقطه‌یه اقتفا قیلدین.

1007
زلفوندن‌نئچون‌دوشدوکؤنول‌چینه‌می‌دئرسین،   اول چینه ایریشمه‌یه نه آچینه‌می دئرسین؟
عنقاسین‌آخرقاف ائلی‌نین صیدینه جهد ائت،   بیر دانه‌ی داما دخی سن چینه‌می دئرسین؟
شول یاری تاپار کیم کی، تاپارسا قامو دینده،   کیمی بُته تاپار، کیمی خاجینامی دئرسین؟
اول جمع قیلیر مالی کی، هر یانا تاغیتماز،   خوجااولا هر کیشی کی، ساچینامی دئرسین؟
لیلیده طلب اولماسا مجنونا کؤنولدن،   یول بولا ایدی گؤزلری کؤچینه‌می دئرسین؟
دل ظاهریمی‌سه آغیزی یولونا آنین،   تاشینا ایدی باطنی ایچینه‌می دئرسین؟
گؤز یوره‌گی قان ائیله‌دی و اولدو تولو قان،   اوغرامایا انسان دخی سوچونامی دئرسین.
دل گؤزونه واردی و آنی توتدو اوخونا،   رحم‌ائده‌خطایی گؤزو چو چینه‌می دئرسین؟
قربان دیله‌دی جانی قاشین بایرامیم اولدو،   دئدیم آنا بو نقطه‌یی قوچونامی دئرسین؟

1008
تولو وئریجک الیمه سن، ساقی، نه دئرسین؟ — آلمایا اله آدینیمی، ساغینا دئرسین؟
بن وارلیغیمی اوینامیشام کلّی یولونا، — یوخلوغوم‌دوروراوش‌بنده‌قالان‌باقی،نه‌دئرسین؟
لب‌خشک‌ایدیگیم‌سوردولبین‌بیلدی نه دندیر، — شیمدی اومارام بیر تولو آیاغی نه دئرسین؟
جان آت سالیبان اولدو پیاده رخون اوچون، — اویوروردوم، ای‌شاه،قاپیندایایاغی،نه‌دئرسین؟
شه یولونا جان اوینایانا لطف گره‌کدیر، — جان اوینامیشام بوزما یاساغی، نه دئرسین؟
بنده نه قالدی دخی، بگیم کی، آپاراسین، — سندن چو سنلیگینی نئجه‌سی قوپاراسین.
نیسان بولودو یاغمورو دؤکدو بنفشه‌یه، — زلفون قاتیندا یوییمادی یوزو قاراسین.
گونش گره‌ک کی، مغرب ائلیندن توغا اگر، — یوزوندن اول نگار گؤتوره ستاره‌سین.
سِحر ائده گؤزلری کی، بنی قیلدی ناتوان، — بیچاره کؤنولون گر ائده‌ر ایسه چاره‌سین.
جان پاره‌سینه جان و دل و عقلی وئرمیشم، — مجمعینی اوینادیم کی، گؤره‌م الده پری‌سین.

1010
چو نقش ائیله‌دی اول خالق بو صورتده هیولاسین،
مثال ائیله‌دی، دئیه‌سین، آنا فردوس اعلاسین.
زهی میمود فرخ رخ کی، روح آندان حیا قیلیر،
بو نه کافور و عنبردیر کی، حق ائیله‌دی لالاسین.
گؤره‌لی سرو ایله سنبل پریشاندورور دیتره‌رلر،
بیری زلف سمن سایین، بیریسی قد بالاسین.
بنیمله توغرودور بویو، ولی کج دوشدو قاشلاری،
آلاجا گؤرورم دائم آنین جادوی شهلاسین.
گؤزوندن آیاغ ایچیجک کی، جان آغزیما ایریشیر،
اورارام نقل اوچون پسته ولیکن شول محلاسین.
بوگون بیلدیم کی، جسمه جان سنین عشقینله باغلانمیش،
بو معلوله ایریشدیرین یئنه اسباب علاسین.
بو عشق ایچینده توحیده محقق دیله‌دیم اولام،
زماندیر لاسینا دیردیم، ولی بولمادیم الاسین.

1011

یـــارا، یـــارا، یـــارا کـــیم یـــار اولاســـین، نئجـــه ایشـــبو گولـــه بیـــر خـــار اولاســـین.

تولاشـــیم زلفونـــه دون گئجـــه دئـــدیم، نئجـــه منصـــوره ســـن بـــردار اولاســـین.

دئـــدیم بلبلـــه کـــی، عشـــقیندورور هـــیچ، بـــو بازارینـــدا گـــر بیـــزار اولاســـین.

لبینـــدن بیـــر آیـــاغ ایچـــدیک تولـــو ســـن، نولـــا گـــر مخـــزن اســـرار اولاســـین.

ازلـــدن عشـــق بازاریلـــه گلـــدیک، کـــی ایســـه ســـن دخـــی ســـر بـــار اولاســـین.

گـــؤزوم جـــدوللر آخیتـــدوغو بـــودور، کـــی ســـن بیـــر گـــون بنـــه برکـــار اولاســـین.

بیـــزیم اوتـــاغیمیزا گلـــدیگین یـــوخ، مگـــر کـــیم دم بـــدم آزار اولاســـین.

تاپونـــدان بیرلیـــک اومـــاریز قاچـــان کـــی، دئـــر ایســـن یارینـــام اغیـــار اولاســـین.

لبینـــدن جـــامِ مـــی پُـــر چـــک و قوقرتـــول، نئجـــه گـــؤزو ایلـــه بیمـــار اولاســـین.

1012

نئـــده‌لـــیم، گـــر کؤنولمـــه یـــاغی‌ســـین، چونکی ســـن ایشـــبو گؤزومـــون یـــاغی‌ســـین.

قـــارارور گـــؤزلریم بـــو ســـئوداداان، کی، نئچـــون ســـن بـــو گـــؤزلرین آغـــی‌ســـین.

ســـاغ و چـــوروک اولـــور هـــر انبـــاردا، بیعی وئردیک ســـانا کـــی، ســـن ســـاغی‌ســـین.

قیلماغیـــل اؤزونـــو پریشـــان ســـن، گـــؤر کـــی، کیمـــین کؤنولـــو اوتـــاغی‌ســـین.

جـــان گـــره‌ک ایـــدی اوچـــا ایـــدی گؤیـــه، هـــی دئ زلفونـــه کـــی، آیـــاغ بـــاغی‌ســـین.

ســـخرمیدی لبینـــده گـــؤردوم قـــان، آشـــکارا، شـــها، قیزیـــل یـــاغی‌ســـین.

جـــان بئلـــین ایلـــه اولـــدو قیـــل زنهـــار، نســـبت ائیلـــه جانـــا کـــی، یامـــاغی‌ســـین.

1013

کؤنولومـــه بـــن دئـــدیم کـــی، قانداســـین، غمـــزه‌ســـی‌نـــین اوخلاریلـــا قانداســـین.

گیسوســـیله بنـــده دوشـــدوم دئـــر کؤنـــول، دئـــدیم آنـــا نولـــا چـــونکی بنـــده‌ســـین.

نولـــا اؤپـــدوم، گؤزومـــه ســـوردوم ســـنی، ســـن دخـــی عالمـــده بیـــر تربـــه‌نـــده‌ســـین.

بنـــده‌ســـین ســـن، بنـــده‌یـــیم بـــن تاپونـــا، بنـــده‌یـــیم بـــن، نئجـــه کـــی، ســـن بنـــده‌ســـین.

گـــؤزلریم گریـــان و بریـــان دورور کؤنـــول، لـــب‌لـــرین شـــکر، اؤزون پُـــر خنـــده‌ســـین.

1014

قانداسین جان، قانداسین جان، قانداسین؟ بـــن ســـنی اســـیرگه‌رم کـــی، زنـــده‌ســـین.

گیســـونه کؤنلـــوم بنـــیم آشـــفته‌دیـــر، ام دئـــر ایســـه لبلـــرین، ســـن دینـــده‌ســـین.

شـول گـونش یوزونـه قـول اولـام سـنین، کـی بـو دور ایچینـده خـوش آینـده‌سـین.
بـــو آرادا چـــونکی اولـــدو اتحـــاد، گـاه بـن سـنده و گـه سـن بنـده‌سـین.
آیاغینـا دوش بـو سـاقی‌نـین، کؤنـول، کـی اول نـه قیلیرسـا سـنه، الینـده‌سـین.

1015
حسنوگؤسترمه‌کی، دل‌آل‌ایله اله دوشمه‌سین، دام ایله دانه بلادیر، زلفو خاله دوشـمه‌سین.
بن کمان قاشـینا پیوسـته تـوغرو اوخ کیبـی، اگری دئمه‌زم هلاله، تا خیالـه دوشـمه‌سین.
گؤزونه آغ- قارا دئمه‌زم کی، شهلا دویماسـین، نگهین غمزه‌یله دل آتیب وباله دوشمه‌سین.
گئجه گوندوز یوزو زلفو قومادی جانـه مجـال، کیمسه ائوینه ایکی دورلو حواله دوشمه‌سین.
بئلـین ایلـه آغزینـا دوشـدو بـو دلـی کؤنلـوم، هئچ‌کیشی‌نین جانی‌حالی‌قیل‌و قاله دوشمه‌سین.
گونشیندیرایستی‌وخطینده اووج اولسون یئـری، ائنمه‌سین هرگز حضیضه،هئچ‌زواله‌دوشمه‌سین.
آغزینی‌گؤسترمه‌کی، کؤنلوم گمانه گلمه‌سین، بئلینی آنلاتما کی، جانیم مجاله دوشمه‌سـین.

1016
دیل‌سانا روان حمکونو قیل جانیمی دئرسین، لعل لبینـی سـون کؤنولـه قانـامی دئرسـین؟
شؤیله کی‌ساچین‌قیلدی پریشان دل و عقلی، امکانا یاخین گلـه کـی، یاسـانامی دئرسـین؟
کؤنلومده‌کی‌تک‌شول لب‌ودندان ایله سؤزلر، منظوم اولا، هر بحر ایله اوزانـامی دئرسـین؟
شول‌حقّه‌ی‌لعلینده گؤره‌ن اوتوزایکی اینجی، پرواسی اولا کـی، وارا دوکانـامی، دئرسـین؟
بیلیر جگر و دل کی، گؤزون قان‌ایچیجی‌دیر، اول ایکی تاخونلوق وئره‌لر قانامی، دئرسین؟
لعلینده دورور، شاها، یوره‌گیم قانی روشـن، محتاج اولا بیر حجّت و برهانه‌می دئرسـین؟
آنـک چوخورونـا آپـاریر کؤنلومـو زلفـون، بسم لله، بگیم، جاه ایله زندانامی، دئرسـین؟

1017
نازلیجاسین نازنین‌سین بیلمه‌زم جانانه‌سـین، جانیمیزسین، جانیمیزسین بیلیرم جانانه‌سین.
سرووبویوندورقیامت قورخارام بوندان قوپـا، فتنه‌دیر خفته گؤزون، اوشه‌نیـرم اویاناسـین.
جان لبی‌نین قانینا دیلر کـی، قانـا قانـا قـان، نئجه سن قانلو یـوره‌گیمـین قانینـا قاناسـین.
قوللوغا جانیم یاسانیر نئجه زلفـون یاسـانیر، زلفونون بندینده بنی سـن اوسـانا ساناسـین.
جان‌ایله‌کؤنول‌آپاردی عقل‌آجیدی عشق دئر، آسسیســـیندان بـــی‌خبردیـــر یانـــا یاناســـین.

1018
قانیسین،سن‌قانیسین،سن‌قانیسین،سن‌قامیســـین، یوره‌گیمین‌قانیسین، سن قانیسین، سن قانیسین.

نه هواسین، نه نواسین، کؤنولون جنگینده‌سـین، بیلمه‌زم قاندان گلیرسـین هـاتف ربانیسـین.
سن کی جانستان عراقیسین سانا دیل زیره‌دیـر، دیل نه قدری اولا تاپوندا چو سـن کرمانیسـین.
مهر و لطف ایله گؤزون لعلین دیریلدیر دپه‌لـر، عیسای مریم‌می‌سین، یا موسای عمرانیسـین.
روشن‌اول دور کی، یانارام آتش لعلین اوچـون، گر بها اولدو گران نولا، بیگـیم ارزانـی‌سـین.
مشتری اول دور زحل سئوداسینا زلفینی‌نین، دئدیم اوتور آشاغا عشقینده بیر کیوانی‌سـین.
جانی‌سین‌کؤنولومه، سن جانی سین کؤنولومـه، یاری جانی سین، نگارا، لیک یاری جانی‌سـین.

1019

قانیســـــین ، قانیســـــین، قانیســـــین، جانیســـــین، بـــو تنـــین جانیســـــین.
بـــو یـــوره‌ک قانیســـین جـــانیجیق، جـــانیجیق بـــو یـــوره‌ک قانیســـین.
نـــه شـــکر کانیســـین توتـــاغی، توتـــاغی نـــه شـــکر کانیســـین.
خانیســـین بـــو کؤنـــول شـــاری‌نـــین، بـــو کؤنـــول شـــاری‌نـــین خانیســـین.
یوســـف ثـــانی ســـین، ای بگـــیم، ای بگـــیم، یوســـف ثـــانی ســـین.

1020

شـاها، بنـی سـن وصـلتینه روزه ساناسـین، جوری جانیما روزیِ هـر روضـه ساناسـین.
نم وار چو واریم قاموسو قاموسـونا محتـاج، جمله‌سی قیلیر حسـنونه دریـوزه ساناسـین.
عمروم‌یاریشیرگؤز یاشی ایله گئجه گوندوز، یاش قیلیریـان عمـروم آنـی اوزه ساناسـین.
مشّـاطه یاسـامیش، صـنما، زلفونـو لـیکن، بـاد سـحری یاسـام ایلـن بـوزه ساناسـین.
هرسؤزو اوچون‌سؤز ائده‌رم حسنونه قارشی، بن سوز نه‌یم، عاشـق اول سـؤزه، ساناسـین.

1021

الهی،نولا گؤزومه بو خوابی خواب ائده‌سین، جگر قانینی بانا دم به دم شـراب ائـده‌سـین.
شراب‌وخواب سالار عاشقی یاریندان ایـراق، یئریدیرآنلارین‌اوچون نه‌کی،عذاب ائده‌سـین.
زجاجی جاما یوره‌ک میینی گؤزومده قودوم، ارادتین وار ایسه، اوش جگر کباب ائده‌سین.
بیزیمله لطـف قاپیسـینی بـاغلی توتارسـین، دیلرسین اولامی هجرانا فتح باب ائـده‌سـین.
کؤنول‌یوزوسویونا دؤکه‌سین یئره چون سن، حیا ایله عـرق ائیلـه‌ییـبن گلـاب ائـده‌سـین.
نه جوهری اولا شول کی، لبینـی لعـل سـانا، گؤرور ایکن کی،آنی‌قان‌ایله‌خضاب ائده‌سین.
طبیب عشـق لبـین درد و هـم دوا یئنـه اول، شرابی گیزله‌ییبن نئجه بیر جواب ائـده‌سـین.

1022

سندن قالیر بگیم، گؤزوم آفتی دیدگان‌می‌سین،

سنسیز کیشی ایریلیمز جان من و جهانمی‌سین؟

بئلی قیلینا سوندوم، ال الیمه نسنه گلمه‌دی،

جانیمی گؤردومو دئدیم سن دخی درمیان‌می‌سین؟

جادو گیسولاری تاغوق دوشموش اياغینا يارین،

اوغرایو گلدیمی دئدیم رخت حرامییان‌می‌سین؟

اینس سنسن ایله انس ائده‌ر جان جانی سندن آپاریر،

آدم‌می‌سین، ای صنم، حسرن انس و جان‌می‌سین؟

حسنو بو جاندا تولودور، آدی جهاندا اولودور،

دون گئجه گلدی، بیلمه‌دیم، دئدیم، ای‌جان، فلان‌می‌سین؟

1023

گؤزومدن آخان یاشلاری خونابه ساناسین، دؤندو بو یوره‌گیمده کی خون آبا ساناسین.

بوسه دیله‌دیم توتاغینی توتدو دیشیله، دوشدو تولوجوق دانه‌سی عنّابه ساناسین.

کؤنول آدالی اياغی عشقی قاپیسیندان، یول اول قاپیدان ائیله‌دی هر بابا ساناسین.

گؤزوم آچالی قاپی خیالی قونوغونا، باغلادی سمرقندی قاپی خوابا ساناسین.

قورموش گؤزوقاشی‌وساواش‌یاراغی ائتمیش، زلفه‌ینه بو شیب قصد ائده‌ر اعرابا ساناسین.

کیرپیکلریم اوجوندان آخار ایرماغا یاشیم، بیر جره دورور هر بیری دولابا ساناسین.

1024

یئنه زلفون چری قیلدی بیلیمه‌زم سیاهیسین،

نئده‌یم چون سئچیمه‌زم چو گئجه‌دن سپاهیسین.

جهانین ماهی چون سنسین بو عالمدن عجب توتما،

خیالینه یاشیم ایرماغی ایچره گرچه ماهیسین.

پیاده اولدو بو گون فیل عشقین نطعی[1] ایچینده،

روحونا قارشی چون گؤردو کی، سن بو دنیا شاهیسین.

---

[1]– نسخه ده يانليش يازيلميش / نطع = گؤنده ن دوزه لميش بير سفره ، شطرنج صفحه سی.

قاشین اگری، گؤزون اسروک گـؤره‌لـی عـالم ایچینـده،
قومـادیق، قیلمـادیق نسـنه بـو دونیـانین مناهیسـین.
هــزاران آه و واه اولــور ائشــیگینده ولــی گــره‌ک،
کــی، بیلــه‌ســین هــزاران آهــون آراســیندا واهیســین.

1025
هـر لحظـه بنـیم کؤنلومـو آواره قیلیرسـین، هر دم یوره‌گیمی دخی صد پـاره قیلیرسـین.
جان آلیـر ایکـن گـؤزون آپـاریر کؤنولومـو، نـه نقشـدورور کـی، بیـزه آواره قیلیرسـین.
بیر عشوه ایلن تاشی دخی موم ائده ر ایکن، نازک تن ایچینده یوره‌گین خـاره قیلیرسـین.
بیر فتنه و سئودا و هـزاران شـر و شـوری، مسـکین ائـدیبن زلفـو سـیهکاره قیلیرسـین.
ناموس تونون چاک ائده‌ر ایسن نه عجبـدیر، گول پیرهنین گؤر کی، نئچه پاره قیلیرسـین.

1026
هرنفس‌لعلین‌اوچون‌گؤزلریمی دم گؤره‌سین، زلفون‌اوچون‌کؤنولومده‌صافی‌ماتم گؤره‌سین.
نم‌گؤرورسن نولا بو گؤزلریمی عشقین ایلـه، گؤرمزایسن‌آنی بندن دخی سن ام گؤره‌سین.
بن چو منصور آنین اوچون ساچینا آسیلیرام، چون براهیم اولا کی، یولونا ادهم گؤره‌سـین.
بن لبین امسم اولا دئدیم ایسه توتما عجـب، گر سعادت قیلا یاری لبین امسم گـؤره‌سـین.
مضمار اولدو زنخین چاهی ایچینده بین دل، سوردئرایسن لبینه‌بین دخی مدغم گؤره‌سین.
اینجه‌لی‌ساچین اوچون‌دنیاداگرچه چوخدور، قان‌دؤکن‌لعلین اوچون‌بنجیله‌یین‌کم‌گؤره‌سین.
یاشیم ایرماق ائده‌ییم کویون ایچینده دونلـه، کی،صاباحین‌اویانیب‌یوزونو شبنم گؤره‌سین.

1027
بو نه حسن اولور، بو نه بویـدور، نـه‌سـین؟ آفــرین، جــان، آفــرین، جــان، آفــرین!
آدیمــی ســین و یــا حــوری، نــه‌ســین؟ آفــرین، جــان، آفــرین، جــان، آفــرین!
باشــدان آیاغــا ســئوه‌رم جملــه‌ســین، آفــرین، جــان، آفــرین، جــان، آفــرین!
ســوروجاغیاز دئییمــه‌زم کــی، نــه ســین، آفــرین، جــان، آفــرین، جــان، آفــرین!
گرچـه چشـمیم جسـم موزونـون گـؤرور، آفــرین، جــان، آفــرین، جــان، آفــرین!
کؤنولـوم بیلیـر کـی، سـن جانانـه سـین، آفــرین، جــان، آفــرین، جــان، آفــرین!
بنـده بنلیـک قویمـادی جـادو گـؤزون، آفــرین، جــان، آفــرین، جــان، آفــرین!
بنــده لیگــی گؤروجــک ایناناســین، آفــرین، جــان، آفــرین، جــان، آفــرین!

دئـدیم آنـا کـی، نـه یـم اودونـدا بـن؟ آفـرین، جـان، آفـرین، جـان، آفـرین!
دئـدی بانـا کـی، نـه ایسـن یاناسـینریال، آفـرین، جـان، آفـرین، جـان، آفـرین!

1028
جانیسـین جانیمـا، لـیکن سـن جـانیمین جانیسـی،
لعـل کانیـدیر توتـاغین، سـن شـکر دوکانیسـین.
عشـقدیر دینـیم بنـیم اول سـنین ایلـه راسـتدیر،
پـس حقیقـت باخیجـاق سـن دینیمـین ایمانیسـین.
آغیزینـدان تنـگ و بئلینـده گرانـدیر جـانیمیز،
نـه کـی، جانلـار چکـر ایسـه یولونـا ارزانیسـین.
جـان زنخـدانی جهینـده اؤزون آزیتـدی دئـدیم،
سـانا نـه گلـدی اؤزون آنـدیرماغیل مهمانیسـین.
سـندن اؤزگـه کؤنولـوم تختینـده شـاه اوتورمایـا،
چون‌بوائلین خانیسین، سن خانیسین، سن خانیسین.
مشـتری اولمـاق دیلـردی گـونش آنـین عشـقینه،
باخ گؤزو تیرینه دئـدیم بیـل کـی، بیـر کیوانیسـین.
زهر ایله تریاکی جمع ائیلـه‌میش بیـر یئـرده گـؤر،
وصـل و وصـل ایلـه جفانـا دردینـه درمانیسـین.
سن قامو انسـانی عینـی اولـدوغون دگیـل عجـب،
بول عجل اول دور کی، سن بو عینیمین انسانیسـین.
بن نئجه جان آپـارام کـی اول حضـرته اولـا قبـول،
چون قامو زیـره‌لـرین سـن، ای صـنم، کرمانیسـین.

1029
مشک‌ایله‌باغلامیش‌ساچین‌آی‌یوزونه‌گره‌سـنین، دؤک‌ساچینی‌کی،دؤکوله شاه تنینه زره سنین.
بین‌زه‌و یوز بین آفرین قوپا جهاندا بی‌گمـان، گر قاشی‌نین کمانینا دوشر اولورسا زه سنین.
سن‌شه‌وبیزگداقولون،عشقینی سانا باغلامیش، بیزدن‌اولورسابین یامان، اوماریز اولا به سنین.
مه که اولور کی، تا مگر آنـی آپـارا کهربـان، بن کیم‌اولام‌کی،قورتولا جمله که و مه سنین.

لعل‌لبین‌ایله‌سروقد،جادوگؤز ایله گول یاناق، دیمه‌زم اولمایا اولا سؤیله‌یه‌ییم‌می اه سنین؟

1030
آیینه آل الینه اولا کی، بیر یوز گؤره‌سین،
آیی نه‌دیر دئییبن اولا کی، بیر یوز گؤره‌سین.
بن سنین بیرینه عمرومده کیشی گؤرمه‌میشم،
هر نفس سن سنی سئوه‌ن بیرینه یوز گؤره‌سین.
آی ایله گونشی سنی گؤره‌لی گؤرمه‌میشم،
سن روا اولا می کی گئجه کی ییلدیز گؤره‌سین.
بنی بندن ایله دورسون گؤره‌مه‌زم سنی بن،
ظنّی اولدوم کی، دیلرسین بنی سنسیز گؤره‌سین.
تن‌چویوخدور، جان آپاردین دین‌و ایمان قویمادین،
دیله‌دین خَلت ائدیب، یعنی چو دینسیز گؤره‌سین.

1031
نه‌دورلو جفا وار ایسه قیل جانا کی، سنسین، قاییرما بو عشق جانینی چون سن اسنسین.
عشقه کی علی‌دیر، نه یزید اولدو فراقین، لعلین‌چوحسین‌اولدوتاپون،چونکی‌حسن‌سین.
منصور اولور ایسم، نولا بو عشق یولونا، شول زلفو قدر ایله بانا چون دار و رسنسین.
مجنون اولور ایسم‌نولابن عشق ایله هر گون، ای لیلی، بانا هر گئجه چون سلسله سنسین.
آی یوزون آآغیلیندا کؤنوللر سورولنمیش، اوغلانسین آنی آنلاییمامیشسین، او سنسین!

1032
لبینه سوسامیشام، نولا بانا ام دئیه‌سین؟ بنی اگرچه گؤزون خسته‌دیر امم دئیه‌سین.
یوره‌ک‌قانی بو گؤزومدن لبینچون آخار سیل، چو اعتدارینا[1] گله‌سین آنا نم دئیه‌سین.
ایچیم یانار و فغان ائده‌رم گئجه- گوندوز، کیمینه زیر دئیه‌سین، کیمینه بم دئیه‌سین؟
نئجه‌کی‌گیسولارینچون نه غم قیلام گوجه‌لر، سن آنا اورماییبان قولاغین، نه غم دئیه‌سین.
سن ایدوگونی بیلیب قیلیرام سانا سجده، بوسجده می سانا سنی، صنم، صنم دئیه‌سین.

1033
بلبل اول غیل کی، بیر گوله ایره‌سین، آغلایو ایسته کی، گوله ایره‌سین.

---

[1]– نسخه نین یانلیش سؤزجوکلری چوخدور. بو دا باشقا بیر کلمه اولمالیدیر.

بیدل اول دله کی، دیلینی دیله،
گر دیلرسن کی، بیر دله ایره‌سین.

عاشق اول، عارف ایسته دنیادا،
تا کی اولمایا عاقله ایره‌سین.

گؤز مولین دؤک و ایچ اوزوم مئیینی،
ساخین اولمایا مولموله ایره‌سین.

سرخوش اول آیدان آیا آییلما،
زلفونو آولا کی، یئله ایره‌سین.

نئجه‌سی سائیلا، شاها، لطفون،
لطف ائدیب گر بو سائیله ایره‌سین.

نفس ناقصدورور، اؤزون گؤرمه،
تا مگر اولا کامله ایره‌سین.

1034
زنخدانین چاهی بابل ساناسین،
ساچی طرّه‌سی ابابیل ساناسین.

ممثّلدیر یوزون نقشی گؤزومده،
دخی تدبیره سن مایل ساناسین.

ایکی عالمده سندن آیری گؤرمه،
حجابی اورتادا حایل ساناسین.

مجیبم وارلیغا بیر نظره نئچون،
بنی همچون کی هر سایل ساناسین.

شها، جادو گؤزون ظالم دورور باخ،
یوره‌گیمه اگر عادل ساناسین.

1035
گؤزلریم یاشی درافشان ساناسین،
لبلرین لعلین درافشان ساناسین.

اوستونه فصل بهار ایله خزان،
در کمیم کیمین زرافشان ساناسین.

خطّین آراسیندا شیرین یارینی،
ظلمت ایچره آب حیوان ساناسین.

زلفو آلمیش چئوره شول آی یوزونو،
کفر ایچینده نور ایمان ساناسین.

ای فرشته، بن سانا سررشته‌یم،
سانما کی، بنی ازینسان[1] ساناسین.

بن کی سورموشام بیلیرم اول نه‌دیر،
سن آنی لعل بدخشان ساناسین.

1036
نازلیجاسین، نازلیجاسین بیلمه‌زم جانانه‌سین،
جانیمیزسین، جانیمیزسین بیلیرم جانا نه‌سین.

سرو بویوندور قیامت قورخارام بوندان قوپا،
فتنه‌دیر فتنه گؤزون، اوشه نیرم او یاناسین.

جان لبی‌نین قانینا دیلر کی، قانا- قانا قان،
نئجه سن قانلی یوره‌گیمین قانینا قاناسین؟

قوللوغا جانیم یاساندی، نئجه زلفون یاسانا،
زلفونون بندینه بنی سن اوسانا ساناسین.

جان‌ایله‌کؤنول آپاردی عقل آجیدی عشقدن،
آسسی سینداد بیخبردیر کی، زیانا یاناسین.

1- بونلاردان، بئله لریدن.

1037

تاغیتما زلفونـو، شـاها، تشـویش اولماسـین، یوزوئرمه غمزه‌ن اوخونا، بیر ایش اولماسین.

کؤنلومده اود یانار و گؤزومدن آخـار سـیل، اول اودو سو ایچینده بو درویش اولماسـین.

ترک ائیله‌دیم اؤزومـو و آنـدان یاووقلـاری، بنجیله‌یین کیشی دخی بی‌خویش[1] اولماسین.

بیر خلوتـه دیلـر سـنین ایلـه گیـره کؤنـول، کی آندا ترنم و تق و سـرورش[2] اولماسـین.

غمــزه‌ن اوخونــو اگــه‌لــه و جــانیمیزا اور، الّا، ساقین، جگر تووشانی اریـش اولماسـین.

1038

اوشنمه، تولاش سلسله‌سینه، نولـا دئرسـین؟ قانلی یاشینی سیل سیله‌سینه نولـا دئرسـین؟

هـر قیلینـا قیـل جـان ایلـه عقلینـی گرفتـار، اسیرگه‌مه هیچ قیـل قیلاسـینا نولـا دئرسـین.

زلفــو تــوزاغینی گــؤر و تارتینمــا جــانینی، یــوم گــؤزلرین و ایلــه‌ســینه نولـا دئرسـین.

ســنی دیلیمــه گتیریمــه‌زم دیلیمــه، گــل، اینماز ایسن دیـل دیلـه‌سـینه نولـا دئرسـین.

عشــقی ســرّینی بــن بیلیــرم کؤنولــوم ایلــه، سن دخی صبا بیل بیلـه‌سـینه نولـا دئرسـین.

1039

گؤزومدن آخان یاشلاری خونابـه ساناسـین، دؤندو بو یوره‌گیمده کی خون آبا ساناسـین.

بوسه دیلـه‌دیـم توتـاغینی توتـدو دیشـیله، دوشــدو تولوجــاق دانــه‌ی عنّابـا ساناسـین.

1040

قاشین یایینـا زه دئـرم و گـؤزون اوخونـا تحسـین،

کــی دایــم دَلــی کؤنولومــه آتــار و کســمز آراســین.

اؤزون قیلماز خطا گؤزو کی، اؤزونو دخی گـؤرمز،

یقین بیلمیشدی آنی کی، خوزه‌بـین اولمایـا خـودبین.

قارام گؤزلری واردیر کی، قاراقلادی بیری- بیـرین،

گؤر ایمدی کی، نولاساردیر کؤنولـده گـؤزو تـاثیرین.

گونش یوزو حَمَلـده‌دیـر بـدری قوسـه ایریشـدی،

قانی بهـرام چـوبین کـی، یـوره‌کـده اگلـه‌یـه تیـرین؟

سنین حسنونله عشقیمدن هزاران ییل گر آیدیرسام،

1– بی‌خویش = کیمسه سیز.

2– نسخه ده بوتون یانلیش یازیلمیش.

دئمه‌میش اولا دیل هرگز، شـها، بینـدن دخـی بیـرین.

یوره‌گی اوخ ایله اورور و یا سـوجی دیلـر آنـدان،

نه حکمتدن ایراق ایشدیر، گؤرون بو خسته تـدبیرین.

صبا کشف ائتدی زلفوندن یئنه والشـمس یوزونـو،

زهـی حـل ائیلـه‌دی باللـه بیـزه واللیـل تفسـیرین.

1041

جانیسین جانیما، لیکن سن جانیمین جـانی‌سـین،

لعـل کـانی‌دیـر توتـاغین، سـن شَـکَر دوکّـانی‌سـین.

عشـقدیر دینـیم بنـیم، اول سـنین ایلـه راسـتدیر،

پس حقیقـت باخیجـاق سـن دینیمـین ایمـانی‌سـین.

آغیزینـدان تنـگ و بئلینـدن گرانـدیر جـانیمیز،

نـه کـی، جانلـار چکـر ایسـه یولونـا ارزانـی‌سـین.

جان زنخـدانی چَهینـده[1] اؤزون آزیتـدی دئـدیم،

سـانا نـه گلـدی، اؤزون آلـدیرماغیل، مهمـانی‌سـین.

سندن اؤزگـه کؤنولـوم تختینـده شـاه اوتورمایـا،

چو بو ائلین‌خانی‌سین، سن‌خانی‌سین، سن خانی‌سین.

مشتری اولمـاق دیلـردی گـونش آنـین عشـقینه،

باخ گؤزو تیرینه دئـدی بیـل کـی، بیـر کیـوانی‌سـین.

زهر ایله‌تریاکی حق‌جمع ائیله‌میش بیر یئرده گؤر،

وصـل و فصـل ایلـه جفانـا دردینـه درمـانی‌سـین.

سن قامو انسانی عینی اولـدوغون دگیـل عجـب،

بولعجب اول‌دور کی، سن بو عینیمـین انسـانی‌سـین.

بن نئجه جان آپارام کی اول حضرته اولـا قبـول؟

چون قامو زیره‌لـرین سـن، ای صـنم، کرمـانی‌سـین.

---

[1]– قویوسوندا.

1042

نشان عشق نه‌دیر اول کی، بی‌نشان اولاسین، وجود ایچینده آغیزی کیبی گمان اولاسین.
بوتن‌کی، سنده دورور، لطفونه باخا دوروارام، روادورور کی، بنیم بو تنیمه جان اولاسین.
جمال پرده‌سی ایچینده سرّین آلیر جان، وداعِ جانا اگر نگهین عیان اولاسین.
هزار شهر ملاحت اولا یوزونده سنین، اولامی‌کی، بوجهان ایچره بیر جهان اولاسین.
چولعل‌کانینی کیمسه جهاندا گؤردوگو یوخ، لبینی‌سوردوغوم‌اول‌دوراولامی کان اولاسین؟
آغیزینا باخ و گؤزومو گؤرگیل، ای غوّاص، بی‌جددگیل‌کی،واریب‌غرقه‌ی عمّان اولاسین.
دیله‌گین‌اول ایسه‌کی،دؤکه‌سین بنیم یاشیمی، بنیم ارادتیم اول‌دور کی، کامران اولاسین.
اؤزومدن آزمیشام و اؤزومو بیلیمه‌زم، بوعشقه‌دیله‌گیم اول‌دورکی،ترجمان‌اولاسین.

1043

اویخو گؤزونون اسروگونو آیامی دئرسین، گونش یوزونون نسبتینی آیامی دئرسین؟
سن‌سایه‌ایسن،نولا کیمیم سایه‌سی سین گؤر، یوزونو سنین تک کیشی یاسایامی دئرسین؟
تا یایا گؤزون غمزه‌لرین گؤزلەدی، شاها، آتلی گؤزونه دیرینه بیر یاییمی دئرسین؟
دورونده،شاها،آی‌یوزونون‌ایسسی‌چونه‌ایستر، کیمسه کؤنولوندە قالا سرمایه‌یه‌می دئرسین؟
سن عشقینی بیل، یارینی قاندا بولیسارسین، یعنی ایریشم دلبر هرجائیمی دئرسین؟

1044

نئجه بیر زلفون ایله بو دلی سرباز ائده‌سین، لعلین ایله گره‌ک اوزون ایشیمی آز ائده‌سین.
راستی سرو مخالف اولومایا قدینه، شول‌مبرقع یوزایله‌خاصه‌کی، شهناز ائده‌سین.
قیل‌کیبی‌اینجه‌لی پّرعنبرو مشگ ائت اؤزونو، تا کی زلفو کیبی قولاغینا بیر راز ائده‌سین.
لبی‌نین بیر نفسی کانِ شکر قیلدی دلی، بیر دم ایله نئچه بین سعدی شیراز ائده‌سین.
مریمِ بکر لبین هر دمی بیر عیسی دورور، کیم سانا منکر اولا گر دمِ اعجاز ائده‌سین.
سن بنی کلّ فنا قیلا بیلیرسین، لیکن، حکمت‌اول‌دورکی، فنایا بنی دمساز ائده‌سین.
یاشیمی‌بحره‌یئتیریب ، گؤیه آهیم چیخاریب، گه بنی عاشق رسوا، گهی غمّاز ائده‌سین.

1045

سن‌ده بیرسیرائیله‌گیل، زیرا کی، کوهِ قافسین،
وار، بیزه حرف ائیله‌مه‌گیل عین و شین و قافسین.
دُرده‌ی دردینی تولدور سون بیزه، ساقی، تولو،

بیــزه یئتــر بــو قــدر دخــی کــی، عینــی صافســین.

ســنده، ای دلبــر، گــؤرومز گــؤزلریمیز غیریّــت[1]،

ای نگــارین قــانی اول موصــوف اگــر اوصافســین؟

جوهریســین لعلــین ایلــه قلبــه عارفســین قــاتی،

بئــل ایلــه نازکلیــک ایچــره شّــهرەم و شکافســین.

ای کؤنول، گر عشق ایســن، یــان یولونــا دلبــرین،

کلّی کول اولغیل کی، جزء و جزء اولورسـان، لافسـین.

1046

ســن بنــی کــی، بنــدن آپاریرســین، نــه قیلیرســین؟

عشــقینی کــی، بنــدن قوپاریرســین، نــه قیلیرســین؟

وارلیــق قومــادین بنــده، قاموســونو آپــاردین،

بو عشق ائوینی کی، سوپورورسـون، نـه قیلیرسـین؟

تویمــادی مگــر مســت گــؤزون دل قانینــا کــی،

هر قیلدا سوجیدن کوپ اورورسون، نـه قیلیرسـین؟

گؤزومــده خیــالین کیبــی اوتورموشــام اوش بــن،

ای قدّی کــی، بــر پــای توروسـون، نـه قیلیرسـین؟

بــن کــی بئلــی‌نــین قیلینــی قیلجــا گؤرومــه‌زم،

قیل‌اولموشام، اوش‌سن‌کی‌گؤرورسون، نه قیلیرسین؟

1047

عنبرینله نئجه کؤنلومـو پریشـان ائـده‌سـین،
گؤزومون لؤلؤلرینی نئجه مرجان ائده‌سـین؟

دوشمن‌ودوستو سن‌برق‌ایله یاز بولودو تـک،
کیمی‌خندان،کیمینی درد ایله گریان ائده‌سین.

بلبلون آغلادیغی وجهه گـره‌ک کـی، اوتـورا،
چونکی‌گول‌اوستونه‌سن‌سنبل‌وریحان‌ائده‌سین.

گؤزلرین دردیمه درمان دئدی، درمانی قانی؟
سن یئنه قان ایله مگر آنا درمـان ائـده‌سـین.

گؤزونه یوز قان ایله دل بیر ایاغ ایچیـره‌مـز،
پس نه لازم کی، خمارا آنی بریان ائده‌سین؟!

1– اؤزگه لیک.

1048
بنده نه قالدی دخـی، بگـیم کـی، آپاراسـین،	سندن چو سنلیگینی نئجـه سـی قوپاراسـین.
نیسان بولـودو یـاغمورو دؤکـدو بنفشـه‌یـه،	زلفـون قاتینـدا یوییمـادی یـوزو قاراسـین.
گونش گره‌ک کی، مغرب ائلیندن توغا اگـر،	یوزونـدن اول نگـار گؤتـوره سـتاره‌سـین.
سِحر ائده گؤزلری کی، بنی قیلـدی نـاتوان،	بیچاره کؤنولون گر ائده‌ر ایسـه چـاره‌سـین.
جان پاره سینه جان و دل و عقلی وئرمیشـم،	مجمعینی اوینادیم کی، گؤره‌م الده پری‌سین.

1049
گؤزدن سنی ایرماق ائده‌م آدم کی گؤره‌سین،	تا بو یؤن ایله بیر آدیم آدم کـی گـؤره‌سـین.
شول خالی زنخدانا بنـیم کـی، گـؤزه لـایق،	اوچماغی نه گؤردو قودو آدم کی،گؤره‌سین.
باخ مشعله‌ی عشقدن اؤزگه نـه گؤرورسـن،	بو وارلیغیم ایچینده بیر آدم کی، گـؤره‌سـین.
بو جزویجـه آد ایلـه بولـور عشـق کمـالین،	فکرائت‌کی‌نئجه اولدو بو آدم کی گؤره‌سین؟
بیـر دم دمِ وصـلی اتـه‌گـی الـه گیریرسـه،	جـان اوینایـام یولونـا آدم کـی گـؤره‌سـین.

1050
نگارینـا بـو گـؤزلردن نصـیب قـانی عشـاقین،-
کـی هـر دم لبلرینچـون دؤکولـور قـانی عشـاقین.
مبرقـع اولوبـان شـاها نهفتـه قیلـا حسـنونو،
نواسـی راسـتی یوخـدور مگـر کـی جـانی عشـاقین.
بئلون کیمی خیال اولدوق، آغیزین تک خیـال اولـدوق،
خیـالین اولـالی شـاها، بـو دم مهمـانی عشـاقین.
گـل ای عشـقینه قوشـانان، دل و جـان وئـر، جفـاجورآل،
گه‌آسسـی،گه‌زیان‌ائیله، بـودور دکـانی عشـاقین.
اگرچـه ایمـانین تمـام ائیلـر شـهادتلر،
کمالـه ایرمـه‌یـه سنسـیز، شـها، ایمـانی عشـاقین.

1051
شـاها، شـکرین نرخینـی ارزان ائـده لعلـین،	گر بیر دم اورا مرده تنین جـان ائـده لعلـین.
تنگ ایدی لبین سـؤیله‌مـه‌یـه‌لـی کؤنولومـو،	قورخوم‌بودوراؤکسوزه‌کی، بیرقان ائده لعلین.
گـر بیـر دم ایلـه مـرده تنـه روح ایـروره،	ممکن اولا کی بیر دخی امکـان ائـده لعلـین.

بیر نقطه اگر لطف ائشیدیرسم آغیزیندان، مشکل‌لریمی قاموسون آسان ائده لعلین.
گره‌ک کی گوموش قالمایا، آلتون اولا ایشیم، گر لطف ایله کؤنلومه احسان ائده لعلین.
آلتون نیشه قیلیر بنیزیمی بیلیمه‌زم، عیب اولمایا گر یاشیمی مرجان ائده لعلین.
سئودازده‌سی‌یم ساچی‌نین اوشدا پریشان، گره‌ک کی بنیم دردیمه درمان ائده لعلین.

1052
دویوماغا بو یوره‌گیم اودونا آهین، گر ایریرسه هوا وجودونا آهین.
کؤنلومو قاپدی گؤزون آلیمازام الدن، شؤیله کی، یاز کگلیگین زبون ائده شاهین.
دانه‌ی خالینا دوشدو بو دلی کؤنول، آدمیلیکدیر، نولا، باغیشلا گناهین.
دل ساچینا واردی، دگدی گؤزو اوخونا، گؤردو سیاهینی آنلامادی سپاهین.
کندوزونو بیلمه‌ین قاچان بیله ربّی؟، بیلیمه‌ین سنی بیله‌مه‌دی الهین.

1053
بهار ائتدی یئنه بیر یئنی آئین، کی، حسنوندن خجل قیلدی گؤگ آیین.
سپر قیلدی یئنه گل سینه سینی، چو پیوسته گؤرور اول قاشی یایین.
یوزون تک آیینه یین وار صفاسی، ولی قاتی بیچیک دورور بو خودبین.
گؤزومون یاشی کی، اوزون آخیدیر، همیشه آلتینین اوستونده چایین.
کؤنولده کیم بیله کی، نه قوپوسار، کی قونوشموش یئنه آی ایله پروین.

1054
نه کی ایسه خورخ، گتیرین، ساتینیز، شول نگرا و یئدیرین.
بیر صفا ایله صحبت ائتمک اوچون، نه کی اسکیکیمیز ایسه یئتیرین.
آپارین نه کی، آنا گره‌ک ایسه، نه کی، بیزه گره‌ک ایسه گتیرین.
گتیرین عشقی‌نین جنایبینی، ارمیشی، قالمیشیمیزی یئتیرین.
سروی کیبی تورون، یارانلار، راست، یوخسا فتنه گؤزو کیبی اوتورون.

1055
قاشین هلالی ایله دلده اولامی ایدین، کی ایره یئمیشی بیر گز بو عشق جاویدین.
اوزولوب اؤزگه‌دن اؤزوم گؤزونه باغلانالی، روشن اولدو گؤزومده صفاسی توحیدین.
هوای سروینه قامت گؤتوره‌لی بو کؤنول، سپیشدی استقامه‌سی اقلیم قوقنوسا[1] بیدون.

1

کؤنول هوان ایله شؤیله صفا بولوبـدور کـی، خجل اولا آنی گؤرورسـه جـام جمشـیدین.
گؤزونـده تاپینـا تفریـد گؤسـته‌ره‌یـیم اگـر، گؤرور ایسم یئنـه بـو عارضـنده تجریـدین.

1056
ایچه‌لیم بیر تولـو ایـاغ کـی، سـرّیمیز عیـان اولسـون،
نه سرمایه گره‌ک بیزه، قوی سـودوموز زیـان اولسـون.
لبینـدن وام بیـر بوسـه دیلـر ایشـبو جـانیم بنـیم،
کؤنول گیسوندادیر، ایشده ینانمازسان زمـان اولسـون.
دمینده سنجیله‌یـین خـوب هرگـز گـؤز گؤریمـه‌دی،
سـنین آدیـن بـو دونیـادا بـت آخرزمـان اولسـون.
قاشین‌یایینی قورموش و گؤزون اوخلارینی چکمیش،
لبینـدن سـوراییم سـوچو بانـا بیـر دم آمـان اولسـون.
کؤنولـو لبلـرین، شـها، چکیشـیرلر، آنـی قورتـار،
ائشیتمزسن بو سؤزومو، قـوی آرالیقـدا قـان اولسـون.
جهـانی قـامو عـالملر بیلیرلـر کـی، جانـا دگمـز،
بیـزیم بـو بیـر جهـانیمیز بـو آرالیقـدا جـان اولسـون.
جـانیم جانانـا اولاشـدی نـه‌دیـر حـالینی بیلمـه‌زم،
بویورورسان سوراییم بـن توتـاغین ترجمـان اولسـون.

1057
یـــار بیزیملـــه یئنـــه قیلـــدی اؤزون، اؤزگـــه‌لـــر ایلـــه قیلیـــر اولـــدو ســـؤزون.
شـول خطـایی گـؤزو قـان ائتمـیش مگـر، یـایین اوخـون قویـدو، گیزلـه‌دی اؤزون.
یـوزو بـدری هـر گئجـه قارشـیمادیر، اول دیلـر گیزلـه‌یـه بینـدن گونـدوزون.
شـول گـونش یوزونـده کـی بنـیم دورور، یوخســا ســالدی احتراقــه یلــدیزین.
سـؤز اوزون ائتمـه و سـؤزه چـاره قیـل، بـن سـانا چوخـدور دئـرم سـؤزون اوزون.

1058
نگـــارا، اؤلـــدورور بیـــزی فـــراقین، بیـــزه طاقـــت قومـــادی اشـــتیاقین.
دل و عقـــل ایلـــه جـــان واردی چرییـــه، قاچـــان کـــی یئتـــدی بیـــزه بیـــز یاســـاقین.
ایراغینـــی یـــاخین ائیلـــه‌دی عشـــقین، یـــاخینینی ایـــراق ائتـــدی فـــراقین.

هزاران الینه بوسه قیلئیدیم، اگر گیرسه‌یدی الیمه آیاغین.
یاساقین فرضدیر بوینوما بنیم، ولیکن ساقینا یئتمز یاساقین.

1059
ز مجمع متبوع و زهی صحبت موزون، لیلی بونو بو گئجه گؤرورسه اولا مجنون.
بخشایشی حقدیر بو کی، سرده اولا لحمد، محمّد اولا مطربی، ساقیسی فریدون.
سئودایی اگر قیلیر ایسه گیسوسو نولا، چون آغزی قیلیر لؤلؤ ایله لعلینی معجون.
ایسته‌رم آنین وصلینی و گیرمز الیمه، شؤیله کی، سو ایسته‌یه و محروم اولا کمّون.
زلفوندن آنین کم قیلی بو جنگیمه گلمز، بن نئیله‌یه‌ییم چون بو ایمیش دونیادا قانون.
سروین گؤره‌لی قوپدو قیامت یوره‌گیمده، نیلین گؤره‌لی آخیدیرام گؤزلری جیحون.
بو فتنه کی، گؤزوندن گؤرورم، صنما، بن، هارون دخی سانما کی، آنینلا اولا مامون.

1060
خسروا شیرین تنگ شیرین لبین، جنتی‌سین، بللیدیر نارین لبین.
تن چو یوخدور جان و دل شیمدی فدا، نه روادیر قویوماز سارین لبین.
لعل و لؤلؤ شونجا دؤکدو گؤزلریم، نولا قایتارسا بانا بیرین لبین؟
لبلریندن دردیمه سوردوم دوا، دئدی یارین توتدو تاخیرین لبین.
باخدی یاشیما تبسّم ایله‌دی، بیلدی بنزه‌ر جاندا تاثیرین لبین.
توتاغین شیرین دئدیم، شیرین دئدی، گؤزومه گیسون گؤره شیرین لبین.
مار ایسه گیسون تولاشسین بوینوما، چون خط ایله قیلدی قیل مورین لبین.
بن بوگون نئجه سانا کؤنول وئره‌م، چون بنی اؤلدوریسر یارین لبین.

1061
لبینی گؤره‌لی دمدن بو گؤزلریم آخیدیر خون،
اودونا عود اولماغی بانا حق ایله‌دی قانون.
اگر هر گئجه زلفوندن پریشان سؤیله‌رم نولا،
اسیری‌نم ولی، عشقین دیلیمی ایله‌دی مادون.
درونم گرچه صورتده بنی بیرون گؤرورلرسه،
هزاران وار درونی کی، بیلیرم بن آنی بیرون.
بو ادوار ایچره بی‌بیزیم‌تک بوعشقین گؤزو گؤرمه‌دی،

نـه ایـدی خسـرو و شـیرین و یـا لیلـی و مجنـون.

چـو آیینـه‌سـیدیر هـر یـار یـاری‌نـین نگارینـا،

گؤزون مست ائده‌لی بنی گؤزو کور و لبلرین میگون.

گؤزوندن بـورج آلیبـان بـن لبینـدن بـاده‌لـر ایچـدیم،

زنخـدانینا سـال بینـی بـنم اول مفلـس [و] مـدیون.

بنم سئودایی و سـن هـم دگیلسـین خـالی سـئوداdan،

وفا و عشق ایله گـل کـی، مفـرّح دوزه‌لـیم معجـون.

1062

گره‌ک کی، ترک ائده وارینی یاری دیلـه‌یـن، اغیـار اولاشـیغینی کسـه یـاری دیلـه‌یـن.

ناموسی نام اوچون قویا و صـدق ایلـه اولـا، عـاری نگـاری‌نـین یولونـا عـاری دیلـه‌یـن.

بـن سـئوه‌رم کؤنولـده یاراسینی گؤزونـون، گول عشقینه اولا یئنه هـم خـاری دیلـه‌یـن.

مرسوم اولالی کؤنلومه عشقین اودو بو گون، اولدو بـو گـؤزلریم دخـی ادراری دیلـه‌یـن.

قـال ایلـه قیلـی قویـا و تولـو ایچـه قـدح، عشـقینی ایـاغی ایلـه اسـراری دیلـه‌یـن.

کؤنلوم اویالی گؤزونه تیتـره‌ر لبـین اوچـون، زیرا کی، خمرا میل ائـده خمّـاری دیلـه‌یـن.

گزدیک جهـانی بـی‌سـر و پـا زلفـو یولونـا، بـی‌پـا و بـی‌سـر اولـا سبکسـاری دیلـه‌یـن.

گؤزون گؤره‌لی آغزی یاری اوچون اؤلـورم، زیرا کی، شربت ایستـه‌یـه بیمـاری دیلـه‌یـن.

1063

خلوت‌ائتمیشم سنینچون، ای نگار، کؤنلوم اوچون،

صحبت ائده‌لـیم سـنینله بیـر نفـس جـانیم اوچـون.

جامی تمام اولا دئرسن اوش کؤنول سانا یـوره‌ک،

آنین ایچینده قان اولموشدور بو دم جـانیم اوچـون.

زلفونه دوشه‌لی بیلدیم کی، خطا دوشـدو کؤنـول،

تولاشـیغا سـالدی اول دمـدن بـری جـانیم اوچـون.

قاشـــلاری پیوســـته بولونـــور اؤز عهدینـــه،

نئجـه کـی، باغلامیشـام بـن آنلـارا جـانیم اوچـون.

دیلـــه‌رم خلـــوت ایـــرم تاپونـــا و قیلـــام فـــدا،

بیر نفس‌جانیم اوچون، جانیم اوچون، جانیم اوچون.

1064

مجرّدنـام و ننـگ و جـان و دلـدن بیـر قلنـدرون،

هوان ایچینده غـرق و عشـقین اودونـا سـمندرون.

مبرقـع یوزونـو گـؤره‌لـی عشّـاقیندان اولـدوم بـن،

گـؤره‌لی‌قـدّینی تـوغرو بـودورور کـی، مخیّـرون.

خضـــر کیبـــی قـــارا زلفـــون قارالوغونـــا گیـــردیم،

لبیندن لیک محرومـام ساناسـین کـی، سـکندرون.

ابـــوبکرم صـــفان ایچـــره، عمـــرون اقتـــدان ایچـــره،

چو عثمانـام ساناقارشـی، ولـی یولونـدا حیـدرون.

گؤزونـــون غمـــزه‌لرینـــه و یـــا زلفـــون کمندینـــه،

شـاها، کـیم دئیـه بیلیسـر توتـالیم بینـی خیبـرون.

1065

سـانا بیـزدن ایـا دلبـر، یئنـه بـو دم سـلام اولسـون،

ندیمین زهره، مه ساقی الیندن موم و لـام اولسـون.

اودا یاخما بیـزی، سـاقی، یئنـه بـو خـام زُهدونلـه،

چو بیز یاناریز اودونا، تولو سون جام خام اولسـون.

یوزونده جان قوشو اوچون جمالین قودو بیـر دانـه،

تاغیت‌سن دخی زلفونو آنا قارشی کی، دام اولسون.

چو قاش یاییندان آتا تورکی گؤزون غمزه اوخونـو،

کیشی قارشیسینا تورماز گره‌کسه پورسـام اولسـون.

خیال ائتدی توتاغینی گؤزوم بیر گئجه شول لحظه،

آخیتدی‌قانلی یاشلاری کی، یعنی بو حرام اولسـون.

سویاگیردی‌دئدیم نئیچین؟ دئدی‌آب‌حیات اولسون،

تاغیتدی‌ساچینی آیدیرکی، بوگون‌روم‌وشام اولسون.

قاشی محرابینا دوزموش بو دم عشقی‌نین اهلیچین[1]،
هله بیز راضی یوز آنـا قـانی گـؤزو امـان اولسـون.

1066
خورشیدی شول دلداریمین عکس جمالیندان بیلـین،
قـانی شـفقدن آنلـانیز بیـر شـمّه خالینـدان بیلـین.
قیل ائیله دیگی جسـمیمی کؤنـولی قالـه سـالدیغین،
بلبله گولی گؤسـته‌ریـن قیـل ایلـه قالینـدان بیلـین.
وصل‌ایله‌هجری‌نئتدیگینی اول گونشـیمین جسـمینه،
بیـر آی گئجـه اویومـانیز بـدر و هلالینـدان بیلـین.
شـهد و شـکر نـه نسـنه‌دیـر لعـل لبینـدن سـورالی،
دام ایلــه دانــه‌دور، زلــف ایلــه خالینــدان بیلــین.
لعـل لبینـدن، ای صـنم، قـان قوخوسـو گلیـر بیـزه،
گؤزلری آلی چوخـدورور، بونـو کمالینـدان بیلـین.

1067
بن‌گؤزوموسئوه‌رم‌حسنونو سئودیگی اوچون، بن جانیمی سئوه‌رم یولوندا اؤلـدوگواوچون.
بن مجمـری سـئوه‌رم سـالار اؤزونـه اؤزون، بن عودا قول اولـورام اودونـا یانـدوغوچون.
شول‌خفته‌گؤزون‌اوچون‌نئچه‌سی اوفول آییم، قیلدی‌صبابی‌سایرو ایرجک‌اویاندیغی‌اوچون.
اودلاریاغارگؤزومدن،کؤزساچیلیر سؤزومدن، عشـقین اودو، نگـارا، جانـا بویانـدیغیچون.
آب حیاتی گؤرون کـیم، آخـار آغیزیمـدان، عشق ایلـه بـو جهـانی قندینـه قانـدیغیچون.

1068
نسیم اورـوردو یئنـه صـبحدم بیـزه خبـرین، کی روح تازه اولا باشـلادی بـو دم جگـرین.
یوزون ایله توتاغینی گـؤرورلر اولـور ایسـه، گلاب اولا گول و یـوره‌گـی ارییـه شـکرین.
ساچین اسیرینی سای‌غیل، بللی بیل تحقیـق، کی، خلقه نه قارا گونلر گتیردی بیر نظـرین.
آیاغی‌نین توزونـو یئلـه وئرمـه‌گیـل، زنهـار، کی، کیمیا باشـی اول‌دور نـورودور بصـرین.
ایراقلیـق اوزادوغونجـا امیـر قـرب آرتـار، آنین اوچون کی، سـفر بارگیریـدیر هـزارین.

---

[1]– اهلی اوچون.

1069
جهانــدا یئنــه نــوروز اولــدو بــو گــون، نه کیم مقصــود ایسـه روز اولـدو بـو گـون.
دوزون ســـازینیزی کـــیم یئنیلـــه‌دیـــن، بنـیم جانیمـا بیـر سـؤز اولـدو بـو گـون.
گـــؤزو غمـــزه‌ســـینه قالخـــان جگردیـــر، چـو آنـین اوخـو دلـدوز اولـدو بـو گـون.
بیلیـــردی عشـــوه‌لـــرین عشـــق بـــاری، نـه دئـیم چـون نوآمـوز اولـدو بـو گـون.
وجـــودوم دیـــل ایلـــه قولـــاق اولـــوردو، شُـکر اللهـه کـی، گـؤز اولـدو بـو گـون.

1070
اولماسین عیب سورارساووز کـی، نـه‌دیـر توتـاغین؟
میمی یا لعـل‌مـی‌دیـر یـا چـو شـکردیر توتـاغین؟
اســریدیر گؤزونــو زلفــون توتــار و قاشــین آتــار،
الّــا بیــر نفــس ایلــه یئنــه دیریلــدیر توتــاغین.
گـؤره‌لـی گـؤزرلریمین یاشـینی کـیم قـانین آخـار،
قیپ- قیزیل اولدو اولامی کی، خجلـدیر توتـاغین.
ظلـم ائـده‌ر جـادو گـؤزون جانیمـا قیلـدیرما خطـا،
چـونکی لطـف ایلـه قیلـا نولـا بخیلـدیر توتـاغین.
کیرپیگـــی‌نـــین اوخـــو و گیســـولارین بنـــدی بانـــا،
سـهل گئجـه اومـارام زیـرا کـی، ائیـدیر توتـاغین.

1071
بهار ایریشدی یئنه یئر گئییندی حلّه بو گون، سوجیه آند ایه نه واجب اولدو حلّه بو گون.
بیر اوبا اولمایا کی، آندا چالغی یوخ بو نفس، جهاندا سوجی ایچیلمز قانی محلّه بـو گـون.
اســیر عشــقدورور جــوق جــوق بلبــل‌لــر، گئییک‌لر اسرییبن اولدو گوله، گولله بو گون.
گؤزونـو قـدرت اللهـه تالدوروســان ســن، صبادا دؤنـه الینـدن گلیرسـه زلّـه بـو گـون.
کلـــال بولمـــه، نگـــارا، بنـــیم اینیلدیمـــدن، بهاروعشق ایله قیزمیش دورور کلّه بو گـون.

1072
گونش یوزو اوستونده کی بدر آیینـا بـاخین، جم جمالینی دیلرسه‌نیز، اوش آیینـه بـاخین.
صبح‌ایسترایسن اؤریجه گز گیسولارین گؤر، گئجه‌یی قاچان کی، چرزونـه یایینـا بـاخین.
باشدان کئچیریر یاشـی بنـی سـالار آیاقـدان، ایدمان دیلـر ائیلـه یـه بـو سـرپایینا بـاخین.

بنـی چـو خیـال ائیلـه‌دی معشـوقه خیـالی،　　جانا نه قیلیـر عشـوه‌ی هـر جایینـه بـاخین.

1073
حسنو بازاریندا جانیم من یرید اولموش بو گـون،
عشقی تک‌دردیم آنینلا وار مزید اولموش بو گـون.
اولـــالی منصـــور جـــانیم زلفـــو فتراکینـــدا اوش،
سان کی، کؤنلوم‌عقلیم ایله‌بایزید اولموش بو گون.
پیـر عشـق ارشـاد ائـده‌لـی کؤنولومـو بـو یولـا،
بین جوان مجنون اولوب مرید اولموش بـو گـون.
ای نئچه دعوی زیاد ائدیب طویل ائتـدی سـیزی،
گر هزاران‌جهد ائده‌ر ایسه، فرید اولموش بو گون.
ساقی، جامی تولو سون و مظرب نـوا آغـاز قیـل،
یار ایله مجلس‌یاراشمیش اولو عیداولموش‌بو گون.

1074
تولو سون اياغی کی، ایچه‌لیم صاباحا دکـین،　　حرامی‌خوش‌گؤره‌لیم، کی‌ایروررمباحادکین.
لبین چو راحت جاندورور، جان آنین بـدلی،　　کیشی کی راحته ایرمز ایـروره راحـا دکـین.
گؤزو قان ائتـدی یـوره‌گیمـی و لبینـی بـن،　　قصاص یازدی چَلَب[1] دونیادا جرآحا دکـین.
گؤزو اویور ایدی، دیله‌دیم ال سـونام لبینـه،　　قاخیدی،قوردو یایین اوردو ال سلاحا دکـین.
چوقلبدوریوره‌گیم، عشقی‌نین یولونداگره‌ک،　　کی، ایرورم کؤنولوم قوشونو جناحـا دکـین.

1075
نئجه سی قاتلانا کیشی، شـها، جفانـا سـنین،　　چـو ال ایرمـه‌یـه بـو دنیـادا وفانـا سـنین.
کـدورتین دنیـزی‌نـین دیبینـده غـرق اولانـا،　　نه غم قاچان کی بیله کی ایره‌ر صفان سـنین.
اگرچه خسته گؤزوندور، فتاده یـم مجـروح،　　شفاعین ایلـه نولـا گـر ایـرم شـفانا سـنین؟
پـایینی نئجـه قایمـام کـی، آلنیمـا یـازمیش،　　کی نئجه کی، عمروم وار دوشم قفانا سـنین.
نئجـه دیلـر ایسـن، آغزینلـا بئلینـی گیزلـه،　　کی ظاهر ائیله‌میشیز عشقی بیز خفانا سـنین.
کیشی گره‌ک کی، اینیله مه یه جفـا اوچـون،　　یاری‌اؤزو اوچون‌سئوه یوخ کی، وفا اوچون.

1– تانری.

یار یولونا فنا چو بقادیر، بقا فنا،   عقیل بقایی ترک ائده گره‌ک فنا اوچون.
قانین سو اولدو یولونا بن خاک آیاغینا،   یانام گره‌ک کی، اودونا ایشبو هوا اوچون.
درده دوا دیلر بو جهان اهلی بن همین،   دنیادا دردینی دیله‌رم هم دوا اوچون.
هرگز نجیب اولمایا عالمده اول کیشی،   وار خوشلوغونو وئرمه‌یه بیر دم صفا اوچون.

1076
خسته جانیما گر لب عطّار اولا بو گون،   عقل اؤزونو گر قورتارا، عیّار اولا بو گون.
جان‌سنین ایله شؤیله قیلیر خلوتی، ای جان،   کی، تن دخی بو اورتادا اغیار اولا بو گون.
بن خسته‌یه بیر شربت اگر ایسه ایره لبیندن،   بو جمله جهان آدمی بیمار اولا بو گون.
کؤنلومده‌کی عشقین‌دنیزی شؤیله تاشار کیم،   بو گؤزلریمین جعفری طیّار اولا بو گون.
گل یار ایله بازار اولو اغیار ایله بیزار،   دیلرسن آنین ایله کی، بازار اولا بو گون.
باری نولا گر وئریر ایسه بئلینه باری،   قایداکی، لطیف ایسه گرانبار اولا بو گون.
قدّینی گؤروب سرو سهی گر سالینیرسا،   توغرو دئیه‌لیم ایمدی سبکسار اولا بو گون.

1077
یئنه بیزدن دیلر گیزله‌یه اؤزون،   یئنه حسنی قیلیر جان ایله اؤزون.
کؤنولوم اویدو شول مسته ز دلی،   ائشیدیر شاهد مجروح سؤزون.
طمع دندانینی سالدی یوره‌گه،   گئده‌مز اول آرادان هیچ گؤزون.
روامیدیر یوزون گؤسته‌ره اول بُت،   شونا کی، یویی بیلمز دخی یوزون.
یوره‌ک قانی سویا دؤندو یاشیمدان،   مگر اول قیلا ساکن ایشبو سؤزون.

1078
قیلیر گیسوسو ایچینده هزار جادو کمین[1]،   تمامینی نئجه دئیه چو دیل دئمه‌یه کمین[2].
شول‌ایکی‌هندودل‌وعقل‌وجان‌آپارماق‌اوچون،   بیریسی‌گؤسته‌ره‌ریراؤزون، بیریسی‌قالدی‌کمین.
نگارا، فاتحه گؤره‌لی لبلرینده کؤنول،   بشارت اولدو سایرویا چونکی بولدو امین.
عجب دگیل کؤنولوم نظم ائده‌ر ایسه درّلر،   گؤره‌لی عینِ یمینین چو گؤزوم اولدو یمین.
کؤنول اودو اسیر اولدو یاشا قیلماز اثر،   نئجه‌کی، تیز اولور ایسه، گیده‌ریمه‌دیر نمین.
خیالی‌گلدی گتیردی شراب و شاهد و شمع،   گؤزومدن آب روان ایله گوشه یئدی همین.

---

[1]– کمین = گیزلی یئر توتما، گیزله نیب سوراغیندا دایانما.
[2]– بو کمین آز گتیرمه معناسیندادیر.

یسار گؤزو ایله جان و دل چو بولدو یسـار، یمین وصـفینی نئجه‌سـی دئیـه ابـن یمـین.

1079
گـؤره‌لـی سـنده، نگـارا، سلاسـل مسـکین، بـو بنـده بنـده تولاشـماغی ائیلـه‌دی آیـین.
یوزونـده مـه بـه تـرازو و سـنبلده گـونش، آنی گؤروب نئجه یانماز منجّم مسکین؟
اؤزو لطیـف و گـؤزو خشـمیدیر نهایتـده، تنی حریـر، ولـی یـوره‌گـی دورور سـنگین.
ازلده کی، قاموسون روح یاردیر ایدی چلب، ملـاحتی اولـالی قیلـدی حسـنونه کبـین.
قاراقجی‌گؤزودورور،خونی ساچی سئودایی، توتاغی آتشـی دورور، بئلـین دورور نـازین.

1080
گل ایمدی، گل‌کی، گؤزوم سیلی‌آخار اوشـدا قـانین،
کـیم اولـا کـی، یوزونـو گـؤره وئرمـه‌یـه جـانین؟
گــره‌ک کــی، عــاری اولــا عــاردان قویــا نــامی،
تاپونـا عاشـق اولـان نئیلـر آدی، یوخسـا سـانین؟
دیلــر ایســن کــی، بــو عالمــده آلــاووز ذوق،
بیـزی سـئوه‌نـی سـئوه‌لـیم و قـووالیم قاچـانین.
شول اوغلانی گـؤره‌لـی عشـقیم اولدوئنـه ییگیـت،
بـو عقـل پیرییـه نئچـون دوروتـدو طفـل جنـین؟
گــؤزون حرامیلیغــی ائــده‌ر یوزونــده گوندوزلــه،
کـی، بیـری گؤسـته‌ره اؤزونـو بیـری قیلـا کمـین.

1081
سورونوز نایا کی، یانار یار اودونا نه اوچون، بن دخی هم یانارام آنین اودونا نـه اوچـون؟
زرد رویی اود ایچینـده باشـیمی آلـدیم الـه، یاشیمی آخیدیرام اوشدا لگنده نـه اوچـون؟
نئیچـون باغلاییبـان پـاره قیلیـر ایسـه بنـی، هر نفس کی، اولا آدانـام آدینـا نـه اوچـون؟
نِی کیبی یاندیم و تاغیتمادی هیچ بنـی هـوا، قوشانیرام یئنه یوز یئرده قادینـا نـه اوچـون؟
ساییلیب عار تونوندان چکـر ایسـم غربـت، نَفَس‌آزدیرمارام‌اول دوست یولونا نه اوچون؟

1082
نولار جانیم اوینار ایسم سن دلبـر مـوزون اوچـون،
یـا قـان ائـده‌رسـم لعـل لبـی پُرخـون اوچـون.

اور چنگینی چنگینه، تا بین دفتر ائـدەم عشـق ایلـه،
نـِـی کیبـی اودونـا یانـام دنیـادا بـو قـامون اوچـون.

بن پیرم و عاشـق، ولـی اول اوغلـان و اوماقلیـدیر،
فرهاد – شیرین دوشموشم اول لیلیِ مجنون اوچـون.

لعلی اوچون جانلار وئریـب زلفئیننـه تولاشمیشـام،
الدن قومازام آنی، چون زمین گرەک مـدیون اوچـون.

دوشدو کؤنول‌گؤزلرینه‌شیمدی اوخونداں اوچونور،
گؤرون کی، جان نه‌لر چکر بی‌تو دل مفتـون اوچـون.

باخدی بو گؤزوم یاشینا گؤز دگمه‌سین دئیـو مگـر،
آلتیندا بیر نیل ائیله‌دی گؤزومده کی جیحون اوچـون.

زلفئینـی مغـروق اولـالی بـن غصّـه‌ی پیوسـته‌یـم،
بن غصّه‌ی پیوسته‌یم شول قاشلاری مقـرون اوچـون.

سئودایی‌یم وار آلتونوم یوزومده و اوشـدور یاشـیم،
لعلیندن اومارام اگـر سـونار ایسـن معجـون اوچـون.

بن آشنایام عشقینه آنـین اوچـون گـؤز یاشـی‌نـین،
دنیزینـه اوش تالـارام شـول لؤلـؤی مکنـون اوچـون.

الّـا کـی، گـؤزون کؤنلومـو یاشـیمی ادرار ائـدیین،
عقلی خیالینه سنین وجه ائیله‌دی سـو سـون اوچـون.

لعلین، شها، اوغرولایین ایچـدی یـوره‌گـیم قـانینی،
توققوزلادیسـارام آنـی تـؤره ایلـه یوسـون اوچـون.

1083

نئجه قیلـا گـؤزلرین کؤنلـوم ائوینـه آخـین، آیـی نـه‌یـه بنـزه‌دم، آیینـه آل، بیـر بـاخین.
عقل بئلـین گؤرمـه‌دی، وهـم لبـین آنلامـاز، گؤزچوقاچان‌ایریسر،سن‌سنی سندن ساخین.
لبلری جانی نئده‌ر، عقل نـه وجهـه سـیغار؟ الّا دئـدیم زلفونـه کؤنلومـو هیکـل داخـین.
حسنونه‌جمع‌ائیله‌میش‌مشگ‌ایله‌کافوری گؤر، آتـش یـاقوت ایلـه لؤلـؤی سـیراب آخـین.

زلفونه نه‌دیر عؤمور، اول اوزون و بـو قیسـا، — هجرین‌و اؤلوم‌نه‌دیر؟ بو ایراق و اول یاخین.

1084

تـا بیلـه‌لـی بـن، نگـارا، یوزونـون مـاهیّتین، — محـو قیلمیشـام کؤنولـده عـالمین شـئیّتین.

نیّتیم اول‌دور کی، نیّت اؤزگـه‌لـره قیلمایـام، — یئگ دئمیشلر مؤمنون، زیـرا عملـدن نیّتـین.

سنی‌اول‌فردوصمد کیم فرد یاراتمیشـدورور، — حجّت ایله قیلدی ثابت کنـدونون فـردیّتین.

تا بنیم عشقیم اوچون هر گئجه آغلایا بولود، — بحـر و بـر وئریرلـر آنـا کنـدونون مـائیّتین.

عشـق باقیـدیر و عاریّـت حیـاتی دنیـوی، — باقیسین حاصل ائت ردّ ائیله گیـل عـاریّتین.

اودداخاصیّت‌بودورکی،جنسی‌جنسه‌قووشورور، — عشقی اودونا یانام کی، بولام اول خاصیّتین.

اول‌هواباشیناتوپراق کی، یاشی یاغمور دگیل، — یانـا کؤنـول ایلـه آنـا، سـاچمایا نـاریّتین.

1085

اگـــر عاشـــق ســـحر کـــی، آتـــا آهـــین، — گـره‌ک کـی، اول اوخـا دؤیمـه‌یـه آهـین.

نـــه لـــازم زلفـــو چریســـین یاســـاماق؟– — چـــو بیـــر بـــاد صـــبا بـــوزار[1] ســـپاهین.

کمـــر باغلانـــدی نِـــی شَـــکّر قـــدیچون، — ســـمن شـــوقوندن اگـــری قـــور کُلـــاهین.

قـــراری یـــوخ خیـــالی‌نـــین گؤزومـــده، — چـــو سـئودا ائیلـه‌میشـدیر تکیـه‌گـاهین.

1086

نگـار عشـقی دورور قـوّتی بنـیم دمیمـین، — محبّتـی ایلـه اولـدو صفاسـی بـاطینیمین.

وصالی‌گونلریمین شکرونی ائدیمه‌دیم ایسـه، — فراق ایله چکـه‌رم اوش جزاسـینی قـانیمین.

جانیم‌ساچین‌ایله‌شؤیله‌دورورکی،اؤلور ایسم، — گره‌ک‌کی، سنبل و ریحان اولا اوتو سینیمین.

کؤنولو چـین اولـا دئـردیم آنـین جفاسـییلا، — هوایا دؤیومه‌دیگـیم خطاسـی‌دیـر جـانیمین.

ملکلـرین اولـور آئینـی و بنـیم اول کـی، — بـاش اوینامـاق یولونـادیر کمینـی آئینیمـین.

1087

یارین نئجه بیر چکه کؤنول غـنج و دلیلـین، — جان نئجه تحمـل قیلـا عشـوه‌سـی محـالین.

زلفئینی‌اوچون هرگئجه کؤنلوم اولادور شور، — کی باد ثبات آت سـالیبان یـوزه دی سـالین.

باشماق‌کیبی چوخلار یوزون آیاغینا سوردو، — بولومادیلـــار لیـــک کمرگـــاهی مجـــالین.

عشقیمی گؤره ن آنمایا مجنونو دخـی هـیچ، — حسنونو گؤره‌ن ترک ائده لیلیسـی جمـالین.

اول جانـا محـّرم قـانیمی قیلـدی محلّـل، — اولمایـــا روا بانـــا حـــرام ائـــده حلـــالین.

---

[1]– پوزماق، پوزار.

1088

بــو نــه کؤنولــدورور کــی، آلــا گــؤزون، جــانی وار گیرمــه‌ســین وبالــه گــؤزون.
گئجــه‌دیــر زلفــون و یــوزون گونــدوز، ایکیســـی ایلـــه دخـــی آلـــا گـــؤزون.
لبلـــرین ســـالدی آلـــا گـــؤزلریمی، یـــوره‌گیمـــی بیراخـــدی آلـــا گـــؤزون.
ایـــرورور سِـــحرینی کمالـــه قاچـــان، کــی کؤنــول باغلایــا کــم آلــه گــؤزون.
قــانیمی قیلــدی مئــی، کؤنولــو یــوره‌ک، شـــمع جـــانی گـــؤزو، پیالـــه گـــؤزون.

1089

یئنه‌زلفوچریسین‌گؤر، قراری‌یوخ قاراسی‌نین، خطا ایله جانی اوردو، آلیر مالین قاراسی‌نین.
چکیشیر لعل لبلری بو کؤنلومو زمانلـاردیر، ولیکن‌قانی‌سوروماز ایکی‌قارداش آراسی‌نین.
سویاوادا، اودوسویا دؤکرلرگؤز ایله کؤنلوم، اودو ایله‌سویوندایام اول ایکی ماجراسی‌نین.
آنین‌پرده سراسیندا کؤنول پرده سرادیر، لیک، جانیم‌خلوت‌سرا اولماق‌دیلرخلوتسراسی‌نین.
نه‌آفت‌غمزه‌ن‌اوخودور یئنه‌هم‌مرحمی سندن، کی، باشی‌دخی‌اولومازیوره‌کده‌کی‌یاراسی‌نین.

1090

لبین‌کیبی مئیی یوخسا، صفاسی یوخ جامین، اگرچه دُرد ایســه، اول دور دواســی ایّــامین.
قانا بولاش لبینه ایریشه گـؤر، ای کؤنــول، کــی قــان ایلــه گیریســه یئنــه الینــه کــامین.
یوزونو گؤردون ایسه جانین اویناغیل یولونا، کــی غــایتی وار آخــر بــو جهانــدا اتعــامین.
گره‌ک کی، عارضینه جان و عقل دل قویولـا، کی سرحد آنی بیلیریز بــو روم ایلــه شــامین.
اودا بیراق ای اویــو یــاووزی کــی، بیلینیســر، قوخوسو ایلــه باهاســی بــو پختــه و خــامین.

1091

بیر دل قــانی کــی، یانــا اودونــا بــو نگــارین، بیر می قانی کی، اولـا دوا ایشــبو خمــارین؟
عهد ائتــدین ایــدی زلفــون ایلــه بــادِ هوایــا، دوشدو کؤنولوم زلفونه، سور قانی قــرارین؟
بن بئلین ایله اورتایا دوشدوم و قیل اولدوم، ای بئلی قیل، آخــر بانــا دئ، قــانی کنــارین؟
فرشی‌یم آیاغیندا چه گر عرشــی ایــدیم بــن، ترک ائیله‌میشم سنین اوچــون دار و دیــارین.

1092

نگارا، عشقینه قارشی نه جانی وار کؤنولــون، سانیرمی‌سین‌کی، اول‌اوددامکانی‌وارکؤنولون؟
هزار کؤنولو بیــر دمــده عشــقین اودا یاخــار، مگر کی، لعل لبینیــزده کــانی وار کؤنولــون؟
هزار جان سـرِ زلفونــده خاکســار اولمــوش، اول‌اورتادا نه‌سانیرسین، نه‌سانی‌وار کؤنولون؟
لبی گیریرســه عالمــه، دوتوســارام آنــی بــن، کی، گیرمه خونِ دله، زیرا قانی وار کؤنولون.

خیالی کؤنلومه بینمیش گتیردی گؤزلریمه، قول‌اولاییم بو دمده کی، یامانی وار کؤنولون.
نه جان و نه دل و نه عقل و نه تن و وارلیق، کی، جانی‌وئرمه‌گه‌گلسه،جهانی‌وار کؤنولون.
کؤنول نه شرط قیلیرسا، آنی قبول ائیله، کی، قوللوغوننداسنین‌یوزضمانی‌وار کؤنولون.

1093
قویمادی جان و کؤنول ماهِ دو هفته نئچون، قالمادی لعلی ایله سرِّ نهفته نئچون؟
قاشی گؤزویله لبی طاق ایله جفت اوینادی، دوشدوبو دیوانه دل طاق ایله جفته، نئچون؟
گؤزو ایله کؤنولوم ایچدیلر ایاغ بیله، بو نیشه‌دیر در قالاق اول یاتا خفته نئچون؟
بن آغیزین سرّینی جمله یه فاسش ائده‌رم، سؤیله‌یه بنیم دیلیم رازِ نهفته نئچون.
جوهری فرد آغیزین خونِ کؤنول جوهری، دؤکه آنین یولونو دُرّ نسفته نئچون.

1094
سرِ زلفونه باخین، مشگ سمن‌سایی گؤرون، ایشبوباشیمدا بنیم بو سر و سئودایی گررون.
دوجهان‌سنده دورورجام و کؤنولومده تاپون، خلوتِ تنگین ایچینده قامو غوغایی گؤرون.
برقع آلتیندا گؤزو غمزه‌سینی اوردو دله، آتیبان‌اوخلارینی‌گیزله‌میش اول یایی گؤرون.
گهی بوینوما تولاشیر ساچی، گه آیاغ اولور، بی‌سر و پای ایله اوینادیغی سرپایی گؤرون.
بحرِ عشقین دیلر ایسه لبی‌نین بو دلِ تنگ، مختصرلیک ایله بالله بو دوایی گؤرون.
چوروموش‌سونوگوموزدیریله‌سین‌سؤیله‌ییجک، مریم عیسی دمیله دمِ احیایی گؤرون.
یئددی دنیز کؤنولومده و لبیندیر قدحی، نقطه‌ده‌نئجه سیغار بو یئددی دریایی گؤرون.
کؤنولوم زلفونه دوشه‌لی دوشر قیل بئلینه، قیلی قیلدان سئچه‌مز بو دلِ هرجایی گؤرون.
قانی گؤز کی، دلی قربان ائدیبن گؤره آنی، قاشی‌طاق‌اوستونه‌تورموش‌کی،گلین،آیی‌گؤرون.

1095
بو آدام آیینه‌سینده گلین فرشته گؤرون، هواسی اودونا بو گِلده هم سرشته گؤرون.
خمار گؤزلری اوچون کی، خوابناک دورور، گؤزومده‌حبّه‌ی‌روماّنی،یوره‌کده‌رشته گؤرون.
گؤرون کی، عنبرِ خامی نه یای دوزه‌ر سنی، نه‌صنعت‌ایشه آپارمیش، آنی قورشته گؤرون.
دلی دیلی دخی اؤزون بیر ایشته‌یم دئییبن، جفالاری اودونا گیریبن برشته گؤرون.
لبینه درده دوا سورماغا کؤنول واردی، قانابولاشیبان اوش گلدی بیر سرشته گؤرون.
یوزونه یوز اورالی جان و دل یارالاندی، بو واقعه گلمه‌دی هیچ اورشته گؤرون.
آیاغی‌نین توزونا یوز اورور ساچین، شاها، فداداورورعمروموز بو یوز سوروشته گؤرون.

1096
جگـــریم قـــانی ســـو و یاشـــیم خـــون، ایکیســـیندن دخـــی آخـــار جیحـــون.
لیلـــی ســـاچینی گـــؤرور اولورســـا، بـــی گمـــان دلـــی اولیســـار مجنـــون.
کـــم و کیفـــی مجـــالی قانـــدا اولـــا، چـــونکی بـــن ســئوەرم ســنی بـــی‌چـــون.
جـــان و عقـــل و دل و صـــفا و وفـــا، جمـــع ائـــدیب قیلمیشـــام ســـانا معجـــون.
اســـتمالت بنـــی دیـــری دوتـــار، بیـــر امیـــد ایلـــه باقیـــدیر کمّـــون.

1097
خــزان کــی قیلــدی آلتونلــاری محــزون، گیریســـردیر یئـــره چـــون مـــالِ قـــارون.
یاز اؤزکـه ییچـون دوروشـدو اولـدو خـرّم، خــزان یاغـدی اؤزویچـون اولـدو باغبـان.
حیاتـــا ایـــردی محصـــولی باهـــارین، خـــزانین حاصـــلی ســـاچینا مســـجون.
بهارینـــدا ایکـــن ســـن قـــایغینی یـــئ، کـــی ایریشـــر خـــزانین یئلـــی تـــارون.
بـــو دونیـــه لیـــک[1] دئـــدیکلری ییلانـــدیر، آنـــا تـــرک ائتمـــه‌گیلـــه اوخـــو افســـون.
ائشـیت نـه دئـر خـزان، آیـدیر کئچـه روز، کیمـین بنـزی سـاری، کیمـین دلـی خـون.
چـرا و چـون قاچـان سـیغا بـو ایشـده، چـو بؤیلـه دیلـه‌مـیش خلّـاقِ بیچـون.

1098
جوروچوخدورلطفی‌آز و آزی نازکدیر آنین، آزیمیز چوخدور، آزینا آزی نازکـدیر آنـین.
جان ایله عقل و کؤنولوم گؤزلرینـه بللیـدیر، زیرا کی، هر خفته گؤزو بازی نازکدیر آنین.
باغلامیشام آغیزی‌نین سرّینی کؤنولـده تنـگ، ساخلاماق‌واجبدورور،چون‌رازی‌نازکدیرآنین.
عشقی‌چنگینده‌آنین‌بن‌سؤز اوچون ساز ائتمیشـم، نی‌دن‌اکسیک‌یانماق‌اولمازسازی‌نازکدیر آنین.
نازی‌دیر بنیم نیازیم، لیک آنا طاقـت گـره‌ک، بنده‌یوخدور هیچ تحمّل، نازی نازکدیر آنین.

حرف و
1099
صاباحین گلشنه گیردیم، دئدیم: کیم دورو؟ – دئدی بو.
نه قوخودور دئـدیم، آیـدیر: – صـبادان گلـدی بانـا بـو.
لبـین اسـریگی یـم، نولـا شـکر بنـدن دؤکولورسـه،–
کـی سـنبل یئییجـک مشـگی گؤبـه گینـدن دؤکـر آهـو.

---

[1]– دونیالیق، دونیایا باغلی.

عقـاب ائـده‌ر[1] عقـابی[2] عشـقی سـئرچه کؤنولومـوزه،
فـدا اولسـون هلـه بـازا، نئجـه کـی خـرد ایسـه تیهـو.
قولویـام یـوره‌ک اودونـون ایریشـدیریر ایشـین گؤیـه،
دگیل یاشـی تـک کـی، اول آخیـدیر یاشـینی هـر سـو.
قیلیردیم ، زیـرا گلشـنده، اؤگـردیم یـاریمی اول گـون،
او گئییک دئدی‌گو-گو-گو،گؤیرچین دئدی: بو- بو- بو!

1100

کرم قیل ایمدی بیزه، ساقی، وئر ایاغی تولو،
مکـدّر ائتمـه بیـزه وئـر مِـی رواقـی تولـو.
قاشین هلالدورور، لیک حسن ایله تولـودور،
بونون کیبی گؤگ آیی اولمایا محـاقی تولـو.
گؤزومده وصلی خیالی سـودا اورور نقشـی،
ولی نـره‌مـه باخارسـان، آنـین فراقـی تولـو.
گؤزآغیزینی‌گؤرومزعجب بودور کی، قاچان،
آنارسا شکّر اولور دیلـی‌نـین مـذاقی[3] تولـو.
اگرچـه گـؤزلری مشـهور سـحردور لـیکن،
گؤزومه گیر نظر ائیله کی، قاشی طاقی تولو.
جگر کباب ائده بن قیلمیشام چکیده یاشـی،
کی، یوکونوب ایچیـرم یاریمـا ایـاغی تولـو.
هزار جان کی، یوزوندن آپاردی بیـر حظّـی،
زیان نـه اولـدو تاپونـا یئرینـده بـاقی تولـو.

1101

نگارا، سندن ایراقلیـق بانـا ملـال ایـدی بـو،
ایریشمه‌مک تاپونـا قـاتی انفعـال ایـدی بـو.
لبینی درج گوهر آنلامـاق گمـان ایـدی اول،
بئلینی روح روان بیلدیگیم خیـال ایـدی بـو.
یاناغین‌آلی‌کی، آلتون ائده‌ر یوزوم گوموشون،
گؤزومه گؤروجک بللی بیلدیم آل ایدی بـو.
گؤره‌ن قاشینی یوزونـدن قنـاعی آچیجاغـاز،
دئیه‌کی، بدرقاچان‌اولدو چون هلال ایدی بو.
اگرچه ممکن ایدی بانـا کـی، یولونـا اؤلـم،
تاپوندان آیری دیریلمک بانا محال ایدی بـو.
سنینله بنـی و سنسـیز بولومـازام سـنی بـن،
نئچه‌سی اولاشیق اولا بانا نه حال ایـدی بـو.
آغیــز آغیــز لبینــه لبلــریم ســرّینی دئــدی،
بن‌اسروک‌ایدیم‌تاپون‌او، برک محال ایدی بو.
بئلین‌گؤزومده نه‌قیل‌ایدی‌کی، بنی قیل ائده‌ر،
سؤزون‌بنی‌اودا یاخدی‌عجب نه قال ایدی بو.

---

[1]– تنبیه ائده‌ر.

[2]– عقاب = قارتال.

[3]– ذائقه، مزاج.

1102
گؤزون اوخو ایله یوره‌گی یاز آخـی نولـدو، خطینله غمیم شرحینی بیر یاز آخـی نولـدو.
آنجاکی گؤزون قانی ایچر اولدو خمار اوش، آل الینـه تولـو قـدحی یـاز آخـی نولـدو.
سن‌ساچینی چؤزوب تاراغیل ها کی، چمنده، بیزه سحری یئـل اولـا قانمـاز آخـی نولـدو.
سن شهرخی نئجه ارایسـیندن ایـراق تـوت، طرح ائدەر اولور کیشیه بهبـاز آخـی نولـدو.
بیر دونیـادا سـنین ایلـه راضـی‌یـوز اولـالیم، بیر ائوده دخی اولاووز آز– آز آخـی نولـدو.
آپاردی، شها، زلفو یوزونـدن سـحری یئـل، هر ییله گره‌ک اوچماییسار باز آخی نولـدو؟

1103
لبینـدن چـون سـؤزون قنـد ایلـه دوشـدو، همـان دم درد ایلـه جـان دیلـه دوشـدو.
کؤنـــول قاچـــان عمـــارت اولیســـاردیر، چـو جـورون تاشـلاری قندیلـه دوشـدو.
لبـــین قانیمـــا گیـــردی گیزلـــر اؤزون، نئچـه‌سـی گیزلـه‌نـه قـان دیلـه دوشـدو.
نـــه دم گـــؤردوم لبینـــدن بیلیمـــه‌زم، کـی، آنـدان یـوره‌گـی قـان دیلـه دوشـدو.
دوا ســـوردوم لبینـــدن یـــوره‌گیمـــه، جـوابی هـم بانـا قـان دیلـه دوشـدو.

1104
تاپونـــا ایریشـــن دیوانـــا دؤنـــدو، ســنی کــافر گــؤروب ایمانــا دؤنــدو.
لبینـــدن دم اورانلـــارین نئییچـــون، قــانی ســویا و ســویو قانــا دؤنــدو.
ایـــا شـــاه ملاحـــت، داد ســـندن! دپرلرســین آنــی کــیم خانــا دؤنــدو.
اگـــر دؤنـــدو ایســـه کؤنـــول تاپونـــا، آنـی خـوش سـاخلاغیل مردانـه دؤنـدو.
اگرچـــه بـــرج و بـــارو وار بـــو شـــاردا، چــو اولــدو خــاطرین میــدانا دؤنــدو.

1105
آندان‌کی، ساچی‌گول‌یوزونه‌مشگ‌ایله‌دوشدو، مسکین کؤنولوم بیر قیل ایله مشکله دوشدو.
عشقین دیلیمه دوشـدو و بـن خلـق دیلینـه، وار ایمدی قیاس ائیله آنی کی، دیله دوشدو.
جانیم قوشی پرواز ائدەر ایکن آنـی بیلـدیم، کیم زلفـو آغـی‌نـین توزاغینـا ایلـه دوشـدو.
بـو عمـر جفاسـینی قیلیـر بانـا بـو لحظـه، بو دم قیلیجاق لطفـو جانیمـا ییلـه دوشـدو.
رحمی‌بانا بو کی، گؤزونون یاشینی سیل دئر، آغلان آنی کی، گؤزو یاشی سلسله دوشـدو.

1106
تـا وعـده‌ی وصـلی آرامیـزدا کئچـر اولـدو، هجرانـی دمینـدن دخـی حـالیم بتـر اولـدو.
ذکریمده مگر قیلیـر ایـدیم بـن لبینـی دون، یار آغزیم ایچینده ساناسین کی، شکر اولدو.

سئودای سیاهی ساچی‌نین بوینوما دوشدو، ساعدلری‌نین دردی بئلیمه کمر اولدو.
عشقین‌نه‌کی، گیزله‌دی ایسه ایشبو کؤنولده، یوزومله گؤزومدن بو جهانا خبر اولدو.
یاشیم سویو بنزیم گوموشویدو، صنما، اوش، عشقینده بیری لعلدیر و بیری زر اولدو.
باغریم قاریدی بونجا زمان عشقین اودویلا، لطف‌ائیله، ایریش،باشلادی‌شیمدی‌یانر اولدو.
ایچیمده کی اود گیزله‌نه دمده دخی، بگیم، بیر اردورور تن، ساناسین کی، فنر اولدو.
کافر دگیل هی دئ کی، اوخلادی یوره‌گیم، اول اوخا ال اورونجا یوره‌گیم قانار اولدو.
قانیما سوسایالی، نگارا، لب لعلین، هر بیر تاماریمدان ساناسین قان تامار اولدو.
برهان ایله ثابت قیلیرام گؤره‌لی سنی، کی شمس فلک دخی غلام قمر اولدو.
بیز شمع کیبی یانیبان آغلایالی، شها، بنزه‌ر کی ضمیرینده سنین قصد سر اولدو.
عقل و دل و جان تالادی بندینه بوراخدی، ایشبو نئجه شهر ایدی بیزه کی، تاتار اولدو.

1107

لبیندن بوسه آپاردیم نگارینا، نه قان اولدو،
کی جانا جادو گؤزوندن بو فتنه ناگهان اولدو.
قویوق تک شمسی اودونا اگر یانماز اولور ایسن،
حلاوت بولماییسارسین هزاران امتحان اولدو.
کؤنولوم تنگدیر دئرسم دوشر لعلینه بیر نقطه،
تنیم قیلدیر دئیه‌ییم چونکی سؤزوم درمیان اولدو.
جانیم ایره‌لی سن جانا ساناسین جانا ایردی تن،
تنیم دخی بو وصلتدن یقین بیلدیم کی، جان اولدو.
کؤنولو لبلرین آلدی، دوتارسام یوخمودور حقیم،
کی، اول سرگشته حیرانا زماندیر کی، ضمان اولدو.
عجایب غمزه‌سی واردیر کی، اورالی جگرده اوخ،
قدیم اوخ کیبی توغرویکن قاشی کیبی کمان اولدو.
جانین جانانا ترک ائده‌ن بیرینی بینه دگلشیردی،
جانینی کیم کی، تارتیندی یئنه آنا زیان اولدو.
هوا آچدی هوا سرّین گئجه گئتدی و صبح اولدو،

دخی‌شکین‌می‌وار سنین؟ بو سرّ چونکی عیان اولدو.

1108
نولـا اگـر فـتح اولـدو ایسـه بیـزه سـیمالو، کی‌گؤرمه‌میش اولاگؤز خوبی ایشبو سـیمالو.
بو وادی ایله بو تاغدا محیّـر اولـدو کؤنـول، دره‌سـیدیر تولـو ککلیگـی تـاغی ایمـه‌لـو.
کؤنول دئدی، نـه قیلـا فرقتینـده اول یـارین، کی، مرکبی اولـا دوشـموش ادوگـی یامـالو.
نه قییدی جانیمـا بـو قاشـلاری اولوشـوقلو، کــی فرقتــه ســالا بــو گــؤزو قییمــالو.
اته گـی بئلینـه سـوخ، آل آیـاغ الـه، سـاقی، کـی دردینـه بـو گـؤزوم آیاغینـا سـیم آلـو.
ساچین سماع ایله گر اسـر ایسـه کؤنولومـه، شـمال یئلـی دوشـه کـیم اولـا نسـیم آلـو.
هوایلـا چـو بغـایتی ایکیمیـز اولشـدیک، بو قسمت ایچـره روامـی اولـا قاسـیم آلـو؟

1109
خنجــر و ای جــان جانــان، خنجــرو؟ جــان گــؤزون خنجرلرینــدن خنجــرو؟
کؤنلومـــــون قوشـــــونو یئتیرمیشــــم، زلفونـــــون توزاقلارینـــــدان خنجـــــرو؟
جــــانیمی ایســــته ییـــبن بولیمــــازام، ســــورارام توتاقلارینــــدان خنجــــرو؟
بانــا دئرلــر کــی، قــرار ائتســن نولــا؟ آیــدورام شــول اینجــه بئلــدن خنجــرو؟
جــان ســن ایســن بــو تنیمــه گلســه نــه، یوخســا بــو تنیمیــزه جــان خنجــرو؟

1110
عشقین سنین، ای دلبر، ایچه‌ریـدن ایچـه‌رو، سئومک کیبـی سـئومزلر، سـنی آنـارو بـرو.
قاردیم سنه بن بنـی، قویـدوم یولونـا دینـی، ساخلارسین بانا کینی، بومییـدی بانـا قـارو؟
یاخـار بنـی آوازیـن، آرتیقلاغیـدیر نـازین، چاخار سنی غمّازین، گؤز یاشلی، بنیز سارو.
آهیم ایله یاشیم گـر خشـک و تـره یئترسـه، آزگونده‌یاخیندیر کی، اول بحر اولا، بو قارو.
کؤنولده کی یار اولا، اؤزگه‌یـه نـه بـار اولـا، جویی شاها شکار اولا، آیریقلاریـدیر قـورو.

1111
کؤنولو آپارانا دن کـی، نئچـون گلمـز اؤزو؟ کندوزو گلمز و آتار یوره‌گـه اوخـو گـؤزو.
خوب‌وزیبا و گؤزلدیر آنی کی، بن سئوه‌رم، دیلـه گتیریمــه‌زم آنــداغی تــاتی و تــوزو.
قوچوزاوش‌گؤرمه‌میشـیزبونجیلایین‌بیردخی‌هیچ، کؤنول‌آپاریجی،جان‌قاپیجی بیر شیوغه قوزو.
چونکی‌توپ‌آلاو گؤرمه‌میش اولا قولون اگـر، نئجه‌سـی چـاره قیلـا بیلـه آنـا عاشـق اؤزو.
نی‌کیبی‌دیر اوش وجودوم یانارام بو نییچون، دوشـه‌رم اودونـا اودام یانـا دئـرم قوپـوزو.

1112
عــین فتنــه دیــر عیــان اســروک گــؤزو، قنــدی ســیندیردی آنــین شــیرین ســؤزو.
توغمـــــاغینی باتمـــــاغینی گونشـــــین، احســـن الوجـــه ایلـــه گؤســـتردی یـــوزو.
اول گونشـــدیر نئجـــه اولمـــاز محتـــرق، هـــر کـــی آنـــا اولـــدو مقـــارن[1] یولـــدوزو.
بن اول اولـدوم وصـل و هجـران قالمـادی، تـــوغرو ائشـــیت اوش ســـؤزون آزی اؤزون.
جـــان براقـــی همّتـــه بینمـــیش دورور، یئـــر یوزونـــده اولمـــاز اول آتـــین ایـــزی.

1113
نئجـــه بیـــر جـــان و دل آپـــارا گـــؤزو، نئجـــه بیـــر یـــوره‌گیمـــی یـــارا گـــؤزو.
گـــره‌ک آغ دئیـــه‌یـــیم، گـــره‌کســـه قـــارا، قویمـــادی جـــان ائلینـــده قـــارا گـــؤزو.
مســـک ســـاچین یوزونـــه دؤکـــه‌لیـــدن، قـــودو کـــافوری مشـــگه قـــارا گـــؤزو.
بیقـــــرار ائیلـــــه‌دی صـــــبا زلفونـــــو، قویمـــادی بنـــی بیـــر قـــرارا گـــؤزو.
زلفونـــــه باخـــــانین گـــــؤزو قـــــارارا، یوزونـــــه کـــــج باخـــــان آغـــارا گـــؤزو.

1114
عجـب، جـانیم کیبـی بیـر جـانی یوخمـو، بـــو عشـــقینه یانـــانین جـــانی یوخمـــو؟
گـؤزو تـوغرار کؤنولـو، قـانی چیخمـاز، عجـــب، عاشـــق کؤنولـــو قـــانی یوخمـــو؟
ســـاچی اوغـــرو دئیـــو باغلـــادی کؤنلـــو، زنخدانینـــــدا هـــــیچ زنـــــدانی یوخمـــــو؟
گـؤز اورور قـاش آتـار باغلـار گیسـولار، بـو کؤنـول شـهرینین بیـر خـانی یوخمـو؟
زمانـــدان ســـونرا گـــؤردوم ایکـــی قاشـــین، بیـــری‌نـــین دخـــی بیـــر قربـــانی یوخمـــو؟
ســـاچی بـــین مـــؤمنی بنـــده گمیشـــمیش، عجـــب، بـــو کـــافرین ایمـــانی یوخمـــو؟
ایکـــی عالمـــده اللـــی کیبـــی یوخـــدور، بـــو یـــاقوت تـــرین بیـــر کـــانی یوخمـــو؟
کؤنـــول دردی همیشـــه دردیـــن اونلـــر، بـــو درده دوشـــه‌نـــین درمـــانی یوخمـــو؟
آنـــــین کـــــی یـــــازدی آرادا فراقـــــی، وصـــال اولماقلیغـــا فرمـــانی یوخمـــو؟
هواســـی اوینـــادیر جـــانی ســـاچیندا، بنـــیم تـــک عشـــق ســـرگردانی یوخمـــو؟
جانیمـــــدا قـــــامتی قیلـــــدی قیامـــــت، دئـدیم بـو طـوبی‌نـین روممـانی یوخمـو؟
آجـی یـاش دؤکـه‌رم صـبر ایلـه هـر دم، عجـب، بـو صـبریمین اورانـی یوخمـو؟

---

[1]– مقارن = اوز اوزه.

1115

دیلرایسن‌کی،گؤره‌سین‌حسنونو، آچ گؤزونو، باخ یوزو آیینه‌سینه گؤر یئنه آنـدا یوزونـو.

چشمه‌دنیزنئچه اولا چونکی دنیزه گیرمـه‌دی، یار ایله ایسته دیـن قیـل آنـا غـرق اؤزونـو.

لبلری‌نین لطافتین دل دیلر ایدی شرح ائـده، غزرتی‌دئدی‌آنا: هی سؤیله حدّینجه سؤزونو.

دئ کی،سالیناقدّینه،تا کی، یاخین اولا گمـان، تا کی،کمان یاخین اولا، سؤزه گتیر آغیزینـی.

زلفونه نسنه دئمـه‌زم بـاد صـبایا اوغراسـین، قاندابولام‌سنی،شها،چون‌نئچون اؤرتر ایزینـی.

1116

نگارینـا نـه حالتـدیر کـی، بیلمـه‌زوز اؤزومـوزو،

گؤزوموزشؤیله غرق اولدو کی، بولمه زوز گؤزوموزو.

یوزونـو کعبـه سـانیبان قاشـین محـراب بیلیریـز،

آنـین اوچـون آنـا قارشـی یئـره اوردوق یوزومـوزو.

سـاچین قیلینـا ایرمـه‌زوز صـبایا حـالیمیز دئـدیک،

کـی بیـر فرصـتده عـرض ائـده قولاغینـا سـؤزوموزو.

خماروز گؤزلرین ایله، لبـین مـی ییـنـدن ایـاغ سـون،

کی باشـد کـه، آنـین ایلـه بیلـه ووز اؤز —اؤزومـوزو.

شـها، بیـر کهنـه جـان وارور دلِ دیوانـه، عقلـی پیـر،

بیریمیزچـــون نگارینـــا اوتانـــدیرما یوزومـــوزو.

نگارا، گیسون ایچینـده دل و جـان تالـدی و گئتـدی،

نـه بیـزی بولـوروز، نـه خـود چیخارینـا ایزیمیـزی.

پریشـان سـؤیله‌روز زیـرا کـی، زلفئینـین پریشـاندیر،

چوزلفونچون‌دورور بو سؤز چوخا سای غیل آزیمیزی.

وقـت سـحر نئچـه نئچـه زلفونـه تولاشـام دئیـو،

سـئودایی اولوبـان گـزم، بیـر قیلـا اولاشـام دئیـو.

بئلـی قیلینـا ایرمـه گـه بیـر عقبـه وار اورتـادا،

یـوز آیاغینـا سـوره رم اول یوخوشـو آشـان دئیـو.

باغلامیشـام بـو بوینومـو هـر قیلینـا گیسوسـونون،

اولـا کـی، فرصـت ال وئـره باغلایـانی ششـم دئـی.
خـالینی دانـه لئیلـه مـیش زلفونـو دام تـا مگـر،
دانـه‌سـینه طمـع قیلیـب دامینـا بـن دوشـم دئیـو.
حسـنو سـراپرده اوروب غیـر ایـراق آیاردیلـار،
عقل ایله جـانی قویـدولار، یعنـی خـدم، حشـم دئیـو.
قانیمـا گیـردی لبلـری، ایشـده نشـانی گـؤز گـؤزه،
قانی گره‌ک کی، دیشله‌یـم اول قـانی اؤده شـن دئیـو.
بئلـی تنیمـه بنـزه‌مـیش، بـن تنیمـی قیـل ائتمیشـم،
تـاکی، جـوابین ائـدیبن زلفونـه اوخشاشـام دئیـو.

حرف ه

1117
هـر گئجـه سـحر وقتینـه دکـین قیلیـرام آه، باشد کـه، نظـر قیلـا بنـیم حالیمـا اول شـاه.
تانا قیلیرام هـر گئجـه بـن بـدر یوزونچـون، بدر آی دخی نولا تانا قیلیـر ایسـه هـر مـاه.
آغیزینـا ایریشـیمه‌زم کؤنـول اولـور تنـگ، ال نئجـه‌سـی ایـره بئلینـه اینجـه اولـور راه.
عاشق بن و معشوق سن اولمامـاق اولومـاز، عشقی بانا، حسنو سـانا قسـم ائیلـه‌دی اللـه.

1118
یـا الهـی، یـاالهی، یاالـه، سـندن آرتیـق یـوخ بـو جانیمـا پنـاه.
آه محکـم دیلـه‌رم واهـی دگیـل، گیرمـز ایسـه اول الیمـه آه آه.
کؤنولومـه سـندن اؤزگـه گلمـه‌دی، گلـدی ایسـه قویمـا سنسـین بازیشـاه.
واه سـندن دیلـه‌رم، ای مـرداد، داد هـم سـنین الینـدن دادخـواه.
کـاهی دوق، کـوه ائیلـه‌دیـن لطفـون ایلـه، کـوه ایکـن قیلمـا بیـزی جـور ایلـه کـاه.
بینـوا و خسـته و افتـادەام، رحـم قیـل چـون دوشموشـم در شـاهراه.
سـرو بسـتانم نـه‌دیـر بـی‌بـار بـنم، قیلمـا غیـل بنـی عبـث هـم چـون گیـاه.
گـر گنـاه اوچـون یاراتدینسـا بنـی، دئـدیگینی ائتـدیم، ائتمـه‌دیـم گنـاه.
عشـق‌خواهینـام وگـر نـه تخمـه‌دیـر، نفـس ائشـه‌گـی آرپـادان هـر سـال و مـاه.

1119
دردیمـی نئجـه دئیـه‌یـیم آه– آه، نئجـه‌سـی شـرح قیلـاییم، اللـه.

بـن خـو مـات اولموشـام رّخوچـون آنـین، آنـــا موقوفـــدور کـــی، گـــؤره‌م شـــاه.
زلفونـــو گؤرمـــه‌یـــه‌لـــی یوزونـــده، آنلامـــادیم دخـــی ســـپید و ســـیاه.
یـوره گـه چرخـه تیـری گـؤزلری‌نـین، دگمـــه‌یینجـــه توالمـــادیق آگـــاه.

1120
عشـق اهلـی قـامونوز گلینیـز ائـده‌لـیم آه، کؤنول ائلینه اول بتی بیر شاه ائـده‌لـیم، شـاه.
نه حسن و جمال اولور و نه لطف و کمالی، نه عشوه و نه شـیوه و نـه نـاز اولـور، اللـه.
گؤرمز اولور ایسم سنی، گؤرونمز اولام بـن، گونشی اگر گؤرمه‌یـه گـؤرونمز اولـور مـاه.
زلفونـو توتـوب واردی زنخـدانینا کؤنلـوم، اوش‌اوغرو و اوش‌سلسله‌وایشده‌دورور چاه.
زلفونـه دئ کـی، بوینومـو بندینـه گمیشـه، تا بیر گئجه بنی سـنین ایلـه گـؤره بـدخواه.

1121
گؤزومـده سـنین زلفـون سـئودای سـیاه، کؤنولـــده بجـــز حســـنون ز اولـــو گنـــاه.
عشـقینه دئـیم لبّیـک یـوز ییـل اؤلـوبن، اوســـتومه اگـــر بیتـــه بـــین دورلـــو گیـــاه.
گـؤره‌لـی گؤرومـه‌دی گـؤزوم گونشـی، اول گئجـه گؤزوکـه‌لـی گؤنومـه‌دی مـاه.
گـر سـن بنـیم اولورسـان ز رحمـت حـق، گـــر بـــن ســـانا ایـــره‌رســـم ز لطـــف الـــه.
سئودا ایلـه عقلیمـدیر بیـر تـاج ایلـه سـر، جـانیم ایلـه عشـقیندیر بیـر تخـت و کلـاه[1].

1122
آیریق قاپیسین هیچ کؤنولوم قاخمایا شـالله، گؤزوم یاشی جز سنین اوچون آخمایا شالله.
گؤزلریمی بن یاش ایله تولدوردوم آنینچون، کی‌آیریق‌یوزونه‌قارشی توتوب باخمایا شالله.
عشقی اودو ائیله کی، بنـیم کؤنلومـو یاخـار، دیلک بودورور هیچ کؤنولو یاخمایـا شـالله.
بدرآی‌کیبی، بیزه توغدو بو گئجه وار امیدیم، کـی، دائـم اولـا دخـی و اویاخمایـا شـالله.
گئجـه عمرمـودور آنـی اوزاتغیـل، الهـی، جانیم جانیدیر صـبح مگـر چاخمایـا شـالله.
آه ائیلـه‌دیـم ائشـیتدی آنـی بـاد شـمالی، گلشـنده کؤنولـوم حـالینی چاخمایـا شـالله.

1123
تولـدور ایـاغی سـاقی و آنگـاه[2] بـه مـا ده[3]، هلـــه نولـــا اللـــه و لطیفـــین بـــی‌عبـــاده.

---

[1]– بؤرک.

[2]– اوندا، او زامان.

[3]– به ما ده = بیزه وئر.

بن صافی یم و صافی ایچه‌رم هلـه عشـقی، تـو جـان مـن از صـاف بـده بـاز ریـا ده[1].
بـن شـهری‌یـم شـهر دیلـه‌رم کؤنولونـده، یوخسا بانا هر قواخـا شـار اولـا و یاخـا ده.
ییتیـردی گـؤزو کؤنولومـو زلفـو ایچینـده، دئـدیم سـانا گـره‌ک ایسـه دونیـادا نـاده[2].
بـن آنـا ولـی‌یـم کـی، ولیلـر سئوه‌ر آنـی، بـو عشـقه عـدو[3] اولانـا سـن دخـی فنـا ده.

1124
سانا ای دلبر جـانی سـلام اللـه، سـلام اللـه، ای لعلین جانیمین کانی، سلام الله، سلام الله.
آخیدیر گؤزلریم قانی بیزه وعده‌لـرین قـانی، اؤزوندورخوبلاری قانی، سلام الله، سلام الله.
جـانین قاشـینا قربـانی، لبـین درده درمـانی، قولون تاپوندا ارزانی، سلام اللـه، سـلام اللـه.
ایا مصـباح روحـانی، ایـا مفتـاح جسـمانی، ایا اصـباح ریحـانی، سـلام اللـه، سـلام اللـه.
واریرساصدق‌سلمانی،اولا چون زیره کرمانی، ایا تخـت سـلیمانی، سـلام اللـه، سـلام اللـه.

1125
کؤنـول واریـن اودا اوردو، تعـالی اللـه، تعـالی اللـه،
قاشین پیوسته یای قوردو، تعـالی اللـه، تعـالی اللـه.
فنا اولدو بو خـونین دل کـی، قانـدیر وارلیغـی آنـین،
کی لعلِ دّرجینی گـؤردو، تعـالی اللـه، تعـالی اللـه.
گــره‌ک کــی، ســالا اودونــا اؤزونــو عنبرآســا اول،
کی عودی اودونـا اوردو، تعـالی اللـه، تعـالی اللـه.
لبینه خود فنادان اؤزگه یول یوخدور، عجـب بـودور،
کی دل بو یولا یول سوردو، تعالی الله، تعـالی اللـه.
گرفتاری دگیل‌مـی‌دیـر نـه کـی، وار ایسـه وارلیقـدا،
ساچیلا بیر توزاق قوردو، تعـالی اللـه، تعـالی اللـه.
جهانا ساچدی بیر تخمی کی، اول‌دور مایـه‌ی غوغـا،
چو درجی خرجه اولوردو تعالی اللـه، تعـالی اللـه.

1– منیم جانیم صاف وئر، یئنه صاف وئر!

2–

3– عدو = دوشمن.

بویوردوغو اولوساردیر باش آچیب ایسته‌مک گـره‌ک،
اولاجـاغینی بویـوردو تعـالی اللـه، تعـالی اللـه.

1126
بیزیم ایله شول خونی گؤزون آلـامی، باللـه، آلـدی کؤنولـو، جـانی دخـی آلـامی، باللـه.
بیـر بوسـه توقـع قیلیریـز، یوزونـه سـالار، انعـامینی اول آیـدان – آیـا سـالامی، باللـه.
سـوریله یاخـار عشـقی اودونـا کؤنولومـو، قلبیمیـزه دیلـر کـی، دوتـا قالـامی، باللـه.
گیسوسـی طنـابی کؤنولـو هـر یانـا چکـر، اورتـادادورور هـر بیـری آبـدالامی، باللـه.
زلفئینـی کمنـد ایلـه چکـز بنـی میانـا، باغلانـدی بـو سـئودایی یئنـه آلـامی، باللـه.
آدم دوشیجک کندیم اوچون سنبله‌یـه پـس، ائولـادی دوشـر گیسـو ایلـه خالـامی، باللـه.
بندن نئجـه سـی دلبریمـی آیـری گـؤرورلر، احـوال نظـری کـج قیلیـر احوالـامی، باللـه.
گسـتاخ دؤکـر عنبـری گلبـرگ اوزهرینـه، خطّین کی، قیلیر بو ایشی اول دالامی، باللـه.

حرف ی

1127
نئچه– نئچه یاخیلام بن توزون ایلـه، چلبـی، گونشی ایسته‌مه‌یم بـن یـوزون ایلـه، چلبـی.
نه قهـر قـاهره گـره‌ک، نـه مصـر اصـراری، شکر یئتـر بـو جهانـا سـؤزون ایلـه، چلبـی.
بانا نه شمس گره‌ک گوندوز و نه آی گئجـه، ایکیسی دخـی بنیمـدیر اؤزون ایلـه، چلبـی.
جفان چوخ دورور ، لطفون جانیما قـاتی آز، چوخونا نولـا دؤیـه‌یـیم آزیـن ایلـه، چلبـی.
خطین برات قیلیر جـانیمیزا کـیم یوخـدور، هزار جان و دلـی بیـر یـوزون ایلـه، چلبـی.

1128
نئچه– نئچه سنین اوچون اودا یانـام، چلبـی، دم اولدومو کـی، لبینـدن قانـا قانـام، چلبـی.
گؤزون شرابی ایله چـوخ زمانـدیر اویـورام، دم‌اولدور غمزه‌ن ایله شیمدی اویانام، چلبی.
سـانا ایـره لـی، سانمامیشـام اول سـانویی، کی اؤزونو گؤروبن سـندن اوسـانام، چلبـی.
نه گُل کی، گُل دخی نازکلیغینه اولدو مـوقر، اگرچـه بلبلـونم عشـقینه یانـام، چلبـی.
نه عقل قویام و نه جان و تن یولونـا سـنین، سنین بویـان نـه ایسـه، آنـا بویانـام، چلبـی.

1129
هزار جانیم اولورسا سـنین اوچـون، چلبـی، فدا قیلام یالینیزجـا جـانین اوچـون، چلبـی.
ساچین‌گره‌لری‌چوخدور وسلسله‌سی اوزون، چیخیماز آنا تولاشان آنـین اوچـون، چلبـی.
جـــانیم لبینـــدیر و بولومـــازام بـــن، جانیمی بانا ایریرگیل جانین اوچون، چلبـی.

قانیما گیردی لبین گـؤزلرین تانیقـدیر آنـا،   قانینی بانا بویورغیل قـانین اوچـون، چلبـی.
جهانـدا بینـیم اولورسـا گـره‌ک‌دورور کلّـی،   زیرا کی، کلّی سنینم، سنین اوچـون، چلبـی.
تنیم اوچون کیشی واردیر کی، اته‌گی یانماز،   جانیمی یاندیریرام بن تونون اوچون، چلبـی.
قبـول قیلیبـان اغیـاری، بیـزی ردّ قیلـدین،   هله قبول بـود آدیّـن تنین اوچـون، چلبـی.

1130
قیلمادی عشقه کیمسه‌نـه دعـوا بنـیم کیبـی،   اولمـادی یولونـا کیشـی رسـوا بنـیم کیبـی.
هرگـــز دمـــاغ مطبخـــی ایچینـــده دونیـــادا،   زلفه بیشیرمه‌دی کیشـی سئودا بنـیم کیبـی.
بودونیاخوشلوغونا کی، بن شیمدی‌حاوی‌یم،   بیلمـه‌دی سـنی غایـت قّصـوا بنـیم کیبـی.
اسریمیشـم گؤزونـدن او لعلینـی اومـارام،   یوخدور خمار کی، اومـا حلـوا بنـیم کیبـی.
بن توپراغام و گؤزلریم ایرمـاق، اود ایچـیم،   ایشـبو هـوادا اولمایـا دریـا بنـیم کیبـی.
بن بیر تنم کی، جـانیمی ایسـتب بولومـازام،   مجموعـه ده اولـامی معمّـا بنـیم کیبـی؟
کیم کی، کتاب اوخودو و ائشیتدی قصه‌یـی،   اوخومـادی، ائشـیتمه‌دی غوغـا بنـیم کیبـی.

1131
یـار بیـزیم ایلـه گـؤر کـی نـه آل ائیلـه‌دی،   تا کی یاشیم قان اولـا، یانـاغین آل ائیلـه‌دی.
آغیزینی گـؤره‌لـی دیـرلیگیم اولـدو گمـان،   بئلینـی گؤسـته‌ره‌لـی بنـی خیـال ائیلـه‌دی.
جانیمی آلدی گؤزو، کؤنلوم آپـاردی تـوزو،   شهد و شکر تک سؤزو عقلیمی لال ائیله‌دی.
هجرینـه دویومـازام، وصـلینه ایریمـه‌زم،   شول صنمین کی یوزو بـدر هلـال ائیلـه‌دی.
حسنو کی حق لطفودور بیزه حـرام ائـدوبن،   گؤزلری عاشق قانین نیشـه حلـال ائیلـه‌دی.
یئـل داخـی آواره‌دیـر تولاشـالی زلفونـه،   یئریدیر اول آنا چون قیل ایله قـال ائیلـه‌دی.
گرچه کباب ائیله‌دی عشـقی اودونـا جـانی،   آغیـزی‌نـین یـارینی بیـزه زلـال ائیلـه‌دی.

1132
تنـگ شـکری لعـل لبـین تنگـه گتیـردی،   طوطی‌سینی بو کؤنلومـون آهنگـه گتیـردی.
کؤنولومو بن قویموشودوم کؤنلونـو یولونـا،   چاره‌نه‌دورور، شیشه‌ی چون سنگه گتیردین.
قوردی قاشی یایینی و گؤزله‌دی گـؤزو اوخ،   مگر کی بـو تورکـولـر اول جنگـه گتیـردی.
جانیمی ساچی قیلی یاخار اود کیبـی چـون،   قانونو بودور هر نه‌یی کـی جنگـه گتیـردی.
وئرگیـل الینـه، سـاقی، تولـو جـامیوی آنلـا،   شول لطفو کی اول باده‌ی گلرنگـه گتیـردی.

1133

گؤزون اوخو ایله جگریم قـان دلـه دگـدی،
دخی‌نه آتارسین، چون اوخون قندیله دگدی.

هجران ایله وصلین اود ایله سـویو ایچینـده،
غرق اولمـاق و یانمـاق بـو سـائیله دگـدی.

غمزه‌ن‌شول‌اوخوکی،جانیماقیلمیش‌ایدی‌راست،
توخونـدو یـوره‌گیمـه جانیمـا ایلـه دگـدی.

گؤزلری‌نین اوخونا کی، دل دگمه‌یه شـالاق،
جانلار وئریرم آنین اوچون کی، دله دگـدی.

عقل ایله دلی جان نئجه‌سـی آیـری اولالـار،
بیرینـه ده گـن اوخ قاموسـونا بئلـه دگـدی.

1134

اگر گـؤزون ایلـه بیـزه اشـارت اولـا ایـدی،
بیزیم بو جانیمیزا یـوز بشـارت اولـا ایـدی.

دین ایچره گلسه ایدی کؤنلومه خیالی آنـین،
آماسـیا کیبـی جانیمـدا غـارت اولـا ایـدی.

حمایل آندینی ایچدیم کـی، بئلینـی قوجـام،
سالارسا بوینوما قولـون کفـارت اولـا ایـدی.

خراب قیلدی گؤزون کؤنلومون آماسیاسـین،
خیالی قلـه‌یـه گلسـه، عمـارت اولـا ایـدی.

اگر چه اولمـادی اشـبلع اولسـا بیـر اشـمام،
وصـاله کؤنولومـه بیـر عمـارت اولـا ایـدی.

1135

گیسوسو کؤنلومو یئنـه اوش یایـا باشـلادی،
عقلیمـی جـادو گـؤزو یئنـه یایـا باشـلادی.

زلفونه سالدی کؤنلومو چون هجر چریسـی،
مسکین‌خطی چون گؤردو آنی یایا باشـلادی.

یارین خیـالی گؤزومـه گلمیشـدی ناگهـان،
افغانـا چنـگ و دف یئنـه غوغایـا باشـلادی.

بیر دم بو وقتیمیزی نئجـه ضـایع ائـده لـیم،
عمرون بیتیکچیسی چو نفس سایا باشـلادی.

عشق آیاغینی دخـی بؤیـوک دیلـه‌رم ایچـم،
چون اسـریده‌ن آیـاغی یئنـه یایـا باشـلادی.

کؤنلوم زمان ایدی کی، گیزلینده اسیر ایـدی،
نالـــا اگـــر مـــوکلین اؤده‌یـــه باشـــلادی.

1136

بیر لحظه اگر سـنین ایلـه خلـوت اولایـدی،
دیوانــه کؤنلومــه زهــی دولــت اولایــدی.

عشق اهلی اگر عقلینی دئوشـوره بیلـه‌یـدی،
اونلار دخی اؤز باشـینا بیـر ملـت اولایـدی.

گه خسته و گه خفته دگیلمیسه گؤزو، بـس،
عشق اهلی کؤنولونده قاچان علت اولایدی؟

گؤزلریمــه سـورمه قیلـام آیـاغی توزونـو،
گونش یوزونو گؤرمه‌گه گـر آلـت اولایـدی.

بوعشقی چوعیسی‌گؤیه گره‌ک ایـروره‌یـدیم،
بیلسم کی، اجلدن جانیمـا مهلـت اولایـدی.

1137

قولاغیمـــا گلشـــنده بیـــر آوازه ایریشـــدی،
بلبلدن و بیلدیم کی، جـانیم یـازا ایریشـدی.

نه صبر قودو[1] بنده و نـه جـان قـودو تنـده، محمـــوددان آوازه چـــو آیـــازا ایریشـــدی.
تا چشمینی‌باز ائیله‌دی جان طعمه‌سی اولدو، مقداری نه‌دیر ساعوه چو شـهبازا ایریشـدی.
کؤنـول گـؤره‌لـی لعلینـی اوینـادی جـانینی، جان‌سهل‌اولا شونون کیبی بیر رازا ایریشدی.
اطناب[2] ائده‌ر ایدی، قادی مدحینده کؤنولوم، گؤردو آغیزی نقطه‌سین، اعجـازا ایریشـدی.
هر چند کی، اعجـاز اولـا خوبلـار آغیزینـدا، بونون کیبی اولامی کـی، اعجـازا ایریشـدی.
یار گیسوسو اوجلـاری ایلـه اوینایـا عاشـق، باشـین نئچـون اوینامایـا سـربازا ایریشـدی.
هرچند کی، اسکیه بو عشق اودو سـانیردیق، کـی، شـیمدی هنـوز اول آغـازا ایریشـدی.
عشقیم قوشو یاوری ایدی یئتیردی قانـادین، شیمدی گره‌ک آولایا کی، پـروازا ایریشـدی.

1138
بن نئجه دئیه‌م کی، بانا شول یار نـه قیلـدی، کؤنلوم ائلینـه شـول بـت عیـار نـه قیلـدی.
قویمادی بانا عقل ایلـه جـان و دلـی هرگـز، چون یار بونا قیلدی، پس اغیار نـه قیلـدی؟
خفته گؤزو یازمادی جانی غمـزه سـی ایلـه، خفته بونو قیلـدی ایسـه بیـدار نـه قیلـدی؟
سن‌گؤردون ایسه‌قیلدیغینی تورکو گؤزونون، پـس بانـا گـره‌ک حیـدر کـرّار نـه قیلـدی؟
نه قیلدی ایسـه قیلـدی یـوزون نـور جهانـا، باللــه، بانــا دئ، گنبــد دوّار نــه قیلــدی؟

1139
آغــزین کیبــی جهانــا شــاها، راز گلمــه‌دی، زلفــون کیبــی هــوا ایلــه سـرباز گلمـه‌دی.
عود ار چه یاندی اودا، ولی پـرده سـوزدور، مجمـر بیگـی بـو پـرده‌ده دمسـاز گلمـه‌دی.
توتار دیلینی غنچه و خـارا گیـره‌ر چیچـک، بــو اورتــادا صــبا کیبــی غمــاز گلمــه‌دی.
قویمــادی عقــل و آپــاردی گــؤزو کؤنــول، عشقی چو یئتدی آنسیزین آز- آز گلمـه‌دی.
کؤنول قوشونو گؤزلری بیـر دمـده آلـدیلار، اول ککلیگه بونـون کیبـی شـهباز گلمـه‌دی.

1140
جانیمدا عشقی‌نین ایرمـاغی تاشـا باشـلادی، محبّتینـــی قیلیـــر نقـــش تاشـــا باشـــلادی.
قویمادی‌قورودا بیریئر کی، یاخمادی عشقی، قانین آخیتدی، بو گـؤزلری یاشـا باشـلادی.
نئچه سی منکسر اولمایا زلفونـون چریسـی، کی، بیر یئل ایله بوشالدی، تراشـا باشـلادی.
کؤنول باشا آپاریسـار بـو عشـقی زیـرا گـر، چو اوّل اوردو اول آیاق، بو باشـا باشـلادی.

---

[1]– قویدو.

[2]– اطناب، جمع طنب = ایپ، طناب.

الیمی زلفونه سوندوم اگرچه بین قیلدی، چو عشقی‌نین دنیزی آشا باشلادی.

1141
نقاش بنلری کیبی هئچ شامه یازمادی، خطّاط حسن خطّی کیبی شامه یازمادی.
پروانه دیله دیلبی جانب بیریبیدیم، شربت براتینی خطی پیغانا یازمادی.
خالینی دانه ائیله‌دی، گیسولارینی دام، جان ایله عقلی چکدی، هله داما یازمادی.
بیر باخماغا یوزونه آپاردی وجودومو، بیر نظریی دخی بانا انعاما یازمادی.
بیر نامه یازمادی خطی کیبی دخی جهان، یاندیغیم‌اول کی، اول خطی بیر نامه یازمادی.
بیر نقطه یازدی خطی کؤنول صفحه‌سینده، لوح اوستونه قلم آنی ایاما یازمادی.

1142
نئچه‌اوخ اوردوگؤزون‌کی، یوره‌گیم قانمادی، بونجا اپاق کی، لبین وئردی جانا قانمادی.
سانمادین‌ساچینی هر قیلینا بین جان وئردیم، جان آنا یئتمه‌یه‌جه‌گینی کؤنول سانمادی.
گؤزلری جادولاییب قیلدی بو عقلیمی اسیر، زلفو سلاسیلینه باغلادی اینمادی.
جان ایله ساخلامیشیز عقل ایله کؤنولو زمان، یارا قول اولدو بیری بیزه تانمادی.
شهر شیرینلیگینه گرچه کی، دیریلدی مگس، حسنو شمعینه بیری بنجیله‌یین یانمادی.

1143
شئی الـاهوموز وار نولا وارینـدان، افنـدی، بیل عاشقی‌نین زار و نزاریندان، افندی.
جان بئلینه وار اولا دئیو بیریبیمه‌دیم، غفلتده ایمیش جان دخی باریمدان، افندی.
یارین دیله‌دیم جانا دوا، دئدی کی، یارین، یارین نه بیلم، نه گله یاریندان، افندی.
بن گل یوزونون وصفینه گلشنده چو دئدیم، گل درله‌دی شبنم کیمی عاریندان، افندی.
وصلین،صنما، هشت بهشتین یوگو اولموش، هجرین دخی یاووز تامو ناریندان، افندی.
بن‌شؤیله گولون‌عاشقی‌اولدوم‌کی، گؤریجک، تویمایا وجودوم دخی خاریندان، افندی.
زلفون نئچه تاتاری وار ایسه کؤنول آلیر، مسکین کؤنولوم نیده تاتاریندان، افندی؟
گؤزلرین ایچیردی لبی‌نین سوجیلریندن، کیم قورتولا دنیادا خماریندان، افندی.
قاشینی گؤزون لبین‌ایله سالدی‌شیشه خوش، بن نه آپارام ایشبو قماریندان افندی.

1144
سن‌ککلیک ایسن، بن دخی شهبازان، افندی، زلفون قیلی نین اوستونده جانبازام، افندی.
میگون لبین ایله، صنما، اسروجه گم بن، آنینلا خماریمی گره‌ک یازام، افندی.

مسکین کؤنولوم نئیله‌یه مشگین گیسوسوندا،
الیمی اگر توتماز ایسن، آزام، افندی.
سندن دیله‌رم کی، دیله‌دیگیم بنیم اولا،
سن سانما کی، اول یازیغی بن یازام، افندی.
زلفون‌چریسی‌نین چوخونو قیلما، شها، فخز،
نولا توتالیم آندا کی، بن آزام، افندی.

1145
موج اوردو کؤنولوم کی، یئنه تاشا، افندی،
سیغمایا یازیلارا تاغا – تاشا، افندی.
چون آدم کامل اله گیردی، نه باخارسین،
سجده بو نگارا اولا نقّاشا، افندی.
گؤزومو سؤزوم یوزومو اؤزوم قامو سنسین،
یوخدور دخی بنده ایکیلیک، حاشا؛ افندی.
چون عاشقینم، آل بنی وصلین گمیسینه،
کی ایردی یاشیم باشا دیلر آشا، افندی.
بن‌گؤزایله‌قاش‌ایشی‌اوچون مستم و مجروح،
سانما بنی قالدیم گؤز ایله قاشا، افندی.

1146
بن بیر اوتام کی، هیچ بنی عطّار بیلمه‌دی،
شول سوجی‌یم کی، ذوقومو خمّار بیلمه‌دی.
صبحه دگین خیالین ایله بو اوزون گئجه،
بیر صحبت ائیله‌دیم، کی آنی دیّار بیلمه‌دی.
اقرار قیلمیشیز تاپونا جان ایله دلی،
دعویم ایچینده هیچ کیشی انکار بیلمه‌دی.
لطفون دیلر عمارت ائده کؤنولوم ائوینی،
آنجا خراب وار، کی آنی معمار بیلمه‌دی.
بیمار شؤیله یم گؤزون ایله کی، دردینه،
لعلیندن اؤزگه هیچ تیمار بیلمه‌دی.
بازاریلر نئجه بیله عشقیمله حسنونو،
صرّاف آنی تانیمادی، مسمار بیلمه‌دی.
بن شول مبرقعه هله شؤیله محیّرم،
کی اول نهفته سرّیمی ادوار بیلمه‌دی.

1146
تنیم جان اولدو چون جانا ایریشدی،
یئنه بو قطره عمانا ایریشدی،
دیلیم صراف اولور ایسه روادور،
چو کؤنلوم بیر یئنی کانا ایریشدی.
اؤزونو مور گؤردو عشق ایچینده،
آنینچون بیر سلیمانا ایریشدی.
زمانلار آغلادا بلبل کی، بیر گون،
ز ناگه ویردی خندانا ایریشدی.
ایچیمیزده ساناسین عشقه دؤندو،
نه کی، لبدن بو دندانا ایریشدی.
بو دوره صد هزاران آفریندیر،
بیزیمله چونکی پیمانا ایریشدی.
بو حسرتدن چمنده لاله‌یی گؤر،
کی، آغزیندا الی قانا ایریشدی.
کرنوله دخی یوخدور غصه‌دن غم،
مبشر چونکی زندانا ایریشدی.

1147
دردینــــه دوا آه ایلـــه قیلـــالیم، افنـــدی، اقــدام ایشــه اللــه ایلــه قیلــالیم، افنــدی.
کوه ایسه کؤنول کـاه گـؤرور بئلـی قاتینـدا، بیــز ایشــیمیزی کــاه ایلــه قیلــالیم، افنــدی.
تاجر چئویگی شـاه ایلـه قیلیـر سـاتو بـازار، جان بگینـی بیـز شـاه ایلـه قیلـالیم، افنـدی.
افواهــدا دئرلــر کــی، لبینــی ســورارام بــن، بیــز بــو ایشــی افــواه ایلــه قیلــالیم، افنــدی.
دیل لعلینه جان بئلینـه بنـزەر صـنمین پـس، بیــز بگیمیــز اشــباح ایلــه قیلــالیم ، افنــدی.
بیزچون‌گؤریمه‌زیزگونشی‌آیدابیر،ای دوست، بنیـــادیمیزی مـــاه ایلـــه قیلـــالیم، افنـــدی.
سن یوسف مصری و بانـادور زنخـون چـاه، یوسفلیگی پـس چـاه ایلـه قیلـالیم، افنـدی.

1148
زلفونه‌دوشن‌چیخماغی مشکل‌دورور، افندی، شول‌قوش‌کی، دوشه دامینه بسملدیر، افندی.
بن دل آنما دئرم کی، دؤزه غمـزەن اوخونـا، هــر آنــدان اؤزون ســاخینا بیدلــدیر، افنــدی.
جهد ائدیبن آیاغینـا تـوپراق اولـا گؤرگیـل، خالیندن ایراق یئـری کـی، فلفلـدیر افنـدی.
گؤر تشنه ایسن، لبلـری جلـابینی سـورغیل، خالیندن ایراق یئری کـی، فلفلـدیر، افنـدی.
گرظالم خونخوار ایسه‌هندو گؤزو صبر ائت، قاشـــلاری تـــرازو ایلـــه عادلـــدیر، افنـــدی.
گر بیزده نوا یـوخ ایسـه، بـو رقبـده[1]، نولـا، عشّاق بایی- یوخسـولو جهمیلـدیر، افنـدی.
بن گؤرمه‌یه‌ییم کی، گؤزوم اؤزگه‌لری گؤره، سؤیلر ایسه آیریغی دیلـیم دیلـدیر، افنـدی.

1149
جورونو بیزه جادو گؤزون یاولاق اوزاتـدی، غمــزەلرینــی بــاغریمیزا قــاتی اوز آتــدی.
توتدو نه اوخو کی آتدیسا جانیمـا گـؤزون، عشقین سـازینا بیـزی آنـین ایلـه دوزتـدی.
گؤزتدی یوره‌گیمه گؤزون نئچه کیم آتـدی، بین آتدی ایسه، یازمـادی آنـی ز گؤزتـدی.
یـوز ائتـدی یـوزو جـانیمیزا زلفـو آغینـی، کیمه گؤز آتار ایسـه هلـه بیـزه یـوز آتـدی.
سوز ائتدی بیزه عشق اودونـو جـان باشـینا، وصلی‌سویون‌اول‌سوزوموزاقاتدی‌سوز ائتدی.

1150
سون ایاغی، ای ساقی، اوزاتما بیـزه وعـدی، عشــقه نــه بهانــه چــو توغــا[2] طــالع ســعدی.
زلفـون آنیجـاق دونیـادا عطّـاری نئـدەرلـر، وصفینی‌قاچان‌کی، بن‌آیدام، مات‌اولا سعدی.

1- رقب =

2- توغماق = دوغماق.

عشـقینی توتـا گلـدیگیمین اوّلـی یوخـدور، هـم یئنـه آنـین آخـری‌نـین اولمایـا بعـدی.
ایراغی یاخین وصل ایله هجران بیزه بیردیـر، اخلاص اولوجاق بیر اولور قرب ایله بُعـدی.
مرسل قیلینا دوشـدو و قورتولامـادی جـان، زلفونـده هـزاران وای اگـر تولاشـا سـعدی.
بـو وصـل بهـار و یـوزو گـول، بلبلـی بـنم، بولوت گؤزومو برق دیشـی آه اولـا رعـدی.
بـن زلفـو ایچینـده تولاشـالی یمنـی سـم، بانـا نـه اگـر زیـد یـا عَمـر اولـا معـادی.

1151
بـو گـون کؤنلـوم یئنـه دیوانـه گلـدی، ولـی عاقـل دگیـل، دیوانـه گلـدی.
گـؤزوم مردملیـک ائـدیب دؤکـدو یاشـین، نگـارین یولونـا مردانـه گلـدی.
قـانی گیسوسـو چوگـانی نگـارین، کؤنولـوم گـوی اولـوب میدانـه گلـدی.
بیشـیردیم جـان وئریـب وصـلین یئمیشـین، آییرمـا جـان لـب و دندانـه گلـدی.
سـانا یوسـف کیبـی بیچـاره کؤنـول، اؤز آیـاغی ایلـه زندانـه گلـدی.
نـه دام عشـق ارینـه کـیم دوزه‌رلـر، بیـزیم یولومـوزا اول دانـه گلـدی.
بیـز اونـو عشـق ارینـه سـایمازوز کـی، بـو یولـا جـان ایلـه یـا جانـا گلـدی.
نـه قطـره کـی، اولـور عشـقینیزه غـرق، گـؤره‌سـین سـون اوجـو دردانـه گلـدی.
سـاچینی گؤرسـه مسـلم اولـا کـافر، یـوزون مشـرک گـؤروب ایمانـه گلـدی.
سـانا، ای جـان، نئجـه بیـر گلـه جـانیم، جانـا گلمکلیگـی ایلـه جانـا گلـدی.
یوزونـه دؤیمـه دی، سـیغیندی زلفـه، گونشـدن قاچیبـان سـیوانا گلـدی.

1152
هرچند کـی وصـلین، صـنما، آزا ایریشـدی، چوخ‌وارکی، سنین‌وصلینه اول آزا ایریشدی.
سـرباز دورور زلفونـو جانبـاز هـوادیر، جانبازی گؤزون نئجه‌سی سربازا ایریشـدی.
کؤنول قوشونو جادو گؤزون آولادی، شـاها، نـه بختلـو بـو ککلیگـی شـهبازا ایریشـدی.
لعلینـه ایـره‌لـی کؤنولومـو بولیمـازام، گیزله‌دی مگر اؤزونـو چـون رازا ایریشـدی.
بو پرده‌ده صوفی نئچـه‌سـی اولـا بـیلم بـن، چون چنگ ایله دفدن یئنـه آوازا ایریشـدی.

1153
هـیچ کیشـیدن عشـقه انکـار اولمـادی، کـیم کـی، بـازار ایسـه، بیـزار اولمـادی.
ای صـبا، دپـره‌تمـه‌گیـل زلفـو قیلـین، دخـی جـان اویناماغـا جـار اولمـادی.
ائیلـه کـی، بـو دار دونیـادا بـنم، دور ایچینـده دخـر دیّـار اولمـادی.

عدل ایله ویران دخی آباد اولور،   ظلم ایله دونیادا بیر شار اولمادی.
لعل نوش کیرپیگی بیر نیشدیر،   گول دخی عالمده بی‌خار اولمادی.
ائیله اسریتدی گؤزون جانیمی کی،   حاجت دکّان عطّار اولمادی.
یاخدی گؤزون، ییخدی کؤنلومو،   لبلریندن بانا بیر یار اولمادی.
ای گؤزو دردی سپیشکن دونیادا،   گؤزونو کیم گؤردو بیمار اولمادی؟
حسن اکیاله، عشق بیتیریر کؤنول،   لیکن ایشبو شهره معمار اولمادی.
چوخ فرنگه آخدی هندو چریسی،   زلفو کیبی جیش جرّار اولمادی.
کرّ و فرّ و اوینادور بو دونیادا،   عشقی کرّار اولدو، فرّار اولمادی.

1154
جانیم محیّر اولدو چو شهنازا باشلادی،   ساقی ایاغا، چالیجی آوازا باشلادی.
من آزیجیق ایله تاغارام آیاغی توزون،   چوخلار ایزیندن اول شاهیمین آزا باشلادی.
ایردیم تاپوسونا یاکونوب سوندوم ایاغی،   آلمادین الینه ایاغی آزا باشلادی.
کیرپیگی یازماز ایدی کؤنول بوته‌سینی هیچ،   قیش اولالی قاشی کؤنولو یازا باشلادی.
زربازدیر یاناغیم و سربازدیر باشیم،   زربازا باخمادی گؤزو، سربازا باشلادی.

1155
قیشین خمارینی یئنه یاز یازا باشلادی،   سبزه خط ایله حالیمیزی یازا باشلادی.
تاشدی‌یوره‌ک‌کؤنیلدی‌گؤزوم یاشی ایرماغی،   چونکی اریدی غصه قاری یازا باشلادی.
یازماز ایکن کؤنولو وفا کیرپیگی اوخو،   ایردی وثاقی شکرانه کی، یازا باشلادی.
بن شانه سینده قیل کیبی آسیلمیشام آنین،   آندان بری کی، گیسولارین یازا باشلادی.
بانا تولاشدی زلفو دخی کیمی قویوسار،   قانجارو وفا فیل چو او یازا باشلادی.

1156
جانیمدا عشقی‌نین ایرماغی تاشا باشلادی،   محبّتینی قیلیر نقش تاشا باشلادی.
قویمادی بیر یئر کی، یاخمادین عشقین،   قانین آخیتدی بو گؤزلری یاشا باشلادی.
نئجه سی منکسر اولمایا گیسوسو چریسی،   کی بیر یئل ایله بوشالدی، تاراشا باشلادی.
کؤنول باشا آپاریسار بو عشقی، زیرا کی،   چو اوّل اوردو ال- آیاق بو باشا، باشلادی.
الیمی زلفونه سوندوم، اگرچه بیر قیلدیر،   چو عشقی‌نین دنیزی موجی آشا باشلادی.

1157

مطرب الینه آلیبان چنگی چو ساز ائیله‌دی، نئجه کی، بینوا ایسه عزم حجاز ائیله‌دی.
یولوناگیردی‌کؤنولوم‌گؤردو ساچیلا آغیزین، یعنی کی، جانا بو یولو تنگ و دراز ائیله‌دی.
گؤردوقاشیندا دل‌گؤزون‌آلدی‌وضویی‌قان‌ایله، تا اول اماما اویوبان عشقی نماز ائیله‌دی.
جان دیله‌دی کی، ناز ائده کؤنولومه نیاز ایله، قیلمادی قیلدی اول نیاز نازینا ناز ائیله‌دی.
خفته‌ایدی‌جادو گؤزو خسته ایدیم آنین ایله، یعنی شکایت ائیله‌دیم چشمین باز ائیله‌دی.
عشقی‌اودوعجب‌نوچون‌وصلینی‌طرحی‌قیلمادی، چونکی بو کیمیا اوچون جانی گداز ائیله‌دی.
سازینی‌سؤز ائیله‌دی جانیما عشقی بیر زمان، چونکی‌یئتوردی غایته، سؤزونو ساز ائیله‌دی.

1158

کؤنول لعلین ایله بویاندی، گؤزون ایله اویور ایدی اویاندی.
اسیر ائتدین کؤنولو دپره‌لمه‌مه، کی لطفون عشوه‌لرینی ایناندی.
خلایق آندی‌دیر مصحف حقیچون، سنین عشقینه‌دیر کؤنولوم آندی.
اوسانماق سندن آسان اولمایا کی، تاپوندان اوسانان جاندان اوساندی.
دگیلمی عاشقین ایمانی معشوق؟ اوسانیرسا ایمانی یوخ ساندی.
اسیرم یوز گؤز ایله ائشیگینده، نه لازم بوینوما تاخار کمندی؟
اَمَرسه طفلِ جان نولا لبینده؟ زمانلاردیر کی، عشق ایله اَمَندی.

1159

دلبر یئنه یوز ناز ایله بیر ناز ایله اله آلدی، کؤنول آوینا وارماغا شهباز اله آلدی.
ساقی، تولو وئر ایاغی چونکی الین ایره‌ر، مطرب یئنه بیر پرده‌ی دمساز اله آلدی.
شاها، بو وجودون عجبا، نئجه حریردیر، نه تاجرانی گؤردو، نه بزّاز اله آلدی!
ایومز کؤنولوم نئجه گره‌ک ایسه جفا قیل، دین نورو جهانی هله آز – آز اله آلدی.
قدّین ایله دیل سؤزو دراز ائده دیلردی، دیش قیسدی آغیزین هله ایجاز اله آلدی.
بن گیزلر ایدیم عشقیمی اغیار گؤزوندن، ناگه سرّیمی غمزه‌ی غمّاز اله آلدی.

1160

دل‌یاخاسیندان‌توغان‌آی نه عجایب آی ایدی، بوینوماگیسوسی‌زنجیری‌عجب‌سئودای ایدی.
هر زمان قاشی یاییندان بیر اشارت جانیما، هرنفس گئییک‌گؤزوندن کؤنوله ایمای ایدی.
گئده لی کؤنلوم، خیالین ساکن اولدو یئرینه، پس‌یئریندن‌گئتدیگی‌کؤنولومون‌برجای ایدی.

زلفون ایله سرو قدّین گرچه همسرلردورور، اول بونا سربر زمین و بو اونا بر پـای ایـدی.
درّ و لعلینچون اگر نظمیم گهر دؤکدو، نولـا، چون‌آلاردان‌قان‌ایله بو یوره‌گیم دریای ایـدی.
قاشلاری ایله یاناقلارینی بـن گؤرمـه‌یـه‌لـی، دون‌حسابین‌روشـن‌ائتدیم،ظاهرا،دؤردآی‌ایدی.
جان دوتوبان اته‌گین یاخایا گئتمه‌دیگی اول، کی دوتوبان یاخاسینا اودونـا یاخـای ایـدی.
بن‌گونشدن‌روشن‌ائتدیم‌آنی‌گؤردوم‌بیلمه دیم، بدرسیمامی‌ایدی‌اول‌بُت،یوخسااول‌سیم‌آی‌ایدی.

1161
دوشدو کؤنول اینجه بئلینـه، یـا قیلـا بـاری، فی الجمله نه سئودا قیلـا یـا نـه قیلـا بـاری.
بادِ سـحری نقـی قیلیـر مشـگ قوخوسـون، اورمـا آنـی ورهـم نـه قویونـا قیلـا بـاری.
عود اولور ایسه اودونا جانیم، زهـی دمـدیر، هـیچ اولماسـا یـار مجمرینـه یاقیلـا[1] بـاری.
ساقی، اته‌گین چرمه‌گی‌نین ایله ایـاق تـوت، ساعد اله گر گیرمز ایسـه سـاق ایلـه بـاری.
دونیا ایله‌بیلمز کی، نه‌سین بیر دم اوروسین، چونکی دم اوروسین شهِ مشتاق ایلـه بـاری.
پروانـه کیبـی یانماغیـدیر جـار و جبّـه‌سـی، هـر نـه کـی قیلـا دل، یانـا قیلـا بـاری.
اول خـونِ جگـردن قانیسـار اوّل و آخـر، قانماق اوچون اول جهدینی قانا قیلـا بـاری.

1162
جان ایریشیجک گیسوسـونون قیلینـا بـاری، تولاشـماییبان نئیلـه‌یـه نـه قیلینـا بـاری.
سن قارا آغینی گره گـؤر کـی، بـو جهانـدا، هر قوش کی، آنین جانی اولـا ائلینـه بـاری.
بیر هفته یوزون آیی گونونـدن اولـان آیـری، روشن بودورور کی ایریشـیمز ییلینـا بـاری.
فرقـانینی واللیـل سـاچی‌نـین گـؤره‌لـی‌دن، میـل ائتمـه‌دی کـافر دخـی انجیلینـه بـاری.
ساچینی قاچان کیم چؤزه‌سین قیلجا بئلینـی، گؤر کی، نئجه‌سـی قیلینـا هـر قیلینـا بـاری.

1163
بـو گئجـه قیلـدی طـالع بیـزه یـاری، کـی طـالع اولـدو عشـق ارینـه یـاری.
خضـر تـک عیشـیمیز سـبز اولـا اگـر، جانـا عـین الحیـات اولورسـا یـاری.
لبـی گـر یـاری وئرمزسـه جانیمـا، مگـر کـی حقـدن اولـا بیـزه یـاری.
گـره‌ک کـی اختیـاری آنـا وئـره‌م، اگرسـئودیم ایسـه اول اختیـاری.
اویانـا دولتـیم اول گئجـه کـی اول، دؤشـه‌گـیم اوسـتونه گلـه اویـاری.

1- یاخیلا.

بن اول بارییه کی بار اولموشام قول،   کی بئلیندن سالار بوینوما باری.
آنین یولونا گل تک آچیلارام،   باتارسا آیاغیما هجری خاری.

1164
قیش گئجه‌لری یاندیراییم آنجا بخاری،   باشد ایروره گلشنه یاندیرا بو خاری.
آرتیردی مگر یوره‌گیمه عشقی اودو کی،   گؤزومو بولود ائیله‌دی باشداغی بخاری.
قاپدی کرنولو گؤزلری، قورتولمادی آندان،   سونقورنیته‌کی،صیدائده گؤگده کی اوخاری.
عشقی‌یاخار وهجری‌ییخار، غمزه‌سی یوخار،   صحّت جانیما یاخار و ییخار و یوخاری.

1165
جامی تولو لعل ائدیبن بالله، ساقی آل بری،   ای ایاغی آلتون و ای سیم، ساقی، آل بری.
یاشی‌اوزون گؤزومون‌کی،وئردی‌باده‌عمرومو،   باده دن بولور مدد، هم عمرِ باقی، آل بری.
عشق ایاغین ایچمک و قیلماقلیق فنا،   بیریاساق‌دورورقدیمی،دوت‌یاساقی، آل بری.
طاقِ‌حسنونده‌کی،گؤزقاموشوسون،اول‌فتنه‌گؤزو،   اول‌امامیم‌دیرو محراب اولدو، طاقی آل بری.
یاخینا – یاخینا ایردیم قیلماغیل بنی ایراق،   اول کؤنولده یاخین و گؤزده ایراقی آل بری.

1166
یئنه‌بیربازآولامیشدیر گؤزون، ای کبک دری،   باش‌قوشون‌سربازا نئجه اولیساردیر سرسری.
گؤزلرینی گؤره‌لی بیلدیم آنی کی، گؤز اری،   ایکی گره‌ک بیری اویورسا، اویاق اولا بیری.
لبلریم‌خشک‌وگؤزوم‌تردیر گؤره لی حسنونو،   خیلی‌مدّتدیرکی،قویدوم‌یولونا خشک و تری.
نئجه‌سی‌ساغمال‌قویوندان دؤنده‌ره یوز دنیادا،   پهلوان‌قوچ کی، چلب فضلیندن اولا پروری.
بئلی‌نین باری گراندیر لبلری نین باری یوخ،   نرده وار سروین، نگارا، بؤیله بیر بار و بری.

1167
نه تورکی‌دیر بو آهوی تاتاری، –   کی، قیلدی شهری مسکین زلف تاری.
آنا جانلار نه دیر حقّ القدومی،   آنا عقل ایله دللر یا نثاری.
گؤره‌لی گول یوزونو گول حیادان،   عَرَق قیلدی گؤرون بو شرمساری.
بنیم کاریم چو زار اولدو همیشه،   نیشه قیلیر گؤزون بو کارزاری؟
لبینله مست و مخمورام گؤزونله،   یئنه میگون لبین یازار خمّاری.
شکارینام، شها، سنی قووارام،   اگرچه اؤزگه‌لر قووار شکاری.
لبِ عیسی اؤلویو زنده قیلدی،   ساچی موسی کی، مُسک ائیله‌دی ماری.

صبا یئلینه بنزەر عهدی یارین، کی بولونمز آنین بیر دم قراری.
صبا دون گئجه واردی ائشیگینه، دئدی کی، سورونوز بو خاکساری.

1168
یوزو گل، گیسوسی عودی قیماری، یئتر اوینا بیزیم ایله قماری.
لبین تولو وئرور اسروگه ایاغ، گؤزون اوخا توتار مسکین خماری.
نئچه تاتاری زلفونده کی، گؤردوم، گرفتار ائیله‌میش یوز بین تاتاری.
بیر اود اوردو، شاها، عشقین کؤنولومده، کی، چیخدی گؤیلره آنین بخاری.
سئوەرم وصلینی، هجرانینی هم، کی، گول سئوەن گرەک کی، سئوه خاری.

1169
ترک ائیله‌میشیز سنین اوچون در و دیواری، تا خوش گؤروروز حینون ایله باغ و بهاری.
بلبل لبی‌نین غنچه‌سینی گؤرەلی دلتنگ، خرّم یوزونون گلشنی حسنیله صحاری.
اول گوهری تا چیخارا تاشدان بو کؤنولوم، گرەک کی، اودا اورا قامو حسنو حصاری.
جاری قیلیر ایسه قانی گؤزویله روادیر، تا قیلا کؤنول حکمونو سئودیگینه جاری.
کعسی[1] الیمه تولو وئر و عاری گؤزتمه، چون عشق یولوندا بیر اولور کعسی و عاری.
معشوقه قوان نئجه قاچار تیر و تبردن، گل دیرەنه نه گؤرونوسر زحمت خاری.
لعلی شکریندن کؤنولوم چون مزه ایلتور، سهل اولا یورەکدن گؤزو گر یازا خماری.
گؤزومه قراری گله‌لی زلفو خیالی، تنده قومادی جانی و کؤنولده قراری.
گؤزون‌کیبی‌چین‌لاچینی‌بن گؤرمه‌میشم هیچ، کیم اؤز آیاغی ایله گلیر آنا شکاری.
هر کیم کی، کناریندا گؤره موی میانین، نئجه‌سی میانیندان آنین قیلا کناری.
یوزومده چو اورولدو آنین سکّه‌سی زرده، آیریخسی دخی اولماییسار مهر و عیاری.

1170
ایرورسه‌گرەک عشق اری عشقین سنه باری، بو دعویه ایناناماز ایسن گل سینه باری.
گونش یوزونو عالمه گر گؤسته‌ریر ایسه، سن‌کؤکسونوآچ، دئ گونشه گؤر سینه باری!
بنفشه نئچون زلفون اوچون اولا پریشان؟ ز یوزو قارا حالینه باخ نسینه باری.
لعلیندن اگر فایده ایرمزسه جانیما، بن راضیام آندان هله بیر یاسینا باری.

[1]– کاسا، قدح، پیاله.

تاغداقویو، وئر کئییگی، دیک سروی چمنده، بالله، نظر ائت بو بـوی ایلـه بوسـینه بـاری.
جان و تن و عقل و دل ایله باشـیمی جملـه، بیر خمسدورور کی، قوموشام خمسینه باری.
بن جهر ایله آیدیرام ائشیدین، تـانیق اولـون، یار دردینی ایرورور ایسـم هـم سـینه بـاری.

1171
توتالیم کی، توتامازوز، شها، زلفون اوجـانی، ایچه‌مه‌زیز دخی می لعـل لبـین ممزوجـانی.
قیلالیم هر گئجه بایرام قاشی‌نـین آیـی ایلـه، چوگونش‌یوزون‌ایله‌توتموشـوزاوش‌اوروجانی.
حسنوقوروسونا بن کؤنلومو سالمیشام اوش، اؤزگه‌لرسورماغاقورخارکی،قانی قوروجانی؟
بن اورارام اؤزومو ایرمـه‌گـه یـار صـحبتینه، دنیادا کـیم بیغـا بیلیـر ایریجـی اوروجـانی؟
یارگؤزوتورکی‌قاشی‌یاردورو وغمزه‌لری‌اوخ، وار آنا گؤره قیاس ائیلـه و گـؤر قیلینجینـی.

1172
شـــونا یئتـــدی نگارینـــا نظـــاری، کـــی گـــؤره‌ســـین یئریمیـــزه مـــزاری.
آغیـــزین نقطـــه‌ســـین تویمـــادی حسّـــان[1]، بیلـــین نـــارکلوغون بیلکـــز نـــزاری.
آنـــا کؤنلـــک[2] گـــره‌کـــدیر یاســـمندن، کـــی گئیینمیشـــدیر آخ گلـــدن عـــذاری.
ساچی نـین هـر قیلـی دیـر عشـقیمه یـول، هـــوا یولـــا گتیریـــر هـــر آزاری.
گـؤزو گوشـه‌سـینه جـان اولـدو مهمـان، کـــی مردملیگیـــدیر اوخ پـــا ووزاری.
شـــها، کیرپیکلرینـــدن آنلـــادیم بـــن، کـــی خونیـــده اولـــور ایمـــیش عـــذاری.
یانـــاغی‌نـــین لبـــی لعلـــین قاتینـــدا، ســـویو یـــوخ مگـــر اوتـــانی قیـــزاری.

1173
گـؤزلریمین یاشـلاری نئجـه اولـا جـاری، نئجـه سـینونله تولـو اولـا بـو مجـاری.
چـــرخ فلـــک دور قیلـــدی دایـــره مـــدار، گؤرومـه‌دی گـونش جمـال کیبـی مـداری.
گـؤزلری مخمـور ایـدی و لعـل لبـی تـک، ســوواریمادی کیمرســه‌نــه[3] بــو خمــاری.
زر قیلیـــرام یوزومـــو و قالمـــادی زوروم، زیـــر و بـــم ایلـــه قیلیـــرام اوشـــدایا زاری.
وصـــل مبرقـــع دورور نـــوا بـــو جانیمـــا، گـــر قیلـــا عشـــاق فـــتح ایشـــبو حصـــاری.

1– گؤزه ل اوزلولر، حَسَن لر.

2– کؤینک، پیرهن.

3– هئچ کیمسه.

1174

بیزیمله محکم ائده‌رسه قراری، تاغیت لطف ائیله زلف بیقراری.

یوره‌ک تولو سوجی باغیر کبابین، آپاردیم گؤزونه یازماز خماری.

یوزون دورو کیبی دور قمرده، گونش گؤرمه‌دی گؤره‌لی مداری.

ساچالی عنبری کافورا زلفون، قاتی مسکین ائده‌ر مشک تاتاری.

شها، عیسی‌دورور شول لعل لبلر، یاناغ و گؤز و حاجب‌دیر حواری.

شها، شاهین گؤزون کؤنلومو آلیر، نئجه کی، بحرلر آلیر بخاری.

میانی یولو اینجه‌دیر یورونماز، ولیکن بانا خوش گلیر کناری.

1175

دل اؤزونو قانی ایله قیلدی نمازی، قیلدی او داز ایله یوزونه نمازی.

قیلدی بو سئودایی کی ساچینا تولاشا، تا مگر اولا کی بولا عمر درازی.

عشق نواسی ایله نهفته کؤنولوم، مایه اولا اولماز، اولور ایسه حجازی.

اولیمایا اؤلدوریمه‌یین سانا نفسین، کیم کی شهیدین اولور ایسه اولا فازی.

بونو حقیقت بلین کی یوزونو گؤره‌ن، قیلیمایا عسشقی دعاسینی مجازی.

1176

نگار بیزیم ایله نئجه بیر قیلیر نازی، نئجه اسیر ائده ککلیک جهاندا شاهبازی.

گؤزون خطا ایسه گؤزومه اودو عین صواب، بیک گریشمه توان کی، کاری ما سازی.

تمام اولور بنیبم ایشیم چو بیر نظر قیلاسین، ولی بیچاره بیچارگان نپردازی.

چو جان و عقل ایله جمله‌سی اسریندیر، بیلیمه‌زم کی، کیمینچون قیلیر تاپون نازی.

نه سیرر وار ایسه کؤنولده قیلاغینا دئمیشم، قانی مجال آغیزیندا کی، چیخارا رازی.

ساچین قیلیندا دیلی گؤر کی، تنده چنبردیر، دخی گؤزونه گؤتورمه جهاندا جانبازی.

لبین گؤره‌لی یاخین اولدو بانا تورکه مثل، کی، هر نسنه ده نازک دورور اؤزو و آزی.

1177

زنوروزی‌دورور،شاها، وصالین بیزه نوروزی، قانی‌سیز، ای‌نگاریندار،گؤرون‌تورکِ‌نوآموزی.

کمانینی خطا قیرما یئنه کیرپیگینی چین دوز، بوکؤنلومو‌زه مجموع ائت نگارا تیر دلدوزی.

مگر زلفونو تاغیتدین قارانلوق دورور دونیا، گئده‌ر زلفونوو گؤستر بیزه ماه شب افروزی.

کؤنولومه‌دئدیم‌بن‌کی، کرشمه‌سینه گیریشمه، یورو، باد هوا سانما بو نار عشق دلسوزی.

گئجه‌لر تانا چیخاردیم، شها، زلفون فراغییلا،   اولونجا یوزونو گؤستر، نگارینا بانا روزی.

1178

دوشوبن گیسولارینا سااللی قیل قیلا بیزی،   نه‌لازم‌اینجه‌بئلین کیم دوتوبان قیل قیلا بیزی.

نه هر تاتاری زلفونون کی، یئتر بانا بیر تاری،   جمالی دئوریلی، یور چؤکردیر سلسله بیزی.

گؤزوم‌دیلرایسه‌بیردیل‌دیله آل نیشه دیلرسین،   دوتالیم‌کی،گؤزون‌دیلر،نه‌اوچون‌دیل‌دیله‌بیزی؟

زنخ‌زندانیناسالدین،نه‌سحر ائده‌ر یئنه زلفون؟   پریشان‌قیلماسین هی‌دی‌کی،چاه‌بابل‌بئله‌بیزی.

نگارا، گرم سوزیله بنی سئودایا نرم ائتدین،   کی،بیرنقطه‌یی‌گؤسته‌ریب‌دوشوردون‌فلفله‌بیزی.

1179

دلبرا، انصافا قیل‌گیل نئچه نئچه دلبری،   بن یوزونو گؤره‌لی خود دلبری‌یم دلبری.

بن آیاغینا فدا باش قویموشام خیلی دورور،   سن بو حالیمی بنیم بس آنلاماغیل سرسری.

بویونا طوبی نه نسبت بیر قورو آغاج دورور،   کیم مطربه بئله دیله سروی، یاخود عرعری.

بن سن آیی گؤره‌لی ایردوم کماله آنجا کی،   حسنون‌وصف‌ائتمک‌اوچون‌اولدوذهنیم‌انوری.

شیعه اهلیندن دگیلم لیک واردور بو قدر،   کی حسینی لعلین اوچون آخیدیرام جعفری.

دنیاداداخی نه دیلر شول کیشی کی دئر بهار،   سونا ایاغ الینه معشوقه‌ی خوش منظری.

اؤزگه‌لر مدح ائده‌نلر گؤره‌لی شاه یوزونو،   بیرینی تومار ائدیب، یودولار اسکی دفتری.

نه روادور کی، گؤره لعل لبینینی هر دغل،   بیلمه‌گه آنی بنیم تک کیشی گره‌ک جوهری.

اینجی دیشی‌نین خیالی دوشه‌لی کؤنلومه،   یوزومه یالدوزلامیشام سربسر آب زری.

1180

بانا کی اوش دلبری‌یم نئچه- نئچه دلبری،   جانی آل، ال وئره‌نین توتما ایشینی سرسری.

بن حسینی جان وئریرم گؤره‌لی وجه حسن،   گؤرنه‌دوزموشدورياشیم‌بو یوزده زر جعفری.

اولماضحاک،ای‌نگاری‌ظلمی‌چوخ اولدوغونا،   توتما ایراق کندوزوندن کاوه‌ی آهنگری.

دل‌دنیزی‌موجی‌چوخ‌آلدی، وجودو ساخلاما،   گر قرار ایستر ایسن سالغیل دنیزه لنگری.

دم‌گلیر کی دم اوروارام شاها عشقونده سنین،   دق توتاللارمی اگر کوکره‌ر ایسه نر چنگری؟

شول‌کیشی‌گره‌ک‌کی‌اقدام ائیله‌یه‌بوعشقه کی،   سول الینده باشی اولا، ساغ الینده خنجری.

1181

سن بنیم ایله یار ایکن، ای شقرقه قیقی،   سالدین یئنه آیریقلار ایله بغراقه قیقی.

بیر جام مئی الینه بن وئرمزیدیم،   شیمدی، چکر اولدو تولولار ساغراقه قیقی.

سن‌اینگن ایدین‌شیمدی‌نه‌اینگن‌قاچاراولدون، کوکره‌ر ایکن اوش قارشینا بو بغراقـه قیقـی.
یقنیسی دورور جادو گؤزونون دلی کؤنلـوم، باغریم چو کباب اولدو سـانا تغراقـه قیقـی.
عشـق اوخونـو آتماییســارام جـز بنیشــانه، سن بو یولا نئجه کی، گره‌ک اوغراقـه قیقـی.

1182
لب لعلیندن آلمیشـام، نگـارا، ذوق تحقیقـی، اینیلدیمدن ایریشمیشدیر مصنّفلره موسـیقی.
نه‌تاممیش‌لبلریندن‌بوشراباکی قان اسروکدور، آنینچین تولو ایچه‌ریـز آیاقلـاری الـر ریقـی.
تصوف اهلـی بولـالی صـفالارینی یوزونـده، کیمی‌سجاده‌سین‌ساتار،کرو قوز کیبی ابریقی.
جگرقانینی‌گؤزلرین‌یوره‌ک‌اودیله سو قیلدی، عجایب کارخانادیر نئـده‌رلـر قـرع انبیقـی[1].
شها،مشاطه‌ی‌مسکین‌ساچینی‌گرچه‌جمع ائـده‌ر، نسیم صبح هر دمده ایرور جمـع و تفریقـی.

1183
بو موسمین اهل دلی اول گول گوله قارشی، تولو ایچه سین، شاد اولاسین بلبلـه قارشـی.
یـوزون گولـو بشـکفته اولـا قالـا شـّکفته، کی نه یوز ایله آچیلا هر گول گوله قارشـی.
مول‌وئربیزه‌ساقی تولو کی، نرگس‌دیر مست، سالما بو دلی کؤنول ایشین مولموله قارشـی.
دؤک‌جاماصراحی قانین اسیرگه‌مه‌مه‌دیم کی، هر قول قولا سجده قیلا اول غلغلـه قارشـی.
گؤزوم کیبی جام اولمایـا مجلسـده ، نگـارا، کی نئجه کی دؤکه مئیی، در دم تولا قارشـی.

1184
عارف قاچان بیله بو جهـان ایچـره واصـلی، شوندان کی، یار یولونا یئلـه وئـره حاصـلی.
گـؤزو چـو بابیلیــدورور زلفــو ابــابیلی، قوندارده گوزگونـون یئرینـه بـو حواصـلی.
لعل لبین کی، عین حیـات اولـدو وئـر بانـا، هرگـز قاییرماغیـل دخـی زهـر و هلـاهیلی.
سائل گؤزوم یاشینا نظر قیل کی، خون آخار، آزرده قیلماغیـل دخـی، شـاها، بـو سـائیلی.
روحومـو روحونـا چلـب ائیلـه‌دی متصـل، حائل بو تن اولورسا، گؤتورگیل بو حـائیلی.
بوحکمتی‌ائشیت،یئ، اوزوم باغی سورماغیل، لازم نه‌دیر کی، سن سوراسـین ایشـبو قـائی.
نئجـه گـره‌ک سـال اولـا بنـی، قایورماغیـل، ســاعدلرینله گــر بولــور ایســم حمــائلی.

1185
اگرچه دردینی چکدیک شفایا ایردیک آخی، صفا اوجونا ایریشدیک، وفایا ایردیک آخـی.
بیزی نیشـه تـاش ایلـه تاشـلایا بـو یارانلـار، حجازه وارمادیق ایسه، صفایا ایردیک آخـی.

---

[1]– آزمایشگاه وسایلیندن.

هلـــال اولموشـــودوق وعـــده‌ســـیله ییللـــر، حقه شکر، یئنه بو بـدر آیـا ایردیـک آخـی.
آدینـین آتلیســی گــر ســیغیندی بیــر تاغــا، آراسینی کسـیبین بیـز یایایـا ایردیـک آخـی.
گؤزوم‌یاشی‌دنیزاولورسا، دخی‌قایغوسو یوخ، کی الی آیاغ اوروب آشـنایا ایردیـک آخـی.
دیلـه گییلـه گلـن دیلـه گـین روا قیلـدیق، جهان ایچینده رضای قضایا ایردیـک آخـی.
گؤزو اوخونادئدیم: اوخ، جانیم سنه قربـان!؟ بیر اوخ‌ایله‌هله شول قوشا یایا ایردیک آخی.

1186
هی دئ گؤزونـه نئجـه آتـار تیـر خـدنگی، بیر یولا سوره‌ر بیزیم ایله صلح ایلـه جنگـی.
نه طاقتی قیلدی دخی کؤنول ائلی‌نین، چون، هندو حبشه قاتدی یـوزون تـورکی فرنگـی.
خالینه سنین زنگـی نئجـه دئیـه دیلـیم کـی، آیینـــه تحمـــل قیلیمـــاز ذرّه‌جـــه زنگـــی.
آیینـه کؤنـول یـوز گـؤرور یوزونـو مطلـق، هئچ وجه ایله گلمز گؤزونه نقش ایله رنگی.
ســینه ســینه‌یــه ســنین ایلــه دیلــه‌رم اورام، لیکن اوشه‌نیرم کـی اورام شیشـه‌یـه سـنگی.

1187
فتنـه گـؤزون کؤنولومـون آفتـی‌دیـر، آفتـی، جان آپارماق عشوه لری عادتی‌دیـر، عـادتی.
زلفونوخالین‌یانیندا تاغیدورورسون، یعنی نه، خودتوتولماق‌کؤنولومون‌حاجتی‌دیر، حاجتی.
گر قیامت گونونو بیلمز ایسه هـئچ کیمسـنه، بـن بیلیـرم اول نگـارین قـامتی‌دیـر، قـامتی.
کیمسنه حقین جمالی مصـحفین اوخومـالی، بن اوخودوم حسنونو کی، آیتـی‌دیـر، آیتـی.
عشـقیمین هـیچ کیمسـنه غایتینـه ایرمـه‌دی، زیرا کی، حسنون جمالین غایتی‌دیر، غـایتی.

1188
نئجه اسیر ائده‌سین زلف ایله یا خالـا دیلـی، دلیک کؤنوله ایسه تـور اورو، یاخالـا دیلـی.
نئجه بیر آل ایله لعلـین آلـا بـو کرنلومـوزو، همیشـه تـاتلی سـؤز ایلـه بویایـا آلـا دیلـی.
دیلیم‌قانی کی، دئیم قانی ایچدیگین دیلیمین، روامیدیر کی، لبین سالدی ایشبو آلـا دیلـی؟
آغیزی نقطه سی سالدی گمانا بـو جـانیمی، بیراخدی بئلی قیلی دخی هـم خیالـا دیلـی.
گره‌ک کی، در دؤکه دیلیم آنـین آغیزینـدان، گر اورورور ایسه عمروم یئنـه مجالـا دیلـی.
عجب‌نه ییلدیزاولور بو کی، بدرینی گؤره‌لی، زمانـــه بنـــزه‌ده‌دیلـــر بـــو دم هلالـــه دیلـــی.
بئلـین ایلـه آغیزینـدان بانـا آچیلـالی سـیرر، جانیم چکینمه‌دی هرگز بو قیل و قالا دیلـی.

1189
ایاساقی‌کی، بوینوما توخونورشؤیله‌ی سـاقی، الیندن الیمه سونغیل یوکونوب آلتون ایـاغی.

بودونیافانیدیر باری سیزینله صحبت ائده‌لیم، گؤره‌لیم‌بیر بیریمیزی‌بیرایکی‌دم‌کی،وار طاقی.
نواسیزام محیّر اوش مبرقع گیزله‌دی یوزون، نهفته نئجه ساخلایا کؤنولده عشق عشاقی.
کؤنول‌بیرنظره‌آپارمیش‌جمالیندان توقوزلادیر، بو تورکی‌گؤزلرین‌یعنی یئتیردی یئره یاساقی.
یوزوندن‌گؤزلریم‌گؤره‌ن‌بغایت‌سهل‌اولا، شها، آنین غایتین اول بیله نظر ائیله‌یه در باقی.

1190
بانا آغ ساعدیندن آل یاناغی، تولو وئر تا قیلام جانا تلاقی.
مکدردیر بو دم هجر ایله وقتیم، ساچ اودوما یئنه جام رواقی.
بیزی خون جگر ایچسین دئمیش یار، هله بن دوتاییم اول یاساقی.
اگر زلفو کیبی اوزون اولا عمر، معیددیر، نه قالمیش اولا باقی.
بئلی اینجه و نازکدور بغایت، قرار ائیله‌ییمز نطقین نطاقی.
زجاج خانه دورور ایرماق آخار، بو گؤزلریم کی، یاریندیر وثاقی.
اودونا گیره‌لیم، آنی سئوه نلر، کی، بیلینه وفامی، یا نفاقی؟
هوا آرتیردی یوره‌گیم اودونو، وار ایمیش ایکیسی نین اتفاقی.
هلال اولموش قاشی بودور عجایب، کی، یوخدور بدری‌نین هرگز محاقی.

1191
اولالی خالینا گیسوسو حریص، بو میداندان توپ اورومادی فاریس.
ساچی‌نین خادمی عنبر چو سنبل، گؤزونه قاراواش ابهر چو نرگس.
نمک حقینی بیلیر نولا گؤزوم، لبینچین آخیدورسا گؤزدن اریس.
خیالینسیز دم اوروماز بو گؤزوم، کی گرم اولماز مجالس بی مجالس.
زنخدانیندا قیلا دیل قرارین، چو زندان اولا تکیه گاه مفلس.

1192
یوزون گؤروب آغلار ایسه بلبل گله قارشی، سن بلبله بلبل دئمه گیا، گول گله قارشی.
گرزلفون اوچون سؤز دئر ایسه تارت قفادان، بنفشه دیلینی، صنما، سنبله قارشی.
قارشینا صراحی گره‌ک آیدا دورا غلغل، – کی آیاغ ایچه‌لر تاپوندا قول قولا قارشی.
گلشنده‌گوله ایردین ایسه سن گوله گؤرگیل، بلبله روا گؤر کی، ایره غلغله قارشی.
کؤنول فیلی آلدی ایسه هند ائلینی نولا، گیسولاری جنگلینی گؤر قیل قیلا قارشی.

1193
اوشـدو شـکر لبلرینـه مسـک و خُـتَن قارینجاسـی،
اولـدو آنـا جملـه فـدا عقـل و کؤنـول وارینجاسـی.
سـوردوم لبینـدن دردیمـی توتـاغین آلـدی آغزینـا،
بنزەر مفـرح ایسـدەدی بـو عاشـقین سـور نئجـەسـی.
معشوقه چوخ زیبا، ولی توزلو[1] و شوخ و شـنگی آز،
عشـاق آراسـیندا دخـی آیروقسـودور بیـر نئجـەسـی.
وصلی قیسسا، هجری یوغـون اولـور ایمـیش دنیـادا،
معشوقەنین بولونوجاق ساچی اوزون، بدلی اینجەسی.
سیما بونو زلفون کیبی عشـقینده چـونکی توغرویـام،
سیماسـینا بـاخ عاشـقین بـاری آنـی سوچونجاسـی.

1194
صاباحدورقانی، ای ساقی، بو صبوح ایـاغی، شبح‌لره یئریدور شیمدی تولـو روح ایـاغی.
بو گئجه بیر یئنی عمر ایدی بیزه اول حقدن، بوفتح اوچون نولا سونسان تولو فتوح اياغی.
چـو توبـەدن قیلیـروز توبـه، نولـا اگـر ، یوکینـوبن سوناسـین الیمـه نصـوح ایـاغی.
نئجه کی عمرو قیسا ایسه اوزون قیلیریز بیز، همیشـه تولـودور اللریمیـزده نـوح ایـاغی.
لبون‌صراحی‌قانین‌ایچدی ایچمەیم می قانین، قصاص اوچون هله ایچیسەرم جروح اياغی.

1195
جـوهردیر لبـین یـوزوم ذهبـی، یاشـلاریم سـوجیدیر، گـؤزوم عنبـی.
فخـر اول دور کـی، قیلـین اولـا کیشـی، نـه وئـرەلـر آنـا کـی کـان ابـی.
نـه ریایـت قیلـا بیلـه ووز ادب، چـونکی تـرک ادبـدورور ادبـی.
دوشـدو سـئودایا یونـه دلـی کؤنـول، گیسـولاریندورور آنـین سـببی.
آب حیـوان ایلـه تـر ائـت لبیمـی، چنـد از ایـن تشـنگی و خشـک لبـی!
سـلبی العشـق بـالهوا کبیـدیر، قویمـادی جانـدا سـاز ایلـه سـلبی.
جـان جـانین ایلـه اتصـال ائتـدی، قانیسـین پاشـا، قانیسـین چلبـی.

---
[1]– دوزلو.

1196

قیلینج یالین وئرەلی الیمه الی، ولی،   کیمه الست دئدیم ایسه بانا دئدی، بلی.

دیلی بو عنبرین زلفون کی، مشکله سالدی،   نسیمه قول اولاییم مشکلیمی قیلدی جلی.

دئدیم‌کی، سنی سئوەرم بانا دئدی کی، اجل،   دئدیم‌کی، سنی سئوەن نئجه گؤرمه‌یه اجلی؟

بویور کی، عشقین اودونا گیره بو عاشقلر،   کی، سئچیله تاپونا خالیسی ایله دغلی.

کؤنول‌ائوینی‌گؤزون‌چون‌اوتاق‌دوتاردوتسون،   نه وجهی وار کی، قیلیر آنا فعلی.

عمله کیمسه ایرمز ولیک لعلین اوچون،   [1]. . . همچو طفل بیر عملی.

گؤرەلی شهد لبینیزی بونجا جان وئردیم،   یانارام‌اوشداچو شمع و یوزوم دورور عسلی.

1197

سئویب سنی جان اوینایا مرحوم اول کیشی،   دنیادا گؤرمه‌ین سنی محروم اول کیشی.

شیرین لبینی گؤرەنه سورما نه اوغرادی،   یاندی هوان اودو ایله چون موم اول کیشی.

تامو عذابی هولینی نئیچون سورار عجب؟   ائشیتمه‌دی‌می بیر گئجه آهوم اول کیشی.

سالدی حبش چریلرینی چین ائلینه،   آلتوندا سکه‌سین اورا در روم اول کیشی.

لعلی زلالینه نئجه‌سی صبر ائده بیله،   بیچاره گؤزو گؤره و مهموم اول کیشی.

مرهمه دورور وصالینی گؤزون یارالاری،   تریاکی‌دیر توتاغینی مسموم اول کیشی.

عقلی سن آلدین و بانا دئرلر کی، دلی دیر،   ممدوح حسن ایله سن و مذموم اول کیشی.

1198

دلبرا، آل الینه، آل ایاغی،   توپ – تولو ائیله اله سال ایاغی.

عمر چون بیزیم الیمیزده دگیل،   ایچه لیم روز و ماه و سال ایاغی.

هجر الیندن آغی‌یی چوخ ایچدیک،   حسرتیمیز دورور وصال ایاغی.

الینه جانی گر حرام ائده ووز،   قاچان اولا بیزه حلال ایاغی؟

اللرین قانیمیزا بویامیش،   نه عجب سونار ایسه ال ایاغی.

ایچه‌لی گؤزلری الیندن ایاغ،   گؤزوموزده دورور خیال ایاغی.

اول ایاق گؤزو الیندن ایچه‌ن،   قیلیسار آنا گوشمال ایاغی.

1199

سحر یئلی یئنه دپرندی ایچ نئدیم ایاغی،   نسیم اوچون ایچیلیمی نه زر، نه سیم ایاغی.

1- چاپ اولموش نسخه ده ده یئری بوشدور.

جهنم ایچره اگر بالمثل فی‌المثل اولا روزی، نگار الینده اولا جنّت نعیم ایاغی.
سیاحتی قومایام زلفو ملکی ایچینده، نئجه کی، الده اولورسا یارین مقیم ایاغی.
تمام آلا کؤنول ایله جانیم الین الینه، الیمه چونکی سونا عشوه ایله نیم ایاغی.
توتاغی قیلمیش ایدی وعده جانیما بیر ایاغ، تولو و نقد گره‌کدیر اولا کریم ایاغی.

1200
نگارا، دیل اودوندان اولدو ناشی، تاپاروز شیمدی عشق دلتراشی.
یازیمازیز سنین عشقینه بیر شرح، مدد قیلا مگر آنا حواشی.
همیشه غمزه‌سی جانی قانادیر، یئنیمه‌زیز بو مست دلخراشی.
آنین شمعی اودونا یاندی فرّاش، دیلر فرّاش کی، قیلا فراشی.
آخار سولار خیالینچون آخیدیب، گؤزوم دوزموشدورور بیر حجره[1] کاشی.
شونون کی، اته‌گین ایردی الینه، نیشه آیاغینا قویمایا باشی.
معادین کیم بیلیر هر کیشی‌نین، لیک، زهی خوشدور بو عشّاقین معاشی.

1201
قونماسین شه یوزونه توز، چلبی، گؤرمه‌سین سندن اؤزگه گؤز، چلبی.
اول یوزی کی، جهانا گؤستردین، کیمده اولا کی، باخا یوز، چلبی؟
توزمودور لبلرین کی، شکّر آخار، نه شکر کی، دؤکوله توز، چلب.
عشق تولدو لبینده قوی امسین، قوزو ایچمه‌یه‌می آغوز، چلبی؟
عشق دئدیکلری بیر یوزومدور، سپیشه شاءالله بو یوزوز، چلبی.

1202
انار اولالی شول سروینده دالی[2]، الف قدّیم هوادان اولدو دالی.
بئلین قیل ائتدی باری بارین آغیر، نئجه گؤتوروسر بونجا وبالی.
قان اولسون دئییمه‌زم لبلرینه، ایچر سوسامیشا قارشی زوالی.
گل افشاندا گؤزوم اولدودرافشان، اگر بیر دم اسه باد شمالی.
اگرچه آیدا بیر گؤرمز یوزونو، گؤزومدن خالی[3] هئچ اولماز خیالی.

---

[1]– حجره = اوتاق.

[2]– دال = بوداق، شاخه.

[3]– خالی = بوش.

توتاغی اوچون دؤکه‌رم درّ آنینچون،   بلیردیرم لالی ایله آلی.

ساچی شستیله گؤزونون کوشادی،   گتیریر قایدا یوز بین پور زالی.

گره‌ک هندو حبش چینه قاچالار،   قاچان کی، دوزه زلفونو یاسالی.

دل و عقل ایله جانی غارت ائده‌ر،   ساچار قاتی حرام ایله حلالی.

1203

کؤنول دنیزی عشق ایله تاشا اولامی کی،   محروم دلینده نقش ائده تاشا اولا کی.

باش‌ائتدی‌جوری یوره‌گی بیتدی آنین ایشی،   لطفی مدد عجب قارا باشا اولامی کی.

دئرلرکی، خوبدور،ولی اخلاقی خوش دگیل،   خوشدان یاووز نئجه گله حاشا اولامی کی؟

آنجا دؤکر گؤزوم یاشی کی، آغلادی بولدو،   آندان عجب مدد دخی یاشا اولامی کی.

آز قالدی کی، باشیما ایره یاش یولونا،   بؤیله وارورسا بیر زمان آشا اولامی کی.

1204

دلبرا، اونولمادی کؤنلومده غمزه‌ن یاراسی،   بولمادینمی‌خفته گؤزدن آیری دل اویاراسی؟

زلفونه‌دئدیم‌آچیل‌کی،خالینی‌گؤرسون‌گؤزوم،   درله‌دی‌یوزو حیادان دئدی کی، یوز قاراسی.

عرضه‌قیلدیم‌کؤنلوموحسنونه،دئدی: بونه‌دیر؟   عاشق مسکین دئدیم گیسولارین آواره‌سی.

جان‌سانیردیم‌لعلینی‌کؤنلومه‌سوردوم‌بو نه‌دیر؟   دئدی کی، جانیم دگیلدیر الّا جانیم پاره‌سی.

عاشق‌ومعشوق‌آراسی‌سهل اولا اخلاص ایله،   کؤنوله جائز دگیلدیر آرالیقدا آراسی.

1205

زلفویله خالی اولالیدان دام و دانه‌سی،   جان و دل اولدو قوشو آشیانه‌سی.

نطع جهان شه روخی تار ائتدی جانیما،   ائولری توتدو قالمادی جز مات خانه‌سی.

غمزه سی دل دیلر ایسه دیلرسه سهل اولا،   نه نسنه اولا جان دخی بوندا یاجاناسی.

سئودالار ایله اولدو پریشان بو کؤنولوم،   حمّام ایچینده تولاشالی زلفه شانه‌سی.

کؤنول ائلینی توتالی سن، کلّی یانمیشام،   یانماق بودور کی، قالمادی هیچ بنده یاناسی.

1206

سندن آیریلیق کؤنولون آفتی‌دیر، آفتی،   سنین ایله جانیمیزین راحتیدیر، راحتی.

لبلرین عیسی دمیندن دم اورور ز دم بیزه،   اؤلو جانیمی دیریلدیر، آیتی‌دیر، آیتی.

غایت حسن جمالین غایتی‌دیر آی یوزون،   عشقی آنینچون کؤنولده غایتی‌دیر، غایتی.

فتنه کی، دئرلر جهاندا گؤزلریندیر، گؤزلرین،   شول قیامت کی، قوپوسار، قامتیدیر، قامتی.

کؤنول‌آلیب،جان‌آپاریب‌عقلی تاراج ائیله‌مک، شیمدی‌قوپمادی، اؤزونون عادتی‌دیر، عادتی.

1207
عشق اودونا دوشر کؤنولوم یازیلا دخی، مخمور خماری یازیلا، یازیلا دخی.
آزیلا کؤنول گیسولارین چوخ گرهینده، عشقین ایله آزمیش دورور آزار آزیلا دخی.
زلفون توزاغینا کؤنولوم آزیلا دوشدو، بونون کیبی قوش اول توزاغا آز ایله دخی.
یازیلا می عاشق کؤنولو غمزه‌ن اوخویلا، ای نئچه بنیم تک سانا قول یازیلا دخی.
شهنازی ایله راست بنی قیلا محیّر، قاچان کی، مبرقع اولا شهناز ایله دخی.
بازی ایله گؤزلری قیلیر صید دل و جان، شؤیله کی، کیشی آولاییماز باز ایله دخی.

1208
یوزوم‌چون‌توغدومجالسده‌منوّرقیلدی‌اطرافی، خجیل‌قیلدی‌جنان‌اهلی‌دگیل اصحاب اعرافی.
لبین قاتیندا قارا بن شونا نسبت قیلیر آنجاق، ساناسین،بیرقاراقولدورقوموش‌یئرینده‌صرّافی.
اگرچه‌قاف‌اولموشدورگنه لرین بو حضرتده، کرم جمله‌سی اولمازسا بانا کافیدورور کافی.
تولو وئرایچه‌لیم‌جامی‌کی،قاندابولونور هر دم، یارانلارجمع‌ایشبؤیله‌وشاهد،ساقی،می صافی.
لبینه‌وقف قیلدیم جان کی، عالملر حیاتی‌دیر، جهان خلقی اولولارا قیلیرلار ایسه اوقافی.
بوعشقی‌دردینه‌هرگزلبیندن‌اؤزگه درمان یوخ، آنین‌اوچون‌یؤره‌سینده‌خطی‌یازمیش‌حب‌الشّافی.
بشرقاندا و سن قاندا کی، نور نورسون، والله، نه وار، الحق ائده‌ر ایسه سنی آنینا بیر قافی.

1209
تولو وئر ایاغی بیزه، ارینمه، ای ساقی، ایچیر کی بیخود اولالیم بوشاتما یاساقی.
گلین‌دیریلین،ایچه‌لیم ایاغی، خوش کئچه‌لیم، بیر ایکی گون بو عمردن چو بولوروز باقی.
قیلیجاق اوچماغیمیز بو ایراقی اول عالم، گلین کی، یاسانالیم بو یاخینی، ایراقی.
گؤزوم یوموم سالارام جانی شول دنیزه کی، نه اورتاسی گؤرونور، نه گؤرونه قیراقی.

1210
باخمازاولدون‌بیزه،جان،ائیله‌می،کؤنول آلالی؟ جان‌قوشون گؤرمه‌میشم دخی ساچینا ایله‌لی.
دنیا و آخرتی هیچه دخی آلامیشام، جان‌وکؤنول وئریبن عشقینی ال – ال آلالی.
سیل‌آخار اولدو قانین گؤزلریمین یاشینا باخ، لطف ائدیب گئجه یاغلیغین ایله سیله‌لی.
یوره‌گیم یاراسی قاندا اونولا عقل دگیل، توزو اکسیلمه‌دی‌هئچ، کیرپیگین‌آنی دیله‌دی.

عقل نسنه قومامیش ایدی کی، وئرمه‌دی آنا، طفل شش روزه[1] کیبی‌دیر هله سنی بیلـه‌لـی.

1211
گلین صاباحا دکـین یاخـالیم بـو مصـباحی، وئرین کـی، راحـت راهـا[2] ایـره‌لـیم راحـی.
آغیـزی لعـل خزانـه سـینه کلیـد اورمـوش، جـانیمیز ایسـه فـدادیر اولورسـا مفتـاحی.

1212
هرگـز اؤنـولمز، ای صـنم، جانـدا گؤزونـون یاراسـی،
اؤنولمـه‌یـن یارالـاری بیـر دخـی یئنـه یاراسـی.
اسـریتدی گـؤزلرین بنـی، کیـرپیگین اوردو اوخ ایلـه،
تـوت بنی‌کـی اویوموشـام، ایشـبؤیله‌می اویاراسـی.
آنجـا چکیشـدی لبلـرین ایشـبو یـوره‌گیمـی بنـیم،
قـان اولـدو چکیشـیک ایلـه‌اول ایکیسـینین آراسـی.
باخـدی بنینـه گـؤزلریم، دوشـدو گیسوسـو آغینـا،
هـی نـه‌لـر جانیمـا ایشـبو گؤزومـون قاراسـی.
بن یانمیشام سـنین اوچـون کلّی‌کـی، یـوخ یانمامیشـام،
شـمعینی آل الینـه گـل، وارلیغـی جانـدا آراسـی.

1213
صاباح تور تولو سون بیزه سـاقی، اقـداحی[3]، کی روح راحتی‌دیر هر سـحرگاهی راحـی[4].
خمار ایله اولاریز جانـدا شـادیلیق چراغـی، صبوحی سون بیزه و آیدین ائیلـه مصـباحی.
چو روحا راح مناسبدورور تولو سون غیـل، بیـزه، ای سـاقی عـادل، شـراب توفّـاهی.
گؤزونو مست گؤره‌لـی تولـو چکـرم جـام، روادگیل‌کی، گؤزون مست اولا و بن سـاهی.
نئجه کی نقش ائده‌رک عشقینیزی آلتون ایله، یوزومده قان- یاش‌ایله‌گؤزلریم اولور ماهی.

1214
جان آپاریبـان قاچـان اوغرولـایین قانجـارو، سـانا حلـال آلـدیغیم، شـها، دؤن گئـری.

---

[1]- طفل شش روزه = آلتی گونلوک اوشاق.

[2]- راه و راح تجنیس کیمی ایشه آپارمیش؛ بیری یول و بیری قدح معناسیندا.

[3]- قدح لر.

[4]-

اِئده رسم بویانیر عرشه بنیم توتونوم، ائتمز ایسم نئده‌یيم اوشدو بالینا آری.
دعویمه اینانمادی عشقیچون گؤزلری، نقد آنا ایکی تانیق یاش قان و بنیز ساری.
هجر ایله غم وئره‌لی آرخاسین آرخاسینا، وصل ایله شادی، شها، اوتورور اوش روبرو.

1215
چو ایچمیشیز تولو عشقی‌نین ایاغین ازلی، شرابی صرف وئرینیز خماریمیز یازالی.
بو دار چونکی فنادیر بیر ایکی بیت دوزه‌ریز، غزلیمیز یولونا ائشیدیرسه بو غزلی.
توتاقلاری‌اوچون‌اول‌شاهدین‌کی شهددورور، ایچیم چو شمع یانار و یوزوم‌دورور عسلی.
بسیط ارضی گزیب گؤرمه‌دیم، شها، هرگز، سؤزونله سالّانیشین کیبی قول ایله عملی.
بویوندا یوزونو، قاشیندا آلنینی گؤره‌لی، آیی ترازیدا گؤردوم و گونشی حَمَلی[1].
لبین عملی دئییبن عملدن قالمیشیز اوش، لبین یولوندا عمل بارماغی، شها، امه‌لی.
نئجه‌سی دوزه بیله صورتین کیبی مانی، چودوزمه‌دی یئری- گؤیودوزه‌ن‌آنی دوزه‌لی.

1216
یوزون چون توغدو مجلسده، منوّر قیلدی اطرافی،
خجل قیلدی جنان اهلی دگیل اصحاب اعرافی.

1217
عالمده بودور آدمی‌نین حدّی – کمالی، کی آنا تجلّی قیلا بیر نور جمالی.
بویون گؤره‌لی دیل یوگورور ایدی اوزاغا، گؤسته‌ره‌لی آغیزینی تنگ اولدو مجالی.
بیر نقطه‌یی نطق ایله دیلر کی، ائده قسمت، بیر سؤز ایله ثابت دیلر ائیله‌یه محالی.
رمّانه الف، قدّینه دالی اولالیدان، اولمایا عجب قدّیم اگر اولدوسا دالی.
دفترده کی، هر نسَنه‌نین مثلی یازیلمیش، خالینه‌کی،یوخ مثلی رقم چکدی کی، خالی.
گؤرقوّت خمری کی، نه ایمیش زهی خمّار، کی اسروک ائده‌ر جرعه‌سی بیر پاره سفالی.
صید ائتمک اوچون یازار عینینی اول حق، نعلی دوزه‌دیر چرخ گومه‌یتینه[2] هلالی.

1218
دلبرا، اونولمادی کؤنلومده غمزه‌ن یاراسی، بولمادینمی خفته گؤزدن آیری دل اویاراسی.
زلفونه‌دئدیم‌آچیل‌کی،خالینی‌گؤرسون‌گؤزوم، درله‌دی‌یوزوحیادان، دئدی کی، یوز قاراسی.

---

[1]– حمل =

[2]– گونبذینه.

عرضه‌قیلدیم‌کؤنلوموزلفونه، دئدی بو نه‌دیر؟ دئدی کی، جانیم دگیلدیر، الّا جانیم پاره‌سی.
عاشق‌ومعشوق‌آراسی‌سهل اولا اخلاص ایلـه، کؤنولـه جـایز دگیلـدیر آرالیقـدا آراسـی.
جان‌سانیردیم‌لعلینی،کؤنلومه‌سوردوم‌بونه‌دیر؟ عاشق‌ومسکیم دئدیم گیسولارین بیچاره‌سی.

1219
عشقیندن آنین بو کؤنولـوم اولمـادی خـالی، آندان‌بری کی، گؤردو گؤزوم اولمادی خالی.
آل ایلـه یانـاغی یاشـیمی دخـی ائـده‌ر آل، گؤز کی، نـه للـالی دؤکـر اول عـالی للـالی.
بئلـی قیلـی ایکـی یـارار و نقطـه‌ی لطفـی، کیم گؤرموش اولا بونجیلایین قیل ایله قـالی.
عشقینی کمالـه گـره‌ک ایـروره بـو کؤنلـوم، چون گؤردو بو گون یاری جمال ایله کمالی.
عشقه نه یوزوم ایله گؤزومدن تـانیق ایسـتر، دالـی قـدیمیز عشـقینه اولمایـامی دالـی.
فرّخ رّخونو کیم کی، صاباحین گؤرور ایسه، مـال اولـا عدوسـی و مبـارک اولـا حـالی.
الی اوجو ایله گؤسـته‌ریـر ایسـه یـد بیضـا، دسـتان ایلـه بیچـاره قیلیـر رسـتم و زالـی.
قد قاشی اوچون اولسـا هلـالی نولـا اولـور، بـدر آی دخـی دیـر اکثـرِ ایّـام هلـالی.
حسن ایله، شها، اوجه چیخالی بـو جمـالین، ایریشـدی گونشـه دخـی عالمـده زوالـی.

1220
خمـــاریز، وئـــر صـــبوحی‌یـــی صـــباحی، حلـــال اولـــدو بیـــزه خـــون صـــراحی.
مبـــاح ایچـــر قـــانیمیزی توتـــاغین، روادیـــر گـــر ایچـــم خـــون مبـــاحی.
بـو عشـق و فسـق یـازیلی ایـدی بیـزه، بونـــو یـــازان بیـــزه یازمـــاز جنـــاحی.
دؤکـــه‌لـــیم گـــؤز یاشـــی یـــوز قاراســـینا، کـــی، هـــم اول اولیســـاردیر بونـــا مـــاهی.
ســئوه‌رســن آیــی گئجــه‌لــر، اویــاق اول، نـــه سوخارســـین قولاغینـــا نوبـــاحی؟

1221
گـــؤزون آوویـــام، لیـــک بـــازام دخـــی، ســـــاچینلا بـــــه راهِ درازام دخـــــی.
بئلـــین ایلـــه یوزونـــو گـــؤره‌لیـــدن، الـــی چـــه نـــدارد دئمـــه‌زم دخـــی.
اود ایلـــه یانـــارام، قـــان ایلـــه قانـــارام، ســـاچین قیلینـــا جـــان گـــدازام دخـــی.
لبینـــدن ایچـــه‌رم، یاشـــیمدان ســـاچارام، قاشـــین ایلـــه انـــدر نمـــازام دخـــی.
سنی گـؤره‌لـی یـوخ نـه زادیـم، نـه آدیـم، قاموســـویلا انـــدر حجـــازام دخـــی.
جفا ناز ائده‌رسین، وفـا نـه آز ائـده‌رسین، ســـنین نـــازین ایلـــه بـــن آزام دخـــی.
گـره‌ک اولـا محمـود خسـرو اولورسـام، چـــو شـــیرین لبینـــه آیـــازام دخـــی.

ساچینی دوتوبان ایرم یوزونه، ولیکن دون ایچینده آزام دخی.
جمالینی ضبط ائیله‌ییمز کؤنول، اگرچه جان ایچینده یازام دخی.
سنی گزدیریرم کؤنول رقعه‌سینده، پیاده ولی شاهبازام دخی.
یاخار عشقین اودو بنی سوز ایله، آنین سوزونو کارسازام دخی.

1222
الیمه سون تولو جامِ رواقی، کی تولو وئرسه یئگدیر صافی ساقی.
یوزون بدر و ساچین بیریمیش آنی، ایراق ائیله، بگیم، آیدان محاقی.
لبیندن اؤزگه‌دن اوریمه‌زوز دم، بو ایکی دم کی، واردیر بیزده باقی.
ایاغ سون چونکی یوروموز بو مجلس، گل ای روحوم، روان ائتگیل ایاقی.
لبِ لعلین یاساقی چون فنادیر، دیگر گونه قیلیمازوز یاساقی.
دیلرسن جمعیمیزده شمع اولاسین، باشین اوینا، اودا یاندیر نفاقی.
ختادان چینه دوشموشدور کؤنولوم، هوای دل یاخین ائده ر ایراقی.
تور، ای کاهل، قوشان بیر اؤزوندیر، کی جان عیارلامیش دولموش براقی.
کمینی بحرِ عشق اورتاسینا سور، کی غرق اولور گؤزه دنلر قیراقی.

1223
خمیر مایه‌میزی خمر ایله چلب ازلی، تولو آیاغی ایچه‌ریز ز باده‌ی ازلی.
قلم- قلم اولا اگر یازار ایسه مثلین، بو لهو دلده نگارین جمالینی یازه‌لی.
تامار یوره‌ک تامارینداان هزار قطره‌ی خون، بو فتنه گؤزلرینی عشوه‌لر ایله سوزه‌لی.
دوشر کؤنلوم آیاقدان، گئده‌ر بو گؤز الدن، یولا باخیب طلبیندن گؤره‌لی اول گؤزه‌لی.
یومموشام الی اؤزومدن بیر آشنالیق ایله، خراب و مست بو دنیزه دوشوبن یوزه‌لی.

1224
لبلرینین اسروکلوگی گؤزومدن دگیلمی؟ عشقی‌چیچه‌گی بیتدی بو یوزومده دگیلمی؟
بن آتش عشقیندن آنین یانا دورورام، پیدادیر آنین سؤزو بو سؤزومده دگیلمی؟
اؤزون نه قیلیر بیزیم ایله، اؤزونه دئسم، لیکن دگیلم بن دخی اؤزومده، دگیلمی؟
گؤزونله گؤرورم، صنما، بنده فنایی، زیرا کی گؤرورلر ساچی یوزومده دگیلمی؟
قالدی گؤزوم آردینجا نگارین زیرا کی اول، آنلادی خیالینی بو گؤزومده دگیلمی؟

1225
خوش گؤره‌لیم سنین ایله فصل خزانی، سون بری جام ایله تولو آب رزانی.
روح روان سون روان الیمه، ای روحوم، کی اوینایاییم یولونا بو روح روانی.
اولمادیمی دم کی، بیر نفس سنه ایره‌م، نئجه چکم آیریلیق ایله نگرانی؟
عشقین ایله بن زیانی سود دوتارام، ساغیشا گؤتورمه‌زم بو سود و زیانی.
یاخینینا گلمه‌دین وجودومو یاخار، گؤرومه‌دیم بو بنی یاخانی یا خانی؟
جانیم ایچینده یئرینی دوزدو کؤنولوم، سانماز ایدیم یار ایله اولا بانا جانی.
بیر دم اومارام کی، اولا یار ایله بیر دم، اول دمی گتیر وئر تالانه توکانی.

1226
گؤر کی، نه وئرمیش الهی، فصل خزانی، گؤر کی، نه پر ائیله‌میش زر ایله خزانا.
قیل سانیبان بئلینی ساچینا تولاشدون، قیل نه قیلیرسان، بیگیم، بو یولدان آزانا.
جام زجاجیه گؤز جگر قانی ایله، گؤره‌لی پر میل قیلدی آب رزانا.
شکر ائده‌رم گؤره‌لی جمال نگارین، آلنیما بنیم بو یازیلاری یازانا.
جانیمی سالدیم ساچی‌نین اته‌گینه کی، عمرو اوزوندور، اولا کی، عمروم اوزانا.

1227
عشقی دلی کؤنلومه سالی دگیلمی؟ جان و کؤنول عشقی ایله دلی دگیلمی؟
قاشی ایله گؤزلری کؤنلومه قارشی، کیمیسی اوخلو و کیمی یالی دگیلمی؟
دالسا نولا گؤزلریمه یوزو خیالی، گؤزوم آخیدیغی اینجی و لؤلؤ دگیلمی؟
وارلیغیما وارلیغین اگر تولو اولدو، نولدو جهان سنین ایله تولو دگیلمی؟
اولدو ایدی عشقینی یوره‌گیمه قویدون، سون توتاغون آغزیما سولو دگیلمی؟

1228
عارف‌اولدور کی، بولیماز یار قاتیندا اؤزونو، عشق بیر بازاردیر کا، آندا سلتیلماز اؤزونو.
عنبرین کافوردن حسنونده سئچمه‌ین کیشی، دنیاسیندا نئجه بیله گئجه‌دن گوندوزونو.
کیم کی، آتا کندو وارلیغینی شمسین نورونا، سعدایسه،نحس‌ایسه بیله کندونون ییلدیزینی.
حسنونه‌زلفوندن‌اؤزگه‌ایرمه‌گه‌یوخدور سبب، یوزون‌ایسه نولا توتون هر بیر ایشین اوزونو.
یوزونو هر کیم کی، قیلا خاک یاری یولونا، یار یولوندا بیله گره‌ک هر ایشین هر یوزونو.

1229
سحرده جانیما ایره‌ن نسیمی، آنا زر بنزه‌دیمه‌زم نه سیمی.

نعیم ائده‌ن جاهیمی سنین ایله،   جاهیم ائده‌ر سنسیز نعیمی.
نه میمی آچ، نه سیمی گؤستر آندان،   نه سینی گؤسته‌ریرسن بو نمیمی.
نه حادث[1] اولدو کی قیلدین دلی رد،   چو موطن‌دیر، آنا زلفون قدیمی؟
گونشدن یوزه بخل ائتدین نه اوچون؟ –   دریغ ائتدین شمامیندان شمیمی.
نئجه بو قهر حاضر ایشله دیرسن،   الینه آل آخر لطف عمیمی.
یوکوندوم دئدی، حاضر قیل غریمین،   چاغیردیم یا غرامی، یا غریمی!.
گؤزوندن‌دیر کؤنول مجروحی خسته،   نه چاره چون کی لعلیندیر حکیمی.
بنه بو یارا یارا طعنه دگیل،   قانی گؤستر گؤزلدن بیر سلیمی.

1230
ساچینلا مشک، هم مشکین دگیلمی؟   یوزون آیو کوپن پروین دگیلمی؟
کؤنول آینه‌یی قویماز الیندن،   بو جادوی سیه خودبین دگیلمی؟
سؤزوم شیرین دوشر لعل لبیندن،   یوزوندن روشن و رنگین دگیلمی؟
کؤنولوم سئرچه سینی اوشادورسین،   نگارا، کؤنولون سنگین دگیلمی؟
شها، بهرام گور کی، آتار ایدی،   آنین آتدیغی اوخ چیبین دگلمی؟

1231
سروین کی روان اولدو، روانه وئره‌لرمی؟   لعلینی بو دنیا تولو جانه وئره‌لرمی؟
بن جانی فدا قیلیر ایسم باخماغا بیر گز،   حسنونه سنین شرع ایله قانه وئره‌لرمی؟
مست‌اول‌گؤزو گیبی کی، بنیندن آلیسار خط،   صوفی کی، گله مجلسه، دانه وئره‌لرمی؟
حمامدا زلفونو بنیم الیمه، شاها،   تا قیلام آنا جانیمب شانه وئره‌لرمی؟
حسنونده کؤنول دوشدو غریب‌وجانینی گر،   وئریر ایسه شول تیر و کمانه وئره‌لرمی؟
بن یاخشی جانیم اوینار ایسه زلفو یولونا،   عقلیمی بئله روح یمانه وئره‌لرمی؟
قیل ائتدی بنیم تنیمی شؤیله کی، بیلینمز،   وئریرسم آنی موی میانه وئره‌لرمی؟
گؤزلرین آپاردی کؤنولو گر دیلر ایسم،   لعل لبینی بنه زمانه وئره‌لرمی؟
شادیی کی، وئردی بیزه بو خانه ده عشقین،   هرچند کی، قهار اولا، خانه وئره‌لرمی؟

---

[1]– اوز وئردی.

1232

جمالین ایله بو کؤنلوم بنیم ناظر اولامی؟   بو عالم ایچره سنین کیمی بی‌نظیر اولامی؟!

بو جان ایله بو کؤنول هجرین ایله قاریلار،   عجب وصالین ایله گؤزلریم قیریر اولامی؟!

گؤزو اوخونا یوره‌گیم و تنی دویماز آنا،   عجب، بوباغری‌تاشین‌گؤوده‌سی‌حریراولامی؟!

نئجه‌کی،عشقی‌اودوتیزاولور،دل اولور سست،   دئدیم‌بو عقلیمه کی، آنلاغیل، اریر، اولامی؟!

وصال‌گئجه‌سی‌نین‌صبحی اوردو بیر دم سرد،   دئدیم کی، ایشبو نفس باد زمهریر اولامی؟!

1233

بنیم بو دردیمه، بالله، شفا گره‌کمزمی؟   بنیم بو صدقیمه، بالله، شفا گره‌کمزمی؟

وفاسی قدرینی بیلیب حقه شکر قیلماز،   بنیم کؤنولومه، بالله، جفا گره‌کمزمی؟

جفایی‌یئته‌سی‌قیلدین، ای تاش باغیرلی، بیزه،   بنیم بو میلیمه، بالله، وفا گره‌کمزمی؟

دوتام‌کی،جادوگؤزون‌خسته‌قیلدی جانیمیزی،   بنیم بو خسته‌مه، بالله، شفا گره‌کمزمی؟

اگرچه کافیدورور عشقی بو جانیما بنیم،   بنیم بو هجرینه، بالله، قفا گره‌کمزمی؟

1234

گؤزونله خسته اولانا شفا گره‌کمزمی؟   جفان اودونا یانانا وفا گره‌کمزمی؟

آغیز آغیز سوروسارام لبینه ایره‌ر ایسم،   کی خسته ائیله‌دیگینه شفا گره‌کمزمی؟

نئجه کی زلفو کؤنول قلبینه یاسارسین سن،   آنین کیبی یاساییش هر صفا گره‌کمزمی؟

بو حسن مملکتینه چو سن سلیمانسان،   عنایتین، آ بیگیم، آصفه گره‌کمزمی؟

کؤنوله‌وئردی نصیحت جانیم کی، ای عاشق،   وفاسی‌خوشمی‌دی شیمدی جفا گره‌کمزمی؟

بنفشه زلفونو آلیر ایمیش آغزینا،   آنین دیلینه بونونچون جزا گره‌کمزمی؟

کؤنولو گه ساچینی گه لبینی گه دیشینی،   چکیشیگه بیراخیرلار سزا گره‌کمزمی؟

1235

لب لعلینی سنین جان دئدیلر، گرچکمی؟   خط نسخینی کی، ریحان دئدیلر، گرچکمی؟

لبین آندیم ایدی، تولدو آغیزیم شکرله،   کیمه دئدیم ایسه یالان دئدیلر، گرچکمی؟

توتاغین شکری‌نین رنگینی قیزیل گؤردوم،   چونکی‌سوردوم‌آنی،قانداندئدیلر،گرچکمی؟

کرنولو جاهی زنخدانینا دویموش گؤردوم،   بونو یوسف، آنی زندان دئدیلر، گرچکمی؟

بئلینی گیسوسونون قیلینا نسبت قیلدیم،   ایشبو تشبیه نه جاندان دئدیلر، گرچکمی؟

حقه‌ی لعلده اینجی دوزومونو گؤردوم،   سوروجاغاز لب و دندان دئدیلر، گرچکمی؟

ائشیگینه‌کی‌صبا یول بولوماز دون بوجوغون، عشق اری کؤنلونه میدان دئدیلر، گرچکمی؟
تاتلی‌دیریلیر ایکن لب لرینی کؤنلوم اوچون، دوشـدو آراللارینـا قـان دئـدیلر، گرچکمـی؟
سروینه‌قول‌دئدیلر راست‌می طوبی‌یی عجب، بدر حسنونده به میزان دئـدیلر، گرچکمـی؟
جان آپاردیق لبینـه عقـل و دلـی بیلـه‌سـینه، قاموسون زیره به کرمان دئدیلر، گرچکمـی؟
سحر ایله کؤنولومو گؤزلری قیلـدی خسـته، بئلینی دردیمـه درمـان دئـدیلر، گرچکمـی؟
کفر ایدیگین ساچینی یوزونو اؤرتـر بیلـدیم، روشن آی یوزونو ایمان دئدیلر، گرچکمـی؟
گرچه‌آسان‌بیلیرم کی، ساچی مشکلدیر آنین، آندا جان مشکلی آسان دئـدیلر، گرچکمـی؟
ابر گریان ایدیگین گؤزومو اوش گؤرورسن، یانـاغینی گـل خنـدان دئـدیلر، گرچکمـی؟
تازه گلدن دخی نـازک گـؤرورم تـر تنینـی، باغرینی قاتی چو سندان دئدیلر، گرچکمـی؟

1236
لعلی‌نین رنگینی قاندان دئـدیلر، گرچکمـی؟ یاللانی سؤیله مه قاندان دئـدیلر، گرچکمـی؟
قاشینی اگری دئدیلر و سنین قدینی راسـت، عارضین لطفونو جاندان دئدیلر گرچکمـی؟
بو خطائی گؤزونـو سـحره قیلیرلـار نسبت، جهـی بـابیلینی زنـدان دئـدیلر گرچکمـی؟
اوغرودگیلسه‌گؤزون،اگرییه‌یولداش نه‌یه‌دیر؟ ایله‌دیر دین ایله ایمـان دئـدیلر گرچکمـی؟
زلفواوجون‌چوائده‌ر کی، دیلی کندویه چکه، یوره‌گیم یاراسین آندان دئـدیلر گرچکمـی؟
غمزه‌ن‌اوخونو خطا دئیو دوتوب وئرمه دیلر، اوخ‌ایدی،چیخدی‌کماندان دئدیلر گرچکمی؟
دوشمه گیل بونجا خطایا بئلینه قولاشی گؤر، لذت آل امن و آمانـدیر دئـدیلر گرچکمـی؟

1237
سـحرده جانیمـا ایـره‌ن نسـیمی، آنـا زر بنـزه‌دیمـه‌زم، نـه سـیمی.
نعـیم ائـده ن جهیمـی سـنین ایلـه، جـاهیم ائـده‌ر بانـا سنسـیز نعیمـی.
نـه میمـی آچ، نـه سـیمی گؤسـتر آنـدان، نـه سـینی گؤسـته‌ریرسـن، بـو نـه میمـی.
نـه حـادث اولـدو کـی، قیلـدی دیلـی ردّ، چـو موتینـدیر، آنـا زلفـون قـدیمی.
گونشـدن یـوزه بخـل ائتـدی نـه اوچـون؟ دریـغ ائتـدین شـمامیندان شـمیمی.
نئجـه بیـر قهـر خاصـی ایشـله‌دیرسـن، الینـه آل آخـر لطـف عمیمـی.
یوکونـدوم، دئـدی حاضـر قیـل غـریمین، چـاغیردیم یـا غرامـی، یـا غریمـی!
گؤزونـدن دیـر کؤنـول مجـروح و خسـته، نـه چـاره؟ چـونکی لعلینـدیر حکیمـی.

بنـــه بـــو یـــارا یـــاره طعنـــه دگیـــل،　　قـــانی گؤســـتر گؤزلـــدن بیـــر ســـلیمی.

1238
مخمـور گـؤزلرین کیبـی خمـار اولـامی؟　　گـؤزون کیبـی طبیـب کـی، بیمـار اولـامی؟
جان بو مبرقعـه کیشـی وئرمزسـه مایـه‌دیـر،　　بونـــون کیبـــی نهفتـــه‌دیـــر ادوار اولـــامی؟
گونش یوزون هواسینا ثابـت دورور کؤنـول،　　ســـنی ســـئوه‌ن حســـابینا ســـیار اولـــامی؟
بیـر سـاچی‌نـین قیلینـا نـه تاتـار زلفونـه،　　قاشـــی توراســـی دونیـــادا تاتـــار اولـــامی؟
دیلر صبا کی، آپـارا بیـر چوخوجـوق مگـر،　　مسکین نـه فکـر قیلـدی سبکسـار اولـامی؟

1239
یاناغین آلی ایله سن باشلادین آله، ائیله‌مـی؟　　گؤزلریمین‌یاشینی سن بویادین آله، ائیله‌می؟
لعل لبینـی گـؤره‌لـی سوسامیشـام توتاغینـا،　　قارشینا اوشدا اولورام تشنه زلالـه ائیلـه‌مـی؟
دام‌ایله‌دانه‌یه دوشر اوچان هوادا قوش دخی،　　دوشدوم‌ایسه‌دپه‌له‌گیل‌زلف‌ایله خاله ائیله‌می؟
کؤنول‌کیمی‌سئوه‌رایسه‌لیلی‌مجنون اولدورور،　　دوشدوم‌ایسه‌گناهلییام‌صـــاحب‌به‌جماله،ائیله‌می؟
صبا یئلی گتیره‌لی بانا گیسوسـو قاخوسـون،　　یوکله‌دیرم قوخولاری باد شـماله، ائیلـه‌مـی؟
بئلین‌اوچون‌قیل‌اولموشام‌بنزه‌دیرم‌اؤز اؤزومه،　　بدر یوزونو گؤره‌لـی مـاه هلالـه، ائیلـه‌مـی؟
بهرام اگر اوو اولمایا، گؤزلرینه چـوبین اولـا،　　غمزه‌لرین اورور اوخون رستم زالا ائیله‌مـی؟
بیرقیل ایله آسیلیبان زلفونه، شؤیله قالمیشام،　　عشق‌اری بیر بنیم کیبی قیل ایله قالا ائیله‌می؟
بی‌دل‌وعاشق‌وغریب‌خسته‌دورورلبین، طبیب،　　دردینه قیلمایـا دوا، دوشـه وبالـه ائیلـه‌مـی؟

1240
شــکر کــی دئــرم لعــل دلــارام دگیلمــی؟　　عنبر کـی دئـرم زلـف شـبح فـام دگیلمـی؟
دلـدار یوزونـدن نـه دور آرتیغـی گونشـین،　　گولسن دخی شول یار گـل انـدام دگیلمـی؟
جادو گؤزو، کافر ساچی، فتنـه گـؤزو آنـین،　　غربتـــده یـــوزو آرادا اســـلام دگیلمـــی؟
اول قدمی عشق ایله جان اوسـتونه باسـدیم،　　بیـر دخـی قیلـام وصـلینه اقـدام دگیلمـی؟
سـیمایا بنـیم آلتـون ایلـه عشـقی یازیلـدی،　　سیز دخی بیلین چـون بیلـه علـام دگیلمـی؟

1241
بیلیمه‌زم کی، اودونلـا یانـام، یانـام، اولـامی؟　　بو سویون ایله اودونلا یانـام، یانـام، اولـامی؟
لبینلـــه اســـروکم و زلفـــون ایلـــه آشـــفته،　　بیلیمه‌زم کی، قدینلـه یانـام، یانـام، اولـامی؟
جفانیز اودا یاخـار، لطفونـو دؤکـر شـکری،　　بو آخی و بو توتونلـا یانـام، یانـام، اولـامی؟

قوشانمیشام آیاغی باشدان آیاغیما دکین، کی، نه بیله‌سین اودونلا یانام، یانام، اولامی؟
بیلیشینه دولاشیرام یادین اودا یاخارام، بیلیشین ایله یادینلا یانام، یانام، اولامی؟

1242 گؤزون کؤنلومو، صنما، آلا دگیلمی؟ دؤنده‌ره لبین گؤز یاشینی آلا دگیلمی؟
گؤزوم قاراسی ایله، بگیم، گؤزونه بدخیم، گه‌ی آنلاییمازام عجبا، آلا دگیلمی؟
فکریم‌ایله‌ذکریم‌گئجه گوندوز، شها، سنسین، بیر دم اولا کی، راست گله فالا دگیلمی؟
آلتون دوزه‌رم یوزومو گؤزوم یاشی اینجی، جانینی سئوه‌ن قالمایسار مالا دگیلمی؟
بوگنجیمیزی‌گؤرکی،بودورگنجیمیز،ای‌دوست، نه آفت اولیسار اگر اولالا دگیلمی؟

1243 عجب عشقی اودو بنی یاخامی، قویامی هجری الیندن یاخامی؟
آنی اوغرولاییجاق بن سئوه‌رم، گؤزوم ایله یوزوم بنی چاخامی؟
یار آدین قازانام دئیو آریدیم، یاریم اغیارا بو آدی تاخامی؟
گؤزوم گؤرمه‌یه‌لی سنی گؤز اولدو، نه سانیرسین کی اؤزگه یه باخامی؟
مقیم اولالی چوخدور انشیگینده، کؤنول شیمدی دخی قاپی قاخامی؟

1244 خطی مسکین و یا خامه دگیلمی؟ یاپیشدی عشقی یاخاما دگیلمی؟
یازار بیر نامه و ننگی آپاریر، زهی ننگ و زهی نامه دگیلمی؟
یاناغی جاما آل جامه گئیورور، زهی جام و زهی جامه دگیلمی؟
ساچی شام و بنی شامه، یوزو صبح، ایریشدیم صبح ایله شامه دگیلمی؟
نولا گر زلفو دامی صید اولدوم، شکر لب، گؤزو بادامه دگیلمی؟

1245 جانیما ایرم تا کی، ایرم جانا دگیلمی؟ اغیار سؤزونه یار دخی ینانا دگیلمی؟
هندو ایله حبش، روم و ختا حسنون ائلینده، بیر جانیم اوچون جمله‌سی یاسانا دگیلمی؟
ترک ائیله‌یه‌لیم جسم ایله جان دونیا و عقبی، آندان گؤزه ده‌لیم یاری پاکانه دگیلمی؟
جاندان نه عزیز اولا نگارینا ایریجک، اول دخی روا اولمایا شکرانه دگیلمی؟
گؤزومه خیالی گله‌لی درّ خوشابی، هر لحظه نثار ائیله‌دی مهمانا دگیلمی؟
قانادی قانامادی یوره‌ک لبلرینه هئچ، قانادی وار ایسه ایریشه قانا دگیلمی؟

1246

خیالینـــه کؤنـــول خانـــه دگیلمـــی؟ گـــره‌ک ائـل سـاخلاماق خانـا دگیلمـی؟
یاشـــیم دنیـــزی بـــن اودا یانـــارام، کیشـــی ســـودا اودا یانـــا دگیلمـــی؟
گـؤزون خسـته اولـالی خسـته‌یـم بـن، اگـــر اویورســـا، اویانـــا دگیلمـــی؟
اگـر احسـان ایلـه قـول اولـور انسـان، بنـی قـول ائتـدی هجـران دگیلمـی؟
سـاچیندان آزدوغـوم چـون سـالدی، ادب واجبـــدیر آزانـــا دگیلمـــی؟
دیـری‌یـم اوش، بگـیم، عشـقین اودونـا، وار ایسـه دیـن، گـل ایمانـا دگیلمـی؟
شـاها، سـئودایی اولـدوم زلفـون ایلـه، یازیلـدیم شـیمدی دیوانـا دگیلمـی؟

1247

گـؤزون دورور، نگـارا، عشـق امـامی، کـی، روشـلری‌دیـر آنـا رکـب شـامی.
پریشـــان یئلـــه زلفونـــو ، نگـــارا، دیلـر کـی، اودا سـالا عـود خـامی.
بـو حسـرنده کئچـر عُمّـر بیلینمـز، کـی، دوتـوب یاخـامی، اودا یاخـامی؟
کؤنولومـــو صـــفا، گؤزومـــو زمـــزم، چـو قیلمیشـام مشـرّف قیـل مقـامی.
ایچـین یـاریم ایلـه وار یـوز مقـالیم، نـــدامی عشـــقی دئمزلـــر، نـــدامی.
لبینـدن‌دیـر سـؤزوم شـیرین اگرچـه، قاشـی دئـر بانـا نمـل – خـال اعـدامی.
چـو ال ایرمـز کـی، قیلـام آنـا سـجده، ایـــا بـــاد صـــبا، آپـــار ســـلامی.
گـؤزو مسـت اولـور ایسـه نـه عجبـدیر، چـو گـؤزلریم دؤکـر اشـک مـدامی.
گؤزون تـوغی تـورور بیـر قطـره سـو کـی، همیشـــه پـــاره – پـــاره‌دیـــر نیـــامی.
کؤنولـــوم شـــهرینه فتنـــه گؤزونـــدور، قیامتـــدیر، شـــها، قـــدّین قیـــامی.

1248

بنزیم ساری و یاشیمی آل ائتدین، ائیله‌مـی؟ سئودان ایله تنیمی خیال ائتـدین، ائیلـه‌مـی؟
جـادو گؤزونـو دانـه بنـیم، دام سـاچلارین، صیدائتمه‌گه‌جانیمی کیم آل ائتدین، ائیله‌می؟
اود ایله سو ایچینـده بنـی مسـتمند ائـدیب، عشقینی اود یارونی زلال ائتـدین، ائیلـه‌مـی؟
بیر بوسه‌یی بانا، ای مسلمان، حـرام ائـدیب، قان ایچمه‌گی لبینه حلال ائتـدین، ائیلـه‌مـی؟
گؤزون بیعینینـی یـوره‌گیمـی قیلیـر هـدف، عشقینه قدّیمی دخی دال ائتدین، ائیلـه‌مـی؟
بدری دخی گون ایله‌دی اولامی آی یـوزون، نال اولماغـا آتینـا هلـال ائتـدین، ائیلـه‌مـی؟
عشقین‌جانیما وئردین و بیر صبر وئرمه دین، بیزیمله طرفه حال – محال ائتدین، ائیله‌می؟

1249

یئنه یـار دلربـامیز بیـزه نـاز ائـده‌ر، روامـی؟ یئنه‌چنگین آلدی اله، یئنه ساز ائده‌ر، روامی؟

دل آنا صریح قولدور، بو کنایته نه حاجـت؟ چوحقیقت‌آنین‌اولدوم‌بو مجاز ائده‌ر، روامی؟

لبینی دیله گلیرسم نئچـه مختصـر دئیـه‌یـم، قدّینی بیان ائده‌رسم کی، دراز ائده‌ر، روامی؟

جانی عشقی کیمیاسی نئچه اودلارا سالیبدیر، مسیمی‌چون‌آلتون‌ائتدی،نه‌گداز ائده‌ر روامی؟

گؤزوبازایکن‌بوککلیک‌چوشکارائده‌ر همیشه، گؤزونوچوباغلادی،اوش‌گؤزوبازائـده‌ر،روامـی؟

1250

هئچ بئلین کیبی قیلـی وهـم خیـال قیلـامی؟ عقل بونو گؤرور ایسه خطّی محال قیلـامی؟

شافعی گر گؤرور ایسه لبلری‌نـین حلـاوتین، میلیم اوچون بنیم آنا خـونی حلـال قیلـامی؟

تانری‌جمیل‌واول‌جمال‌جنس‌سئوه‌ر موجانیسـین، مؤمن آنی بیلیب دخی ترک جمـال قیلـامی؟

گؤزلری‌اوخ‌ایله‌جانا بیر دم ایچینده یازدیغین، هیچ مغاک چریسـینه رسـتم و زال قیلـامی؟

عاشق تشنه مسـت اولـا، ایـره لبـین زلالینـه، نئچه تصـوّر ائـده سـین یـاد وبـال قیلـامی؟

1251

اول تـــورکی گـــؤزل آلـــدی جـــانیمی، جـــادو گـــؤز ایلـــه دؤکـــدو قـــانیمی.

ســـــنی ســــئوه‌رم ، اســــیرگه بنــــی، آلـــــدین قویمـــــادین بنـــــدن بنیمـــــی.

ســـانیم بـــودور کـــی، بئلینـــه ایـــرم، تئـــــز وئـــــره نـــــازک ســـــانیمی.

عشـــقی کؤنولـــو ائیلـــه دی ویـــران، معمـــور اولـــا چـــون بیلـــدیم خـــانیمی.

ســـندن جـــانیمی بـــن ســـئچیمه‌زم، گرچـــه ســـئچه‌رم جانـــدان تنیمـــی.

1252

دؤنـــده ره آغ یاشـــلاریمی آلـــا، روامـــی؟ دردینـــی وئـــره، کؤنـــول آلـــا، روامـــی؟

بنیزیمـــی بنـــزه ده خزانـــا بنـــیم اول، کندی یوزون گؤستـه‌ره چـو لالـه، روامـی؟

بین گز اودا یاخدی بنـی، سـالمادی اکسیر، شـیمدی دیلـر توتـا یئنـی قالـا روامـی؟

میلـی کؤنولـون لبـی ایلـه دیشـینده‌دیـر، عشق اری گر میل ائـده‌رسـه مالـا، روامـی؟

عقـل دلـی اولـدو زلفونـو گـؤره‌لیـدن، پیـر خـرف گیـردی لـب و وبالـا، روامـی؟

1253

سروین سـالا اؤزگـه کیشـیه سـایه روامـی؟ گون کی، کئچه سنسیز عمـره سـایا روامـی؟

یوخسول ایله بایا دخـی طاقـت قومایـا اول، یوخلـو قیلیبـان جملـه‌سـینی بایـا روامـی؟

آلنینلـا یــوزون طعنــه اورا گونشــه، آیـا، کیرپیکلـه گـؤزون اسـریده و آیـا روامـی؟

غمزه‌سی بنیم یوره‌گیمی یارالادی وای،   بااییم ایله دلبر کی، بولا بایه روامی؟
بن اوخ دئییجی‌یم هله شول اوخ ایله یایا،   اول آلدایییان هر یاخایا یایا روامی؟
اودون کیبی هجری اودونا قایا تنیمی،   اول گؤوده‌سی نسرین یوره‌گی قایا روامی؟
سود یئرینه عشقینی ایچیردی بانا دایه،   اول وصلینی اؤزگه‌لره آدایا روامی؟

1254
بیلمه‌زم حالیمی حالین بیله‌نه سور حالیمی،   چون مناسب بولمه‌زم افعالیمه اقوالیمی.
جان دیلر کی، ساتا اول بازاردا بو کؤنلومو،   بن خوب ایله ساتارام کالا ایله دلّالیمی.
یار دیله‌گی آتینا کیم کی دیلرسه جان اسَر،   بن سرافرازام آسارسام اوسته سر غربالیمی.
خلق آمالی جهاندا مال ایسه نولا، اگر،   جان ایله مالی قویوب آولار ایسم آمالیمی.
اول نقّی الخط یوزونده گرچه خمره آنلادیم،   شول بیانیندا جماعت راست توتدو فالیمی.

1255
صنما، بئلینی گؤردوم گؤزومه خیال اولامی،   ناگهان‌توزاغادوشدوم یئنه زلفو خال اولامی؟
ایره گلیبن سوسامیش توتاغون قانینا قاندیم،   چو جانینا ایرمیش ایدیم، عجبا وبال اولامی؟
گؤزومه نظر یوزونده چو حرام قیلدی دلبر،   گؤزونه قانیمی ایچمک عجبا حلال اولامی؟
گؤزو هندووختادورکیم‌آناکی،تورک‌دئر ایسه،   لبی‌نین‌تادی شکردیر، ولی رنگی آل اولامی؟
بویونوالف‌ساناسین، جادو گؤزو ها باشیدیر،   بویون‌آغزینین‌میمینه‌نظرائت کی، دال اولامی؟
بیزه‌وصلی‌یئلی‌آنین‌ساناسین کی، بیر نفسدیر،   دمی‌هجرحاشالله‌کی،گؤره‌م چو سال اولامی؟
لبین ایله بئلینی بن دیله‌رم کی، اولا قسمت،   خط‌ونقطه‌قسمت‌اولماق،صنما،محال اولامی؟

1256
عشق قالامی دیله یا جانامی؟   عشق اری جان وئرمه‌گه یا جانامی؟
اوسانامی شول، صنما، دل وئره‌ن،   یاخو[د] دخی سانیلاری سانامی؟
چشمه‌ی خون اولدو بنیم هر گؤزوم،   تشنه گؤزو گؤزلریمه قانامی؟
بو یاش ایله بو نمی گؤزلریمین،   نئجه کی وار، هجر ایله تن یانامی؟
مشکلیم اول دور کی چو عریان اولام،   ساچ دوگله دوگومه اینانامی؟
عیشیمیز آغیزی ایله اولدو تنگ،   زلفو ایله دردیمیز اوزانامی؟
گؤزلری‌نین مردمی گیزله‌میش اوخ،   قیلماق اوچون حمله‌ی مردانامی؟
آپارایدیم یوره‌گی تولو مِی،   بیلسه‌ایدیم کی، گؤزون اویانامی؟

1257
ای‌بنی دلی قیلان، هجران ائده‌رسین ائیله‌می؟ ائشیگینده دائیما حیران ائده‌رسین ائیلـه‌مـی؟
گونده‌بیرگزیوزونو گؤسته‌ریر ایدین سن بانا، شیمدی‌اؤزگه‌یانایا سیران ائده‌رسین ائیله‌می؟
دلی‌قیلدی بنی عشقین جورو تکلیف ائیله‌مه، ظلم ائدیبن دلییه فرمان ائده‌رسین ائیلـه‌مـی؟
قاشلارین کیشینده دیر بنیم کؤنولوم تـا ابـد، اول ایکی یایا بنی قربان ائده‌رسین ائیله‌مـی؟
جوهری دیر گـؤزلریمی صـرّافیدیر لبلـرین، آنین اوچون آنلاری دکان ائده‌رسین ائیله‌می؟

1258
کیمسـه یـوزو قاشـی تـک یـوز یـازامی، غمـزه‌سـی هرگـز یـوره‌گـی یـازامی؟
کـیم گؤرورسـه نوبهـارین یوزونـون، میـا ائـده بـو دنیـادا هـیچ یـازامی؟
بئلـی قیـل ائتـدی، جـانی آلـدی سـاچی، یـوک دوشـر بـو ایشـده شـول انبـازامی؟
بینوایـام، راسـتی و مبرقـع سـئوه‌رم، عـود اولوبـان یانـاییم شـهنازامی؟
لعلینـی ایچّـک گـؤرور کوتـه نظـر، همـتِ عـالی آزا هـر آزامـی؟
بیر خـرامیش قیلـدی کبـک، اولـدو خجـل، یعنـی یولـو گؤسـته‌ریـر شـهبازامی؟

1259
شـاها، کؤنولـوم قاشـینا پیوسـته دگیلمـی؟ ساچین گرهی ایلـه جـانیم بسـته دگیلمـی؟
زلفون ایلـه سـنبل چمـن ایچینـده پریشـان، گلشنده قیزیل گول یوزونه دسـته دگیلمـی؟
عاشق الـی سـروینه سـنین قانـدی ایریسـر، دیلرسـه کؤچـه زلفونـه پیوسـته دگیلمـی؟
پـالوده قیلیـر گـؤز یاشـینی بـو عنبینـدن، گؤزده‌گؤزه- گؤزرکندوزو نشسته دگیلمـی؟
بیرلیک یوخ ایسه، اورتـادا بیمـار گؤزونـدن، گؤزلرینی ایشبو کؤنولـوم خسـته دگیلمـی؟
باشلارینا دوشدو کؤنولـوم، دخـی ییغیلمـاز، بیر تیر کی، اول یایدان اولا، جسته دگیلمـی؟
اؤلموش تنیمه عشـقی آنـین روح دگیلمـی؟ غمزه‌سی ایله دل دخـی مجـروح دگیلمـی؟
عشـقیله قوشـاندی کؤنولـوم یولونـا آنـین، عشق ایله قاخیلـان قـاپی مفتـوح دگیلمـی؟
کیرپیگـی نـه قیلـدیغینی سـن سـانما معمّـا، کؤنلومده آنـین یاراسـی مشـروح دگیلمـی؟
بین ییل ده اگر نوح یاشادی ایسه بین یـاش، اول یاش بانا بیر لحظه ده ممنـوح دگیلمـی؟
معشوق ایله عاشق بیر اولور عشق اودو ایله، مادح دخی بس، هم یئنه ممـدوح دگیلمـی؟

1260
مشگ ایله آنین ساچی قیلی رشته دگیلمـی؟ کافور ایله گولدن تنی بـی‌سرشـته دگیلمـی؟

هجـری بانـا و جـورو جانیمـا نئجـه قیلیـر، بیزی یارادان تانری عجـب ایشـته دگیلمـی؟
مخمور گؤزو بـاغریمی ششـلر، نـه روادیـر، عشق اودونا یوره‌ک بـاری شسـته دگیلمـی؟
ازلـده لبـین دیشـله‌میشـم بللـی بیلیرسـین، شیمدییه دگین دادی آنین دیشـده دگیلمـی؟
ائیلـه دگـیلم کـی، سـنی عاریـه سـئوه‌رم، جانیمدا محبّـت توخومـو کِشـته[1] دگیلمـی؟

1261
شول دلبر سیمین تنـی گـؤر روح دگیلمـی؟ کؤنول گؤزو اوخو ایلـه مجـروح دگیلمـی؟
ماهیــت حســن ایلــه مجالینــه باخیجــاق، یوزونده آنین جمله‌سـی مشـروح دگیلمـی؟
چوخ قاخمیشام اولا کیشی محبّت قاپوسینی، ایشـبو قـاپودا جملـه‌سـی مفتـوح دگیلمـی؟
گر فیل ایسه، مات اولا گره‌ک شه رّخو ایلـه، جانیم پـس آنـین یولونـا مفـروح دگیلمـی؟
بو جور کی، بن چکه‌رم اوزون گئجـه لـرده، ایّـوب جـانیم گیسـولاری نـوح دگیلمـی؟

1262
بولودون‌یاغموروچوخمویاگؤزوم‌یاشلاریمی، دوشمن اگیرمی بانا یا یاریمین قاشـلاریمی؟
ناز ایله نعمت ایچینده عشرت ائده‌رسین بانا، بن‌یئری‌دؤشک‌ائدیب،یاسدانابیم تاشلاریمی؟
عشق‌اهلی باشی بیزیز، یولونا جان قوموشوز، گؤزویوزون‌گؤرمک‌اوچون‌ساخلایالیم‌باشـــلاریمی؟
جان و عقل ایله کؤنول اولدو ملـازم یولونـا، جان گیرو گلیر ایسه قالخییا یولداشـلاریمی؟
ایچدی‌میخواره‌گؤزو قانیمی، شیشلر جگریم، گیرده‌ره‌لیم‌سوجویو، چکمه‌یه‌لیم آشلاریمی؟
سنبلوگؤرگیل‌پریشان،سرخوش آنلا نرگسـی، آنلارا گؤزوکدولر بو صبح اوخشاشـلاریمی؟

1263
یارب، بو کؤنول دردینه درمـان اولیسـارمی، درمــان طلبینــه جانــا فرمــان اولیســارمی؟
قاشـلاری هلـالی ایلـه عیـد اوادو جهانـدا، بو خسته کؤنول اول یولا قربان اولیسـارمی؟
گؤز گوشه‌سی‌نین دوزدومو ادرارینی یازدیم، بیر گئجـه خیـالی بیـزه مهمـان اولیسـارمی؟
قان‌دؤکدوگؤزوم‌تا لبینی گؤردو گؤزه- گؤز، لبـین لبیمـه سـؤیلر ایسـه قـان اولیسـارمی؟
رحم ائتمه‌یه‌می عاشقه لطفون، صـنما، هـیچ، گریان گـؤزو و کؤنولـو بریـان اولیسـارمی؟

1264
حسـینی لعلـین اوچـون بـن قانـا بویانـاییم همـی،
گؤزومون یاشی سیل اولسون اودونـا یانـاییم همـی.

---

[1]– کشتن = اکمک،/ کشته = اکیلمیش.

نئجه بیر قانایا کؤنلوم، نگاترا، لبلرین اوچون،
هله شیمدی اله گیردی لبیندن قانایییم همی.
عُمّر بن آنی بیلیرم کی، سنینله گئچه، یارا،
تاپوندان آیری دملری عُمّردن سانایین همی.
نگارا، تاوشان یوخوسون وئریر جادو گؤزون بانا،
ولی غمزه‌لرین دورتر کی، بن اوینایاییم همی.
کؤنولده‌ایکی‌سئوگی سیغدیغی یوخدور، بیلیر تانری،
سنی سئودی کؤنول جاندان، بگیم، اوسانایییم همی.

1265
دل اوینایالیم یار یولونا جانی دگیلمی؟ اول دل کی، جانین اوینامایا جانی دگیلمی؟
اول گونو کی، دیلر ایدیک الیمیزه گیردی، یغمایا وئره‌لیم قامو دکّانی دگیلمی؟
زیره نیشه کرمانا آپارا دلِ عاشق، زیره‌یه دخی سایمایا کرمانی دگیلمی؟
قوچ ایله اؤکوزو دوه نین قانینا گیرمه، وارلیغی کی، وئردی سانا قربانی دگیلمی؟
بیر مورچه‌یه گؤر نظر ائده‌ر ایسه شول گؤز، گؤزونه گتیرمه‌یه سلیمانی دگیلمی؟
لعل لبی‌نین نقطه‌سینی شرح ائده‌ر ایسم، اودا یاخالار دفتر و دیوانی دگیلمی؟
زلفون قارانولوغی ایچینده گؤزه‌رم بن، ظلمتده اولور شربت حیوانی، دگیلمی؟
زلفونه تولاشیب، یوزو شمسینه ایریشدیک، تجدید قیلالیم، یئنه ایمانی دگیلمی؟
لعل لبینه قارشی دیزین چکیب ایچه لیم، یئددی دنیزی ایله بو عمّانی دگیلمی؟
هر لحظه تجلّی‌سی ایله بیر صنمِ بکر، نئجه کی قیز ایسه، بیزه ارزانی دگیلمی؟
اغیار ایله اولور نئچه مئی صاف ایسه دُردی، بیز صاف ائده‌لیم عینینه اعیانی دگیلمی؟
فرق اولدو سواد و آنا یوخ کیمسه مزیدی، یکرنگ ائده‌لیم بو قامو الوانی دگیلمی؟
طوبی دئیه‌لیم بویونا کی، خوشلوغو واردیر، دپرتمه‌یه‌لیم سروِ خرامانی دگیلمی؟

1266
سن غنی سین، عاشقین درویشمی، بیدل و سئودایی و دلریشمی؟
دعویِ ایمان ائده‌رسین، ای کؤنول، سئودیگین معشوقه کافرکیشمی؟
لاسینی الّا سانیر کؤنلوم بنیم، لا لبیندن جانیمیزا نیشمی؟

یاقوزاقــدیر یــار و خویشــی یــوخ آنــین، بیــزی دخــی ایســتر اول بــی‌خویشــمی؟
عشـــق الینـــدن داد دیلـــر بـــو کؤنـــول، بیـــزه گـــره‌ک اؤزگـــه‌لـــره مـــیش‌مـــی؟

1267
بیمار ایسه گؤزوم، کؤنولوم خسته دگیلمـی، هر بیر خمِ زلفونه بـو جـان بسـته دگیلمـی؟
گــول یوزونــه و ســنبل زلفونــه بنفشــه حسنونده اول ایکیسی دخی خسته دگیلمی؟
باشین گؤیه یئتیردی قد و زلف آیاق اؤپـدو، بر بسته بیری، بیریسـی بـر رسـته دگیلمـی؟
مغزین چیخارام پسته‌نـین اگـر اورا فنـدیق لعلیم آغیزی نـین آدی شـه پسـته دگیلمـی؟
هر غمزه کی، آتار جادو گـؤزو یـوره‌گیمـه، بیر جامدورور کی، دوتا بو مسـته، دگیلمـی؟

1268
عشـــق قالـــامی دلـــده یـــا جانـــامی، عشــق اری جــان وئرمــه‌گــه یاجانــامی؟
اوســـانامی شـــول صـــنم، دل وئـــره‌ن، یـــا چـــو دخـــی ســـانیلاری ســـانامی؟
چشــمه‌ی خــون اولــدو بنـیم هــر گــؤزوم، تشـــــنه گـــــؤزو گؤزلریمــــه قانـــامی؟
مشـکلیم اول‌دور کـی، چـو عریـان اولـام، ســـــاچی دگیلدیگیمــــــه اینانــــامی؟
عیشـــیمیز آغیـــزی ایلـــه اولـــدو تنـــگ، زلفـــو ایلـــه دردیمیـــز اوزانـــامی؟
گــؤزلری‌نــین مردمــی گیزلــه‌مــیش اوخ، قیلمــاق اوچــون حملــه‌ی مردانــه‌مــی؟
دانـــه‌ی خالینـــه جـــانین وئرمـــه‌یـــن، آدمـــــی بـــــو دُنیـــادا آدانـــامی؟

1269
کؤنولومه نـه گلـدی سـئودایی‌دیـر، اولـامی، هر بیر قیلا تولاشمیش هرجایی‌دیر، اولـامی؟
سالیب دنیزه اؤزون، هـر بیـر قیلـا تولاشـیر، هر گز سؤزومه گیرمز خودرایی‌دیر اولـامی؟
زلفــو کیبــی ســروینه دایــم تولاشــا دیلــر، یارب کؤنولوم عشـقی بالـایی‌دیـر، اولـامی؟
هرغمزه‌سی‌گؤزونون‌تورمازیوره گیمده هیچ، عاشق یوره‌گـی تونـو یکتـایی دیـر اولـامی؟
گؤزومسودان‌وکؤنولوم‌اوددان‌دام اورور دایم، بــو نــاری دورور اول دریـایی‌دیـر، اولـامی؟

1270
چین‌ائده‌لیم‌ساچی چینی خطائی سالدی بنی، ســبب نــه‌دیــر کــی جزایــا ســالدی بنــی؟
دوداغی بوسه دئدی و حوالـه قیلـدی یـوزه، اگرچه نقد ایدی وجهی بیر آیا سالدی بنـی.
گؤزویله کی کؤنول خسته‌دیر دوام اومـارام، طبیب بیلمه‌دی نبضـی، دوایـه سـالدی بنـی.
کؤنولو گندویه قلاب ایلن گؤتوردو سـاچی، ایراغه آتماق اوچون قاشی یایه سالدی بنـی.

نه‌دم‌دوروركی‌مس–آلتون‌دگیل وجودون ایله، فـدا اولمـاز اودونـا، کیمیایـا سـالدی بنـی.

1271
بنـدن بنـی آلـدی گـؤزون، زلفونـده یئتیـردیم بنـی،
بیچدین، گؤتـوردون بنلیگـی، هم‌بنـده یئتیـردین بنـی.
زلفونوگـؤره‌لـی کؤنـول اودو پریشـان و تـاغوق،
گر چه ایراق سالدین ایسه، یاخینا گؤتـوردون بنـی.
گئتمیش ایدیم سـاچین ایلـه بـاد هـوا یولونـدا بـن،
شـیمدی آیـاغی توزونـا اوش یئنـه گتیـردین بنـی.
گیزله میشـم اؤزومـوبن گیسـولارینـدا چـوخ دورور،
شیمدی اؤزون دیلر ایسن، یئتیر اؤزونـو بـول بنـی.

1272
عجبـــا، دردیمـــین دواســـی قـــانی؟ عجبـــا، رنجیمـــین شفاســـی قـــانی؟
آیـــــاغی توزونـــــا یـــــوز اورورام، کـــی، گـــؤز آغریســـی توتیاســـی قـــانی؟
زلفـــی ایلـــه بینـــوبن ایریشـــدی جانـــه، عنبـــرین خطـــی نـــین یایاســـی قـــانی؟
کیمیـــا ایلـــه قیلـــدی زر یوزومـــو، یـــاری بولماغـــا سیمیاســـی قـــانی؟
صـــدقیمی بیلـــدی حســـن عشـــقیندن، بـــس یســـزه وصـــلی‌نـــین صفاســـی قـــانی؟
ال– ایـاغ ایلـه بـاش و جـان اوینامایـان، عشـقی یولونـدا دسـت و پاسـی قـانی؟
یاخاســی هجــر اودونــا یــوز بــین ییــل، قاخمایـــان عشـــق ایلـــه یاخاســـی قـــانی؟

1273
قاپلـان اولمـوش کؤنـول، شـکاری قـانی؟ عشـــق ائشـــیگینه آه و زاری قـــانی؟
گؤزلرینـــدن اوچ آیـــاغ ایچـــدی کؤنـــول، گؤزونـــه قارشـــی بیـــر خمـــاری قـــانی؟
بـــاش دیزینـــده قویمـــوش بنفشـــه بنـــین، گؤرمـــوش اول زلـــف بیقـــراری قـــانی؟
بلبلـــه زاری گؤســـته‌ریـــدیم، اگـــر، گؤرســـه ایـــدیم بـــن اول نگـــاری قـــانی.
گـــؤزو آهوســـو صـــید قیلـــدی بنـــی، توتاغینـــداغی دور شـــکاری قـــانی؟
نئجـــه بئلـــی تنیمـــی قیـــل قیلـــدی، تنـــی قیـــل قیلمـــاغین کنـــاری قـــانی؟
اختیـــــار ایلـــــه واردی دل تاپینـــــا، شـــیمدی بـــو کؤنـــول اختیـــاری قـــانی؟

1274

کؤنول نگارا قونوب اولدو مرحباسی قانی؟
گؤزوم دنیزلر آخیدیر آشناسی قانی؟

یوره‌گیمین قانینا گیردی لعلی قانلی‌دورور،
نولاسورار ایسم‌آندان کی،خون بهاسی قانی؟

گؤزوموجادوگؤزون‌خسته‌قیلدی‌خیالی‌دورور،
آیاغین ایزی توزو اولدو توتیاسی قانی؟

بنیم قانیم بو جهان بوینونا دوشر، زیرا،
گره‌ک‌کی، گؤسته‌ره بانا جهان صفاسی قانی.

اته‌گین الینی توتدوغوم اولیالارین،
گره‌ک کی، ایریشه ایدی بانا دعاسی قانی؟

1275

قوپار یئنه کؤنولدن بیر معانی،
کی دیل بیلیری دیل سؤیله‌مز آنی.

نمازی قاشی محرابیندا قیلدیم،
چو آندا اوخودوم سبع مثانی.

لبینده دیل قانینی ثابت ائتدین،
اگر عدلین سوروشدورسا قانی.

کناره قیلا ایدیم شول میاندان،
کناریندان اله گیرسه میانی.

جهانی جان یولونل وئریرم بن،
کی جان اوچون دیله‌رم بن جهانی.

کؤنول آلدی گؤزون لعلین زماندیر،
کؤنول گره‌ک ایسه دوتام زمانی.

گؤزونه دگمیسین گؤزلر نگارا، –
کی آتار اوخو و ساخلار کمانی.

لبیندن سورا گؤردوم بیلیمه دیم،
کی نره‌ده اولار بو لعل کانی.

1276

بنجیله‌یین‌حسنونه قارشی، شها، حیران قانی؟
زلفون ایچینده کؤنولوم کیبی سرگردان قانی؟

دیده مردملیک قیلیبان دؤکدو آیاغینا درّ،
بونجیلایین‌گؤز ایره‌ر یئرده بگیم انسان قانی؟

کفردور زلفون بناگوشوندورور ایمان یقین،
جمع بیر یئرده، نگارا، کفر ایله ایمان قانی؟

لبلری نین قانیدیر درمان بو جانیم دردینه،
چاغیریرام‌هرساچی کی دردیمه درمان قانی؟

قاندان اؤزگه نسنه ایسته‌مز خیالی لعلی‌نین،
دؤکه‌رم‌گؤزیاشینی‌کی، قانی‌اول مهمان قانی؟

1277

گؤرسم نه خطا اولا عجب شول قیریمینی،
چیندن کی ایسه کی، بیلم آنین قاریمینی.

لعلینه دئدیم حالیمی ایسیردی توتاغین،
فرق ائیله‌ییمه‌دیم دخی امیندن امینی.

دمدور یوره‌گیم ایله یاشیم هر بیری هر دم،
آدم دئمه‌زوز آنا کی، بیلمه‌یه دمینی.

یایینددا آنین تیری گؤرور هر قارا گؤزلو،
هر کیشی گؤرومه‌یه کمانیندا کمینی.

مطربلیغی گر گؤیه ایروره نه عجبدیر،
چون زلفو گره‌لری اورور چرخ و زمینی.

1278
دئدیم گؤزومه، ای گؤزوم خیالی، یاریمین قانی،
خیالینی یئتیردینسه، قانی گؤزلری‌نین قانی؟
گؤزوم سنی گؤره‌لیدن گؤزونه اؤزگه گؤزوکمز،
رعیت سهل اولا گؤزده چو گؤز گؤرموش اولا خانی.
زمانه قیلسا بیر ارلیک بیزیم ایله بو عالمده،
آپارسام اودا یاخانی بنی بو اودا یاخانی.
نئچین ای دلبر جانی، بو جانی سهل گؤرورسون،
نئچین تانری‌نین امرینه اولورسون عشق ایله جانی؟
نگارا، مشک ایله زلفون مشککلدیر بدیع اولا،
کی بولا بو کؤنول آندا دیله‌گینجه تن آسنی.

1279
بو سؤز ایله فاش ائتدی لبین راز جهانی، کیم سوزوم ایله یاخدیم اودا ساز جهانی.
سن زلفونو گؤرکی، نئجه بیر قیلینا اسدی، بیر شورشیمیز ایله و ساباز جهانی.
اقلم ازل یازدی یوزونه خط حسنی، شول دم کی، قیلیرلار ایدی آغاز جهانی.
آپاردی گؤزو جانی و اولدو لبی ضامن، دوتارلار ایسه بورجلو اوچون نولا ضمانی.
پالوده قیلیب کیرپیگ ایله یاشیم آختیدیم، تا آندا نشسته قیلام اول سرو روانی.

1280
نئجه بو یوره‌گیم قانی آخا، آخیدانی قانی؟ شیمدی‌گؤزومدن‌سوآخار،یوره‌گیمین‌قانی‌قانی؟
جان‌ایله‌عقل‌وکؤنولودلبرآپاردی چوخدورور، شیمدی‌تنی‌دورورعجب‌بوتنیمین جانی قانی؟
یوره‌گی‌یازمادی گؤزون، یازیغا یازدیلار آنی، سهل‌اولااوخااوخ،دئریز،بول‌آخی،دمره‌نی‌قانی؟
بن‌سنی‌گؤره لی اؤزوم سنده ایتیرمیشم، شها، سنی قاچان کی، بولورم بولومازام بنی، قانی؟
یار بانا عتاب ائده‌ر، بن آنا عذر ائده‌رم، عذری بیر ایمیش دئییب، ائشیده‌نی قانی؟

1281
گؤزوم آخیدالی یولوندا قانی، تاپوندان بیر وفا بولومادی قانی.
قینامیز اولماییسار صحبتیندن، کی، نازکدیر قاوانیدن آغانی.
قولاغیم درّ سؤزوندن ائشیدیرسه، بو عیانیمدا گؤره‌سین معانی.

لب و یوز، گؤز و قاش، گیسو، آیاق – ال، | نمازیم‌دادورور سبع مثانی.
بنیم جانیم جانینا متصلدیر، | یا نئیچون جانیسین، ای یار جانی؟
سؤزو شیرین دئمک گره‌ک، لبیچون، | چو اولدو خسرو خوبان زمانی.
سیغینسین گؤزلری‌نین گوشه‌سینه، | جهاندا دیله‌ین امن و امانی.
گؤزوم لعل و دیلیم درّلر دؤکرلر، | سنین یولونا یغمادیر دکانی.

1282
مصاحبلر،گلین،بالله، قیلین بیر آیری روحانی، | کی،کیم‌دوشموش‌آی‌اوستونده‌عجب‌بودسته‌ریحانی
دخی نازک دیلر ایسن آشاغاراق نظر ائیله، | کی،بیرنقطه‌ده‌جمع‌ائتمیش‌مهتاب‌بحرایله‌کانی.
از انسان‌گؤزون‌انسانی‌کی،بیردل‌قومادی‌سالم، | عجب‌اولامی‌حوروسون دییه‌مه‌زم کز انسانی؟
لبیندن‌بالنا بیر جرعه کی، زادِ هر دو عالمدیر، | یئگیره‌ک اول سودان کی، گلیر بوی حیوانی.
گؤره‌لی‌ایشبوباری‌کیم‌بئلینه‌باری‌وورموشدور، | قومازام‌جانی بئلینده کی، گؤسترده گرانجانی.

1283
لعل لبیندن سورام، قانی یوره‌گیم قانی؟ | قانینی خود گؤرورم، قانی یوره‌گیم قانی؟
جانیما جانی دورور، ولیکن تنی، | بانا دئدیریر هله شعر ایله بو تنی.
چین دئیه‌لیم گؤزلری راست خطایی دورور، | بوکؤنولوم مصری‌نین پس‌نه‌دن اولدو خانی؟
غبغبی کافوری و مشگی دورور بنلری، | یاناغی گلگون، ولی گیسولاری سوسنی.
عشقی اودو دامغالار یئنی گلن کؤنولو، | زلفو کمندی ایله رام قیلیر توسنی.

1284
بیزدن یانا بیر رنجه قیل[1]، ای سرو روانی، | تا آنا نثار ائیله‌یه‌لیم روح روانی.
ساچین قیلی شول بئلینه دگیلمی کمر بس، | قاندا کی، لطیف اولا چکر بار گرانی.
مرّیخ‌گؤز و زهره قاش، آی آلین و گون یوز، | بو لطف ایله عالم گؤزو گؤرمه‌دی قیرانی.
گؤزوم یاشی قوپاردی بو دم عالمه توفان، | آهیم بویادی گؤیو دخی دخانی.
گؤرمه‌دیگیمی بانا جنایت یازار اول یار، | عاشق نه قیلا، چون جانی بؤیله اولا جانی.

1285
گئج گلیر و اولدو بیزع ایاغ، گؤر بو ساقینی، | گوندوز قیلیر بیزه گئجه‌یی، گؤر بو ساقینی.

1– رنجه قیل = زحمت چک،

بویوردو عشق شاهی کی، هئچ ایاغ اولمایا، بیر قولویوز آنین هله توتدوق یاساقینی.
آلماز ایسه الیمیز الینه سهل اولا، بن باشیم اوستونه گؤتوره ییم آیاقینی.
یاخار بنی یاخیندان و ایره‌ر ایراغینا، بن یاخینا گؤتوره ییم آنین ایراقینا.
سالدیم اؤزومو بیر دنیزه کیم قاتی یاخین، گؤرمز نئته کی، دنیز اولورسا قیراقینا.

1286
زلفون قاچان کی، یاسایا، ای شاه، خیالینی، گونده‌گره‌ک‌کی،یئگ گؤره عشق اری لیلینی.
بیر نظره جانا دئیو منادی بویور، شها، کی، ساچاسین یوزونه کؤنول اهلی میلینی.
گؤزلریم انتظار ایله نه کیم چکر ایسه، دیلدن ایروره خون ایله عمّانه سیلینی.
ای عشقی محتسب قانیسین، گل بو حلقه‌یه، کیم کم توتار گؤر آخی بو بازار کیلینی؟
مشگ ایله عنبره ساچینی نئجه بنزه‌دم، مگر کی، زلفو لطفی بانا اؤرته زیلینی.

1287
صحبتین‌سیز، نگارا، وایه قانی، اول سعادت فرقینه، بایا قانی.
آیاغین توپراغینا یاش دؤکه‌رم، اوچارام هله بیر هوایه قانی.
دردیم اول‌دور کی، توتاغینا ایرم، ایرورم دردی بو دوایا قانی.
قاشلاری‌دیر هلال و یوزو گونش، اؤله‌ییم اول اوخ ایله یایا قانی.
جان وئریرم، شها، سنین یولونا، کیم آپارا خبر و پایا قانی.
بؤیله تاغوغ کؤنوللر آلیر، آه اگر زلفونو یاسایا قانی.
جانیما جانی وعده‌سین وئریر، وعده گره‌ک ایره وفایا قانی.
بیز آیاغی توزون هُما گؤروروز، کیم ایروره بیزی همایا، قانی؟

1288
یوره گیمی یارالادین بو یاراما مرحم قانی؟
اودلارا یاندیردین بنی، یارین ایله بیر نم قانی؟
طبیعتیم سنین اوچون گؤر نه نتیجه‌لر وئریر،
بو فکرِ بکریمی گؤروب، هر دم آنا بیر دم قانی؟
گؤزون یوزون زلفون ایله جمله‌سی عاشق دپه‌لر،
بوندا عشرت قاندادیر، زلفونده کی ماتم قانی؟
هر دم لبین قانیم ایچر، سهل اولا نوش اولسون آنا،

گؤزون بنـی جادولـادی، آنـین اوچـون امسـم قـانی؟

لعلین کی، دمـدم دم اورور، دم ائیلـه‌دی جگریمـی،

ای مـریم عیسـی نفـس اوش اؤلـورم، بیـر دم قـانی؟

جملـــه ده ســـنی کامـــل یـــاراتمیش اول چلـــب،

حسن و جمالین گؤزوکور، جور و جفـادا کـم قـانی؟

ســرو روانــین راســتی باشــین یئتیرمیشــدیر گؤیــه،

زلف آیاغینا باش قوموش آنین اوچون بر خـم قـانی؟

یوزونـــه یئتـــر واضـــحی و زلفونـــه والیـــل تـــانیق،

بئلینه کـی وارلیـق وئریـر بیـر اتـه‌یـی محکـم قـانی؟

خـــالین حجرالاســـود و بانـــا ائشـــیگیندیر مقـــام،

ای باصـفا یـاریم، بنـیم گـؤزوم کیبـی زمـزم قـانی؟

1289

دیلـــــه‌رم بـــــن نگارینـــــا لبینـــــدن آب حیـــــوانی،

مگــر حیــوان اولــا اول کــی، دیلــه‌یــه آبِ حیــوانی.

گـؤزوم انسـانی گؤزونـدن قـاتی اؤگـره‌نـدی مردملیـک

بـو درّلـر کـی دؤکـر ریـزان دگیلمـی عـینِ انسـانی؟

کؤنول مولکونو سر جمله گـؤزون بیـر لحظـه‌ده دوتـدو،

گؤزونـه دگمـه‌سـین گـؤزلر، گـل ای اسـکندرِ ثـانی.

شـــها، قیـــل بئلینـــه قولـــام اگـــر ایـــره‌یـــدی بیـــر قیلجـــا

لبـین لبیمـه یـوز بـین گـز دئیـه‌یـدی سـرِّ پنهـانی.

قومـاز جـانیمی بـو گـؤوده کـیم اول جانیمـا قووشـام

گل ایمدی، ای جانیم جانی و خوشنود ائت بو سجّانی.

بانا دئر نئجه عاشق‌سین، نه‌دیر بو عشـق هـای – هـویی؟

دئـــدیم وئریـــب خیـــالینی، بویـــور یغمایـــه دکّـــانی.

یوره‌ک‌بیرخوش کباب ائتدی، گؤزوم مئی حاضر ائیله‌دی،

یـــوزوم دوزدو طبقـــه‌دیـــر کـــی، یـــارا قیلـــا مهمـــانی.

1290
جان جامینا وئر کی، دؤکه‌لیم روحروانی، مست ائیله‌یم آنین ایله روحِ روانی.
وئردی یئله گیسولاری‌نین عشقی هواسی، کی سرّیمی آیدام شَکَر آغزینا نهانی.
عنبر قانی کیم، زلفونو گؤروب اودا یانا، یامشگ قانی، کی آنی گؤروب قورویا قانی؟
بیرسرودورورکی،قندی جاندان قورویوبدور، کیم بنزه‌ده سروی چمنه سرو روانی.
شول دُرج گُهردن دؤکه‌لی لعل ایله لؤلؤ، آلیتون ایله گوموش دخی باغلادی دوکانی.
دئدیم کی،؛ بدیع اولمایا ام خسته جانیما، ایسیردی لبین گؤر بو معانیله بیانی.
عقل و دل و جان و تنی ایسمارلادیم آنا، بن تاجر خاصّام، نئده‌رم سود و زیانی؟
رحمت‌دمی‌دیر،ساچینی‌چؤز کی، تاراسینلار، باشد که، جانیما ایره انفاسِ یمانی.
دل خلوتی ایچینده خیالی ایله جانیم، جمع اولدو، کیم آنار بو زمین ایله زمانی؟

1291
گئتمیشم بن اؤز- اؤزومدن آپارین یارا بنی، یوزو گئتمز بو گؤزومدن آپارین یارا بنی.
لبلری شیرینلیگین گرچه کیشی تاتمادی، بللیدیر آخر سؤزومدن آپارین یارا بنی.
عشقه‌تانیقلیق‌گره‌کمزکیمده انصاف وار ایسه، گؤز یاشیم ایله یوزومدن آپارین یارا بنی.
گؤزلریم عمّان ایسه، آخار اسیرگه نوز آنی، گؤر نه دؤکر هر دوریندن، آپارین یارا بنی.
گونشم،چون‌باناباخماز؛ حالیمی بن بیلمیشم، نه گؤره‌ییم ییلدیزیمدان آپارین یارا بنی.

1292
ایردی قارا دنیزه بو گؤز قانی، گؤرمه‌گه گونش یوزونو گؤز قانی؟
باخدیم ایدی بختیم آیاغین توزو، ایرمه‌گه بو طالعه ییلدیز قانی؟
گیسولارین گئجه‌سینین غرقی‌یم، گؤرمه‌گه بو گئجه‌یی گوندوز قانی؟
کؤنول ایله گؤز لبینه دوشدولر، بو یئنه هر بیریسی‌نین اؤز قانی.
قان ایله ایرماق اولوب آخار گؤزوم، بونجیلایین دونیادا بیر گؤز قانی؟
توزلار اگر یاراما لعلِ لبین، قاندا اولا بونجیلایین توز قانی؟
وارماغا یوزونه، ای یوزو گونش، بنجیله‌یین عاشقه بیر یوز قانی؟

1293
گل غنیمت گؤره‌لیم بو چمنین نزهتی‌نی، فاییت ائیله‌مه‌یه‌لیم عیش و طرب فرصتینی.

وصلتی لذّتینی خوش گؤره‌لیم شیمدیلیگه، / چو چکیسر جانیمیز فرقتی‌نین وحشتینی.
مهد معشوقه‌یی هم گندویا قارشی قیلالیم، / نیته کی، بلبل ائده‌ر چون بولا گول غربتینی.
زاهدی صومعه گر توبه‌سینی سیلدی، نولا، / کافر ایمانه گلیب، ترک قیلیر ملّتینی.
تانری‌نین رحمتی آراسینا گل بیر نظر ائت، / تا ثوابا گئده‌لر عشرتینی ذلّتینی.

1294
بیر اودوم وار نگاراینا درونی، / اگرچه کی، ساییلیران بیرونی.
بنی چکه‌لیدن زنجیره ساچین، / جنونوم کامل ائیله‌دی فنونی.
نه صاد و نون و میم‌دیر شول یوزونده، / کی تاپدوردو اؤزونه کاف و نونی.
لبین گیرمیشدورور یوره ک قانینا، / نولا، اگر دوتولور ایسه خونی.
فنای عشق اولان دئرلر بقادیر، / هله اوش جانیمیزدیر آزمونی.

1295
گؤزوندورور بو دردیمه درمان بیعینهی، / دردیم بو کی، وئرم گؤزونه جان بی‌عینهی.
غمزه‌سی نافی قیلیر نسبت عشوه‌سی، / گؤزلری‌دیر مگر بنه ایمان بی‌عینهی.
نرگس چمنده گؤزلری‌نین قاراواشی‌دیر، / خادمدورور بو گؤزومه مرجان بی‌عینهی.
آغزینی آچماییجا کیشی گؤزو گؤرمه‌دی، / یاقوتی لؤلؤدن لبی دندان بی‌عینهی.
روز قیامتی سن آنین قامتینده گؤر، / گؤزومدن آنلاغیل دم توفان بی‌عینهی.
خطی بی‌مثلهی ساناسین خضردیر آنین، / چون یاری اولدو چشمه‌ی حیوان بی‌عینهی.
انسان اولان گؤزونه نئجه‌سی قاپیلمایا، / چون هر گؤزونده اگله‌نیر انسان بی‌عینهی.
یاش ایرماغینی ایرماغا کیمین مجالی وار، / چونکی گؤزوم یاشی اولا عمان بی‌عینهی.
اودو سودور گؤزوم ایله کؤنولوم آراسی، / دوشدو ایکیسی آراسینا قان بی‌عینهی.
قاشلاری ایله عید قیلیر کؤنولوم ولی، / غمزه‌سی قیلدی جانیمی قربان بی‌عینهی.
قاشلاری حاجب اولالی بو کؤنول ائلینه، / روشندورور، گؤزلریدیر جان بی‌عینهی.

1296
یازمیش‌یوزونده گیسوسی ریحان بی‌خطیهی، / جان یازدی آنا اؤزونو قربان بی‌خطیهی.
گؤزلری غمزه اوخو ایله آدم اؤلدورور، / شیرین بودور کی قیلیر قان بی‌خطیهی.
گؤزلری سحر قیلدی کؤنوله بی‌عینهی، / قوللوغا یازدی کندوزونو جان بی‌خطیهی.
ایمان نورینی کفرو ائزاتدیسه، / گؤر نئجه یازدی آیت ایمان بی‌خطیهی.

بیـر قطـره رحمتینـی قیلینـدان اسـیرگر اول، کی، وئردی خضره شربت حیوان بی‌خطیهی.
جـان آنـا واردی لعـل لبینـدن زلـال اومـا، دیلـر قیلـا ضـیافتی مهمـان بـی‌خطیهـی.
مشکی قارینجـا آیـاغی دوزدو خطـی آنـین، گیسوسی دئر زیـره بـه کرمـان بـی‌خطیهـی.

1297

سیل‌اولدوگؤزیاشی‌ایله،غرق‌اولدوایشبو های، حسنونده گؤرومه‌یه‌لی بیر گونش و اوچ آی.
اول‌جان‌کی، چون خیال اولا بئلین قیلی ایلـه، گؤرورسه‌نقطه آغزینی، سن آنی هئچه سای.
غمزه‌ن اوخـو یاراسـینی جانیمـدا گیزلـه‌رم، سن نئجه کی، گره‌ک ایسه، آنی جهانـا یـای.
باری کی، حسنی وئردی بـو باریـک بئلینـه، جانیم گران دگیـل ایسـه اولایـدی آنـا تـای.
ساعدلرین جانـا یـدی بیاضـی گؤسـته‌ریـر، قیلیسـارام حمایـل آنـی گـر دوشـه قولـای.

1298

بیلیرسـین کـی گنـاهیم چـوخ، الهـی، امیـدیم سـندن آیـروق یـوخ، الهـی.
بنـی فعلـیم ایلـه هـم سـت یارتـدین، اگـر اکسـوک و گـر آرتیـق، الهـی.
نفـس کیمسـه اورومـاز دیلـه گونسـوز، نفـس نفـس آنـی سـایخود، الهـی.
جـانیمیز اسـروک ایـدی عشـقین ایلـه، ولـی نفـس ایلـه آییلـدوق، الهـی.
اوخـون قضـا یایینـدا چکـدین، نـه اوخ کـیم آتـار ایسـن اوخ، الهـی.
سـنی بیـزده یئتیـردوق بولومـازوز، بیـزی گـر قوروسـاق بولـدوق، الهـی.
شـاها، لطفـون جهانـا تـوپ - تولـودور، بیـز آنـدان نئجـه اویولـدوق، الهـی؟!

1299

گلـین بیـر صـحبت ائـده‌لـیم، الهـی، کـی، توحیـد اولـا حـالی هـر ملـاحی.
سـاچیندان اؤزگـه‌یـه تولاشـمایالیم، اگرچـه یوخـدورور آنـا تنـاهی.
کؤنولـده نیشـه سـلطان اولـا اول کـی، سـاییماز طاعتـه اولـو گنـاهی.
یوزونـه مـه دئییمـه‌زم، گونشـدیر، ولـی جـان گـؤز یاشـیندا اولـدو مـاهی.
گؤزونـون فعلـی یـاووزدور ائشـیتمز، اگـر اؤگـود وئریرسـه نیـک خـواهی.
لبـین بیـر بوسـه‌یـه یـوز بـین جـان ایسـتر، بهاسـین نئجـه یئتیـره سـپاهی.
بئلینـده بیـر دقیقـه وار کـی، عاشـق، چـراغ آلیـب الـه ایسـتر بـو راهـی.

1300

زهی رحمت و رحمان و زهی لطـف الهـی، کـی، خسـته‌یـم درده شـفا اولـدو شـفاهی.

مضـمر یـوزو بدرینـده آنـین درو مسـرّح، زلفـو گرهـی سلسـله‌سـی نامتنـاهی.
سئوداسی بودور زلـف سـیاهینی گـؤره‌لـی، بو گؤزلریمین کـی، قارالـار چئـوره سـیاهی.
عرض ائده‌ر ایسه حسنونو ییلدیزلارا گئجـه، دخی دئمه‌یه مشـتری بـدر آیـا کـی، مـاهی.
لایقـدیر آیاقلارینـا کـی، ایرورلـر بـاش، شونلار کی، آیاغی توزونـا قـودو جیبـاهی[1].
گؤزو قانیما گیـردی خطـا ائتمـه دی، زیـرا، انسـان قـودو دنیـادا یئنـه عـین گنـاهی.
کوه ایسه تنین، عشق اودونا کـاه گـره‌کـدیر، آهین فلگـه ایرسـه، گـره‌ک اولماسـا واهـی.

1301
الهـــی، الهـــی، الهـــی، الهـــی، الهـــی، الهـــی، الهـــی، الهـــی.
خطینچون قلم اوروب، قـدم اوردو یوزونـه، هله مشک ایله کافور رقـم چکـدی سـیاهی.
سویولوب‌سویا گیریب یوزون گؤسته‌ره‌لیدن، سانا اولدو مسـخّر ز مـه تـا کـی بـه مـاهی.
مبرقـع گـؤره لیـدن عقـول اولـدو محیّـر، جمالینی چو ایـردی فـدا جانـا کـی، مـاهی.
هـزاران ائـده‌رم آه، هـزاران ائـده‌رم واه، کیشی سانماغیل آنی کی، آهـی اولـا واهـی.

1302
عشقین ایاغین تولو چکه‌لیم، یئنه هی هـای، یوره‌کده نئجه شرح ائده‌لیم غمزه‌نی ای وای.
آیاغینا باش قویمـاق اوچـون سـرو چمنـده، کئچی نئچه مدّت کی، قرار ائیله‌دی بیر پای.
قاندا آپـارام کؤنلومـو بـن گـؤزو الینـدن؟ – هرکیرپیگی‌بیراوخ‌دورور، هربیرقاشی‌بیر یای.
آل چنگینـی چنگینـه و قـانینی بکلـه، گـر دیلـر ایسـن عـود کیبـی اودا یانـا نـای.
بو ایش نئجه عشّاق آراسیندا اولوسار راست، کی،عاشق‌اولابیخود و معشوق اولا خود پای.

1303
آل توتـاجوق، هـی بـال توتـاجوق هـی، دوشمنیمین سؤزونه اویسال توتاجوق هی!...

1304
عشقین ایاغین تولو چکه‌لیم یئنه هی– هـای، یوره‌کده نئجه شرح ائده‌لیم غمزه‌نی ای وای!
آیاغینا بـاش قومـاق اوچـون سـرو چمنـده، کئچدی‌نئچه مدّت کی، قرار ائیله‌دی بر پای.
قانـدا آپـارام کؤنولـو بـن گـؤزو الینـدن، هرکیرپیگی‌بیر اوخدور هر بیر قاشی بیر یای.
آل چنگینـی چنگینـه و قـانونونو بکلـه، گـر دیلـر ایسـن عـود کیبـی اودا یانـا نـای.
بو ایش نئجه عشّاق آراسیندا اولیسار راست، کی،عاشق‌اولا بیخودومعشوق اولا خـود رای.

---

[1]– آلنی.

1305
جانیمـــا بیـــر بلـــا ایـــدی ســـلمایی، جمـــالین کـــی، خجـــل قیلیـــر هـــر آیـــی.
ســـن آیـــی ســـئوه‌رم زیـــرا کـــی، روشـــن، ســـئوه‌ر اهـــل دلـــی روشـــن ســـنایی.
چـــو اویخـــو گؤرمـــه‌زم، دوش دئیومـــه‌زم، خجنـــدی کیبـــی گؤزونـــدن ریـــایی.
اودونـــا یانمیشـــام کلـــی دخـــی یـــوخ، اگـــر آتـــار ایســـه ســـهم خطـــایی.
گـــؤزون تیـــر قـــدر دورور کؤنولـــوم، رضـــا ایلـــه قبـــول ائیلـــر قضـــایی.
دل و عقـــل ایلـــه جـــان وئـــردیم هوانـــا، ســـاچین عقـــد ائتـــدی بـــو بیعـــین شـــرائی.
قـــدین تـــک راســـتام بـــن ایشـــبو یولـــدا، خجنـــدی کـــر قیلیرســـا افطـــارایی.

1306
گر گؤستره شول گیسولارین سرسر مویی، عقل و دل و جان جمله اولا بر سر مویی.
چـون مـوی میانینـا کؤنـول اولمـادی لـایق، عقلیم دخی هم اولمایا درخـور سـر مـویی.
گر زلفون آچیب آرزونی گؤسته‌ریـر ایسـن، دنیـادا دخـی قالمایـا کـافر سـر مـویی.
قیل بیتدی گؤزومده کی، گؤره بئلی قیلینـی، شیمدی بو گؤزوم گؤز اولا عنبر سـر مـویی.
جزم‌ائتدی‌کی، کسرائده گیسوسی بو کؤنلوم، وصلیندن آنین قالمادی دل جور سـر مـویی.

1307
زماننلاردیر کئچرعشقیم‌سنین‌عشقینله‌سـرتایی، اسیرینم ، حقیرینم، مطیعینم، هرچه فرمـایی.
جهان‌قاراردی گؤزومه، نگارینا، ساچین ایله، باشیم‌چکزیندی‌وعقلیم،نگارا،اولدو سئودایی.
بنی یوز بین بنیم کیبی فـدا اولسـون آیاغینـا، کی ایجادیمیزه بیزیم تاپوندور علـتِ غـایی.
شها،حسن‌ایله‌سنی‌حق‌ایرورموش‌غایته،لیکن، نئته‌کی،جود ایله ایرمیش جهاندا حاتم طائی.
شها،سن‌بولیمازوز بیزه هم سن سنی گؤستر، اوبادان‌شؤیله چیخیجاق‌دخی‌بولمازوزاوبایی.

1308
کؤنولده قاپـالی، صـنما، بیـر صـفای عشـق، قالدی بـو عالمـه یئنـه بیـزدن نـدای عشـق.
بـو دردیمـین دواسـینا عقـل ائـدیمز علـاج، بنزه‌ر بو درده کی، گره‌ک اولور دوای عشـق.
قانی کؤنولده سو و گؤزومون یاشـینی قـان، بنزیم گوموشون آلتون ائده‌ر کیمیـای عشـق.
عنبرساچی‌چیگنینده‌جانیم مشگی چین ائده‌ر، اولامادی بیندن اؤزگه‌یه هرگز خطای عشـق.
زلفـــو نهایتینـــده بـــو عشـــقیم ایرمـــه‌دی، گرچه یورومـاز کیمـی هرگـز بلـای عشـق.

چون گلدی عشـق ملکونـو آنـه ثمرلـه‌دیـم، تـدبیر مملکـت هلـه قالـدی بـرای عشـق.
قان ایلـه دسـتنماز اولـورام لبلـرین اوچـون، تا بیر دوکانه راسـت قـالیم آز بـرای عشـق.
عشـقین آخیتـدی قـانیمی و لعـلِ لبلـرین، عرض‌ائده‌ر اؤزونو کی، بنیم خونبهای عشق.
یوره‌ک دلیک – دلیک آلیبـان نالـه‌لـر قیلیـر، دعویسی بونا یعنی بنیم شیمدی نـای عشـق.
زاردان کؤنول بغایت و عشـقین دنیـزی اود، جـان نئجـه قاتلانیبلـه پـس هـوای عشـق.
بـین یـار عشـقی ایلـه تـاغیبن بویوموشـم، محروم اولمایـا کیشـی انـدر سـرای عشـق.

❋❋❋

جان اولورسـا بـاری جانانـه‌ی عشـق اولسـا مست اولور ایسه‌کیشی مستانه‌ی عشق اولسا.

❋❋❋❋❋❋❋

رباعی‌لر

دئدیم لبینی سورسام و امسم اولامی،
بو دردیمه بنیم عجب‌ام- یک اولامی؟
چون ایرمز الیم وصلینه، دوشموشم ایراق،
دوشده خیالینین لبین امسم اولامی؟

2
شاد اولور ایسم، وصلین ایله، غم اولامی،
بن ایرمز ایسم، نسنه سیزه کم اولامی؟
صد پاره و مجروح ائده ر ایدیم جگری،
لعلین ایله بیلسم آنا مرهم اولامی/!

3
اها، یوزونون گولونو درسم، اولامی،
نه چکدیگیمی یوزونه دئرسم، اولامی؟
پسته لبی نین دیله گی بندن جاندیر،
ردّ ائیله ییبن سؤزونو سیرسم، اولامی؟

4
مستانه ی گؤزون دانه ی بادام اولامی،
خال ایله ساچین دانه ی با دام اولامی؟
شیرین توتاغین باخدیم ایدی بختیم دیر،
ایشبو آزاجیق دونیادا بیر کام اولامی؟

5
سروین کی روان اولدو، روانا وئره لرمی،
لعلینی بو دونیا تولو جانا وئره لرمی؟
بن جانی فدا قیلیر ایسم، باخماغا بیر گز،
حسنونه سنین شعر ایله قانا وئره‌لرمی؟

6
کؤنلوم یئنه اول لیلی یه مجنون اولموش،
یاشیم یئنه یار یولونا جیحون اولموش.
لبلری چکیشمیش کؤنلومی اولامی،
باخدیم آرالاریندا مگر خون اولموش.

7
شّکر آنا کی، بن دلبرِ نارین سئوه‌رم،
کؤنولومو یار یولونا نارین سئوه‌رم.
بو گون سئوه‌رم آغزینی کی، اؤلم آنینچون،
تا یئنه دیریلم دئیو یارین سئوه‌رم.

8
لعلین، صنما، دردیمه ام- سم اولور ایسه،
بیر سیناماق اوچون ، نولا، امسم اولور ایسه.
دم قیلدی لبین یوره گیمی نوشدور آنا،
جان دخی فدادیر نولا دم- دم اولور ایسه.

9
خطّین کی خطا ائیله دی، شاها، نه قیلام بن،
اول اورتادا باری، صنما، بن نه قیلام بن؟
کؤنلوم قوشو اوچون اگر آنی توزاغ ائتدی،
حاجت دگیل آنسیز دخی، زیرا کی، ایلم بن.

10
درویش‌کی،دل‌ریش‌اولا، بیزیم کیبی اولسون،
شول‌یارکی،بی‌خویش‌اولا،بیزیم‌کیبی اولسون.
گر دیلر ایسه کی، اولا بو عالمه تشویش،
اول جانا، تشویش اولا، بیزیم کیبی اولسون.

11
اول گؤز کی، یوزون گؤرمه‌یه، گؤز دئمه آنا، شول یوز کی توزون سیلمه‌یه، یوز دئمه آنا.
شول سؤز کی ایچینده، صنما، وصفین یوخ، سن بادِ هوا توت آنی، سؤز دئمه آنا.

12
شمع اودا یانار بنزی سارارور و دؤکر یاش، قاچان کی، دؤکر قاشینا فرّاش، افندی.
قان‌ائتدی‌گؤزوم لعلین ایله یوره‌گی شیمدی، تاپدی یئنه قان – یاش ایله پاداش، افندی.

13
دئدیم کی، لبین، دئدی نه شیرین سؤیلر، دئدیم کی بئلین، دئدی نه نارین سؤیلر.
دئدیم کی جانیم جمله فدادیر ساچینا، دئدی کی، بو مسکین هله وارین سؤیلر.

14
دئدی کی، نئچون گؤزونو پر نم گؤرورم، یا کؤنولونو بن نیشه پر غم گؤرورم.
دئدیم، صنما، آنین اوچون کی لبینی، دایم گؤرومه‌زم، ولی دم- دم گؤرورم.

15
بن لبلرینی جانیما ام- سم گؤرورم، گؤزون یاراسین کؤنوله مرهم گؤرورم.
عشقین اودونو کی، یاخا ایکی جهانی، بن کندی جانیما یالینیز کم گؤرورم.

16
عشق اهلی یاری یولونا مستانه گره‌کدیر، سئودیگینی عشقینده یاستانه گره‌کدیر.
جانانه اوچون اوینایا اول جانینی شؤیله، کی طعنه اورا رستم دستانه گره‌کدیر.

17
یوره ک گؤزونون یولونا صد پاره گره‌کدیر، گیسولارین ایچینده دل آواره گره‌کدیر.
بیچاره یه کی، قالدی بو گیسون ایله مسکین، شول لعلِ لبیندن، صنما، چاره گره‌کدیر.

18
جانانه‌یه جان وئرمه‌گه عشّاقه صلادیر، جان وئرمز و جانانه دیلر بو نه بلادیر.
عالم قاموسی گر عرصاته اولا حاضر، بن سانا اگر ایره‌ر ایسم، آندا خلادیر.

19
اونوتما بنی، شاها کی درویشم، افندی، غمزه لرین اوخو ایله دلریشم، افندی.
تاغیدالی زلفئینینی شول بادِ شمالی، جمع اولیمازام هیچ، به تشویشم، افندی.

20
جان گلدی و بن دئدیم آنا غمزده‌سین، تن گلدی و بن دئدیم آنا دلشده‌سین.
گؤز گلدی کی، قیلا گله ساچیندان آنین، دئدیم کی، عاشقما، نولا، سئودازده‌سین.

تویوق لار

1
ازلده حق نه یازمیش ایسه بولور، گؤز نه نی کی، گؤره‌جک ایسه گؤرور.
ایکی عالمده حقه سیغینمیشسیز، توختامیش نه اولا، یا آخساق تیمور.

2
حقّه شُکر، قوچلارین دورانی‌دیر، جمله عالم بو دمین حیرانی‌دیر.
گون باتاندان گون دوغان یئره دگین، عشق اری‌نین بیر نفس سیرانی‌دیر.

3
یاخشی آنلادیم جهاندا وایه یوخ، یاردان اؤزگه خمارین آیا یوخ.
ایکی عالمده امید سرور دورور، آندان آیری دخی هیچ سرمایه یوخ.

4
سنجیله‌یین دونیادا خوب آز ایمیش، نغمه‌نی راست آنلادیم، شهناز ایمیش.
کؤنوللر ککلیگینه بو دونیادا، الّا، شاهین گؤزلرین شهباز ایمیش.

5
کؤنولده گیزلی بولسا بیر طاسادیر، عمّر ایله اجل دخی همکاسادیر.
دونیا بزمینده ایکی عالم دخی، عشق اری قاتینداهم بیر کاسه‌دیر.

6
بللیدیر حق قاتینده کرداریمیز، ائیله کیم وار مثمل و مرزداریمیز.
ساقیریال وئرگیل الیمه تولو ایاغ، کیم گئده بو کؤنولدن زنگاریمیز.

7
سؤز دئیم سانا اگر ایناناسین، یار گؤزونودور گؤزونه، نه ساناسین.
یارینی آندا بیله سین نه دورور، گر قریمه قارشی سن یاساناسین.

8
گؤرمه‌دیم سن تک لطیف، نازک جوان، تاپونا اولسون فدا جان و جهان،
قطره‌جه لطفون بیزه ایره‌ر بولسا، قطره تک اولا قاتیمدا بین عمان.

9
کؤنلومنی قاراخلادی گؤز قاراسی، گؤر منی نه نه سالدی گؤز قاراسی.
دیریلمک یئگ تاغینغان امکانی وار، نئجه سی دیریله عشق آواره‌سی.

10
صحبت ائتدیک بو گئجه شول یار ایله، شول قاراقجی گؤزلری عیّار ایله.

آنی قیلینالیم آینلا بو دم،   کیم قیلینمادیق دخی دیّار ایله.

11 توتماغیل بیزگه، ای جان، سن دق دخی،   توتماغای کؤپ مجرمه دق حق دخی.
آدم اولدوق ایسه تاپوندا، نولا،   بلبل اولموشدور هله لقلق دخی.

12 همیشه عاشق کؤنلو بریان بولور،   هر نفس غریب گؤزو گریان بولو.
صوفی لرین دیله گی محراب، نماز،   ار کیشی نین آرزوسو میدان بولور.

13 یئنه جان عمّانا تالیساردیر،   طالبان کؤچ گوهرلر آلیساردیر.
اوتانیزدان چیخیبان قارا قیلینج،   دوشمندن کؤپ ایللری آلیساردیر.

14 دولتیندن قاچان اولور خاکسار،   عاشق اولور معشوقوندان شرمسار.
همِتیمیز ایکی عالمده گزه ر،   نولیسار آماسیا یا نکیسار.

15 جان بو میدان ایچره آگاه اولا گاه،   عشق اری نین وارلیغی آه اولا، آه.
کیم بو یولدا توغرو گر وارور ایسه،   ارلیگین اورنینده شاه اولا، شاه.

16 بو دنیا بیر نفس اوچون اولموش یالاق،   دیبی یاخیندیر آنین دگیل ایراق.
زلفونو تاغیتما جمع ائیله، بگیم،   یوخسا اولور بو جهان آلاق- بولاق.

17 تنمی حکم ائده یار یا جانامی؟   عشق اری طعنه جانا یاجانامی؟
یار یولونا جان و تن اویناماییان،   ارنلر یاساغینا یاسانامی؟

18 مجلیسی کیم خوش توتار عنبر، عنبر،   کؤنولو کیم آپاریر؟ دلبر، دلبر.
دونیا اهلی نین باشینی کیم چتر؟ -   ایشینی توغرو قیلان سرور، سرور.

19 گلشنده دینله نه دئر بلبل، بلبل؟   ائرته گئجه ائدیجک غلغل، غلغل.
یاخشی گلدی کؤنلونه صراحی نین،   آنین اوچون باشلادی غلغل، غلغل.

20 گؤزلرین دردلیلرین درمانی دیر،   جان و دل اول ایکی نین قربانی دیر.

جانیما سئومک سنی ایراق ایشدورور، نئتسه اولور، اول چلب فرمانی دیر.

21 زلفون آچسان، دونیادا تشویش اولور، قاتی باخارسان جگرلر ریش اولور.
گؤزلرین قان دؤکمه گه قوشانیرسا، دونیادا چوخ کیشیلر درویش اولور.

22 سرو قدّین ایله جاندان اولمایا، گول چو یوزون کیبی خندان اولمایا.
لعل ایله اینجه دورور شول، اولامی، بونجیلایین لب و دندان اولمایا.

23 سنی سئوه ین، بگیم، آدم دگیل، نه دمی وار کیم کی، باغری دم دگیل.
سن گؤزون غمزه سینی آتما شونا، گیرمه یه گر یارینیز، مرهم دگیل.

24 بن سئوه ن خوبلار ایچینده شاه ایمیش، ساناسین ییلدیز ایچینده ماه ایمیش.
بن دنیزه سالمیشام بیر جانیمی، قامو ایشی باشاران الله ایمیش.

25 گول اول اولا، بلبلونو گؤزله یه، شاه اول اولا، بیر قولونو گؤزله یه.
خوب آنا دئیم کی، هر دم ایچینده، بلبلونون غلغلونو گؤزله یه.

26 زلفو عقلیمی یابانا یایامی، گؤزلری غمزه سی بنی آیامی؟
گؤرمه ییجک سنی گؤزوم دونیایی، بیر کمینه چوپچوگه زه سایامی؟

27 گیسونوزدان کؤنولوم آواره دیر، بن چو یارام، قورخونوز اغیاردیر.
گرچه جان زار و نزار اولا تنیم، کؤنولون نئدم کی، سنگِ خارادیر.

28 سنجیله یین بن یارا ایرمه میشمن، من یازییا آتدیغیم درمه میشمن.
تا دیکن تولماییبجا باغچادا، بن آنی بالتا ایله قیرمامیشمن.

29 سن خلیل الله خونینی یایا دور، عشقی اودوندان جان ایله قایا دور.
هله، ای نر، کوکره و میدانی آل، چئوره یانینداغی قامو مایه دور.

30 نطعی نین یوزونده بین آیات اولور، کیم کی اولور آندا، فیل و آت اولور.

شه رّخونو کیم گؤرورسه حق تانیق،   شه دئمه دین اول یوزونده مات اولور.

31 قانیمی ایچدیگینه فتوا گره ک،   ای بگیم، تیهوندا من صلوا گره ک،
سن دئمزمی دین کی، بن سنین اولام،   ایشبو دعویه بیزه معنا گره ک.

32 دلبرین ایشی عتاب و ناز اولور،   چشمی جادو، غمزه سی غمّاز اولور.
ای کؤنول، صبر ائت، تحمّل قیل آنا،   یارا ایریشمک ایشی آز – آز اولور.

33 دل خود آنیندیر، ولی جان آپاریر،   دینی قویماز عقل و ایمان آپاریر.
کؤنلومه گیردی خیالی دون گئجه،   ظلمت ایچره آب حیوان آچاریر.

34 آغیز- آغیز یاردان راز اولسا خوش،   دمبدم عشوه ایله ناز اولسا خوش.
یاخشی- یامان نه گلیرسه سهل اولا،   دلبری یار ایله دمساز اولسا خوش.

35 بایرامدا گؤزل قوچلار قربان بولور،   آسلانلار قایدا بولسا، غرّان بولور.
ارنلر جرگه سینده سؤز سؤیله مک،   فی المثل، چون زیره و کرمان بولور.

36 شول قوش کی، توتغان قوشونو آزاد قیلیر،   سانما کی، دونیادا اول آز آد قیلیر.
بغدادی کیم ویران قیلا بیلیر،   اول یئنه بو ویرانی بغداد قیلیر.

37 گؤزو جان اسریتمه گه خمّار ایمیش،   قاشی کؤنول ییخماغا معمار ایمیش.
دیله دیم حالیم کی، گؤزونه دئیم،   طرفه بودور گؤزلری بیمار ایمیش.

38 دونیایی چوخ سینادیق، بیر بوی ایمیش،   قامو عالم وارلیغی بیر هوی ایمیش.
قاپلان ، آسلان، اژدهالار جمله‌سی،   اجلین قایناغیندا آهوی ایمیش.

39 کئچدی کئچن وار ایسه، دوران بودور،   شیمدی قوپان جانلارا جولان بودور.
کیمده کی، وار ایسه گلسین اورتایا،   گیزله‌مک پس نه اوچون، ویدان بودور.

40 یار اگر بیز قیلی بیله یار ایسه،   قولویوز آنجاق اولور اقرار ایسه.

بیز آنا وئردیک جانی، اؤزو بیلسین، گر یار ایسه، یوخ ایسه، اغیار ایسه.

41 جادو گؤزو جانیمی شکار ائدەر، بن قولویام، اول آنی انکار ائدەر.
توتاغی اوچون شکر دئدیم ایدی، کؤنولونه گلدی تکرار ائدەر.

42 عشق اری بو دنیادا دلریش ایمیش، رنجین ایچینده بو گون درویش ایمیش.
گئیمک و یئمکدن آرتیق ایسته مک، ار کیشی نین جانینا تشویش ایمیش.

43 هر زمان سویا واریب گلمز سَنَک، قایدا گئچر ار یئرینه هر زَنَک؟
تنگریدن بولسا عنایت بیر قیلا، لاچینی دخی قاپار یئر کوکه نک.

44 ارنلر دوشمنلری آولاشیرلار، غمزەلر بیر – بیرینی قولاشیرلار.
بن قولویام دونیادا اول نرلرین، کی بو دم میدانیمدا کوکرەشیرلر.

45 کؤنول آلان دونیادا دلبر، دلبر، کی اوخوروز حسنونو ازبر؛ ازبر.
عالمده بین قارغایا بیر سایان بس، دونیادا سرور گرەک سرور، سرور.

46 اوتوروب جمع ایچن یارنلری دیر، کیم بونو بیلیر ایسه، ارنلری دیر.
کیمه کیم باخار ایسن، تهی باخما، قانجارو باخار ایسن، ارنلری دیر.

47 بینمیشیز آتیمیزا حیران، حیران، قیلسا یار بیزدن ساری سیران، سیران.
چوخ زمان گله و عمّر چوخ کئچه، الّا قانی بو نفس قایران، قایران.

48 دونیادا قوچلار باشی سرور بولسا، قوچلاری بیر– بیریندن سیچرار بولسا.
نه گرەک آندا کیشی جان اویناماق، جان و دل سرورینه یارار بولسا.

49 عشق‌اری‌اول‌دور کی، اول مست اولا، مست؛ نئجه کی نیست اولا، اول هست اولا، هست.
نئجه کی باشی گؤیه یئتر ایسه، یارنلر آراسیندا پست اولا، پست.

50 کؤنولوم تک گؤرمه دیم بیر چین کؤنول، قامو کؤنول کؤنلومه پرچین کؤنول.

تولاشیب زلفونه یئتیرمیش اؤزون،   ای کؤنول، قارا کؤنول، مسکین کؤنول!

51 ارنلر میدانلاردا جولان ائده‌ر،   دوشمنین ائلی ساری سیران ائده‌ر.
یاخشی- یامان، خیر آز، شرّی قامو،   دوتام قامو کیمسه‌دن دوران ائده‌ر.

52 سرو قدّین یولونا خم دورور ، خم،   گؤزلریم عشقین اوچون نم دورور، نم.
زهر ایچه‌رم عشقی اوچون دمبدم،   یئمه‌گیم اول اورتادا غم، دورور، غم.

53 زلفونه دئ قیلماسین بانا تشویش،   غمزه‌لرین قیلماسین، شها، دلریش.
بن زنخدانین چاهیندان دوشموشم،   نولا گر بیر گوشه‌ده دورا درویش.

54 هر نفس غمدن کؤنول آزاد اولدو،   کؤنوللر بو آرادا دلشاد اولدو.
دونیا مشرّف دورور آدیم ایله،   بو آرا شیمدی هله بغداد اولدو.

55 دونیادا گرچک عاشق قانی، قانی؟   عاشق ایسن، گؤزومون قانی قانی؟
هر عاشق معشوق اوچون باش اوینارسا،   بن عاشقین یولونا جانی، جانی!

56 ار ییگیت قایادا اورکر اورکولردن؟   یاخشی آت بلینله مز ایلکیلردن.
دوشمنلر بیزده بولسا دیتره شسینلر،   قاغان آسلان قاپپینماز دولکولردن.

57 یولونا جانین وئره ن جانباز ایمیش،   عشق اری معشوقونا دمساز ایمیش.
گیزله یم دئر ایدی عاشق رازینی،   گؤز یاشی، یوز ساریسی غمّاز ایمیش.

58 رعیّت گیلئیلری شول شاهادیر،   گئجه‌یی گوندوز قیلماق شول ماهادیر.
قورخمازام بو دونیادا هئچ کیشیدن،   جانیمین امانتی الله ادیر.

59 ارنلرین هر ایشی ارانه‌دیر،   قاپلانلار توتدوغو ایش شیرانه‌دیر.
مایه لر مایالیغین ائتسه نولا،   بوغرالیقنی قیلسا ایش نزاله‌دیر.

60 بون گونونده قوچلارا بن ایشم، اوش،   بگ ایسم، هله بو دم درویشم، اوش.

دوستلاریما دینجلیک ایسم، نه عجب، دوشنیمین جانینا تشویشم اوش.

61
دونیا دئین کیشی یه بیر وایه‌دیر، یئمک- ایچمک بو جانا بیر دایه‌دیر.
دونیا بیر کوچیددورور، گلن کئچر، الّا، سرور ییگیده سرمایه‌دیر.

62
یار اول دور ، یار ایله همدرد اولا، یاریندان یوز قایتاران یار صدر اولا.
یئمک- ایچمک یاخشیلیق گونون گؤره‌ن، ار گونونده گر دؤنه، نامرد اولا.

63
دردیمیزین حق بیلیر دواسینی، طبقده گؤردو دوشمن سهاسینی.
صدق ایله اوخ و قیلینج اوروریساق، قوپارالیم مصر ائلی قایاسینی!

64
یولا گئده ر اولامی شول نر بوغور، یولو اوغرادی هله اولسون اوغور.
تنگری ساخلاسین آنی یامان گؤزدن، میداندا کوکره‌ییجک گونور- گونور.

65
قیشلادان باشلادی دپرندی اوبا، غنچه یئنه کؤنله گین قیلدی عبا.
نیلوفر یاتدی، باشین تالدی سویا، نئیله‌سین غمّاز دورور بادِ صبا.

66
اؤزونو الشیخ گؤره‌ن سردار بولور، انالحق دعوی قیلان بردار بولور.
ار اول دور حق یولونا باش اوینایا، دؤشکده اؤلن ییگیت مردار بولور.

67
نازک اولور خوبلارین بیر نئچه‌سی، آغزی پسته ، بوی اوزون، بئلی اینجه‌سی.

68
سیل آخار هله بو دم یاشیم بنیم، یوره‌گیم قانییلادیر آشیم بنیم.
آنین اوچون گئدیسر باشیم بنیم. غیرت اوچون بیر قوشاق قوشانالیم،

69
ارنلر اؤز یولوندا ار تک گره‌ک، میداندا ارکک کیشی نر تک گره‌ک.
یاخشی- یامان، قاتی- یومشاق اولسا خوش، سرورم دئین کیشی ارکک گره‌ک.

70
یار یوزونده اینجی دیر، دٌردانه‌دیر، زلفو دام و قارا خالی دانه‌دیر.
یولونا اؤلور ایسم، توتما عجب، یار اوچون جان اویناماق مردانه‌دیر.

71

دونیادا ار وارلیغی دلدار ایمیش،   عیش و عشرت رونقی دیدار ایمیش.

یوزو گول، سنبل ساچی، عنبر خطی،   پس جمالی کلبه ی عطّار ایمیش.

72

اؤنوموزده شمعه لر یانا دورور،   ییگیتلر قیزیل سوجی قانا دورور.

بو دمی گلین غنیمت گؤره‌لیم،   کی دونیا، ای یارنلر، فنا دورور.

73

هر زمانین بیر نگار و شاهی وار،   هر گونون گونش، گئجه نین ماهی وار.

اودونا دوشه نه قالمادی قرار،   یولا چیخان کیشی نین اللهی وار.

زار و زرد اولان نزار اولسا اولا،   چونکی بو یولدا آنین بیر آهی وار.

کیم کی همدم دیر جفا و جور ایله،   لاجرم هجر ایله بیر همراهی وار.

کهنه پوش اولدو بو دم یولوندا جان،   حالیا نه ایسه شئی لی‌للهی وار.

74

گؤزل چوخ آراسیندا دلبر قانی؟   تاشلار کؤپ، اورتا یئرده جوهر قانی؟

قوچ و بوغرا، آیغیری چوخ گؤرموشوز،   آدمیلر ایچینده سرور قانی؟

75

قارشیدان چیخیب گلن حبیب ایمیش،   یاناغیندا قارا بن غریب ایمیش.

لطف ایله دردیمیزه قیلدی دوا،   بولغایمی اول یگانه طبیب ایمیش.

76

قانقی جاندا اود وارینی آه بیلیر،   باشدا نه یازیلمیشینی اول شاه بیلیر.

جان گیریبدیر عشقی یولونا آنین،   یولا چیخانین ایشین الله بیلیر.

77

شؤیله کی، عنبر ساچی مسکین اولور،   نه عجب گر جان آنا مسکین اولور.

نئجه کی، جاندان کؤز اولورسا اودو،   آه و زار ایله بیزار تسکین اولور.

78

جانا جان وئرمه‌یه‌نین نه جانی وار؟   جان وئره‌نین آدی ایله سانی وار.

ار کیشی‌نین متاعی ارلیک اولور،   جوهری‌نین لعل ایله مرجانی وار.

79

ارنلر بو دونیایا قیلماز نظر،   بوندا عقلی وار کیشی قیلماز قرار.

بو دونیا کؤلگه دورور، قووار قاچسان،   بیر کیشی کی قاچار، آندان اول قووار.

80
گـون نئجـه کـی، سـیر ائـده ر جولانینـدا، گؤرمـه‌مـیش سـیز تـک جـوان دورانینـدا.
ارنلـــر جرگـــه ســـینده دئیـــیلن ســـؤز، یئرینـــه یئتمـــک گـــره‌ک میدانینـــدا.

81
یولونـا جـان وئرمـه یـن تقصـیر ائـده‌ر، گؤردوگـو دوشـینی کـژ تعبیـر ائـده‌ر.
هـــر کیشـــیه نـــه یازیلقـــانین گـــؤرور، آنـــی بیلمـــه‌یـــن دخـــی تـــدبیر ائـــده‌ر.

82
بلبـــل اؤزونـــو بـــو دم تعریـــف ائـــده‌ر، نوبهـــاری گـــؤرنلر تشـــریف ائـــده‌ر.
طـــوطی گـــر ائـــده قـــول و عمـــل، مونـــا لقلـــق موســـیقی تصـــنیف ائـــده‌ر.

83
گؤزومـــدن آخیـــدیرام جگـــر قـــانی، گـــؤز قانینـــا دؤیمـــه‌گـــه جگـــر قـــانی؟
قاشـــی یـــای، کیرپیکلـــری ســـحردورور، اول ســـحره دونیـــادا ســـپر قـــانی؟

84
ار کیشـــی ار عیبینـــدان کـــور اولـــا گـــر، دونیـــادا آدمیلـــر بولـــار بشـــر.
محگـــه توتماییتجـــا کـــیم نـــه بیلـــه، صـــافی‌مـــی‌دیـــر، یـــاخود قـــاتیقلی‌مـــی زر؟

85
نئجـه کـی، گؤیـده گـونش سـیرانی‌دیـر، بـــو جهـــان ارنلـــرین میـــدانی‌دیـــر.
یـــئ و یئـــدیرگیل، آل و باغیشـــلاغیل، هـــر زمـــان بیـــر بیگیـــدین دورانـــی‌دیـــر.

86
گـــؤزلرین بغـــداد ائلـــی عیّـــاری‌دیـــر، لبلـــرین روم ائلـــی‌نـــین خمّـــاری‌دیـــر.
عشـــوه لـــرین ایلـــه کیمـــین ســـؤزو وار، هـــر شـــیوه‌ن بـــو دونیـــانین معمـــاری‌دیـــر.

87
ســـلطاندان بیـــز قوللـــارا فرمـــان بولســـه، یـــار لبینـــدن درده بیـــر درمـــان بولســـه.
شـــول هلـــالی قاشـــینی چـــون گـــؤردو گـــؤز، وارلیغیمیـــز یولونـــا قربـــان بولســـه.

88
رّخونـــو گـــؤرور بولســـه شـــام و شـــامات، آتینـــی ســـالیب یایـــاق بولیســـار مـــات.
بـــو ســـؤزو دئـــدیم ســـانا اینانمازســـان، اوســـتومه یـــاز حجّتـــی، ایشـــده دوات.

89
هـــر زمانـــدا تنگـــری یاخـــار بیـــر چیـــراق، آنـــا یامـــان ســـاغینان قـــالیر ایـــراق.
دوشـــمنی حقـــه ســـیغینیب باســـاریز، ســـاقی، تئـــز تـــوت، ســـون بیـــزه تولـــو ایـــاغ.

90 یار گره ک یاری ایله همرنگ اولا، گر نشاط و عیش و صلح و جنگ اولا.
اول ایکی یارین کی، اویوشماز بیله، ایشلری اورتادا شیشه – سنگ اولا.

91 یارنلر فراقیندان آه و بین آه، یار اوچون اؤلمکلیگه چوخدور گناه.
شول گون اوچون کی ییگیتلر گونودور، جمله‌نیزدن دیله روز بیر گز الله.

92 توتالیم ، سوجی واردیر، حریف قانی؟ اورتادا سؤز چوخ کئچر، عارف قانی؟
سبزه و جویو چاغیر خاطردورور، یاری نازک، دلبری ظریف قانی؟

93 جانا قالما، گر یارا ایرم دئرسن، باغا دوشگیل، شفتالو درم دئرسن.
باشا- جانا دونیه لیگه قالماغیل، ارنلر میدانینا گیرم دئرسن.

94 صاباحا چیخارمیشدیر مخمور گؤزلر، یایینی قوروب عاشق کؤنلون گؤزلر.
من آنی جفاسیچون یوزله مه دیم، اول منی عشقیم اوچون بین گز یوزلر.

95 معشوقون هئچ عاشقه یانماز باغری، بین عاشق یار قاتیندا بیر چؤپ آغری.
هله یارین یولونا وارلیق فدا، دوشمنه بیر گز دخی الله – تنگری.

96 ساچین تک بو دونیادا عنبر وارمی، گؤزون تک باغ ایچینده ابهر وارمی؟
جنّت ایچره حوریلر جمع اولیجاق، خوبلارا سنجیله‌یین سرور وارمی؟

97 گؤزو اسریدیب اؤزو آیاسی‌دیر، وصفیمیزنی دونیایا یایاسی‌دیر.
ایومه گیل بیر دم کی، یئته آتلیسی، بو هنوز عشقیمیزین یایاسی‌دیر.

98 یاری اغیار قور ایسم، جهل اولا، جفا یاردان چکر ایسم، سهل اولا.
یار اؤلور ایسه یاریچون غم دگیل، سهل اولا ایش، چونکی دلبر اهی اولا.

99 یالینیز یاریجیسی بیر الله‌دیر، غریبین ناله و زار ایله آه‌دیر.
یوز اوریبان ارنلر حضرتیندن، بیز گنه لی قوللارین شئیِ لله‌دیر.

100
عشــق قاتینــدا زاهــدا بیــر دنــگ ایمــیش، دلبرلــر کؤنــوللری چــون ســنگ ایمــیش.
بــو نفــس کــی، مقصــودلار بولــدو حاصــل، چئــوره گــی یارانلــارین گلبانــگ ایمــیش.

101
کــیم بیلیرلـــر بیـــر نفســـه بهانـــه‌دیـــر، اول ایشـــلر اورتـــادا، قـــول بهانـــه‌دیـــر.
کیشـــی اؤز اکســیکلیگین بیلیجـــه گـــز، دونیـــادا آنـــین ایشـــی شـــهانه‌دیـــر.

102
بـــاده اولماســـا، عمـــر بربـــاده‌دیـــر، جانـــا یـــارین صـــحبتی زواده‌دیـــر.
قدّینـــه ســـروِ ســـهی قـــول دور، بگـــیم، نئجـــه کـــیم آنـــین آدی آزاده‌دیـــر.

103
جنّتــده یــوزون کیبــی حــور اولماغــای، مســت گــؤزون کیبــی مســتور اولماغــای.
یولونـــا جـــان اوینامـــاغی دیلـــه‌رم، قورخوم اول دور کی آنا دستور اولماغـای.

104
جـانیم اول کـی، جملـه عـالم جـانی‌دیـر، لعلــی آنــین جملــه جــوهر کــانی‌دیــر.
شّــکر آنــا کــی، بیــر نفســده گلمیشــوز، کــیم بــو دم ارنلــرین دورانــی‌دیــر.

105
دونیــادا بیــر جانــا بنــزه ر جــان گتیــر، کــافر ایســن، دخــی گــل ایمــان گتیــر.
هلـــه بـــو درده دوشـــوبن یانـــارام، بولــدون ایســه، دردیمــه درمــان گتیــر.

106
قاغـــان آســـاملار اگـــر آنلـــار ایســـه، آنلایـــا هـــر کـــیم آنـــا اوغـــرار ایســـه.
قانـــدا اگـــری وار ایســـه توتماغیـــل دق، صـــاعقه، قـــوچ قیلیجـــی تـــوغرار ایســـه.

107
عشـــق اری نئجـــه یانیســـار نـــاز ایلـــه، نئیلــه‌یــه، گــؤرون، کؤنــول شــهباز ایلــه.
توتـــالیم، عاشـــق کـــی، رازیـــن ســـاخلایا، نئیلــه‌یــه گــؤزون کیبــی غمّــاز ایلــه؟

108
هــئچ اونولمــاز گــؤزلری‌نــین یــاره‌ســی، قییــدی یاولــاق بانــا جــانیم پــاره‌ســی.
تاغیـــدیر زلفونـــو کـــی، بـــن تاغیلـــام، خــود نئجــه جمــع اولــا عشــق آواره‌ســی؟

109
اوستونده دولـت بـو گـون سـیوان اولسـون، ســـعادت یئنـــه بیزگـــه ایـــوان اولســـون.
نئجـــه کـــی بـــن ســـاغام و قایغورمـــانیز، وار جـــانیم ییگیتلـــره قربـــان اولســـون.

110
شــول کیشــی نــین کــی، جانینــدا دردی وار،
اشـــکِ ســـرخ و رنـــگِ روی زردی وار.
الده بـئش بارمـاغی دوز کـیم گؤرموشـدور،
مـــرد اولـــان یئـــرده لابـــد نـــامردی وار.

111
بولمایـــام ســـن تـــک نئجـــه آرار ایســـم،
ایکـــــی عـــــالم خـــــالقینی آرار ایســـــم.
یـــوره گیمـــده هـــم یئنـــه نقشـــین بولـــام،
بیچـــاق آلیبـــان آنـــی یـــارار ایســـم.

112
یـــار اگـــر یـــوره گیمنـــی یـــارار ایســـه،
مـــن آنـــی تارتینمایـــام یـــارار ایســـه.
مـــن اؤزومنـــی یولونـــا قیلـــدیم فـــدا،
نولـــا چـــون انصـــاف آنـــا گـــر یـــار ایســـه.

113
ارمـــی دیـــر ســـرباز و ســـرباز اولمایـــان،
آلاجـــا اؤردک لـــره بـــاز اولمایـــان؟
یئمک، ایچمـک، گولمـک، اوینامـاق حـرام،
ار گونونـــده یـــارا دمســـاز اولمایـــان.

114
اولـــدو مســـخّر بیـــزه چـــو شـــاملاریم،
دوشـــمنه دمـــور بولـــدوق، دوســـتلاریم!
هـــر کیشـــیلر یوروســـون یوللارینـــا،
چـــون دوســـتا مبـــارکوز، دوشـــمنه شـــوم.

115
باسـیجاق دونیایـا سـن دوشـدو خاچلـار،
باشلادی حـق باطـل لـری باشـین سـوچلار.
دونیایـا هـر قـوچ کـی گلـدی ، شـکر آنـا،
تایانـــدی آنـــین بیرلـــه جملـــه قوچلـــار.

116
گـــؤره لـــی ســـاچینی بولمـــادیم قـــرار،
یوزونـــه بولســـون فـــدا گـــول، ای نگـــار!
توروجـــاق قارشـــینیزا مـــن درلـــرمن،
ساناســـین دؤکمـــوش گولگـــه ابـــرِ بهـــار.

117
تاپونـــا اولســـون فـــدا تـــن و جـــانیم،
یولونـــا قیلـــدیم قربـــان ایـــت و خـــانیم.
عـــار و ناموســـی اگـــر تـــرک ائتـــدی یـــار،
قویمـــازام بـــن دونیـــادا آد و ســـانیم.

118
قوشـــونلار بیـــر- بیرینـــه قاخشاشماشـــدا،
ایکـــی عـــالم چریســـی چاخشاشماشـــدا.
توپومـــوز بولینیســـار خالقـــا امیـــد،
بـــو جهـــان خـــالقی ایشـــی اوخشاشماشـــدا...

فهرست غزللر:

سؤزلوک

آ

آب بقا = افسانه لره گؤره ظلمتده بیر سو چشمه سی واردیر کی اونو ایچن اؤلمز.

آب حیات = یاشاییش سویو

آب نیسان = نیسان سویو، آوریل آییندا یاغان یاغیشا دئییلیر، بهار یاغیشی، چوخ آخان گؤز یاشینا اشاره دیر

آونگ = آسقی

آداب = دب لر، عنعنه لر، رسم و رسوم، قایدا – قانون، اصول

آزرده = اینجیمیش، غملی

آیات = آیه لر

ایاغ = قدح؛ پیاله

آل = حیله، توند قیرمیزی

آلوده = بولاشیق

آلشاق = آلچاق، آشاغی

آسّی = فایدا، قازانج

آهن = دمیر

آشیانه = یووا، سیغیناجاق، قوشلارین یاشاییش یئری

آشوف = قال ماقال، چاخناشما، فتنه

آشفته = بیر – بیرینه دئییلمیش، پریشان، هیجانلی، وورغون، دلیجه‌سینه عاشق

ا

ابریق = شراب کوزه سی

اعراض = باش قاچیرما، اوز دؤنده رمه،

احتراق = یانما، آلیشما، بیر سیاره نین گونشه یاخینلاشماسی

اعجاج = غریبه، معجزه

ابابیل = داغ قارانقوشو، قرآن سوره لرینده گلن قوشلار

عبد = بنده، قول

ابدان = بدن لر

ابد = همیشه لیک، سونو اولمایان زمان

عبیر = خوش قوخو

ابلق = آلاجا، آلا – بولا، آیاغی آلا اولان حیوان، ایکی بویالی حیوان

ابتر = اولادسیز، سونسوز، فایداسیز

ابهر = نرگس چیچه یی، گؤز، گؤزل آدام

اولک = اوزده قیریشیق، سنگر، اویوق

اوصاف = وصف لر، کیفیت لر، تعریف لر

اقوال = دانیشیقلار، صحبت لر

اقداح = قدح لر، پیاله لر

اقصی = اوجقار، اوزاقدا اولان

ادانی = آلچاقلار

ادوار = دورلر

اعضا = عضولر، اؤیه لر،

ازرق = گؤی رنگی، ماوی

ازها = قربان

اعیاد = بایرام لار

اعلال = چئویرمه، دؤنده رمه

الف = مین

الفراق = آیریلیق، هجران

الحق = دوغرو، دوغرودان

امواج = لپه لر، شپه لر، دالغالار

امل = آرزو، ایستک

اعنا = یورقونلوق

انباز = شریک، اورتاق

اندیشه = دوشونجه، قایغی، ماراق

النور فی السواد = قارانلیقدا ایشیقلیق

انه گ = یاناق

انگیز = هوسه گلمک، قیزیشدیران، حرکته گتیرن

انجم = اولدوزلار

ارواح = روحلار

ارزان اوجوز

اسود = قارا

اسد = آسلان، 12 بورجون بیری

اسن = ساغ

اسریتمک = سرخوش ائتمک، مست ائتمک

سفر = دؤنه، ساری

اصحاب = یولداشلار، یاردیمچیلار، پیغمبرین یارلاری

اطلال = خرابلیقلار

اطناب = اوزونچولوق، سؤزچولوک

افواه = شایعه، سؤز صحبت

افواج = فوج لار، دسته لر، بؤلوک لر

افلاک = فلک لر،

اختر = اولدوز، بخت

احباب = دوستلار، حبیب لر، ایستک لر

احول = اگری گؤز، گؤزو چپ

احد = تک، بیر

احزان = کدرلر، غملر

احیا = دیریلمه، یئنیلشمه

اهلیت = لیاقت، لایق اولما

احمر = قیرمیزی

احسنت = آفرین، چوخ گرزل

احسن الوجه= چوخ گؤزل صفت، الوئریشلی یول

اجوف = ایچی بوش، سویوق، آچیق، اؤرتولمه میش

اشحاب = اوخشارلیق، عینی، قاراالما، قیرمیزی مس

اشک = گؤز یاشی

اشهور = آیلار، شهرلر

اویوز = ورم

اوماقلی = ایستکلی، اومولان

اوران = اؤلچو، تناسب

اولاشماق = قووشماق

اوس = عقل

اوش = بئله، بو

اولشمک = بؤلوشدورمک

اولش = پای، حصّه

اولوالال باب = عقللی آداملار

افول = باتما، غروب

اوشنمک = تنبل لشمک، ارینمک

ابراء = برائت قازانما، قورتارما

ادرار = یاردیم، تقاعد

اقرار = تصدیق، افاده ائتمه

ازدیاد = چوخالما

ایک = اسمک

اکمال = کمالا چاتدیرماق، بیتیرمه

اکسیر = کئچمیشده یالانچی کیمیاگرلرین خارق العاده بیر قوه و تاثیره مالک اولدوغونو ادعا ائتدیکلری بیر ماده و یا ایچگی

اکتفا = کفایتلنمه

ائل = اؤلکه، ولایت

الزام = مجبور ائتمه

ایلتمک = گؤندرمک، آپارماق

ایمرنمک = سئوینمک

انقیاد = بویون اگمه

انفعال = اوتانما، خجالت چکمه

انحراف = دؤنمه، دوغرو یولدان چیخما

انشراح = مونونلوق، شنلیک

ایرمک = چاتماق، یئتمک

ارصاد = مشاهده

ارشاد = دوغرو یولا چکمک

ایثار = بخششاستمالت = جلب ائتمه، چکمه

استثقا = دوعا ایله یاغیش ایسته مه، سولو شیش

ایسیرماق = دیشله مک

اتصال = یاپیشما، بیتیشمه

اخوان = قارداشلار

اشتیاق = آرزو ائتمه

ع

عافیت = جان ساغلیغی

عامّ = هامی، کوتله، خلق کوتله سی

عارض = یوز، یاناق

عاریت = بورج، موقتی آلینان بیر شئی

عواقب = عاقبت لر، سون اوج لار

عوالم = عالم لر، دنیالار

عقد = باغلاما، نکاح

علی الدوام = دائمی اولاراق، آردیجیل

عباد = بنده لر، قوللار

عبارت = متشکل

عدّه = مهلت، اریندان آیریلان و اری اؤلن قادی نین تزه دن اره گئتمک اوچون گؤزله مه یه مجبور اولدوغو معین بیر مدت

عذار = یاناق، حیا

عسل = بال

عسس = گئجه قوروقچوسو

عرعر = سرو، سرو آغاجی

عرصات = میدان، آخرتده اؤلولرین توپلاناق یئری

عرفات = مکه ده عرفه گونونده توپلانان یئر

عفاف = پاکلیق

عقاب = عذاب، جزالاندیرما

عقد = بویون باغی، تر دامجیلاری

عفت = ناموس

عتاب = دانلاما، مذمت ائتمه

عرش = قبّه، سما، تخت و تاج

عدو = دوشمن

عزم = تصمیم، نیت، قصد

عید = بایرام

عید ازها = قربان بایرامی

عزا = یاس، اینجیمه

عقبه = داغ جیغیری، دالا باغلی، تهلوکه

عقیق = قیمتلی داش

عیار = دقیق لیک، دوزگونلوک، قیزیل و گوموشون صافلیغی

عیّار = حیله گر، کلک باز،

عنبر = گؤزل عطر

عنقا = قوف داغیندا یاشایان افسانه وی بیر قوش، سیمرغ

عندلیب = بلبل

عود = هندوستاندا بیتن و یاندیریلدیغی خوش ایی وئره ن آغاج، سیملی شرق موسیقی آلتی

عقاب = قارتال، قره قوش

عُقب = اؤزونو بگنمک، مغرورلوق

عقبا = آخرت، او بیری دونیا

عقده = نیسگیل، دونیا

عقول = جمعِ عقل، عقل لر

عدول = آزما، یولدان چیخما

عناب = تند قیرمیزی رنگده اولان ایگده نوعوندا میوه
عنایت = قایغی، کؤمک
عنان = جلو
عنب = اوزوم
عرض = ناموس، طرف، یاخشی آد
عیون = جمع عین، گؤزلر، چشمه لر، بولاقلار
علوّ = یوکسکلیک، بؤیوکلوک

ب

باب = قاپی، بؤلوم، تای، لایق، حقّ
باقی = دائمی، همیشه لیک، قالارقی، ابدی، آخرت، او بیری دنیا
بادبان = یئلکن
باره = دؤنه، دفعه، سنگر، سدّ
باری = الله تعالی، یارادان، یوکه مخصوص
بصیر = گؤره ن
باهر = آشکار، گؤزل، اوستون
باشاق = اوخ اوجو، پیچاقین آغزی، آتش
بیع = آلیش وئریش، ساتما و آلما
بغایت = سون درجه، اولدوقجا، داها چوخ
بعدا = سونرا، نتیجه ده، سونرالار
بعید = اوزاق، یاد، غریبه
بیاض = آغ
بن = خال
بنات =ع، بنت جمعی دیر،قیزلار
بنات النعش = بؤیوک آیی بورجی
بنجیله یین = منیم کیمی

برات = قیمتلی شئی، اسلام دینینه گؤره محمد(ص) پیغمبرین پیغمبرلیک خبری نین وئریلمه سی، حضرت فاطمه(س)نین تویو، 12جی امامین آنادان اولماسی،
بردار = دارا چکیلمیش
بری = پاک، تمیز، گناهسیز، اوزاق
برید = قاصد، پیامچی
برگ و نوا = ثروت، وار – دولت
برهم = قارماقاریشیقلیق، داغینیق
برجا = مناسب، یئرلی یئرینده
برجیس = ژوپیتر
بس = یئتر، کافی
بسا = چوخ، آرتیق، خئیلک
بسیط = دوز، صاف، هموار
بسته = باغلی، موسیقی اثری
بط = اؤردک، شراب کوزه سی
به هم = بیرگه، توپلاماق،
به جز = بوندان علاوه، باشقا
بهرام = مریخ، ایراندا ساسانی شاهی نین آدی، بهرام گور
بشارت = شادلیق خبری، موژده، موشتولوق، گؤز آیدینلیق
بی باک = قورخمایان، قورخوسوز، قوچاق، ایگید
بیع و شرا = آلیش – وئریش، تجارت
بیداد = عدالت سیزلیک، ظلم
بیلیش = بیلیک، دوشونجه، بیلیم
بیلی = شار، اوشاغین شار ایله اویناماسی
بی محابا = قورخوسوز
بناگوش = لاپ یاخین، قولاغین دالی
بی نظیر = مثلی اولمایان، مثل سیز

بی ریا = صمیمی، حوققاسیز، کلک سیز، پاک
بی سر و سامان = یؤندمسیز، کاسیب، پوزولموش آدام، پوزقون آدام
بیتیک = سند، مکتوب
بیش = چوخ
بیشه = مئشه، جنگل
بی شمار = سایسیز – حسابسیز،
بو(ی) = قوخو، ایسی، ایی
یغور = ایکی هورگوجلو دوا
بود = وارلیق، حیات، اولوش
بوته = اریتمک اوچون قاب، زرگرلرین و مسگرلرین قیزیل و مس اریدن قابی
بکا = عربجه آغلاما،
بون = سیخینتی، احتیاج
بنیاد = تمل، اساس، پایه، بینؤره
براق = محمد(ص)ین آتی نین آدی
برقع = اوز اؤرتویو، یاشماق
بریده = کسیلمیش،
بریان = یانمیش، قیزاریلمیش، کباب اولموش
برج حمل = 12 بورجون بیری، قوزو بورجو
بت تراش = بن یونان، بت دوزلده ن
بت شکن = بت سیندیران، بن داغیدان

پ

پا = آیاق
پای ملخ = چکیتگه آیاغی
پابوس = یالتاق
پاداش = عوض، جزا، تشویق
پایدار = دائمی، همیشه لیک
پاینده = سوره کلی، همیشه لیک
پایمال = آیاق آلتی، محو اولان
پالوده = نشاسته و شکردن بیشیریلن، سویوق حلوا یئییلن یئمک
پاچه = باش – آیاق
پایانه = دال با دال
پیوسته = دائمی، چاتما، همیشه
پیغام = خبر، سفارش، ساو
پیام = خبر، ساو، سفارش
پروا = قورخو، طاقت، صبر
پرور = بسله ین، تربیه ائده ن
پرورده = بسلنمیش، یئتیشدیریلمیش
پروری = بسلنمیش، بئجه‌ریلمیش
پروین = اولکر اولدوزو
پرداز = ترتیبچی، دوزلدن
پریده = اوچموش، قانادلانمیش
پرّان = اوچان
پس = گئری، آرخا، بئله لیکله
پیرایه = بنزه ک، زینت
پیراهن = کؤینک
پیچ = بوروق، قیوریم، دولانمیش
پیچاپیچ = چوخ دولاشیق، دولانمیش
پیچ و تاب = پریشانلیق، قیوریملیق
پوش = گئییلن، اؤرتولن
پور = اوغول
پُر = دولو، دولغون، چوخ
پرشور = چوخ جوشغون، هیجانلی

ت

تامو = جهنم،
تانیق = شاهد

تاپو = حضور، خدمت
تار = قارانلیق
تاری = غفلتا، گیزله نیلمه دن
تعالی الله = تانری یوکسکدیر
تبر = بالتا
تبرّع = احسان وئرمه
تعبیر = یوخو یوزما، آنلاتما
دولانما، حجّ رسملریندن بیری کعبه نین دورونه دولانمادیر کی طواف دئییلیر
توکّل = اوزما، گؤز دیکمه، تاپشیرما، تانریا یاپیشما
تغافل = اؤزونو بیلمه مزلییه وورما، اونوتما، غفلت
تدویر = دولانما، چئویرمه
تعلّق = آسیلی، منسوب اولما
تالّم = کدرلنمه
تامل = دوشونمه، ملاحظه، مطالعه
تزویر = حیله بازلیق
تزلزل = سارسینما، زلزله یه دوشمه
تزلّل = آلچالما، مطیع اولما، بویون اگمه
تکلّم = دانیشماق
تکیه = درویشلر و مریدلرین توپلاشدیقلاری و ذکرله مشغول اولدوقلاری یئر، شیعه لرین محرم مراسیمینی کئچیردیگی ییغینجاق، دایانما
تکثیر = چوخالتما، آرتیرما
تعلیل = خرابلیقلار، سبب و بهانه گتیرمه
تمکّن = مکان سالما، ساکین اولما
تعریض = اعتراض ائتمه
تسلسل = زنجیرله مه، علاقه
تصریف = ایسته دیگی کیمی ده ییشمه، چکمه
تفرّج = گزمه، گزینتی
تفحّص = تدقیق ائتمه، آراشدیرما

تحوّل = ده ییشمه، باشقا حالا کئچمه
تحمّل = قاتلاشما، دؤزمه
تحلیف = آند ایچمه، سازش باغلاما
تحریر = یازما
تحسین = آفرین، آلقیشلاما، بگنمه
تجدید = یئتیله مه
تجلّی = عیان اولما، تظاهر
تیز = ایتی، دیری باش
تیزاب = ازت تورشوسو
تیمار = باخما، قایغیسینا قالما، قایغی
تیر = بایدان آتیلان اوخ
تراش = قیرخما، یونما
تراشه = یونقار، تالاشا
تیر وتبر = اوخ و بالتا
تیرانداز = اوخ آتام
توحید = تانری نین بیرلیگینه اینانما
توتیا = گؤزه سورتولن درمان
توتروق = سوماق، کول – کوس
تراب = تورپاق، توز، قبر، مزار
تورونج = نارینجا
توففاه = آلما

ط

طرّه = آلیندان ساللانان قئوریم تئللر
طریق = زهره، دان اولدوزو
طرفه = تاپیلمایان و نادر شوی، عجایب، غریبه
طعمه = آذوقه، لقمه
طوبا = افسانه یه گؤره جنتده هندور و گؤزل بیر آغاج آدی، طوبی

طومار = لوله حالیندا بوکولموش کاغاذ، باغلاما، باغچا
طمع = تاماح، گؤز دیکمه، آج گؤزلوک
طرّار = اوغرو
طواف = بیر شئیین اطرافینا دولانما، کعبه نین دورونه

س

سواد = قارالیق، یازی – پوزو
سازگار = اویغون، موافق
ساعد = دیرسکدن پنجه یه قدرکی حیصّه
سایره = سیر ائده ن
سایه = کؤلگه، حمایه
سایری = سایرو، خسته، نوخوش
سالک = بیر یول ایله گئده ن، بیر طریقته منسوب اولان
سامان = دولت، ثروت
ساحر = جادوگر، مفتون ائده ن
ساجد = سجده قیلان
سبق = یاریش، جیدیر
سبع = عربجه یئددی
سبو = بارداق، کوزه
سبک = یونگول، جلد
سقّا = سوچو، سقر = جهنّم
سقیم = یالان، دوغرو اولمایان
سقف = گؤر، سما
سعد = بختیارلیق، اوغورلولوق، اوغورلو اولدوز
سعید = بختیار، اوغورلو
سکران = سرخوش، مست
سلاسل = سلسله لر، زنجیرلر
سلسبیل = یونگول و لذّتلی سو، گویا جنّتده اولان افسانه وی بیر چشمه نین آدی
سمک = بالیق
سمن = یاسمن آغاجی و گولو
سمنبر = یاسمن سینه لی
سمّ = زهر
سمرمک = کؤکلمک
سنگین = آغیر، داش اوره کلی، رحمسیز
سنجیله یین = سنین کیمی
سنیشکن = بولاشیجی، یاییجی
سراپرده = سارای پرده سی، پادشاهلارا مخصوص اولان اوتاق
سر به زمین = باشی آشاغی، امیدسیز
سرافراز = باشی اوجا
سرزنش = دانلاق، مذمّت
سریر = تخت، یاتاق
سرکش = اطاعتسیز، سؤزه قولاق آسمایان
سرکوب = دارما – داغین ائتمه، محو
سرگشته = باشینی ایتیرمیش
سر و کار = ایش – گوج
سرفه = اوره ک بولانما، باش گیجللنمه
سحاب = بولوساحره = جادوگر
سهی = قد و قامتلی، اوجا بوی
سهل = آسان، یونگول
سجّاده = نماز قیلماق اوچون استفاده اولونان اؤرتوک
سیه کار = گناهکار
سیمیا = اووسون، جادو
سین = عربجی نین حرفلریندن، «بسم الله»ین خلاصه سی

سنین = ایللر
سپاهی = عسگر، دؤیوشچو
سیراب = سودان دویموش، سولو
سیرت = معنوی احوال، اخلاق
سرشته = یوغرولموش
سفال = ساخسی،
سود = قازانج، فایدا
سوز = یانما، آلیشما، کدر، غصّه
سوزش = اوره ک یانغیسی
سوزان = کدرلی، غملی، یاندیران
سونماق = تقدیم ائتمک، دولدورماق
سوخته = یانمیش
سرور = سئوینج، شادلیق
سفرا = سفیرلر، ائلچی لر
سفته = دئشیلمیش
سوجی = شرابسجود = نماز و یا غبادت زمانی اوزو یئره سورتمه، سجده ائتمه

ش

شاب = گنج، جوان
شاباش = احسن، تویدا وئریلن هدیه
شادان = سئوینجک، ممنون
شاید = اولا بیلر کی، بلکه
شایگان = لایق، فراوان
شافی = شفا وئره ن، کافی
شاهوار = شاها لایق
شاهدانه = ایری اینجی دانه سی
شیدا = وورغون
ششدر = آلتی قاپی، دونیا و کائنات، چیخیلماز دورومشَبَر = بخشش
شبه = اوخشارلیق، عینی
شبستان = یاتاق اوتاغی، شاهلارین حرمخاناسی
شبگیر = صبح چاغی حزین سسله اوخویان قوش، صبح چاغی
شقاوت = بدبختلیک
شقیق = دوغما قارداش
شکربر = چوخ شیرین
شمایل = شکل = صورت = عکس، طبیعتلی
شمیم = گؤزل ایگلی، یاخشی قوخولو
شمس = گونش، گون
شمشیر = قیلینج
شنگ = گؤزل، گؤیچک، اوغرو، قولدور
شراره = قیغیلجیم، فلاکت
شربین = فندیق و یا فیسدیق آغاجی
شرمنده = اوتانان، اوتانجاق
شرمسار = خجالتلی
شست = خریستیانلارین ریاضت علامتی اولاراق آلتدان بدنلرینه ساریدیقلاری قورشاق، سوموک بارماقچی، ساچ هؤرویو، کمند

ث

ثمین = قیمتلی، باهالی
ثمار = ثمره لی
ثمارلاماق = امانت ائتمک، تاپشیرماق

ص

صاعقه = ایلدیریم
صافی = صافلیق، تمیزلیک، اوره یی تمیز

صاحبقران = قدیم منجّملرین فکرینه گؤره، زهـره و مشتری اولدوزونون بیر بُرجدا بیر – بیرینـه راسـت گلدیگی زمان دونیایا گلمیش خوشبخت؛

صید = اوو

صمد = ابدی، دائم، تانری نین آدلاریندان بیری

صومعه = عبادتگاه، عبادت یئری،

ج

جامِ جم = جمشیدین جامی – افسانه یه گؤره ایران شاهی جمشیدین دونیـاداکی بوتـون شـئی و حادثـه لری گؤسته رن بیر قدحی وار ایمش.

جامع = تام، بوتون، توپلانما یئری

جانباز = جانین وئـره ن، عشـق یولونـدا و جنگـده جانینی قربان وئره ن، یاخشی،

جانگداز = جان یاندیران، بؤیوک کدر تؤره دن

جاری = آخان، روان، ایندیکی، حاضر اولان

جاه = منصب، حؤرمت، یئر

جافیه = اوره کسیز، کوبود، ظالم

جیش = قوشون، اوردو

جواد = الی آچیق، سخاوتلی، باغیشلایان

جعد = قیوریملی، ساچی قیوریم

جزم = کسین، کسمه، قطع ائتمه، قطعی صورتده،

جذر = کؤک، اصل

جزر = سویون آشاغی گئتمه سی(دنیزده)

جم = حکمدار، شاه

جماد = غیر عضوی مادّه

جمل = دوه

جنان = قلب، اوره ک

جنین = دؤل، روشیم

جرس = زینقرو، کروانین گئتمه سسی

جری = جراتلی، قورخماز

جرّار = چوخ، سوروین

جسته = سیچراما

جعفری = بیر دادلی بیتکی نین آدی

جهیم = جهنّم

جهره ن = اوجادان، برکدن

جبلّت = طبیعت، یارادیلمیش

جلوه = پارلاق، ایشیلتی، ناز، غمزه

جنان = جنّتلر، بهشت لر

جوشن = زره

جود = الی آچیقلیق

جوی = آخار سو، ارخ

جزئی = قسمی، پارچا، جولاب = گلاب، گول سویو

جرعه = بیر قورتوم ایچگی

جرم = گناه، جروح = جرح ین جمعی، یارالار

جستجو = آختارما، آراشدیرما، آختاریش

جفته = جوت، قوشا

ح

حدیث = یئنی باش وئره ن، یئنی ظهور ائده ن

حایل = مانع، گؤتوره ن، صاحب

حاتم = حاتم طائی – عربلر آراسیندا سخاوتلی بیـر آدام آدی

حاجـب = اورتـا عصـرلرده بـاش وزیـر عنـوانی، اؤرتوک، پرده

حاشا الله = الله گؤسترمه سین

حبّذا = گؤزل، اعلا، نئجه

حباب = کؤپوک

حوان = آلچاقلیق

حقیق = حقلی، مستحق

حذر = چکینمه، ساغینما،
حضیران = سویون آدی
حیّ = دیری، جانلی
حکّاک = اویماچی
حلاوت = شیرینلیک، داد، لذت
حمرا = قیرمیزی، قیزیل
حمیل = دؤزه ن، صبرلی
حنّانه = باشقا کیشیه میل گؤسته رن ارلی قادین
حریم = محرم یئر، مقدس یئر
حریر = ایپک
حسن = گؤزل، گؤیچک
حجامت = کئچمیشده قان آلما عملیاتی و آلتی آدی
حجر = داش
حجرالاسود = قارا داش، کعبه‌ده زیارتچی‌لرین مقدس سایاراق اؤپدوکلری قارا داش
حشر = قیامت گونو، قیامت
حصار = حاصار
حجاب = پرده، اوتانما
حلّه = بزه کلی پارلاق
حلول = داخل اولما، یئتیشمه، صوفیلر آراسیندا روحلاری بو تندن او تنه گئتمه‌سی

ه

هزار = بلبل، مین
هلاهل = زهر، چوخ تاثیرلی و اؤلدوروجو زهر
همواره = همیشه، هر زمان
همسر = یولداش، اش
همتا = تای، تای – توش
هم خو = اخلاقی بی، اوخشار، کیمی
هرگز = هئچ وقت، هئچ زمان
هرجایی = سرسری، دربدر
هدایت = دوغرو یولا چاغیرما، رهبرلیک ائتمه
همّت = جومردلیک، یوکسک فکرلر
هما = جنّت قوشو، دولت قوشو، اوغورلولوق، خوشبختلیک
حرّ = آزاد
حجّاج = حاجی لار، مکّه زیارتینه گئده نلر

خ

خاکی = توپراغا مخصوص، دونیوی، بشرخاکنای = آیاق باسیلان یئر، آستانا
خاکسار = ذلیل، خوار، حقیر
خالی = بوش
خامه = قلم، اوسلوب
خار = تیکان
خارا = چاخماق داشی، ایپک پارچا نوعلریندن بیری
خاص و عام = جماعت
خواهی = ایستر
خاشاک = چؤر – چؤپ، زیر زیبیل
خیل = آت، ایلخی،
خد = یاناق
خدنگ = اوخ، آغجا قوواق
خلوت سرا = خلوت یئر
خلّاق = یارادیجی، الله
خم = بوکولموش، اگریلمیش
خَمّار = شراب ساتان
خمر = شراب، باده
خرق = یاریق، دلیک
خفا = گیزلیلیک، سرّ
خضاب = تند قیرمیزی بویاق

خیزان = آیاغا دوران
خلاف = اختلاف، ضدیت
خلقت = یاراتما، طبیعت
خطّه = اراضی، یئرخویش = اؤزو، قوهوم – اقربا
خشم = غضب، حدّت
خور = گونش
خجسته = مبارک، خوشبخت
خوشاب = کمپوت
خو = خاصیت، قیلیق
خوناب = قانلی گؤز یاشی
خون آلود = قانلی
خون بها = قان باهاسی
خونریز = قان تؤکن، ظالم
خورش = یئمه، ایچمه
خُلق = خاصیت، طبیعت
خرام = نازلاناراق یئریمه
خُرد = خیردا، نارین
خروش = باغیرما، فریاد
خسوف = آیین توتولماسی
خفته = یاتمیش

چ

چاو = شان، شهرت
چاکر = نوکر
چالاک = جلد، چئویک
چار = دؤرد، فلسفه ده دؤرد عنصر: تورپاق– سو – هوا – اود
چارسو = دؤرد یان، بازار
چاه = قویو
چلبی = تانری، آقا، افندی
چنبر = اگری، حلقه واری
چندان = او قَدَر، او درجه ده
چنگ = پنجه، موسیقی آلتی
چنگی = دف چالیب نغمه اوخویان
چرخ = طالع، بخت، فلک
چینه = قیوریم، بورونمه
چینِ ابرو = قاش – قاباق
چون = نئجه کی، ائله کی
چو = ایندی کی، کیمی، تک، سانکی
چون و چرا = نیه و نئجه، بوش دانیشیق

و

واضح = آچیق، آیدین، آشکار
وایه = نصیب، پای، مقصد، سبب
وام = بُورج
واهی = بوش، معناسیز، فایداسیز
وبال = گناه، تقصیر، عذاب
بدیع = سئوه‌ن، محبّت بسله‌ین، گؤزه‌ل، مثیلسیز
وزان = اَسَن(کولک)
واضحی = آند اولسون چشت وقتینه(سحر ایله قنورات آراسیندا وقت) – قرآن آیه لریدن دیر.
واللیل = آند اولسون گئجه یه، بورا دا منظور گؤزللرین قارا زلفونه اشاره دیر
ولی = لیکن، اما، یاخین دوست، قیّوم
ورزش = چالیشما، سعی، ایدمان
وسایل = وسیله لر
وجه = یوز، سیما، صبا، یول، آد، شهرت
واشّمس = آند اولسون گونشه – قرآندا همیشه افاده ایله باشلانان سوره نین آدیندان گؤتورولموشدور.
وضو = دست نماز

وصلت = وصال
وجوه = جمعِ وجه، یوزلر، دور، اصیلزاده

ک

کابین = کبین
کان = معدن
کار و بار = ایش – گوج
کارزار = دعوا، ووروش، محاریبه میدانی
کارساز = ایش گؤره ن، باجاریقلی
کاف و نون = کن فیکون – سؤزونون ایلک و سون حرفلری نین آدی اولوب مجازی معنادا خرابا، آلت – اوست، دارما داغین یئرینده ایشله نیر
کاخ = قصر، سارای
کاهل = تنبل
کی = شاه، قهرمان
کیوان = زحل پلانتی، یوکسک لیک
کیل = دن اؤلچمک اوچون اؤلچو
کعبتین = کعبه و قدسداکی عبادتگاهلارین بیرگه آدی
کژ = کج = اگری، سهو، ترس، اگریلمیش
کلالت = اوسانما
کلیم = صحبت ائده ن، مصاحب
کعلال = بدزیکمه، اوسانما
کمین = گیزله نن آدام، پوسقو
کمیاب = آز تاپیلان
کمترین = چوخ آز
کرامت = عزیزله مه، حرمت، خارق العاده حال
کرّار = قوچاق، قورخماز
کاس = کاسا، قدح، پیاله
کفی = کفنه سالما
کحل = گؤزه سورمه چکمه
کشاکش = چکیش – برکیش
کشّاف = کشف ائده ن
کبر = بؤیوک اولما، لوغاللانما
کسوت = قیافه، ظاهری گؤرکم، پالتار
کفاف = بس اولما
کشت = اکین
کون = وار اولما
کونین = ایکی دونیا، مادی و معنوی ، دونیا و آخرت
کون و فساد = عالم، طبیعت
کوکه نک = بایقوش
کسوف = گونشین توتولماسی
کومه یت = آت نوعو، تند بویالی آت

گ

گبر = آتش پرست
گنج = خزینه
گنجور = خزینه دار
گرد = توز، توپراق، گز ه ن،
گرم = ایستی،، قاینار،
گهواره = بئشیک
گیاه = اوت
گیسو = ساچ
گران = آغیر، دژزولمز، باهالی
گرانبار = ایکی جانلی، حامله، یوکو آغیر
گوی = توپ،
گوشمال = قولاق بورماسی، تهمت
گُزین = سئچن، بگه نن
گلبانگ = بیر آغیزدان گؤزل نغمه، بلبل جه‌جهی

گولف = قیزیل گوله بنزه ر گوللری اولان اوت
گلچین = گول دره ن، باغبان، هر شئیین علاجی
گلشکر = گول مرباسی
گمراه = یول آزمیش، دوغرو یولدان چیخمیش
گنبد = گؤی قوببه سی
گنبدِ دوّار = دولانان گونبذ، سما
گشاده = آچیق، آیدین

ف

فقیر = یوخسول، کاسیب
فانوس = فنر، چیراق
فاسیلیوس = وسیله، انجیلی ایلک شرح ائده ن
فاخته = قُمری
فالق = یاران، پارچالایان
فمّ = آغیز
فنا = یوخلوق، فانیلیک، تصوفده معنوی تکاملون یئددینجی مرتبه سی
فراغت = واز کئچمه، بوش وقت
فردا = صاباح، گله جک زمان
فرَس = آت، مادیان
فرید = تک، مثل سیز
فریضه = تکلیف، گیروو، دینجه یئرینه یئتیرمه لی ایش
فرّخ = مبارک، اوغورلو، خوشبخت
فرخنده = اوغورلو، خوشبخت
فتوا = بیر مساله حاققیندا مفتی یا قاضی طرفیندن شریعته موافق وئریلن حُکم، قرار
فتیله = پیلته، قیوریم، بوکوک
فلفل = ایستی اوت
فردوس = جنت، بهشت
فرشته = ملک، چوخ گؤزل و ملایم طبیعتلی
فوت = اؤلوم، یوخلوق
فوته = فیته
فنون = فن لر
فروش = ساتیش، ساتان
فتوح = غلبه لر
فوجع = بیردن بیره آلما، گؤزله نیلمزلیک

ل

لاغر = آریقریال اتسیز – جانسیز
لک لک = حاجی لئیلک
لقلق = بوش دانیشلن
لاس = عشقبازلیق
لاجرم = شبهه سیز، البته
لیلاج = حیله گر، اویونباز
لیل و نهار = گئجه – گوندوز
لعالی = اینجی لر، لعل لر، درّلر
لبیک = بلی – امر سیزیندیر – حاضرام – معنالارینی افاده ائده ن چاغیریشا جواب سؤزودور
لی حاشا الهه = اللــه اوزاق ائلــه ســین – معناسیندا ایشله نیلن افاده
لمعه = پاریلتی
لفّ و نشر = ییغما و یایما، ادبی صنعتلردن دیر
لهو = عیّاشلیقلا وقت کئچیرمه، اویون – اویونجاق
لحظه = بیر نظر، قیسسا وقت
لولی = قاراچی

م

مادح = مدّاح، تعریف ائده ن
مایه = سبب، تمل

مالک = جهّنم قورویان مَلَک

مالش = سورتمه

ماروت و هاروت = دونیوی بیر قادینا بسله دیکلری سئوگی اوچون جنّتدن قوولموش ماروت و هاروت آدلاری ایله تانینمیش ملائکه لر

ماسوا = باشقا، اؤزگه، ساوایی

ماحضر = حاضر اولان، حاضردا نه وارسا

محراب = مسجدلرده قبله جهتینده کی دیواردا قایریلمیش پیش نمازین اؤنونده دوروب نماز قیلدیغی اویوق، اوز چئویریله جک یئر، سئوگیلی نین قاشی

موزون = دوزگون، آهنگ لی، سلیس، ریتملی

مقام = دوراجاق یئر، منصب، موغام

مقطع = کسیلن یئر، سونلوق

معقود = باغلانمیش

مدود = اوزون

مدیون = بورجلو، منتدار

معدود = محدود

معدوم = موجود اولمایان، یوخ اولان

مدخل = گیریش، باشلانغیج

مدهوش = مست، بی هوش، دهشته گلمیش

مزاد = حرّاج، یوکسک قیمت تکلیف ائدیب آلما

مذلّت = آلچاقلیق، ذلیل لیک

مضرّت = ضرر وئره ن

مزید = آرتما، چوخالما

مضروب = وورولان، دؤیولن، دامغالانمیش

معکس = صورتین عکس ائتدیگی یئر

مکسور = سینمیش

ملالت = اوسانما، سیخیلما

ملامت = دانلاق، قیناما

ممالیک = مملکت لر، اؤلکه لر

ممدوح = تعریف ائدیلمیش

مامور = امر اولان،

معمور = آباد اولان

منع = قاداغان ائتمه

مناهی = قاداغان ائدیلمیش شئی لر

منظور = نظر سالینان، مقصد، بیّت

منعی = محکم، متین

منّان = مرهمتلی، سخاوتلی

منصور = یاردیم اولونموش

مانوس = آلیشمیش، اؤیره نج

مردود = سفیل، حقوق سوز، ردّ اولموش

مردم = گؤز ببه گی

مردمی = انسانلیق

مرکب = مینیک حیوانی

مریّخ = مارس، قدیم زمانلاردا مریخ دؤیوش الهه سی معناسیندا ایشله دیلیردی

مرسوم = رسملی، عادت اولونموش

مصاف = محاریبه میدانی، دؤیوش

مسدود = قاپانمیش، باغلی، سدّ چکیلمیش

مسموم = زهرلنمیش

مستور = اؤرتولو، گیزلی، باکره

مسجود = سجده اولونان،

مطلع = گونش و اولدوزون دوغولدوغو یئر، غزلین ایلک بیتی

مطلوب = ایسته نیلن، آرزو اولونان

مطروح = آتیلمیش، قورولموش

مفتوح = آچیق، آچیلمیش

مخدوم = باشچی، ایش بویوران

مخمور = مست، سرخوش، سوزگون باخـان گـؤز، خمار
محاق = آیین سـون گئجـه سـی، یئنـی و کهنـه آی آراسینداکی آیسیز مدت
محال = چتین
مهوش = آی کیمی
محسود = حسد اولونان
محسوس = حسّ اولونان، 5 دویغودان بیری
مهجود = اؤرتولو، اوتانجاق
مهجور = یاددان چیخمیش، اونودولموش
مجمر = منقل
مجروح = یارالی، بی آبرو ائدیلمیش
معجون = دادلی، لذتلی
مشاعل = مشعل لر
مشام = قوخو اورگانی، بورون
مشک = تولوق
مشرب = ایچگی قابی، خاصیت، هوس
مشروح = ایضاح ائدیلمیش، شرح اولونموش
مشّاطه = گلین و قیزلاری بزه ین، بزه کچی
میعاد – قاییتما، آخرت
مداد = کارانداش
میزان = اؤلچو
مزاج = طبیعت، خاصیت، هوس
میان = بئل، آرا، اورتا
ملح = دوز
منهاج = قایدا، بؤیوک یول، ایشیقلیق
مصباح = چیراق، فنر
مفتاح = آچار
موعد = مهلت
موت = اؤلوم

محتمل = احتمال ائدیلن، دؤزه ن
محترق = یانمیش، یانان
موقر = باشا دوشن، اعتراف ائده ن
موجب = سبب، باعث
موشکاف = تدقیقاتچی، تنقیدچی
معاف = باغیشلانمیش
مباح = شریعتجه حرام اولمایان شئی
مبرقع = قدیم موسیقی آهنگی
مبرءا = صاف، تنیز
مبتّر = نقصانلی
مبین = آیدین، آشکار
مقدّر = آلین یازیسی، آنلاشیلان
مقیّد = موغایات اولان، قایغیسینا قالان، باغلی
مقطّر = دامجیلاندیریلمیش
مغفّل = قیفیللانمیش
مقیم = اوتوران، دائمی
مقتدا = رهبر، باشچی، تقلیدچی
مدام = دائمی
مٌدغم = گیزلندیریلمیش، بنزه دیلمیش
مؤبّد = سونسوز، ابدی
معلل = سببلی
معرّا = سربست، سویونموش
مزخرف = معناسیز، بوش، عقلسیز
مضمر = گیزلی، اؤرتولو
موکلل = اوغورلو نتیجه
مکرر = تکرارلی، دفعه لرله
مکحل = سورمه لی(گؤز)
مول = شراب
ملازم = یاور، آیریلمایان
ملمّع = آلا – بولا، پارلاق، ایکی دیلده اولان شعر

ممثّل = تمثیل ائده ن، نماینده، مقایسه ائدیلن شئی
ممتنع = امتناع ائده ن، ممکن اولا بیلمه ین
منادی = جارچی
منیر = نورلاندیران
منکسر = توتقون، غملی
منکر = انکار ائده ن، دانان، اینامسیز
منشی = کاتب، ترتیبچی
مراعات = گؤزله مه، رعایت ائتمه
مساعد = کمک ائده ن، الوئریشلی
مصوّر = رسآم
مسلّم = شوبهه سیز، اعتراض سیز
مسلسل = سلسله لی، سلسله
مسمّا = آدلانان، آدلاندیریلمیش
مثنی = ایکی لیک
مصرّح = آیدین سؤیلنمیش
مسخّر = ضبط اولونموش، آلینمیش
مستغرق = دالمیش، غرق اولموش
مستمند = یازیق، بیچاره، دردلی
مصحف = قرآن،
مطوّل = اوزادیلمیش، اوزون
مطرّا = تپ تزه، طراوتلی
متصّل = بیتیشیک، یاپیشیق، دائمی، همیشه لیک
مفرّح = فرحلنمه، سئوینن
مفریح = اوره ک آچان، سئویندیره ن
مخالف = ضدّ، کلاسیک موغاملاردان بیری
مخیّر = سئچمکده سربست اولان
مخیّله = خیال
محقَق = دوغرو، گئرچک، یقین
محقِق = تدقیقاتچی
محرّم = حرام ائدیلمیشریال قدغن اولونموش
محرّر = یازیلی
محّب = سئوه ن، محبت بسله ین
مهیب = قورخولو، تهلکه لی
مجانس = همجنس
مشوّش = اضطرابلی، دولاشیق
مشقّق = یاریلمیش، پارچالانمیش
مشرک = بت پرست
مشتری = ژوپیتر سیّاره سی

ن

ناب = صاف، تمیز
نابکار = یاراماز، مردم آزار
ناوک = اوخ
نائم = یاتان
نام و ننگ = شهرت و یا بی آبروچیلیغا سبب اولان ایش
نامتناهی = سونسوز، اوجسوز – بوجاقسیر
ناپیدا = گیزلی، گؤزه گؤرونمه ین
نار = اود، جهنم، درد، غم
نافه = خصوصی جنسدن اولان آهونون گؤبه یینده کی مشگ
نعَم = نعمتلر
نیسان = آوریل آیی، همین آیدا یاغان یاغیش
نوا = آواز، موغام، پرده نین آدی، وار – دولت
نقد = قیزیلدان و یا گوموشدن کسیلمیش پول
ندامت = پشیمانچیلیق
نَدَم = پشیمان اولما
ندیده = گؤرونمه میش
نضع = قوپارما، جان وئرمه
نمرود = قدیم بابلین افسانه وی حکمداری نین آدی

ننگ = عار، عیب
نسک = دیندارلیق
نسّاج = توخوجو
نصوح = صمیمی، تمیز قلبله
نسخ = عرب خط لریندن بیری
نفیر = شیپور، شایعه بوراخما
نخجیر = اوو، شکار
نشاط = سئوینج، کئف
نهب = غارت، سویغونچولوق
نزاع = چکیشمه، دعوا، غوغا
نیام = قین، غلاف
نیک = یاخشی، خوش
نیم = یاری یا بؤلونموش
نثار = ساچما، سپمه
نیته = نئجه، کیمی
نه = دوققوز، قدیم فکره گؤره سمانین دوققوز قاتی
نزهت = اوره یی آچیلما، کؤنول شادلیغی
نکته = اینجه معنا
نصح = اؤیود، نصیحت
نوشور = دینی اینانما گؤره قیامتده اؤلولرین دیریلمه سی
اوخجار = پالتار نوعو، بویونا گئییلن شرف
اؤکوش = چوخ

ق

قاب = قاب – قاجاق، مسافه
قاقوم = سنجاب
قاغان = کوکره میش، قیزمیش، غضبلی
قائم = دیک دوران، نماز قیلان، متانتلی، محکم
قاضی / غازی= قضاوت ائده ن، دین یولوندا محاربه یه گئده‌ن،
قایی / غایی = سون
غایت = سون، نهایت، نتیجه، حدّ، چوخلو
قانجاری = هارایا؟
غار = ماغارا
قارون = وار – دولتلی بیر بنی اسرائیل آداملارینـدان کی تاریخده مشهوردور
قبا = اوست پالتار
قبانه = درویشلرین گئیدیگی اوست پالتار
قباله = قبض، بیر شئیین بوتون آلیناماسـینا الـده بیـر سند
غرقاب = گرداب، سو بورولغانی
غرّه = پارلاق، ایشیقلی، چوخ گووه نمه
قیاس = توتوشدورما، بنزه تمه
غلّت = آزلیق
غنا = وارلیق
قویوق = قاتی
غلام = قول، کؤله
قونج = ناز، ناز و غمزه
غوطه = باتما
قوشانماق = قورشانماق، باغلانماق
قوشاق = قورشاق
قزح = بولودلاری اداره ائده ن ملک
قبح = قباحت، چیرکینلیک
قسوه = ان اوزاق، سونونجو
غسل = دینی طلب ائتدیگی حاللاردا بدنی یوما
قرّه = یئنی باشلانان آی، هلال، قاشقا، زلف، گؤزل
قول = دئ، دانیش

د

داد = عدالت، انصاف، یاردیما چاغیرما

دام = تور، تله، اوو قوشو، حبسخانا

داماد = کوره کن

دار = ائو، مکان

دارو = درمان، دوا

دیر = کلیسا

ده = کند

دَبَران = قیرمیزی رنگلی اولدوز آدی

دبیر = کاتب

دوّار = دور ائده ن

دیجور = چوخ قارانلیق

دگل = جوان

اوغلان، حیله، یئلکن

ولال = ناز، عشوه

دم – دم = دقیقه به دقیقه، دینداراللارا گؤره خوش نفس، نفسی تاثیرلی اولان

دَوَران = دولانان، هرلنمه، مراسم

دعوی = ادّعا، طلب

دقّ = چالما، دؤیمه

دمساز = اویوشان، یولداش

دمسرد = لاقید

دندانه = دیش – دیش

دنی = آلچاق، رزیل

دنگ = هوشون ایتیرمیش

دربدر = آواره

دریده = ییرتیلمیش

درمیان = آرالیقدا

درخفا = گیزلیده، خلوتده

درهم = قارما – قاریشیق، کدرلی

دستار = امّامه

دستور = امر، گؤسته ریش

دفاتر = دفترلر

دهر = دونیا، زمانه، طالع

دهری = آخرته ایناما‌یان، تکجه بو دونیایا باغلی اولان

دیدار = گؤروش

دیه = قان بهاسی

دلبند = عزیز، سئویملی، اوره ک اونا باغلی اولان

دل افروز = سئویندیره ن

دلریش = غملی، کؤنولو یارالی

دلساز = گؤزل رفتارلی

دریغ = افسوس، اسیرگه مه

دود = توستو، توتون

دزد = اوغرو

دورد / دُرد = شرابین چؤکونتوسو

درربار = درّ ساچان

دوتا = ایکی قات، قیوریم، ایکی یئره بؤلونمه

دوخان = توستو، قرآن سوره لریندن بیری نین آدی دا دخان اولموشدور

دوش = یوخو، رؤیا

ع

عید = بایرام

عیدِ اضحا = قربان بایرامی

اعراض = تصادفی حادثه

احتراق = یانقی، یانما، آلیشما، بیر سیّاره نین گونشه یاخینلاشماسی، گونش ایله بیر بُرجدا اولماسی

اعجاج = غریبه، معجزه

ر

راز = سرّ

رایگان = مفته

رکوع = نمازدا اگیلمه حالتی

راکع = نمازدا اگیلن

راطب = نم، رطوبتلی

رابع یاز، بهار

رونده = گئده ن

رگ = دامار

رگزن = قان ساچا

رمق = سون نفس

رمیم = چوروموش، چوروک

رنجور = اینجیک، اینجیمیش

رَسَن = ایپ، کندیر

رست = قورتولما، قورتولوش

رها = آزاد، قورتولموش

رشک = قیسقانما، پاخیللیق، غبطه

ریزان = تؤکولن، آخان

ریایی = ایکی یوزلو، ریاکار

رند = حیله گر، هئچ شئیدن چکینمه ین

رندانه = رند کیمی

ریش = یارا، یارالی

رشته = علاقه، باغ

روزه = اوروج، اوروجلوق

روح و لمین = جبراییلین لقبلریندن بیری

روماّن = نار

روماّنی = نار دنه سی رنگی

رموز = رمزلر

ز

زاویه = گوشه، بوجاق

زاد = دوغولموش، حاصل اولموش،

زایل = باتان، فانی، موقّتی

زوال = زاوال، محو اولما، گؤی جسملری نین باتماسی

زغن = ساققال

زورق = قاییق

زلازل = زلزله لر

زمهریر = شاختا

زخم = یارا، یاراlama

زهره = ایگیدلیک، جسارت

زیور = زینت، بزه ک

زنده = دیری، روحلو، دیری باش

زیر = آلت، سازین ان چوخ سس چیخاران سیمیگ

زیر و زبر = آلت – اوست، قارما – قاریشیق

زلال = دورو، سرین، دورو و شیرین سو

زنّار = خریستیانلارین باغلادیقلاری قورشاق

زجاج = بلور، شوشه قاب

ض

ضایع = پوزولموش، هئچ اولموش

ضمیر = ایچ اوزو، باطن، اوره ک، داخلی معناسی

ظ

ظلال = یانیلما

ذ

ذیل = اتک

ذوات = اصیللر، آداملار

ذلّه = سهو

ی

یایاق = پیاده، شاهمات فیگورونون آدی

یاساماق = بزه مک

یاستانما = قاپانماق، اوزو اوسته دوشمک

یکسان = برابر، دوز

یئگ = یاخشی

یلدا = قیشین ان اوزون گئجه سی

یَد = ال، کمک

یدِ بیضا = آغ ال، افسانه یه گؤره موسی نین معجـزه گؤستردیگی آغ الی، باجاریقلی ال

یمین = ساغ ال، ساغ طرف، آند

یسار = سول، دولت، وار

یوغ = یوخ، هئچ

یین = یووار، هین

یسر یسار = راحاتلیق، ثروت، دولت

1393/07/14 قربان بایرامی گونو توکندی